اطلاعاتی درباره

احزاب و جناحهای سیاسی

ایران امروز

مهندس عباس شادلو



- جامعه روحانیت مبارز
- جامعه روحانیون مبارز
- حزب کارگزاران سازندگی
- حزب جبهه مشارکت
- جمعیت مؤتلفه اسلامی
- انصار حزب‌الله
- نهضت آزادی ایران
- مجاهدین انقلاب اسلامی
- حزب اسلامی کار
- حزب همبستگی ایران
- دفتر تحکیم وحدت
- جنبش مسلمانان مبارز
- حزب ملت ایران
- و ...

اطلاعاتی درباره

احزاب و جناحهای سیاسی

ایران امروز

تالیف:
عباس شادلو



۱۳۷۹

اطلاعاتی درباره

احزاب و جناحهای سیاسی

ایران امروز

مرامنامهٔ احزاب و جمعیتها

بنیان گذاران و اعضای فعال

تاریخچهٔ تشکیل

انشعاب‌ها

دیدگاه‌ها

عقیدتی

اقتصادی

فرهنگی

سیاسی

شادلو، عباس، ۱۳۵۲ -
اطلاعاتی درباره احزاب و جناحهای سیاسی ایران امروز / عباس شادلو. ــ تهران: نشر گستره، ۱۳۷۹.
۵۹۳ ص.: ۱۴/۵x ۲۱/۵ س م.
ISBN 964-6595-23-5

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۵۷۱] - ۵۷۲.
۱. حزبهای سیاسی -- ایران -- تاریخ. ۲. ایران -- تاریخ -- جناحهای سیاسی. الف. عنوان.
۲ش۷۹۵آ / JQ۱۷۸۹ ۳۲۴/۲۵۵
کتابخانه ملی ایران ۲۲۲۹۴-۷۹م



عباس شادلو
احزاب و جناحهای سیاسی ایران امروز
چاپ اول: ۱۳۷۹
تیراژ: ۳۳۰۰
صفحه‌آرا: مژگان زمانی‌پور
لیتوگرافی: باختر
چاپ: بیگی

تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، بن‌بست پورجوادی، شماره ۱۳
تلفن و نمابر: ۶۴۶۰۳۸۸
شابک: ۵-۲۳-۶۵۹۵-۹۶۴

فهرست

مقدمه

امروزه اصلاحات در عرصه سیاسی بیش از عرصه‌های دیگر آن در کشور ما بروز و ظهور داشته است بی شک اصلاحات سیاسی در چند سال اخیر باعث افزایش فعالیت احزاب و گروههای سیاسی شده است و معرفی شفاف و بی طرفانه این گروهها در این مقطع زمانی امری ضروری بنظر می‌رسد بر آن شدم که این امر را به نحوی مطلوب برعهده گیرم و با تمام توان و با رعایت امانتداری کتابی در این زمینه تألیف کنم.

در این کتاب اطلاعات نسبتاً کاملی از گروهها و احزاب سیاسی فعال در ایران امروز جمع آوری شده است و قصد از تحریر این کتاب معرفی احزاب و گروهها بدون هیچگونه غرض‌ورزی و پیشداوری راجع به آنهاست. در این کتاب سعی کرده‌ام تا آنجا که ممکن است با حفظ امانتداری از منابع مستند و اطلاعاتی که از طریق همین گروهها در اختیار اینجانب قرار گرفته است استفاده شود و یا اینکه برداشتهایی که اینجانب از گفتگوی شخصی با اعضای عالی رتبه این گروهها داشته‌ام بطور خلاصه مورد استفاده قرار گیرد. از آنجا که برخی احزاب و گروههای سیاسی به صورت یک جریان سیاسی بوده و در عین حالی که تمام عملکردهای یک حزب را دارند ولی به دلایلی، از جمله اوضاع و شرایط

کنونی کشور از پذیرش عنوان حزب برای خود صرفنظر کرده‌اند، در این کتاب ترجیحاً از آنها به عنوان جناح سیاسی یا نیروهای سیاسی مطرح در سطح جامعه یاد شده است. هرچند هنوز در کشور احزاب به صورت کلاسیک و متعارفی شکل نگرفته‌اند و دارای پارامترهای یک حزب واقعی نیستند، اما سعی شده تا آنجا که ممکن است اطلاعات ضروری و در دسترس احزابی که دارای فعالیت ملموس و تشکیلات منسجم‌تر هستند اخذ و در اختیار خواننده قرار گیرد. هرچند در این راه مولف بامشکلات عدیده‌ای برای برقراری ارتباط با احزاب مختلف روبه‌رو شد لیکن امیدواری به شناخت بیشتر اقشار مردم با این گروهها در آینده نزدیک مشکلات را سهل و آسان می‌نمود.

اطلاعات راجع به گروهها و احزاب به تفکیک، هر کدام در یک فصل کتاب به ترتیب گستردگی تشکیلاتی و یا اهمیت سیاسی آنها گنجانده شده‌اند و در هر فصل اطلاعات زیر در اختیار خواننده قرار می‌گیرد.

نام کامل حزب یا گروه، نام دبیر کل، نام سخنگو، اعضای فعال یا شورای مرکزی، مرامنامه گروه یا حزب، تاریخچه تشکیل حزب، گرایشهای سیاسی، تشکیلات و نشریات وابسته، خاستگاه و طبقات اجتماعی، مواضع سیاسی، مواضع اقتصادی و مواضع فرهنگی.

روشن است که چون دیگر موارد این کتاب نیز خالی از اشکال نبوده و دارای نواقصی می‌باشد لذا از خوانندگان عزیز و اساتید ارجمند خواهشمندم اینجانب را از راهنمایی‌ها و ارشادات خود محروم ننمایند و نواقص احتمالی را برای رفع درچاپهای بعدی اطلاع دهند که قرین امتنان خواهد بود. در پایان از تمام احزاب و گروههایی که در زمینه جمع‌آوری مطالب کتاب با اینجانب همکاری نموده‌اند و دیگر کسانی که به نوعی در زمینه جمع آوری حروف‌چینی، چاپ و غیره این کتاب مساعدت نموده‌اند کمال تشکر و امتنان را دارم. در پایان وظیفه خود می‌دانم از همکاری بی‌دریغ و شایان توجه سرکار خانم لیلا شادلو که در بازخوانی و تدوین متون این کتاب مرا یاری نموده‌اند سپاسگذاری و قدردانی می‌نمایم. امید است این سعی ناچیز مقبول افتد.

عباس شادلو
آبان ۱۳۷۹

پیشگفتار

فبشر عباد الذین الیستمعون القول فیتبعون احسنه[1]

مژده آن بندگان را که سخن‌ها را گوش می‌دهند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند.

بی شک انقلاب اسلامی ایران یک حرکت تاریخی و تاریخ ساز نه تنها برای کشورمان که برای کل دنیا به شمار می‌رود چراکه تأثیر عمیق آن بر نهضت‌های آزادیبخش چه مسلمان و چه غیرمسلمان غیرقابل انکار است.

هر انقلاب ذاتاً به دلیل ماهیت آن باعث ایجاد تغییرات وسیع در تمام شئون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه در مدت زمان کوتاهی می‌شود این تغییرات ممکن است باعث دچار شدن هر انقلاب با آسیب‌های ناخواسته شود که گاه به انقلاب زدگی تعبیر می‌شود. اعمال غیرمنطقی، تصمیمات شتابزده، برخوردهای حذفی با برخی از اقشار جامعه، طرح شعارهای غیر معقول و اختلاف سلیقه‌های سیاسی از جمله آسیب‌هایی است که یک انقلاب در بدو پیروزی، به آن دچار است. هرچند با کمی شدت و ضعف اما همواره تمام انقلابها با این مسائل روبه‌رو بوده‌اند. نمونه بارز آن در انقلاب فرانسه و

---

۱. قرآن مجید، سوره الزمر / ۸

محاکمه و اعدام برخی از رهبران آن توسط دیگر نیروهای انقلابی دیده می‌شود. هرچند انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلابها دارای وجه تمایزهای فراوان می‌باشد و مهمترین ویژگیهای آن یعنی اسلامی و مردمی بودن، آن را با تمام انقلابهای سده اخیر جهان متمایز می‌سازد، اما از حیث آسیب‌شناسی انقلاب نمی‌توان کتمان کرد که با کمی تفاوت، انقلاب اسلامی ایران نیز دچار بعضی آسیب‌ها بعد از پیروزی خود بوده است.

اختلاف سلیقه‌های سیاسی و گرایشهای متفاوت نیروهای انقلابی یکی از جدی‌ترین چالشهای انقلاب اسلامی پس از پیروزی بود. ایجاد تشکل‌های سیاسی با مرامهای مختلف که بعضاً دارای شاخه نظامی نیز بودند باعث دامن زدن بیشتر به اختلافات درونی انقلاب شد. ظهور گروههای چون فرقان و روی آوردن برخی از انقلابیون پیشین به گرایشهای مارکسیستی و ورود آنها به فاز نظامی مانند سازمان مجاهدین خلق، انقلاب را شدیداً تهدید می‌کرد. خوشبختانه به دلیل اتفاق نظر اکثر گروههای سیاسی به رهبری واحد انقلاب و ثبات روحی، شجاعت و قاطعیت امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب، بسیاری از این تهدیدات خنثی شد وگرنه انقلاب در همان اوایل با مشکلات عظیم و حتی با احتمال فروپاشی روبه‌رو بود.

پس از بحرانهای سیاسی سال ۱۳۶۰ و ترورهای کور که باعث شهادت چهره‌های سرشناس انقلاب شد، به نظر می‌رسید که کشور هنوز آمادگی پذیرش تخرب و رقابت سیاسی در کنار رفاقت و برادری را ندارد. فقر فکری و عدم منطق‌پذیری و عقل گرایی، تندروی‌های سیاسی و مذهبی، بینش‌های التقاطی، عدم پیروی از دستورات رهبر انقلاب، عدم وجود بینش سیاسی و تحلیل سیاسی درست و بالاخره کمرنگ بودن جوهره تسامح و تساهل و چشم‌پوشی از عیوب دیگران در نزد بعضی از نیروهای انقلابی باعث اختلافات شدید در صفوف انقلابیون پیشین و کادر رهبری گروههای سیاسی آن زمان شده بود، از سوی دیگر شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ و عدم وجود نیروهای منسجم نظامی و سازمان یافته بر مشکلات کشور بیش از پیش افزوده بود، در این وضعیت تنها راه نجات کشور از بحران، توقف موقتی فعالیتهای سیاسی گروهها و جناح‌های سیاسی به نظر

می‌رسید. فرمان امام خمینی(ره) رهبر انقلاب جهت توقف فعالیت گروهها و جناح‌های سیاسی در سال ۱۳۶۰ بهترین و صحیح‌ترین تصمیمی بود که در آن مقطع زمانی می‌توانست کشور را از بن‌بست نجات دهد.

مزیت وجود رهبری جامعه در این اقدام تاریخی امام خمینی(ره) بوضوح دیده می‌شود، چرا که آزادی احزاب صریحاً در قانون اساسی اشاره شده بود اما در آن موقعیت حساس اجرای این بند از قانون اساسی به آن صورتی که جریان داشت چندان عقلانی به نظر نمی‌رسید و چون گذشته کلام آخر در این مورد نیز کلام رهبری انقلاب بود. واقعیت آن است که به گواه تاریخ این عمل امام باعث فروکش کردن بسیاری از اختلافات و ایجاد فضای آرام برای پرداختن به مسائل اصلی آن زمان کشور از جمله جنگ و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های خارجی وارده به کشور انقلاب شد و از بسیاری از عواقب خطرناک و زیانهای جبران‌ناپذیری که آینده انقلاب و ایران را تهدید می‌کرد جلوگیری شد.

پس از جنگ تحمیلی و شروع دوران بازسازی، مهمترین و اساسی‌ترین شعار دولت هاشمی، سازندگی در عرصه اقتصادی و بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ بود. دوره هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بیشتر صرف امور اقتصادی شد تا سیاسی. کم توجهی به توسعه سیاسی و عدم توجه و حتی محدودیت بر سر راه شروع فعالیت برخی احزاب و از طرفی افزایش سطح توقعات مردم و بالا رفتن سطح معلومات سیاسی مردم در این دوره باعث آن شد که یک پتانسیل عظیم توقعات مردمی جهت ایجاد تغییرات گسترده در روشها و برنامه ریزی‌ها و طرز برخورد حکومت با مردم به وجود آید. اواخر دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی زمان اوج‌گیری این مطالبات و خواست همگانی برای تغییرات در سطح کلان جامعه بود و بالطبع به دلیل اتمام دوره ریاست جمهوری وی، رئیس جمهور بعدی می‌بایست پاسخگوی این خواسته‌های مردم باشد. این مسئله شاید مهمترین علت حماسه دوم خرداد و انتخاب آقای خاتمی پاسخی به خواسته‌های به حق مردم برای ایجاد تغییرات بود.

پس از دوم خرداد توسعه سیاسی که از شعارهای مهم خاتمی بود در دستور کار وی قرار

گرفت، اما توسعه سیاسی کشف تازه‌ای نبود بلکه قبلاً در بطن قانون اساسی تشکیل احزاب و فعالیت‌های سیاسی مردم تصریح شده بود، ولیکن تا آن زمان بسترهای لازم برای توسعه سیاسی مناسب به نظر نمی‌رسید، برخی از مسئولین نسبت به این امر بی اعتنا بودند و یا شائبه‌هایی نسبت به تحقق این امر داشتند.

اصل بیست و ششم قانون اساسی در مورد آزادی گروهها و احزاب می‌گوید:

"احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت."

از طرفی مجلس شورای اسلامی قانون فعالیت احزاب را به تصویب رسانده که برخی از بندهای آن به شرح زیر است:

ماده ۱ـ حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمانها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.

ماده ٦ ـ فعالیت گروهها آزاد است، مشروط بر اینکه مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده ۱۶ این قانون نگردند.

ماده ۸ـ به وزارت کشور اختیار داده می‌شود با رعایت این قانون نسبت به ثبت گروهها و صدور پروانه برای آنها اقدام نماید.

ماده ۱۰ـ به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروهها و انجام وظایف مصوبه در این قانون کمیسیونی (کمیسیون ماده ۱۰ احزاب) به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل می‌گردد.

۱ـ نماینده دادستان کل کشور ۲ـ نماینده رئیس قوه قضائیه ۳ـ نماینده وزارت کشور ۴ـ دو نماینده با انتخاب مجلس شورای اسلامی.

ماده ۱۲ـ کمیسیون مذکور در ماده ۱۰ موظف است به پرونده‌های رسیده به نوبت رسیدگی نماید و در صورتیکه پس از رسیدن نوبت ظرف ۳ ماه بدون ارائه دلیل اعلام‌نظر ننماید وزارت کشور موظف است پروانه درخواست شده را صادر کند.

ماده ۱۳ـ مرجع رسیدگی به شکایات گروهها از کمیسیون ماده ۱۰ محاکم دادگستری با رعایت اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌باشد و رأی صادره قطعی است.

مطابق اصل بیست و ششم قانون اساسی آزادی احزاب و گروهها در کشور بر طبق معیارها و موازین قید شده در قانون تضمین شده است. هرچند این قانون در اوایل انقلاب تنظیم و تصویب شد اما تا سالها بعد از آن به دلیل پاره‌ای از مشکلات چون جنگ تحمیلی، عدم تفاهم گروههای سیاسی داخلی، دوره سازندگی کشور و بالاخره نبود شرایط لازم جهت اجرای آن قانون عملاً مورد بی توجهی قرار گرفت. توسعه سیاسی و آزادی احزاب و جمعیتها هرچند بعد از جنگ و در دوره سازندگی به صورت محدود آغاز شده بود اما شروع فعالیت جدی و پر نشاط احزاب سیاسی را می‌توان از سال ۷۶ به بعد و همزمان با آغاز دوره ریاست جمهوری خاتمی دانست. در این دوره وزارت کشور آزادی عمل بیشتری برای اعطاء مجوز به احزاب، گروهها و جمعیت‌های صنفی پیدا کرد و دهها جمعیت صنفی، گروه و حزب و تشکل موفق به اخذ مجوز از وزارت کشور شدند. هرچند فضای لازم برای ظهور و بروز فعالیت احزاب همفکر و ایجاد یک حزب وجود دارد، اما ساختار سنتی قدرت سیاسی، بوروکراسی و عدم قانونمندی در ساختار اداری و اجتماعی جامعه و مشکلات مالی تشکل‌ها در آینده، موانع بسیار بزرگی را بر سرراه تشکلها و دستیابی آنها به یک حزب به معنای واقعی آن در کشور ایجاد کرده است. به دلیل آنکه اکثر احزاب کشور مطابق اساسنامه خود فعالیت اقتصادی ندارند و بار مالی احزاب قاعدتاً باید بر دوش اعضای آنها باشد، لیکن در کشور ما برخی احزاب و گروهها بطور غیررسمی از منابع مالی نامشخص و بعضاً از رانت‌های دولتی استفاده می‌نمایند و هنوز به دلیل نوپا بودن، فاقد ساختار اداری و مالی مشخص و منظمی می‌باشند. از این رو تنها احزاب و گروههایی می‌توانند فعالیتهای خود را گسترش و تعمیق بخشند که به گونه‌ای از لحاظ مالی

به دولت وابسته و یا از امکانات دولتی استفاده می‌کنند. این وابستگی به استقلال فکری و مالی احزاب لطمه زده و تحرک آنها را برای انتقاد سالم از دولت و دستگاههای حکومتی را سلب می‌نماید. البته گروههایی نیز با بضاعت مالی اندک و بالطبع فعالیت محدودتر وجود دارند که فعالیت آنها بیشتر در مقطع انتخابات مجلس و یا ریاست جمهوری شکل می‌گیرد و پس آن فقط موضع‌گیری‌های مقطعی از سوی رهبران آن در برخی از جراید به چاپ می‌رسد و در حقیقت کارکرد حزبی آنها متوقف می‌شود. البته شایان ذکر است که بعضاً احزاب و گروههایی هستند که از طریق صنف خاصی چون بازاریان، یا شرکتهای خصوصی و نیمه خصوصی و افراد حقیقی و حقوقی پشتیبانی مالی می‌شوند که خود جای بحث دارد. در هر صورت احزاب سیاسی ایران اینک در آغاز راه قرار دارند و هنوز زمان کوتاهی از تشکیل بسیاری از آنها نگذشته است و تا رسیدن به یک حزب فراگیر و همه جانبه راه طولانی در پیش دارند.

وظیفه احزاب در جامعه را شاید بتوان سهیم کردن تمام افراد در قدرت سیاسی آن جامعه دانست، با این طرز تلقی روند قانونمندی برای دستیابی افراد جامعه به قدرت سیاسی فراهم آمده و قدرت سیاسی از حالت انحصاری برای گروه یا قشر خاصی خارج می‌شود، از طرفی افراد تعلیم دیده و زبده سیاسی در احزاب پرورش یافته و از طریق آنها به مردم معرفی شده و در صورت تصویب صلاحیت آنها از سوی مردم توسط انتخابات به مناصب عالی حکومتی می‌رسند و بدین طریق پستها و مقامات عالی کشور براساس شایسته سالاری و توانمندی افراد برای اداره آن پست احراز می‌شود و نه از طریق گروهگرایی، قشری‌گری و یا نسبت‌های خویشاوندی. هرگاه احزاب جامعه به چنین رشدی دست یابند که در تمام جهات، نیازهای جامعه به نیروهای کارآمد، سخت کوش، همه جانبه‌نگر و به معنای واقعی مدیر اجرائی برآورده نمایند و به مردم معرفی کنند، می‌توان گفت قدم بزرگی به سوی قانونمندی و شایسته‌سالاری و در نتیجه اصلاح ساختار اداری کشور برداشته شده است. با شکل‌گیری احزاب سیستم توزیع قدرت نیز سالم می‌شود و از انحصار قدرت به دست یک گروه یا یک قشر خاص جلوگیری شده و فرصت

برای بروز تمام استعدادهای نهفته و نیروهای کارآمد و دلسوز کشور فراهم می‌آید. در این صورت می‌توان به آینده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور امیدوار بود.

اینک که فضای باز سیاسی در کشور تا حدودی فراهم آمده است به نظر می‌رسد مهمترین و خطیرترین وظیفه جناحها و احزاب سیاسی کشور آنست که از تشنج آفرینی سیاسی، متهم کردن گروههای رقیب به وسیله انتقادهای مغرضانه، تشویش افکار عمومی، انحصارطلبی و به کارگیری دیدگاهها و روشهای حذفی در مقابل دیگر گروهها خودداری کنند و در یک کلام اخلاق سیاسی را در عین رقابت سازنده، سرلوحه کار خود قرار دهند.

اگر گروههای سیاسی با توجه به قواعد بازیهای سیاسی عمل کنند و به جای تخریب چهره سیاسی گروه مخالف در پی ذکر عملکرد مثبت خود باشند، مردم در انتخاب عملکرد صحیح و برگزیدن عامل آن به عنوان کارگزار آینده خود تردید و اشتباه نخواهند کرد.

انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری، انتخابات اولین دوره شوراها و بالاخره انتخابات مجلس ششم بخوبی این نکته را روشن کرد که مردم به برنامه‌ها، اهداف و شعارهای کاندیداهای گروهها و احزاب رأی می‌دهند، نه به این که فرد تا چه حد شناخته شده است و یا آنکه چه سوابقی در گذشته داشته است. توقع مردم اینک از احزاب سیاسی انعکاس خواسته‌های آنها در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان کشور و عملکرد مجریان دولت است. طبعاً انتخاب آینده مردم براساس میزان همین عملکردها و برآورده شدن خواسته‌های آنان خواهد بود.

اکنون در وضعیت حساس کنونی که کشور از لحاظ اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند، لزوم آرامش در فضای سیاسی کشور بیش از پیش احساس می‌شود و بی‌تردید حفظ آن، ضرورت و اولویت اول کشور است. اعتمادسازی متقابل با شرکای اقتصادی خارجی و تشویق سرمایه گذاران خارجی و داخلی منوط به وجود ثبات و امنیت واقعی در کشور و ایجاد نوعی مردم سالاری با دوام در کشور است. هرچند امنیت ظاهری تا حدود زیادی در کشور برقرار است اما ایجاد موجها و بحرانهای سیاسی کوتاه که هر از چند گاه از سوی برخی جناح‌ها علی‌الخصوص بعد از شروع اصلاحات رئیس

جمهور خاتمی اتفاق افتاده است، ضربات جبران ناپذیری به امنیت داخلی کشور و وجهه بین‌المللی ایران وارده کرده است. از طرفی موجب فرار سرمایه‌ها و نیروی انسانی کارآمد و متخصص از کشور و در نتیجه عدم سرمایه‌گذاری کافی و بالاخره عدم تولید و در نتیجه تشدید بحران بیکاری در کشور شده است. متأسفانه این بحران‌سازی‌ها تا حدود زیادی موفق بوده و بسیاری از برنامه‌های اصلاح‌طلبانه خاتمی را دچار وقفه نموده است. وجود رکود اقتصادی، تورم، بیکاری، ناامنی، ظهور بحرانهای اجتماعی و فرهنگی، تضعیف روحیه ملی، فرار مغزها و معضلات اجتماعی نظیر مواد مخدر و فحشاء همه و همه به نوعی معلول بحرانهای سیاسی در جامعه است.

در شرایط کنونی تمام احزاب و جناحها باید با درک شرایط موجود با همه توان در رفع تنش‌ها بکوشند و تشنج‌زدایی در سطح ملی را اولویت برنامه‌های خود قرار دهند و از طرفی با رعایت قواعد و اخلاق سیاسی به انتخاب مردم احترام گذارده و به جای طرح مسائل حاشیه‌ای برای حذف رقیب سعی در اصلاح خود و جلب‌نظر مردم را بنمایند، تنها وفاق ملی و تحمل گروههای سیاسی است که فضای مطلوب برای سازندگی و بالندگی نظام را فراهم می‌آورد. هرگاه تندروی و افراط و تفریط، بسته نگری و احساسات ناپخته احزاب و گروهها جای خود را به عقل‌گرایی، اعتدال، پذیرش منطق، استدلال، گفتگو، تحمل و انتقادپذیری دهد می‌توان گفت رشد سیاسی در جامعه بروز یافته و چنین جامعه‌ای زمینه پذیرش خیر و صلاح را خواهد داشت و می‌تواند گامهای بلندی بسوی کمال برداشته و مطمئناً در چنین جامعه‌ای امکان بررسی و حل و فصل مشکلات و معضلات وجود خواهد داشت. باید پذیرفت که در جامعه امروز ما احزاب و جناحها بعضاً در ایجاد وفاق، همدلی و وحدت ملی موفق نبوده‌اند و البته عوارض آن دامنگیر کل جامعه علی‌الخصوص جوانان شده است، امید آنست که در آینده احزاب و گروهها با پوشش نقاط ضعف و رفع اختلافها از طریق گفتگو زمینه همدلی را فراهم آورده و به جای منافع مقطعی گروهی، منافع ملی و مردم را در نظر گرفته و در جهت آرمانهای مردم قدم بردارند.

تقسیم بندی گروههای سیاسی ایران امروز

با توجه به پیچیدگی‌های حاکم بر فضای سیاسی امروز کشور بحث راجع به تقسیم‌بندی گروههای سیاسی در ایران امروز کمی دشوار می‌نماید. زیرا اولاً هیچ یک از گروهها و جناحهای سیاسی ایران امروز در قالب احزاب با مرامهای تعریف شده و کلاسیک امروزی نمی‌گنجند، چرا که اکثر گروهها و جناح‌ها دارای دیدگاههایی مبتنی بر اعتقادات اسلامی بوده و اکثراً به عدم جدایی دین از سیاست معتقد هستند و این امر باعث تفاوت ماهوی در روشها و منش‌ها ما بین جناحها و احزاب ایران امروز با احزاب سیاسی دنیا می‌شود که براساس تعریفهای کلاسیک مادی شکل گرفته‌اند و از طرفی احزاب سیاسی دنیای امروز قائل به جدائی دین از سیاست هستند و آنرا به عنوان اصل حاکم برجهان سیاسی پذیرفته‌اند.

ثانیاً: کم تجربگی و نوپا بودن احزاب سیاسی ایران امروز باعث آن شده که آنها نتوانند به صورت تشکلهایی سازمان یافته مطابق استانداردهای متداول در دنیای سیاست امروز ظهور یابند. از طرفی عدم تدوین رسمی مواضع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی این احزاب نوپا باعث آن شده که نتوانند همانندسازی جامعی بین دیدگاهها خود و مکاتب سیاسی تعریف شده و متداول در دنیای امروز انجام دهند. به عبارت دیگر تعاریف پذیرفته شده برای سبکهای سیاسی متداول در دنیای سیاست به هیچ وجه به طور کامل قابل تعمیم به هیچ یک از گروهها و احزاب سیاسی ایران امروز نیست.

ثالثاً: عدم شفافیت در موضع‌گیری‌ها و یا تغییر موضع گروههای سیاسی پس از گذشت زمان یکی دیگر از مشکلات در زمینه تقسیم‌بندی این گروهها است.

بهر تقدیر با توجه به برداشتهای کلی از عملکرد و مواضع این احزاب در گذشته و حال، همچنین اصطلاحات و عبارات متداول در مطبوعات و بین علمای سیاست که به هر یک از گروهها نسبت داده می‌شود می‌توان یک تقسیم بندی فرضی که تا حدودی با واقعیت احزاب و گروههای مختلف مطابقت داشته باشد را انجام داد، اما قبل از این تقسیم بندی لازم است دو مفهوم متداول در مباحث سیاسی امروز کشورمان را تعریف کنیم. یکی جناح راست یا

گروههای راست و دیگری جناح چپ یا گروههای چپ، که البته لازم به یادآوری است که این دو مفهوم به معنای واقعی آن در عرصه سیاسی امروز کشورمان وجود ندارند. بنابراین ما در اینجا مفهوم پذیرفته شده و مورد قبول اکثر صاحب نظرات سیاسی را مطرح می‌کنیم:

الف) جناح راست: گفته می‌شود که اصطلاح چپ و راست برای گروههای سیاسی به مجمع ملی فرانسه که پس از انقلاب کبیر فرانسه تشکیل شده بود مربوط می‌شود. در آن مجمع نمایندگان تندرو در طرف چپ و محافظه کارها در طرف راست مجلس می‌نشستند که البته این سنت بعدها در دیگر پارلمانهای اروپایی نیز باب شد.

مفهوم راست را می‌توان به نوعی ارتجاع و مخالفت با هرگونه تغییر یا نوگرایی و یا به عبارتی اصرار به محافظه کاری دانست. برخی از ویژگیهای گروههای راست یا جناح راست عبارتند از:

۱) بی تفاوتی نسبت به اختلاف طبقاتی و یا به عبارتی پذیرش اقتصاد سرمایه داری و در نتیجه نابرابری سطح امکانات افراد مختلف جامعه.

۲) تأیید بر لزوم وجود نهادهای سنتی قدرت جامعه مثل سلطنت، رهبری مذهبی، انتقال قدرت به صورت موروثی و غیره.

۳) تأئید و تشویق ملی گرایی (ناسیونالیسم) و تهییج احساسات میهن‌پرستانه و حتی نژادپرستانه و تبلیغ و رجحان فرهنگ ملی و بومی بر فرهنگ بیگانه.

۴) اصالت دادن به نظام دموکراسی پارلمانی و قانونگرایی.

۵) تأکید بر اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، سرمایه‌داری، جریان آزاد سرمایه و تولید و رونق اقتصادی.

ب) جناح چپ: مفهوم چپ به گروههایی اطلاق می‌شود که خواستار اصلاح در دستگاه حاکم و حفظ روحیه انقلابی در جامعه همچنین ترقی خواهی، برابری‌خواهی، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر می‌باشند و به معنای دیگر جناح چپ به گروههای انقلابی تندرو و هوادار تغییرات در جامعه گفته می‌شود که دارای دیدگاههایی به شرح زیر می‌باشند:

۱) طرفداری از تغییرات کلی و سریع اجتماعی و اقتصادی در جهت ایجاد برابری اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه و از میان برداشتن فاصله طبقاتی با دخالت هرچه بیشتر دولت در امور اقتصادی و اجتماعی.

۲) طرفداری از عقل‌گرایی و منطق و استدلال در پذیرش مسائل مذهبی و داشتن باورهای فلسفی دینی همچنین پشتیبانی از آزادی آراء و عقیده و مذاهب و فرقه‌ها.

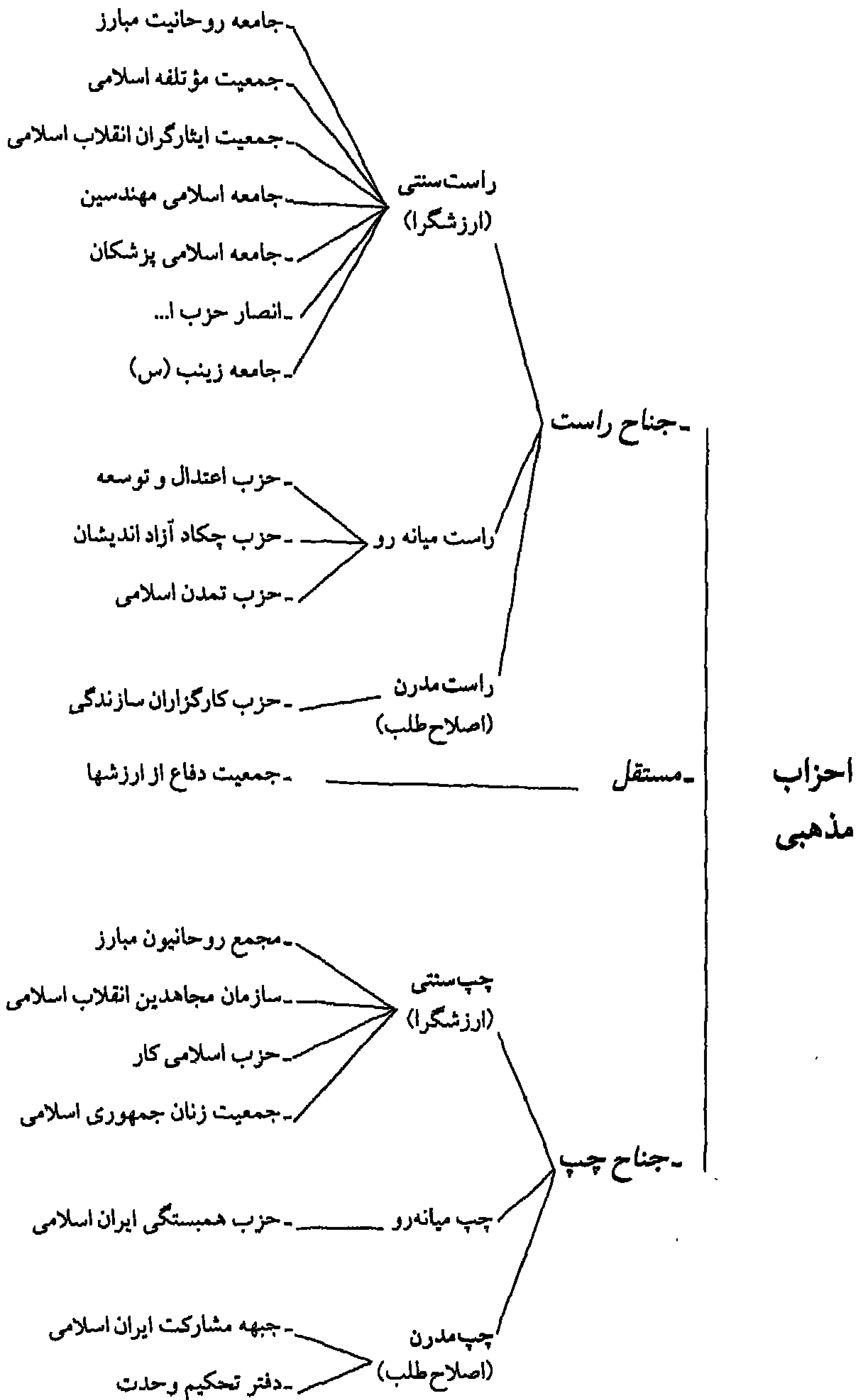
۳) تأکید بر انترناسیونالیسم در مقابل ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی افراطی بدین معنی که این گروهها دارای عقاید و سیاستهایی هستند که بر منافع مشترک اقوام و ملتها تکیه می‌کنند و با ملی گرایی تندرو مخالفند اینان با رد قدرت ملی یا امپریالیسم بر این عقیده‌اند که اگر روابط مسالمت‌آمیز بین دولتها برقرار باشد بین ملتها نیز روابط بهتری برقرار خواهد بود.

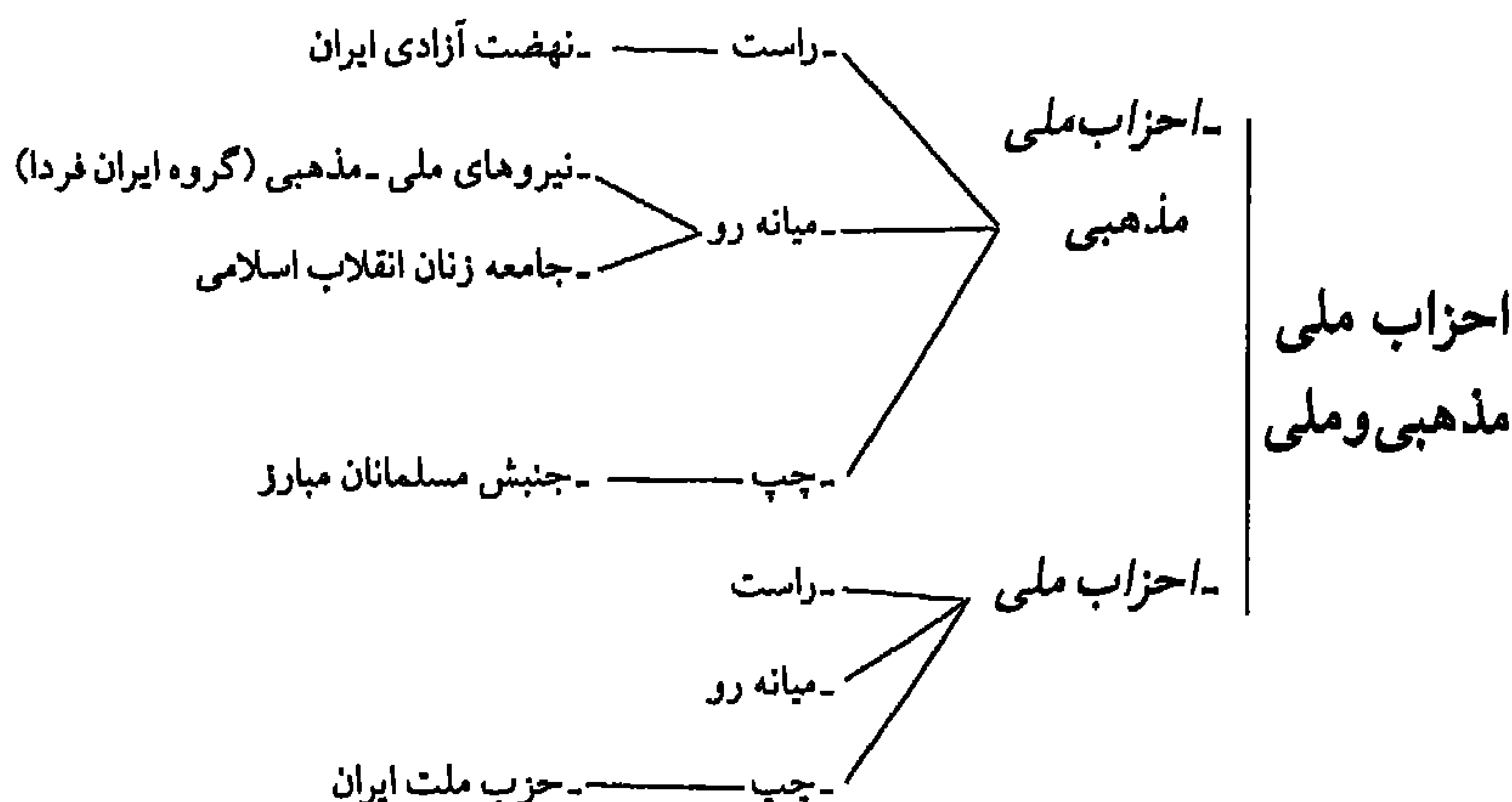
۴) گرایش به سنت شکنی و روحیه انقلابی در تمام طول تاریخ، اجرای طرحهای تازه اجتماعی، مخالفت با محافظه کاری، ارتجاع، انحصارطلبی و برعکس ایمان به مردم به عنوان مرجع تصمیم‌گیری و قدرت سیاسی و پذیرش آراء آنها در نتیجه پذیرش دموکراسی یا مردم سالاری.

۵) در عرصه اقتصادی طرفدار رفع اختلاف طبقاتی، جلوگیری از انباشت سرمایه در دست طبقه خاصی از جامعه و مخالفت با هرگونه انحصار اقتصادی در نهادهای اقتصادی خصوصی و خواهان دخالت و اعمال کنترل دولت بر تمام بخشهای اقتصادی و حتی به دست‌گیری کامل جریان اقتصاد به دست دولت هستند.

با تعریف این دو مفهوم و براساس نظرات و آراء برخی از اندیشمندان سیاسی، جناح‌های سیاسی موجود در کشور را می‌توان به دو جناح عمده چپ و راست و هر یک از این جناح‌ها را به سه زیر گروه دیگر تقسیم‌بندی کرد. بر این اساس جناح چپ را به چپ‌سنتی یا ارزشگرا و چپ مدرن (اصلاح طلب) و چپ میانه‌رو جناح راست را به راست سنتی یا ارزشگرا و راست مدرن (اصلاح طلب) و راست میانه‌رو می‌توان تقسیم‌بندی نمود.

نمودار روبرو گروهها و احزاب سیاسی امروز کشور را در غالب این شش گروه تقسیم بندی نموده است.


احزاب مذهبی
ـ جناح راست
راست سنتی (ارزشگرا)
ـ جامعه روحانیت مبارز
ـ جمعیت مؤتلفه اسلامی
ـ جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی
ـ جامعه اسلامی مهندسین
ـ جامعه اسلامی پزشکان
ـ انصار حزب ا...
ـ جامعه زینب (س)
راست میانه رو
ـ حزب اعتدال و توسعه
ـ حزب چکاد آزاد اندیشان
ـ حزب تمدن اسلامی
راست مدرن (اصلاح طلب)
ـ حزب کارگزاران سازندگی
ـ مستقل
ـ جمعیت دفاع از ارزشها
ـ جناح چپ
چپ سنتی (ارزشگرا)
ـ مجمع روحانیون مبارز
ـ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
ـ حزب اسلامی کار
ـ جمعیت زنان جمهوری اسلامی
چپ میانه‌رو
ـ حزب همبستگی ایران اسلامی
چپ مدرن (اصلاح طلب)
ـ جبهه مشارکت ایران اسلامی
ـ دفتر تحکیم وحدت



در این کتاب برای هر یک از این گروهها با توجه به تشابه نظرات و دیدگاههای آنها به مکاتب سیاسی در غرب یک همانند سازی انجام شده و معادل نام نوع دیدگاههای این گروهها در مکاتب سیاسی غربی ذکر شده است. از این رو ناچاریم برخی از مکاتب سیاسی غرب یا واژه‌های سیاسی مصطلح در جامعه را که به گروههای سیاسی داخلی نیز اطلاق می‌شود تعریف کنیم. این اصطلاحات[1] عبارتند از:

ارتجاع: در لغت به معنی «بازگشت» یا «بازگشت‌کننده» یا «گذشته‌پرستی» و «گذشته‌خواهی» می‌باشد. به گروههایی اطلاق می‌شود که مخالف هرگونه تغییرات بنیادی یا ظاهری در روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کنونی جامعه هستند و یا خواستار خنثی شدن تغییرات بوجود آمده در جامعه و بازگشت به گذشته می‌باشند و با هرگونه پیشرفت در جامعه مخالف هستند.

اکونومیسم: مقدم داشتن اقتصاد و تأمین معیشت مردم بر سیاست و مبارزه سیاسی.

آنارشیسم: مبنای فکری که برپایه دشمنی با دولت استوار است و در عین حال وجود هرگونه قدرت سازمان یافته اجتماعی و دینی را نیز قبول ندارد. برخی، آنارشیست‌ها را

---

۱. دانشنامه سیاسی تألیف: داریوش آشوری.

آشوب طلب و هرج و مرج خواه معرفی می‌کنند، در حالی که اینان برخلاف این مطلب جامعه پرآشوب و بی‌سامان نمی‌خواهند، بلکه به نوعی نظام که بر اثر همکاری آزادانه افراد آن جامعه بنا شده است اعتقاد دارند و بهترین جامعه را جامعه‌ای خودگردان می‌دانند.

انترناسیونالیسم: عقاید و سیاستهایی که بر منافع مشترک اقوام و ملتها تکیه می‌کند و با ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) پرخاشگرانه مخالف است.

اصطلاح‌طلبی: طرفداری از سیاست تغییرات زندگی اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی با روشهای ملایم و بدون تنش‌زائی در جامعه و از راههای دموکراتیک.

تشنج‌زدایی: کاهش تنش سیاسی در روابط دولتها یا سیاست همزیستی «مسالمت‌آمیز».

جمهوری: نوعی حکومت که خانوادگی و یا براساس جانشینی موروثی رئیس حکومت نیست و در آن مدت ریاست جمهوری محدود و انتخاب رئیس جمهور از طریق رأی مستقیم یا غیرمستقیم مردم انجام می‌شود.

دموکراسی یا مردم سالاری: عبارت از حق همگانی برای شرکت در تصمیم‌گیری در تمامی امور جامعه که به دو نوع دموکراسی مستقیم که در آن مردم بطور مستقیم در وضع قوانین شرکت می‌کنند و دموکراسی غیرمستقیم که در آن نمایندگان خواست اکثریت مردم را به اجرا می‌گذارند تقسیم‌بندی می‌شود.

از نظر سیاسی دموکراسی در عمل به معنای حکومت اکثریت رأی‌دهندگان یعنی نصف به علاوه یک رأی‌دهنده اطلاق می‌شود.

رادیکالیسم: گرایش به دیدگاههای سیاسی تندرو در مقابل میانه‌روی در عملکردهای سیاسی و عبارت از نظرها و روشهایی که خواهان دگرگونی بنیادی و فوری در نهادهای اجتماعی و سیاسی موجود هستند و در مورد تمام جناح‌های سیاسی چه راست و چه چپ و چه مکاتب سیاسی متفاوت می‌توان صفت تندروی را برای برخی از اعضای تندرو آن در نظر گرفت.

رواداری (تسامح و تساهل): روا دانستن و محترم شمردن وجود عقاید و آراء مخالف و گوناگون سیاسی، دینی، اجتماعی، فلسفی، هنری در درون یک نظام سیاسی و اجتماعی.

تسامح و تساهل یا رواداری یکی از اصول مهم لیبرالیسم و دموکراسی جدید است. بنابر اصل تسامح و تساهل رشد و بالندگی جامعه و دستیابی به نظم عقلی سیاسی و اجتماعی بر پایه گزینش آزادانه افراد هنگامی ممکن است که جامعه و قدرت حاکمه اصل رواداری را پذیرفته باشند و همچنین مطابق این اصل آزادیهای فردی تنها هنگامی پابرجا و در امان است که جامعه وجود باورها و آراء گوناگون را بپذیرد و آن را تحمل کند.

سرمایه داری (کاپیتالیسم): سیستمی که در آن مالکیت خصوصی سرمایه تعیین‌کنندهٔ نظام اقتصادی و سیاسی آن جامعه و به وجود آورنده یک نظم خاص در جامعه است که در آن طبقه حاکم سرمایه دار یا بورژوازی از نیروی تولیدی جامعه به سود خود بهره گیری می‌کند.

سوسیالیسم (جامعه گرایی): تئوری سیاسی که هدف آن مالکیت یا نظارت جامعه بر وسایل تولید، سرمایه، زمین، اموال و جزء آنها بطور کلی و ادارهٔ آنها به سود همگان است. به عبارتی سوسیالیسم طرفدار مالکیت و نظارت عموم افراد جامعه می‌باشد که بر خلاف و مقابل لیبرالیسم اقتصادی و فردگرایی و نفع فردی است. سوسیالیسم بر این عقیده است که دخالت اکثریت و دولت در مقام نمایندگی اکثریت می‌تواند نفع عمومی را تضمین کند. نمونه کشورهای سوسیالیست را در گذشته در فرانسه و اکنون در اکثر کشورهای اسکاندیناوی نظیر سوئد، فنلاند و غیره می‌توان دید.

سوسیال دموکراسی: شاخه‌ای از سوسیالیسم که بر اصل مردمسالاری (دموکراسی) برای دگرگونیهای اجتماعی و اصلاح‌طلبی تأکید دارد و نه بر انقلاب. این طرز فکر بر چند کشور اروپایی حاکم است.

فاشیسم: در اصطلاح عام عبارتست از رژیمهای استوار بر دیکتاتوری، ترور و خشونت. فاشیسم نشأت گرفته از حکومت ایتالیا در زمان موسولینی در جنگ جهانی دوم است و حکومت موسولینی در آن زمان و حکومتهای مشابه را فاشیسم می‌گویند، مثلاً حکومت هیتلر در آلمان در زمان جنگ جهانی دوم و قبل از آن.

فرد باوری: نظریه سیاسی و اخلاقی که کامروایی فرد را غایت عمل اجتماعی و زندگی می‌شمارد و پایه آن بر این فرض است که سودجویی فرد به خودی خود به سود کلی جامعه

می‌انجامد.

فن سالاری (تکنوکراسی): حکومتی که در آن دانشمندان، مهندسان و کارشناسان اقتصادی قدرت حاکمه را تشکیل دهند. قدرت فن‌سالاران (تکنوکراتها) در حوزه تصمیم‌گیریهای ایشان در زمینه برنامه‌ریزیهای اقتصادی و طرح‌ریزیهای استراتژیک سیاسی و نظامی و گسترش علم و پژوهش است.

کثرت باوری یا پلورالیسم: در سیاست به معنای باور به کثرت و استقلال گروههای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در هر سیستم و هواداری از ارزشهای اخلاقی و لزوم وجود گروههای گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در نظام است. کثرت باوران بر تقدم حقوق بعضی گروهها و نهادها مثل خانواده، کلیسا، اتحادیه‌ها و حکومتهای محلی بر دولت تأکید می‌کنند و بر این عقیده‌اند که دولت مرکزی نباید انحصاری باشد بلکه دیگر نهادهای اجتماعی باید مقدم بر دولت و مستقل از دولت و قدرتمند باشند.

کمونیسم: در لغت بمعنای «اشتراکی» و از دیدگاه سیاسی عبارت از ایده‌هایی اجتماعی که هدفش مالکیت اشتراکی تمام دارایی‌های یک جامعه است. یعنی برابری همه افراد جامعه بطور مساوی در داشتن اموال جامعه، شعار کمونیست‌ها اینست که «از هر کس به اندازه تواناییش و به هر کس به اندازه نیازش»

لیبرالیسم یا آزادیخواهی: مجموعه روشها و سیاستها و ایدئولوژیهایی که هدفشان فراهم کردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد است. به هوادار این سیاستها لیبرال یا آزادیخواه می‌گویند.

اصول اصلی سیاستهای لیبرالی عبارتند از:

۱) ارزشمند شمردن بیان آزادانه عقاید فردی ۲) این گروه بر این عقیده‌اند که آزادی در بیان عقیده به سود جامعه و فرد است. ۳) پشتیبانی از نهادهای اجتماعی که آزادی‌های عقاید را ممکن می‌کند. ۴) در عرصه اقتصاد از بازار آزاد اقتصادی هواداری می‌کنند. ۵) چندگانگی مراکز قدرت «کثرت‌باوری». لیبرالیسم اقتصادی که مبنای آن عملکرد عادی بازار آزاد می‌باشد اکنون در آمریکا و بسیاری از

کشورهای اروپایی در حکومت کاملاً دخالت دارد.

ماتریالیسم: ماده گرایی یا دیدگاهی که به تاریخ با دید مادی می‌نگرد.

ماتریالیسم دیالکتیک: نظریه فلسفی در زمینه ما بعدالطبیعه که معتقد است بنیان هستی «ماده» است و همه صورتهای هستی از منشأ مادی به وجود آمده‌اند و یا تغییر و توسعه یافته ماده‌اند، که بر طبق قوانین خاص که دیالکتیک نامیده می‌شوند تغییر می‌یابد.

مارکسیسم: نظریه‌ای در زمینه چگونگی تحول در زندگی اجتماعی و تاریخی انسان و قوانین حاکم بر آن که پایه گذار آن کارل مارکس و انگلس می‌باشند. بر طبق این نظریه نظام سرمایه داری به حدی پیشرفت می‌کند که فاصله طبقاتی بین قشر سرمایه‌دار و توده‌های فقیر جامعه یا طبقه پرولتاریا بیش از پیش افزایش می‌یابد، یعنی طبقه جدیدی از کارگران استثمار شده در بخش صنعت به وجود می‌آیند که بر ضد نظام سرمایه‌داری و بهره کشی وارد عمل شده و باعث نابودی سرمایه داری شده و بدین وسیله کل بشریت به آزادی‌های دلخواه می‌رسند. به تعبیر دیگر هر پدیده‌ای در درون خود همزاد متضاد با خود را پرورش می‌دهد که پس از گذشت دورانی آن پدیده متضاد طی فرایندی باعث نابودی به وجود آورنده خود می‌شود. مثل نظام سرمایه‌داری که یک توده کارگری فقیر یا طبقه پرولتاریا را در درون خود رشد می‌دهد و پس از دوره‌ای این طبقه بر علیه نظام سرمایه‌داری قیام کرده و نظام سرمایه‌داری را سرنگون می‌کند.

محافظه کاری: بینش سیاسی که نهادهای قدیمی و ریشه‌دار را از نهادهای نو و بی‌تجربه ارزشمندتر و قابل اعتمادتر می‌داند. بر طبق این بینش سیاسی اهمیت قانون و نظم، پیوستگی، سنت، احتیاط در نوآوری و اهمیت آداب و رسوم اجتماعی مورد تأکید هستند. اینان معتقدند که امکان نابودی شر و بدیها از روی زمین وجود ندارد، زیرا ذات بشر ناقص است. اصول محافظه کاری عبارتند از:

محافظه کاری در برابر تندروی (رادیکالیسم) گروههای سیاسی و انقلاب خواهان، حفظ اصول لیبرالیسم، احترام به مالکیت خصوصی افراد، پذیرش درجاتی از نابرابرهای اقتصادی و غیره میان افراد جامعه، عدم دخالت فراگیر دولت در اقتصاد، حفظ آزادیهای

فردی و سنتها و رسوم اجتماعی و نهادهای سیاسی و تاریخی.

ناسیونالیسم (ملی‌گرایی): عبارت است از دیدگاهی که وطن پرستی و ویژگیهای ملی چون نژاد، زبان، سنتها و عادتها، ارزشهای اجتماعی و اخلاقی و به طور کلی فرهنگ یک کشور را به گونه مبالغه‌آمیزی برتر می‌شمارد و گاه ممکن است فرهنگ ملی خود را برترین فرهنگ نسبت به دیگر ملتها بداند. وفاداری به خاک و تمامیت ارضی و فداکاری برای پاسداری از کشور از پایه‌های اساسی ملی‌گرایی بشمار می‌رود.

لیست احزاب و شکلهای قانونی کشور

تا مردادماه ۱۳۷۹ تعداد ۱۱۰ حزب و جمعیت سیاسی از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور پروانه فعالیت دریافت کرده‌اند. نظر سنجی‌های عمومی نشان می‌دهد که مردم شناخت اندکی از این احزاب و مؤسسین و اهداف و عملکرد آنها دارند.

نام و تاریخ تشکیل و اعضای هیئت مؤسس ۹۴ حزب و شکل سیاسی به ترتیب تاریخ اخذ مجوز از وزارت کشور در پی می‌آید.

۱ـ جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران (۶۸/۴/۱۲) ـ زهرا مصطفوی، مرضیه حدیدچی (دباغ)، ربابه رفیعی طاری (فیاض بخش)، فاطمه ایران منش، صدیقه مقدسی، قدسیه فیروزان، سهیلا جلودارزاده، فاطمه طباطبایی.

۲ـ مجمع روحانیون مبارز (۶۸/۴/۱۲) ـ مهدی کروبی، سید علی‌اکبر محتشمی‌پور، سیدمحمد علی ابطحی، سیدعبدالواحد موسوی لاری، مجید انصاری، اسدا... بیات، سیدمحمد خاتمی، رسول منتجب‌نیا، صادق خلخالی گیوی، سیدمحمود دعایی، محمدرضا توسلی.

۳ـ جمعیت فدائیان اسلام (۶۸/۴/۱۲) ـ محمد مهدی عبد خدائی، محمدعلی لواسانی، سیدمحمد میرداماد اصفهانی، محمدرضا نیک‌نام امینی، سیدجواد واحدی، سیدحسن مرتضوی، اصغر عمری، علی بهار همدانی، محمد مهدی فرجو.

۴ـ کانون هنرمندان و نویسندگان مسلمان (۶۸/۴/۱۲) ـ مرتضی حیدری، فرزین

نگارستان، سیدمحمدباقر فدوی، ادهم ضرغام، بیت ا... ستاریان، سیدامیر منصوری، ابوالقاسم کافی، علیرضا نوروزی طلب.

۵ـ جامعه روحانیت مبارز تبریز (۶۸/۵/۲۸) ـ سیدحسین موسوی تبریزی، محمد ایمانی جامچی، محمد کریمی، سیدرضی بلاغی، قدرت شجاعی، نجف آقازاده استرکان، اسحاق فروتن، محمد روحانی زاده، عزت لاهوتی.

۶ـ حزب هدایت اسلامی (۶۸/۱۱/۱) ـ علی اکبر خوشرو، سیدحسین ابطحی، ابراهیم حیدری، علیرضا ا...دادی، داریوش زرگری، ابراهیم شمس، محمدرضا طالبیان (در سال ۷۵ رسماً منحل گردید.)

۷ـ کانون فارغ التحصیلان شبه قاره هند (۶۸/۱۲/۱) ـ منوچهر متکی، سیدمهدی نبی‌زاده، عباسعلی تسلیمی، جواد سلیمی، مهدی محتشمی، سیداحمد میرجعفر تفتی، انوشه گیلانی‌نژاد، مسعود محمد زمانی، محمد اسدی طاری.

۸ـ جمعیت مؤتلفه اسلامی (۶۹/۹/۲۱) ـ حبیب‌ا... عسگر اولادی، سیداسدا... بادامچیان، سیداصغر رخ صفت.

۹ـ کانون اسلامی مهندسین (۶۹/۹/۲۱) ـ غلامرضا عبداللهی، مجید حبیبیان، مختار متین رزوم، علی‌اصغر خشه‌چی، مصطفی نوری لطیف، محمد حسن نجفی قدسی، محمدحسن تولایی، احمد روشنفکر راد.

۱۰ـ کانون ولی‌عصر (۶۹/۱۲/۱۸) ـ رمضان جنتی رضوی، حسن امیری قریه علی، محمد سهرابی، حسن رشیدی، محمدعلی خراسانی، علی اکبر امیری، محمدعلی حکیمی، غلامرضا خراسانی.

۱۱ـ انجمن اسلامی معلمان ایران (۷۰/۱/۲۱) ـ مرتضی کتیرائی، اصغر نوروزی موحدنیا، عباس دوزدوزانی، گوهرالشریعه دستغیب.

۱۲ـ جامعه اسلامی مهندسین (۷۰/۳/۸) ـ حسن غفوری فرد، محمدرضا باهنر، سیدمحسن بهفر، سیدمرتضی نبوی، سیدمجتبی شهره هاشمی، غلامحسین امیری.

۱۳ـ انجمن مهندسان ایران(۷۰/۷/۱۰) ـ رحمت اله خسروی، محمدرضا بهزادیان، علی

محمد احمدی، سیدحسن الحسینی، کریم ملک آسا، احمد کبیری، محسن نریمان، محمد قمی.

۱۴ـ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران (۷۰/۷/۱۰) ـ محمد سلامتی، بهزاد نبوی، حسین صادقی.

۱۵ـ انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها (۷۰/۸/۲۰) ـ نجفقلی حبیبی، علیرضا صفاریان، محمد صارمی، داوود سلیمانی، قربان بهزادیان نژاد، میرفضل ا... موسوی.

۱۶ـ جامعه زینب(س) (۷۰/۸/۲۰) ـ مریم زعفرانی بهروزی، منیره نوبخت، نفیسه فیاض‌بخش، پروین سلیحی، شمسی معتمدی، اعظم نوشه‌گل، ناهید اعظم، رام پناهی، معصومه رضائی نظری.

۱۷ـ خانه کارگر (۷۰/۱۰/۱۵) ـ علیرضا محجوب، حسین کمالی، علی ربیعی، رضا محمدولی، محمد دانشور، اسرافیل عبادتی، محمود اسدی.

۱۸ـ مرکز اسلامی دانشگاهیان (۷۱/۲/۲) ـ رضا دهقانی فرزام، مینو راست‌منش، محمدرضا شیرزاد، اصغر ذکائی، مجید قائمیان، بهمن نوری، ناصر درخشان، علی حسین‌پور.

۱۹ـ انجمن اسلامی مهندسان زمین‌شناسی و معدن ایران (۷۱/۳/۶)ـ حسین مظفری نژاد، محمدباقر فرهادیان، ابراهیم راستاد، محمدحسین اختیار آبادی.

۲۰ـ انجمن اسلامی مهندسین خراسان (۷۱/۹/۴) ـ علی‌اصغر اعظمی، حسن علیجانی مقدم، عباس امیری‌پور، احمد شخص سلیم، سیدمحسن بنی‌هاشم چهارم، احمدیار احمدی خراسانی، سیدهاشم بنی هاشمی، سید خلیل مهدیزادگان.

۲۱ـ انجمن اسلامی پزشکان (۷۱/۱۱/۱) ـ علی‌اکبر ولایتی، عباس شیبانی، دکتر شهرزاد، وحید دستجردی، شهاب‌الدین صدر.

۲۲ـ انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران (۷۲/۱/۲۱) ـ محمد فرهادی، احمدعلی نور بالا تفتی، حسن حسینی تودشکی، سیدمحمد صدر، محمدرضا راه‌چمنی، امیدوار رضائی میرقائد، سیدحسین فتاحی، محمدرضا واعظ مهدوی.

۲۳ـ کانون اسلامی دانشگاهیان خراسان (۷۲/۲/۱۰) ـ مهدی حسن‌زاده، محمدعلی گندمی، مهدی پارسا، محسن رزمی، سیدمجتبی سادات نعلچیان، محمدصادق جوادی حصار، ولی نیکنام شاهرک، نعمتا... رشید نژاد، محمدتقی کره‌ای، محمدجواد واعظی‌پور.

۲۴ـ جامعه اسلامی بختیاریها (۷۱/۳/۶) ـ اسدا... کیان ارثی، امیدوار رضائی، قاسم سلیمانی، علی یوسف‌پور، قلی شیخی، علی قنبری، ذبیح کریمی، محمدرضا میرغایب.

۲۵ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان اروپا، آمریکا و اقیانوسیه (۷۱/۵/۱۴) ـ مهرداد فولادی نژاد، سیدحسین فصیحی لنگرودی، علی خوش باطن، ابراهیم نعمتی‌پور، علی اصغری، حمید مهدیقلی، حسین رقمی زاده، سیدامیرالدین صدرنژاد.

۲۶ـ جامعه اسلامی فرهنگیان (۷۱/۶/۱) ـ عزتا... دهقانی، منصوره فرهمندزاده، مریم زعفرانی بهروزی، منیره نوبخت، سیدابوالقاسم رئوفیان، علی فرهمندزاده، اسدا... بادامچیان، محمدالهیان.

۲۷ـ جامعه زنان انقلاب اسلامی (۷۱/۹/۴) ـ اعظم علائی طالقانی، بدرالملوک امام‌پور، پروین‌دخت یزدانیان.

۲۸ـ انجمن اسلامی فرهنگیان خراسان (۷۲/۷/۱۰) ـ احمد یاراحمدی، نصراله مجتهدپور، جواد آرین‌منش، سیدمحسن بنی‌هاشمی، سیدعلی فیاض بخش، غلامحسین افضلی، غلام نبی گلستانی، علی‌اصغر خلیل زاده، عزیزا... توکلی.

۲۹ـ جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف و بازار (۷۲/۸/۱۰) سعید امانی‌همدانی، حمید کریمی اصفهانی، ماشاءا... جواهریان، محمود فقیهی رضائی، مرتضی کاشانی زرین، مسعود زندیه، محمدحسین عبدالخالقی، علی رحمانی.

۳۰ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان آمریکا و کانادا (۷۲/۹/۳) رضا شیوا، فرخ پارس‌زاده، داوود بهرامی سیاوشانی، حمید نصراللهی زاده، ناصر سلطانی، منصور خدادادی.

۳۱ـ جامعه اسلامی دانشگاهیان ایران (۷۲/۹/۱۰) ـ علی عباسپورتهرانی‌فرد، سیدمصطفی میرسلیم، عباس شیبانی، رضا مکنون، کریم زارع.

۳۲ـ جامعه اسلامی کارمندان (۷۳/۳/۱۷) ـ محمدصادق فیاض، نصراله میرزایی نصیر، حسن کاظم‌پور دهکردی، مصطفی بیگلر، احمدرضا بیات، سیدکمال سجادی، محمد بخارایی، رحیم علی زاده باروق.

۳۳ـ اتحادیه اسلامی دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی (۷۳/۹/۲۰) ـ حشمت ا... طبرزدی، محمدحسن علیپور، رضا سرافراز، محمدحسین زارعی، محمدسلامتی، سیدجواد امامی.

۳۴ـ جامعه اسلامی کارگران (۷۴/۵/۲۱) ـ علیرضا ضابر کوچکرانی، مصطفی بیگلر، عبدا... حمیدی، محمد اقبال، مسعود برهمن، مجید افشاری.

۳۵ـ جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف خراسان (۷۵/۳/۲۶) ـ علی شمقدری، محمدعلی غفاریان، مسعود اخوی زاده، سیدعلی شوشتری، ناصر مقدم، محمدابراهیم واحدیان عظیمی، محمدحسین نیازمند.

۳۶ـ جامعه اسلامی دندانپزشکان (۷۵/۲/۲۳) ـ نصرا... عشقیار، عباس منزوی، محمدصادق احمدآخوندی، احمدحسین نکوفر، کاظم آشفته یزدی.

۳۷ـ جمعیت اسلامی وکلای دادگستری (۷۶/۴/۱۴) ـ نبی‌ا... احمدلو، غلامرضا امینی، سعید خورشیدی، اباذر محبّی.

۳۸ـ جامعه اسلامی دامپزشکان (۷۶/۴/۷) ـ علی‌رضا صدیقی، محمدعلی اخوی زادگان، محمدکاظم کوهی، محمدعلی راد.

۳۹ـ انجمن روزنامه نگاران مسلمان (۷۶/۵/۱۲) ـ حسین شریعتمداری، حسین انتظامی، سیدمحمدصیفی زاده، سیدجلال فیاضی، عباس سلیمی نمین، سیدمرتضی نبوی، مهدی شجاعی، علیرضا مختارپور، مهدی نصیری.

۴۰ـ جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی (۷۶/۷/۲۳) ـ محمد محمدی‌نیک (ری‌شهری)، سیدعلی غیوری نجف آبادی، سیدعلی اکبر ابوترابی، علی رازینی، روح ا... حسینیان، محمدصادق عرب‌نیا، احمد پورنجاتی، محمدشریعتمداری، محسن سلطانی شیرازی.

۴۱ـ انجمن اسلامی کارگران خراسان (۷۶/۱۱/۱۲) ـ احمد توکلی افشار، محمودمحمدی ثانی، حسن صادقی فتح آباد، حسن سعیدی زاده، غلامحسین ترک‌زاده، غلامحسین حمیدی، محمدنجاتی.

۴۲ـ کانون فارغ التحصیلان آذربایجان غربی (۷۶/۱۲/۲۰) ـ علی کامیار، علیرضا سیاوش پور، قاسم مریدی، امیر اسلامی تبار، محسن باقرزاده.

۴۳ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تهران (۷۶/۱۲/۲۳) ـ علی اصغری، رضا فرحی دانا، سیدمهدی فخرائی، حبیبا... بی طرف، عبدالمجید شهیدی.

۴۴ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان دانشکده علوم قضایی وخدمات اداری (۷۶/۱۲/۲۳) ـ عبدالهاشم یعقوبی، محمدحسن پیرزاده، عباسعلی زارع، صف اله فغانپور عزیزی، محمدحسن میرزابیگی، منصور دست گشاده، علی اکبر ملاتبااللهی.

۴۵ـ جامعه اسلامی ناصحین قم (۷۷/۱/۲۵) ـ حسین ایرانی، محمدعلی شرعی، اصغر عبداللهی، رضا آشتیانی عراقی، محمد خلج، علی اصغر میانجی، جعفر امامی.

۴۶ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت معلم(۷۷/۱/۲۵) ـ یوسف نیکی ملکی، یعقوب سیمین روی، عباس میرگلویی، کبری علی‌پور، مصطفی منصف، حسین صالحی.

۴۷ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان فیلیپین (۷۷/۳/۱۲) ـ محمدرضا نظام دوست، علی عابدزاده، حجت ا... بختیاری.

۴۸ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان ایتالیا (۷۷/۳/۱۲) ـ سیدمحمدباقر حسینی، محمدحسن قدیری ابیانه، حجت بهرامی، قدرت ا... کربلایی، حسن حاج نجاری، حسین مردی.

۴۹ـ مجمع نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی (۷۷/۳/۱۲) ـ علی‌اصغر رحمانی خلیلی، محسن رهامی، عسگر فقیه علیه آباد، غلامرضا انصاری، ذبیحا... صفایی.

۵۰ـ حزب همبستگی ایران اسلامی (۷۷/۴/۲۰) ـ محمدرضا راه چمنی، سیدمحمود میرلوحی، غلامرضا انصاری، الیاس حضرتی، قدرتا... نظری‌نیا، علی‌اصغر عبد احمدی،

۵۱ـ جمعیت فدائیان رهبر، (۷۷/۴/۳۱) ـ نعمت ا... تقاء، عباس طوبایی، محمدحسین روزی‌طلب، محمدرضا مشفقیان.

۵۲ـ جمعیت حقوقدانان ایرانی مدافع حقوق بشر (۷۷/۶/۹) ـ غلامرضا امینی، قدرت ا... نوروزی، فاطمه هیزمی آرانی، منصور علیزادی، نبی ا... احمدلو، احمد عرب عامری، سعید خورشیدی، اباذر محبی، حمیدرضا دهقان بوده.

۵۳ـ جمعیت اسلامی زنان (۷۷/۷/۲۷) ـ مریم محسنی، بتول رنجبر کهن، فاطمه عزیزآبادی، زهرا عزیزآبادی فراهانی.

۵۴ـ کانون نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی (۷۷/۸/۱۸) ـ علی مبینی دهکردی، علی نقی سیدخاموشی، مصطفی ناصری، محمدهاشم رهبری، عبدا... نوروزی.

۵۵ـ جمعیت خدمتگزاران سازندگی خراسان (۷۷/۸/۱۸) ـ احمدیار احمدی خراسانی، غفور حلمی طرفی، سیدجلال فیاضی، عبدا... کوپایی، سیدخلیل مهدیزادگان، محسن امیریان، محمدرضا محسنی، علیرضا صفری، غلامحسین حیدری، مصطفی یقینی، جواد آرین منش، عبدالمجید حلمی، علی اصغر اعظمی.

۵۶ـ مجمع اسلامی کارمندان خط امام (۷۷/۸/۱۸) ـ علی توحیدلو، سیدحسن کاظمی، محمدعلی صفری، رمضان میرزاپور شفیعی، معصومه محترمی.

۵۷ـ جامعه اسلامی پزشکان (۷۷/۸/۲۰) ـ خسرو رحمانی، سیداحمد علی کاظمی، امیرمحمود تفضلی، رضا صادقی.

۵۸ـ مجمع نیروهای خط امام (۷۷/۸/۲۰) ـ سیدهادی خامنه‌ای، رحمت ا... خسروی، احمد حکیمی‌پور.

۵۹ـ جمعیت طرفداران نظم و قانون (۷۷/۹/۴) ـ حسین طجرلو، علی بزم آزمون، یوسف شیخ نژاد، علی موشح.

۶۰ـ کانون اسلامی استادان دانشگاه تهران (۷۷/۹/۵) ـ بهزاد مشیری، کارن ابری‌نیا، مجتبی شریعتی نیاسر، محمدحسن پنجه شاهی، حسن فرهنگی، ناصر سلطانی، رضا شیوا، سیدمحمدحسین پیش بین.

۶۱ـ جامعه اسلامی فارغ التحصیلان هنر (۷۷/۹/۵) ـ عبدالهادی قزوینیان، محمدجواد رسائی، میرلطیف موسوی گرگری.

۶۲ـ جامعه اسلامی ورزشکاران (۷۷/۹/۵) ـ محمودمشحون، سیدمصطفی میرسلیم، محمدرضا رحیمی، حسن غفوری فرد، عبدی علیجانی، محمدانصاری، سیدامیر احمد مظفری، احمد ناطق نوری.

۶۳ـ مجمع اسلامی بانوان (۷۷/۹/۳۰) ـ فاطمه کروبی، سهیلا جلودارزاده، سوسن سیف.

۶۴ـ جمعیت پیروان ولایت فقیه دشتستان (۷۷/۹/۳۰) ـ علی بهبهانی، سیداسماعیل حسینی‌نژاد، محمد عابدی، مسعود آتشی، اکبر مهاجری.

۶۵ـ انجمن اسلامی کارکنان بیمه البرز (۷۷/۱۰/۵) ـ داود علی شیرازی، هدایت صادقی عرصه گاه، مریم کریمی، علیرضا مقرب، قربانعلی فتحی گراشینی.

۶۶ـ حزب تمدن اسلامی (۷۷/۱۰/۱۴) ـ محمد هنردوست، مجتبی هراتی نیک، علیرضا منظری، مرتضی محمودی، میرمهدی نجفی، حمیدرضا علم الهدی، محمدعلی آقایی.

۶۷ـ مجمع پویندگان اندیشه‌های اسلامی (۷۷/۱۰/۲۰) ـ محمد اشرفی مهابادی، محمدعلی خلاقپور، علی داستانی، علی تیرداد، مسعود شفیع‌زاده، عیوض تیزجنگ، منوچهر عبادی.

۶۸ـ انجمن اسلامی فرهنگیان استان قم (۷۷/۱۰/۲۰) ـ سیدیوسف پوریزدان پرست، تقی ناظری، عباس محمدی، غلامرضا رضائیان، سیدعلی اصغر برقعی.

۶۹ـ انجمن روزنامه نگاران زن ایران (۷۷/۱۰/۲۰) ـ جمیله کدیور، اشرف گرامی‌زادگان، حمیرا حسینی یگانه، ژاله فرامرزیان بروجنی، پروانه محی.

۷۰ـ کانون اسلامی مدرسان مراکز تربیت معلم (۷۷/۱۰/۲۵) ـ ایوب وحدت‌نیا، محمدرضا هزاوه، حبیب‌ا... جدیدی، طاهره شالچیان، مخمد وکیلی محلاتی، روح‌انگیز دو رباطی، طیبه یزدانی.

۷۱ـ مجمع دانشجویان و فارغ التحصیلان گیلانی (۷۷/۱۰/۳۰) ـ بهزاد روحی،

سیدصابر میرعطایی، سیروس بهرام زاده، علی فردوسی، شاهرخ رمضان‌نژاد.

۷۲ـ جامعه دانشجویان و فارغ التحصیلان کرمانشاهی (۷۷/۱۰/۳۰) ـ حمیدرضا حمدی شهره، مرضیه ماهیدشتی، نوشین محمدی، حمید فدایی، قدرتا... نجفی، مهدی رنجبر.

۷۳ـ حزب اسلامی کار (۷۷/۱۱/۵) ـ علیرضا محجوب، سهیلا جلودارزاده، عبدالرحمن تاج‌الدین.

۷۴ـ مجمع اسلامی فارغ التحصیلان دانشگاه ابوریحان بیرونی (۷۷/۱۱/۵) ـ محمدجاریانی، سیدعبدالحسین واحدی، محمدتقی شیرکوند، محمدرضا شریف، سیداحمد موسوی، سیدمرتضی صحری، اکبر حکاکان.

۷۵ـ کانون تربیت اسلامی (۷۷/۱۱/۵) ـ حسین احمدی، علیرضا براتیان، یوسف سلطانی، محمود فرشیدی.

۷۶ـ جمعیت زنان انقلاب اسلامی (۷۷/۱۱/۵) ـ زهرا مظلومی‌فرد، صدیقه بیگم حجازی قانکی، صدیقه تاجی فرد، نیره قوی، کبری خزعلی، حکیمه جعفری نسب کرمانی.

۷۷ـ تشکل اسلامی فارغ‌التحصیلان لرستانی (۷۷/۱۱/۱۰) ـ ابراهیم بارانی بیرانوند، علی میخک بیرانوند، محمد شرفی، بهادر ولی‌زاه، علی یار رشیدپور، فرود هاشمی.

۷۸ـ مجمع دانشجویان و فارغ‌التحصیلان یزدی (۷۷/۱۱/۳۰) ـ علی افخمی فتح‌آباد، محمدعلی سلمانی‌نژاد، محمدحسین شریفی نسب.

۷۹ـ جمعیت جوانان انقلاب اسلامی (۷۷/۱۱/۳۰) ـ اصغر ابوالقاسم پورکیا، علی اصغر میرزایی.

۸۰ـ جمعیت انصار المهدی(عج) (۷۷/۱۲/۱۱) ـ عذرا انصاری، سیدمصطفی حسینی، عبدالرحمن انصاری.

۸۱ـ جمعیت مستقل ایران اسلامی (۷۷/۱۲/۱) ـ قدرت علی حشمتین، جواد باقرزاده، احمدعلی امجدیان، عبدا... فلاحی، فرشته حشمتیان.

۸۲ـ حزب فرزندان ایران (۷۷/۱۲/۱) ـ جمشید ایرانی، محمدرضا ابوالحسنی،

محمدطاهر آهنگری اسبویی، آراسب احمدیان، بهروز صبوری سبحانی، علی جوادی.

۸۳ـ حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی (۷۷/۱۲/۱) ـ محمدرضا خاتمی، حسین کاشفی، حسین نصیری.

۸۴ـ کانون اسلامی قضات (۷۷/۱۲/۱) ـ محمدحسن میرزابیگی، جمال قضاوتی، محمد محمدی.

۸۵ـ کانون زندانیان سیاسی مسلمان دوران قبل از پیروزی انقلاب (۷۷/۱۲/۱۸) ـ سیدکاظم اکرمی، مصطفی برزگر، احمدعلی برهانی، احمد حاتمی‌یزد، جلال صمصامی فرد، حسین طوسی، محمدرضا علی حسینی عباسی، جواد منصوری، ا...کرم میرزایی.

۸۶ـ انجمن مدیران و متخصصین صنعتی و اقتصادی ایران (۷۸/۲/۱۵) ـ محسن صفایی فراهانی، مرتضی الویری، مرتضی حاجی، نورا... عابدی، سیدرضا نوروززاده.

۸۷ـ کانون همبستگی فرهنگیان ایران (۷۸/۲/۱۵) ـ علی قایضی، محسن آشتیانی عراقی، محمود کاظمی بیدهندی، عباس اسلامی مفید آباد.

۸۸ـ کانون فرهنگی میثاق شهدا (۷۸/۳/۵) ـ بی‌بی قدسیه علوی، زهره عرفانیان صغیر پرور جوان، نیره پورجواد.

۸۹ـ جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی (۷۸/۵/۵) ـ داوود دانش جعفری، حسین فدایی، علی یوسف‌پور، عبدالحسین روح‌الامینی، علی دارابی، اصغر صبوری، مجتبی شاکری، احمدعلی مقیمی.

۹۰ـ حزب اسلامی رفاه کارگران (۷۸/۵/۲۰) ـ حسین سرافراز، عباس الهیار، حسن فرجی گلهین.

۹۱ـ مجمع دانشگاهیان استان گلستان (۷۷/۱۲/۱۵) ـ حمید حق‌شناس یحیی‌نژاد، احسان مکتبی، مسعود رهنمایی.

۹۲ـ حزب کارگزاران سازندگی ایران (۷۸/۵/۲۵) ـ محمدهاشمی بهرمانی، عطاا... مهاجرانی، غلامحسین کرباسچی، محسن نوربخش، محمدعلی نجفی، فائزه هاشمی بهرمانی، حسین مرعشی، رضا امراللهی.

بهرمانی، حسین مرعشی، رضا امراللهی.

۹۳ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان (۷۸/۵/۲۵) ـ وحید احمدی، محمود نیلی احمدآبادی، عادل ترکمان رحمانی، رحمت‌ا.. قاجار، محمدعلی دوستاری، سید حسام‌الدین ذگودی، ضیاءالدین شعاعی.

۹۴ـ حزب سعادت ایران (۷۸/۲/۳۰) ـ غلامرضا صدیقی اورعی، حسن جمشیدی، محمدجواد فضائلی اخلاقی، ناصر محمدی، سیدرضا واسعی، حسین رثایی، حمیدرضا قندهاریون.

جامعه روحانیت مبارز

نام کامل: جامعه روحانیت مبارز

نام دبیر کل: آیت الله محمدرضا مهدوی کنی

نام سخنگو: حجت الاسلام سیدرضا تقوی

اعضای فعال: شهید محمد حسین بهشتی، شهید مرتضی مطهری، شهید محمدجواد باهنر، شهید محمد مفتح، شهید فضل‌ا... محلاتی، شهید شاه آبادی، آیت‌ا... محمدرضا مهدوی کنی، آیت‌ا... سیدعلی حسینی خامنه‌ای، آیت ا... امامی کاشانی، اکبر هاشمی رفسنجانی، علی اکبر ناطق نوری، حسن روحانی، سیدعلی غیوری نجف آبادی، محمد علی موحدی کرمانی، عمید زنجانی، سیدرضا تقوی، انواری، مصباحی، سیداحمد علم‌الهدی، محمد مجتهد شبستری، و خسروشاهی. همچنین از روحانیون متمایل به این تشکل می‌توان احمد جنتی، مصباح یزدی، محمد یزدی، علی مشکینی، واعظ طبسی، طاهری خرم‌آبادی، استادی، رسولی محلاتی، راستی کاشانی، علی موحدی ساوجی، علی‌اکبر موسوی حسینی، قربانعلی مؤمن دری نجف‌آبادی، سیدرضا اکرمی، سیداحمد خاتمی، معزی و... را نام برد.

مرامنامه:

۱ـ حمایت و دفاع همه جانبه از انقلاب اسلامی و اصول دستاوردهای آن.

۲ـ حمایت و دفاع همه جانبه از نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی و ارکان نظام.

۳ـ حراست و حفاظت از اصول و موازین شرع مقدس و خط اصیل اسلامی انقلاب و نظام و برخورد با انحرافات و اعوجاجات از این خط اصیل.

۴ـ پایبندی به خط نورانی حضرت امام راحل(ره) و تلاش برای تحقق همه جانبه آن.

۵ـ تبعیت و حمایت همه جانبه از ولایت مطلقه فقیه ومقام معظم رهبری در قول و عمل.

۶ـ تحکیم مبانی دینی و اعتقادی و تبیین معارف و دیدگاههای اصیل اسلامی و انقلابی برای آحاد مردم و تلاش برای رشد و ارتقاء معنوی و اجتماعی آنان.

۷ـ تبیین مواضع اصولی داخلی و خارجی انقلاب و نظام برای مردم و تلاش در جهت تحقق و حفظ آن خصوصاً در مقاطع حساس مثل انتخابات.

۹ـ تلاش در جهت تحقق اصل مهم وحدت حوزه و دانشگاه.

۱۰ـ ارتباط و همکاری عمیق با سایر گروهها و مجموعه‌های روحانی کشور خصوصاً حوزه علمیه قم.

۱۱ـ دمیدن روح امید، تلاش و سازندگی در میان مردم خصوصاً جوانان.

۱۲ـ ارتباط و همکاری نزدیک و صمیمانه با اقشار مختلف مردم به ویژه اقشار جوان و تحصیلکرده.

۱۳ـ ارتباط با گروهها و جریانات سیاسی طرفدار انقلاب و نظام در عین حفظ موضع پدری نسبت به همه آنها.

۱۴ـ تلاش برای احیاء و تقویت هرچه بیشتر مساجد و ارتباط، همکاری و هماهنگی عمیق با ائمه جماعات مساجد.

۱۵ـ حمایت از دستگاهها و مسئولان نظام جمهوری اسلامی در عین نظارت بر آنها و ارائه نظرات دلسوزانه اسلامی و اعتقادی.

۱۶ـ حضور مؤثر و فعال در صحنه‌های مختلف انقلاب و کشور و ایفای وظیفه اسلامی

و انقلابی خصوصاً در انتخابات.

۱۷ـ حمایت اصولی از اقشار مستضعف و محروم جامعه و مظلومان و مسلمانان جهان و اصل اساسی عدالت اجتماعی.

تاریخچه:

در اوایل انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ عده‌ای از روحانیون مبارز که از بدو نهضت اسلامی امام خمینی(ره) از سال ۱۳۴۲ با ایشان در شکل‌گیری و پیروزی آن همکاری داشتند با تأیید حضرت امام (ره)توسط شهید مرتضی مطهری و با شرکت عده‌ای از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گرد هم آمده و جامعه روحانیت مبارز تهران را به وجود آوردند. برخی از اعضای اصلی این تشکل در ابتدای انقلاب به عنوان عضو شورای انقلاب برگزیده شدند و در حل مشکلات انقلاب در اوایل آن نقش مهمی را ایفا نمودند پس از شهادت آیت‌الله مرتضی مطهری و آیت‌الله مفتح از اعضای برجسته این تشکل و سقوط دولت موقت در سال ۱۳۵۸ در آستانه انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری، جامعه روحانیت مبارز از نامزدی ابوالحسن بنی صدر حمایت نمود که وی با اکثریت قاطع آراء در انتخابات به پیروزی رسید و به عنوان اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران شناخته شد، هرچند حزب جمهوری اسلامی به دبیر کلی شهید سیدمحمدحسین بهشتی ابتدا با نامزدی جلال‌الدین فارسی وارد صحنه شد و به دلیل شایعات مربوط به عدم تابعیت ایرانی وی بجای او از حسن حبیبی به عنوان نامزد مورد تأئید خود حمایت می‌نمود، لیکن پیروزی قاطع ابوالحسن بنی صدر تا حدود زیادی نشانگر اعتماد مردم به جامعه روحانیت مبارز بود. پس از وقایع سال ۱۳۶۰ و عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری و ترورهای کور سازمان مجاهدین خلق تقریباً تمام احزاب سیاسی داخلی منحل شده یا جلوی فعالیت آنها گرفته شد و تنها تشکلی که آنهم به صورت غیررسمی به عنوان تشکل روحانی به فعالیت خود ادامه داد و اکثر پستهای کلیدی کشور را در دست گرفت، جامعه روحانیت مبارز بود. تقریباً بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ بطور کامل و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ بطور نسبی جامعه روحانیت

مبارز مهمترین تشکل سیاسی کشور به شمار می‌رفت و اکنون نیز فراگیرترین تشکل سیاسی کشور است. می توان گفت از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون جامعه روحانیت مبارز از لحاظ سیاسی بخش عمده حاکمیت کشور را برعهده داشته یا به نوعی در تمامی مواقع بطور مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیم‌گیریهای مهم کشور دخالت داشته است. جامعه روحانیت همواره در این سالها با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جمعیت مؤتلفه اسلامی در اکثر زمینه‌ها همسو و از موضع پدری نسبت به گروههای سیاسی همفکر دیگر برخوردار بوده و این همسویی تا مدتی ادامه داشت تا آنکه برخی از اختلاف نظرها بر سر مسائل روز اقتصادی و سیاسی سبب شد تا جامعه روحانیت مبارز در فروردین سال ۱۳۶۷ با موافقت امام خمینی(ره) دچار انشعاب شود و اتحاد و همبستگی قبلی روحانیت مبارز تهران سست شود. پس از انشعاب در جامعه روحانیت مبارز تهران گروهی از روحانیون که آن زمان به تندروها یا رادیکالها معروف بودند و بعدها به جناح چپ موسوم شدند از آن جدا شدند و مجمع روحانیون مبارز تهران را تشکیل دادند. بعدها با تشدید اختلافات جناحی بین این دو گروه روحانی، اصطلاح چپ و راست گسترش بیشتری در سطح کشور یافت و در کل کشور بانام «جامعه روحانیت مبارز» و «مجمع روحانیون مبارز» بدون ذکر نام تهران شناخته شدند.

در آغاز انشعاب، جامعه روحانیت مبارز که به جناح راست معروف شد دارای دیدگاههای متعادل‌تر و میانه‌رو و مجمع روحانیون مبارز دارای دیدگاههای تند و رادیکال‌تری بود و بر همین اساس گرایش مردم به جز در مقطع انتخابات مجلس سوم بیشتر به سوی جامعه روحانیت مبارز بود، به نحوی که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی لیست جامعه روحانیت مبارز در تهران و شهرستانها که اکثراً از نیروهایی بودند که بعداً جناح چپ را تشکیل دادند، اکثریت آراء را به خود اختصاص دادند، بر این اساس اکثریت مجلس دوم را نیروهای چپ تشکیل دادند. پس از انشعاب در جامعه روحانیت در اوایل سال ۱۳۶۷ و در آستانه انتخابات مجلس سوم با توجه به اینکه امام (ره) توصیه کردند که مجمع روحانیون مبارز تهران جز در تهران در هیچ شهرستانی لیست انتخاباتی ندهد و

اینکه لیست انتخاباتی مجمع روحانیون با جامعه روحانیت در تهران تنها در چند مورد اختلاف داشت نتایج آراء نشان داد که نیروهای چپ (مجمع روحانیون مبارز) به پیروزی قابل توجه‌ای دست یافته‌اند به طوری که مجلس سوم بیشتر دارای گرایشهای چپ بود تا راست. از طرفی دولت میرحسین موسوی که تا سال ۱۳۶۸ قدرت اجرایی را در دست داشت بیشتر از نیروهای جناح چپ تشکیل شده بود. مقطع انتخابات ریاست جمهوری دوره پنجم در سال ۱۳۶۸ را می‌توان شروع دوره فعالیت گسترده جامعه روحانیت مبارز در عرصه حاکمیت کشور دانست، هرچند مجمع روحانیون و جامعه روحانیت قاطعانه از نامزدی اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات حمایت کردند و ایشان باکسب بیش از ۹۰٪ آراء به ریاست جمهوری برگزیده شد اما از آنجا که هاشمی رفسنجانی عضو جامعه روحانیت مبارز واز چهره‌های میانه رو و متعادل نظام به شمار می‌رفت در انتخاب کابینه اکثر چهره‌های چپ که آن زمان به تندرو و رادیکال مشهور بودند را از کابینه کنار گذاشت و بجز چند مورد (سید محمد خاتمی، مصطفی معین نجف آبادی، عبدالله نوری، غلامرضا آقازاده) تمام کابینه را از افراد منتسب به جناح راست و جمعیت مؤتلفه انتخاب نمود. این مطلب و برخی دیگر از عملکردهای دیگر دو جناح باعث دوری و تشدید اختلاف نظر و بعضاً کدورت بین دو جناح شد، به نحوی که در آستانه انتخابات مجلس چهارم این اختلافات به اوج خود رسید. لازم به یادآوری است که پس از انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی از جناح چپ ریاست مجلس راکه قبلاً در اختیار هاشمی رفسنجانی بود برعهده گرفت و در همین زمان شایعات مربوط به اختلاف نظر بین رئیس مجلس و رئیس جمهوری ـ که تا حدودی هم با واقعیات مطابقت داشت ـ افزایش یافت به نحوی که نیروهای منتسب به مجمع روحانیون (جناح چپ) در اذهان عمومی از آراء کمتری نسبت به جامعه روحانیت (جناح راست) برخوردار شد و بالاخره در انتخابات مجلس چهارم این اختلافها به سه صورت رخ نمود، اول آنکه بسیاری از عناصر جناح چپ توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند، از جمله سیدهادی خامنه‌ای، بهزاد نبوی، هادی غفاری و موسوی خوئینی‌ها. دوم: عدم مقبولیت چهره‌های جناح چپ در اذهان عمومی به

دلیل پاره‌ای از شایعات بی‌اساس، در آن زمان حتی کسانی که صلاحیت شان تأئید شده بود در انتخابات توفیقی نیافتند. سوم آنکه بین لیست انتخاباتی جامعه روحانیت و مجمع روحانیون به جز چند مورد تمام افراد معرفی شده با هم اختلاف داشتند.

نتیجه انتخابات هم تا حد زیادی از افکار عمومی قابل تشخیص بود، تقریباً در تهران تمام اعضای لیست جامعه روحانیت که با شعار حمایت از دولت هاشمی رفسنجانی وارد صحنه انتخابات شده بود به اتفاق آراء حائز اکثریت شده و به مجلس راه یافتند و تقریباً اکثریت لیست مجمع روحانیون حد نصاب لازم برای ورود به مجلس را به دست نیاورد و این مطلب به استحکام بیش از پیش موقعیت جامعه روحانیت مبارز کمک نمود. به عبارتی هم پست ریاست جمهوری و هم مجلس در اختیار این تشکل و گروههای همسوی آن قرار گرفت و جناح موسوم به چپ کاملاً از عرصه سیاسی کشور خارج شد، جالب آنکه افرادی چون مهدی کروبی، محمدرضا توسلی، فاطمه کروبی، سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، سعید حجاریان، محمدابراهیم اصغرزاده، فخرالدین حجازی، عبدالواحد موسوی لاری، اسدالله بیات و بسیاری دیگر از افراد منتسب به جناح چپ نتوانستند آراء لازم برای ورود به مجلس را بدست آوردند.

اما همکاری کامل مجلس با گرایش راست با دولت هاشمی رفسنجانی دیری نپائید و اختلافات بسیاری بین دولت و مجلس به وجود آمد، از جمله استیضاح و برکناری وزیر بهداشت (ایرج فاضل) وزیر کشور (عبدالله نوری) وزیر جهاد سازندگی (فروزش) وزیر راه و ترابری (سعیدی کیا) عدم رأی اعتماد به وزیر اقتصاد و دارایی (محسن نوربخش) و رئیس صدا و سیما (محمد هاشمی) همه از طرف نیروهای منتسب به راست در مجلس چهارم صورت گرفت. این اختلاف نظرها بین دولت هاشمی رفسنجانی از یک طرف و جامعه روحانیت مبارز، جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروههای همسو که اینک خود را تنها قدرت سیاسی جامعه می‌دیدند از سوی دیگر حوادثی را رقم زد که بالاخره به دوم خرداد ۱۳۷۶ منجر شد. جریان از این قرار بود که نیروهای اجرایی دولت که عمدتاً از جریان راست بودند و اکثراً هم از وزرای استیضاح شده توسط برخی از دوستان خود در جناح

راست بودند، رفته رفته همگرایی پیدا نمودند و با تشدید اختلاف‌نظر بین دولت هاشمی رفسنجانی و مجلس کم‌کم از جناح راست جدا شده و در اواخر مجلس چهارم و در آستانه انتخابات مجلس پنجم یک جریان سیاسی جدید بنام جمعی از کارگزاران سازندگی را در بهمن ماه ۱۳۷۴ به وجود آوردند. شاید بتوان این انشعاب را دومین انشعاب در جامعه روحانیت مبارز و یا به عبارت بهتر دومین انشعاب در جناح راست دانست. این انشعاب به مراتب تأثیرات تاریخ‌سازتری نسبت به انشعاب اول در آینده سیاسی کشور داشت. بالاخره انتخابات مجلس پنجم از راه رسید و این بار با غیبت کامل و عدم ارائه لیست از طرف جناح چپ (مجمع روحانیون مبارز) به دلیل رد صلاحیت‌های گسترده، رقابت جدی بین گروه کارگزاران سازندگی و جامعه روحانیت مبارز برگزار شد که به پیروزی نه چندان کامل ائتلاف نیروهای همسو متشکل از جامعه روحانیت و گروههای همسوی آنها که از این به بعد به آنها جناح راست یا فراکسیون سنتی (ارزشگرا) اطلاق می‌شد، انجامید. سهم جناح راست مجلس حدوداً ۱۷۰ تا ۱۸۰ کرسی مجلس و سهم ائتلاف جناح چپ و گروه کارگزاران سازندگی یا فراکسیون مجمع حزب‌الله حدوداً ۸۰ تا ۹۰ کرسی مجلس بود. تحولات سیاسی بین سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ باحضور گروه کارگزاران در صحنه سیاسی به گونه‌ای پیشرفت نمود که به کاهش قدرت و نفوذ جامعه روحانیت مبارز در صحنه سیاسی کشور منجر شد. در اواخر سال ۱۳۷۵ و اوایل سال ۱۳۷۶ که رایزنی‌های فشرده‌ای برای انتخاب نامزد هر یک از گروههای سیاسی برای انتخابات آتی ریاست جمهوری در جریان بود، بسیاری پیشتر از این غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران را شانس اول انتخابات می‌دانستند ولی کم کم این مسئله به دلایلی منتفی شد. از طرفی جامعه روحانیت و نیروهای همسوی آنها به اتفاق از نامزدی علی‌اکبر ناطق نوری رئیس وقت مجلس و از اعضای برجسته جامعه روحانیت حمایت نمودند. در این زمان بود که (منابع غیررسمی بعداً خبر تأئید نشده آنرا پخش کردند.) گروه کارگزاران سازندگی، ابتدا درصدد جلب رضایت حسن حبیبی برای نامزدی انتخابات برآمدند، ولی با امتناع ایشان از پذیرش این امر طی یک ملاقات غیررسمی با برخی از اعضای جامعه روحانیت مبارز، خواستار شرکت در دولت

آینده و برعهده گرفتن ۴ تا ۵ پست وزارت به شرط حمایت از نامزد موردنظر جامعه روحانیت شدند که این امر با مخالفت مواجه شد. از این رو کارگزاران سازندگی به حمایت از سیدمحمدخاتمی نامزد منتخب مجمع روحانیون برخاست که این امر به حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶ منجر شد. با این تحولات سریع می‌توان گفت: جامعه روحانیت مبارز قدرت اجرایی کشور را که تا حدودی همسو با دیدگاههایش بود از دست داد. از طرفی افکار عمومی رفته رفته نسبت به عملکرد جناح راست ناخشنودی خود را ابراز داشت. هم چنین عملکرد برخی مطبوعات و رواج شایعات باعث افزایش انتقادهای عمومی نسبت به جناح راست و جامعه روحانیت مبارز شد. این مسأله که ابتدا از انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم آغاز شده بود ادامه داشت تا اینکه در بهمن ماه سال ۱۳۷۸ و انتخابات مجلس ششم به اوج خود رسید. این دوره از انتخابات مجلس، برعکس دوره چهارم و پنجم با عدم پیروزی قاطع جناح راست همراه بود. به طوری که ائتلاف نیروهای چپ و دوم خرداد حدوداً ۷۰٪ کرسی‌های مجلس را تصاحب و نیروهای منتسب به جناح راست بین ۲۰٪ تا ۲۵٪ کرسی‌های مجلس را بدست آوردند. به طور مثال در حوزه انتخابیه تهران تنها یک نفر از لیست جناح راست و جامعه روحانیت مبارز (غلامعلی حداد عادل) به مجلس راه یافت و بقیه حد نصاب آراء لازم را به دست نیاوردند.

با این انتخابات جامعه روحانیت مبارز و گروههای همسوی آن از صحنه قانونگذاری کشور نیز کنار رفتند. بهر تقدیر نمی‌توان گفت نیروهای جناح راست سنتی (ارزشگرا) به حاشیه قدرت رانده شدند بلکه بسیاری از پستهای حساس و کلیدی کشور هنوز در دست افراد منتسب و همسو با این جناح است و این جناح از طرفداران بسیاری در اقشار مختلف مردم برخوردار است.

لازم به یادآوری است که جامعه روحانیت مبارز به عنوان یک تشکل سیاسی فاقد مجوز حزب سیاسی می‌باشد و بر این عقیده است که روحانیت و یا جمعی از روحانیت به دلیل ماهیت صنفی یاگروهی خود نیازی به اخذ مجوز ندارند. جامعه روحانیت معتقد است که حق دارد به عنوان قشر روحانی که مورد اعتماد مردم است نامزدهایی که موردنظرش

است را به مردم معرفی نماید و اینکه جامعه روحانیت به عنوان یک کارکرد حزبی وارد صحنه انتخابات شود را قبول ندارد. بنابراین خود را حزب سیاسی نمی‌داند و از این رو در زمان وزارت کشور بشارتی که بحث گرفتن مجوز تمام گروههای سیاسی مطرح شد جامعه روحانیت با این مطلب به تندی برخورد کرده که موضع‌گیری آیت‌الله مهدوی کنی و انتقاد شدید وی از وزارت کشور مؤید این مطلب است.

گرایش سیاسی:

اصولاً جامعه روحانیت مبارز چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه اقتصادی از تفکر راست پیروی می‌کنند. اگر طول مدت فعالیت این تشکل را مورد بررسی قرار دهیم می‌توانیم فعالیت سیاسی این تشکل را از لحاظ زمانی به سه مقطع از سال ۱۳۵۷ تا اواخر سال ۱۳۶۶ و از اواخر سال ۱۳۶۶ تا اواخر سال ۱۳۷۴ و بالاخره از اواخر سال ۱۳۷۴ تا به امروز تقسیم بندی کنیم. دوره اول که بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۶ بود تقسیم بندی چپ و راست برای نیروهای داخل حاکمیت نظام چندان مصطلح نبود. اما از لحاظ دیدگاههای غالب، جامعه روحانیت مبارز اکثراً از نیروهای دارای دیدگاه راست و بازاری تشکیل می‌شدند. در دوره دوم یعنی بین اواخر سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۴ یعنی از زمان انتخابات مجلس سوم تا انتخابات مجلس پنجم این تشکل را جناح راست میانه‌رو و معتدل می‌شناختند که در مقابل نیروهای چپ و رادیکال (تندرو) قرار داشت. اما با ظهور گروه کارگزاران سازندگی که برخی آن را راست مدرن نامیده‌اند دوره سوم آغاز می‌شود در این دوره که از اواخر سال ۱۳۷۴ تا به امروز ادامه دارد جامعه روحانیت مبارز را راست‌سنتی (ارزشگرا) و محافظه کار می‌گویند، که انعطاف پذیری کمی نسبت به ایجاد اصلاحات عمیق در کشور را دارد. از لحاظ تئوری نیز می‌توان این تشکل را یک تشکل با دیدگاه راست دانست. احترام و دفاع از نهادهای سنتی مثل روحانیت، رهبری، مقدسات دینی و جلوگیری از کجروی و بی‌بندوباری اجتماعی، دفاع از حق فردی برای برداشت سود به هر مقدار که حاصل کار اوست هرچند منجر به سرمایه داری شود، بر حق دانستن تفاوت سطح زندگی افراد جامعه، اصالت دادن به اقتصاد

بازار و خصوصی‌سازی و... از جمله دیدگاههایی است که می‌توان به این تشکل نسبت داد و آن را یک تشکل منطبق از لحاظ تئوریک بر دیدگاه راست دانست.

تشکیلات و نشریات وابسته:

می‌توان گفت عظیم‌ترین تشکیلات غیررسمی سیاسی کشور مربوط به جامعه روحانیت مبارز است. از گذشته و قبل از انقلاب، روحانیت نقش مؤثری در شکل‌گیری انقلاب داشت و از مساجد به عنوان پایگاه مبارزه علیه رژیم شاه استفاده می‌نمود و این محوریت مساجد در امور مختلف به نحوی دیگر تا به امروز ادامه داشته است، از آنجا که ائمه جماعات مساجد به نحوی با دفتر رسیدگی به امور مساجد کشور در ارتباط می‌باشند و این تشکل نیز به نوبه خود با جامعه روحانیت مبارز مرتبط است، در نتیجه اکثریت ائمه جماعات شهرها و روستاهای کشور (و نه تمام آن‌ها) دارای گرایش به جامعه روحانیت می‌باشند. همین طور جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که در حقیقت خاستگاه اولیه جامعه روحانیت مبارز بوده است، همواره همگام با این تشکل در مسائل سیاسی روز عمل می‌نماید. جامعه روحانیت مبارز در عین حال که یک تشکل صنفی و گروهی مرتبط با اکثر روحانیون در سطح کشور است، از طرفی با حضور کامل در صحنه‌های سیاسی کشور از جمله انتخابات و مسائل روز نقش بسیار مهمی در سیاستگذاری‌های کلان کشور ایفا می‌نماید. از تشکلهای همسو با جامعه روحانیت مبارز یا ائتلاف نیروهای همسو می‌توان به: ۱ـ جمعیت مؤتلفه اسلامی ۲ـ جامعه اسلامی مهندسین ۳ـ جامعه زینب(س) ۴ـ انجمن‌اسلامی پزشکان ۵ـ جامعه اسلامی کارگران ۶ـ انجمن اسلامی اصناف و بازار تهران ۷ـ جامعه اسلامی دانشگاهیان ۸ـ جامعه اسلامی دانشجویان ۹ـ جامعه اسلامی فرهنگیان ۱۰ـ جامعه وعاظ تهران ۱۱ـ انجمن اسلامی فارغ التحصیلان شبه قاره هند اشاره کرد.

جامعه روحانیت مبارز بجز خبرنامه داخلی، روزنامه یا مجله خاصی را رأساً منتشر نمی‌نماید، لیکن روزنامه‌ها و مجلات بسیاری دیدگاههای این تشکل را منعکس می‌کنند، از جمله می‌توان کیهان، رسالت، ابرار، جمهوری اسلامی، قدس، پرتو سخن، فیضیه، حریم،

سیاست و... را نام برد. از لحاظ تشکیلاتی نمی‌توان این تشکل را یک حزب تمام عیار دانست. آیت الله محمدرضا مهدوی کنی[۱] و دبیرکل این تشکل می‌گوید: "جامعه روحانیت مبارز یک انسجام حزبی نداشته و ندارد، ما براساس مشترکاتی که داریم دور هم جمع شده‌ایم." به دلیل اشتغال به کار اکثر اعضای برجسته این تشکل در مشاغل دولتی یا حوزوی، مرکزیت جامعه روحانیت از انسجام کامل برای موضع‌گیری جمعی در مقابل مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روز کشور برخوردار نبوده و اکثراً دبیر کل این تشکل مواضع آن را بیان می‌کند و یا سخنگوی آن در برخی مصاحبه‌ها مواضع این تشکل را مشخص می‌کند. البته این تشکل در مواقعی که ضروری بداند بیانیه‌هایی نیز صادر می‌نماید که در اختیار جراید کثیرالانتشار قرار می‌گیرد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی

خاستگاه این تشکل را نمی‌توان محل و محدوده خاصی دانست. آنچه روشن است اعضای اصلی و برجسته تشکیل دهنده این تشکل اکثراً از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بوده‌اند و همه در حوزه علمیه قم، نجف، مشهد، اصفهان و... مشغول به تحصیل بوده و تحصیلات خود را در آنجا به پایان برده و سپس به تهران یا شهرهای بزرگ مهاجرت کرده و بعضاً مدارج دانشگاهی تا حد دکترا را از دانشگاههای همین شهرها اخذ نموده و همزمان در مساجد و دانشگاهها به فعالیت سیاسی و مذهبی پرداخته‌اند و در ارتباط تنگاتنگ با رهبران نهضت اسلامی در شهرهای دیگر و خارج از کشور، انقلاب اسلامی را زمینه سازی نمودند. از جمله این روحانیون که در تهران به فعالیت سیای و مذهبی می‌پرداختند می‌توان به آیت الله مطهری، دکتر مفتح، دکتر بهشتی و دکتر باهنر و... اشاره کرد. در حقیقت خاستگاه اصلی این تشکل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، حوزه‌ها و دانشگاههای سراسر کشور و به ویژه دانشکده الهیات دانشگاه تهران و مساجد مختلف تهران می‌باشد.

---

۱. هفته نامه شما، ۷۸/۱/۲۸.

از لحاظ طبقات اجتماعی آنچه از اول انقلاب تاکنون مشاهده شده، عامه مردم از دانشجو، روحانی و کاسب گرفته تا کارگر و کارمند و کشاورز بطور کلی تودههای مردم مذهبی از گذشته احترام خاصی برای روحانیت قائل بودند و شاید یکی از مهمترین دلایل پیروزی انقلاب که روحانیون آنرا رهبری می‌کردند نیز همین امر باشد. از این جهت جامعه روحانیت مبارز از گذشته پایگاه مردمی وسیعتری نسبت به سایر گروهها و احزاب سیاسی برخوردار بوده و هست.

مواضع سیاسی:

جهت منعکس نمودن خطوط کلی مواضع سیاسی جامعه روحانیت مبارز توسط مؤلف از دفتر آیت‌الله مهدوی کنی دبیر کل این تشکل استعلام صورت گرفت که دفتر ایشان مواضع سیاسی جامعه روحانیت مبارز را به این شرح اعلام داشتند:

"برخلاف آنچه که پاره‌ای دسته‌جات و گروههای مغرض و بعضاً منافق شایع کرده‌اند، جامعه روحانیت بنا به سیره سلف صالح علمای شیعه که هیچگاه در چنبره حزب بازی و گروه گرایی و باندبازی گرفتار نشدند و هماره سعی کرده‌اند از نقطه عزیمت «تشخیص وظیفه و تکلیف شرعی» و حرکت در راه آن و وصول به نهایةالمراد آن همانند رسالت انبیاء و اولیای الهی علیهم السلام با حوادث روبه‌رو شوند. هدف اول «هدایت ناس» و هدف نهایی در اقامه «حکم الله»، یا شهادت در راه آن «احدی الحسنین» بوده است.

هیچگاه انبیاء الهی در پی «کسب قدرت» «وجاهت» «کثرت مرید» و مطرح بودن به هر قیمت «و در کانون توجه آراء عمومی بودن» نبوده‌اند و فهم این معنا با اذهان آلوده به مباحث نظری علوم سیاسی امروز که اهداف آن «کسب قدرت» و بالابردن مشروعیت و مقبولیت توده‌ها با صرف‌نظر از اهداف کلی حتی با قبول تغییر کلی اهداف است! بسیار مشکل است.

اما صرف نظر از عنوان کلی بالا اگر بخواهیم کمی جزئی‌تر و عینی‌تر و خارجی‌تر صحبت کنیم در دو کلمه باید گفت: جامعه روحانیت از ابتدای انقلاب اسلامی در زمینه‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی قائل به مشی اعتدال، باز و اجتناب از دولت‌سالاری اقتصادی

در بازار و واگذاری امور به مردم، رعایت اعتدال و آرامش و ملاطفت با مردم در سیاست داخلی، سیاست برخورد حکیمانه و غیرتنش‌زا باکشورهای دیگر و دقت و احتیاط کافی در زمینه‌های فرهنگی و اهتمام به شئون تربیت صحیح دینی و پرورش اسلامی نسل جوان است."

آیت الله مهدوی کنی از روحانیون معروف تهران و چهره شاخص جامعه روحانیت مبارز که به مدت طولانی دبیر کلی این تشکل را برعهده داشته است، اکنون به دور از کارهای اجرائی به تدریس در دانشگاه امام صادق(ع) که خود آن را تأسیس نموده و ریاست آن را برعهده دارد مشغول می‌باشد. ایشان[1] در مورد مسائل سیاسی امروز کشور دارای نظریاتی هستند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تسامح و تساهل:

"ترویج تساهل و تسامح در حوزه دین و نظام دینی، سرانجامی جز تقویت جبهه کفر و الحاد نخواهد داشت، هرچند که مروجین این تفکر چنین قصدی نداشته و ندارند."

بنیادگرایی و خشونت:

"دشمن با طرح مسئله خشونت و بنیادگرائی برای خود راه نفوذ می‌جوید و مسلمین بایستی بیدار باشند و با طرح اینگونه مباحث از سوی دشمن صحنه را رها نکنند که دشمن به چیزی جز تسلیم و خلع سلاح کامل جبهه حق راضی نخواهد شد. دشمن با اتهام خشونت می‌خواهد ما را خلع سلاح کند. اما فرق است میان خشونت نداشتن و چراغ سبز نشان دادن، بطور کلی میان خشونت نداشتن و دعوت دشمن به ورود در صحنه تفاوت فاحش وجود دارد. برخی به بهانه دوری از خشونت برای دشمن دانه می‌پاشند و ناخودآگاه دشمنان را متجری و دوستان را از صحنه خارج می‌سازند."

حدود انتقاد:

"انتقاد پیرامون مسائلی نظیر سیاست و اقتصاد و مسائل و موضوعات کارشناسی و اجرایی مفید و سازنده است ولی زیر سوال بردن اصول و مبانی، انتقاد نیست بلکه تخریب و

---

۱. شما، ۷۸/۲/۲۵.

فساد است. مردمی که در یک جامعه با پذیرش اصول مشترکی در آن زندگی می‌کنند، احترام به آن اصول برای همه لازم است زیرا با حفظ آن اصول می‌توان در سایر مسائل بحث و انتقاد کرد و اگر اصول مشترک و مورد قبولی نباشد با چه مبنا و معیاری می‌خواهیم بحث و گفتگو کنیم."

ولایت مطلقه فقیه[1]:

"امام خمینی از ابتدا به ولایت مطلقه تکیه داشتند. منتهی در ابراز آن، مرحله به مرحله پیش می‌رفتند. این انقلاب در حدوث خود به ولایت متکی بوده و در مقام بقا نیز به ولایت متکی خواهد بود."

"ما طرفدار جدی فقاهت و ولایت هستیم. این موضع را حفظ و از آن عقب‌نشینی نخواهیم کرد."

"دین ما آمیخته با امامت و ولایت است نمی‌توانیم استقامت در این راه را رها کنیم، البته ما به عنوان طرفداران جدی ولایت و رهبری باید ادب این موضع را حفظ کنیم."

عقلانیت و عدم افراط و تفریط[2]:

"ما وابسته به یک جمعیت دینی و روحاني هستیم و برای پیشبرد طرز تفکر خود نیاز به استفاده از عقلانیت به دور از افراط و تفریط‌ها داریم."

"اقتدار و عقلانیت و دوری از افراط و تفریط از دیگر معیارهایی است که موردنظر جامعه روحانیت در گزینش افراد (کاندیداها) است."

تفکر برمبنای حق و منطق:

"اگر یک تفکر بر مبنای حق و منطق باشد حتی اگر در یک مرحله‌ای شکست خورد دوباره زمینه حضور آن در صحنه فراهم خواهد شد."

چپ و راست:

"تقسیم‌بندی چپ و راست با واقعیتهای امروزی جامعه ما تناسب ندارد. این چنین جناح‌بندی‌هایی به معنای واقعی خود در کشور ما وجود نداشته و کسانی که اینگونه مسائل

---

۱. شما، ۷۸/۱/۲۸. ۲. رسالت، ۷۸/۱۰/۲۲.

را مطرح می‌کنند با واقعیتها ناآشنا هستند و فکرشان از مبنای صحیحی برخوردار نیست. صف‌بندی ما امروز در صحنه سیاسی کشور شکل جدیدی به خودگرفته و با آرایش سیاسی چپ و راست تفاوت اساسی دارد. در اوایل انقلاب اکثر گروهها در اصول با هم توافق داشتند اما امروز برخی جناحها با اصل حاکمیت دینی و اصل ولایت فقیه مخالفت می‌کنند. در تقسیم‌بندی‌های قدیم، اختلاف سلیقه بود اما امروز اختلافات برروی سلیقه نیست بلکه در اصول و مبانی اصلی اختلاف وجود دارد."

روحانیت و مردم[1]:

"روحانیت باید از انجام هر کاری که موجب جدا شدن مردم از روحانیت می‌باشد بپرهیزد، اگر مردم ببینند روحانیون مشکلات آنان را لمس نمی‌کنند بین مردم و روحانیون فاصله ایجاد خواهد شد. روحانیت باید همواره شریک غم و شادی مردم باشد."

امام زدایی:

"امروز عده‌ای امام زدایی را هدف اصلی خود قرار داده‌اند و می‌خواهند نام بنیانگذار جمهوری اسلامی را از جامعه حذف کنند و حتی می‌گویند دوران انقلاب به سررسیده است."

روحانیت و سیاستمداران:

"روحانیون همانند سایر سیاستمدارانی نیستند که از هر روش ممکن برای رسیدن به مقاصد خود استفاده کنند، ما باید همواره روش صحیحی راکه از بزرگان دین آموخته‌ایم در پیش بگیریم گرچه با مظلومیت روحانیون توأم باشد."

رکن نظام[2]:

"شخص رئیس جمهوری رکن محسوب نمی‌شود. رئیس جمهوری یک فرد است. هر چند سال یکبار تغییر می‌کند. در یک نظام ولایی، ولایت فقیه رکن پایدار و لامتغیر است."

---

۱. رسالت، ۷۸/۱۰/۱۴ ۲. صبح امروز، ۷۸/۸/۴.

رئیس جمهوری برای تمام مردم:

"ما معتقدیم رئیس جمهوری گرچه منتخب اکثریت است ولی رئیس جمهور تمام مردم است و بایستی پاسدار حقوق همه مردم در چارچوب اسلام و قانون اساسی باشد."

فضای سالم سیاسی:

"در فضای سالم سیاسی همه باید تحمل انتقاد و نصیحت را داشته باشیم و بتوانیم دیدگاههای انتقادی و ناصحانه خود را مطرح کنیم."

اکبر هاشمی رفسنجانی از چهره‌های سرشناس تاریخ بیست ساله بعد از انقلاب و از اعضای برجسته و میانه رو جامعه روحانیت مبارز می‌باشد که البته در بعضی از موارد موضع گیریهای او با نظرات جامعه روحانیت همخوانی ندارد و حتی گفته می‌شود کمتر در جلسات این تشکل شرکت می‌کند. وی در مورد برخی مسائل جاری کشور چنین نظر می‌دهد:

اعتدال و میانه روی[1]:

"با توجه به این که افراط و تفریط همواره عامل بازدارنده و غیرسازنده می‌باشد براساس اصول قرآنی و عقلی اعتدال روش پسندیده‌تری است."

ویژگیهای نسل جوان و دانشجویان:

"پرسشگری حق جامعه و خصلت ارزنده دانشجویان است، آرمانگرایی نسل جوان و عدم قناعت به داشته‌ها موتور محرکه ملت برای توسعه و تعالی است. لذا دانشجویان و آینده سازان فردای کشور و ملت باید فعال، با نشاط، سرزنده و منتقد باشند."

انتقاد از جناح...:

"امروز افرادی شعار مشارکت مردم رامی دهند اما در گذشته به آن اعتقادی نداشته و عمل نکردند. آیا با این همه حضور مردم در طول صحنه‌های انقلاب و مشارکت مردم در تمام حوادث انقلاب اسلامی، حق است که کسی بگوید می‌خواهیم مردم به صحنه بیایند و مشارکت داشته باشند."

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۱۳.

سیاست خارجی و رابطه با آمریکا:

"اصل اساسی و بدیهی سیاست خارجی ما ارتباط و همکاری با تمام کشورها برای تأمین مصالح و منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور است و اگر آمریکا نیز خصومت‌ها را کنار بگذارد و حسن نیت خود را نشان دهد زمینه شروع گفت‌وگو فراهم می‌شود، من در زمان ریاست جمهوری خود پرداخت اموال مسدود شده ایران را نشانه‌ای برای حسن نیت آمریکا تعیین کرده بودم. که این امر جدی بودن اراده آمریکا برای برقراری رابطه احترام‌آمیز را نشان خواهد داد."

برخورد متناقض[1]:

"دو برخورد متناقض در دو مقطع تاریخ درباره من صورت گرفته، زمانی انتقاد می‌کردند که خیلی شفاف و صریح حرف می‌زنم، اکنون خلاف آن را می‌گویند و می‌خواهند که بیشتر و صریح‌تر حرف بزنم. من الان مسئولیتی ندارم و البته به عمد کمتر حرف می‌زنم تا جامعه خودش مسائل را حل کند."

احساس وظیفه و نه قدرت‌طلبی:

"از جوانی هم به قدرت تمایل نداشتم، همیشه می‌خواستم در جایگاهی غیر از قدرت کار بکنم، حضور من در قدرت همیشه با نوعی اجبار و یا احساس وظیفه همراه بوده است."

فضای آزاد جامعه[2]:

"اگر فضای آزاد در جامعه نباشد و ترس و تملق حاکم باشد و مردم نتوانند حرف خود را بزنند این امر با فلسفه انقلاب اسلامی ناسازگار است."

دولت فراجناحی:

"در دولت من کسانی همانند آقایان خاتمی، نوری، مهاجرانی، دکتر معین که محور مسائل سیاسی هستند، حضور داشته‌اند و نیمی از کابینه من از یک جریان و تقریباً نیمی دیگر از جریان دیگر بود و تفکر من این بود که نیروهای انقلاب با یکدیگر همکاری و رفاقت کنند."

---

۱. ایران، ۷۸/۱۱/۶ ۲. انتخاب، ۷۸/۱۰/۱

اعتدال و توسعه سیاسی:

"برای تحکیم توسعه سیاسی باید رویه معتدل و مستحکمی را عمل کنیم. من بـه آنـها «دولت خاتمی» که برای مشورت پیش من آمده بودند، گفتم مردم ما رأی به اعتدال دادنـد. شما خیال نکنید با تندی و افراط می‌توانید مردم را داشته باشید. برخورد مـعقول را حـفظ کنید و هیجان و التهابی در جامعه ایجاد نکنید."

ریزش نیروهای انقلاب:

"ما اگر خوب عمل کنیم، افراد طرافدار انقلاب زیاد می‌شوند، هر ریزشی دلیـلی دارد. باید به آن دلیل مراجعه کنیم. قلب رهبری از این که از نیروهای انـقلاب ریـزش مـی‌شود، آزرده می‌شود. رهبر انقلاب گفته‌اند با ریزشهای مـعدود، جـامعه انـقلابی از مسـیر خـود منحرف نمی‌شود، ولی قطعاً از ریزش متأسفند. ما هم متأسفیم و قطعاً باید تلاش کنیم تا به جای ریزش، رویش داشته باشیم."

انتقاد پذیری[1]:

"الان هم من از انتقادهای کارشناسی شده استقبال می‌کنم و به انتقادهای کارشناسی شده که با بررسی و زحمت حاصل می‌شود احترام عمیقی قائل هستم. انـتقاد واقـعی را خـیلی دوست دارم. این حرف را هم قبول دارم که بچه‌ها و جوانان باید توقعات جـدیدی داشـته باشند چون اگر نداشته باشند، حرکت متوقف می‌شود."

لیبرال و اصلاح‌طلبان امروزی:

"بعضی از آقایانی که حالا برای خودشان لبـاس اصـلاح‌طلبی و لیـبرالی پـوشیده‌انـد، مشکل تندرویهای اول انقلاب ما بودند. شما نمی‌دانید که من چقدر خون دل خوردم کـه جلوی بعضی از تندرویهای اینها، اعدام‌ها، فشارها، مصادره‌ها، محاکمه‌ها و همین گـروه فشاری که به یک شکل دیگری آمدند و قبلاً به یک شکل دیگری در جامعه و دانشگاه بود بگیرم. ما همیشه می‌بایست سنگ صبور خیلی‌ها باشیم وهم از اینها مواظبت کـنیم. چـون سوءنیتی هم نداشتند، یک تفکرات تند افراطی داشتند. ما می‌بایستی تعدیلشان می‌کردیم."

---

۱. ایران، ۷۸/۱۱/۶.

تخرب و پیدایش احزاب[۱]:

"آرایش نیروهای سیاسی معمولاً با تحزب همراه است. الان در دنیا راه دیگری شناخته شده نیست. سابقه تحزب در ایران هیچ وقت خوب نبوده است. در دوران پس از انقلاب هم همینطور بود. یعنی تحزب، جدی گرفته نشد. البته نظام ولایت فقیه هم نظام بدیعی است. به این شکل در تاریخ سیاسی دنیا سابقه نداشته است. حتماً وضع جدیدی را می‌طلبد. باید به تدریج برای تحزب در نظام ولایت فقیه تجربه‌ای پیدا کنیم که آرایش‌های سیاسی نیرومند می‌توانند پس از آن شکل بگیرند."

نظر مردم در مورد افراط و تفریط‌ها:

"دوم خرداد در فضای دموکراتیک کشور که امور مهم و اساسی کشور با رأی مردم شکل می‌گیرد یک حرکت طبیعی هم بود. قبل از دوم خرداد هم یکبار اتفاق افتاده بود. قبلاً معمولاً جریان چپ در مجلس اکثریت داشت. به خاطر همان سختگیری‌هایی که آنها در سیاست داخلی و خارجی و اقتصادی داشتند، مردم بعد از جنگ آنها را نپسندیدند و به آنها رأی ندادند. الان هم می‌تواند دوباره تکرار شود، یعنی اگر آقایان افراط گری و تندروی بکنند، این رأی دوباره بالعکس می‌شود."

اصلاحات و محافظه کاری[۲]:

"چه کسی می‌خواهد همیشه مثل امروز بمانیم؟ لذا به این معنی بعضی می‌گویند محافظه کار نداریم. همه اصلاح طلب هستند، این اسمها هم که به وجود می‌آیند بازیهای سیاسی است. دوم اینکه ممکن است گاهی سلیقه‌ها در مقدار و سرعت تحول فرق کند."

کارآیی اسلام و روحانیت[۳]:

"اگر اسلام کارایی ندارد، پس چی کارایی دارد؟ غیر از مسلمانان، غیر از روحانیت، غیر از مردم و رهبری، چه کسی این کار راکرد؟ می‌گویید این کار کمی بود، من فکر نمی‌کنم یک آدم منصف این را بگوید. می‌گویید غیر از اینها کردند؟ هر کسی می‌گوید، دروغ می‌گوید!"

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۱۷. ۲. انتخاب، ۷۸/۱۱/۱۶. ۳. انتخاب، ۷۸/۹/۱۴.

مردمسالاری و آزادی:

"خیلی تهمت ناجوانمردانه‌ای است که به انقلاب و اسلام بگوییم از آزادی و مردمسالاری فاصله گرفته است. شما یک انقلابی و یک تحول پیدا کنید که بعد از پیروزی‌اش حتی برای اصل نظامش که مردم بگویند ما می‌خواهیم حکومت اسلامی باشد یا دموکراتیک باشد یا هر دو، فوراً، مجلس تشکیل داده باشد."

حسن روحانی یکی دیگر از چهره‌های شاخص سیاسی پس از انقلاب، دبیر شورای سیاسی امنیت ملی، نماینده و نایب رئیس مجلس و از فرماندهان اصلی جنگ و عضو برجسته شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز می‌باشد. برخی از دیدگاههای ایشان[1] را در ذیل می‌خوانیم:

روابط خارجی، رابطه با آمریکا:

"در مسائل جهانی ما نمی‌توانیم ذهنی حرف بزنیم یا شعاری عمل کنیم. یکی بگوید تا قیامت با آمریکا رابطه برقرار نمی‌کنیم و آمریکا را باید معدوم و نابود کرد، یکی هم بگوید که باید هرچه سریعتر با آمریکا مذاکره کنیم و رابطه برقرار کنیم و سفارتخانه‌ها را بازگشایی کنیم. هر دو شعاری است که با واقعیت منطبق نیست. البته ما نمی‌خواهیم که تهدیدات آمریکا علیه ما ادامه پیدا کند. این خواست ما نیست ما نمی‌خواهیم که آمریکا دشمنی‌هایش را علیه نظام ما توسعه دهد و یا ادامه دهد. منتها باید همه تلاشمان را به کار بگیریم، دیگر قدرتها و دولتها، افکار عمومی جهان و افکار عمومی مردم آمریکا را بکار گیریم تا آمریکا مجبور شود از این تصمیمات ناصحیح منصرف گردد."

توسعه سیاسی یا توسعه اقتصادی[2]:

«در فضایی ما می‌توانیم توسعه سیاسی و فرهنگی را مطرح کنیم که توسعه اقتصادی به وجود آمده باشد. البته اینها در کنار هم باید باشند، خود توسعه اقتصادی هم بدون توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی امکان‌پذیر نیست. اینها با هم یک نوع بستگی و پیوستگی دارند اما اگر کسی بخواهد توسعه اقتصادی را کم‌رنگ بکند، اشتباه می‌کند و خلاف نظر مردم حرف

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۰/۸. ۲. انتخاب، ۷۸/۱۰/۶.

زده، مردم این را نمی‌خواهند.″

توسعه سیاسی[1]:

″وقتی می‌گوییم «توسعه سیاسی» توسعه معنایش این نیست که ماميتينگ زیاد کنیم یا هر روز حزب زیاد کنیم. توسعه سیاسی به این معنی است که فهم و درک مردم و جامعه نسبت به مسائل سیاسی افزایش پیدا کند.″

مشارکت:

″وقتی می‌گوییم «مشارکت» تنها معنی‌اش این نیست که مردم پای صندوق بیایند و رأی بدهند. مشارکت این است که مردم در صحنه‌های سیاسی، در مباحث گوناگون حضور مؤثر داشته باشند، آشنا شوند، عمیق شوند و با آشنایی و عمق بیشتر و دقت‌نظر و مشارکت بیشتر همه مردم، ما می‌توانیم نسبت به مسائلی که مربوط به امنیت و منافع ملی است به یک اجماع برسیم.″

اهمیت خطوط قرمز در منافع ملی[2]:

«الان کمبودی در سطح جامعه داریم و آن این است که هنوز در اینگونه مسائل (منافع ملی) به اجماع ملی نرسیدیم، یعنی ممکن است مسئله‌ای برای من منفعت ملی باشد، و دیگری بگوید نخیر این اصلاً منفعت ملی نیست، رسیدن به اجماع نیاز به تلاش و کوشش مسئولان و همه نخبگان کشور و همکاری همه احزاب دلسوز دارد. باید رشد و آگاهی‌ها را بیشتر کنند. در کشورهای پیشرفته دنیا این گونه است و همه احزاب در آنجا به این مرزبندی‌ها به عنوان خطوط قرمز امنیت ملی آشنا هستند و آن را رعایت می‌کنند. اگر کسی این موازین و حدود را قبول نکند، از بین می‌رود و منزوی می‌شود و به عنوان خائن به افکار عمومی آن کشور معرفی می‌گردد.»

منافع ملی و منافع جناحی:

″ما نباید بخشی از مسائل ملی را جدا کنیم و بیاوریم داخل جناح خودمان استفاده کنیم. این کار از هر دزدی بدتر است از هر خیانتی بالاتر است که گروهی به امنیت ملی کشور لطمه

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۰/۷. ۲. انتخاب، ۷۸/۱۰/۷.

بزنند و خیال کنند از لحاظ جناحی سود برده‌اند. اگر هم سودی باشد، این سود حتماً در بلندمدت نخواهد بود. منافع ملی را خرج منافع جناحی کردن، خیانت به کشور است."

نهادهای رسمی و جناح‌ها:

"در دنیا نهادهای رسمی را مورد تعرض قرار نمی‌دهند، ممکن است فرد را مورد تعرض قرار بدهند و بگویند این فرد نباشد فرد دیگری باشد، ولی نهاد نباید مورد تعرض قرار بگیرد. ولی ما در ایران در سالهای اخیر می‌بینم به خاطر مسائل جناحی یک نهاد اساسی نظام مثل مجلس یا قوه قضائیه مورد تعرض قرار می‌گیرد. نباید چنین باشد ممکن است بگوییم این فرد خوب نیست فرد دیگری باشد. اشکالی ندارد کسی از فرد انتقاد کند اما کلیت نهاد را نباید زیر سؤال قرار داد. مانع انتقاد هم نباید بشویم، حتی کل مجلس را هم نقد کنند. اما تضعیف چیز بدی است."

علی اکبر ناطق نوری[1] یکی دیگر از اعضای برجسته جامعه روحانیت و دارای سمتهای چون وزارت کشور و ریاست مجلس مواضع خود در مورد برخی از مسائل سیاسی روز را چنین بیان می‌کند:

تنش زدایی و نه تنش زائی:

"امروز هر کس با قلم و زبان و ابزار دیگری در جامعه تنش و اختلاف ایجاد کند و موجبات نگرانی مردم را فراهم سازد، آب به آسیاب دشمن می‌ریزد. ما باید تنش زدایی کنیم نه تنش زائی، افرادی که تنش زایی می‌کنند دل به انقلاب و نظام نبسته‌اند. این حرکات به صلاح نظام نیست و این تلاش مختص کسانی است که خدا را در نظر ندارند.»

وحدت نیروهای خودی:

"اگر چه تفاوت سلیقه‌ای بین نیروهای خودی وجود دارد. اما این امر نباید سبب شود که یکدیگر را تضعیف کنند، رهبران گروهها و جناح‌ها باید هر کسی را که در گروه و یا جناح آنها تنش ایجاد می‌کند و موجب خراب شدن آن گروه و طیف می‌شود را اصلاح یا طرد کنند."

---

۱. رسالت، ۷۸/۹/۱۴

اصول و ارزشهای انقلاب:

"ما یکسری ارزشها و اصول داریم که روی آنها با کسی معامله نمی‌کنیم و هر کسی بخواهد به این حریمها وارد شود، او را حرمت شکن می‌دانیم. اسلام، انقلاب، امام و رهبری اصول غیرقابل تغییر و غیرقابل خدشه هستند و در این زمینه با کسی تعارف نداریم."

قانونگرایی:

"اگر واقعاً قانونگرا هستیم و می‌گوییم که نباید در جامعه تبعیض باشد، باید با هر کسی که در این جامعه تخلف کرد اعم از وزیر، وکیل، روحانی، و غیرروحانی، یکسان برخورد شود و همه در برابر دادگاه یکسان باشند."

مقبولیت نظام[1]:

"مقبولیت مردمی شرط حکومت اسلامی است:

اصلاحات:

"واژه‌هایی مانند آزادی، اصلاحات و قانونگرایی واژه‌های حقی هستند که با رویه استفاده از آن باطل را حق جلوه می‌دهند."

فتنه در جامعه:

"در شرایط فتنه، حق و باطل درهم می‌آمیزد و فتنه گر لباس حق را به تن باطل می‌کند و به گونه‌ای زینت می‌بخشد که جامعه، باطل را بجای حق بپذیرد. در شرایط فتنه منکر، معروف و معروف، منکر می‌شود و جای ارزشها و ضد ارزشها با یکدیگر عوض می‌شود. امروز فتنه‌شناسی برای جامعه ما لازم و ضروری است."

مواضع اقتصادی:

بی شک جامعه روحانیت مبارز همواره طرفدار اقتصاد بازار آزاد و واگذاری کارها و اقتصاد به بخش خصوصی و مردم بوده است و همواره از دولتی شدن اقتصاد انتقاد کرده است و یکی از مهمترین دلایل انشعاب در جامعه روحانیت در سال ۱۳۹۷ نیز همین طرز

---

۱. هفته نامه جام، ۷۹/۷/۱۶.

فکر اقتصادی اعضای برجسته این گروه بود. دیدگاههای اقتصادی آقای هاشمی رفسنجانی تا حدود زیادی به دیدگاههای جامعه روحانیت نزدیک بود، به طوری که اکثر وزرای اقتصادی آقای هاشمی اعتقاد به بازار آزاد داشتند. آقای هاشمی رفسنجانی دیدگاههای اقتصادی خود را چنین بیان می‌کنند:

بیمه اجتماعی و فقر زدایی[1]:

"تحقق سطح قابل قبولی از بیمه‌های اجتماعی و فقرزدایی نیاز اساسی کشور ماست. در یک چنین حالتی امکان رقابت مفید در سطح کشور به وجود می‌آید و به توسعه کشور در همه زمینه‌ها منجر می‌شود."

"آرزویم این بود که یک طرح کامل فقرزدایی را پیاده کنیم که همه مردم حداقل نیاز معاش یک خانواده و سطح قابل قبول تأمین اجتماعی را در حد مثلاً بیمه‌های عمومی و بیمه بیکاری داشته باشند و خیال انسان راحت باشد، فضا باز باشد تا انسانهای مبتکر، مستعد و پرتلاش و کارآفرین وارد صحنه شوند تا کشور براساس تضارب آراء و رقابت فعال در قالب‌های منطقی ساخته شود."

سازندگی و رفاه[2]:

"رفاه اجتماعی ملت ما هم در سازندگی است. من ناراحت نیستم که دیگران شعار بدهند. من می‌گویم عدالت اجتماعی باید پایدارتر، مطمئن‌تر و عمیق‌تر شود."

امنیت اقتصادی[3]:

"مشکل عدم امنیت اقتصادی برای کشور،بسیار خطرناک است و اگر امنیت اقتصادی نباشد، سرمایه‌ها به صورت خطرناک در بازار سیاه به کار گرفته می‌شود و معامله ارز و سکه و رباخواری و یا خروج سرمایه انجام می‌شود و واقعاً هر کس علاقه‌مند به سرنوشت کشورش است باید تلاش کند که کشور را امن کند، تا سرمایه خطر نداشته باشد."

سازندگی و عدالت:

"سازندگی طبیعتش به طرف عدالت است نه به طرف تبعیض."

---

۱. ایران، ۷۸/۱۱/۶. ۲. انتخاب، ۷۸/۱۱/۱۶. ۳. انتخاب، ۷۸/۱۰/۲۱.

دفاع از دوران سازندگی[1]:

"واقعاً دوران سازندگی در ایران دوران افتخارآمیزی است که باز در طول تاریخ ایران کم سابقه است. ۸سال متوالی همه شاخص‌های اقتصادی کشور مثبت بوده است. تورم از ۳۰ درصد در سال اول دوره مسئولیت من به ۱۷ درصد رسیده بود. کسر بودجه از ۵۰درصد به صفر رسیده بود. معدل تولید ناخالص ۶ درصد بود که در همه کشورهای در حال توسعه دنیا معدل افتخارآمیزی است. کشورهای پیشرفته دارای نرخ تولید ناخالص یک و یا دو درصدی هستند."

اصلاحات تدریجی:

"فکر می‌کنم اصلاحات تدریجی و آرام با فراهم کردن زیرساختهای لازم هم می‌تواند جامعه ما را به رفاه اجتماعی برساند و هم بستر قابل قبولی برای توسعه انسانی و سیاسی فراهم آورد."

برخی از دیدگاههای اقتصادی علی‌اکبر ناطق نوری[2] از اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت را در زیر می‌خوانیم:

اشتغال و سرمایه گذاری:

"باید بستر را برای سرمایه‌گذاری خارجی از لحاظ امنیت شغلی، مقررات صادرات و واردات و تسهیلات دیگر فراهم کنیم تا سرمایه‌گذار احساس امنیت کند و بتواند به راحتی در ایران سرمایه‌گذاری کند."

سرعت توسعه و رشد اقتصادی:

"توسعه و رشد اقتصادی باید با یک شیب ملایم پیش رود تا قدرت خرید مردم و کنترل تورم امکان‌پذیر باشد و از سوی دیگر حداکثر فرصتهای شغلی ممکن نیز در این شرایط بوجود آید."

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۰/۱۴. ۲. رسالت، ۷۸/۱۰/۱۴.

مواضع فرهنگی:

جامعه روحانیت مبارز در سالهای اخیر و علی الخصوص با شروع اصلاحات از سال ۱۳۷۶ و حاد شدن اختلاف نظرهای جناح‌های سیاسی در رابطه با مسائل فرهنگی، بارها و بارها نگرانی‌ها و اعتراضات خود را نسبت به وضعیت فرهنگی کشور ابراز داشته و همواره آن را متأثر از برخی سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر دستگاههای فرهنگی کشور دانسته است. این تشکل همواره خواستار کنترل بیشتر دولت برروی محصولات فرهنگی واز جمله مطبوعات شده است. سیدرضاتقوی [1] عضو و سخنگوی جامعه روحانیت مبارز و رئیس اسبق کمیسیون فرهنگی مجلس در مورد مسائل روز فرهنگی کشور چنین اظهارنظر می‌کند:

وضعیت فرهنگی کشور:

"جریان فرهنگی کشور بگونه‌ای متعادل حرکت نمی‌کند. امروز آفت خطرناک افراط گریبانگیر فرهنگ و مسائل فرهنگی شده است و اگر جلوی این آفت گرفته نشود در آینده شاهد حوادث تأسف باری خواهیم شد. برخی قواعد و شرایط زندگی اجتماعی را نمی‌دانند و یا به رعایت اصول و قواعد اجتماعی پایبند نیستند و لذا آزادی را بطور مطلق و رها از هر قاعده و قانونی حتی اگر بقیمت در خطر قرار گرفتن حقوق و آزادی دیگران هم باشد تبلیغ و ترویج می‌کنند."

چهره‌های غربزده در عرصه فرهنگی:

"از طرفی بخاطر حضور برخی از چهره‌های خودباخته و غربزده در عرصه فرهنگی کشور میزان آسیب‌پذیری جریان فرهنگی کشور افزایش یافته است. همچنین تهاجم فرهنگی دشمن در بخشی از حوزه‌های فرهنگی به دلایل مختلف تأثیرگذار بوده است."

سیاسی شدن فرهنگی:

"یکی از مسائل قابل توجه دیگر در جامعه فعلی ما اینست که در بسیاری از موارد جریانهای فرهنگی ما تحت‌تأثیر جریانهای سیاسی جامعه هستند و به عبارتی فرهنگ به

---

۱. جام، ۷۸/۱۱/۱۶.

شدت سیاسی شده است و مهمتر اینکه سیاست بر فرهنگ سلطه پیدا کرده است و باید اذعان نمود که در چنین شرایطی اگر در برخی از مقاطع زمانی مفید و مؤثر باشد در همه جا و در همه شرایط قابل قبول نیست. ما نباید سلطه سیاست بر فرهنگ و فضای فرهنگی را به عنوان یک قاعده و اصل‌پذیرا باشیم."

ویژگیهای نسل جوان:

"نسل جوان بخاطر ویژگیهای سنی و جسمی‌اش و همچنین بخاطر خصوصیات روانی و ذهنی‌اش با پرسش‌های فراوانی روبه‌روست که باید به همه آنها، توسط افراد شایسته، پاسخ داده شود. حوزه و دانشگاه دو مرکز عمده برای پاسخگویی به نیازهای فکری و ذهنی نسل جوان است، محققان و پژوهشگران و اساتید باید به این امر مهم اهتمام بورزند. باید نسل جوان را به خوبی شناخت و به عبارتی «جوان» و موقعیت کنونی این نسل را در عصر ارتباطات دقیقاً مورد ارزیابی قرار داد."

اکبر هاشمی رفسنجانی از دیگر اعضای برجسته جامعه روحانیت در مورد مسائل فرهنگی دیدگاههای دیگری دارد که برخی از دیدگاههای سیاسی ایشان با نظرات جامعه روحانیت مبارز کاملاً همخوانی ندارد. وی بطور کلی خواستار استفاده از ابزار جدید فرهنگی روز و درک موقعیت حساس کنونی و یافتن راه‌حلهای مناسب برای مقابله با تهاجم فرهنگی بدون استفاده از زور و رفتارهای غلط و ناکار آمد می‌باشد. برخی از نظریات ایشان را می‌خوانیم:

استفاده درست از ابزار روز فرهنگی[1]:

"قطعاً ما باید با ادبیات روز که به سرعت هم متحول می‌شود حرکت کنیم، امروز هر تعبیری از مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بخواهد رایج شود اگر کسانی پشتش باشند در ظرف چند هفته بچه‌ها هم در روستاها می‌گویند، چون از رادیو و تلویزیون و ماهواره‌ها و در روزنامه‌ها می‌بینند. ابزار روز هم ما بخواهیم یا نخواهیم خودش را تحمیل می‌کند. قطعاً اشتباه است ما فکر بکنیم که اگر چشممان را ببندیم ماهواره در دنیا نمی‌آید، می‌آید، ما

---

۱. انتخاب، ۷۸/۹/۱۴.

باید خودمان را آماده بکنیم که درست بهره بگیریم از این فن و آماده باشیم. دیگر برگشتن نه به صلاح است و نه ممکن است. اینترنت الان یک شبکه‌ای است که کم کم در همه خانه‌ها خواهد بود. قطعاً باید برنامه‌هایی برای آشنایی، آگاهی، آموزش وجلوگیری از ضررها و مقاصد سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی که اینها دارند و همچنین استفاده از مواهبی که اینها دارند،داشته باشیم.″

هرج و مرج در مطبوعات[1]:

″هرج و مرجهایی در بعضی رسانه‌ها که الان وجود دارد می‌تواند برای جریان آزادی مرگبار باشد. با متانت، منطق و حفظ اصول و با رعایت خط قرمزها می‌توان پیشرفت کرد. شوخی است که بگوئیم در کشور ما خط قرمز نیست. همه نظامها خصوصاً نظامهایی که دشمن دارند خط قرمز دارند.″

آزادی مطبوعات[2]:

″من نظرم این است که مطبوعات باید وسیع و متنوع و آزاد باشند. در زمان خودم هم هیچ فشاری را روی مطبوعات نیاوردم، وزرای ارشادی را هم که داشتم به همه‌شان می‌گفتم سعی کنید آنهایی را که در مطبوعات هستند کمک کنید. اما شرطش اینست که مطبوعات حدود و مرزها، حقوق، اخلاق و صداقت اطلاع رسانی صحیح را مراعات کنند و از تهمت زدن و بد نام کردن مردم، از نشر اکاذیب و تحریف حقایق خودداری کنند و براساس قانون عمل بکنند.″

قانون مطبوعات:

″قانون مطبوعات هم قابل تحمل است اگر آن را عمل بکنند و اصلاحاتی هم اگر لازم است انجام بدهند، من فکر می‌کنم اگر این اخلاق مطبوعاتی و خبرنگاری در حد قانون مراعات بشود فشارها هم کم می‌شود. امیدوارم مطبوعاتی‌ها با هم بنشینند و راه حل و حدود مرزها را تعیین بکنند و در آن چارچوب عمل کنند.″

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۱۶. ۲. انتخاب، ۷۸/۹/۲۱.

طرز برخورد به امور فرهنگی[1]:

"این که رهبری نگران امور فرهنگی کشور هستند امری جدی است. این که چگونه باید برخورد کنیم، اختلاف‌نظرهایی ممکن است وجودداشته باشد. برخی تحمیل و خشکی را راه‌حل می‌دانند، من اینطور فکر نمی‌کنم و این را راه حل عمقی نمی‌بینم."

۱. انتخاب، ۷۸/۱۰/۱.

مجمع روحانیون مبارز

نام کامل: مجمع روحانیون مبارز
نام دبیر کل: حجةالاسلام و المسلمین مهدی کروبی
نام سخنگو: حجةالاسلام و المسلمین رسول منتجب‌نیا
اعضای فعال: مهدی کروبی، سیدمحمدموسوی خوئینی‌ها، محمدرضا توسلی، سیدمحمد خاتمی، حسن صانعی، سیدمهدی امام جمارانی، سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، سیدهادی خامنه‌ای، حیدرعلی جلالی خمینی، صادق خلخالی گیوی، رسول منتجب‌نیا، اسدالله بیات، سید محمدهاشمی، محمدعلی انصاری، محمدعلی صدوقی، محمدعلی رحمانی، سیدسراج‌الدین موسوی، عبدالواحد موسوی لاری، علی اکبر آشتیانی، محمدعلی نظام‌زاده، سیدمحمد علی ابطحی، هادی غفاری، حجت‌الله کیان ارثی، سیدحمید روحانی، سیدمحمود دعائی، سیدتقی درچه‌ای، مجید انصاری، عیسی ولائی، محمدحسین رحیمیان.

از روحانیون متمایل به این تشکل می‌توان به آیت الله یوسف صانعی، آیت الله موسوی اردبیلی، آیت الله عبایی خراسانی، آیت الله موسوی بجنوردی، آیت الله نورمفیدی،

آیت‌الله جمی، حسین هاشمیان، سیدمصطفی محقق داماد، محسن موسوی تبریزی، محسن رهامی و محسن کدیور اشاره کرد.

مرامنامه:

اهداف مجمع به طور عمده عبارتند از:

۱ـ نگاهبانی از مبانی و اهداف حقیقی اسلام که توسط وحی بیان شده و برپایه اجتهاد و جهاد الهی قوام یافته و امروزه در چهره انقلاب اسلامی تجلی کرده است.

۲ـ زنده نگه داشتن روح شدت و ستیز جامعه اسلامی علیه استکبار و همه دشمنان محارب و کینه توز اسلام و مسلمانان.

۳ـ نشر و تبیین معارف اصیل اسلامی.

۴ـ عنایت به اصل استوار «جدال احسن» نسبت به مخالفان.

۵ـ تحکیم مبانی وحدت و انسجام جامعه با رعایت ادب و احترام اسلامی.

۶ـ تبیین شأن تاریخی نهاد مقدس روحانیت به عنوان پایگاه مطمئن اعتقاد و اندیشه اسلامی و سنگر مبارزه با استبداد و استعمار و همگام و همدل با محرومان و مستضعفان و پناهگاه مردم و پیشتاز فداکار در صحنه انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام‌خمینی مدظله العالی و تقویت همه جانبه این نهاد.

۷ـ تکیه بر اصل ولایت فقیه و تبیین و تقویت مبانی تبلیغی و فرهنگی آن به عنوان رمز عزت امت و ضامن حاکمیت اسلام ناب محمدی و استقلال و عظمت ایران و جوامع مسلمانان.

۸ـ اهتمام به امر حوزه‌های علمیه و مساجد به عنوان سنگرهای محکم و اصیل نشر معارف اسلامی.

۹ـ نشر و تبیین اندیشه‌ها و مواضع رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی امام خمینی در مسائل مختلف و تکیه اصولی در زمینه مبارزه با اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت طلبان و در یک کلمه

اسلام آمریکایی و دفاع از اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفان، اسلام ستمدیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاک طینتان عارف و در یک کلمه اسلام ناب محمدی و زمینه‌سازی برای اجرای درست این رهنمودها.

۱۰ـ تقویت قوای تقنینی، اجرایی و قضایی نظام جمهوری اسلامی و حمایت از آنان در چارچوب قانون اساسی و رهنمودهای مقام معظم رهبری.

ماده چهارهم اساسنامه: روحانیون و اعضای وابسته به آن التزام خود را نسبت به قانون اساسی بیان می‌دارند.

ماده پنجم اساسنامه: طرحها، برنامه‌ها و سایر اقداماتی که در مرامنامه پیش‌بینی شده اگر به نحوی با وظایف یکی از وزارتخانه‌ها یا سازمانهای دولتی ارتباط دارد، پس از کسب موافقت وزارتخانه و یا سازمان دولتی ذیربط به مرحله اجرا در خواهد آمد.

تاریخچه تشکیل:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ عده‌ای از روحانیون که نقش بارزی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب داشتند و در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم فعالیت داشتند، با اذن امام و همت شهید آیت‌الله مرتضی مطهری جامعه روحانیت مبارز تهران را تشکیل دادند اعضای اصلی جامعه روحانیت مبارز عبارت بودند از شهید مرتضی مطهری، شهید دکتر باهنر، آیت الله مهدوی کنی، شهید دکتر بهشتی، آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای، شهید شاه آبادی، اکبر هاشمی رفسنجانی، اکبر ناطق نوری، حسن روحانی، محمد مجتهد شبستری و دیگران که بعدها به دلیل اختلاف سلیقه درونی بین اعضای برجسته جامعه روحانیت این تشکل در اواخر سال ۱۳۶۶ و اوایل سال ۱۳۶۷ دچار انشعاب شد و مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز منشعب گردید. علی اکبر محتشمی‌پور از اعضای برجسته مجمع روحانیون تاریخچه[1] تشکیل این تشکل را چنین توضیح می‌دهد:

"برخی اعضای مهم جامعه روحانیت عضو حزب جمهوری اسلامی نیز بودند، فارغ

---

۱. ویژه نامه روزنامه بیان، ۷۸/۱۱/۲۲.

از گرایشهای مختلف در حزب جمهوری اسلامی دو جناح فعال و قدرتمند در درون حزب جمهوری اسلامی وجود داشت، یکی جناح روشنفکران مذهبی که متشکل از گروهی از مهندسان، پزشکان، دانشجویان و تحصیلکردگان دانشگاهی بود که چهره شاخص این گروه مهندس میرحسین موسوی بودند که شاید عنوان چپ را بتوان به این جناح اطلاق کرد هرچند در آنزمان مفهوم چپ و راست هنوز تعریف درستی در مجموع حزب جمهوری اسلامی نداشت، گروه دیگر عبارت بودند از سران جمعیت مؤتلفه اسلامی و بازاریان و متمولین و متدینین اصناف مختلف که می‌توان آنها را جریان راست سنتی اطلاق کرد.

پس از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت دکتر بهشتی که همواره عامل وحدت بین دو جناح موجود در حزب جمهوری اسلامی بود اختلافات کمی بین این دو جناح بروز کرد. پس از انتصاب مهندس میرحسین موسوی به نخست‌وزیری، جناح تحصیلکرده حزب جمهوری دولت را به عهده گرفتند. اما ارکان مهم حزب جمهوری اسلامی به دست جریان راست سنتی افتاد و این گروه با حمایت جمعیت مؤتلفه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز (تهران) سعی در به دست آوردن کرسی‌های مجلس و دولت و همچنین استحکام موقعیت خود در حزب جمهوری اسلامی کردند. اختلاف نظر این دو جناح در حزب جمهوری اسلامی در مواجهه با مسائل روز کشور هر روز افزایش می‌یافت. اوج اختلاف این دو جناح در مهر و آبان ۱۳۶۴ و زمانی که می‌بایست کابینه جدید توسط رئیس جمهور به مجلس معرفی شود بروز کرد. جناح راست سنتی از کاندیداتوری آیت‌الله مهدوی کنی برای تصدی نخست‌وزیری حمایت می‌کرد اما جناح چپ از نخست‌وزیری مهندس میرحسین موسوی حمایت می‌کرد، با توجه با آن که در انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی جناح راست سنتی تعداد قابل توجهی از کرسی‌های پارلمان را به دست آورده بود، رقابت بین دو جناح برای معرفی کاندیدای نخست وزیری شدید شده بود، با توجه به پیغام امام به مجلس در مورد انتخاب نخست‌وزیر آینده و با توجه به آنکه مهندس موسوی مورد اعتماد امام خمینی(ره) بود و

شانس بیشتری برای گرفتن رأی اعتماد از مجلس داشت، اما عده زیادی از نمایندگان جناح راست سنتی هنوز با نخست وزیری وی مخالفت می‌کردند و همین امر موجب شد که از مجموع ۲۷۰ نفر مجلس ۹۹ نفر به نخست وزیری مهندس موسوی رأی مخالف و یا ممتنع دادند. می‌توان گفت این مطلب یکی از زمینه‌های تشکیل مجمع روحانیون مبارز (تهران) و انشعاب آن از جامعه روحانیت مبارز (تهران) بود. جناح راست سنتی با حمایت برخی روحانیون سرشناس با برخی از قوانین مطروحه که به زعم گروههای دیگر به نفع اقشار کم‌درآمد و ضعیف جامعه بود مخالفت می‌کرد، همین امر باعث تشدید اختلافات بین این دو جناح شده بود، از جمله این قوانین مورد اختلاف بند ج قانون زمین شهری، قانون کار، قانون تعاونی‌های تولیدی و غیره بود. عده‌ای بر این عقیده بودند که جناح راست سنتی با قوانین حمایتی از اقشار کم درآمد و عامه مردم جامعه مخالفت می‌کند در مقابل بیشتر جانب بازار و سرمایه‌داران مرفه را می‌گیرد. سال ۱۳۶۶ اوج اختلافات دیدگاههای اقتصادی جناح راست سنتی مجتمع در جامعه روحانیت مبارز با برخی دیگر از اعضای جامعه روحانیت مبارز بود. سوال برخی از روحانیون جناح راست از امام در مورد حدود مالکیت مردم در جایی که به منافع ملی تداخل کند و همچنین سوالاتی که برخی از وزرای کابینه مهندس موسوی راجع به حمایت بیشتر از اقشار کم‌درآمدتر جامعه و از جمله نامه‌ای که آقای سرحدی زاده وزیر کار به امام خمینی(ره) در مورد شرایط الزام آور دولت برای کارخانجات برای حمایت از کارگران نوشتند از آن جمله است. در آن زمان در بیشتر موارد امام بانظراتی که بیشتر به نفع اقشار کم درآمد و عامه مردم می‌شد موافقت می‌نمودند. ازجمله می‌توان به پاسخ مثبت به نامه آقای سرحدی‌زاده وزیر کار وقت و اعلام نظر امام در مورد ملی اعلام کردن منابع و معادنی که در املاک شخصی مردم کشف می‌شود اشاره نمود. در همان زمان بود که در حقیقت جناح‌بندی در حزب جمهوری اسلامی به جناح‌بندی در جامعه روحانیت مبارز منتقل شد و امام در آن زمان در پیامهایی که می‌دادند به وضوح به مسئله فقر و غنا و اسلام سرمایه‌داری و مرفهین بی‌درد و اسلام ناب‌محمدی اشاره و این دو را از هم جدا نمودند. با توجه به این زمینه‌ها و اختلافاتی که بر سر لیست انتخاباتی دوره دوم

و سوم جامع روحانیت مبارز در حوزه انتخابیه تهران بروز کرد. اختلافات شدت یافت. در دوره دوم یک با در گنجاندن نام آقای کروبی و سیدمحمود دعایی در لیست تهران توافق حاصل شد، اما آقای موسوی خوئینی‌ها و فخرالدین حجازی رأی نیاوردند، اما پس از یک هفته در مورد آقایان کروبی و دعایی پیشنهاد شد که ایشان از شهرستان کاندید شوند، پس از رأی‌گیری دوباره برسر باقی ماندن آقای کروبی در لیست تهران تصمیم گرفته شد و آقای دعایی رأی نیاوردند، این مسائل باعث آن شد که آقای کروبی نامه‌ای به آقای مهدوی کنی بنویسد و از جامعه روحانیت استعفاء بدهند. در این وضعیت با وساطت آقای هاشمی رفسنجانی مجدداً رأی‌گیری به عمل آمد و آقای دعایی دوباره در لیست تهران قرار گرفتند.

اما به طور کلی در مجلس دوم هر دو جناح جامعه روحانیت مبارز به نسبت مساوی حضور داشتند. دوباره در آستانه مجلس سوم اختلاف نظرات زیادی در مورد لیست تهران جامعه روحانیت مبارز بروز کرد که با توجه به زمینه‌های قبلی، این مقطع را می‌توان سرآغاز انشعاب در جامعه روحانیت مبارز و تشکیل مجمع روحانیون مبارز دانست. در دوره سوم مجلس اختلافات به جایی رسید که آقای مرتضی الویری و هادی غفاری از لیست جامعه روحانیت حذف شدند. در این زمینه آقای کروبی انتقاداتی به جامعه روحانیت کردند ولی مؤثر نبود، در این زمان آقای سیدمحمد خاتمی و موسوی خوئینی‌ها به دیدار آقای کروبی رفته و با توجه به جمع‌بندی‌های بعمل آمده در مورد عملکرد جامعه روحانیت مبارز پیشنهاد انشعاب و تأسیس یک تشکیلات روحانی مستقل از جامعه روحانیت مبارز مطرح شد. از این رو تصمیم بر این شد که آقای کروبی و موسوی خوئینی‌ها در مورد تشکیل این تشکیلات جدید با امام صحبت کنند تا نظر موافق ایشان را جلب نمایند و با توجه به آنکه در آن زمان آقای کروبی در بیمارستان بستری بود آقای خوئینی‌ها به تنهائی در اسفند ماه سال ۱۳۶۶ با امام ملاقات کرد و برخلاف آنچه برخی تصور می‌کردند امام با ایجاد انشعاب در جامعه روحانیت موافقت کردند. در آن مقطع که انتخابات مجلس سوم در پیش بود امام در عین موافقت با ایجاد تشکیلات جدید پیام دادند که مجمع روحانیون مبارز (تشکل جدید انشعاب یافته)

مانند جامعه روحانیت مبارز فقط در حوزه انتخابیه تهران لیست انتخاباتی بدهد و در شهرستانها کاندیدا معرفی نکند."

پس از انتخابات دوره سوم تشکل جدید که از جامعه روحانیت مبارز تهران جدا شده بود و نام مجمع روحانیون مبارز تهران را بر خود نهاده بود برای به دست آوردن اجازه کتبی امام‌خمینی(ره) مبنی بر موافقت با ایجاد تشکیلات نامه‌ای به امام نوشتند و نظر ایشان را در مورد این امر جویا شدند، متن نامه[1] به این شرح است:

"محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله ظله‌الوارف علی رئوس المسلمین:

با تقدیم تحیات وافره و ادعیه خالصانه احتراماً معروض می‌دارد: در فضای مبارک آزادی اظهارنظر و بیان عقیده که یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و در سایه حکومت جمهوری اسلامی ایران و در شرایط کنونی کشور و به ویژه با توجه به تأکیدات مکرر آن حضرت در جهت لزوم حضور در صحنه و خصوصاً با توجه به وظیفه خطیر روحانیون کشور در ارشاد و روشنگری جامعه انقلابی و دخالت صحیح در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و تقویت نظام مقدس جمهوری اسلامی، اینجانبان امضاءکنندگان ذیل لازم دانستیم که با همکاری و تبادل‌نظر با یکدیگر در قالب تشکل و نظم جدید به فعالیتهای خود در مسائل سیاسی و غیرسیاسی که در سرنوشت انقلاب و کشور تأثیر فراوان و قطعی دارد سامان دهیم. تعهد و میثاق جمع ما در این فعالیتها پیروی از اصول و خط مشی انقلاب که از ناحیه مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف در سخنرانیها و پیامها ترسیم و تبیین شده است، می‌باشد.

خط مشی ما از اصولی است که بطور جامع در «پیام حج» سال گذشته (سال ۱۳۶۶) که به حق منشور انقلاب نام گرفت، می‌باشد. خط مشی ای که در نامه‌ها و پیامهای پس از آن به ویژه در تبیین اسلام ناب محمدی «صل الله علیه و اله وسلم» و بیان مرزها و تفکیک آن از اسلام امریکایی آمده است، ترسیم فرموده‌اید وامید و اطمینان داریم که با این میثاق الهی در

---

۱. مجموع بیانیه‌های مجمع روحانیون مبارز، ص۷.

این تشکل جدید بهتر به وظیفه اسلامی خود عمل می‌کنیم و دینی که به انقلاب و اسلام و ملت فداکار و مجاهد ایران و شهدای عزیز داریم ادا می‌نمائیم. لزوماً به استحضار می‌رساند که قبل از هر اقدامی در این باب تلاش فراوانی توسط بعضی از برادران ما برای نزدیک کردن نقطه نظرات در چارچوب اصول و موازین مورد قبول با دیگر روحانیون محترمی که سالها با آنان فعالیت مشترک داشتند، صورت گرفت که متأسفانه به علت پافشاری آن آقایان بر روی مسائل و مواردی که آنها را برخلاف مصلحت و موازین تشخیص می‌دادیم به نتیجه نرسید. لذا به نظر می‌رسید که جمع ما در تشکل جدید بیشتر و بهتر می‌توانند خدمتگزار انقلاب اسلامی باشد.

اما از آنجا که ممکن بود از این انشعاب و ایجاد شکل و نظم جدید شائبه اختلاف و تفرقه به بعضی اذهان راه پیدا کند و برخی افراد ناآگاه آن را وسیله‌ای برای تبلیغ علیه وحدت که همواره مورد توصیه و تأکید آن حضرت بوده است قرار دهند، لازم دیدیم که موضوع را به استحضار حضرتعالی برسانیم تا چنانچه مصلحت ندانستید اقدامی صورت نپذیرد که از طریق برادر بزرگوار حجة الاسلام و المسلمین سیداحمد آقا از موافقت و رضایت خاطر مبارک اطلاع حاصل نمودیم و سپس برای انعکاس این موافقت و رضایت در وسائل ارتباط جمعی مجدداً کسب اجازه شد که نظر موافق نسبت به فعالیت این جمع در ضمن توصیه براین که برای غیر تهران نامزد معرفی نکنید، عنایت فرمودید.

پس طی مراحلی که گذشت این جمع با نام «روحانیون مبارز تهران» اقدامات خود را آغاز کرد و نسبت به انتخابات نیز لیستی از نامزدهای تهران تهیه و به اطلاع مردم شریف تهران رسانید. اکنون با این تجربه موفق و با این اعتقاد که ایجاد تشکل جدید «روحانیون مبارز تهران» از جهات مختلف خصوصاً در جهت حفظ آزادی اظهار عقیده برای سایر اقشار مردم مفید و لازم بوده است در ادامه فعالیتهای دیگر خود خصوصاً اقدامات قولی و عملی در تبین و ابلاغ محتوای پیامهای آن امام بزرگوار به قشرهای مختلف به ویژه اقشار مستضعف که در شأن و وظیفه روحانیون است و از آن جمله حفظ و تحکیم هر چه بیشتر پیوند بین دو قشر روحانی و دانشگاهی که آن نیز از دستاوردهای رهبری آن حضرت و این

انقلاب شکوهمند است مستدعی است نسبت به آنچه معروض گردید چنانچه صلاح می‌دانید نظر مبارک را مرقوم فرمائید. در اینجا لازم می‌دانیم از صدور دستور کمک مالی ماهانه که قبل از برگزاری انتخابات از اعلام آن در رسانه‌ها خودداری نمودیم، تشکر و سپاسگزاری نمائیم. در خاتمه پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و شکست قطعی دشمن بعثی- صهیونیستی و نابودی صدام و سایر دشمنان اسلام خصوصاً آمریکای جهانخوار و طول عمر و سلامت آن امام عزیز و بزرگوار را از خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم."

شورای مرکزی روحانیون مبارز تهران

امام خمینی (ره) در جواب به این نامه در مورخ ۱۳۶۷/۱/۲۵ چنین مرقوم داشتند[1]:

"حضرات حجج اسلام روحانیون مبارز تهران دامت افاضاتهم:

سیر قضیه به همین صورتی است که در نامه آورده‌اید.

انشعاب تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات جدید به معنای اختلاف نیست، اختلاف در آن موقعی است که خدای ناکرده هر کس برای پیشبرد نظرات خود به دیگران پرخاش کند که بحمدالله با شناختی که من از روحانیون دست اندرکار انقلاب دارم چنین کاری صورت نخواهد گرفت. من به شما و همه کسانی که دلشان برای اسلام عزیز می‌تپد دعا می‌کنم و توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم."

والسلام‌علیکم‌ورحمة‌الله

روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی

۶۷/۱/۲۵

با جواب مثبت و تأئید امام، انشعاب «مجمع روحانیون مبارز تهران» یا «روحانیون مبارز تهران» از «جامعه روحانیت مبارز تهران» علناً اعلام شد و این تشکل فعالیت خود را رسماً اعلام کرد.

در دوره سوم مجلس منتسبین به این جناح که در آن زمان به جناح رادیکال (تندرو) یا

---

۱. مجموعه بیانیه‌های مجمع روحانیون مبارز، ص ۶

جناح چپ مشهور شدند دارای اکثریت نسبی بودند. اما بعد از انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری که از چهره‌های بارز جریان میانه رو و راست بشمار می‌رفت این جناح چپ یا رادیکال در حاشیه قرار گرفت. اکثر اعضای کابینه مهندس موسوی که تمایل به جناح چپ داشتند به هیئت دولت دعوت نشدند. مثلاً بهزاد نبوی (وزیر صنایع سنگین)، فرهادی(وزیر بهداشت و درمان)، محتشمی‌پور(وزیر کشور)، اکرمی (وزیر آموزش و پرورش) و دیگران از جمله کسانی بودند که در هیئت دولت منتخب آقای هاشمی رفسنجانی حضور نداشتند و به جای آنها اکثراً چهره‌های متمایل به جناح راست و جمعیت مؤتلفه پستهای وزارت را به دست آوردند. تنها دو نفر از چهره‌های برجسته جناح چپ در کابینه آقای هاشمی رفسنجانی حضور یافتند که این دو نفر عبارت بودند از سیدمحمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی و مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی که از این دو نیز در دوره دوم ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، مصطفی معین انتخاب نشد و سیدمحمد خاتمی نیز در اوایل دوره دوم ریاست جمهوری هاشمی تحت فشار مجلس که در اختیار جناح راست بود از کابینه مجبور به استعفاء شد.

پس از انتخابات ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و تبلیغات شدیدی که جناح چپ را رادیکال و انعطاف‌ناپذیر معرفی می‌کرد و جناح راست و میانه‌رو و شخص رئیس جمهور، هاشمی رفسنجانی را میانه‌رو و دارای سیاست باز و توسعه گرا معرفی می‌کرد، همچنین امیدواری‌هایی که جناح راست ومیانه‌رو در مردم در زمینه بهبود اوضاع اقتصادی و سیاست خارجی باز در ارتباط بیشتر با غرب ایجاد کرده بود باعث آن شد که در انتخابات مجلس چهارم جناح چپ که در حقیقت همان مجمع روحانیون مبارز بود در حاشیه قرار گیرد. به صورتی که لیست جامعه روحانیت مبارز (جناح راست) و لیست مجمع روحانیون مبارز (جناح چپ) در حوزه انتخابیه تهران فقط در دو یا سه کاندید باهم اشتراک داشتند و تقریباً از حوزه انتخابیه تهران هیچ یک از کاندیداهای جناح چپ حائز اکثریت برای ورود به مجلس نشد، از جمله مهدی کروبی و خانم کروبی، محتشمی‌پور، غفاری، محمدرضا توسلی، سعید حجاریان، فخرالدین حجازی، بهزاد نبوی، نجفقلی

حبیبی، مرتضی الویری، عیسی ولایی، موسوی خوئینی‌ها، عباس دوز دوزانی، عبدالواحد موسوی لاری و محمدابراهیم اصغرزاده و برخی دیگر یا رأی نیاوردند و یا توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند و یا آن که بعضاً در انتخابات شرکت نکردند. بدین صورت اکثریت مجلس چهارم از اعضای جناح راست میانه‌رو یا راست‌سنتی و جمعیت مؤتلفه اسلامی انتخاب شدند و دوره‌ای از کاهش فعالیت جناح چپ آغاز شد.

می‌توان یکی از دلایل کاهش فعالیتهای جناح چپ را در این مقطع موضع‌گیریهای این جناح در مورد مسائل اقتصادی و روابط خارجی دانست. اما از آن مهمتر تبلیغات جناح رقیب و خواست عمومی در پذیرش شعارهای تبلیغاتی جناح راست یا میانه‌رو (در آن زمان) عامل این امر بود. بعضاً تبلیغات منفی نیز در این انتخابات در نتایج بدست آمده بی‌تأثیر نبود، به طوری که حاج‌سیداحمد خمینی صریحاً به تبلیغات سوء علیه آقای مهدی کروبی اعتراض و جریان سوء تبلیغات علیه وی را محکوم کردند، به هرحال با پایان مجلس چهارم و شروع بررسی صلاحیت داوطلبان برای انتخابات مجلس پنجم عده‌ای از منتسبین به این جناح دوباره رد صلاحیت شدند. این امر موجب شد که مجمع روحانیون مبارز با اعتراض به رد صلاحیت گسترده کاندیداهای خود صحنه انتخابات را ترک کند و در مورد حوزه انتخابیه تهران لیستی ارائه نکند. این امر موجب شد که میدان برای جناح راست که در جریان مجلس پنجم دچار انشعاب نیز شده بود باز باشد، با آن که گروه کارگزاران با انشعاب از جناح راست لیست جداگانه‌ای در حوزه انتخابیه تهران ارائه کرد و عملا وارد رقابت انتخاباتی با جناح راست سنتی شده بود، اما عملاً نتوانست آراء زیادی را به خود اختصاص دهد و عملاً در این دوره نیز مانند دوره چهارم جناح راست‌سنتی که حالا راست مدرن از آن تفکیک شده بود اکثر کرسی‌های مجلس را تصاحب کرد. با این وجود عده‌ای از نمایندگان منتخب در دوره پنجم دارای گرایش چپ بودند و توانستند با ائتلاف با گروه کارگزاران یک فراکسیون قوی بنام مجمع حزب‌الله مجلس را بوجود آورند.

سیر نزولی فعالیت جناح چپ و مجمع روحانیون مبارز ادامه داشت تا آنکه زمان انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم فرارسید. زمزمه‌ها و شایعه هایی مبنی بر حضور

مهندس موسوی نخست وزیر سابق و از منتسبین به جناح چپ در عرصه انتخابات به گوش می‌رسید تا جایی که یکی از روزنامه‌ها ادعا کرد که طبق نظرسنجی‌های بعمل آمده ۷۰٪ مردم در انتخابات آینده ریاست جمهوری به ایشان رأی خواهند داد و روزنامه دیگر این امر را یک رفراندوم عمومی برای انتخاب مهندس موسوی و نشان اعتماد مردم به وی اعلام کرد. مهندس موسوی در ابتدا طبق گزارش منابع غیررسمی در حال بررسی کاندیداتوری برای ریاست جمهوری از طرف گروههای موسوم به چپ بود، اما با گذشت زمان به علت مسائلی که هیچ‌وقت افشاء نشد از کاندیداتوری ریاست‌جمهوری کنار رفت و با نوشتن نامه‌ای خطاب به مردم از پذیرش این امر عذرخواهی کرد. برخی این عدم پذیرش از سوی وی را به علت فشارهای جناح مقابل دانستند و عده‌ای دیگر حمایت گروه کارگزاران از وی و عدم پذیرش برنامه‌های آنها از سوی مهندس موسوی را عامل این عدم پذیرش دانستند. اما این عدم پذیرش بیشتر از آنکه به ضرر مجموعه جناح چپ تمام شود به ضرر جناح رقیب تمام شد، به طوری که تلقی مردم آن بود که جناح مقابل درصدد حذف کاندیدای جناح چپ است، این امر باعث گرایش بیشتر مردم به جناح چپ و در رأس آنها مجمع روحانیون مبارز شد. پس از انصراف مهندس موسوی جناح چپ در صدد جلب رضایت دکتر مصطفی معین وزیر سابق آموزش عالی برای قبول کردن نامزدی ریاست جمهوری از طرف این جناح برآمدند، اما ایشان نیز به دلایلی از پذیرش آن خودداری کرد، پس از آن این جناح درصدد جلب موافقت سیدمحمد خاتمی از اعضای شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز و وزیر ارشاد اسلامی در دولت میرحسین موسوی و هاشمی رفسنجانی برای قبول کاندیداتوری برآمدند. با قبول این امر توسط خاتمی عملاً جناح چپ و در رأس آنان مجمع روحانیون وارد مرحله جدیدی از فعالیت سیاسی خود شد و این بار به قول مهدی کروبی فعالانه وارد عرصه سیاسی شد و به دوره طولانی (هشت‌ساله) انزوای سیاسی خود پایان داد. شخصیت جذاب و تا حدودی ناشناخته سیدمحمدخاتمی رفته رفته از محبوبیت بیشتر برخوردار شد و تلاشهای جناح رقیب (راست سنتی) برای جلب نظر مردم به کاندیدای موردنظر خود نه تنها تأثیری نداشت بلکه بعضاً باعث ترغیب بیشتر مردم برای رأی دادن به

کاندیدای جناح مقابل یعنی آقای خاتمی شد. دو عامل مهم را می‌توان دلیل موفقیت خاتمی در جریان انتخابات ریاست جمهوری که بعداً به حماسه دوم خرداد معروف شد دانست. اول: نارضایتی مردم از وضعیت معیشتی و تنگناهای به وجود آمده بر سر راه برخی خواسته‌های اساسی و قانونی از سوی نهادهای دولتی یا غیردولتی و از سوی دیگر تلقی این که گروه مقابل انحصار طلب است و می‌خواهد همواره سرنوشت انتخابات را از قبل تعیین کند، در مردم ایجاد شده بود. دوم: حمایت آشکار و پنهان برخی افراد سرشناس و گروههای مقابل با جریان راست سنتی (ارزشی) از جمله حمایت صریح مهندس موسوی و حزب کارگزاران سازندگی و حمایت غیرعلنی و غیررسمی خانواده آقای هاشمی رفسنجانی در قالب حزب کارگزاران سازندگی.

به عقیده مؤلف یکی از مهمترین عوامل پیروزی آقای خاتمی را می‌توان عامل دوم یعنی حمایت مهندس موسوی و حزب کارگزاران سازندگی از ایشان عنوان کرد. چرا که برای بسیاری از مردم تا زمان انتخابات و حتی پس از آن گرایش سیاسی آقای خاتمی نامشخص بود و حتی اکثریت مردم از عضویت ایشان در مجمع روحانیون مبارز هیچ اطلاعی نداشتند.

به هر حال انتخاب خاتمی، دور جدیدی از فعالیت مجمع روحانیون مبارز را رقم زد، به طوری که مجمع روحانیون مبارز برخلاف دوره چهارم و پنجم به صورت گسترده در انتخابات مجلس ششم شرکت کرد و با توجه به تغییر جو سیاسی و عدم رد صلاحیت گسترده کاندیداها از سوی شورای نگهبان این گروه در تهران و شهرستانها کاندیدا معرفی کرد و تا حدود زیادی نیز توانست آراء مردم را جلب کند، هرچند دوره ششم دوره موفقیت گروههای چپ مدرن به رهبری حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی بود.

در انتخابات مجلس ششم و در حوزه انتخابیه تهران بیست نفر از لیست موردنظر مجمع روحانیون مبارز به مجلس راه یافتند و از ده نفر باقی مانده نیز دو نفر جزء لیست مشترک با جناح راست و راست مدرن بودند.

انتخاب آقای مهدی کروبی دبیرکل مجمع روحانیون مبارز به عنوان ریاست مجلس

ششم که حاصل توافق اکثر گروههای ائتلاف دوم خرداد بود یک پیروزی دیگر برای مجمع روحانیون مبارز بشمار می‌آید.

لازم به یادآوری است که مجمع روحانیون مبارز در مورخه ۱۳۶۸/۴/۱۲ از وزارت کشور پروانه فعالیت سیاسی به عنوان یک تشکل سیاسی مستقل را دریافت نموده است.

گرایش سیاسی:

هرچند این گروه و نیروهای همسوی آن به جناح چپ و در اوایل تشکیل به گروه رادیکال (تندرو) معروف بودند، اما اینک کمتر ناظران سیاسی لفظ رادیکال را برای این گروه به کار می‌برند و حتی اصطلاح چپ نیز برای این گروه از لحاظ اقتصادی تا حدودی رنگ باخته است. از بدو تشکیل، این گروه به طرق مختلف جزء منتقدین جناح راست در داخل نظام بوده و به هیچ عنوان خارج از حاکمیت نظام عمل نکرده است. آنچه که برخی اکنون به آن معتقدند عنوان چپ اصطلاح طلب برای این گروه است. اما برخی نیز جناح چپ را به دو گروه چپ سنتی (ارزشگرا) و چپ مدرن تقسیم‌بندی و مجمع روحانیون مبارز را جزء جناح چپ سنتی (ارزشگرا) قرار می‌دهند، در هر حال این جناح معتقد به آزادی برای ابراز عقیده و حق انتخاب مردم می‌باشد از طرفی در عرصه اقتصادی خواستار دخالت بیشتر دولت در اقتصاد و رسیدگی بیشتر به اقشار کم درآمد جامعه می‌باشد. این خواستها همگی از یک سیاست که همان اصلاحات در سیستم حکومتی است نشأت می‌گیرد و به همین دلیل می‌توان اصطلاح چپ را برای این جناح به کار برد.

تشکیلات و نشریات وابسته:

این گروه خود را یک گروه روحانی می‌داند و نام حزب را برای خود انتخاب نکرده است اعضای تشکیل دهنده این گروه همه از یک قشر یعنی روحانیون تشکیل یافته‌اند، هرچند در تمام قشرهای جامعه هوادارانی دارد. مهدی کروبی در مورد تشکیلات این مجمع در شهرستانها می‌گوید: «ما ارتباط فکری و اندیشه‌ای با قم و مشهد داریم.» البته این

مجمع پس از دوم خرداد در اکثر شهرستانهای بزرگ دارای تشکیلات نسبتاً منسجمی شد و بر فعالیت خود افزود. این گروه از وزارت کشور در تاریخ ۶۸/۴/۱۲ مجوز فعالیت دریافت نموده است، هرچند در ابتدا موافقت با تشکیل آن از سوی رهبر کبیر انقلاب امام خمینی(ره) مورد تأکید قرار گرفته بود. این گروه با آنکه تمام فعالیتهای مربوط به یک حزب سیاسی را انجام می‌دهد اما رسماً اسم حزب را ندارد و عضوگیری عمومی نیز نکرده است. بخش عمده‌ای از کارکرد مجمع روحانیون ارتباط با مساجد و ائمه جمعه و وعاظ شهرهای مختلف است که با این تشکل همراهی دارند. تا قبل از بسته‌شدن روزنامهٔ «سلام» این روزنامه نظرات این گروه را منعکس می‌کرد. پس از آن روزنامه بیان که با همان کادر روزنامه سلام کار می‌کرد، تا حدودی نظرات این گروه رامنعکس می‌کرد، اما این روزنامه نیز پس از مدتی بسته شد و به جای آن روزنامه آفتاب یزد منتشر شد. برخورد با این روزنامه‌ها تا حدی پیشرفت که آقای موسوی خوئینی‌ها مدیر مسئول روزنامه سلام به دادگاه ویژه روحانیت احضار و در دادگاه به ۱۰ سال زندان و با تخفیف تبدیل به جریمه نقدی محکوم شد و محتشمی‌پور مدیر مسئول روزنامه بیان نیز به دادگاه ویژه روحانیت فراخوانده شد. مجمع روحانیون با دیگر گروههای حامی آقای خاتمی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ یک ائتلاف بزرگ بنام ائتلاف جبهه دوم خرداد را تشکیل داده‌اند که احزاب و تشکلهای سیاسی این جبهه عبارتند از: مجمع روحانیون مبارز، مجمع حزب‌الله مجلس شورای اسلامی، مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، مجمع نیروهای خط امام مجلس شورای اسلامی، مجمع نیروهای خط امام، مجمع اسلامی بانوان، حزب اسلامی کار، حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی، خانه کارگر جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، حزب کارگزاران سازندگی ایران، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی مدیران و کارشناسان صنعتی و اقتصادی، حزب همبستگی ایران اسلامی.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

مجمع روحانیون مبارز مانند جامعه روحانیت متشکل از قشر روحانیون جامعه می‌باشد که از قبل از انقلاب در فعالیتهای سیاسی حضور داشتند و از روحانیونی هستند که از ابتدای نهضت اسلامی امام خمینی(ره) با ایشان همراه بودند. خصوصاً برخی از این روحانیون در دفتر حضرت امام در نجف و پاریس حضور داشتند و دارای همفکری بیشتری نسبت به هم بودند و نسبت به امام نیز جزء نزدیکان ایشان به شمار می‌رفتند. در سال ۱۳۶۷ به دلیل اختلافات این عده با اعضای دیگر جامعه روحانیت مبارز ایشان از این تشکل جدا شده و مجمع روحانیون مبارز را تأسیس کردند. که البته اعضای اصلی این گروه مسئولین نهادهای انقلابی و عمدتاً از اعضای دفتر حضرت امام بودند، بنابراین مجمع روحانیون نیز تشکلی است که در بالای هرم قدرت سیاسی تشکیل شده هرچند اقشار مختلف جامعه دارای گرایش به این تشکل و آرمانهای آن هستند. از لحاظ طبقات اجتماعی که از ابتدا تاکنون با این تشکل همراه بودند می‌توان به برخی اساتید و دانشجویان، معلمان، کارگران و اقشار مذهبی مردم و بخشی از قشر روحانیون آرمانگرا که در آن زمان به نوعی با این تشکل همفکری داشته‌اند اشاره کرد.

چنانکه گفته شد برخی از اعضای دفتر امام در مجمع روحانیون عضویت دارند این افراد عبارتند از:

محمدرضا توسلی، سیدمهدی امام جمارانی، حیدرعلی جلالی خمینی، سید محمود دعایی، علی اکبر محتشمی‌پور، سید حمید روحانی، سید علی‌اکبر آشتیانی، محمدحسین رحیمیان، مجید انصاری، سیدسراج الدین موسوی.

مواضع سیاسی:

مجمع روحانیون مبارز در بدو تشکیل تأکید بر مواضع اصولی انقلاب را شعار اولیه خود قرارداد و راه و روش خود را عمل به دستورات امام خمینی(ره) رهبر انقلاب توصیف

کرده است آقای موسوی خوئینی‌ها[1] از اعضای شورای مرکزی این گروه می‌گوید:

"مهمترین علت تشکیل روحانیون مبارز اجرا و پیاده کردن نقطه نظرات حضرت امام می‌باشد."

مهدی کروبی دبیر کل مجمع روحانیون مبارز در بدو تشکیل این گروه معیارهای این گروه را به صورت زیر بیان می‌کند.

"معیار کلی ما، تقوا و در خط امام بودن و مطیع محض ولی امر و ولی فقیه بودن است."

سیدمحمد خاتمی[2] از اعضای شورای مرکزی مجمع روحانیون در مورد انگیزه و روشهای این گروه می‌گوید:

"جمع حاضر براساس وظیفه‌ای که یکایک افراد آن داشته‌اند احساس کرده است که به صورت جمعی و همیاری، بهتر و بیشتر می‌تواند در خدمت انقلاب و اسلام بوده و اصالت این جمع را باید در «اثبات» جستجو کرد نه در «نفی». اثبات آنچه جایش خالی است نه «نفی» آنچه هست و در جای خود مفید است و نیز انگیزه این جمع «وصل» است نه «فصل» و «جذب» است نه «دفع» یعنی تلاش برای از بین بردن هرگونه تلقّی و توهم بیمار گونه که در اثر سهل انگاری ممکن است در جامعه پدید آید و انبوهی از نیروهای مخلص، کارآمد و صاحب رأی و آزاده را دلزده و مأیوس کند."

"همه می‌دانیم یا باید بدانیم که اسلام برتر از «سلیقه»ها است. اختلاف میان افراد در سلیقه و بینش امری طبیعی و در جای خود مفید است اما هنر و حقانیت اسلام این است که می‌تواند همه گرایشها و بینش‌ها و سلیقه‌ها را که در چارچوبهای اصولی مشترکند در برگیرد و روحانیت اصیل نیز که آئینه اسلام است باید نسبت به همه بینش‌ها و سلیقه‌ها که به اصول و موازین و معیارهای اساسی معتقدند فراگیر باشد و هرگونه موضع‌گیری و عملی که این توهم را ایجاد کند که روحانیت تعلق به سلیقه و گرایش خاص دارد حاصلش در جامعه «فصل» است نه «وصل»."

---

۱. مجموعه بیانیه‌های مجمع روحانیون مبارز، ص ۱۸۵.
۲. همان، ص ۱۸۹.

سید سراج الدین موسوی[۱] از اعضای مجمع روحانیون مبارز علت تشکیل این گروه را چنین بیان می‌کند.

"در دوره دوم (مجلس) برخی از آقایان که از آنها توقع بیشتری می‌رفت جای لیبرالها را پر کردند و با توجه به اینکه انتظار می‌رفت وضع قوانین مفیدی انجام شود، ولی دیدیم که آقایان علم مخالفت با دولت را برداشتند و در حالی که حضرت امام و مردم دولت را موفق و در حال پیشرفت ارزیابی می‌کردند، این آقایان مخالفت با برنامه‌ها و کارهای دولت را در رأس کار خود قرار داده بودند و با همه طرحها و لوایحی که به نفع محرومین و مستضعفین بود مخالفت می‌کردند واز طرف دیگر علناً از زراندوزان و خواص مذموم حمایت می‌کردند. ما در شرایط جنگ و این برهه حساس که قرار گرفته‌ایم نباید اجازه بدهیم که افراد معدود کارشکن وقت مردم، مجلس و نظام را تلف کنند."

برخی از دیدگاههای سیاسی اعضای برجسته مجمع روحانیون مبارز را که در بدو تشکیل این مجمع در اواخر سال ۱۳۶۷ بیان شده است در ذیل می‌خوانیم:

موسوی خوئینی‌ها از اعضای برجسته و مؤسس مجمع روحانیون مبارز در مورد مسائل و دیدگاههای سیاسی مجمع روحانیون[۲] چنین می‌گوید:

راه امام و خط امام:

"ما بر همان گفته‌های اولیه تأکید و اصرار داریم که نجات کشور و سعادت کشور و تداوم انقلاب ما در ادامه دادن راه امام و خط امام است."

"ما از اصول خدشه‌ناپذیر خط امام، که حمایت و ترویج و تبیین اسلام ناب محمدی(ص) در برابر اسلام امریکایی است تبعیت می‌کنیم."

"از دیگر اصول مسلم و خدشه‌ناپذیر خط امام، روحیه حمایت از محرومیت و در واقع مبارزه با فقر و اعتقاد به جنگ دائمی فقر و غنا که از مشخصه‌های اسلام امریکایی است، می‌باشد."

"از دیگر مسائلی که در خط امام به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، اعتقاد به سیاست

---

۱. همان، ص ۱۹۷.
۲. همان، ص ۲۳۹-۲۳۳.

نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی است."

وظیفه روحانیون مبارز:

"یکی از وظایف مسلم روحانیون مبارز این است که همیشه نسبت به اسلام آمریکایی جامعه را هشدار بدهند و در تبلیغ و تبیین اسلام ناب هم تلاش بکنند و همچنین از وظایف روحانیون مبارز معرفی کسانی است که می‌توانند طرفدار و حامی اسلام ناب باشند و در مواقع خطر بتوانند در مقابل آمریکا هوشیار باشند."

برخوردهای حذفی جناحها:

"حذف یکی از دو جریان (مجمع روحانیون یا جامعه روحانیت) مثل این است که نیمی از جامعه بخواهد نیم دیگر را از بین ببرد که چنین توانایی و امکانی وجود ندارد. این تنگ نظری‌ها را باید کنار گذاشت که اگر بنده در مسیر انقلاب به نقاط اعتقادی خاصی رسیدم و تفکرات سیاسی خاص و صلاحیت مشخص و دیدگاههای معینی دارم و سخت هم بـه آن پایبندم، این حق را به خود بدهم که بگویم هر کسی که غیر من فکر می‌کند باطل است. انسان همیشه در این نوع مسائل و مسائل سیاسی و اجتماعی باید جای یک درصدی از اشتباه را برای خودش باز بگذارد و نگوید هرچه من می‌گویم درست است و هرچه هم غیر از ایـن است باطل است، اسلام همانی است که من می‌گویم هیچ برو برگرد ندارد و یـا مـثلاً خـط نجات کشور و حفظ انقلاب همان چیزی است که من معتقد هستم و اگر دیگری یک کلمه غیر این بگوید حتماً او منحرف است، این تنگ‌نظری انسان‌را به سقوط می‌کشاند."

برداشت شخصی از اسلام:

"یکی از اشتباهات هم همین است که ما گاهی خودمان را خیلی متولی دین یـا اسـلام می‌دانیم و خیال می‌کنیم اسلام درست یک لقمه شده و توی حلق ما رفته یا یک نوری بوده است و فقط در دل ما تابیده است و یا نسبت به انقلاب هم انسان خیال کند که تمام انقلاب را با اصولش من می‌فهمم و دیگران نمی‌فهمند که این اشتباه است."

"این اشتباه است که کسی بخواهد خودش را اینقدر مطلق بـدانـد کـه فکـر کـند هـیچ اشتباهی برای او رخ نمی‌دهد. من این را صمیمانه و بـرادرانـه هـم بـه دوسـتان خـودم در

(مجمع) روحانیون مبارز و هم به سایر برادرانی که در گروهها و تشکل‌های دیگر هستند می‌گویم، تنگ‌نظری را از خود دور کنیم و برای اینکه حالا ما موفق شدیم، شروع بکنم به پرخاشگری نسبت به گروههای دیگر.»

مهدی کروبی[۱] در مورد معیار صلاحیت کاندیداهای مجلس در انتخابات مجلس سوم چنین می‌گوید:

«معیارهای کلی ما، تقوا و در خط امام بودن و مطیع محض ولی فقیه بودن است. افراد موردنظر ما علاوه بر تعهد و عشق به اسلام، باید این دیدگاه و جهان بینی از اسلام را داشته باشند که با استکبار، سرمایه داری، عافیت‌طلبی و راحت‌طلبی مبارزه کنند و روح طرفداری از مستضعفین و محرومین در آنها وجود داشته باشد.»

سید محمد خاتمی در سال ۱۳۶۷ برخی از دیدگاههای سیاسی مجمع روحانیون را چنین بیان می‌کند[۲]:

عدالت اجتماعی:

«اسلامی که بنیانش «حق» است، مضمون آن در صحنه حیات جامعه، «عدالت اجتماعی» است. موضع گیریهای امام امت که مظهر روحانیت اصیل است، از آغاز نهضت اسلامی تا کنون چنین بوده و حجت را بر همگان تمام کرده است و بخصوص در پیامها و فتاوی اخیر معظم له تلألو خاصی یافته است. این موضع‌گیری و تلاش همه جانبه فکری و عملی برای تحقق عدالت در جامعه علاوه بر اینکه مقتضیات اسلام عزیز است، در دنیای کفر آلوده و استکبار زده کنونی، موجب جذابیت اسلام و انقلاب اسلامی می‌شود.»

جنگ فقیر و غنی:

«باید راه را بر سوءاستفاده همه کسانی که نسبت به جنگ جاودانه فقیر و غنی حساسیتی ندارند یا اسلام را برای منافع و مصالح مادی و سیاسی خود می‌خواهند، بست و زمینه‌های بهره گیری سوء این عناصر را از اسلام و روحانیت معظم از بین برد و علاوه بر این به عنوان وظیفه‌ای مهم، حیاتی و فوری باید تلاش و برنامه ریزی برای تأمین این مهم را در رأس

---

۱. همان، ص ۲۰۸.
۲. همان، ص ۱۹۱.

مسئولیتها و تلاشها قرار داد.»

باید اذعان کرد با گذشت ۱۲ سال از بدو تشکیل مجمع روحانیون مبارز این تشکل از لحاظ دیدگاههای سیاسی قدری متفاوت از آنچه که در بدو تأسیس بـه عـنوان آرمـانها و اهداف خود بیان می‌کرد عمل می‌کند که البته بـنابر مـقتضیات زمـانی امـروز کشـور ایـن تغییرات چندان دور از انتظار به نظر نمی‌رسد. برخی از دیدگاههای اعضای برجسته مجمع روحانیون مبارز که در این اواخر (سالهای ۷۸ و ۷۹) از سوی آنان بیان شده است را با هـم می‌خوانیم.

برخی دیدگاههای سیاسی مهدی کروبی دبیر کل مجمع روحانیون مبارز به شرح زیـر است:

جایگاه رهبری[۱]:

«امام برای ما مقدس است و نه تنها امام برای ما مقدس است، شخص رهبری ولی فقیه حضرت آیت الله خامنه‌ای هم برای ما مقدس است. رهبر برای ما مقدس است. جایگاهش مقدس است و حرمتش لازم است و باید مواظب باشیم کوچکترین حادثه‌ای و حریم‌شکنی برای بزرگان ما نشود.»

توسعه سیاسی و آزادی:

«ما باید اعتقاد مردم را رعایت کنیم. ما باید خواسته‌های مـردم را رعـایت کـنیم. آقـای خاتمی توسعه سیاسی آورد و باید توسعه سیاسی باشد، انحصارطلبی هم نباید باشد، آزادی هم باشد،ولی در چارچوب قانون اساسی، آزادی باشد در چارچوب ارزشهای اسلامی. البته هر کس یک سلیقه دارد و می‌تواند اظهارنظر بکند اما باید ضوابط اسلامی و قانون اساسی و احکام اسلام و اعتقادات مردم را هم رعایت کند.»

امام اساس انقلاب:

«امام اساس انقلاب ما است. امام بنیانگذار این نظام است و به وجودآورنده است، او باید حرمتش محفوظ بماند. نه ما می‌گوییم امام معصوم است و نه می‌گوییم که به امام وحی شده

---

۱. انتخاب، ۷۸/۶/۲۴.

ولیکن امام مجتهدی است اعلم و مرجع تقلیدی است کم نظیر، بنیانگذار این نظام است و اگر امام نبود خدا می‌داند که چه می‌شد و به چه نتیجه‌ای می‌رسیدیم.»

اعتقادات مردم:

«اگر کسی هم عوض شده این هیچ اشکالی ندارد. اما دیگر لزومی ندارد به مقدسات مردم به اعتقادات مردم و باورهای مردم تحریض کنند. مردم که بازیچه نیستند که یک روزی ما یک شعار دادیم یک روز دیگر یک جور دیگر شعار بدهیم.»

مردم و قانون اساسی:

«مردم به جمهوری اسلامی علاقه دارند، به امام علاقه دارند، به روحانیت علاقه دارند، به حکومت علاقه دارند، به دین هم علاقه دارند. اما به تحمیل علاقه ندارند، ما برگردیم همه به قانون و تن به قانون بدهیم و اگر به قانون عمل کنیم در جای خودمان هستیم، مردم هم با ما لج نمی‌کنند.»

دشمنان توسعه سیاسی:

«توسعه سیاسی دو دشمن دارد. یک دشمن آنهایی که می‌خواهند حصر بماند و هر کاری که می‌خواهند بکنند و یک عده آنهایی که ندانسته کارهایی می‌کنند که ممکن است به توسعه سیاسی حزب بخورد. نباید افراط و تفریط باشد. البته اینجا دو دسته هستند، دسته اول ممکن است مریض باشند و خدای ناکرده حریم شکنی کنند و دسته دوم آنهایی که متأسفانه می‌خواهند از ولایت سوءاستفاده بکنند و از رهبری به نفع خودشان استفاده کنند که این هم باز موجب ضربه زدن می‌شود و هر دو ظلم است.»

جامعه مدنی و تحمل[1]:

«وقتی ما صحبت از جامعه مدنی و تکثر می‌کنیم، باید تحمل دیگران را داشته باشیم، تخریب هیچ کس را نخواهیم و نقاط قوت و مورد علاقه خود را برای مردم بگوییم. چون در جامعه مدنی هیچ کس مجاز نیست دیگری را تخریب کند.»

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۸.

خودی و غیرخودی[1]:

"یک مجموعه نیرو و افراد با سلیقه‌ها و تفکرهای مختلف در نظام جمهوری اسلامی هستند که سالها خدمت می‌کردند. اینها ضمن اینکه یک مشترکات اصلی داشتند یعنی اعتقاد به ولایت فقیه، اعتقاد به امام، اعتقاد کامل به اسلام و حکومت اسلامی و... در عین حال اختلاف سلیقه هایی هم داشتند. به عنوان مثال در رابطه با سیاست خارجی یا مسائل اقتصادی و... به طور خلاصه نیروهایی که قانون اساسی، ولایت فقیه و حکومت اسلامی را در قالب اسلامیت و جمهوریت قبول دارند خودی می‌گوییم. آن کسانی که ولایت فقیه و جمهوریت را قبول ندارد، این نقص دارد نمی‌دانم خودی، غیرخودی بگویم یا نه."

روابط خارجی، رابطه با آمریکا:

"اگر از من سوال کنند آیا رابطه با امریکا به مصلحت است یا خیر؟ می‌گویم نه، در این شرایط و حیله‌هایی که آنها دارند من نمی‌توانم بگویم با آمریکا رابطه داشته باشیم."

نظارت استصوابی، شورای نگهبان:

"نظارت استصوابی را قبول ندارم ولی به آن احترام می‌گذارم."

"برخی می‌خواهند در انتخابات از یک سری ابزاری استفاده کنند که صحیح نیست. مثلاً شورای نگهبان و نظارت استصوابی که ما قبول نداریم."

ولایت فقیه:

"نظام ما ولی فقیه در رأسش است. مسئله ولایت فقیه محوری است."

دوگانگی در رفتار حکومت[2]:

"دوگانگی در رفتار و عمل که مردم از ما می‌بینند و اینکه عناوین مقدس را در خدمت سلیقه‌های خودمان می‌گیریم نتیجه طبیعی آن فاصله گرفتن مردم و جوانان از ما خواهد بود و حتی افتخارات قدیمی هم آسیب می‌بینند."

عناوین مقدس:

"متأسفانه امروز هم عنوانهای مقدسی از قبیل: شهید، اسلام، امام حسین(ع) در خدمت

---

۱. شما، ۷۸/۵/۱۲.   ۲. ویژه نامه بیان، ۷۸/۱۱/۲۲.

اهداف سیاسی و گروهی قرار گرفته است و لذا بهره برداری غلط از عناوین مقدس باعث کم شدن حساسیتهای مردم می‌شود.»

سید محمد موسوی خوئینی‌ها از اعضای موسس و برجسته مجمع روحانیون مبارز و دادستان سابق انقلاب اسلامی و نایب رئیس دوره اول مجلس و نماینده دو دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران است. او همچنین صاحب امتیاز روزنامه سلام (ارگان جناح چپ) که در سال ۱۳۷۸ توقیف شده می‌باشد. اینک برخی از دیدگاههای ایشان را می‌خوانیم:

خشونت سیاسی[۱]:

«تئوریزه کردن خشونت به مراتب بدتر از ارتباط مستقیم با عاملان خشونت است.»

«اگر می‌خواهند وحدت از میان نرود باید طرفداران خشونت را مهار کنند.»

تشکیل حکومت دینی[۲]:

«من معتقدم برای ما جایز نیست با قوه قهریه، حکومت دینی را مستقر کنیم، چون می‌خواهیم ارزشهای خدا را پیاده کنیم و این شرطش آن است که مردم نیاز داشته باشند و اسلام به عنوان پاسخ گویی به این نیاز مردم، می‌گوید نظام باید اسلامی باشد.»

سیدمحمد خاتمی یکی دیگر از اعضای شاخص مجمع روحانیون مبارز است که پستهایی چون نماینده فرهنگی در مرکز اسلامی هامبورگ آلمان به پیشنهاد شهیدبهشتی، نمایندگی امام در روزنامه کیهان، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ریاست کتابخانه ملی ایران و بالاخره ریاست جمهوری اسلامی ایران را در کارنامه دارد برخی دیدگاههای سیاسی ایشان را باهم می‌خوانیم:

مفهوم دموکراسی[۳]:

«مراد ما از دموکراسی عبارت است از شیوه و راهی بشری برای استقرار نظامی سیاسی که هم مشروعیت و هم کارایی خود را از مردم می‌گیرد و نظامهایی که به این طریق مستقر شوند، بسته به بینش و گرایش و خواست مردمی که اراده‌شان مبنای سیاسی است، می‌توانند دارای محتواهای متفاوت و احیاناً متضاد باشند.»

---

۱. بیان، ۷۸/۱۲/۲۸. ۲. اطلاعات، ۷۹/۵/۱. ۳. بیان، ۷۸/۱۲/۲۵.

قانون اساسی:

"ما مرجع و مبنای بسیار مهمی چون قانون اساسی در دست داریم که باید اساس نظم اجتماعی در نظام اسلامی باشد و در مقام عمل فصل الخطاب است."

اکثریت و اقلیت:

"دیکتاتوری اکثریت و اضمحلال اقلیت مطلوب نیست."

دین و دموکراسی:

"دموکراسی به عنوان راه استقرار حکومت و نظام سیاسی و نظارت بر آن، با دین ناسازگار نیست."

"بنده منافاتی میان دین، آزادی و دموکراسی نمی‌بینم."

رسالت دین:

"آنان که رسالت دین را آبادانی زندگی باز پسین و راهنمایی انسان به نیکبختی برین که در جهان دیگر فراچنگ می‌آید می‌دانند نه تنها دموکراسی که «سکولاریسم» را هم چندان با دین منافی نمی‌دانند."

ولایت فقیه:

"در رأس نظام اسلامی رهبری و ولی فقیهی با تقوا و دارای قدرت تشخیص مصالح جامعه قرار دارد. اما رهبری نظام اسلامی با همه اعتباری که دارد، منتخب خبرگان است که از رأی مردم شکل گرفته است."

سیاست خارجی، رابطه با آمریکا:

"رابطه ما با آمریکا یک سابقه طولانی دارد و مشکلات هم یک مشکلات اساسی است. البته من همانطور که در آغاز مسئولیتم گفتم برای ملت آمریکا احترام قائلم و معتقدم ارتباطات میان دو ملت، بایدگسترش پیدا کند و پیدا هم کرد. آنچه که محکوم می‌کنیم نوع سیاستهایی است که آمریکا در خارج مرزها به خصوص در ایران داشته و متأسفانه تحول اساسی در تغییر این سیاست‌ها پیدا نشده است."

شرایط گفتگوی تمدنها:

"گفتگوی تمدنها شرایطی دارد، یکی آن که همه ملتها و فرهنگ‌ها و همه تمدنها را به رسمیت بشناسیم، یک تساوی در این عرصه برای آن قائل بشویم. وقتی گفتگو تحقق پیدا می‌کند که دو طرفه باشد و هر دو طرف به همدیگر احترام بگذارند.اگر یک نفر زور بیشتری دارد، متوسل به زورش نشود و فقط منطق خودش را مطرح بکند."

"قهرمان این گفتگو (تمدنها) اصحاب فرهنگ، اندیشه و هنر هستند نه سیاستمداران. سیاستمداران براساس منافع زودگذر و تنگ نظرانه خودشان با دیگران رابطه برقرار می‌کنند. البته اگر گفتگوی تمدنها جدی بشود سیاستمداران تابع اندیشمندان خواهند شد."

"طبیعی است کسی که طرح گفت و گوی تمدنها می‌کند باید آمادگی داشته باشد که حرف طرف مقابل ولو انتقاد هم باشد بشنود. بنده استقبال می‌کنم از هر بحثی چه انتقاد چه تأیید باشد، چه گفتگو دوستانه به صورتی باشد که به نتیجه منطقی برسد."

نیاز به آرامش[1]:

"در این دوران ما نیازمند آرامش هستیم و این که یادبگیریم چگونه می‌توانیم در کنار یکدیگر باشیم، قدرت تشخیص مصالح و منافع را داشته باشیم و با گردآمدن حول ارزشها و مصالح، اختلافات خود را در فرآیندی منطقی مطرح کنیم و راهکارهای بهتری را برای پیشرفت مردم بیابیم و داور را مردم قرار دهیم."

مردم و اصلاحات[2]:

"معتقدیم که مردم ما خواستار اصلاحات هستند. هیچ راهی جز اصلاحات نیست. راهی جز پذیرش حاکمیت مردم نیست. راهی جز نهادینه کردن اراده مردم نیست. و راهی جز تأمین آزادی‌ها البته در چارچوب قانون وجود ندارد."

دموکراسی و دیکتاتوری:

"اگر بگوییم دموکراسی «نه» نفی کنیم دموکراسی را، بلافاصله ما استبداد «دیکتاتوری» را اثبات کرده‌ایم. من میان دیکتاتوری و دموکراسی، دموکراسی را ترجیح می‌دهم و معتقدم

---

۱. انتخاب، ۷۸/۶/۶.
۲. بهار، ۷۹/۴/۳۰.

در قانون اساسی ما هم چارچوب همین است.»

نیروهای انقلاب:

«نیروهای درون نظام نباید در برابر یکدیگر قرار بگیرند بلکه از تفاوت دیدگاهها و اختلاف‌نظرها می‌توان مسیر مشترک را یافت و با تکیه بر اصول وفاق به نفع کل نظام بهره‌برداری کرد. باید از اختلاف سلیقه‌ها در مسیر پژوهش و اصلاحات و از نیروهای درون نظام برای ساختن جامعه بهره گرفت و بهیچوجه نباید نیروها تلاش خود را در جهت تخریب و حذف یکدیگر به کار گیرند.»

راه اصلاح گری:

«مهمترین راه اصلاح گری حاکم کردن منطق بر جامعه است.»

اسلامیت و ملیت:

«ملیت ایرانی ـ اسلامی، مردم ما را به عنوان قومی یکپارچه برای اعتلای ایران سربلند مطرح کرده است. آنچه اقوام متعدد را به صورت یک قوم واحد در ایران مطرح کرده است در وجه نخست اسلام و بعد ایران است.»

دین و دموکراسی:

«در قرائت ما، دین و دموکراسی با یکدیگر ناسازگار نیستند.»

وحدت حوزه و دانشگاه:

«مراد از وحدت حوزه و دانشگاه این نیست که یکی در دیگری منحل شود. مراد آن است که این دو بخش مکمل یکدیگر و در خدمت سعادت جامعه بشری باشند.»

ویژگیهای دوم خرداد[1]:

«پاسداری از دین و انقلاب مردم از یک سو و حقوق و آزادی‌های مردم از سوی دیگر و نیز جهت‌گیری به سوی عدالت، امنیت، حرمت و کرامت مردم از ویژگیهای حماسه دوم خرداد است.»

---

۱. انتخاب، ۷۹/۳/۳.

رشد سیاسی و فکری مردم[۱]:

"معدل شعور سیاسی و فکری مردم ما از معدل شعور سیاسی جناح‌ها و احزاب سیاسی بیشتر است."

"ما جناح‌ها و مسئولان گروهها که مدعی خدمتگزاری به ملت ایران و مدعی نمایندگی آنها هستیم آیا به تناسب رشد ملت رشد یافته‌ایم؟!"

رسول منتجب‌نیا از اعضای مجمع روحانیون[۲] و سخنگوی این تشکل در مورد دو مسئله خشونت و تسامح و تساهل چنین می‌گوید:

"دو واژه تسامح و تساهل نه تنها مفهوم ضد ارزشی و مغایر با اصول و تقید به آرمان را در برندارد بلکه خود از مفاهیم ارزشی اسلام محسوب می‌شود و داشتن این دو ویژگی برای هر مؤمن آگاه به اسلام ناب‌محمدی(ص) و شریعت خالص ابراهیمی واجب و لازم می‌باشد."

"اعتقاد به روشهای مسالمت‌آمیز و مصالحه و مجادله احسن، انسان را به اندیشیدن و به دست آوردن بهترین و کارآمدترین استدلال و برهان و رساترین بیان و گفتار و نوشتار و پرهیز از توسل به زور و فشار و ابزارهای فیزیکی فرا می‌خواند."

"اعتقاد به اصل خشونت و کارآمد دانستن روش خشونت طلبانه، به سرعت انسان را به مرحله توسل به زور و ابزارهای موجود و سلاح‌های سرد و گرم می‌رساند."

مواضع اقتصادی:

مواضع اقتصادی اعضای این گروه در بدو تشکیل در اوایل سال ۱۳۶۷ تصویری از یک اقتصادی دولتی بسته و مخالف با نفوذ سرمایه‌داری و اقتصاد بازار آزاد را تداعی می‌کرد. نمود عینی این امر حمایت کامل این گروه از دولت میرحسین موسوی بود، به گونه‌ای که یکی از اصولی‌ترین اختلافهای این گروه با جامعه روحانیت مبارز بر سر مسائل اقتصادی بود، به نحوی که این گروه از دیدگاههای اقتصادی چپ گرایانه حمایت می‌کرد و برعکس

---

۱. انتخاب، ۷۸/۶/۶.
۲. صبح امروز، ۷۸/۷/۲۷.

جامعه روحانیت مبارز بر اقتصاد مردمی و آزاد و پشتیبانی از اقتصاد خصوصی تأکید می‌کرد. یکی از عمده‌ترین شعارهای مجمع روحانیون همواره ایجاد عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر و حاکم کردن «اسلام پابرهنگان» درمقابل «اسلام سرمایه داری» و یا «اسلام مرفهین بی‌درد» بوده است. این گروه همواره بر مبارزه دائمی بین فقیر و غنی تأکید نموده و اقتصاد مردمی به صورت تعاونی را تشویق کرده است. اینک برخی از دیدگاههای اقتصادی این گروه در سال ۱۳۶۷ یعنی بدو تشکیل آن را می‌خوانیم:

سید محمد خاتمی می‌گوید[۱]:

"در جنگ همیشگی «فقر و غنی»، انبیاء و اولیاء و مجتهدان عادل را پیشاپیش مستضعفان، در مبارزه‌ای بی امان با مستکبران و زراندوزان و زورگویان می‌بینیم، این موضع‌گیری و این مبارزه اینک که اسلام در صورت نظام جمهوری اسلامی ظهور مجدد کرده است باید چشمگیرتر و جدی‌تر باشد."

"باید راه را بر سوءاستفاده همه کسانی که نسبت به جنگ جاودانه فقیر و غنی حساسیتی ندارند یا اسلام را برای منافع و مسائل مادی و سیاسی خود می‌خواهند، بست."

مهدی کروبی در این زمینه می‌گوید[۲]:

"معیار کلی ما برای افرادی که وارد مجلس می‌شوند این است که باید این دیدگاه و جهان‌بینی از اسلام را داشته باشند که با استکبار، سرمایه داری، عافیت‌طلبی و راحت‌طلبی مبارزه کنند و روح طرفداری از مستضعفین و محرومین در آنها وجود داشته باشد."

"نمایندگانی باید در مجلس باشند که بینش ناب اسلام محمدی(ص) را که همان تفکر امام است داشته باشند و واقعاً برای رفع استضعاف تلاش و کوشش کنند، زیرا مردمی که از انقلاب حمایت می‌کنند، مردم رنج دیده و مقاومی هستند، افرادی که به فکر سودجویی و زراندوزی باشند نیستند."

---

۱. مجموعه بیانیه‌های مجمع روحانیون مبارز، ص ۱۹۱.

۲. همان، ص ۲۰۸.

حاکمیت دولت بر اقتصاد[۱]:

"فشار جداً برروی مستضعفین است. تورم لحظه‌ای است. در این رابطه حاکمیت دولت، کنترل کردن و نظارت دقیق داشتن برای کنترل نرخها لازم است."

محمد موسوی خوئینی‌ها نیز در این زمینه چنین نظر میدهد[۲]:

"مردم سعی نمایند، کسانی (نمایندگانی) را انتخاب کنند که محرومیت کشیده و رنج فقرا را درک و اسلام ناب محمدی را بفهمند، نه کسانی که اسلامشان، اسلام مرفه‌ها، اسلام بی دردها و بی غمها، سرمایه دارها و در یک کلام اسلام آمریکایی باشد."

"از دیگر اصول مسلم و خدشه‌ناپذیر خط امام، روحیه حمایت از محرومین و در واقع مبارزه با فقر و اعتقاد به جنگ دائمی فقر و غنا که از مشخصه‌های اسلام آمریکایی است، می‌باشد اسلام آمریکایی می‌گوید اساساً مادر اسلام بحث فقیر و غنی نداریم، بنابراین از اصول خدشه‌ناپذیر خط امام، زنده نگه‌داشتن روحیه ضد استکباری و روحیه ضد رفاه‌طلبی و مبارزه با ثروت‌اندوزیهای سرمایه‌داران و ثروتمندان آرمیده در کاخهای مجلل و بی درد و بی خبر ازخدا می‌دانیم."

پس از دوم خرداد ۷۶ و روی کارآمدن دولت خاتمی عملاً امور اجرائی کشور به دست نیروهای متمایل به این گروه اداره می‌شد. لیکن دو تفکر اقتصادی متفاوت در وزرای اقتصادی دولت حاکم بود که تا حدودی متفاوت و در برخی موارد متضاد می‌نمود. دیدگاه اول به شعارها و دیدگاههای مجمع روحانیون نزدیک‌تر بود و بیشتر به اقتصاد دولتی و نظارت دولت بر عملکرد اقتصادی کشور تأکید می‌کرد و بر ادامه حمایت مستقیم از اقشار محروم جامعه با دادن سوبسید و کم کردن سرعت سازندگی در کشور تأکید می‌کرد. در عوض دیدگاه دوم بر آزاد سازی اقتصادی و خصوصی سازی وکاهش سوبسیدهای مستقیم و پیوستن به سازمان تجارت جهانی تأکید می‌کرد که البته این دیدگاهها مربوط به وزرای اقتصادی متمایل به حزب کارگزاران سازندگی بود. بهرحال آنچه از عملکرد اقتصادی دولت متمایل به دیدگاههای به اصطلاح چپ خاتمی برمی‌آید (البته با توجه به تناقضات در

---

۱. همان، ص ۲۳۰. ۲. همان، ص ۲۳۴.

بـرخـی عـملکردها) ایـن است کـه عـملکرد دولت ایشـان بـا شـعارها و اهـداف اولیـه مجمع‌روحانیون مبارز در سال ۱۳۶۷ بسیار متفاوت است.

مواضع فرهنگی:

مهدی کروبی در مورد مسائل فرهنگی چنین می‌گوید[۱]:

"علت سرخوردگی و سردرگمی جوانان این است که مردم در صداقت و خلوص انگیزه ما تردید کرده‌اند، ما باید به جهتی برویم که مردم بپذیرند ما در خدمت اهداف مقدس هستیم نه مقدسات در خدمت اغراض ما."

سید محمد خـاتمی وزیـر فـرهنگ و ارشـاد کـابینه مـیرحسـین مـوسوی و هـاشمی رفسنجانی و عضو مجمع روحانیون مباز در زمان تصدی خـود بـه شـدت از فـضای بـاز فرهنگی در جامعه حمایت می‌کرد، به طوری که برخی از فیلمها و مطبوعات و محصولات فرهنگی اجازه نشر گرفتند که از سوی بسیاری از نیروهای جناح مقابل بـا واکـنش مـنفی روبه‌رو شدند. عملکرد خاتمی در ایجاد فضای بازتر در عـرصه فـرهنگی بـاعث تشـدید روزافزون فشارها بر وی شد تا جایی که ایشان را وادار به استعفا نمود. پس از انتخاب ایشان به ریاست جمهوری همان سیاست فرهنگی توسط وزیر ارشاد ایشان ادامه یافت. بطوریکه بسیاری از روزنامه‌ها با دیدگاههای مختلف اجازه انتشار گرفتند و به انعکاس دیدگاههای خود پرداختند و موانع بر سرراه برخی از فعالیتهای فرهنگی که از دوره قبل در حال برچیده شدن بود به طور محسوسی کنار رفت. شاید به توان گفت برنامه‌های فرهنگی دولت ایشان با سخت‌ترین مقاومت‌ها و انتقادها از سوی نیروهای سیاسی جـناح مـقابل مـواجـه شـد، بگونه‌ای که مجلس دوره پنجم عطاءاللـه مـهاجرانـی وزیـر ارشـاد دولت ایشـان را بـرای استیضاح به مجلس فراخواند و با اکثریت ضعیفی به ایشان رأی مـوافـق داد. امـا فشـارها همچنان برروی ایشان ادامه داشت تا منجر به استعفای وی شد.

سید محمد خاتمی[۲] در مورد مسائل فرهنگی چنین می‌گوید:

---

۱. ویژه‌نامه بیان، ۷۸/۱۱/۲۲. ۲. انتخاب، ۷۸/۱۱/۱۹.

جامعه مطلوب:

"جامعه مطلوب، جامعه‌ای است که اهل فرهنگ، هنر و فلسفه در صدر آن بنشینند."

جامعه سعادتمند:

"در هر جامعه‌ای که فرهنگ و هنر که بازتابنده متعالی‌ترین وجوه انسانی است دارای منزلت باشد. آن جامعه سعادتمند خواهد شد."

فرهنگ گرایی:

"امروز باید بکوشیم تا منطق گرایی، عقل گرایی و فرهنگ گرایی در کشور نهادینه شود."

آزادی بیان:

"آزادی بیان[1]، انتقاد به ارکان حکومت، انتقاد از ساز و کارهای جامعه، آزادی تشکیل حزب و مطبوعات در صورتی که در چارچوب قانون اساسی باشد از حقوق مسلم مردم است."

فرهنگ ملی:

"باقی ماندن در عرصه مناسبات فرهنگی جهان نه تنها مستلزم فراروی از سنت‌های فرهنگ ملی و منطقه‌ای نیست، بلکه استفاده تمام و کمال و مطلوب از سنتها است."

وظایف اندیشمندان فرهنگی:

"اندیشمند با فرهنگ امروز نیز می‌تواند با اقتدا به سعدی در اندیشه وکلام خود،باب عدل و احسان، تحمل و مدارا، تواضع و تربیت و انسان دوستی و وارستگی را بگشاید تا دنیای آزمند و ستیزه‌گر کنونی را به سوی آرامش و آراستگی، به فضیلت و عدل و مروت فراخواند."

رسول منتجب‌نیا در مورد مسائل فرهنگی چنین می‌گوید:

"شرایط مملکت نیز از لحاظ فرهنگی، آموزشی بسیار وخیم و خطرناک است و

---

۱. انتخاب، ۷۸/۳/۱۶.

متأسفانه همه چیز را مخلوط کرده‌ایم و حتی به فرهنگ نیز از زاویه حزب خودمان نگاه می‌کنیم و با این وضع روز به روز دچار انحطاط فرهنگی خواهیم شد."

شورای انقلاب فرهنگی:

"ما شورای تشریفاتی مثل شورای انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش و... زیاد داریم این شوراها کارایی لازم را ندارند چون اعضای این شوراها حداقل ده تا شغل دارند و می‌خواهند چند دقیقه در این شورا باشند و بروند."

حزب کارگزاران سازندگی ایران

نام کامل: حزب کارگزاران سازندگی ایران

نام دبیر کل: غلامحسین کرباسچی

رئیس شورای مرکزی: محمد علی نجفی، جانشین دبیر کل: سید حسین مرعشی، دبیر اقتصادی: سیدمحسن نوربخش، دبیر فرهنگی، اجتماعی: عطاءالله مهاجرانی، دبیر تشکیلات: علی هاشمی بهرمانی، دبیر پشتیبانی: غلامرضا فروزش، دبیر کمیته آموزش: علی مصلحی.

اعضای فعال: محمد علی نجفی، غلامحسین کرباسچی، محمد هاشمی بهرمانی، سید محسن نوربخش، سیدعطاءالله مهاجرانی، فائزه هاشمی بهرمانی، سیدحسین مرعشی، رضا امرالهی، سیدمصطفی هاشمی‌طبا، علی هاشمی بهرمانی، محسن هاشمی بهرمانی، اسحاق جهانگیری، غلامرضا فروزش، رضا ملک‌زاده، محمد عطریانفر، هدایت‌الله آقایی، علی مصلحی، سیدحسین هاشمی، اسماعیل جبارزاده، عبدالناصر همتی، فاطمه رمضان‌زاده و یدالله طاهرنژاد. برخی از افراد دارای گرایش نزدیک به حزب کارگزاران عبارتند از: مرتضی الویری، فریدون وردی نژاد، سیدمحمد غرضی، غلامرضاشافعی.

مرامنامه:

حزب کارگزاران سازندگی ایران براساس اصول و مبانی زیر تشکل می‌شود.

ماده ۱ـ مبانی اعتقادی و سیاسی

۱) اعتقاد و التزام به اسلام ناب محمدی(ص) به عنوان تنها راه رهائی و سعادت بشر.

۲) التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲ـ اهداف

۱) تلاش در جهت تحقق عزت اسلامی، تداوم سازندگی و آبادانی ایران.

۲) تلاش در جهت تحکیم ارزشها، دستاوردها و آرمانهای انقلاب اسلامی.

۳) دفاع از اسلامیت و جمهوریت نظام، مشارکت مردم و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی.

۴) تلاش در جهت توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی و استقرار عدالت.

ماده ۳ـ خط مشی

۱) توجه و احترام به کرامت ذاتی و شرافت وجودی انسان و حاکمیت او بر سرنوشت خویش و آزادی توأم با مسئولیت وی در برابر خداوند.

۲) تقویت روح آزادگی و آزادیخواهی و نفی هرگونه ستمگری و ستم‌پذیری در روابط متقابل انسانی براساس معیارهای الهی.

۳) اتکا به هویت دینی و ملی ایران و تحکیم وحدت ملی.

۴) دفاع از آزادی اندیشه، بیان، نوآوری و خلاقیتهای فکری و هنری با رعایت موازین اسلامی در چارچوب قانون اساسی.

۵) اهتمام به پرورش استعدادها، تکامل روحی و روانی، شکوفائی خلاقیتها، تقویت اخلاق اسلامی، معنویت و فضیلت در جامعه.

۶) اهتمام به گسترش دانش، دانائی و فن آوری.

۷) تقویت روحیه نشاط و امید در جامعه، تعمیم فرهنگ کار، ابتکار و خودباوری.

۸) تشویق مردم به مشارکت گسترده در امور سیاسی بـه مـنظور دسـتیابی بـه تـوسعه سیاسی.

۹) گسترش روابط سیاسی با کشورها براساس منافع و مصالح ملی و احترام متقابل.

۱۰) ارتقای جایگاه اقتصادی ایران در اقتصاد جهانی.

۱۱) ایجاد بستر مناسب برای بهره‌برداری بهینه از مجموعه امکانات و قابلیتهای اقتصاد کشور در جهت بهبود وضعیت معیشت و تأمین رفاه عمومی مردم.

۱۲) فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت بیشتر مردم در امور اقتصادی و عمران و آبادانی کشور.

۱۳) توجه به شایستگی‌ها و توانائی علمی و اخلاقی در گزینش نیروی انسـانی بـرای تصدی امور صرفنظر از وابستگیهای سیاسی و گروهی ایشان.

۱۴) گسترش و ساماندهی تشکیلاتی توانمند بـرای بـهره‌گیری از تـوانـاییهای افـراد شایسته و علاقمند و دادن آموزشهای سیاسی مستمر به آنان در راستای تحقق اهداف حزب.

ماده ۴ـ مرامنامه در ۴ ماده به تصویب هیئت مؤسس رسیده است.

تاریخچه تشکیل:

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ و ایجاد تغییرات در قانون اساسی که مطابق آن پست نخست‌وزیری حذف و ریاست جمهوری دارای اختیارات بیشتری شـد، انـتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری در شرایطی برگزار شد که به دلیل رحلت امام خمینی(ره) و انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای از طرف مجلس خبرگان به عنوان مقام رهبری، کشور عملاً دارای رئیس جمهور نبود و از طرفی به دلیل اختلاف دیدگاههای جناح‌های سیاسی در آن روزها دولت میرحسین موسوی یکبار در سال ۱۳۶۷ استعفاء داده بود که هرچند از طرف آیت‌الله خامنه‌ای ریاست جمهوری وقت پذیرفته نشده بود اما باعث تضعیف و بلاتکلیفی در برخی از امور شده بود. در این شرایط هاشمی‌رفسنجانی که معروف و منتسب به جناح مـیانه‌رو (راست) در کشور بود چنانکه از قبل از آن شنیده شده بود خود راکاندید ریاست جمهوری

کرد و با شعار اصلاحات اقتصادی و بازسازی اقتصاد جنگ زده توانست آرای بیش از ۹۰ درصد مردم را به خود اختصاص دهد. کابینه هاشمی رفسنجانی بیشتر از تکنوکراتها و افرادی با سابقه در امر کارهای اجرائی تشکیل شده بود. ابتدای دوره سازندگی مقارن بود با حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ میلادی یا ۱۳۶۹ هجری شمسی و افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی، در نتیجه دولت اعتبار مالی لازم برای سازندگی را تا حدودی به دست آورد و سازندگی کشور با شتاب خوبی آغاز شد و ادامه یافت. پس از انتخاب دوباره هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری در سال ۷۲ با آن که اکثر افراد کابینه هاشمی رفسنجانی از افراد میانه‌رو و وابسته به جناح اکثریت راست بودند اختلافاتی بین اعضای سنت‌گرای جناح راست که اکثریت را در مجلس چهارم داشتند با وزرای دولت به وجود آمد که البته این اختلافات در زمان دولت قبلی هاشمی نیز وجود داشت علی‌الخصوص در مورد وزارت کشور که در تصدی حجت‌الاسلام عبداله نوری بود، اختلافات عمیقی وجود داشت. این اختلافات سبب شد برخی از تکنوکراتها که به شدت از اقتصاد بازار آزاد حمایت می‌کردند و در دولت حضور داشتند و از ابتدای دولت آقای هاشمی رفسنجانی با ایشان همراه بودند با مشکلاتی نظیر استیضاح و عدم رأی اعتماد از مجلس روبرو شوند. استیضاح ایرج فاضل وزیر بهداشت و درمان و رأی عدم اعتماد به وی، رأی عدم اعتماد به سیدمحسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی، انتقاد فزاینده از غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران و استیضاح وزیر کشور عبداله نوری و وزرای جهادسازندگی و راه و ترابری و تشکیل هیئت تحقیق و تفحص از صداوسیما که باعث برکناری محمدهاشمی شد از آنجمله هستند. در آستانه انتخابات مجلس پنجم در اواخر سال ۱۳۷۴ اختلافاتی بین دولت و جامعه روحانیت مبارز بر سر ارائه لیست کاندیداها در حوزه انتخابیه تهران بروز کرد که نقطه اوج این اختلافات بود. هرچند اکثریت دولت و اعضای جامعه روحانیت مبارز هر دو از جناح به اصطلاح راست بودند اما جمعیت مؤتلفه اسلامی که همراه با جامعه روحانیت مبارز ائتلاف جناح راست (تشکلهای همسو) را تشکیل داده و قسمت عمده هزینه تبلیغاتی جناح راست را به وسیله هواداران خود در بازار و اصناف تهران تأمین می‌کرد، اعلام کرد که نمی‌تواند از

برخی از اعضای لیست جامعه روحانیت مبارز حمایت کند، چرا که متدینین اصناف و بازاریان که هزینه تبلیغات را بر عهده دارند در این زمینه عذر شرعی دارند. همچنین عده‌ای از اعضای جامعه روحانیت مخالف با حضور افراد مشخصی در لیست انتخاباتی جامعه روحانیت بودند. سیر قضایا به این صورت بود که با تشدید اختلافات، در آذرماه و دی‌ماه سال ۱۳۷۴ هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور و از اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت به پیشنهاد حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور نامه‌ای به جامعه روحانیت نوشت واز آنها خواست که برای رفع اختلافها نام پنج نفر از افرادی که اختلاف بر سر آنها بود در لیست خود قرار دهند، به هر تقدیر جامعه روحانیت به رغم مخالفت برخی از اعضا از جمله علی اکبر ناطق نوری به این جمع‌بندی رسید که لیست مشترکی با شرکت این ۵نفر داشته باشد، اما پس از چندی آقای ناطق نوری به هاشمی رفسنجانی اطلاع می‌دهد که گروههای همفکر جامعه روحانیت (جمعیت مؤتلفه) این مسئله را نپذیرفته‌اند. این عمل جامعه روحانیت باعث شد عده‌ای از نیروهای همکار اقتصادی رئیس جمهور و به اصطلاح جمعی از کارگزاران سازندگی کشور بدون آنکه نام حزب را برای خود انتخاب کنند از جناح راست انشعاب حاصل کنند. این انشعاب با انتشار نامه‌ای از سوی ۱۶نفر از وزراء و معاونین رئیس جمهور در تاریخ ۷۴/۱۱/۳۰ که به عنوان مجلس شورای اسلامی نوشته شده بود فعلیت یافت. و از این به بعد می‌توان جناح راست را به دوگروه راست به اصطلاح سنتی و راست به اصطلاح مدرن تقسیم‌بندی کرد. راست سنتی تشکیل شده از جامعه روحانیت مبارز و گروههای همفکر نظیر جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسین، جامعه انجمن‌های اسلامی پزشکان که پایگاه اصلی آنها در زمان انتخابات مجلس پنجم اصناف، بازارایان و عامه مردم بودند و راست مدرن که پایگاه اصلی آنها قشر روشنفکر و صنعتگران و کارگزاران اقتصادی و اجرائی کشور بودند. این گروه تازه تأسیس نام جمعی از کارگزاران سازندگی ایران را برای خود انتخاب نمود و فعالیت خود را از اول بهمن ماه سال ۱۳۷۴ آغاز کرد و در انتخابات مجلس پنجم با ارائه لیست جداگانه برای انتخابات تهران به شور و نشاط انتخابات تهران در غیبت جناح چپ که به دلایلی صحنه انتخابات را ترک کرده بود افزود. در

رأس لیست جمعی از کارگزاران نام عبدالله نوری، فائزه هاشمی رفسنجانی، مجید انصاری از اعضای مجمع روحانیون و آشوری معاون عمرانی شهردار تهران و عده‌ای از شهرداران تهران به چشم می‌خورد که هیچکدام در لیست جامعه روحانیت مبارز تهران به چشم نمی‌خوردند.

انتخاب عبداله نوری و فائزه هاشمی رفسنجانی، مجید انصاری و تعدادی دیگر از نامزدهای جمعی از کارگزاران سازندگی به عنوان نماینده مجلس بر اعتبار این گروه افزود و بنظر مؤلف این قضایا پایه گذار ونقطه آغاز خلق دوم خرداد ۱۳۷۶ بود.

گروه کارگزاران چنانکه گفتیم اکثراً از همکاران رئیس جمهور در پست‌ها اقتصادی و اجرائی کشور تشکیل شده بودند و از جمله آنها، کسانی بودند که طی دو دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به عنوان وزیر مورد استیضاح مجلس و رأی عدم اعتماد آن قرار گرفته بودند. همچنین شهردار تهران و شهرداران اکثر مناطق تهران و مقاطعه کاران اجرائی طرحهای دولتی.

از جمله افراد تشکیل دهنده این گروه می‌توان غلامحسین کرباسچی شهردار تهران، محسن‌نوربخش، وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی دولت هاشمی رفسنجانی، عطاءاله مهاجرانی معاون پارلمانی و حقوقی دولت رفسنجانی، محمدهاشمی، رئیس سابق صداوسیما، سیدمصطفی هاشمی‌طباء رئیس سازمان تربیت بدنی، فائزه هاشمی بهرمانی، محمد علی نجفی وزیر آموزش و پروش دولت هاشمی رفسنجانی، سیدحسین مرعشی رئیس دفتر هاشمی رفسنجانی، رضا امرالهی رئیس سازمان انرژی اتمی، علی هاشمی بهرمانی معاون سابق وزیر نفت، محسن هاشمی رئیس دفتر رئیس جمهور و رئیس بازرسی ویژه رئیس جمهور، اسحاق جهانگیری استاندار سابق اصفهان، غلامرضا فروزش وزیر جهاد سازندگی دولت هاشمی رفسنجانی، رضا ملک زاده وزیر بهداشت ودرمان و آموزش پزشکی دولت آقای هاشمی رفسنجانی و محمدعطریانفر سردبیر روزنامه همشهری را نام برد.

از همان ابتدای شکل‌گیری، این حزب با شعار عزت اسلامی، تداوم سازندگی وآبادانی

ایران وارد صحنه سیاسی گردید و در انتخابات دوره پنجم نیز با همین شعار وارد صحنه انتخابات شد. با آنکه جناح راست به اصطلاح سنتی و گروههای همفکر اکثریت کرسی‌های مجلس پنجم را به خود اختصاص داده بودند لیکن انتخاب برخی از اعضای گروه کارگزاران سازندگی و برخی اعضای جناح چپ در انتخابات مجلس پنجم، مجلس این دوره را از یکنواختی کامل خارج کرد و منشأ اثرات بزرگی در آینده کشور شد. علی الخصوص آن که روزنامه‌های همشهری وایران که تا حدود زیادی نزدیک به گروه کارگزاران بودند و جزء روزنامه‌های محدود در حالت انتشار در آن زمان بودند نقش زیادی در خبررسانی شفاف واطلاع‌رسانی صحیح به مردم داشتند، البته نقش بارز روزنامه ایران در وقایع قبل و پس از انتخابات مجلس پنجم و خلق دوم خرداد ۱۳۷۶ را نمیتوان انکار کرد. پس از انتخابات مجلس پنجم فضای سیاسی کشور کاملاً از یکنواختی ونفوذ جناح راست‌سنتی خارج شد و هر روز نکته تازه‌ای از اختلافات بین جریانات سیاسی کشور به روزنامه‌های معدودی که اخبار را به طور شفاف منتشر شد، درز می‌کرد و آنها نیز با اندکی تغییرات آنرا به اطلاع مردم می‌رساندند. تداوم این وضعیت تا انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری ادامه یافت. در این مقطع هرچند عده‌ای از اعضای گروه کارگزاران سعی بر آن داشتند کـه حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور وقت را متقاعد سازند تا خود راکاندید ریاست جمهوری کند اما موفق به این امر نشدند. از طرف دیگر برخی از محافل کـه تـا سـال پیش از انتخابات غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران را شانس اول برای انتخابات می‌دانستند به دلیل اتهامات وارده از سوی قوه قضائیه به وی در مورد اختلاس و سوء مدیریت نمی‌توانستند وی را به عنوان کاندیدا معرفی نمایند از این رو گـروه کـارگزاران تـصمیم گـرفت از بـین کاندیداهای جناحهای دیگر یکی را انتخاب و از او حمایت کند که این تنها راه باقی مانده بود. این گروه ابتدا با محمد محمدی ری‌شهری یکی از کاندیداها که از سوی جمعیت دفاع از ارزشها به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری مطرح شده بود ملاقاتی ترتیب داد ونقطه نظرات و برنامه‌های آتی ایشان را جویا شد. پس از آن، جلسه دیگری برای اطلاع از برنامه‌ها و نقطه‌نظرات سیدمحمدخاتمی کاندیدای مجمع روحانیون مبارز کـه پس از انـصراف بـا

معنای میرحسین موسوی از کاندیداتوری ریاست جمهوری از طرف جناح چپ به این عنوان برگزیده شده بود ترتیب دادند و البته برخی از خبرها که هیچ‌وقت تأئید یا تکذیب نشد حاکی از آن بود که گروه کارگزاران درملاقاتی با برخی از اعضای جناح راست پیشنهاد حمایت از آقای ناطق نوری ودر عوض به عهده گرفتن ۵ یا ۶ پست وزارت در دولت ایشان را مطرح کردند که البته مورد موافقت قرار نگرفت. بالاخره پس از جمع‌بندی هایی که گروه کارگزاران سازندگی در مقطع انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری انجام داد به این نتیجه رسید که از سیدمحمدخاتمی که از چهره‌های فرهنگی کشور و تا قبل از استعفاء از پست وزارت ارشاد تحت فشار جناح راست، از همکاران رئیس جمهور به شمار می‌رفت حمایت کند. این تصمیم حساس در آن مقطع سرنوشت‌ساز کاملاً روند انتخابات را دگرگون کرد، چرا که تا آن زمان برداشت وتحلیلها این بود که سیدمحمدخاتمی نمی‌تواند رقیب جدی برای مبارزه انتخاباتی با اکبر ناطق‌نوری کاندیدجناح راست سنتی (ارزشی) باشد اما این حمایت گروه کارگزاران در آستانه انتخابات، از طرفی انصراف معنادار و سکوت میرحسین موسوی روزبه‌روز نظر مردم در مورد انتخاب خود برای ریاست جمهوری آینده را تغییر داد، تا آنکه در چند روز مانده به انتخابات برداشت عمومی نسبت به رئیس جمهور آینده نسبت به یک تا دوماه قبل از آن کاملاً متفاوت بود، به طوری که چند روز قبل از انتخابات، روزنامه ایران به وضوح شانس یکی از کاندیداها را حدود ۶۰ تا ۶۵ درصد و دیگری را ۲۵ تا ۳۰ درصد پیش‌بینی نمود و مشخصاً پیروزی سیدمحمد خاتمی تا چند روز مانده به انتخابات رانوید دارد. پس از انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی قاطع خاتمی، گروه کارگزاران جزء ائتلاف نیروهای به اصطلاح دوم خردادی طرفدار اصلاحات و شعارهای رئیس جمهور قرار گرفت و در کابینه آقای خاتمی با چند وزیر شرکت کرد و بالاخره در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۵ از وزارت کشور رسماً پروانه تأسیس حزب را دریافت نمود و با نام حزب کارگزاران سازندگی ایران به فعالیت خود ادامه داد.این حزب در انتخابات مجلس ششم با شعارهای گذشته خود یعنی عزت اسلامی، تداوم سازندگی و آبادانی ایران شرکت کرد و تا حدودی در صحنه انتخابات موفق بود و توانست حدود ۴۰ کرسی مجلس

را به دست آورد. اما نمایندگانی که تمایل به این حزب دارند حدوداً به ۹۰ نفر می‌رسند.

گرایش سیاسی:

این حزب را میتوان در حیطه سیاست و اقتصاد یک حزب به اصطلاح راست مدرن نامید که دارای گرایش به اقتصاد بازار آزاد، توسعه بر مبنای الگوگیری از توسعه کشورهای پیشرفته غربی و اصالت دادن به اقتصادبخش خصوصی می‌باشند و از لحاظ سیاسی این حزب طرفدار فضای باز سیاسی، رقابت سیاسی در فضای بدون تشنج و متعادل و عدم تزاحم گروهها و احزاب نسبت به یکدیگر به منظور تسریع روند بازسازی اقتصادی کشور می‌باشد. دیدگاههای این حزب تا حدودی همانند دیدگاههای احزاب میانه‌رو، لیبرال و دموکرات در غرب می‌باشد. البته این حزب در مرامنامه خود تحکیم ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی را از اهداف خود ذکر کرده و التزام به اسلام ناب محمدی و قانون اساسی جمهوری اسلامی را از مبانی اعتقادی و سیاسی خود برشمرده است. به گفته یکی از اعضای کارگزاران "ما معتدل و میانه‌رو و اهل عقل، خردورزی و اعتدال هستیم. ما بر این عقیده هستیم که مملکت از افراط و تفریط ضربه می‌خورد و با این وضعیت ره به جایی نخواهد برد. شاید بتوان گفت که ما تا حدودی شبیه احزاب دموکرات در غرب هستیم."

تشکیلات و نشریات وابسته:

این حزب پس از تأسیس تا سال ۷۸ به صورت فعال در صحنه سیاسی کشور حضور داشت پس در این سال با دریافت مجوز فعالیت از وزارت کشور با یک فراخوان عمومی اقدام به عضوگیری و ایجاد یک تشکیلات منسجم حزبی در سراسر کشور و تهران کرد. این حزب اکنون در سرتاسر کشور فعال و در انتخابات مجلس ششم به طور مستقل اقدام به ارائه یک لیست انتخاباتی در تهران و معرفی کاندید در شهرستانها نمود. تا قبل از تعطیلی روزنامه‌ها در اردیبهشت ۱۳۷۹ روزنامه «هم‌میهن» به صاحب امتیازی غلامحسین کرباسچی از روزنامه‌های نزدیک به این حزب بود و روزنامه‌های «زن» «ایران» و

«همشهری» نیز دارای دیدگاههای نزدیک به این حزب هستند که البته روزنامه‌های هم‌میهن و زن توقیف شده‌اند.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

نظر به دیدگاه توسعه گرایانه و شعار این حزب مبنی بر توسعه همه جانبه اقتصادی و سازندگی، بیشترین پایگاه اجتماعی این گروه از بین کارگزاران بخش دولتی و خصوصی، صنعتگران، تکنوکراتهای تحصیل کرده، مهندسان، مقاطعه کاران، دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی و رشته‌های دیگر، محصلان، کارمندان، و طبقات متوسط جامعه هستند. اما خاستگاه اصلی این حزب از بین کارگزاران اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی که همگی دارای سمت وزارت و یا معاونت و پستهای دیگر در دولت ایشان بوده‌اند، می‌باشد. در این مورد یکی از اعضای برجسته کارگزاران می‌گوید: "ما به کیفیت نیروهای خود می‌اندیشیم و نه به تعداد و کمیت آنها، ما به دنبال جذب نخبه‌ها هستیم." سید‌حسین مرعشی[1] در مورد طبقات اجتماعی که به این حزب تمایل دارند می‌گوید. "کارگزاران یک جریان تکنوکراتی مسلمان است که تکنوکراتی جزء ذات کارگزاران است و کسی قبل از ما آن را طرح نکرده بود."

مواضع سیاسی:

از بدو تشکیل این حزب بطور غیررسمی در سال ۱۳۷۴ بی‌شک اعضای مرکزی این حزب یک گروه مهم از بازیگردانان صحنه سیاست داخلی و عرصه‌های اقتصادی کشور بوده‌اند. بعضی صاحبنظران بر این عقیده‌اند که کارگزاران همچنانکه برخی تشکیل دهندگانش از اعضای خانواده هاشمی رفسنجانی هستند، تحت تأثیر روشها و منش‌های وی می‌باشند و ایشان پدر معنوی و فکری و پیشکسوت این گروه هستند. البته تا حدودی از تاریخچه تشکیل این حزب می‌توان این نظر را برداشت کرد. لیکن نمی‌توان این امر را بر

---

۱. صبح امروز، ۷۸/۷/۱۵.

تمام اعضای این گروه تسری داد. پس از زندانی شدن غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران و آزادی وی و علیرغم تلاشهای هاشمی رفسنجانی برای رفع این مسئله برخی او را به عدم حمایت از کرباسچی متهم کردند و از طرفی برخی از اختلاف‌نظرها در شورای مرکزی بر سر تبلیغات سوء عناصر تندروی جناح چپ برعلیه آقای هاشمی رفسنجانی در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی که بالاخره باعث انصراف او از نمایندگی مجلس شورا شد، این گروه را دچار اختلاف و تقسیم‌بندی درونی به دو گروه به اصطلاح چپ و راست کرد. هرچند اعضای برجسته این گروه این مسئله را قویاً رد کرده‌اند، اما صاحبنظران غلامحسین کرباسچی را در رأس جناح چپ حزب یا جناح اصفهان می‌دانند که به جبهه دوم خرداد نزدیکتر و تا حدودی در مقابل این تبلیغات سوء سکوت اختیار کرد و اعضای خانواده هاشمی و در رأس آن محمد هاشمی را در رأس جناح راست حزب (جناح کرمان) می‌دانند که با تندی در مقابل هجوم تبلیغاتی عناصر تندروی جناح چپ بر علیه برادرش (اکبر هاشمی رفسنجانی) ایستاد.

اما به طور کلی اعضای موثر این حزب تقریباً دارای نظرات سیاسی بسیار نزدیک به هم هستند و بیشتر اهل چانه‌زنی سیاسی و مذاکرات پشت پرده برای رسیدن به اهداف سیاسی و حل مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه هستند (همانند هاشمی رفسنجانی) تا آنکه مسائل را شفاف و واضح در اجتماع بیان کنند. که البته برای این موضع و روش خود نیز دلایل منطقی ذکر می‌کنند. غلامحسین کرباسچی دبیر کل حزب کارگزاران در کتاب دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک در گفتاری تحت عنوان «عصر عمل» می‌گوید[1]:

"اتفاقاً گفتگو نقطه قوت است. اگر برای مدیر کشور مشکلی به وجود آمد که می‌تواند با رایزنی آن را حل کند آیا صلاح است که آن را به سطح جامعه بکشاند؟ البته مسائلی وجود دارد که به افکار عمومی برمی‌گردد و بایدمردم را در جریان گذاشت، گاهی نیز مردم از ما سئوالی می‌کنند که باید پاسخ داد. این دو روش خیلی تفاوت نمی‌کند بلکه سطوح، نوع

---

۱. دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک، حزب کارگزاران سازندگی، ص ۵۱.

برخورد و حرفها ممکن است تفاوت داشته باشد. همانقدر که آقای (هاشمی) رفسنجانی با جناح‌ها و شخصیت‌های مختلف مذاکره می‌کنند آقای خاتمی هم می‌کنند. گاه جبهه دوم خرداد و بخصوص گروههای چپ حرفهای تندی می‌زنند و برخوردهایی می‌کنند که نهایتاً آقای خاتمی باید هزینه‌اش را بدهد و چه بسا به نتیجه‌ای هم نمی‌رسد. همانطور که رایزنی ممکن است به نتیجه نرسد.استیضاح آقای مهاجرانی که وزیر اول آقای خاتمی بوده وقت زیادی از مجلس و وزارت ارشاد را گرفت واین تضییع وقت برای جامعه هزینه زیادی دارد و می‌توانست صرف کارهای مفید زیادی شود. حال اگر می‌شد این مسأله را با رایزنی حل کرد به نفع جامعه بود. البته گاهی هم با رایزنی حل نمی‌شود و به نظر من چیزی که با رایزنی حل نمی‌شود با آن نوع برخوردها هم کمتر حل می‌شود. تنها تفاوتی که دارد این است که در افکار عمومی یک جنجال سیاسی درست می‌شود که آن جنجال هم برای طرف مقابل و هم کل کشور هزینه دارد و بدبینی‌هایی را نسبت به مسئولان به دنبال می‌آورد و خدای ناکرده کار به جایی می‌رسد که مردم می‌گویند همه شان دارند توی سروکله هم می‌زنند و بی‌خود هم میگویند."

از طرفی حزب کارگزاران سازندگی در بازیهای سیاسی چهار ساله اخیر با طمأنینه، آرامش، اعتدال و میانه روی خاصی وارد شد که البته این امر مورد نکوهش همپیمانان این حزب در جبهه دوم خرداد و از طرفی نیروهای تندرو جناح راست سنتی واقع شده حتی برخی‌ها این حزب را ابن‌الوقت و فرصت‌طلب می‌دانند و می‌گویند هرکجا که قدرت وجود دارد کارگزاران هم همانجا هستند. یکی از اعضای رده بالای این حزب می‌گوید: "ما نیستیم که شل یا سفت می‌کنیم، آنها (جناحهای سیاسی) هستند که گاهی تند و افراطی و گاهی هم شل یا تفریطی عمل می‌کنند گاهی آنها نظراتشان با نظرات معتدل ما منطبق می‌شود و ما از آن حمایت می‌کنیم."

غلامحسین کرباسچی در این زمینه می‌گوید[1]:

"کارگزاران نماینده یک قشر از مدیران، روشنفکران و آدمهای متوسط و سطوح پائینی

---

۱. دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک، حزب کارگزاران سازندگی، ص ۵۴.

از مردم از نظر کارهای اجرای و مدیریتی است. اینها به این نتیجه رسیدند که در شرایط کنونی با توجه به استعدادها و امکانات و مشکلات کشور برخوردهای افراطی و تفریطی و انحصار گرایانه کارساز نیست بلکه منطق، اعتدال و به کارگیری همه نیروهاست که می‌تواند مشکل‌گشا باشد. اگر روزی مردم همه افراط یا تفریطی شوند یا دیگر متقاعد به سازندگی کشور نباشند و به توسعه فکر نکنند در آن صورت ممکن است زمینه ایجاد کارگزاران هم از بین برود."

سیدحسین مرعشی[1] در تشریح تلاش کارگزاران برای به دست آوردن قدرت اجرائی و اجرای برنامه‌ها خود می‌گوید:

"حزب کارگزاران برای به دست گرفتن قدرت تشکیل شده است. یعنی حزب تشکیل نشده که دعای ندبه و دعای کمیل برگزار کند یا بنیاد خیریه باشد که به فقرا رسیدگی کند." "کارگزاران مثل هر حزبی که در دنیا به وجود می‌آید یک ایده هایی دارد و برای پیاده کردن آن ایده هایش هم ابزارهایی را احتیاج دارد که آن ابزارها، ابزارهای قدرت است یعنی در واقع قدرت را می‌گیرد."

"اینکه اینها برای ماندن در قدرت زد و بند می‌کنند این غلط است. کارگزاران هیچ وقت اصرار نداشتند که در دولتهای مختلف باشند دولتها به آنها نیاز داشتند. منتهی ببینند کارگزاران که با کودتا یا تهدید و یا با فشار سرکار نیامدند. به هرحال کارگزاران در همین جمهوری و با رأی مردم انتخاب شدند."

حزب کارگزاران پس از دوم خرداد وهمزمان با طرح شعارهای رئیس جمهور خاتمی مبنی بر توسعه سیاسی، قانونگرایی جامعه مدنی، حقوق بشر و تنش‌زدایی همواره از مواضع و شعارهای اصولی رئیس جمهور حمایت کرده است و با توجه به آنکه در دولت با چند وزیر و معاون رئیس جمهور شرکت دارد همواره در جهت همکاری با دولت گام برداشته است، اما هر از چند گاه از طرف برخی از طرفداران تندرو رئیس جمهور مطالبی در مورد زد و بندهای احتمالی سیاسی بین کارگزاران و جناح مقابل (راست) به چشم

---

۱. همان، ص ۱۰۵.

می‌خورد. اختلاف عمده بین حزب کارگزاران و دیگر گروههای طرفدار اصلاحات رئیس‌جمهور آن است که حزب کارگزاران بر توسعه همه جانبه اقتصادی و همراه آن توسعه سیاسی پای فشاری می‌کند، در صورتی که گروههای دیگر توسعه سیاسی را گره اصلی در مشکلات کشور می‌دانند و آن را مقدم بر توسعه اقتصادی و دیگر امور می‌دانند.

غلامحسین کرباسچی[1] می‌گوید:

"به نظر گروههای طرفدار آقای خاتمی گره اصلی توسعه، سیاست است. بعد از انتخابات (ریاست جمهوری) فرصتی پیدا نشد تا با آقای خاتمی بر سر گره اصلی کشور بحث کنیم، ولی بدون اغراق می‌توان گفت که ۸۰ درصد وقت آقای خاتمی صرف حل و فصل مسائل اقتصادی و اجرایی کشور می‌شود و این نشان دهنده این است که کشوری با این حجم مسائل اقتصادی واجرایی اگر همه وقتش را روی مسائل سیاسی و حل آن به عنوان گره اصلی بگذارد در این صورت به زندگی مردم و گرفتاری‌های روزمره آنان نمی‌رسد. خیلی از مطبوعات و رجال سیاسی طرفدار آقای خاتمی معتقدند که گره اصلی کشور از نظر آقای خاتمی حل مسائل سیاسی یا توسعه سیاسی کشور است، ولی من شخصاً از زبان خاتمی چنین اولویت‌بندی را تا کنون نشنیده‌ام. البته ممکن است ایشان فکر کنند که برای حل بخشی از مسائل اقتصادی و اجرایی کشور و مردم باید به مسائل سیاسی هم پرداخت."

اما در عرصه سیاست داخلی همانند دیگر گروههای به اصطلاح دوم خردادی، حزب کارگزاران نیز با انحصار قدرت در دست یک گروه خاص مخالف بوده و غلامحسین کرباسچی این مخالفت را باعث ایجاد اختلاف و دادن لیست متفاوت با جامعه روحانیت مبارز در مقطع انتخابات پنجمین دوره مجلس در سال ۱۳۷۴ از طرف کارگزاران می‌داند. البته شایان ذکر است که تفسیر گروههای دیگر دوم خردادی از انحصار وانحصارطلبی با آنچه حزب کارگزاران از آن برداشت می‌کند کمی متفاوت است. غلامحسین کرباسچی[2] در مورد دلایل تشکیل گروه کارگزاران قبل از انتخابات مجلس پنجم می‌گوید:

"چون در مجلس چهارم فهرست جناح چپ در تهران به کلی حذف شد و جناح راست

---

۱. دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک، ص ۲۹.

۲. همان، ص ۱۰.

یک دفعه رأی آورد، به نظر ما اگر این روند تداوم پیدا می‌کرد تضمین کافی برای مطرح شدن حرفها، ایده‌ها، به کارگیری همه نیروها و استفاده از همه امکانات وجود نداشت. لذا ما به این نتیجه رسیدیم که برای رفع این مشکل باید حالت انحصار را شکست و اجازه داد عده دیگری نیز وارد این گود شوند تا از افکار، اندیشه‌ها، نیروها وتوانایی‌های آنان استفاده شود." "پس زمینه ایجاد کارگزاران همین بینشی بود که ما در هجده سال گذشته به آن رسیدیم و عملاً تجربه کردیم."

حزب کارگزاران سازندگی به یک معنا خود رانه چپ می‌داند و نه راست، بلکه خود را میانه‌رو، دمکرات و معتدل می‌داند. اما برخی از صاحب‌نظران آن را نوعی راست مدرن و بعضی دیگر لیبرال می‌دانند این که اصطلاح چپ و راست در کشور ما مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم و حتی کشورهای پیشرفته به معنی اصلی خودش وجود ندارد، یک واقعیت است، اما مواضع حزب کارگزاران در عمل گونه‌ای معتدل از مواضع افراطی و تفریطی دو جناح راست و چپ به نظر می‌رسد. کرباسچی[1] می‌گوید:

"ما (کارگزاران) اصلاً مدعی نیستیم که در همه حرفها معتدل هستیم. ما می‌گوئیم گاهی ممکن است جناح چپ اعتدال داشته باشد، در این صورت ما حرف آنها را می‌پذیریم. گاهی نیز ممکن است که چپ حرفهای درست و حسابی نزند و منطق اعتدال بر جناح راست حاکم باشد در اینصورت حرف آنها را قبول می‌کنیم. منطق اعتدال باید فراگیر شود و همه به سمت آن برویم. افراط در نهایت به نوعی درگیری، حذف، خشونت و گرفتاری برای جامعه منجر می‌شود." "به ما می‌گویند: آقا شما معلوم نیست کدام طرفی هستید. اتفاقاً این، جزء افتخارات ماست. بله ما نه جانب افراط را می‌گیریم و نه جانب تفریط را و اینگونه نیستیم که بگوییم آقای فلانی هرچه می‌گوید درست است. من از منطق اعتدال دفاع می‌کنم نه از کارگزاران! اگر کارگزاران نیز در جایی دچار افراط و تفریط شوند باید خود را اصلاح کنند."

از لحاظ نوع حکومت حزب کارگزاران به نوعی حکومت قانونگرا و مقید به قانون اساسی و نه فراتر از آن اعتقاد دارد وهمواره جمهوریت و اسلامیت نظام را توأماً مد نظر

---

۱. همان، ص ۱۷.

دارد. از طرفی با برخوردهای آمرانه و قیم مآبانه با مردم مخالف و طرفدار نوعی حکومت مردم سالارانه (دمکرات) می‌باشد. سید حسین مرعشی در این مورد می‌گوید[1]:

"تا زمانی که جناح راست تکلیف خود را با مردم سالاری روشن نکند و تا زمانی که خود را از موضع ارزشهای دینی قیم مردم بداند هرگز نمی‌توانیم با آنها همراهی داشته باشیم. ما در کارگزاران به جمهوری اسلامی اعتقاد داریم و از جمهوری اسلامی دفاع می‌کنیم و برای آن ایستادگی می‌کنیم. جمهوری اسلامی یعنی هم جمهوری بودن و هم اسلامی بودن، ما با تفکراتی در جناح راست مواجه هستیم که بیشتر خودشان را طرفدار اسلام می‌دانند، همچنین بایک گروه افراطی در این جناح مواجه هستیم که اساساً جمهوری را برنمی‌تابند. بعضی‌ها اظهار می‌کنند و بعضی‌ها هم ممکن است اظهار نکنند که این حرف را قبول ندارند ما با تبدیل جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی و کاهش نقش مردم مخالف هستیم."

ایشان در مورد اصل ولایت فقیه[2] نیز می‌گویند:

"ما معتقدیم ولی فقیه منتخب مردم است." "نظام جمهوری که مبنای حرکتش حاکمیت اکثریت است را قبول داریم و در چارچوب همین نظام هم ولایت فقیه را منتخب مردم می‌دانیم که منتخب خبرگان است و چیزی بیشتر از این را قبول نداریم. برخی معتقدند که ولایت فقیه منصوب خداوند است و معتقدند تشخیص مردم در برابر تشخیص خداوند معتبر نیست و یا از اعتبار کمتری برخوردار است. یا به این دلیل که ولی فقیه یک رأی را تنفیذ و تأئید می‌کند معتبر می‌شود و قانون اساسی به این دلیل معتبر است که ولی فقیه آن را تأئید کرده است. ما اینها را قبول نداریم." "ولایت فقیه رامنبعث از قانون اساسی می‌دانیم، یعنی اینکه در واقع اصالت را به قانون اساسی می‌دهیم. در قانون اساسی آنچه ما می‌فهمیم دو اصل است که قبلاً اشاره کردم بحث جمهوریت و اسلامیت است. یعنی حکومت، حکومت مردم بر مردم است و به اسلامی بودن چارچوب‌های حکومت تأکید شده است. ولایت فقیه شکلی از حکومت اسلامی است، شکلی از اسلامی بودن حکومت است. یعنی اعمال ضوابط اسلامی و اسلامی کردن جمهوری است که در قانون اساسی ما پذیرفته شده و

---

۱. دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک ص ۹۹. ۲. همان، ص ۹۹.

مورد احترام جامعه است. ما هم به عنوان کارگزاران به آن احترام می‌گذاریم. اما اختیارات ولایت فقیه در چارچوب قانون اساسی است.»

اینک برخی از دیدگاههای اعضای برجسته این حزب را در مورد برخی از مسائل سیاسی روز که موردی در مناسبتهای مختلف بیان شده می‌خوانیم:

غلامحسین کرباسچی در مورد برخی از مواضع سیاسی این حزب می‌گوید[1]:

نقش آقای هاشمی رفسنجانی در کارگزاران:

«اصولاً ما همیشه باید تلاشمان این باشد که سرنوشت یک حزب را از سرنوشت اشخاص جدا کنیم. احزابی که حول محور اشخاص تشکیل می‌شوند، هرچند ممکن است آن اشخاص نقش مهمی را در آن احزاب بازی کنند، ولی نباید سرنوشت احزاب وابسته به آنها باشد. آقای هاشمی افکار خوبی در زمینه‌های مختلف به ویژه در بحث توسعه و مسائل اجرایی کشور داشته و دارند و به هر حال اهداف و افکار ایشان همیشه می‌تواند در حزب مورد توجه قرار گیرد.»

«من هیچ وقت نگفته‌ام ایشان (هاشمی رفسنجانی) در حزب نفوذ دارند من گفته‌ام که ما از رهنمودهای ایشان در حزب استفاده می‌کنیم. همچنان که از نظرات دیگران استفاده می‌کنیم.»

انشعاب در حزب کارگزاران[2]:

کرباسچی در پاسخ خبرنگاری که از ایشان می‌پرسد آیا حزب کارگزاران به دو جناح اصفهان (چپ) و کرمان (راست) منشعب شده است می‌گوید:

«ما باید جلوی انشعاب را بگیریم و جبهه واحدی ایجاد کنیم نه اینکه انشعاب را تشویق کنیم. از نظر من طرح این بحث‌ها خلاف مصالح جامعه مدنی است، ضمن این که اصلاً واقعیت ندارد. به هرحال کارگزاران یک حزب است و فضایی درست نکرده که همه اعضایش مثل هم باشند.»

---

۱ و ۲. صبح امروز، ۷۸/۱/۳۱.

کارگزاران و اصلاحات[۱]:

"پیام دموکراسی و این انتخابات (مجلس ششم) این بود که مردم همیشه خواهان دگرگونی، تغییر و تحول و اصلاحات هستند. احزاب به هر میزان که فاصله کمتری با اصلاحات داشته باشند، به همان نسبت طرفداران بیشتری پیدا می‌کنند. اگر خدای ناکرده حزبی از اصلاحات فاصله بگیرد، در جامعه جایگاهی نخواهد داشت."

سیدحسن مرعشی[۲] مواردی از مواضع سیاسی کارگزاران را چنین تبیین می‌کند:

کارگزاران و تکثرگرایی:

"در مجلس پنجم کارگزاران با خط شکنی فضا را باز کرد و اولین قدمهای توسعه سیاسی و تکثر گرایی را برداشت."

کارگزاران نیروی متعادل کننده:

"کارگزاران به عنوان یک نیروی متعادل کننده همواره مایل است که این نقش را بازی کند نه به عنوان اینکه جابه‌جا کند و چیزی را از کسی بگیرد معیار ما یک حرکت متعادل متناسب با ظرفیتهای واقعی کشور است."

اشتباهات راست و چپ:

"هنوز «راست» بازسازی جدی را درون خودش انجام نداده، هنوز دارد به اشتباهات گذشته‌اش به نوعی دامن می‌زند. جناح «چپ» نیز در مواردی از شعارهای دوم خرداد در بعضی از بخشها فاصله نسبی گرفته مثلاً در بحث شایسته سالاری یا حرکت فراجناحی ومنافع ملی."

ائتلاف با جناح راست:

"ما در مورد ائتلاف با گروه راست هیچگونه بحثی نداشته‌ایم وافق روشنی هم برای این بحث نمی‌بینیم."

وجود جناح راست و چپ درون کارگزاران:

"ما در کارگزاران چیزی بنام جناح چپ و جناح راست نداریم، کارگزاران مجمع

---

۱. صبح امروز، ۷۹/۱/۳۰. ۲. روزنامه صبح امروز تاریخ ۷۸/۷/۱۵.

منسجمی است که بخشهای متعادل از جناح چپ و جناح راست می‌توانند باکارگزاران کار کنند[۱]."

محمد هاشمی بهرمانی از اعضای برجسته حزب کارگزاران برخی از این حزب را چنین بیان می‌کند:

رابطه کارگزاران با هاشمی رفسنجانی:

"مواضع ما حقیقتاً دفاع از شخص هاشمی نبوده است، بلکه دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی، دفاع از امام (ره) دفاع از نظام جمهوری اسلامی بوده و می‌باشد و آنها می‌خواهند ما را به سکوت وادارا نمایند، چرا که خوب می‌دانید در خلال بیست سال حضور و تجربه مطالب زیادی را می‌دانند که طرح آنها ممکن است به زیان بعضی افراطیون تمام شود."

نیازهای جامعه:

"باید بگویم اعتدال، اعتدال، اعتدال. امروز جامعه ما تشنه سازندگی، رفاه، آزادی، قانونمداری، ایجاد امکانات اولیه برای همه (قسط)، حل مشکلات جوانان، گسترش بهداشت و درمان و آموزش عالی، گسترش تعلیمات فنی و اشتغال و خلاصه توسعه همه جانبه و سازندگی است."

محمد عطریانفر[۲] سردبیر روزنامه همشهری و عضو برجسته کارگزاران در مورد مواضع سیاسی کارگزاران چنین می‌گوید:

علت تشکیل کارگزاران:

"فی الواقع (کارگزاران) برآیندی از مجموعه تحرکات آگاهانه و خفته و تعلقات روحی قشر عظیمی از مدیران میانی کشور بود که برای مقاومت و اصلاح در برابر اندیشه‌های انحصار و اقتدار گرایانه جناح محافظه کار قد علم کرد و چون جریان ضعیفی بود و به تنهایی توان مقابله نداشت، به دنبال جنسی از اتکاء قدرت می‌گشت که هم سنخ حرکت آنها باشد و چون مدیران میانی در صف مقدم اجراییات کشور فعالیت می‌کردند لذا محور اتکاء و هم سنخ خود را در سیمای آقای هاشمی رفسنجانی یافتند."

---

۱. انتخاب، ۲۱ و ۷۸/۱۱/۲۰ ۲. بهار، ۷۹/۳/۲۳.

"کارگزاران چتر پوششی هم گروههای ضد انحصاری بود که در سال ۱۳۷۴ می‌خواستند مستقلاً و به طور غیرغریزی تنفس سیاسی داشته باشند. کارگزاران اسم مستعار جمع گسترده‌ای بود که براساس یک تحول درون‌زای سیاسی در آن مقطع در برابر رفتارهای خشن و بی منطق جناح تمامیت خواه در صحنه سیاسی جامعه ما قد علم کرد."

پایان مأموریت تاریخی کارگزاران:

"به نظر می‌رسد کارگزاران مأموریت تاریخی خود را در بستر تحولات سیاسی - اجتماعی، در متن نیروهای میانی جامعه به پایان رسانده‌اند. گشایش این میدان موجب شده است تا نیروهایی که تا دیروز با نام حقیقی خود در صحنه سیاسی جامعه ظاهر نمی‌شدند امروز بتوانند به دور از کلی‌گرایی و همسویی عام در صحنه، مطالبات سیاسی اجتماعی خود را طرح کنند."

اختلاف در کارگزاران:

"اگر امروز حزب کارگزاران را در صحنه سیاست، یک حزب تمام عیار نمی‌بینید به دلیل مناقشات هویتی است که در درون کارگزاران وجود دارد."

جناح اصفهان و جناح کرمان:

عطریانفر[1] در پاسخ به سوالی در رابطه با انشعاب در کارگزاران و ایجاد دو جناح کرمان و اصفهان در این حزب میگوید: "این تعابیر که توسط برخی از صاحب‌نظران و قلم به دستان در بعضی از روزنامه‌ها مطرح شده یک تقسیم‌بندی کاملاً ذهنی است. یعنی آنها در عالم ذهنشان کارگزاران را به دو قطب تفکیک کرده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها واقعیت خارجی ندارد. نه قطب اصفهان در کارگزاران وجود دارد نه قطب کرمان."

علی هاشمی بهرمانی[2] فرزند محمد هاشمی واز اعضای مرکزی حزب کارگزاران در مورد مواضع سیاسی کارگزاران چنین می‌گوید:

هاشمی رفسنجانی پدر معنوی:

"اگر منظور از پدر معنوی این باشد که به نصایح ایشان گوش بدهیم، تمام شخصیتهایی

---

۱. صبح امروز، ۷۸/۱۲/۴.   ۲. صبح امروز، ۷۸/۸/۱۳.

که خارج از احزاب هستند و در کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند پدرمعنوی کارگزاران هستند و در جایگاه فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی با آنها بحثهایی داریم.»

تعدد احزاب:

«ما هرچه بتوانیم احزاب را در سطح جامعه گسترش بدهیم و افراد با سلیقه‌های مختلف در سازمانهای مختلف سیاسی و صنفی شکل بگیرند این یک نقطه بارز در توسعه سیاسی و جامعه مدنی است.»

نیروهای خودی و غیرخودی:

«در مورد اینکه آیا محدوده آزادی در مورد خودی و غیرخودی چیست، این بحثی است که حوزه آن در قانون مشخص شده است که چه کسانی اجازه انتشار اندیشه و آزادی دارند، تنها مورد نفی که در این قانون به آن اشاره شده این است که مخل مبانی دینی و امنیتی کشور نباشد.»

مواضع اقتصادی:

اصولاً تشکیل دهندگان اولیه این حزب جملگی از کارگزاران اجرائی دولت هاشمی رفسنجانی بوده‌اند که اکثراً در پست‌های اجرائی و اقتصادی دولت مشغول به کار بوده‌اند و به دلیل نظرات و سیاست‌ها تعدیلی در عرصه اقتصاد ملی در معرض انتقادهای شدید جناح راست‌سنتی که اکثریت مجلس را در دو دوره پیاپی دارا بودند و همچنین نیروهای چپ که در آنزمان در صحنه سیاسی حاضر نبودند قرار داشتند. اعمال الگوهای اقتصادی مبتنی بر حذف یارانه‌ها و خصوصی‌سازی صنایع و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و یا به اصطلاح سیاست تعدیل اقتصادی از برنامه‌های این گروه بود که البته به هیچ وجه به طور کامل اجراء نشد.

این حزب همواره از هشت ساله دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان دوره درخشان سازندگی یاد می‌کند و آن را جزء افتخارات خود و نظام می‌دانـد و همواره از آن دفاع می‌کند. به طور کلی این حزب را می‌توان دارای دیدگاهها اقتصادی و

اجرائی پررنگ‌تر نسبت به دیگر گروهها و احزاب دانست.

چنانکه شعارهای این حزب از بدو تأسیس عبارت بودند از: عزت اسلامی، تداوم سازندگی و آبادانی ایران، که اصالت سازندگی کشور بخوبی در آن نمایان است. از طرفی این حزب محور کار خود را استفاده از افراد نخبه و تکنوکرات‌ها و صاحبنظران در امور اقتصادی برای سازندگی کشور قرار داده است.

کرباسچی[1] در دفاع از برنامه‌های دولت هاشمی رفسنجانی می‌گوید:

"دوره هشت ساله آقای هاشمی را باید با دوره مشابهی که همان تجربیات، همان مشکلات بعد از جنگ و همان عادتهای اجتماعی را دارد مقایسه کنید. سیاست تعدیل در دولت آقای هاشمی رفسنجانی به خاطر فشارهای مختلف دچار وقفه شد و خیلی‌ها معتقدند که این واقعه و شوکه شدن سیاست تعدیل بسیاری از آثار مثبت آن را هم تحت تأثیر قرار داده است. حالا ممکن است کسی ارزیابی کند واشکالاتی هم بر سیاست تعدیل بگیرد. این اشکالات بر سیاست تعدیلی وارد است که با امکانات این چنینی جامعه به توقف کشانده شده است، ولی بر سیاست تعدیل موفقی که تا آخر می‌توانست پیش برود وارد نیست. برای ارزیابی دولت آقای هاشمی در سطح کلان باید اولاً این دوره و این دولت را باتجربیات و امکانات مشابه خودش مقایسه کنیم و ببینیم موفق بوده یا نه؟ ثانیاً موانع و مشکلات را هم در نظر بگیریم یعنی با توجه به موانع و مشکلات و با توجه به میزان درآمد و هزینه، رشد اقتصادی را بسنجیم."

از دیدگاه این حزب آبادانی کشور و سازندگی کشور اولویت اول کاری برای هر دولت است. حتی برخلاف برخی دیگر از نیروهای ائتلاف دوم خرداد که تأکید بیشتری روی توسعه سیاسی تا توسعه اقتصادی دارند این گروه معتقد است سازندگی در کشور اصل است و هر گاه از نظر سیاسی مانع بر سر راه سازندگی به وجود آمد باید آن را رفع کرد و فقط در این حالت است که با رشد اقتصادی خود به خود با بالارفتن سطح توقع مردم توسعه سیاسی به وجود خواهد آمد. کرباسچی[2] اضافه می‌کند:

۱. دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک، ص ۲۶.
۲. همان، ص ۲۳.

"آقای خاتمی تشخیص دادند که برای حل مسائل اقتصادی و اجرایی کشور بایدگره‌های فرهنگی و سیاسی را باز کرد، باز هم دغدغه اصلی، مسئله اقتصاد است مسئله اجراست مسئله سازندگی است."

"ما معتقدیم[۱] که آنچه به عنوان انجام وظیفه در قبال مردم و آرای مردم از یک نظام حکومتی (درست) مطالبه می‌شود، اداره جامعه وزندگی مردم است، یعنی تمام رفت و آمدها، نصب و انتصابات، انتخابات، قانونگذاری‌ها و قضاوت‌ها همه درمقام عمل باید در خدمت تحقق برنامه و هدفی برای بهتر شدن زندگی مردم باشد."

نگرش علمی به اقتصاد کشور و استفاده از الگوهای موفق در این زمینه همواره مدنظر این حزب بوده است. اصلاح ساختار اداری افزایش رشد تولید با استفاده از ایجاد امنیت برای سرمایه گذاری و رفع تنش با دول خارجی، همکاری با کشورهای تولیدکننده نفت برای ثبات بازار نفت، استفاده از منابع خارجی ارز برای توسعه کشور، حذف بنگاههای اقتصادی که در دست نهادهای موازی دولت هستند و خصوصی‌سازی بنگاههای اقتصادی مگر موارد خاصی که منبع درآمد دولت می‌باشد از جمله دیدگاههای این حزب برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور می‌باشد. سیدحسین مرعشی در این زمینه می‌گوید[۲]:

"برای استفاده از منابع فراوان وارزان خارجی شما باید رابطه‌تان را با کشورهای دیگر در یک حالت غیربحرانی نگه دارید. در اقتصاد شاه بیت حرکتهای اقتصادی تولید است. تولید با سرمایه گذاری با جلب سرمایه، با واگذاری کار به مردم تناسب دارد. حالا اگر سیستم قضایی‌تان این مسیر را نداشته باشد، شما دارید آزادسازی می‌کنید، شما دارید خصوصی‌سازی می‌کنید. سیستم قضایی‌تان به مجلس‌گیر بدهد که واگذاری کارخانجات دولتی متوقف شود، یا بروند آن کسی را که خریدار است بگیرند و به دادگاه بیاورند و درازش کنند و بگویند تو از کجا آوردی که این را خریدی؟ یکی از خارج بخواهد بیاید سرمایه گذاری کند، تهدید شود، یا در فضای مطبوعات این فرقی نمی‌کند. اینها واقعیتهایی است که دولت سازندگی با آن مواجه بود. منتهی مهم این بود که دولت سازندگی توانست

---

۱. همان، ص ۳۵.
۲. همان، ص ۱۱۴-۱۱۲.

جهت‌گیری‌ها را اصلاح بکند."

"ما به مسائل اقتصادی آزادسازی البته نه به معنای لیبرالی آن معتقد هستیم. اما می‌گوئیم لازم نیست دولت در هر کار کوچک و بزرگی دخالت کند." "ما می‌گوئیم که جز یک امهات که دولت باید به عنوان منابع اصلی درآمد برای هزینه‌های تأمین اجتماعی مردم حفظ کند، بقیه اقتصاد می‌تواند خصوصی و فعال شود."

"ما خودمان را طرفدار طبقه تولیدکننده جامعه می‌دانیم و فکر می‌کنیم در ایران باید از طبقه تولیدکننده حمایت شود که به گسترش اقتصاد یعنی سازندگی بیشتر، منجر شود. ما حرکت در جهت صنعتی شدن را لازمه کار جدی برای ایران می‌دانیم."

مواضع فرهنگی:

در بند ۴ خط مشی حزب کارگزاران دیدگاههای این حزب در زمینه مسائل فرهنگی به شرح زیر آمده است: "دفاع از آزادی اندیشه، بیان، نوآوری و خلاقیتهای فکری و هنری با رعایت موازین اسلامی در چهارچوب قانون اساسی."

این حزب چنان که از مرامنامه آن مشخص می‌شود طرفدار آزادی اندیشه و فضای باز فرهنگی برای تمام افرادجامعه می‌باشد. غلامحسین کرباسچی درمورد مواضع فرهنگی حزب می‌گوید[۱]:

"نه کارگزاران و نه جناح چپ و یا راست در کلیات سیاست فرهنگی با هم تفاوتی ندارند وهمه می‌گویند که باید از فرهنگ و هنر، ادبیات، فیلم وسینما به بهترین وجه استفاده کرد، در عین حال همه معتقدند که باید ارزشها راحفظ نمود و کاری کرد که به اعتقادات مردم وارزشها آسیبی نرسد. برای پی بردن به سیاستهای هر گروه اولاً باید به مرامنامه و اهداف نوشته شده آن تشکل توجه نمود و ثانیاً عملکرد آنها."

"ما معتقدیم همانطور که در بخش صنعت، اقتصاد، مسائل فنی وعلمی باید از متخصصان جامعه استفاده کرد و کار را به اهلش سپرد، باید ابزار را شناخت وعمل کرد. باید

---

۱. دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک، ص ۵۷.

یک صنعت، یک تکنولوژی و یک فن را شناخت و آن را برای کشور استفاده کرد. بخش فرهنگی نیز دقیقاً همینطور است فرهنگ امروز در واقع یک تکنولوژی است. باید به نویسندگان و هنرمندان احترام بگذاریم و بدانیم که فرهنگ و ادبیات سفارشی نیست. اگر ما به انسانهای مؤمن، به ارزشهای انقلاب و مؤمن، به حرفهایی که می‌زنند اعتقاد نداشته باشیم نمی‌توانیم به آنها سفارش تهیه فیلم و تئاتر و ادبیاتی در جهت حفظ ارزشها و آمال مان بدهیم. کارگزاران در بخش فرهنگی، هنر، ادبیات و مسائلی از این قبیل معتقد به این خط مشی هستند و اینگونه فکر می‌کنند که باید رشد و باروری استعدادهای هنری و فرهنگی از قبیل سینما، فیلم، تئأتر و ادبیات به گونه‌ای باشد که استعدادهای افراد بروز کند، هرقدر که می‌توانید افراد را درجهت آشنایی با ارزشها و معیارهایی که به آنها معتقد هستید اقناع کنید. باید بدانید که بخش مهمی از اقناع در عملکرد افراد است یعنی عملکرد خشن و انحصار گرایانه اولین کسانی را که زده می‌کند روشنفکر و هنرمند جامعه است. هرقدر اخلاق وعملکرد صحیح از ما ببینند بیشتر شیفته ما می‌شوند.»

«ما معتقد به گسترش و توسعه فرهنگ در قالب ارزشها و با پیشرفته‌ترین ابزار و امکانات هستیم. منتها به گونه‌ای که استعدادهای درونی افراد در جهت ارزشها شکوفا شود و این ارزشهای دینی و مذهبی از درون دل افراد بجوشد و یک اثر هنری به وجود آورد نه از بیرون.»

با آنکه آقای عطاءاله مهاجرانی وزیر فرهنگ دولت خاتمی عضو کارگزاران است، اما ایشان صریحاً اعلام کرده‌اند که مجری برنامه‌های دولت رئیس جمهور هستند ونه مجری برنامه حزب کارگزاران. که البته این مطلب تا حدودی به این مسئله برمی‌گردد که سیاستهای فرهنگی حزب کارگزاران در برخی از مسائل از جمله مطبوعات با سیاستهای آقای مهاجرانی یا دولت تفاوت دارد. علی‌الخصوص جوسازی برخی از مطبوعات در زمینه انتخابات مجلس ششم و حضور هاشمی رفسنجانی در آن مورد انتقاد شدید برخی از انحصار برجسته این حزب قرار گرفت.

محمد هاشمی[1] عضو مرکزی حزب کارگزاران که سالها ریاست سازمان صدا و سیما را برعهده داشته است در موردمسائل فرهنگی در صداوسیما چنین می‌گوید: "برنامه‌ها می‌بایست هم آموزنده باشند، هم بدآموزی نداشته باشند، مفید و سازنده باشند یعنی وقت مخاطب را به بطالت تلف نکنند، موجب اشاعه وتقویت فرهنگی اسلامی و آداب و سنن پسندیده ملی باشند. مروج فضایل اخلاقی باشند نه اشاعه دهنده رذایل اخلاقی، و آرامش و امنیت را در جامعه القاء نمایند. از پخش صحنه‌های خشن و تشنج‌آفرین پرهیز شود، مروج مصالح و منافع عموم ملت و کشور باشند نه مشوق جناح‌ها و گروههای سیاسی و صنفی."

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۱.

حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی

نام کامل: حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی

نام دبیر کل: سیدمحمدرضا خاتمی

اعضای فعال: سیدمحمد رضا خاتمی، محسن میردامادی، محمدرضا عارف، علی شکوری‌راد، سعید حجاریان کاشانی، سیدشمس‌الدین وهابی، محمود حجتی، سیدمصطفی تاج زاده، محمد نعیمی‌پور، عباس عبدی، محسن صفایی فراهانی، میثم سعیدی، مرتضی حاجی، معصومه ابتکار، حبیب‌اله بیطرف، رجب‌علی مزروعی، حسین واله، هادی خانیکی، حسین کاشفی، حسین نصیری، بهروز افخمی، محمدرضا تابش، علیرضا علوی تبار، محمدمهدی محمودی، سیداحمد زرهانی، فریدون عموزاده خلیلی، سعید پورعزیزی، فرهت فردنیا.

مرامنامه:

الف) مقدمه:

ولتکن منکم امه یدعون الی لی الخیر و یأمرون بالامعروف و ینهون عن‌المنکر واولئک هم المفلحون[1]

---

۱. آل عمران / ۱۰۴

نهضت انقلابی مؤمنان و آزادگان ایران سرافراز و پیروزی خون بر شمشیر و کلام بر سلاح به تعبیر آن مراد و رهنما حضرت امام خمینی(ره) انفجار نور بود.

اکنون در آغاز بیستمین سالگرد استقرار نظام دین مدار و مردم سالار جمهوری اسلامی ایران همچنان شاهد آزاد شدن نیروها و توانهایی هستیم که پویایی، شادابی وحقانیت انفجار آغازین را تداعی می‌کند. دوران افتخارآفرین دفاع مقدس و طی مراحل پرفراز و نشیب پس از آن حاکی از این توان زوال‌ناپذیر است.

حماسهٔ دوم خرداد جلوهٔ دیگری از ۲۲ بهمن بود که بر شفافیت آرمانهای انقلاب افزود وحرکت مردم را به سوی جامعه عادل و فاضل سرعت بخشید. دوم خرداد تجلی دیگری از وحدت وهمدلی روحانیت روشن ضمیر و روشنفکران متدین بود که توان متراکم در متن جامعه، مخصوصاً مردان و زنان نسل دوم انقلاب را آنچنان آزاد ساخت که امید است لحظه‌ای از آفرینش حماسه‌های جاودان باز نایستد و در سیر آفاق معنویت، عدالت و آزادی پرشتاب به پیش رود و در تثبیت جایگاه شایستهٔ ایران در تصمیم‌گیری جهانی توفیق یابد.

نیروی حیاتی انقلاب پس ازموفقیت عظیم خود در انهدام نظام استبدادی و سلطنت وابسته و تأسیس و تثبیت نظامی نوین، امروز به نشاط و سرزندگی ایران اسلامی معطوف شده است و انگیزه‌های مشارکت جویانه مردم را به سوی طرح خواسته‌های صریح و مستقیم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی سوق می‌دهد.

از این رو در آغاز دههٔ سوم انقلاب اسلامی، وظیفهٔ مبرم و عمل صالح، ساماندهی فضای سیاسی ـ اجتماعی و سازماندهی نهادها و قالب هایی است که این مطالبات بی واسطه را پالایش کرده و در خدمت فرایند تصمیم‌گیری کلان کشور قرار دهد. امروز بقاء و تداوم شور انقلابی وتضمین انگیزهٔ مشارکت جویی مردم در گرو تأسیس و تقویت نهادهای مدنی، تعمیق بنیادهای نظری مشارکت اجتماعی وگسترش زمینه‌های عملی این مشارکت، قانونمند کردن رقابتهای سیاسی، عرضه چهرهٔ جذاب و مقبول از نظام مبتنی بر اسلام ناب محمدی، انتقال حافظهٔ تاریخی وتجارب سیاسی به نسل دوم انقلاب و سامان دادن نظام توزیع قدرت در بین مردم می‌باشد.

تجربهٔ دوم خرداد نشان داد که ساماندهی فضای سیاسی ـ اجتماعی کشور و متشکل ساختن تقاضای مردمی، قالبهای جدیدی را می‌طلبد و باید با نگرشی نو وحرکتی دیگر، فارغ از روزمرگی، پراکنده کاری و فرقه گرایی، فرصت‌ها و امکانات برآمده از روند تکامل و پویایی جامعه را قدر شناخت و از آنها در جهت نهادینه کردن وپایدار ساختن مشارکت مردم بهرهٔ کامل گرفت.

قانون اساسی میثاق گران سنگ ملت و حاصل خون شهیدان و مجاهدات مردان و زنان شریف ایران سرفراز که برپایهٔ مواضع بنیادین انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی مبتنی است، چارچوب حقوقی مناسبی برای پاسخگویی به این ضرورت است. به رسمیت شناخته شدن حقوق پایهٔ شهروندان و آزادی‌های مدنی و اصل برابری حقوقی، راه را برای توسعه ونوسازی سیاسی ایران هموار می‌سازد واکنون فعلیت یافتن تمامی ظرفیتهای نهفته در قانون اساسی، نیازمند تلاش دسته جمعی و سازمان یافتهٔ آن جریانهای اصیلی است که ریشه در انقلاب اسلامی، دل در گرو ایران زمین وچشم به افق روشن آینده دارند.

بی شک عوامل اساسی پیدایش انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران را باید مردم، اسلام و رهبری دانست و بدون تردید، بقای آن نیز در ترکیب این سه عنصر نهفته است. فرسایش انگیزه‌های مشارکت جویانهٔ مردم، برداشتهای سلیقه‌ای از مفاهیم دینی و بهره‌بردای نابه‌جا از سرمایه‌های مقدس، مهمترین آفاتی است که کیان انقلاب را تهدید می‌کند و برهمهٔ دوستداران نظام وانقلاب فرض است تا با جلب و افزایش اعتمادعمومی، به مثابه بزرگترین سرمایه اجتماعی نظام، آرایهٔ روزآمد دین و گسترش پایگاه مشروعیت ولایت فقیه به عنوان رکن رکین قانون اساسی با این آفات مبارزه کنند و در پیشگیری در فرایندهای انحطاط آفرین بکوشند.

غلبه بر موانع و نابسامانی‌های دیرپای اقتصادی و اجتماعی و ایجاد زمینه‌های بالندگی و شکوفایی علمی وفرهنگی، مستلزم حرمت نهادن به خرد نقاد وتوان جمعی است. بدین سبب دستیابی به توسعه همه جانبه، پایدار و موزون را باید زمانی محقق دانست که

فرایندهای تبادل نظر و جریان آزاد اطلاعات که لازمهٔ خرد جمعی و اعتقاد عمومی است، در ساز و کارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دخالت داده شوند.

گشایش و تلطیف فضای گفت‌وگو و اندیشه وتمهید و تضمین لوازم برقراری جدال احسن و گسترش روح قانونگرایی، راه اصلی بهره مندی از توان فکری نخبگان و فعلیت یافتن ظرفیتهای نظری و عملی جامعه است. عزم ملی هنگامی به سوی اهداف توسعه و پیشرفت جزم می‌شود که هزینه‌های آن به یکسان در میان شهروندان سرشکن شده و همگان در مسیر کسب مواهب توسعه، فرصتهایی برابر داشته باشند. بدیهی است که دستیابی به کفاف و رفاه ملی مستلزم کار و تلاش خستگی‌ناپذیر آحاد ملت و به کارگیری همهٔ امکانات ملی و فرصتهای بین المللی در جهت تولیدهرچه بیشتر و آبادانی کشور است و دراین مسیر اهتمام خاص به وضع معیشت مستضعفان و زحمتکشان و مقابله با فساد، فرصت‌طلبی وتبعیض سیاسی و اقتصادی، نه فقط آرمانی انسان دوستانه، بلکه هدفی ترقی خواهانه و گامی در مسیر مردم سالاری تلقی می‌شود.

روشن است که تبدیل این اصول و آرمانها به راهبرد و برنامه، در گرو وجود و توسعه احزاب، سازمانها و نهادهایی است که به گونه‌ای حرفه‌ای، محدودیتها و ظرفیتهای کشور را بررسی کرده ونیروهای مستعد و کارآمد را برای انجام برنامه‌ها شناسایی و تربیت کنند.

جبهه مشارکت ایران اسلامی که در پاسخگویی به وظیفهٔ مبرم هر ایرانی در این مرحله از انقلاب اسلامی موجودیت می‌یابد، دیدگاهها و مواضع زیر را مبنای فعالیت خود قرار داده وامیدوار است که بتواند با عمل به آموزه‌های دینی و رعایت معیارهای قانونی و براساس موازین شناخته شده اجتماعی و سیاسی، گام مؤثری در راه اعتلای میهن اسلامی بردارد و در حد توان خود در تحقق سه اصل: آزادی در بیان اندیشه، منطق در گفتگو و قانون در رفتار اجتماعی بپردازد.

ب) دیدگاهها و مواضع:

۱ـ دیانت ومعنویت

ضرورت فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ارتقای اندیشه اسلامی و معنویت واخلاق

محمدی(ص) و معیار قراردادن آنها در روابط و مناسبات فردی و اجتماعی و نیز تلاش برای زدودن رذیلتهای اخلاقی از جمله ریا، تملق، نفاق، فساد و بی‌بندوباری از اهم وظایف جبهه به شمار می‌رود. انقلاب اسلامی دعوتی است برای احیای دین وحاکمیت بینش و منش اسلامی، جبهه‌موظف است سیاستها و برنامه‌های خود را براساس هدفها و روح اسلام و عدم مغایرت آنها با موازین شرع مقدس بنا نهد و در این راه بیش از هر چیز نیازمندهدایت و روشنگری مجامع دینی و دانشگاهی و تمامی عالمان و فرزانگان روشن ضمیر و ژرف‌اندیش است.

۲ـ عدالت گستری و تبعیض زدایی

عدالت و قسط، هدف بعثت پیامبران الهی ومایهٔ دوام و پایهٔ قوام جامعه است و باید روح عدالت علوی حاکم بر تمامی سیاستگزاری‌ها وبرنامه‌ریزیهای نظام اسلامی باشد. در جامعهٔ داد بنیاد، توان هر فرد صاحب اندیشه ونیرویی، امکان و سرمایهٔ هر صاحب تمکن خدمتگزاری و استعداد و ثروت خدادادی هر منطقه وسرزمینی، زمینهٔ شکوفایی و بروز دارند.

ایجاد فرصتهای مساوی و تضمین دسترسی به امکانهای برابر وبرخورداری متناسب آحاد ملت از موهبت‌های جامعه، فراهم کردن زمینه شکوفایی استعدادها و آفرینندگی مردان و زنان در همه عرصه‌ها، مقابله با تبعیض و زیاده‌طلبی و زدودن ننگ فقر و تأمین زندگی شرافتمندانه برای همه افراد، به ویژه محرومان و مستضعفان، از وظایف قطعی و نخستین نظام جمهوری اسلامی و هرجمع تلاش کننده در این راه است.

۳ـ فضیلت مجاهدت

ارج گزاری به خدمت و فداکاری‌های مردم، نشانه فضیلت و اقتدار معنوی یک جامعه است. از این رو، ادای دین به ایثارگران عرصهٔ جهاد و شهادت و ترویج فرهنگ متعالی بسیجی و قدردانی عملی و مستمر از فداکاری‌ها و جانبازی‌های بهترین فرزندان این سرزمین در دوران انقلاب وجنگ تحمیلی از جمله تکالیف جبهه است.

۴ـ حرمت انسان وحقوق و آزادی‌های قانونی

انسان در آئین الهی دارای کرامت است و پاسداری از حرمت آدمی و رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع مردم، از اهم اهداف تشکیل جبهه است. انجام این رسالت مهم منوط است به:

آشناتر ساختن مردم به حقوق خویش و زمینه سازی برای دستیابی آنها به آزادی‌های قانونی نظیر آزادی بیان، قلم وتشکیل اجتماعات،بسط و تقویت بنیادهای مدنی جامعه اسلامی، ترویج شرح صدر، تحمل و احترام به گرایش‌ها و نگرش‌های گوناگون، تقویت فرهنگ نقادی و نقدپذیری، تعمیق اخلاق وفرهنگ مباحثه و گفتگو، پرهیز از خودکامگی و ممانعت از شکستن حرمتها و تجاوز به حقوق و آزادی‌های قانونی.

۵ـ استقلال کشور و اقتدا ملت

تقویت روحیهٔ عزت‌طلبی و سرافرازی در میان ملت، پاسداری از استقلال وتمامیت ارضی و هرچه نیرومندتر خواستن بنیهٔ دفاعی کشور، حفظ هوشیاری و آمادگی مردم، نگاهداشت هویت ایرانی برپایهٔ ارزشهای اسلامی و انسانی و بزرگداشت مفاخر علمی و اجتماعی و بازیابی ونشر آثار و مأثر فرهنگ اسلامی وملی از جمله وظایف جبهه است.

٦ـ حاکمیت قانون و امنیت اجتماعی

فراهم آوردن زمینه‌های تأمین آرامش و آسودگی خاطر مردم در تمامی عرصه‌های عمومی و خصوصی زندگی، از جمله اساسی‌ترین حقوق ملت است. رسیدن به امنیت که لازمهٔ ارتقای معنوی و مادی جامعه است، منوط به واقع بینی در طراحی اهداف، ثبات در اتخاذ سیاستها و صراحت و شفافیت در وضع مقررات است. تلاش برای حاکمیت قانون و ضابطه، شرط پیشرفت اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی است و نیز استقرار امنیت و ثبات، مستلزم مبارزه با قانون‌شکنی و خشونت و مقابله با سوء استفاده کنندگان از امنیت و اعتماد ملی می‌باشد.

۷ـ وحدت اسلامی و وفاق ملی

ملت بزرگ ایران با برخورداری از مواریث عظیم اسلامی ومفاخر ارجمند فرهنگی به

رغم گوناگونی‌های مذهبی، قومی وز بانی از پیوند و همبستگی خاصی برخوردار است که در پرتو انقلاب اسلامی، پایداری و قوام بیشتری نیز یافته است. حرمت‌گزاری به گرایشها ونگرشهای گوناگون، دفاع از حقوق اقلیتها و به رسمیت شناختن تنوع و تفاوت و هوشیاری نسبت به توطئه‌ها و شیطنت‌های دشمنان شرط لازم همبستگی و وفاق اجتماعی است.

۸ـ سازندگی و توسعهٔ پایدار و همه جانبه

تداوم سازندگی اقتصادی همگام با توسعه سیاسی و شکوفایی فرهنگی به گونه‌ای موزون و همه جانبه با شتابی هماهنگ با توانمندی‌های مردم و متکی به بهره‌برداری مقتصدانه از امکانات ملی و نیز استفاده از فرصتهای بین‌المللی با حفظ کامل استقلال، لازمهٔ دستیابی به جامعه‌ای پیشرفته و با ثبات است.

صیانت از نیروی انسانی به عنوان محور توسعه و برخورداری عادلانه همه قشرها، به ویژه محرومان، از مواهب اجتماعی وجلوگیری از بروز شکاف‌های عمیق اجتماعی از جمله لوازم برنامه توسعه است.

۹ـ مشارکت و رقابت

مشارکت حق مردم است ولازمه موفقیت یک نظام وجامعه سیاسی، شرکت سامان یافته و آگاهانه عمومی در تعیین سرنوشت خود، در تدوین و اجرای برنامه‌های نظام ونظارت همه جانبه و مستمر بر آنها است.

به این منظور رفع موانع مشارکت مردم و گسترش، تعمیق و نهادینه کردن آن در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، فنی و سیاسی از جمله رسالتهای اساسی جبهه است. جلب اعتماد و بهره مندی از رأی اندیشمندان،متخصصان و کارشناسان در طراحی واجرای سیاستها و برنامه‌های نظام واستقبال از نقد ونظارت همهٔ صاحب‌نظران و تأکید بر حضور فعال و مستمر همه قشرها، مخصوصاً زنان و جوانان وپذیرش رقابت به عنوان یکی از مجاری اساسی مشارکت وترویج فرهنگ تعاون و همکاری جمعی ضرورتی انکارناپذیر است.

۱۰ـ خردمندی و حکمت

لازمه مدیریت خردمندان در جامعه اسلامی، تکیه بر وحی الهی و پندآموزی از دانش و تجربیات بشری است. بهره‌گیری از دستاوردهای گرانسنگ گذشته و ارج نهادن به تلاش توان فرسا و ستودنی خدمتگزاران صدیق نظام در تمامی دوره‌ها در سرتاسر میهن اسلامی و در عین حال اهتمام به نقد منصفانه عملکردها و لحاظ نمودن قوت و ضعف در کنار یکدیگر و کوشش برای اصلاح مداوم راه‌کارها براساس برنامه‌ای مدون و همه جانبه باید نصب‌العین جریانهای سیاسی و عموم مردم قرار گیرد.

۱۱ـ منزلت

وجود ایرانی سربلند، آباد و مستقل در متن جامعه جهانی، آرزوی همهٔ ایرانیان غیرتمند است. با تأکید بر سه اصل عزت، حکمت، مصلحت می‌توان به تحکیم و گسترش روابط عادلانه در سطح بین‌المللی، خصوصاً با کشورهای همسایه، مسلمان و غیرمتعهد پرداخت. حراست از منافع ملی، تلاش برای ارتقای حیثیت جمهوری اسلامی ایران متناسب با شأن تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی واقتصادی آن، حمایت از حقوق اتباع ایرانی در سراسر گیتی، دفاع از حقوق مسلمانان و محرومان، به ویژه ملت مظلوم فلسطین، مشارکت فعال در اعتلای جامعه جهانی، در عین مقابلهٔ هوشمندانه و قاطع در برابر فزون‌طلبی و تهاجم بیگانگان در عرصه‌های گوناگون از برنامه‌های اساسی جبهه محسوب می‌گردد.

۱۲ـ نظام مقتدر، خدمتگزار و پاسخگو

مشروعیت مردمی نظام جمهوری اسلامی ناشی از رأی ملت است. نظام مقتدر منتخب ملت، نظام کارآمدی است که با اتخاذ سیاستهای مشارکت‌جویانه فراگیر و واقع‌بینانه ظرفیتهای نهفته و آشکار کشور و نیز امکانات و فرصتهای بین‌المللی را در راه نیل به اهداف عالیه نظام به کار گیرد.

حکومت اسلامی، خدمتگزار مردم است نه ارباب آنان و در همه حال در برابر ملت پاسخگو است و کمک به تحقق چنین نظامی وظیفه همه نیروهای سیاسی است.

تاریخچه تشکیل:

هرچند حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی ابتدا از طرف مجمع روحانیون (جناح به اصطلاح چپ) به عنوان کاندیدای هفتمین دوره ریاست جمهوری معرفی شد، اما بودند چهره‌های جوانتر و روشنفکر از نیروهای جناح چپ که به بسیاری از اصول این جناح وفادار بودند، لیکن به دلیل آراء و افکار نو و متحول، قاطعانه از نامزدی سیدمحمد خاتمی برای ریاست جمهوری حمایت می‌کردند، چه این که خود سیدمحمد خاتمی دارای وجهه‌ی روشنفکری و جوان و تحصیل کرده حوزه و دانشگاه و در حیطه فرهنگی دارای سیاست‌های باز در دوره تصدی وزارت ارشاد بود. این نیروهای اکثراً تحصیل کرده که برخلاف اعضای مجمع روحانیون مبارز اکثراً از غیرروحانیون تشکیل می‌شدند، ابتدا در مرکز مطالعات استراتژیک که ریاست آن را موسوی خوئینی‌ها برعهده داشت و یا روزنامه سلام که مدیر مسئولش باز هم ایشان بود دور هم جمع شدند و سپس در ستاد انتخاباتی سیدمحمد خاتمی مجتمع شدند. در ظاهر امر اجتماع این نیروها در زمان انتخابات یک حرکت مقطعی و خودجوش می‌نمود، اما به تدریج به یک شکل منسجم و کارآمد تبدیل شد و برخی از اعضای برجسته آن وارد کابینه خاتمی شدند و پس از آن این حرکت در دیماه ۱۳۷۷ منجر به تشکیل حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی گردید. این حزب به سرعت دارای تشکیلات منسجم و قابل توجه در تهران و شهرستانها شد و در تاریخ ۷۷/۱۲/۱ از وزارت کشور مجوز فعالیت رسمی را دریافت کرد. این حزب در انتخابات مجلس ششم با شعار ایران برای همه ایرانیان، معنویت، عدالت، آزادی توانست آراء زیادی از مردم را کسب نموده و بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ کرسی نمایندگی مجلس را به دست آورد. نکته جالب آن که در عین حالی که این حزب تازه تأسیس بود توانست اکثریت کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهد.

گرایش سیاسی:

می‌توان جبهه مشارکت ایران اسلامی را یک گروه به اصطلاح چپ مدرن نامید. پس از

انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری و پیروزی قاطع سیدمحمد خاتمی کاندید ائتلاف جبهه دوم خرداد که اکثراً از نیروهای جناح چپ تشکیل شده بود قسمتی از این ائتلاف که عبارت از نیروهای چپ مدرن بودند، شعارهای محوری رئیس جمهور منتخب را به عنوان مبنای برنامه‌های خود دنبال کردند شعارهایی نظیر ایجاد جامعه مدنی، قانونگرایی، تنش‌زدائی، توسعه سیاسی و فرهنگی که با استقبال عمومی مردم مواجه شد. با توجه به اینکه این شعارها تا آن زمان توسط نیروهای چپ سنت‌گرا چون مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و غیره مطرح نشده بود و در عین نو بودن برای مردم بسیار جذاب هم بود، جبهه مشارکت به عنوان نماینده نیروهای چپ مدرن امکان بروز یافت. دیدگاههای حزب جبهه مشارکت از نظر تئوریهای سیاسی تا حدودی همانند دیدگاههای احزاب سوسیال دموکراسی در غرب است. که البته چون دیگر گروههای فعال سیاسی کشور این حزب نیز دارای گرایش‌های قوی اسلامی و ایدئولوژی برگرفته از اسلام می‌باشد.

در مرامنامه این حزب به عدالت گستری و قسط و تبعیض‌زدائی و ایجاد فرصت‌های مساوی و ایجاد امکانات برابر برای همه افراد جامعه به عنوان مواضع اقتصادی و احترام به آزادی‌های قانونی افراد و مشارکت مردم در حق تعیین سرنوشت خود به عنوان مواضع سیاسی، اجتماعی اشاره شده که خود تا حدودی مبین دیدگاههای جامعه گرایانه (سوسیالیسم) و مردم سالاری (دمکراتیک) می‌باشد.

تشکیلات و نشریات وابسته:

این حزب با آنکه مدت کوتاهی از تاریخ تشکیل آن می‌گذرد توانسته است اساسنامه، مرامنامه و آئین‌نامه‌های اجرایی خود را تنظیم و به تصویب شورای مرکزی خود برساند و درصدد عضوگیری و سازماندهی نیروهای هوادار خود می‌باشد. اکنون در کل کشور تشکلهای منظمی از هواداران این حزب به وجود آمده‌اند و این حزب به سرعت توانسته در بسیاری از شهرهای بزرگ و مراکز استانها تشکیلات سازمان یافته ایجاد نماید. به طوری که

می‌توان این حزب را یک حزب فراگیر در سطح کشور دانست. تا قبل از تعطیلی برخی از روزنامه‌ها در اردیبهشت ۱۳۷۹ روزنامه مشارکت ارگان رسمی این حزب بشمار می‌رفت. همچنین روزنامه‌های دیگری چون صبح امروز، آفتاب امروز، بهار، جامعه، توس و غیره تا حدود زیادی دیدگاههای این حزب را منتشر می‌کردند که همگی توقیف شدند.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

هرچند تشکیل دهندگان این حزب بیشتر از طبقه تحصیل کرده و روشنفکر جامعه برخاسته‌اند اما رشد روزافزون کمی و کیفی حزب و افزایش محبوبیت آن بین مردم که در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی به اوج خود رسید و بیش از ۱۴۰ نماینده از این حزب به مجلس راه یافتند نشان داد که طبقات متفاوت اجتماعی زمینه زیادی برای پذیرش اهداف و خط مشی این حزب را دارند. اما به طور کلی طبقاتی که مورد توجه ویژه این حزب هستند عبارتند از دانشجویان، قشر روشنفکر فرهنگی و سیاسی، محصلان، مدیران میانی سازمانها، کارمندان و قشرهای متوسط و ضعیف جامعه.

خاستگاه اصلی این حزب را می‌توان سازمان مطالعات استراتژیک و روزنامه سلام که هر دوی آنها تحت سرپرستی سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها اداره می‌شد دانست، البته برخی روزنامه‌نگاران، اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت، برخی از چهره‌های کهنه کار جناح چپ و برخی از اساتید دانشگاه نیز در تشکیل این حزب نقش مهمی ایفا نموده‌اند.

مواضع سیاسی:

مهمترین شعار این حزب از بدو تشکیل تاکنون توسعه سیاسی و مشارکت دادن هرچه بیشتر مردم در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه بوده است. علی شکوری راد از اعضای شورای مرکزی این حزب می‌گوید:

"اساساً تشکیل جبهه مشارکت به این منظور بود که بتواند مشارکت مردم را در اداره امور کشور نهادینه کند و این را یک گام مثبت به سمت جامعه مدنی که رئیس جمهوری

(خاتمی) وعده داده بودن میدانیم و به سهم خودمان تلاش کردیم این وظیفه را انجام دهیم. اگرچه ما با مشکل فرهنگی به لحاظ فعالیت احزاب در جامعه خودمان مواجه هستیم. اما براساس قانون اساسی که وجود و فعالیت احزاب را به رسمیت شناخته و همچنین ضرورتهای جامعه خودمان جبهه مشارکت را تأسیس کردیم و طبیعی است که یکی از کارکردهای تشکلها و احزاب پایدار کردن مشارکت مردم و پیگری برنامه هاست."

پس از حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶ که به پیروزی نامزد اصلاح طلبان انجامید جریاناتی در داخل کشور به وقوع پیوست که تا حدودی می‌توان آنرا معلول رویکرد جدید قشر عظیمی از جامعه وتوقعات و انتظارات بخش دیگری از جامعه که در مقابل این رویکرد جدید مقاومت نشان می‌دادند، دانست. عباس عبدی[1] عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت و از نویسندگان قدیمی روزنامه (لغو امتیاز شده) سلام دو پدیده جدید جامعه بعد از دوم خرداد راچنین ارزیابی می‌کند:

"اگر به عنوان ناظر بی‌طرف به اوضاع سیاسی ایران نگاه کنیم دچار تعجب می‌شویم. این تعجب ناشی از وجود پدیده‌های نسبتاً متضاد سیاسی درکنار یکدیگر است. از یکسو می‌توان شاهد وقایعی دمکراتیک و مبنی برخواست و اراده ملت بود، از سوی دیگر پدیده هایی به غایت سلطه جویانه و استبدادی نیز در جامعه قابل مشاهده است. این دوگانگی چنان مشهود است که انعکاس وضعیت ایران در جهان نیز در هر دو وجه دیده می‌شود. از یک سو ایران مظهر نوعی حکومت دموکراسی و مبتنی بر اراده مردم شناخته شده و نماد این اراده در شخص آقای خاتمی متبلور است. در حقیقت احترامی که برای فرهنگ این سرزمین می‌گذارند. در مقابل کسانی که هر روز تهدید به خشونت و کشتن و کارهای غیراسلامی وغیرقانونی دیگرنیز می‌کنند."

عباس عبدی چالش‌های آینده پروژه توسعه سیاسی یعنی اساسی‌ترین برنامه رئیس جمهور خاتمی را چنین بیان می‌کند:

"به شخصه با برخی از دوستان از هر دو جناح مواجه شده‌ام که این پرسشی را مطرح

---

۱. صبح امروز ۷۸/۸/۴.

کرده‌اند که آخر وعاقبت پروژه توسعه سیاسی و جامعه مدنی چه خواهد بود. آیا تضمینی برای بقای دین و ایمان و اسلام در پایان این پروژه وجود دارد؟ به نظر من این پرسش بسیار کلیدی برای کلیه نیروهای مذهبی و علاقمند به اسلام است. باز کردن جبهه‌ای از گفتگو که بتوان به این پرسش پاسخ داد ضرورت مبرم ماست. من پاسخ خودم را به پرسش می‌دهم. از نظر من هیچ تضمینی به غیر از عملکرد ماوجود ندارد. لذا برحسب نوع عملکرد ما این احتمال جدی وجود دارد که بتوان فرهنگ دینی واسلامی مردم را در این مسیر به گونه‌ای حفظ و ترویج کرد که جامعه ما دراخلاق و رفتار کماکان مذهبی واسلامی تلقی و قلمداد شود. امید آن داریم که اگر با دقت ودرایت رفتار و عمل کنیم مذهب، روحانیت و مؤمنان مورد احترام اکثریت قاطع (مردم) باشند."

عبدی ملاک اصلی برای اداره حکومت را اراده و رأی اکثریت می‌داند ولو اشتباه باشد همچنین آراء اکثریت را عاملی برای ثبات حکومت می‌داند ایشان می‌گوید:

"مسأله اساسی این است که حتی اگر به افکار واندیشه‌های خود از اسلام، ایمان و یقین داشته باشیم چنانکه به وجود خورشید ایمان داریم، ولی این امر موجب و مجوز سلطه اقلیت بر اکثریت نیست. ولو آنکه اکثریت به راه خطا برود. نه تنها چنین مجوزی وجود ندارد. بلکه این راه نتیجه‌بخش هم نیست."

محسن میردامادی [1] عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت اولویت‌های اصلی این حزب در مجلس ششم که ۱۴۰ نماینده آن عضو فراکسیون جبهه مشارکت هستند چنین بیان می‌کند:

"توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی هر دو باید در فرآیند توسعه لحاظ شود ولی آنچه که به طور جدی و کوتاه مدت موردنیاز است و فکر می‌کنم انتظارات رأی‌دهندگان را تأمین می‌کند بحث توسعه سیاسی ومحدودیتهایی است که در این زمینه داشته‌ایم. با همه اینها و درکنار همه کارهای دیگر، مجلس ششم باید درصدد تحقق «توسعه متوازن» باشد."

سیدمحمد رضا خاتمی (برادر رئیس جمهور) و دبیرکل جبهه مشارکت با ورود به

---

۱. بهار، ۷۹/۳/۱۷.

عرصه انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی درخششی خیره کننده داشت، البته نمی‌توان تمام آرای ایشان را به نسبت ایشان با رئیس جمهور مربوط دانست، با عنایت به این که اکثر کاندیداهای جبهه مشارکت توانستند اعتماد مردم را جلب و آرای نسبتاً زیادی را به خود اختصاص دهند. محمدرضا خاتمی همانطور که چهره جدیدی در صحنه سیاسی کشور بشمار می‌رود دارای ایده‌های نو نیز می‌باشد. ایشان تنها آرای مردم را تعیین‌کننده در ساختار قدرت می‌دانند و معتقدند هر دو جناح راست و چپ باید کوشش خود را مصروف اعتمادسازی در مردم نمایند. ایشان جناح راست را به دو دسته «راست افراطی و بی‌منطق» و جناح «راست سیاسی یا عقلایی» تقسیم‌بندی می‌کند و اهداف آنها را چنین بیان می‌کند[1]:

"علی رغم اینکه جبهه دوم خرداد قوه مقننه ومجریه را در اختیار دارد، باز هم اگر بخواهیم از لحاظ کیفی قدرت را در جامعه وزن کنیم، کفه جبهه دوم خرداد هنوز خیلی سبک‌تر از جناح مقابلش است، زیرا همه پایگاههای اصلی قدرت هنوز در اختیار جناح راست است. اما به هرحال ممکن است به خاطر بعضی تندروی هایی که وجود دارد دوستان ما در جناح راست نگران شوند که مثلاً دارند پایگاههای خودشان را از دست می‌دهند و جبهه دوم خرداد قصد دارد که یک به یک همه پایگاهها را تصرف کند. یعنی این جور تصور کنند که این یک میدان جنگ است. البته من با توجه به شناختی که از دوستان خودمان دارم به هیچ وجه این معنا را درست نمی‌دانم. ما معتقدیم برای این که بتوانیم افکار و ایده‌های خودمان را پیاده کنیم باید پایگاههای قدرت را در اختیار داشته باشیم اما شکل به دست آوردن پایگاه‌های قدرت استفاده از هر وسیلهٔ و امکانی نیست، تنها امکانی را که ما قبول داریم که براساس آن پایگاه قدرت در اختیار یکی از جناح‌ها و احزاب قرار بگیرد، رأی مردم است. بنابراین ما باید به همه جناح‌های مختلف و گروههای سیاسی کشور اطمینان بدهیم که اگر شما کاری کردید که در یک فضای آزاد انتخاباتی رأی مردم به شما تعلق گرفت، مطمئن باشید هیچ معارضه‌ای با هدف ممانعت از انتقال قدرت به شما صورت نخواهد گرفت. مگر با اتکای مجدد به آرای مردم. نکته‌ای را اینجا بگویم و آن اینکه همان اقلیتی که

---

۱. بهار، ۷۹/۲/۲۴.

ما آن را «راست افراطی وبی‌منطق» می‌گوییم سعی می‌کند در درون جناح راست یک وضعیت روانی ایجاد کند که مانع از تصمیم‌گیری درست جناح «راست‌سیاسی» شود تا بتواند قدرت تفکر را از آنها بگیرد. در حقیقت طیف راست افراطی غیرمنطقی می‌کوشد جبهه دوم خرداد را درنظر دوستان جناح راست یک شیطان جلوه بدهد. من فکر می‌کنم این مایه اصلی نگرانی‌دوستان ما در جناح راست سیاسی است که با این تصور سعی می‌کنند روابط خودشان را با ما همیشه یک روابط جنگی قرار بدهند و اگر جناح «راست عقلایی» موفق بشود که این گروه اقلیت توطئه‌گر را دقیقاً شناسایی کند و آن را کنار بگذارد و با آن مرزبندی کند بسیاری از نگرانی‌ها و مشکلات آنها از بین خواهد رفت.″

در ادامه ایشان جناح راست را دچار یک توهم توطئه می‌داند:

″ما می‌بینم که جناح راست دچار یک توهم شده است و همواره فکر می‌کند توطئه‌ای وجود دارد که می‌خواهد آنها را نابود کند و آنها را برای حفظ پایگاههای خود به وجود یک دشمن چه واقعی وچه فرضی نیازمندند. این توهم در همه امور جناح راست وجود دارد و یکی از موارد آسیب‌شناسی سیاسی است که باید به آن توجه کرد. البته نه اینکه بخواهیم بگوییم هیچ توطئه‌ای علیه نظام و یا کشور وجود ندارد، اما اینکه همه مسائل کشور حول محور توطئه تحلیل شود سبب می‌شود که این وضعیت جنگی همواره درجناح راست وجود داشته باشد.″

در جای دیگر ایشان لزوم شفافیت در موضع‌گیری‌های جناح‌های مختلف درون نظام را باعث رفع نگرانی و سوءظن‌های احتمالی می‌داند:

″ممکن است متدینین و افرادی که به هرحال دلبستگی شدید به نظام و انقلاب دارند. از بعضی از موضع‌گیری‌هایی که در بعضی از سطوح جناح اصلاح‌طلب می‌شود احساس نگرانی کنند ویا مثلاً از حرفهایی که برخی افراد که هیچ ارتباطی به جبهه دوم خرداد ندارند، می‌زنند احساس نگرانی کنند، خوب، این نگرانی‌ها قابل درک است وهمه ما باید تلاش کنیم تا این نگرانی‌ها را برطرف کنیم. یکی از مهمترین راهها این است که ما به طور دقیق مواضع اصلاح طلبانه خودمان را مشخص کنیم تا دقیقاً همه بدانند که ما چه می‌گوئیم و

دیگران چه می‌گویند این یک مسئله است."

حسین واله عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت[۱] شعار اساسی جبهه دوم خرداد از جمله جبهه مشارکت که به نوعی یکی از مهمترین گروههای دوم خردادی بشمار می‌رود را چنین بیان می‌کند:

"شعار کلیدی اول انقلاب که همان «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» است در برگیرنده تمام خواسته‌های اصلاح‌طلبان دوم خردادی است و تنها شتاب انتظارات (مردم) افزایش یافته است."

ایشان اصلی‌ترین دلیل موفقیت جبهه دوم خرداد از جمله جبهه مشارکت در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری و ششمین دوره مجلس را انعکاس خواسته‌های مردم توسط نیروهای جبهه دوم خرداد می‌داند:

"مردم در یک کلمه می‌خواهند اداره همه امور به روالی که موردنظر آنهاست، باز گردد. جبهه دوم خرداد اگر رأی آورد به این دلیلی است که شعارهایش بازتاب مهمترین نیازهای اجتماعی بود. در واقع حرف دل اکثریت مردم در شعارهای این جبهه تبلور یافت."

ایشان همچنین تحولات اجتماعی کشور بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ را اینگونه ارزیابی کرده‌اند:

"به طور خلاصه «تأخر فاز سیاسی از فاز اجتماعی» بدین معنا است که همیشه در جامعه مدرن دو عرصه را می‌توان مشخص کرد، مانند عرصه سیاسی و عرصه اجتماعی. علی الاصول و منطقاً عرصه سیاسی باید منتج از عرصه اجتماعی باشد. اما فاصله این دو به لحاظ زمانی نباید خیلی زیاد باشد. هر وقت این فاصله زیاد باشد اینرسی (تمایل یا توقع) عرصه اجتماعی افزایش پیدا می‌کند و این موجب افزایش برخورد در جامعه می‌شود. دوی خرداد در دوی خرداد ۷۶ «تاریخی» نبود بلکه دو خرداد خیلی قبل از دوم خرداد ۷۶ در صحنه سیاسی بروز پیدا کرد. جریان اجتماعی در آن زمان خیلی گسترده‌تر و دامنه‌های آن خیلی وسیع‌تر بود. گوشهٔ دیگری از آن در ۲۹ بهمن ۷۸ دیده شده این فاصله یعنی تأخر فاز سیاسی

---

۱. صبح امروز، ۷۸/۱۲/۹.

از فاز اجتماعی، یعنی دو سال ساختار سیاسی ما خودش را دیرتر با عرصه اجتماعی تطبیق داد. در این دو سال چالش‌ها و برخورد و تلاش گروههای متخاصم در عرصه‌های گوناگون اجتماعی را شاهد بودیم. اگر بخواهیم ترجمه کنیم بستن روزنامه‌ها، زدن وزیر و معاون رئیس جمهوری، حمله کردن به خوابگاه دانشجویان، قتل‌های زنجیره‌ای، حمله به جهانگردان خارجی و انواع و اقسام اتفاقات سیاسی وغیرسیاسی را باید مورد اشاره قرار دهیم."

در جایی دیگر ایشان تحولات سیاسی را پس از انتخابات مجلس ششم و پیروزی قاطع جبهه دوم خرداد چنین بررسی می‌کنند:

"به نظر من منحنی تحولات سیاسی در بعضی مقاطع شیب تندی پیدا می‌کند ولی از آن مقطع که بگذریم شیب ملایم، یا حتی گاهی اوقات معکوس می‌شود. در حال حاضر با توجه به پوست اندازی قوه مقننه به طور طبیعی شتاب اصلاحات بیشتر خواهد شد و اصولاً هر مقطعی که در آن ساختار سیاسی به دلیل تماس با سطح اجتماعی دستخوش دگرگونی شود آن مقطع شاهد شیب تحولات فزآینده خواهد بود."

ایشان اصول اساسی یا مبنای حاکم بر روند اصلاحات را دو عنصر مهم می‌دانند:

"من معتقدم دو عنصر باید لحاظ شود. اول پایبندی مطلق به قانون اساسی یعنی روند اصلاحات در کشور به شرطی می‌تواند تداوم یافته و موفق شود که صددرصد در چارچوب قانون اساسی باشد و به این امر اصرار بورزد. دوم این که روند اصلاحات باید متناسب با ظرفیت اجتماعی باشد. مجموعه برنامه اصلاحات باید یک نقطه وفاق داشته باشد که تمام خرده فرهنگها آن نقطه وفاق را برتابند. نباید شتاب و جهت آن را به حدی تعیین کنیم که بعضی از آن خرده فرهنگ‌ها احساس کنند که در معرض انهدام ونابودی هستند."

پس از ۲۹ بهمن ۷۸ و پیروزی قاطع کاندیداهای جبهه دوم خرداد آقای عباس عبدی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت مهمترین مسئله جامعه را چنین بیان کرده‌اند[1]:

"مهمترین مسئله جامعه ما در حال حاضر، شکاف مردمسالاری و آمریت یا به عبارتی

---

۱. بهار، ۷۹/۲/۲۷و

دموکراسی است. یعنی کسانی که نسبت به قدرت موضع، حرف و برخورد دارند."

ایشان طرز برخورد حکومت بانیروهای مخالف قانونی(اپوزیسیون) و چگونگی فعالیتهای آنان در عرصه سیاسی را با دیدگاه خاصی مورد ارزیابی قرار می‌دهند و معتقدند تقسیم بندی افراد جامعه به اپوزیسیون (مخالف و غیرخودی) و پوزیسیون (موافق و خودی) با شعار توسعه سیاسی مغایرت دارد:

"اصلاً ما در یک نظام درست و حسابی چیزی به نام اپوزیسیون نداریم. نظام باید مسئله اپوزیسیون را بلاموضوع کند. یعنی اینکه هر کسی که می‌خواهد اکثریت را به دست آورد بتواند از طریق قانونی به این هدف برسد. بنابراین دیگر، اپوزیسیون معنی نمی‌دهد. باید وضعیتی به وجود بیاید که اگر اکثریت چیز دیگری خواست آن چیز به وجود آید. تغییر و تحول معنی می‌دهد. آنهایی که از ابتدا خودشان را اپوزیسیون دانسته‌اند اصلاً به کشور خدمت نکرده‌اند. اپوزیسیون و پوزیسیون معنی ندارد. یک مملکت و یک قانون اساسی و در این چارچوب کار می‌کنیم و تحول می‌دهیم. همچنان که این مملکت تغییر هم کرده وخواهد کرد. اصلاً من نمی‌توانم بفهمم اپوزیسیون یعنی چه؟ هر گروهی باید برود در همین چارچوب قانون اساسی کار کند همانطور که بنده کار می‌کنم و همانطور که فردی که خیلی به اصل ولایت مطلقه فقیه معتقد است کار می‌کند. فرقی نمی‌کند، همه باید فعالیتشان را انجام دهند. تقسیم شهروند به اپوزیسیون و پوزیسیون معنا ندارد. این تقسیم‌بندی‌ها مخل روند توسعه سیاسی است. البته اگر کسی خلاف قانون عمل کرد با او برخورد می‌کنند و او مجرم است ونه اپوزیسیون و کسی هم که خلاف قانون عمل نمی‌کند شهروند این مملکت به حساب می‌آید و فعالیت می‌کند."

در آستانه انتخابات مجلس ششم[1] این حزب اهداف و طرحهای آینده خود در بخش سیاسی را به صورت زیر بیان می‌کند:

۱) طرح «قانون وحدت نظام تضمینی کشور» و حذف مراکز قانونگذار موازی با مجلس شورای اسلامی.

---

۱. بولتن تبلیغاتی جبهه مشارکت در آستانه انتخابات مجلس ششم.

۲) «اصلاح قانون انتخابات» در جهت تضمین حق انتخاب مردم.

۳) طرح «قانون تعریف جرم سیاسی» و «قانون نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و نحوه تعیین هیئت منصفه دادگاههای رسیدگی به جرایم سیاسی».

۴) «اصلاح قانون احزاب» در جهت تقویت روحیه مشارکت جمعی ملت و ایجاد زمینه لازم برای تأثیرگذاری احزاب در روند اداره امور کشور.

۵) «اصلاح آئین نامه اداره مجلس شورای اسلامی» با هدف تقویت نظارت نمایندگان و مجلس برروند اداره امور.

اهداف و برنامه‌های جبهه دوم خرداد[1]:

محمدرضا خاتمی دبیر کل جبهه مشارکت در مورد برنامه‌های جبهه دوم خرداد چنین می‌گوید:

"راه امام خمینی(ره) همان برنامه‌های دوم خرداد است که موردتأئید قاطبه ملت قرار گرفته. ما دوم خرداد را تداوم خط اصیل انقلاب و راه امام وبازگشت به شیوه‌های اصولی برای تحقق حاکمیت مردم در چارچوب قانون اساسی می‌دانیم."

"نمایندگانی که خط امامی هستند، باید دوم خردادی باشند چون دوم خردادی‌ها، راه امام و مشی او را پیروی می‌کنند."

انتقاد از حاکم:

عباس عبدی در مورد انتقاد از حاکمان درنظامهای مختلف چنین می‌گوید[2]:

"حق حاکم است که از او انتقاد کنند. اگر از او انتقاد نشود حقی از او ضایع شده است. در کشور ما برعکس شده است. هر کسی از کسی انتقاد کند دشمن او می‌دانند. به این دلیل است که ایشان (حاکم) نمی‌تواند قدرت پیش‌بینی و درک واقعیتها را داشته باشد. چون در یک محیط طبیعی سیاست رشد نداشته."

مشارکت مردم:

عبدی در ادامه مشارکت مردم در امور را از اساسی‌ترین نیازهای جامعه برمی‌شمارد:

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۱۴.   ۲. صبح امروز، ۷۹/۱/۳۱.

"می‌دانید ما چرا اسم خودمان را گذاشتیم جبهه مشارکت؟ برای اینکه از نظر ما کلیدی‌ترین مشکل این کشور مشارکت است. یعنی اینکه اصولاً ما انسانها از طریق مشارکت انسان می‌شویم و درک پیدا می‌کنیم."

ایشان در جایی دیگر در مورد راههای بهبود روابط خارجی از جمله رابطه با آمریکا می‌گوید:

"مناسبت‌ترین حالت، شفاف شدن سیاست (خارجی) است که به نظر من با تقویت دموکراسی ممکن است و با آمریکا هم باید براساس موضع عزت رابطه برقرار کرد. ما به هیچ وجه راضی نیستیم که دیگر از آمریکا گل بخوریم. یک به یک مساوی و تمام شده است. این که آمریکا دنبال این باشد که گل دیگری بزند، مطمئن باشید هیچ کسی در ایران نمی‌پذیرد."

مردمسالاری، بهبود و توسعه:

محسن صفایی فراهانی[1] از اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت که سابقه فعالیت در سمت ریاست فدراسیون فوتبال و نمایندگی مجلس را دارد در مورد مردمسالاری و تأثیر آن روی بهبود وضعیت کشور می‌گوید:

"طبیعی است که اگر ما کاری کنیم که مردم احساس مالکانه به کل کشور داشته باشند یعنی مملکت را مال خودشان بدانند آن زمان شما می‌توانید بگویید که یک نظام مردم‌سالار به وجود آورده‌ایم. به همین دلیل در اکثر جوامع مردم‌سالار تغییر حکومت، بسرعت و سادگی صورت می‌گیرد و آثارش هم عمدتاً در جهت بهبود است، یعنی کمتر جایی را در کشورهای مردم‌سالار می‌بینیم که تغییرات، به ضرر مردم تمام شود. لذا نظام را با ثبات می‌بینید."

ایشان در مورد دخالت مردم در تصمیم‌گیریها ونتایج آن چنین می‌گوید:

"اگر درهر تشکیلاتی بیاییم به جای اینکه تصمیم را از بالا بسازیم و به پائین برگردانیم، قبول کنیم که قاعده هرم (مردم) در برنامه ریزی حرفش را بزند و اطلاعاتش را به بالای هرم

---

۱. ایران، ۷۸/۱۲/۲۳.

بدهد و بالای هرم بررسی هایش را بکند و نظرات خودش را اعمال کند و به قاعده هرم (مردم) برگرداند. اگر این رفت و برگشت انجام شد، شما مطمئن باشید که قاعده هرم چون در تصمیم‌سازی خودش مشارکت داشته در اجرایش هم افراد را فعال می‌کند و حضور پیدا می‌کند.»

مواضع اقتصادی:

در آستانه انتخابات مجلس ششم[۱] این حزب رئوس برنامه‌های اقتصادی خود مشتمل بر یک مقدمه و چند مورد اصلی را منتشر کرد. در این برنامه چنین آمده است:

«اقتصاد بیمار ایران نیاز به درمان دارد. ریشه‌های بیماری اقتصاد ایران فراوانند: عدم ثبات سیاسی، فقدان امنیت اقتصادی و قضایی، اقتصاد نفتی، اقتصاد زیرزمینی، فرار سرمایه‌ها و مغزها، تعدد مراکز تصمیم‌گیری و... نمایانترین ریشه هاست وطبعاً گامهای اولیه در درمان بیماری باید به اصلاح ریشه‌ها معطوف شود. تجربه جهانی و نیز تجربه دهه‌های اخیر کشورمان اثبات کننده این موضوع است که اصلاحات اقتصادی نیازمند اصلاحات حقوقی و سیاسی است وگرنه تزریق منابع مالی و انتخاب سیاستها و راهبردهای مختلف اقتصادی تنها می‌تواند به تداوم بیماری اقتصادی یاری رساند و عایدی چندانی برای مردم وپیشبرد توسعه اقتصادی نخواهد داشت. مجلس ششم در صورت داشتن اکثریتی معتقد به پیام دوم خرداد، عهده دار رسالتی تاریخی است تا با تدوین وتصویب قوانین لازم، چارچوب حقوقی و سیاسی لازم را برای توسعه اقتصادی کشور فراهم آورد و در پی تحقق بستری باشدکه درون آن «بخش دولتی کارآمد» و «بخش خصوصی توانمند» مکمل فعالیتهای اقتصادی یکدیگر بوده و کشور را به سوی آبادانی بیشتر و رفاه همگانی پیش برد. از این رو تدوین و تصویب قوانینی با محورهای زیر را از اهم وظایف مجلس ششم در ساماندهی به امور اقتصادی می‌دانیم:

● بازنگری در نظام بودجه ریزی و برنامه ریزی به منظور تقویت تشکلهای تخصصی و

---

۱. بولتن تبلیغاتی جبهه دوم مشارکت در آستانه انتخابات مجلس ششم.

سایر نهادهای مدنی.

● ایجاد زمینه برای رشد سرمایه گذاری و اشتغال.

۱) تأمین امنیت سرمایه و تضمین حقوق مالکیت حقوقی و سود حاصل از فعالیتهای قانونی اقتصادی.

۲) اصلاح و وضع قوانین باهدف تضمین مالکیت خصوصی و سود حاصل از فعالیتهای قانونی اقتصادی.

۳) اصلاح ووضع قانون با هدف رسیدگی به دعاوی و دادرسی مربوط به حقوق مالکیت در فعالیتهای اقتصادی در محاکم تخصصی و بهره گیری از کارشناسان و متخصصین در این امر.

● اصلاح قانون تجارت.

۱) اصلاح قانون تجارت به منظور صیانت از حقوق سرمایه گذار.

۲) اصلاح قانون تجارت به منظور اصلاح ساختار شرکتی و ادغام‌ها و توسعه جغرافیایی.

۳) اصلاح قانون تجارت به منظور استفاده از مدیریت حرفه‌ای به جای (مدیر مالکی)

● رفع موانع سرمایه گذاری.

۱) اصلاح قانون جلب سرمایه‌های خارجی به منظور سهولت امر و شفاف نمودن حقوق سرمایه گذار.

۲) وضع قوانین جدید برای تعیین مرجع رسیدگی و احقاق حقوق سرمایه گذاری خارجی.

● اصلاح قانون مالیاتها

۱) اصلاح قانون مالیاتها در جهت حمایت از واحدهای تولیدی.

۲) اصلاح نظام مالیاتی در جهت دریافت عادلانه مالیات.

● توسعه و تعمیق و افزایش کارایی ابزار سرمایه (بانک، بیمه، بورس)

۱) اصلاح و وضع قوانین لازم جهت کارآمد کردن سیاستهای پولی و مالی کشور با تأکید

بر تفکیک بین وظائف آنها وهماهنگ و موزون نمودن آنها در فرآیندهای توسعه کشور.

● ایجاد زمینه به سوی اقتصاد رقابتی و یکسان سازی شرایط کار و تولید برای بخش خصوصی و دولتی.

۱) رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی و تنظیم انحصارات بر مبنای قانون اساسی.

۲) وضع قوانین لازم برای شفاف نمودن تصمیم‌گیری‌های عمومی و عملکرد اقتصادی شرکتها وسازمانهای دولتی.

۳) اصلاح کلیه قوانین موجد انحصار در تولید و توزیع کالا و خدمات و سرمایه گذاری براساس زمانبندی معین.

۴) بازنگری قوانین مربوط به نظام صنعتی در جهت رفع انحصارات با هدف ایجاد فرصتهای شغلی جدید.

ـ انجام اصلاحات قانونی لازم در جهت تحقق شایسته سالاری در اداره بنگاههای اقتصادی دولتی وعمومی.

ـ اصلاح و وضع قوانین به منظور سوق دادن دولت به سوی تولید کالاهای عمومی (امنیت، دفاع، حاکمیت و سرمایه گذاری در زیرساختار اقتصادی و اجتماعی و...) و رهایی دولت از تصدیهای اقتصادی غیرضروری (دولت کارآمد)

ـ بازنگری لازم در قوانین به منظور مقررات زدایی، آزاد سازی فعالیتها و... برای کارآمد کردن تصدیهایی که الزاماً باید در اختیار دولت باشد.

ـ حذف فعالیتهای اقتصادی از بخش‌ها و دستگاههای سیاسی، نظامی، امنیتی.

ـ وضع قوانین لازم برای از بین بردن رانتهای اقتصادی و جهت دادن ظرفیتهای مادی و انسانی کشور به سوی تولید.

● پیگیری برای حضور فعال اقتصادی در عرصه جهانی.

۱) اصلاح و وضع قوانین برای توسعه صادرات غیرنفتی.

۲) وضع قوانین برای توسعه صادرات و محدود نمودن آئین نامه‌ها برای ثبات در سیاست‌گزاری.

۳) وضع قانون برای تنظیم رابطه بازار داخلی و صادرات به منظور تحکیم حضور در بازارهای جهانی.

-وضع قوانین حمایتی از تحقیقات و فن‌آوری و حقوق مرتبط با آنها.

-تمرکز زدایی و امکان فعالیتهای اقتصادی در مناطق مختلف کشور.

● استمرار نظام جامع تأمین اجتماعی و هدفمند کردن یارانه‌ها.

۱) وضع قوانین برای توسعه نظام تأمین اجتماعی برپایه راهبردهای بیمه‌ای، حمایتی و امدادی.

۲) وضع قوانین برای کارآمد کردن نظام توزیع‌یارانه‌های کشور به منظور ایجاد عزت نفس و تأمین امنیت فردی، خانوادگی و اجتماعی آحاد مردم و خود راهبر کردن آنان برای حرکت درجهت توسعه کشور و تحقق بخشیدن به مقوله عدالت اجتماعی.

-اصلاح و وضع قوانین درجهت توجه جدی به مسائل زیست محیطی و تحقق رشد و توسعه پایدار اقتصادی.

آنچه می‌توان گفت این است که دیدگاههای اقتصادی این حزب به دو گرایش تا حدودی متناقض قابل تقسیم‌بندی است: ۱) گرایش به بازار آزاد اقتصادی ۲) گرایش به دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی. شاید بتوان گفت که تلفیقی از این دو دیدگاه در جمع‌بندی‌های این گروه در عرصه اقتصادی وجود دارد. گرایش به تأمین اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی توسط دولت نشانگر گرایشها دوم و آزادسازی اقتصاد و تشویق و ترغیب سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری و تجارت آزاد با کشورمان از دیدگاه اول ناشی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت جبهه مشارکت به یک اقتصاد نیمه دولتی معتقد است.

مواضع فرهنگی:

دیدگاههای فرهنگی جبهه مشارکت بنابر اعلام رسمی این حزب به شرح زیر است[1]:

«جبهه مشارکت ایران اسلامی بر این باور است که نقش و جایگاه فرهنگ در فرآیند

۱. بولتن تبلیغاتی جبهه مشارکت در آستانه انتخابات مجلس ششم.

توسعه همه جانبه جامعه حائز اهمیت و اولویت ویژه‌ای است که می‌بایست در نظام قانونگذاری کشور موردتوجه قرار گیرد.

مشخص نبودن مفهوم فرهنگ و اصول و خط مشی فرهنگی، روش نبودن سهم و نقش دستگاههای تأثیرگذار در عرصه فرهنگ وهنر، تلقی‌های متناقض از وظیفه دولت در بخش فرهنگی، چند پارگی و گسستگی سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی، درک نادرست از سرشت و ویژگیهای کار فرهنگ و هنر، سلیقه‌ای بودن مدیریت و سیاستگزاری حوزه فرهنگ و عدم اتکای آن به دریافت‌های علمی و پژوهشی، بی توجهی به نیازهای جوانان و نوجوانان در تولیدات فکری و فرهنگی، استحصال بی رویه از ذخایر و منابع فرهنگی، اسلامی و انقلابی و کم توجهی به بازآفرینی و ارائه روزآمد میراث‌های دینی، ملی و انقلابی از جمله مسائل و چالش‌های روبه‌رو در شرایط کنونی جامعه ماست. بر این اساس باید بازنگری، اصلاح، تکمیل و تدوین قوانین متناسب با نیازها و ضرورتهای ملی و جهانی مدنظر باشد.

در زمینه امور فرهنگی ضروری است، حمایت از تولیدکنندگان فرهنگ و فرهنگ‌سازان به ویژه نخبگان و کارآفرینان فرهنگی وزمینه سازی برای توسعه کمی و کیفی محصولات فرهنگی با هدف مصون‌سازی فرهنگی که بهترین راه مقابله با نفوذ فرهنگهای بیگانه است، سرلوحه اقدامات تقنینی قرار گیرد.

به عنوان نمونه باید به مطبوعات به عنوان چشمان ناظر ملت برعملکرد ارکان نظام و دریچه ارتباط مردم با مسئولان اشاره کرد که نقش بسیار مهمی در استقرار جامعه مدنی ایفا می‌نمایند. اصلاح قانون فعلی مطبوعات در زمینهٔ تأمین حقوق مطبوعات و روزنامه نگاران، همچنین تعریف جرائم مطبوعاتی و نحوه انتخاب و حضور اعضای هیأت منصفه در روند رسیدگی به جرائم و تخلفات مطبوعاتی و نیز نقش و حدود اختیارات هیأت نظارت بر مطبوعات مهم است.

نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد وجود نظام پرابهام ممیزی در مورد تولید آثار فرهنگی، هنری و کتاب است که موجب تضعیف اعتبار دستگاههای مدیریت فرهنگی

کشور شده است. وجود قانون نشر کتاب و محصولات فرهنگی و هنری می‌تواند به شفاف شدن مسئولیت حقوقی تولیدکنندگان اینگونه آثار و نیز تعریف جرائم و تخلفات و نحوه تشکیل هیأت منصفه در مورد رسیدگی به جرائم صورت گرفته در این بخشها و روشن شدن حقوق و حدود مؤلفان، ناشران و تهیه کنندگان بیانجامد.

همچنین در جهت تقویت آزادی بیان و توسعه آگاهی مردم با توجه به این برداشت از اصل ۱۷۵ و اصل ۴۴ قانون اساسی که صدا و سیمای جمهوری اسلامی انحصار تأسیس شبکه‌های رادیو و تلویزیون را در اختیار ندارد، می‌توان با تدوین قوانین لازم مشارکت مردم را در تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیو و تلویزیون جلب نمود و براساس قانون برعملکرد دستگاههای اطلاع‌رسانی نظارت کرد.

انکار نمی‌توان نمود که نظام و دستگاه کنونی آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور از معضلات ونقایص زیربنایی فراوانی رنج میبرد. این مشکلات تمامی بخشها را اعم از آموزشی، پرورشی، مالی، اداری و.. در بر می‌گیرد. از آنجا که آموزش و پرورش و آموزش عالی اصلی‌ترین نهاد شکل دهنده فرهنگ و دانش جامعه بوده و نقش اصلی را در تربیت و رشد نیروهای فردای جامعه ایفا می‌نماید، مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در مقابل معضلات و مشکلات موجود در این بخش وسیع از جامعه بی تفاوت باشد.

مجلس ششم باید با درک ضرورت‌های پیش گفته به تدوین یا اصلاح قوانین بپردازد.

برخی از این ضرورت‌های قانونگذاری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱) اصلاح قانون مطبوعات در جهت حمایت از آزادی بیان و مطبوعات مستقل و حمایت از روزنامه‌نگاری به عنوان یک حرفه.

۲) قانونی و کارآمدکردن نظامهای نظارتی در عرصه فرهنگ به اتکای مشارکت فراگیر مردمی و غیردولتی.

۳) طراحی و تصویب قوانین مرتبط با محصولات فرهنگی، هنری، سینما و کتاب در جهت حمایت از تولیدکنندگان، مؤلفان و مصنفان و ترویج و تعمیق آزادی اندیشه و بیان، رقابت فکری ورشد خلاقیت و نوآوری.

۴) لغو ممیزی‌ها و گزینش‌های سلیقه‌ای در عرصه مطبوعاتی، فرهنگی، هنری و علمی.

۵) حمایت همه جانبه از حقوق و منزلت نویسندگان، محققان، استادان، دانشگاهیان و دانشجویان در جامعه و ممانعت از نقض حریم اندیشه و علم.

۶) حمایت از گسترش سهم و نقش فرهنگ و هنر در عرصه‌زندگی اجتماعی و ارتقای نشاط و تحرک عمومی.

۷) حمایت از شکل‌گیری نهادها و انجمنهای غیردولتی علمی، فرهنگی و هنری.

۸) اصلاح نظام بهره مندی عمومی از تولیدات و خدمات فرهنگی و گسترش شبکه‌های عمومی و خصوصی اطلاع رسانی و توزیع فرآورده‌های علمی، فرهنگی و هنری.

۹) اصلاح نظام توزیع عادلانه اطلاعات وحذف نابرابری‌ها در دستیابی بـه اطـلاعات برای عموم به ویژه دانشگاهیان، محققان، نویسندگان و روزنامه نگاران و به حداقل رساندن اطلاعات محرمانه.

۱۰) اهتمام خاص به کمیت وکیفیت فعالیتهای فرهنگی و هنری در جهت پاسخگویی به نیازهای جوانان به ویژه دانش‌آموزان ودانشجویان.

۱۱) فرآهم آوردن زمینه‌های ارتباط هرچه بیشتر میان آموزش، پژوهش و اشـتغال بـه ویژه در سطح دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و حمایت از طرح ملی اشتغال جوانان.

۱۲) منطقی کردن حمایت و مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی بخش فرهنگ.

۱۳) اصلاح ساختار اقتصادی فرهنگ و جلوگیری از پیدایش و رشد انحصارهای مالی در عرصه فرهنگ وترغیب بخش تعاونی و خصوصی در فعالیتهای فرهنگی و هنری.

۱۴) فرآهم آوردن زمینه بیشتر مبادلات علمی و فرهنگی در سطح منطقه و جهان.

۱۵) اصلاح نظام آموزشی به منظور افزایش توانـایی‌ها وافـزایش بـازدهی آمـوزش و پرورش و آموزش عالی و پیگیری طرح استقلال دانشگاهها.

۱۶) تقویت اصل عدم انفکاک امر تعلیم از امر تربیت به واسطه سپردن امور مربوط به هر دوی این مقولات به یک بخش.

۱۷) تبیین حدود وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی بر مبنای رعایت اصول قانون اساسی.

جمعیت مؤتلفه اسلامی

نام کامل: جمعیت مؤتلفه اسلامی

نام دبیر کل: حبیب اله عسگر اولادی مسلمان

قائم مقام دبیر کل: سیداکبر پرورش، معاون دبیر کل: اسداله بادامچیان، دبیر اجـرایـی: محمدنبی حبیبی.

اعضای فعال: حبیب‌اله عسگر اولادی مسلمان، اسداله بادامچیان، سیداصغر رخ صفت، محسن رفیق دوست، جلال‌الدین فارسی، حسـن غـفوری فـرد، سـیدمصطفی مـیرسلیم، سیدمرتضی نبوی، سعید امانی همدانی، سیدعلی نقی خـاموشی، اسـداله عسگـر اولادی مسلمان، مهدی عراقی، اسداله لاجوردی، رضا زواره‌ای، سیداکبر پرورش، علی عباسپور تهرانی فرد، حمیدرضا تـرقی، مـحمدنبی حـبیبی، اسـداله خـاموشی، یـحیی آل‌اسـحاق، محمدکاظم انبارلوئی، مرحوم حاج محمدعلی نظران، هومن حسن‌زاده، زمـانیان، فـاطمه رهبر، شهلا حبیبی، رفعت بیات، حمید اکبری، عباس وکیل.

مرامنامه:

اللهم لک الحمد و الیک الرجاء و منک التوفیق صل اللهم علی رسولک الهادی الی سبیلک و الائمه الهداة من ولده و علی آله و اصحابه اللهم انا نعتصم بحبل و لیک القائم المومل و العدل المنتظر الذی امرتنا بولایته و نصره.

ما مردم مسلمان به حکم اعتقادی راسخ که نسبت به آئین مقدس آسمانی اسلام داریم سلامت روحی و جسمی و سعادت مادی و معنوی خود و زن و فرزندان و جامعه و ملت خود در پیروی اسلام و عمل به تعالیم سعادت بخش آن میدانیم. ما و بسیاری از مردم دیگر به هدایت فطری خود این حقیقت را اجمالاً دریافته‌ایم که آرامش درونی و آسایش فردی و امنیت اجتماعی و ترقی و تعالی مادی و معنوی بشر تنها از راهی تأمین می‌شود که آن راه خداست، در این راه است که همه می‌توانند با اطمینان خاطر قدم بگذارند، از هر نوع گذشت و فداکاری استقبال کنند و در عین حال از نشاطی الهی که در پرتو فروغ ایمان جسم و جان آنها را حیاتی جاوید می‌بخشد بهره‌مند شوند.

با این ایمان راسخ راهی که به سوی خوشبختی انتخاب کرده‌ایم ما را بر آن داشت:

۱) بهتر شناختن تعالیم حیات بخش اسلام و وظائف فردی و اجتماعی که هر فرد مسلمان به عهده دارد.

۲) بهتر شناساندن آن به دیگران.

۳) بهتر عمل کردن به آن.

۴) انتخاب کردن راهی روشن و عملی برای به وجود آوردن یک جامعه نمونه اسلامی که در عین پاکی، برنده و متحرک و فعال باشد.

به کمک هم بشتابیم و با نیروهای علمی و فکری، انسانی و مالی همه کسانی که در این هدفهای مقدس با ما مشارکت دارند قدمهای سریع و موثر به سوی تحقق این آرزوهای خداپسندانه برداریم. هم اکنون بسیاری از افراد با ایمان و جدی و روشن جلسات هفتگی دینی دارند که دور هم جمع می‌شوند و قرآن می‌خوانند، به تعالیم قران آشنا می‌شوند، دعا می‌خوانند و به درگاه خداوند راز و نیاز می‌کنند. برای اینکه این جلسات به صورتی بهتر و

دقیق‌تر درآید و کاری اساسی‌تر انجام دهد تشکیلاتی ایجاد می‌شود تا در حدود امکانات موجود اقدام کند و راه را برای اقدامات وسیعتر و کاملتر بعدی و برای رسیدن به هدفهای فوق آماده سازد.

تاریخچه تشکیل:

پیدایش این جمعیت را می‌توان مهرماه سال ۱۳۴۱ هـ. ش دانست. که در آن زمان دولت اسداله علم لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی را تصویب کرد. در این ارتباط گروهی از متدینین که اکثراً از پیشه‌وران بازار تهران بودند و با امام خمینی(ره) ارتباط داشتند دست به یکسری اعتراضات گسترده بر علیه دولت زدند. از جمله صدور اطلاعیه و برگزاری راهپیمایی در قم و مسجد حاج عزیزالله بازار تهران و برگزاری مراسم سیاسی ـ مذهبی در مسجد ارک تهران. پس از این در نوروز ۱۳۴۲ این افراد پیشنهاد اعلام عزای عمومی را به امام خمینی دادند و در حوادث مدرسه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ حضور داشتند.

در اوایل سال ۱۳۴۲ امام خمینی(ره) سه گروه از این افراد که عبارت بودند[۱] از گروه مسجد شیخ علی با چهره‌هایی چون صادق امانی، اسداله لاجوردی، صادق اسلامی، جبهه مسلمانان آزاده با چهره‌هایی چون حبیب اله عسگر اولادی، مهدی عراقی، علی درخشان و محمد کچوئی و گروه اصفهانی‌های مقیم مرکز را با یکدیگر پیوند تشکیلاتی داد و به پیشنهاد حاج مهدی عراقی نام «هیأتهای مؤتلفه اسلامی» بر آنها نهاده شد. در قضیه رفراندوم طرح شش ماده‌ای ارائه شده از سوی شاه که به انقلاب سفید شاه و ملت معروف شد، این جمعیت نقش اساسی در شکل‌گیری اعتراضات عمومی به این طرح را داشت. در این رابطه پس از برگزاری چند جلسه بین نمایندگان جمعیت و امام(ره) اعضای جمعیت نظر ایشان را دربارهٔ طرح پیشنهادی شاه را جویا شدند. که امام در پاسخ به این استفتاء به تاریخ ۱۳۴۱/۱۱/۲ صراحتاً رفراندوم را اجباری و آنرا مقدمه‌ای برای از بین بردن مواد قانونی مربوط به مذهب دانستند، که این اطلاعیه را می‌توان سرآغاز انقلاب اسلامی و واقعه

---

۱. ماهنامه گزارش روز، آبان ۱۳۷۷.

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دانست.

جمعیت مؤتلفه اسلامی در عاشورای سال ۱۳۴۲ با ایجاد راهپیمایی‌های مختلف اعتراضات مردمی را علیه شاه شدت بخشید و پس از سخنرانی امام در بعدازظهر عاشورای ۱۳۴۲ و دستگیری ایشان در دو روز بعد یعنی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، اولین گروهی که از دستگیری امام مطلع شدند اعضای جمعیت مؤتلفه بودند.

پس از اطلاع از دستگیری امام با اطلاع رسانی اعضای جمعیت، مردم قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را به وجود آوردند. جالب آنکه برخی از اعضای برجسته این گروه برای اطلاع مردم از خبر دستگیری امام (ره) در نقاط شلوغ بازار با صدای بلند خبر دستگیری ایشان را اعلام نمودند. پس از واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ واعلامیه امام علیه قانون کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی(ره) در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ جمعیت مؤتلفه تا حدودی به این نتیجه رسید که درکنار مبارزات سیاسی اقدام به تشیکل گروهی مسلح برای رویارویی با رژیم شاه بکند. اولین اقدام این گروه مسلح ترور و قتل حسن‌علی منصور نخست وزیر وقت بود. در اول بهمن ماه ۱۳۴۲ حسن علی منصور قبل از داخل شدن به مجلس شورای ملی در میدان بهارستان هدف دو گلوله محمد بخارائی قرار گرفت و پس از سه روز فوت کرد. اعضای تیم ترور منصور عبارت بودند از محمد بخارائی، رضا نیک‌نژاد، صادق امانی، رضا هرندی، سیدعلی اندرزگو.

پس از جریان ترور ۳۴نفر از اعضای مرکزی جمعیت مؤتلفه دستگیر شدند[۱] که پس از محاکمه چهار نفر به اعدام، دو نفر به حبس ابد (محکوم به اعدام با یک درجه تخفیف) و چهار نفر به حبس ابد و بقیه به حبس‌های متفاوت محکوم شدند. پس از دستگیری اعضای اصلی جمعیت مؤتلفه در سال ۱۳۴۳ و به دلیل حبس‌های طویل‌المدت برخی از آنها (که تا سال ۱۳۵۷ در زندان بودند) فعالیت جمعیت مؤتلفه تا حدودی کاهش پیدا کرد، اما هیچگاه متوقف نشد و توسط افراد دیگری چون حجت‌الاسلام والمسلمین باهنر، محمدعلی رجائی، جلال‌الدین فارسی، محسن رفیق دوست، حائری‌زاده و دیگران ادامه یافت.

---

۱. نگاهی به جمعیت مؤتلفه اسلامی، اسداله بادامچیان.

پس از انقلاب برخی اعضای اصلی این گروه که از زندان آزاد شده بودند و یا آنان که همگام با انقلاب آن را به پیروزی رساندن به مناصب دولتی منصوب شدند که نشانگر اعتماد مسئولین نظام به این جمعیت بعد از انقلاب بود. بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۶ این جمعیت به دستور امام خمینی(ره) در حزب جمهوری اسلامی ادغام و فعالیت می‌کرد، سپس از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ باکسب اجازه از امام خمینی(ره) و آیت الله خامنه‌ای و باکسب مجوز از وزارت کشور به صورت حزبی مستقل وارد صحنه سیاسی کشور شد. این جمعیت همواره جزء متحدان جامعه روحانیت مبارز و به عنوان بازوی اجرائی و توان مالی جامعه روحانیت عمل کرده است در دوره سوم مجلس و انشعاب مجمع روحانیون مبارز تهران (جناح چپ) از جامعه روحانیت مبارز (جناح راست) جمعیت مؤتلفه همراه با جامعه روحانیت مبارز لیست مشترک دادند واصولاً یکی از مهمترین علت انشعاب در جامعه روحانیت خط مشی و اهداف جمعیت مؤتلفه بود که برخی از نیروهای چپ با آن موافق نبودند، از جمله در قضیه رأی اعتماد مجلس دوم به دولت مهندس موسوی که جناح راست و جمعیت مؤتلفه مصراً خواستار نخست‌وزیری آیت‌الله مهدوی‌کنی بودند و بالاخره درهنگام رأی‌گیری ۹۹ نفر از نمایندگان وابسته به این دو گروه رأی ممتنع یا منفی به دولت مهندس موسوی دادند. در دوره سوم مجلس حضور جناح راست و جمعیت مؤتلفه با ارائه لیست مجمع روحانیون مبارز کمی کمرنگ می‌نمود و اکثریت مجلس را نیروهای جناح چپ تشکیل می‌دادند، اما در دوره چهارم که اکثریت مجلس از آن جناح راست بود بسیاری از کاندیداهای جمعیت مؤتلفه به مجلس راه یافتند، ولی دوره پنجم انتخابات مجلس همراه باعدم موفقیت این گروه در جلب آرای عمومی بود. به طوری که در تهران به جز حمیدرضا ترقی وغفوری‌فرد که به طور مستقل نامزد شده بود و علی عباسپور که در میان دوره‌ای وارد مجلس شد هیچ‌یک از اعضای برجسته این گروه به مجلس راه نیافتند و بالاخره در انتخابات مجلس ششم تقریباً نیروهای سیاسی متمایل به جمعیت مؤتلفه و جناح راست نتوانستند بیش از ۲۵ درصد آراء را به دست آورند و هیچ یک از اعضای برجسته این جمعیت نتوانستند وارد مجلس شوند. در دستگاههای دولتی نیز اعضای این

گروه به مناصب کلیدی گمارده شدند، البته در دوره نخست وزیر مهندس موسوی تعداد کمتری از اعضای این گروه به سمت وزارت گمارده شدند، اما در دو دوره دولت هاشمی رفسنجانی، اعضای این گروه حضور فعالتری داشتند، لیکن پس از روی کارآمدن سیدمحمد خاتمی اکثر اعضای این گروه از مناصب دولتی کنار گذارده شدند، از جمله پستهایی که اعضای جمعیت مؤتلفه پس از انقلاب در رأس آن قرار داشتند می‌توان موارد زیر را نام برد. مهندس سید مصطفی میرسلیم هشت سال معاون رئیس جمهور و مدتی وزیر وزارت فرهنگ و ارشاد دکتر حسن غفوری‌فرد پست وزارت نیرو، معاونت رئیس جمهور در سازمان تربیت بدنی، نماینده یک دوره مجلس، استاندار خراسان محسن رفیق دوست پست وزارت سپاه‌پاسداران، ریاست بنیاد مستعضفان و جانبازان به مدت هشت سال ـ حبیب‌اله عسگراولادی مسلمان پست وزارت بازرگانی، نماینده مجلس، نماینده امام در کمیته امداد امام خمینی اسداله بادامچیان نماینده مجلس، مشاور رئیس قوه قضائیه.

ـ زواره‌ای، رئیس سازمان ثبت واحوال کشور، نماینده مجلس.

ـ سعید امانی همدانی، نماینده مجلس ـ رئیس انجمن اسلامی اصناف و بازاریان.

ـ سیدمرتضی نبوی، وزیر پست و تلگراف و نماینده دو دوره مجلس.

ـ مهدی عراقی، عضو کمیته استقبال حضرت امام.

ـ اسداله لاجوردی، رئیس سازمان زندانها.

ـ سید علی نقی خاموشی، رئیس‌اتاق بازرگانی و نماینده مجلس.

ـ اسداله عسگر اولادی مسلمان، از بازاریان سرشناس و قائم مقام اتاق بازرگانی.

ـ حمیدرضا ترقی، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی.

ـ سیدعلی‌اکبر پرورش، وزیر سابق آموزش و پرورش.

ـ مرحوم حاج محمدعلی نظران، رئیس کمیته اسراء ومفقودین فرماندهی کل قوا.

ـ محمد نبی حبیبی، شهردار سابق تهران.

ـ دکتر علی عباسپور تهرانی فرد، مدرس دانشگاه و نماینده دوره چهارم و پنجم مجلس از حوزه تهران.

ـ یحیی آل اسحاق، وزیر بازرگانی دولت هاشمی رفسنجانی و قائم مقام بنیاد مستضعفان و جانبازان.

گرایش سیاسی:

با عنایت به ماهیت و خاستگاه این جمعیت که اکثراً از بین کسبه، بازاریان وتا حدودی نیروهای مذهبی تحصیل کرده، صنعتگران و دیگر اقشار جامعه تشکیل‌شده‌اند، این تشکیلات دارای گرایش راست‌سنتی وارزشگرا می‌باشد. از مهمترین مواضع این گروه ولایت پذیری، پذیرش و اعتقاد عملی به ولایت مطلقه فقیه، سنت‌گرایی به معنای ارج نهادن به آداب و رسوم جاری در فرهنگ اسلامی مردم، پایبندی به اصول و ارزشهای دینی، اعتقاد راسخ به حقوق خصوصی مردم، مالکیت فردی، اقتصاد خصوصی و بازار آزاد اقتصادی و عدم دخالت دولت در امور اقتصادی را می‌توان نام برد که همگی تداعی‌کننده گرایشهای سیاسی راست‌سنتی و راست ارزشگرا می‌باشد.

تشکیلات و نشریات وابسته:

این گروه از تشکیلات بسیار منسجم و نیروهای سیاسی کارآزموده و بعضاً کهنه کاری برخوردار بوده و اکثر فعالین این گروه از بین بازاریان متدین و دیگر اقشار جامعه و اکنون از بین جوانان تحصیلکرده و متدین می‌باشند. این گروه در تمام عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارای نظرات خاص به خود می‌باشد که نشانگر یک تشکیلات منظم و پرکار است که مداوماً روی هر یک از موضوعات مطروحه در سطح جامعه به بررسی و پژوهش می‌پردازند. جمعیت مؤتلفه به صورت گسترده در تهران و اکثر نقاط کشور فعال می‌باشد. این گروه برای انعکاس نظریات خود هفته‌نامه «شما» را منتشر می‌کند که می‌توان آن را یک هفته نامه حزبی بسیار قابل توجه دانست که نمونه آن کمتر در کشور وجود دارد. چه به دلیل جامعیت مباحث مطروحه و چه از نظر کمیت موضوعات مختلف و انتشار مداوم آن، این هفته نامه شاید جزء دو یا سه مجله حزبی منتشر شده برتر در

کشور باشد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

محل پیدایش اولیه این جمعیت بازار تهران و اطراف آن بوده و گردانندگان اصلی آن نیز از پیشه وران، تجار و کسبه متدین و رؤسای هیئت‌های مذهبی بازار تهران می‌باشند. البته این جمعیت در سالهای اخیر طیف وسیعی از اقشار جامعه از جمله تحصیلکردگان دانشگاهی را به خود جذب کرده است و فعالیتهای متنوع آن در حال افزایش است. می‌توان عمده پایگاه مردمی این حزب را نقاط جنوبی و مرکزی تهران و اطراف بازار تهران دانست. شاید بتوان این حزب را دارای ریشه‌ای‌ترین پایگاههای مردمی از نظر شکل‌گیری آن دانست. چراکه اکثر احزاب امروز کشور از بالای هرم قدرت شروع به فعالیت و رشد و نمو کرده‌اند، لیکن جمعیت مؤتلفه از پائین هرم قدرت یعنی از میان اقشار مردم شکل گرفته و به حیات خود ادامه داده است. از جمله طبقات اجتماعی که به این حزب گرایش دارند می‌توان به بازاریان، صاحبان کارگاهها وبنگاههای خصوصی کوچک، روحانیون، محصلان و دانشجویان مذهبی و ارزشگرا، بازرگانان و توده‌های مذهبی مردم اشاره نمود.

مواضع سیاسی:

جمعیت مؤتلفه اسلامی همواره خود را حامی و پیرو ولایت فقیه دانسته و آنرا به عنوان شعار محوری خود مطرح کرده است[۱] در مواضع این جمعیت می‌خوانیم:

"وجه تمایز نظام الهی و مردمی ما با دیگر نظامهای جهان در بنیانهای الهی ونیرومند ولایت فقیه نهفته است."

"مؤتلفه اسلامی تولی به ولایت را اصلی اعتقادی برای خود می‌داند که از بدو فعالیت به عنوان سرمایه خود حفظ نموده."

حبیب اله عسگر اولادی دبیر کل جمعیت مؤتلفه در این زمینه می‌گوید:

---

۱. هفته‌نامه شما، ۷۷/۳/۱۴.

"مؤتلفه اسلامی تولی به ولایت دارد و کسی که این ویژگی را داشته باشد مؤتلفه‌ای می‌داند و از او حمایت می‌کند."

دکتر غفوری‌فرد از اعضای شورای مرکزی جمعیت می‌گوید:

"افراد جناح ما بر تبعیت از ولایت فقیه و تعهد نسبت به اسلام و انقلاب بیشتر تأکید داشته‌اند و سوابق نشان می‌دهد که افرادی که با این جناح همکاری داشته و دارند از تعهد بالایی برخوردار بوده و هستند."

با آنکه به زعم ناظران سیاسی این جمعیت همواره به عنوان یکی از ارکان جناح راست سنتی‌محسوب می‌شود و در موضعگیری‌های خود نیز بارها بر اصول و دیدگاههای راست تأکید ورزیده است اما آقای عسگر اولادی[1] در این مورد نظر دیگری دارد:

"مؤتلفه اسلامی براساس آهنگ امام، معتقد نیست که یک جناح می‌تواند کشور را اداره کند. مؤتلفه اسلامی انصافاً به طور کامل فراجناحی عمل می‌کند."

پس از حماسه دوم خرداد و پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، با توجه به حمایت صریح جمعیت مؤتلفه از علی‌اکبر ناطق نوری در جریان انتخابات، این جمعیت سیاست نسبتاً شفافی در مقابل رئیس جمهور جدید که از جناح مقابل برگزیده شده بود در پیش گرفت. این سیاست بر مبنای حمایت لفظی و گاه عملی از رئیس جمهور و در کنار آن نقد عملکردهای دولت و ارزیابی آن و انتقادهای گاه تند از رئیس جمهور شکل گرفت. عسگر اولادی[2] دبیر کل جمعیت مؤتلفه می‌گوید:

"یکبار دیگر حمایت خود را از شخص رئیس جمهوری و کیان دولت اعلام می‌کنیم و حاضر به همکاری کامل با دولت هستیم."

"دولت آقای خاتمی توفیق‌های بی سابقه از جمله در زمینه زدودن تشنج از منطقه و طرح پیشنهاد گفتگوی تمدنها داشته است. همچنین این روش و شیوه موجب شد ایشان در رأس سازمان کنفرانس اسلامی قرار گیرد."

"در هر کدام از زمینه‌های سیاست داخلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هم

---

۱. همان، ۷۸/۵/۲۸.   ۲. همان، ۷۸/۵/۲۸.

توفیقاتی عاید شده و هم عدم توفیقاتی مشاهده می‌شود.»

«دو انتقاد را از ابتدا به دولت آقای خاتمی داشته و داریم و آن اینکه اولاً جناحی‌ترین ساماندهی اداری را همکاران ایشان در سطح کشور ایجاد کرده‌اند، در حالی که مردم براساس شعار فراجناحی به ایشان رأی داده بودند و ثانیاً دوم خرداد را از ۱۵ خرداد یعنی ریشه آن جدا کردند.»

ایشان همچنین هدف این جمعیت را ادای وظیفه دانسته و درمورد اصالت آراء مردم و دیدگاه این جمعیت در تصاحب قدرت می‌گوید:

«ما در مؤتلفه اسلامی طراحی اینکه نظام را تحویل بگیریم و قدرت اجرائی را دراختیار داشته باشیم، نداریم، درصدد چنین چیزی هم نیستم، ما در پی انجام وظیفه هستیم.هر کجا مردم باید رأی دهند، مؤتلفه اسلامی خودش را در معرض رأی مردم قرار می‌دهد، هر کجا مسئولین خادمی بخواهند مؤتلفه خودش را درمعرض قرار می‌دهد.»

برخلاف دیدگاه برخی حامیان تندرو دولت خاتمی که جمعیت مؤتلفه را در مقابل دولت و در برخی از جراید آن را حامی تشنج معرفی کرده‌اند، عسگر اولادی می‌گوید:

«من به عنوان دبیر کل یک تشکل اسلامی برای کاهش تشنج پیشنهاد می‌کنم ما باید در داخل تلاش کنیم محیط آرامی داشته باشیم که اولاً دولت مجال پیدا کند و توان بیابد به مشکلات معیشتی مردم خوبمان برسد. ثانیاً مردم به دور از جوسازی‌ها و غوغاسالاری نمایندگان واقعی و دلخواه خود را انتخاب کنند و به طور قطع راه حل رسیدن به چنین فضای آرامی، احترام به قوانین و مقررات کشور و پذیرش واقعی تصمیمات نهادهای قانونی نظام است.»

در سیاست خارجی و بحث رابطه با آمریکا، عسگر اولادی چنین نظر می‌دهد:

«ما به عنوان یک تشکل معتقدیم که رابطه بین دو کشور (ایران و امریکا) در شرایط مساوی واحترام متقابل هیچ منعی ندارد، جز در مورد اسرائیل، زیرا که غاصب است. ما معتقدیم اگر آمریکا انقلاب اسلامی ما، رهبری ما و نظام ما را پذیرا باشد و برای ما احترام متقابل قائل باشد و برای تأئید، آنچه راکه از این کشور به یغما برده، برگرداند، شرایط برای

برقراری رابطه فراهم خواهد بود.»

اما حمیدرضا ترقی[1] نماینده سابق مردم مشهد و از اعضای شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه در این مورد نظر دیگری دارد:

«موضع ما در رابطه با آمریکا همان موضع مقام معظم رهبری است و مذاکره با آمریکا را تقبیح می‌کنیم و معتقدیم این مسئله مشکل سیاسی و اقتصادی ما را حل نمی‌کند. متأسفانه عده‌ای تصور می‌کنند در شرایطی که با بحران اقتصادی مواجه هستیم اگر با آمریکا رابطه برقرار کنیم تنش ما با آمریکا کاهش پیدا می‌کند و دارائیهای ملت ما که در آن کشور بلوکه شده است آزاد میگردد و امریکا دست از تحریم اقتصادی‌اش برمی‌دارد که چنین تصوری ساده اندیشی و حسن ظن نسبت به دشمن جدی انقلاب اسلامی است.»

در مقوله توسعه سیاسی که پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ به عنوان یکی از شعارهای محوری خاتمی موضوع بسیار بحث انگیزی شده است، جمعیت مؤتلفه نظری خاص دارد. اسداله بادامچیان معاون دبیرکل جمعیت مؤتلفه می‌گوید[2]:

«توسعه سیاسی به مفهوم غربی آن که روشنفکران بیمار به آن متوسل می‌شوند مطلوب نیست. توسعه سیاسی به مفهوم اسلامی آن از آغاز نهضت امام راحل آغاز شده است، چون اسلام دین سیاسی است و ما هر روز سیاست اسلامی را در حال گسترش می‌یابیم. وجود آزادی در حد بالای آن و تعدد مطبوعات در جامعه ایران اسلامی که حتی از آن سوء استفاده می‌کنند نشانگر توسعه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی است.»

ایشان در رابطه با آزادی احزاب و تعامل یا اختلاف بین آنها می‌گوید:

«جمعیت مؤتلفه اسلامی همواره گروههای سیاسی را دعوت به خیر می‌کند و معتقد است بیان عقاید و نظرات با مراعات اخلاق اسلامی انجام شود. ما درصدد همگامی باگروههای در خط ولایت هستیم.»

در این زمینه عسگر اولادی چنین می‌گوید[3]:

«جمعیت مؤتلفه معتقد به تعامل سیاسی با تشکلهای درون نظام است.»

---

۱ و ۲. شما، ۷۷/۴/۲۵. ۳.انتخاب، ۷۸/۵/۱۹.

"برای اینکه جناحهای سیاسی در یک نظام بتوانند با هم تضارب افکار داشته باشند لازمه‌اش این است که هیچ جناحی خودش را حق مطلق نداند، همانطور که حق مبارزه، حق به دست آوردن و رساندن اطلاعات صحیح و مسئولیت‌پذیری درست را هر جناحی می‌خواهد داشته باشد، باید خودش را منحصر نکند و اگر منحصر نکند تضارب افکار، اسباب رشد جناحها و بهره‌مندی مردم و وسیله آموزش نسل جوان می‌شود."

"هر چه اینها جدی‌تر با یکدیگر رقابت کنند فضا سالمتر می‌شود، برعکس اگر هر جناحی خودش را حق مطلق بداند و بگوید حق با من است و بر این مطلب پای بفشرد و بایستد مسلماً برخورد پیش می‌آید. برخوردها به جانب حذف یکدیگر سامان پیدا می‌کند و وقتی برخوردها به جانب حذف یکدیگر سامان گرفت مردم ضرر می‌کنند و نسل جوان نیز آموزش نمی‌بیند، در نتیجه در جامعه هدفداری مثل جامعه ما فرصتها به هدر می‌رود و ثبات سیاسی با خطر روبه‌رو می‌شود."

"روند رقابت سالم سیاسی مراعات همدیگر را می‌طلبد، اگر همدیگر را مراعات نکنیم چه تشکلها، چه در مجموعه‌ها، جناحها، اگر همدیگر را مراعات نکنیم و حرکت در مسیر آسیب رساندن ونفی کردن و خارج کردن از صحنه باشد، امکان ادامه رقابت سالم از دست می‌رود."

این جمعیت در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی که همواره در دوره‌های مختلف آن عده‌ای بر اثر اعمال نظارت استصوابی شورای نگهبان از راهیابی به انتخابات باز مانده‌اند، از اعمال نظارت استصوابی حمایت کرده است، عسگر اولادی[1] میگوید:

"معنای نظارت استصوابی این است که ناظر ببیند آیا نامزد انتخاباتی شرایط لازم را دارد یا خیر و این نه تنها محدود کردن حق انتخاب مردم نیست، بلکه عین رعایت حقوق مردم است، چرا که همین مردم به قانون اساسی رأی داده‌اند. قانون اساسی می‌گوید: شورای نگهبان حق نظارت استصوابی دارد."

وی همچنین در مورد شایعاتی که در زمینه ارتباط گروه انصار حزب‌الله با این جمعیت

---

۱. شما، ۷۶/۱۲/۱۴.

وجود دارد و انصار حزب‌الله را شاخه عملیاتی جمعیت مؤتلفه معرفی می‌کنند، می‌گوید:

"انصار حزب‌الله یک تشکل مستقل است که حتی ارتباط تشکیلاتی هم با جمعیت مؤتلفه اسلامی ندارد و نه به انصار حزب‌الله این اتهام می‌چسبد که شاخه عملیاتی مؤتلفه اسلامی باشد، نه به مؤتلفه اسلامی چنین اتهامی می‌چسبد که شاخه عملیاتی داشته باشد."

علی عباسپور از اعضای شورای مرکزی جمعیت در این مورد چنین نظر می‌دهد[1]:

"البته من در جریان همه کار آنها (انصار حزب‌الله) نیستم مثل هر گروهی ممکن است اشتباه داشته باشند اما نوعاً موضع‌گیریهای آنها از روی دلسوزی و صداقت است. آنها بیشتر شعارشان امر به معروف و نهی از منکر است."

جمعیت مؤتلفه همواره خواستار شفاف شدن خطوط سیاسی نیروهای داخل نظام بانیروهای سیاسی خارج از آن شده است، به عبارتی این گروه نیروهای خودی و نیروهای غیرخودی در نظام راکاملاً پذیرفته و خواستار آزادیهای سیاسی و تعامل نیروهای خودی و عدم میدان دادن به دیگر نیروهای سیاسی خارج از نظام شده است، عسگر اولادی[2] می‌گوید:

"برخی گروههای خارج نشین و به ویژه لیبرالها در داخل و خارج که در این دو سال دستهایشان رو شده و حرفی برای گفتن ندارند درصدد ایجاد تشنج و درگیریهای جناحی وغوغاسالاری برآمده‌اند تا خشم وانزجار مردم را نسبت به خودشان به انحراف ببرند."

"جمعیت مؤتلفه[3] معتقد به تعامل سیاسی با تشکلهای (سیاسی) درون نظام (خودی‌ها) است."

سیدعلی‌اکبر پرورش قائم مقام دبیر کل جمعیت مؤتلفه نیز در این باره می‌گوید[4]:

"نیروهای غیرخودی احساس خطر کرده‌اند و از گوشه و کنار خبرهایی شنیده‌اند، امروز وقت آن است که نیروهای خودی به نیروهای غیرخودی قولاً وعملاً بگویند لکم دینکم و لنا دیننا (دین و روش شما برای خودتان و دین ما هم برای خودمان) آنها می‌ترسند

---

۱. همان، ۷۶/۱۲/۱۴. ۲. همان، ۷۸/۸/۱۴. ۳. انتخاب، ۷۸/۵/۱۹.
۴. شما، ۷۸/۷/۱۵.

انقلابیون و شیفتگان امام و نظام اختلافات خود را کنار بگذارند و سراغ آنها بروند. اگر صف خودیها و غیرخودیها شفاف شود چه کسانی ضرر می‌کنند؟"

علی عباسپور عضو شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه[1] در مورد صف‌بندی نیروهای خودی و غیرخودی نظری همانند آنچه پیش‌تر گفته شد دارد:

"من به نوعی تکثر در درون نیروهای انقلاب (خودی‌ها) یا به اصطلاح پلورالیسم سیاسی معتقدم."

ایشان در رابطه با تکثرگرایی دینی (پلورالیسم دینی) که روشنفکران آن را مطرح می‌کنند چنین نظر می‌دهند:

"در مورد پلورالیسم دینی چه برون دینی و چه درون دینی، این با مبانی اسلام ناب محمدی(ص) نمی‌خواند، آنها که این مفاهیم را علم کردند باید عقاید خود را به اسلام شناسان حقیقی عرضه کنند، والا مردم به آنها به دیده بدعت‌گذاران در دین می‌نگرند، آخر این چه مفهومی است که ما با جسارت بگوئیم نه شیعه حق است و نه سنی؟"

ایشان تبعیض در جامعه را یکی از مهمترین مشکلات مردم می‌داند و بر تساوی مردم در مقابل قانون تأکید می‌ورزد:

"مردم از تبعیض ناراحت هستند و می‌خواهند متخلف از هر گروه و جناح و مقامی که باشد به دست قانون سپرده شود مردم تساوی در برابر قانون را می‌خواهند بدون هیچگونه ملاحظه سیاسی و جناحی."

ایشان همچنین از جناح مقابل به دلیل جلوگیری از فعالیت گروههای حزب‌الهی مشخصاً انصار حزب الله و دیگر گروههای مذهبی گلایه کرده و می‌گوید:

"کسانیکه مدام در شیپور تکثر می‌دمند باید بپذیرند این گروههای حزب اللهی هم حق حیات دارند. من گاهی تعجب می‌کنم آنها خیلی بی‌تاب می‌شوند و با خشونت می‌خواهند این گروهها را سرکوب کنند، علت آن هم این است که سئوالات اینها صریح، روشن، شفاف و بی‌پرده است."

---

۱. شماء، ۷۶/۱۲/۱۴.

سید مصطفی میرسلیم[1] از اعضای شورای مرکزی این جمعیت که سالهای متمادی دارای پستهای کلیدی در بخش اجرایی کشور بوده است در گفتاری در زمینه تمدن اسلامی درمورد توسعه سیاسی و جامعه مدنی که شعارهای مولود دوم خرداد و اصلاح‌طلبان است چنین می‌گوید:

"با شعار توسعه سیاسی اجتماعی باید موجبات هرچه کاملتر مشارکت مردم را در اداره امور کشور فراهم سازیم نه آنکه سازمان یا وزارتخانه‌ای را جولانگاه دسته سیاسی خاص کنیم یا به گروههای فشار قدرت طلب امکانات گسترده و جواز عمل بدهیم، یا گروهکهای غیرقانونی را به صحنه سیاسی بکشانیم."

"طرح جامعه مدنی جز برای استحکام بخشیدن به قانونمداری و ضابطه گرایی و پررنگ کردن تمدن اسلامی هیچ مفهوم دیگری را نباید متبادر به ذهن کند. آنهایی که از جامعه مدنی حسرت جامعه غربی یا جامعه شرقی را در دل می‌پرورانند، از این بیگانگی که با تمدن اسلامی، پس از بیست سال در سر دارند، اگر سخت شرمسار شوند، اولیٰ است."

ایشان قانون اساسی موجود را بسیار پیشرفته دانسته واصلاح شیوه‌ها و عملکردها بجای بازنگری در اصول قانون اساسی را پیشنهاد می‌کند:

"اصول فکری ما در تمدن اسلامی بسیار محکم و قانون اساسی ما نیز بسیار پیشرفته است. امروز اگر نقصی به چشم می‌خورد بیشتر به عملکردها و شیوه‌های اقدام بر می‌گردد، مبادا به جای اصلاح شیوه‌ها که طبیعتاً باید به صورت مداوم و علمی انجام گیرد با نازرنگی تلقی بازنگری دراصول را دراذهان عمومی زنده کنیم و انحرافی جدید بیافرینیم که مسیر تحقق آرمانهای تمدن اسلامی را طولانی‌تر کند. آن اصلاحات را نسل صادق و سالم و خدوم امروز، با استفاده از تجربه گرانقدر گذشته باید به عهده گیرد، والا باز خطر فریفته شدن در مقابل ظواهر تمدن غرب و خدای ناکرده تبدیل شدن به مضحکه‌ای از آن نوع تمدن و زندگی مادی، که دین گریزان مسلط بر جهان مایلند در همه کشورها رواج دهند، ما را جداً تهدید خواهد کرد."

---

۱. همان، ۷۷/۴/۲۵.

حمیدرضا ترقی[1] عضو شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه در مورد برخی دیگر از دیدگاههای سیاسی خود چنین می‌گوید:

فعالیت احزاب:

"آنچه در قانون اساسی تأکید شده این است که در فضای سیاسی کشور اجازه فعالیت به احزابی که قانون اساسی را قبول دارند داده شود. اما این واقعیت روی ورق طبیعتاً با واقعیتهای جامعه و آنچه که از تجربه سیاسی نیم قرن گذشته در کشور به دست می‌آید کاملاً متفاوت است. ما یک بستر و فضای آماده برای احزاب داریم، اما احزابی که بتوانند در این فضا کاری را ارائه دهند نداریم، زیرا احزاب در کشور شاکله لازم برای یک حزب را ندارند. در کشور ما عمده احزاب حالت قبیله‌ای دارند، عده‌ای براساس روابط دوستی یا فامیلی دور هم جمع شده‌اند و اسمش را حزب گذاشته‌اند.»

اشتراک با کارگزاران سازندگی:

"به نظر من هیچ رابطه فکری بین ما نیست. زیرا درمسائل اقتصادی در بعضی از روشها و موضع‌گیرها ممکن است اشتراک نظر داشته باشیم اما در کلیت چون کارگزاران توسعه را منهای عدالت اجتماعی دنبال می‌کنند با آنها اختلاف نظر داریم."

مواضع اقتصادی:

مواضع اقتصادی این گروه از آنجاکه اعضای برجسته این گروه در مدیریت اقتصادی کشور در دو دهه اخیر نقش مهمی داشته‌اند بسیار در خور توجه است. از طرفی این گروه برخلاف اکثر گروههای دیگر که مواضع اقتصادی آنچنان شفافی ندارند، دارای یک سری نقطه نظرات روشن و تا حدودی مدون در زمینه‌های اقتصادی می‌باشد. از آنجا که سیاستگذاران این گروه همه دارای نوعی وابستگی به بازار و صاحبان تجارت آزاد می‌باشند و صراحتاً از تجارت آزاد دفاع نموده‌اند، به طور کلی می‌توان این گروه را متمایل به دیدگاه اقتصاد بازار آزاد، خصوصی سازی وعدم دخالت غیرضروری دولت در عرصه‌های

---

۱. آفتاب امروز، ۷۸/۸/۱۹.

اقتصادی دانست. عسگر اولادی[1] فاصله گرفتن از اقتصاد دولتی را به تبدیل شدن اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی تعبیر می‌کند و آن را ضروری می‌داند، او می‌گوید:

"یکی از اقتصاددانان اظهار کرده است که اقتصاد ایران بزرگترین اقتصاد دولتی را در جهان داراست، چنانچه این حرف صحت داشته باشد باید با جدیت تمام تلاش کنیم تا این اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی تبدیل می‌شود."

وی همچنین بر برپایی عدالت اجتماعی و مشارکت واقعی مردم در عرصه‌های مختلف تأکید می‌کند:

"باید زمینه برای مشارکت واقعی مردم فراهم باشد و امکان برپایی قسط و عدالت اجتماعی به مردم داده شود و عدالت اجتماعی در بخشهای سیاسی، اقتصادی و قضایی امکان تحقق بیابد."

ایشان علت انحصارات و دخالت دولت در اقتصاد کشور را مشکلات گذشته دولت از جمله جنگ دانسته و بر لغو آنها تأکید می‌کند:

"در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی ناگزیر از برخی دخالتها و ایجاد انحصارات شدیم، اما در حال حاضر شرایط به گونه‌ای است که امکان لغو انحصارات و مشارکت بیشتر مردم وجود دارد. اگر مشارکت مردمی به معنای واقعی تحقق پیدا کند عدالت اجتماعی نیز در تمامی زمینه‌ها محقق خواهد شد."

سید علی نقی خاموشی[2] رئیس اتاق بازرگانی کشور و عضو جمعیت مؤتلفه در رابطه با طرح ساماندهی اقتصادی رئیس جمهور خاتمی و طرح اتاق بازرگانی برای خروج اقتصاد کشور از بن‌بست می‌گوید:

"تنها اتاق بازرگانی برای ۶ مورد از دغدغه‌های مطرح شده در سخنان رئیس جمهوری (ازجمله رکود اقتصادی) پیشنهادهایی ارائه داد که مورد استقبال واقع شد. در حال حاضر واحدهای تولیدی با سه معضل کمبود نقدینگی، کمبود ارز و رکود بازار مواجه هستند که در چنین وضعیتی باید قدرت خرید مردم را افزایش داد. در چنین اوضاعی سیاست انقباضی

---

۱ و ۲. شما، ۷۷/۶/۵.

سیاست مسمومی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود، بنابراین سیاست پولی و بانکی باید تغییر یابد تا رکود برطرف شود."

یحیی آل اسحاق[۱] وزیر بازرگانی کابینه هاشمی رفسنجانی و قائم مقام بنیاد مستضعفان و جانبازان و از اعضای مؤتلفه میگوید:

"کلیات طرح ساماندهی اقتصادی مورد تأئید مقام معظم رهبری قرار گرفته است، اما در مورد راهکارهای اجرای آن احساس می‌شود که باید هماهنگی بیشتری وجود داشته باشد. برخی افراد این طرح را به آینده حواله می‌دهند، در حالی که وضعیت اقتصادی کشور حادتر از آن است که طرح ساماندهی را به برنامه توسعه بعدی حواله دهیم، باید در مسائل اجرایی و اتخاذ راهکارهای لازم سرعت عمل بیشتری به خرج داد."

دکتر علی عباسپور[۲] نماینده مجلس علت مشکلات اقتصادی جامعه را رکود بین‌المللی و همچنین عدم هماهنگی و اقتدار لازم مدیریت اقتصادی کشور می‌داند، او می‌گوید:

"ریشه این وضع نامطلوب اقتصادی در عواملی است که برخی از آنها در خارج از کشور می‌باشد، مانند رکود بین المللی حاکم برجهان و یاکاهش (مقطعی) قیمت نفت. اما آنچه که جای تأمل است عدم حساسیت لازم نسبت به تورم و رکود و نبود هماهنگی در دستگاههای اقتصادی برای حل این معضل مهم کشور است. در این شرایط حاد اقتصادی آنچه که می‌تواند کشور را از بحران به وجود آمده نجات دهد اقتدار مدیریت، یکپارچگی و هماهنگی در تصمیمات اقتصادی، استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود، تکیه بر مزیتهای اقتصادی کشور و استفاده از اساتید علم اقتصاد در دانشگاههای کشور با دوری جستن از تنگ‌نظریها است."

از سوی دیگر ایشان اجزای تیم اقتصادی دولت را ناهماهنگ و دنبال‌رو اهداف جناح خود می‌داند و آن را یکی دیگر از مشکلات اقتصادی دولت برمی‌شمارد:

"علیرغم عزم راسخ رئیس جمهور (خاتمی) برای حل مشکلات اقتصادی، اجزای دولت از انسجام کافی برخوردار نیستند و مدیران اجرائی به جای هماهنگی در سیاستها به

---

۱. شما، ۷۷/۶/۵.   ۲. همان، ۷۷/۴/۲۵.

منظور رسیدن به اهداف تعیین شده از سوی رئیس جمهور، هر کدام به دنبال اهداف و نقطه نظرات خود و جناح خود می‌باشند.»

ایشان همچنین مشکلات اقتصادی کشور و از جمله خیل بیکاران را قابل حل می‌داند:

«در رابطه با مشکلات ریشه‌ای اقتصاد کشورمان حقیقتی که وجود دارد اینست که نعمتهای خدادادی در این کشور فراوان است. من معتقد هستم که درآمدهای ارزی کشور به طور مناسب هزینه نمی‌شود، دولت باید کارآمدی لازم را داشته باشد و بخصوص در موقعیت فعلی با مدیریت بالائی که اعمال می‌کند باید بتواند این منابع مالی را به طور مناسب هزینه کند و اینها را بخصوص در اختیار بهره‌برداری از پتانسیل‌های بالقوه موجود در کشور قرار دهد. از یک طرف ما نیروی متخصص خوبی را در این چند سال اخیر در کشورمان تربیت کرده‌ایم و جوانان زیادی امروز در رشته‌های فنی، فرهنگی، کشاورزی و صنعتی آمادهٔ کار هستند. اگر دولت بتواند برنامه‌ریزی صحیح انجام دهد که این نیروها را برای بهره‌برداری از امکانات بالقوه کشور به کار بگیرد، امکان اینکه در آینده اقتصادمان از حالت تک محصولی خارج شده و از امکانات بالقوه کشور استفاده شود به وجود می‌آید.»

محمد نبی حبیبی[1] دبیر اجرائی جمعیت مؤتلفه، مهمترین مشکلات اقتصادی کشور را وجود اختلاف در نگرش اقتصادی مسئولین دولتی در وزارت اقتصاد و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی و عدم توافق آنها در ارائه یک راه‌حل برای برطرف نمودن مشکلات اقتصادی مردم می‌داند.

عباس وکیل، کارشناس[2] مسائل اقتصادی در هفته‌نامه «شما» ارگان این جمعیت در مورد پیوستن ایران به بازار آزاد جهانی و یا به عبارتی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (پیمان گات) چنین می‌گوید:

«این سؤال که آیا ایران باید عضو سازمان تجارت جهانی گردد یا خیر شاید خیلی منطقی نباشد. زیرا در شرایطی که با پیشرفت ارتباط الکترونیکی، رایانه‌ای و ماهواره‌ای نوع نگرش جهانیان به روابط بین‌المللی تغییر یافته و جایگاه سیاسی واقتصادی هر کشور براساس نوع

---

۱. همان، ۷۸/۵/۲۸.   ۲. همان، ۷۷/۸/۲۸.

و میزان ارتباط آن با سایر کشورها موردارزیابی قرار می‌گیرد، جدا ماندن از سازمانی که هم اکنون ۱۳۲ کشور عضو آن هستند، اگر امروز قابل تحمل باشد، فردا که محدودیتهای سازمان تجارت جهانی اعمال گردد و مشکلات فراوانی در معاملات و روابط تجاری بین‌المللی ایجاد شود دیگر نمی‌توان از کنار آن گذشت و نسبت به آن بی تفاوت بود. از طرفی اینکه در شرایط فعلی اقتصادی کشور اگر عضو این سازمان جهانی شویم نمی‌توان اطمینان داشت تا چه میزان منافع و مصالح کشور را رعایت کرده‌ایم. آنچه مسلم است کشور ما برای عضویت در سازمان تجارت جهانی که یک امر ضروری هم هست، باید پس از گذر از مراحلی در رشد کشاورزی و صنعتی و بهبود و ساماندهی نظام اقتصادی خویش اقدام کند تا بتواند با اقتدار در عرصه بین‌المللی حضور داشته باشد، در غیراینصورت به تابعی محض و کم تأثیر در سازمان جهانی تجارت تبدیل خواهد شد. که مجبور است قبل از ساختن بنیه و توان اقتصادی خود بارگرانی را تحمل نماید.»

مواضع فرهنگی:

این جمعیت تأکید فراوان بر فرهنگی اسلامی و سنتی حاکم بر جامعه داشته و آزادیهای بیشتر فرهنگی که ممکن است خواسته یا ناخواسته با ابتذال و هجوم فرهنگ بیگانه و غربی همراه شود را رد می‌کند، در این میان موضع‌گیری این جمعیت در مقابل آزادیهای داده شده به مطبوعات بسیار جالب توجه است. عسگر اولادی در رابطه با مطبوعات و نویسندگان آنها چنین می‌گوید[۱]:

«الان شرایط (اصلاحات) رقابت سالم سیاسی در جامعه هست. در این مسیر رقابت سالم سیاسی باید فعالیت‌ها شکل بگیرد. الان سه دسته از قلم به دست‌ها، دارند لطمه می‌زنند. یک دسته کسانی هستند که خیال می‌کنند هیچ واقعه‌ای در کشور اتفاق نیفتاده و جوری قلم می‌زنند که نسل جوان را مأیوس می‌کنند. دسته دیگر کسانی هستند که در تجری جرأت فوق‌العاده‌ای را به خرج می‌دهند که رقبای خودشان را از صحنه بیرون کنند. خودش

---

۱. ماهنامه گزارش روز، آبان ۱۳۷۷.

را نمی‌خواهد اثبات کند می‌خواهد طرف مقابل را حذف کند. و دسته سوم قلم به دستان، کسانی هستند که ارزشها و مسائل ارزشی انقلاب را مورد حمله قرار می‌دهند. این سه دسته لطمه می‌زنند در صورتی که شرایطی برای ما پدیده آمده (اصلاحات) که یک شرایط بسیار خوبی است که ما باید رقابت سالم سیاسی داشته باشیم."

جمعیت مؤتلفه در بخشی از مواضع[1] خود که اختصاص به مسائل فرهنگی دارد نظرات خود را چنین بیان می‌کند:

"آزادی یکی از شعارهای گرانسنگ ملت ایران در انقلاب شکوهمند خود بود. امروز مطبوعات آزاد و احزاب آزاد، نمادی از زیبائیهای نظام مردمی جمهوری اسلامی است. جمعیت مؤتلفه اسلامی معتقد است راه اصولی حفظ آزادیهای سیاسی و برخورداری‌های مردم از این نعمت الهی، حفظ حریم انسانها و رعایت ادب و نزاکت سیاسی واخلاقی است. اگر قلم و بیان مسیر تهمت و دروغ و تشویش اذهان را طی کند، دیری نمی‌پاید از این نعمت خداوندی محروم خواهیم شد. ما معتقدیم حق آن دسته از مردمی که به دلایل گوناگون از جمله ضعف مالی نتوانسته‌اند حزبی یا نشریه‌ای دست و پا کنند نباید توسط برخی که از این امکانات برخوردارند ضایع گردد. همچنین ما معتقدیم تجربه مشروطیت ونهضت ملی به ما می‌آموزد که از نفوذ عوامل دشمن در رسانه‌های مکتوب که رکن چهارم جامعه‌اند جلوگیری کنیم و این مهم به هوشیاری خاص و قانونمند محتاج است."

حمیدرضا ترقی در مورد برخی مطبوعاتی که چاپ و منتشر می‌شدند چنین می‌گوید:

"امروز حرکت مطبوعات در تضعیف و تشکیک و تردید ایجاد کردن نسبت به اصل ولایت فقیه به عنوان یک استراتژی استکباری از سوی عوامل ستون پنجم دشمن در داخل کشور دنبال و ترویج می‌شود تا شاید بتوانند این محور اصول گرایی و حافظ شعور فرهنگی، سیاسی و دینی کشور را خدشه‌دار سازند."

اسداله بادامچیان[2] نیز روشنفکر امروزی را به سه دسته روشنفکر مسلمان و روشنفکر غربزده و روشنفکر شرقزده تقسیم بندی می‌کند وهر یک را چنین توصیف می‌کند:

---

۱. شما، ۷۷/۳/۱۴.
۲. همان، ۷۷/۳/۱۴.

"روشنفکر مسلمان انسان آشنای به اسلام و عـمیق‌نگر در اسـلام، ومـتعهد و مـتقی و مجاهد و مخلص است که هر روز براساس توجیه‌های قرآن و احادیث، در ابتکار و ابداع و فکر و تعقل و تفکر و تدبر و انتخاب کمال و تکامل و در خدمت خدا و همه آفریده‌های خدا به ویژه مردم است و روشنفکر غربزده نقطه مقابل روشنفکر اسـلامی است، ولو مسـلمان باشد. این نوع روشنفکران مغز و فکر و چشم آنها حیران غرب است و شعاع غرب برای آنها کاری کرده است که غیر از غرب و غربی هیچ چیزی را نمی‌توانند ببینند، اینان هم بر چند دسته هستند:

مسلمان غربزده روشنفکر، مسلمان غربزده به قول آل احمد معجونی شگفت‌آور است. اسلام را فی‌الجمله قبول دارد، اما هر جا که اسلام با غرب و بینش غربی تفاوت دارد او از آن وحشت می‌کند و آن را نادیده می‌گیرد، هرجا غرب تحلیلی غرب‌گرایانه بر اسلام دارد آن را به جان و دل می‌پذیرد و آن را بینش مترقی! در اسلام می‌داند. روشنفکر غربزده مسلمان از مردم گسسته است، زیرا ایمان توده‌های مردم را نمی‌تواند پذیرا باشد، او مـردم را «جـامعه توده‌وار» می‌نامد، یعنی آدمهائی که بدون تعقل و علوم غربی هستند و دسته جمعی از علماء تبعیت می‌کنند و دسته دیگر بی‌هویتهایی غربزده هستند که نه سواد و معلوماتی ولو غربی دارند و نه فکر و اندیشه غرب را می‌شناسند، فقط به اقتضای مد روز تصور می‌کنند که اگر ادای غربی‌ها و غربزده‌ها را در بیاورند شخصیت روشنفکرانه! یافته‌اند.

روشنفکر شرق‌زده که اینها هم همان دسته بندی غرب‌زده‌ها را دارند یعنی روشنفکر شرق‌زده که سردرگم‌تر از غرب زده‌هاست. این روشـنفکران مسـلمان شـرقزده مـلغمه‌ای آشفته‌اند. کمی اسلام به شرط آنکه با سـوسیالیسم و کـمونیسم بـخوانـد، هـمراه کـمی از سوسیالیسم، کمونیسم و اومانیسم، همراه مقداری فرهنگ ایرانی و ملی، به اضافه مقتضیات جامعه ایرانی و مردم، در افکار و نوشته‌های آنان به چشـم مـی‌خورد و در نـتیجه کـلمات بورژوازی، عدالت اجتماعی، فئودالیسم و روند جبر تاریخی مارکسیستی در نـوشته‌ها و سخنان آنان زیاد به کار می‌رود."

سیدمصطفی میرسلیم[۱] از کادر اجرائی فعال این جمعیت در دو دهه اخیر که مدتی سمت وزارت فرهنگ و ارشاد را برعهده داشت و تا حدود زیادی فضای فرهنگی کشور را در کنترل دولت در آورد، راجع به مطبوعات حدود و آزادیهای آنها چنین می‌گوید:

"آنچه از وضع ناهنجار مطبوعات نوپا فهمیده می‌شود آزادی بیشتر نیست. بی‌توجهی به حدود مطبوعات و ضعف نظارت است. پرداخت هزینه آزادی یعنی با دقت بر حریم آن نظارت کردن و پاسداری از حدود آن نمودن و نه باز کردن راه استفاده غیرقانونی یا هموار کردن راه سوءاستفاده‌های قانونی. پاسخگوئی به پرسشهای طبیعی مردم واجب، درست و وظیفه مقدسی است ولی ایجاد ابهام و تکثیر سؤال برای مردم زیر لوای جریان آزاد اطلاعات و گیج‌کردن و در حیرت رها نمودن آنها در میان شایعات بی‌شمار و اغراق‌گویی‌های بسیار و اراجیف متعدد پسندیده نیست. مطرح کردن اشکال و شبهه به صورت تخصصی بی ضرر بلکه خود در برگیرنده بخشی از پاسخ است، اما ارائه کردن شبهات وابهامات به صورت تبلیغی و عمومی با اتخاذ شیوه‌های منافقانه، قطعاً مسأله‌ساز است و نباید ترویج شود."

"نیفتادن در دام جاسوسی و همکاری با دستگاههای اطلاعاتی بیگانه یا اقدام علیه امنیت ملی اگر به صورت سنت مطبوعاتی در آمده باشد، خود به خود در جامعه مطبوعاتی ایجاد مصونیت می‌کند، والاّ به نام شفافیت باید شاهد بی‌حیایی رسانه‌ها و عدم مراعات خطوط قرمز نظام باشیم، که مصداق شفافیت نیست بلکه ادغام ساده لوحی و خیانت است!"

ایشان در جایی دیگر می‌گوید:

"مطبوعات چون آینه‌اند. باید منعکس کننده حق باشند و نه منعکس کننده اغراق‌آمیز یا خفیف کننده، چنان انعکاس معوجی به سستی نظام وتزلزل ارکان آن کمک می‌کند. آیا مطبوعات بازار تخلیه خشم و هیجان مردم اند یا ایجاد کننده خشم و هیجان و برانگیزنده حساسیت و تخریب‌کننده عواطف و اغراق کننده کاستی‌ها و تشدید کنندهٔ تفرقه‌های قومی و مسائل بومی و درگیری‌های طایفه گی و زبانی براساس تعمیق جدایی‌ها؟"

---

۱. شما، ۷۷/۱۱/۱۷.

"با این شعار که هیچ پیام شایسته‌ای در عرصه فرهنگ نباید از انتقال محروم گردد، در و پنجره را برای هر نوع انتقال پیام باز گذاردن همچون شمشیر تیز به دست زنگی مست دادن وساده انگاری راه حکومت است، در موضعی که نیاز به هوشیاری و سختگیری بیشتر است."

میرسلیم نظارت بر مطبوعات را لازم می‌شمارد و ضعف آن را باعث خسارت دیدن آزادی‌های مشروع مردم می‌داند:

"شیوه‌های بزرگنمایی، القاء مطلب با عناوین غیرعادی و درشت و عکسهای خاص، آرایش و طراحی‌های ویژه، قیچی کردن حقیقت با به کارگیری جملات و عبارات محرک احساسات و استفاده از ترفندهایی که مشکلات قانونی را در ظاهر حذف کند ولی ضمناً موجب جلب تعداد بیشتر خواننده شود، همه اثبات می‌کند که نظارت بر مطبوعات باید با دقت و وسواس و بی طرفی انجام گیرد نه آنکه اعمال مراقبت معادل ترویج پنهان‌کاری قلمداد و سپس کلاً یا جزئاً تعطیل شود. عدم نظارت یا ضعف نظارت همیشه و همه‌جا باعث رشد تخلفها و در نهایت خسارت دیدن آزادی‌های مشروع شده و می‌شود."

مؤسسه فرهنگی انصار حزب‌الله

نام کامل: مؤسسه فرهنگی انصار حزب الله

نام دبیر: عبدالحمید محتشم

اعضای فعال: عبدالحمید محتشم، مجتبی کشانی، کمیل کاوه

توضیح: سردار حسین الله کرم پس از مدتی از انصار حزب الله جدا شده و گروه موسوم به اتحادیه دانشجویان حزب‌الله و هیئت سیاسی معنوی حزب الله را به همراه آقای منصور ارضی تشکیل می‌دادند و ده نمکی نیز پس از مدتی از انصار حزب‌الله جدا شد و گروهی موسوم به حزب الله تهران را تشکیل و نشریه نوای شلمچه و پس از لغو امتیاز آن نشریه، جبهه را منتشر می‌کردند که نشریه اخیر هم توقیف شد.

برخی دیگر از افرادی که دارای دیدگاههای نزدیک به این تشکل می‌باشند عبارتند از: محمد علی رامین، مهدی نصیری، سیداحمد خاتمی، غلامحسین الهام، فاطمه رجبی، سیداحمد علم الهدی، احمدجنتی، یوسفعلی میرشکاک، احمد کاظم‌زاده، محمد کاظم‌زاده، علی حسین‌پور.

مرامنامه:

هدف: حفظ و استمرار انقلاب اسلامی وارزشهای آن تحت امر ولایت.

صورت پذیری نقش‌ها: تحقق این نقش در دو جنبه امر به معروف ونهی از منکر میسر است.

الف ـ نقش الهی امر به معروف

۱ـ عکس العمل فوری و مناسب نسبت به رهنمودها و فرامین مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین که به حسب مناسبت‌ها و ضرورت‌های حیاتی انقلاب از سوی معظم له ابراز می‌شود.

۲ـ فعالیتهای روشنگر و مثبت فرهنگی مانند انتشار نشریه و کتاب و بیانیه.

۳ـ تلاش در جهت تنبه و در صحنه نگه‌داشتن حزب الله به منظور دستیابی به هدف کلی ذکر شده.

۴ـ کوشش در فراگیر کردن فرهنگ امر به معروف انفرادی و مستقیم لسانی.

۵ـ برگزاری گردهمائی و تبادل‌نظر در راستای اهداف ارزشی انقلاب و جنگ.

۶ـ تبیین، احیاء وترویج شعائر اسلامی.

۷ـ نصیحت و خیرخواهی مسئولین وکارگزاران نظام اسلامی.

۸ـ مساعدت وهمکاری فعال با ارگان‌های ذیربط حکومتی در حسن اجرای وظایف قانونی محوله.

ب ـ نقش الهی نهی از منکر

۱ـ مبارزه با علل و عوامل مهاجم و ضد ارزش‌های اسلامی.

۲ـ تحقق مسئله نهی از منکر در همه ابعاد آن.

۳ـ هشدارهای ضروری و حیاتی نسبت به.بعضی عملکردهای رده‌های مختلف.

۴ـ تلاش در کشف و افشاء توطئه‌های فرهنگی وهمکاری با مراجع مسئول در خنثی نمودن آنها.

۵ـ کوشش پی‌گیر در جلوگیری از گسترش نمودهای باطل ومبتذل مظاهر اجتماعی

فساد و مادیگری و تجمل‌پرستی.

تذکر: هر عضو از جمع انصار حزب الله باید قبل از دیگران از صفاتی همچون تقوی، تفاهم برادرانه، نظم و صداقت انقلابی، تواضع، ارزش بخشی به افراد، روح توبه و انتقاد پذیری، خلاقیت و خودجوشی برخوردار بوده باشد.

تاریخچه تشکیل[۱]:

تاریخ تشکیل انصار حزب الله را می‌توان دی‌ماه سال ۱۳۷۰ دانست، در آن زمان به فاصله سه سال از اتمام جنگ و شروع پروسه توسعه اقتصادی و بهبود نسبی روابط با کشورهای خارجی و تا حدودی کشورهای غربی برخی از مظاهر غرب وارد کشور شده بود و بعضی نیروهای حزب اللهی به صورت خودجوش تشکیل شد که عمده کار آنها عبارت بود از برخورد با مراکز فساد، برخورد با مسائل خرافی و ضدارزشی که در مقابل سنت اسلامی دامن زده می‌شدند، همچنین برخورد با فروشندگانی که اشاعه فساد می‌کردند و یا برخورد با مسئله بدحجابی درمیادین بزرگ شهر مثل ولی‌عصر و یا نفی سرمایه‌داری نوظهور که نمونه آن در احداث برج سفید خیابان پاسداران بود و غیره. این برخوردها نوعاً حرکتهای امر به معروف و نهی از منکر به صورت جمعی یا گروههای موتورسوار و تظاهرکننده بودند که با اعتراض نسبت به یک موضوع اقدام به خواندن بیانیه‌ای می‌کردند وبه تظاهرات خاتمه می‌دادند. در همان زمان مسائلی مثل حضور کمپانی آمریکایی مک دانل (فروشگاه مواد غذایی و همبرگر مک دونالد) پیش آمد یا مثلاً تولید نوشابه کوکاکولا درمشهد که مورد اعتراض خودجوش عناصر حزب اللهی قرار گرفت. اما برخوردهای انتقادی به همین جا ختم نمی‌شد. در همان زمان پخش محدود فیلم شبهای زاینده رود از مخملباف و انتشار برخی کتابها ومطبوعات که از سوی نیروهای حزب اللهی، ضدانقلابی و دگراندیش شناخته شده بودند اعتراضاتی را از وزیر ارشاد آن زمان یعنی سیدمحمد خاتمی

---

۱. برگرفته از قسمتهایی از سخنرانی اعضای برجسته انصار حزب‌الله در گردهمایی انصار حزب‌الله ـ مأخذ آرشیو گروه فرهنگی انصار حزب‌الله.

(رئیس جمهور فعلی) برانگیخت و در این حالت برخوردهای انتقادی می‌رفت تا تبدیل به برخوردهای جدی و فیزیکی شود یعنی به نوعی به مسئولان نظام هشدارهای لازم از طرف نیروهای حزب‌اللهی داده شد که جلوی این مسائل گرفته شود، در غیر این صورت نیروهای حزب‌اللهی خود اقدام لازم را انجام خواهند داد. در این زمان مسئله مجله فاراد پیش‌آمد که یک عکس مونتاژ شده توهین‌آمیز از حضرت امام(ره) را چاپ کرد. که در این حالت برخورد عام و جدی با این مسئله از سوی نیروهای حزب‌اللهی صورت گرفت، پس از آن با مجلاتی چون تکاپوی بانوان، دنیای سخن، کیان، گردون و... نیز به همین ترتیب برخورد شد وضعیت به همین شکل ادامه داشت تا آنکه این قضایا باعث استعفای سیدمحمدخاتمی در اوایل سال ۱۳۷۲ شد. همزمان اعتراضاتی به عملکرد وزارت کشور و شخص وزیر (در آن زمان آقای عبدالله نوری) صورت گرفت تا جایی که آقای هاشمی رفسنجانی مجبور شد در کابینه دوم خود از ایشان برای حضور در کابینه دعوت نکنند، درموردی هم اعتراض به نحوه عملکرد صدا و سیما مطرح شد که در آن زمان محمد هاشمی در رأس آن بود، این جریانات در طول سالهای ۷۱ تا ۷۳ باعث تغییر دو وزیر و ریاست صدا و سیما شد، به نحوی که سیدمحمد خاتمی باگرایش به جناح چپ و عبدالله نوری باگرایش‌های مستقل و تا حدودی نزدیک‌تر به جناح چپ و بعدها کارگزاران، همچنین محمدهاشمی (برادر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت) که بعداً با انشعاب از جناح راست به حزب کارگزاران پیوست، از قدرت کنار رفتند و به جای آنها علی لاریجانی و سپس سیدمصطفی میرسلیم از منسوبین به جناح راست عهده‌دار وزارت ارشاد شدند. علی محمدبشارتی منسوب به جناح راست عهده‌دار وزارت کشور شد. همچنین پس از مدتی کار در وزارت ارشاد علی لاریجانی به سمت ریاست صدا و سیما منصوب شد.

در سال ۱۳۷۲ از طرف تشکلی از نیروهای حزب‌اللهی مکاتبه‌ای با مقام معظم رهبری صورت می‌گیرد، در آن نامه به مفاسدی که در جامعه وجود داشت و همچنین نارضایتی هایی که از وزارت ارشاد و وزارت کشور وجود داشت همچنین عدم برخوردهای لازم از طرف وزارت اطلاعات تشریح می‌شد و سپس از ایشان استفسار می‌شود که تکلیف ما در

وضعیت کنونی چیست آیا ما وظیفه‌ای داریم یا خیر؟ در ضمن خط مشی و کیفیت نیروها و اهداف نیروهای حزب اللهی در این نامه تشریح می‌شود و سوال می‌شود آیا صلاح است که این تشکل این کارها (امر به معروف و نهی از منکر) را انجام بدهد یا خیر؟ پس از این مکاتبه رهبر انقلاب در سخنرانی عمومی خود در اوایل محرم سال ۱۳۷۲ برخی رهنمودهایی را ارائه دادند که پس از آن تشکل انصار حزب‌الله به شکل نیروی منسجم و با خط مشی مشخص در اواخر سال ۱۳۷۲ به وجود آمد ونمود بارز آن انتشار ارگان این تشکل با نام یالثارات الحسین بود که اولین شماره آن در اواخر سال ۱۳۷۲ منتشر شد، هر چند این گروه معتقد است که ما گروهی از نیروهای حزب اللهی هستیم و مطابق اصل هشتم قانون اساسی این جمع نیاز به مجوز ندارند، اما بهر تقدیر این تشکل با نام موسسه فرهنگی انصار حزب‌الله به تاریخ ۷۳/۹/۲۹ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت اخذ نمود و در تاریخ ۷۳/۱۲/۲۲ در سازمان ثبت با نام موسسه فرهنگی انصار حزب الله به ثبت رسید. پس از آغاز به کار رسمی این موسسه تا مقطع انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری عملکرد این گروه به صورت امر به معروف و نهی از منکر و حضور در تمام صحنه‌هایی که مورد لزوم تشخیص می‌دادند بود تا این مقطع زمانی این گروه همواره از ورود به صحنه‌های سیاسی خودداری می‌نمود. اقامه نماز جماعت در میدانهای بزرگ مرکز شهر (مثلاً میدان ولی‌عصر تهران) برخورد مداوم و جلوگیری از سخنرانی جریانهای روشنفکری و برخی از افراد از جمله عبدالکریم سروش و دعوت ایشان به مناظره رودررو، همچنین برخورد با راهپیمایی‌های دانشجویی دفتر تحکیم وحدت که بعضاً به خشونت‌های محدودی منجر می‌شد و اجتماعات و اعتراضات دیگر ازجمنه اقدامات این گروه تا سال ۱۳۷۶ بود. تا اوایل سال ۱۳۷۶ این گروه کاملاً به دور از مسائل سیاسی روز به عملکرد انتقادی خود نسبت به عملکرد برخی مسئولین و افراد ادامه می‌داد، اما با اعلام نامزدی سیدمحمدخاتمی به عنوان کاندیدای جناح موسوم به چپ و به دلیل اختلافات دیدگاههای قدیمی انصار حزب الله و خاتمی در مورد عملکرد ایشان در زمان تصدی پست وزارت ارشاد، این گروه عملاً وارد عرصه سیاست شد و در شماره ۳۷ نشریه یالثارات‌الحسین که بسیار نیز جنجال برانگیز بود

به شدت از عملکردها و دیدگاههای ایشان انتقاد کرد. این نشریه در بحبوحه تبلیغات ریاست جمهوری منتشر شد واز آن پس انصار حزب الله عملاً در عرصه سیاسی کشور مطرح شد و پس از پیروزی خاتمی و شروع بکار ایشان این گروه از منتقدین سرسخت دولت آقای خاتمی در برخی از عرصه‌ها علی‌الخصوص عرصه فرهنگی و اقتصادی بوده است که این عملکرد به علاوه تشکیل گروههای امر به معروف و نهی از منکر در مواقع مورد لزوم از جمله فعالیتهای این گروه تا این اواخر بوده است.

گرایش سیاسی:

این گروه خود را یک گروه سیاسی با خط مشی مشخص حزبی نمی‌داند، بلکه معتقد است طبق قانون اساسی که امر به معروف و نهی از منکر را واجب شرعی می‌داند و از طرفی چون در شرع مقدس اسلام و در قرآن و روایات متعدد به آن تأکید شده است می‌تواند اقدام به این واجب (امر به معروف و نهی از منکر) نماید. در دومین بیانیه این گروه چنین می‌خوانیم[1]:

"انصار حزب الله یک تشکیلات یا یک حزب نیست و امر به معروف و نهی از منکر نیز مشروط به اجازه نمی‌باشدزیرا قانون اساسی این واجب شرعی را یک وظیفه ملی و مردمی (نه حکومتی و دولتی) دانسته است."

از این رو این گروه خود را وامدار هیچ جناحی نمی‌داند، بر خط مشی مستقل خود پافشاری می‌کند وخود را جمعی بسیجی با دلی مالامال از خون می‌نامد. در اولین بیانیه این گروه می‌خوانیم[2]:

"انصار حزب‌الله که از سوی «راست» متهم به «چپ» و از سوی «چپ» متهم به «راست» و از سوی جبهه نفاق و سرمایه داری و روشنفکری متهم به «فالانژ» و «فاشیست» می‌شده‌اند و می‌شوند «جز همان بسیجیان با دلی مالامال از خون و سرهای بریده و دستهای شکسته و سینه‌های پاره پاره و داغدار از محبت دوست» نیستند."

---

۱. یا لثارات الحسین، ۷۴/۸/۱۵ ص ۲۴.

۲. همان، ۷۴/۸/۱۵ ص ۲۳.

"مزید اطلاع همگان «موسسه فرهنگی انصار حزب الله» یک موسسه ثبت شده و قانونی است که در حد وسع و مقررات خود در راستای استمرار انقلاب و حفظ و گسترش دستاوردهای ارزشی آن فعالیت می‌کند و خود را نه به عنوان تمامیت حزب‌الله و نه حتی بخشی از آن، بلکه به مثابه یار و درخدمت حزب الله می‌داند و هرگز به دنبال کسب رأی و اخذ مزد از مردم نبوده است[1]."

با اینکه این گروه خود را مستقل از جناح چپ و راست می‌داند و هرگونه رابطه تشکیلاتی با آنها را نفی می‌کند، اما در جریان انتخابات هفتمین دورهٔ ریاست جمهوری آشکارا وارد دسته بندی‌های سیاسی آن زمان شد و در تحلیل‌های فراوان خود به انتقاد از کاندیدای ائتلاف جناح چپ[2] و حزب کارگزاران یعنی آقای سیدمحمدخاتمی پرداخت و تلویحاً با اشاراتی حمایت خود را از آقای علی اکبر ناطق نوری کاندیدای جناح راست سنتی یا به اصطلاح آن زمان تشکلهای همسو شامل جامعه روحانیت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جمعیت مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسین، جامعه اسلامی پزشکان و... اعلام کرد. این موضعگیزی انصار حزب الله را می‌توان سرآغاز حضور پررنگ‌تر این گروه در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی کشور دانست. پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ و شروع پروسه اصلاحات، این گروه این تغییرات و اصلاحات را قانون اساسی و بعضاً خلاف شرع می‌داند. از این جهت می‌توان این گروه را همسو با جریان به اصطلاح راست سنتی (ارزشگرا) ارزیابی نمود که همواره در تقابل با جناح به اصطلاح چپ افراطی، لیبرالیسم، سرمایه داری جدید و روشنفکری غربی قرار دارد. اما در ابتدای تشکیل این گروه برخی این گروه را چپ جدید می‌دانستند و علت را آن هم موضع‌گیری‌های این گروه در مقابل سرمایه داری جدید و فاصله طبقاتی ناشی از توسعه اقتصادی و سیاست‌های تعدیل می‌دانستند، اما با تغییر موضع جناح چپ آن زمان و عدول آن از مواضع رادیکالی گذشته این گروه را می‌توان اکنون از لحاظ سیاسی راست سنتی (ارزشگرا) و اصولگرای ارزشمدار و وفادار به چارچوبهای مقدس نظام از جمله ولایت مطلقه فقیه دانست. در عرصه اقتصادی نیز می‌توان این گروه را

---

۱. همان، ص ۱۰، فروردین ماه ۱۳۷۷.

۲. همان، شماره‌های ۳۷ و ۳۸.

در زمره گروههای چپ طرفدار فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و مبارزه با طبقه مرفهین جدید دانست.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

خاستگاه این گروه را می‌توان دانشگاهها و بسیج‌های دانشجویی مستقر در دانشگاه‌ها و از طرفی نیروهای مقاومت بسیج مستقر در پایگاههای بسیج مساجد، ادارات، کارخانه‌ها و غیره دانست. همچنین حوزه‌های علمیه، بازار و اصناف از خاستگاههای دیگری است که این گروه از آنجا برخاسته است. اعضای این گروه را اکثراً جوانان متدین وحزب اللهی که برخی مدتی در جبهه‌های جنگ تحمیلی حضور داشته‌اند یا بعضاً به مدت طولانی در پایگاههای بسیج حضور فعال داشته‌اند تشکیل می‌دهند. البته حضور نوجوانان و جوانانی که هیچگاه به علت کم سن و سالی در آن موقع جبهه را درک نکرده‌اند در این گروه چشمگیر است. دانشجویان، بسیجیان، اعضای هیأتهای مذهبی و هیأت رزمندگان اسلام، طلاب علوم دینی، بازاریان عمدتاً و سایر اقشار مذهبی جامعه به نسبت کمتر از جمله طبقات اجتماعی تشکیل دهنده این گروه می‌باشند.

تشکیلات و نشریه وابسته:

از لحاظ تشکیلاتی می‌توان این گروه را یک تشکیلات تمام عیار ومنسجم دانست که بین اعضای آن ارتباط وهماهنگی خاصی وجود دارد، به نحوی که در بسیاری از موارد اعضای این گروه در مواقع خاص وارد عمل می‌شوند و اهداف این گروه که به گفته ایشان مهمترین آن امر به معروف ونهی از منکر است را دنبال می‌کنند، در اکثر شهرستانها گروههایی با خط مشی انصار حزب الله با همین اسم یا با نام امت حزب الله فعالیت می‌نمایند. از لحاظ تشکیلاتی چند گروه دیگر با دیدگاهها و نظریات مشابه با این گروه، وجود دارند که کاملاً با این گروه هماهنگ به نظر می‌رسند، مثلاً گروه حزب الله تهران که ده نمکی در رأس آن است و گروه اتحادیه دانشجویان حزب‌الله که حسین الله کرم در رأس

می‌باشد. نشریه یالثارات الحسین که از اواسط سال ۱۳۷۳ به صورت ماهنامه و محدود چاپ شد، اکنون به صورت هفته نامه و در آینده به صورت روزنامه کثیرالانتشار چاپ خواهد شد، ارگان این گروه بوده و نظریات این گروه رامنعکس می‌کند. نشریاتی چون جبهه، فکر، نوای شلمچه، صبح، پرتو سخن نیز تا حدودی دیدگاههای این گروه را منعکس می‌کنند.

مواضع سیاسی:

از آنجا که اعضای برجسته این گروه کمتر در مصاحبه‌های مطبوعاتی به تبیین نظریات خود پرداخته‌اند و اکثر دیدگاههای این گروه در هفته نامه یالثارات الحسین به چاپ می‌رسد ناگزیر برخی از مواضع سیاسی این گروه که در این نشریه به چاپ رسیده انتخاب شده است.

مفهوم آزادی[1]:

"ازادی درتفکر اسلامی در پیروی از تعالیم دینی و شریعت الهی و تابعیت از ولایت وغلبه بر نفس اماره و قرب نسبت به حضرت حق تحقق می‌یابد."

"صورت سیاسی آزادی در قلمرو اسلامی ذیل نظام ولایت فقیه معنا می‌یابد و از اساس با معنا، تعریف، حریم و حدود آزادی لیبرالی، تفاوت دارد."

"انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اندیشه دموکراسی و مبنای نظری اومانیستی تحقق نیافته است که بخواهد معنای لیبرالی آزادی را در جامعه حاکم نماید."

"در قلمرو معیارها و موازین اسلامی، آزادی لیبرالی امر باطلی است که روشنفکران لائیک و دینی بیهوده وقت خود را در پی آن هدر می‌دهند."

جامعه مدنی[2]:

"اگر هدف مبلغان و طراحان شعار «جامعه مدنی» در کشور ما قانونگرایی و دفاع از آزادی‌های مصرح در شرع وقانون اساسی است، تمامی اینها درچارچوب جامعهٔ ولایی و اساساً «فقط دراین چارچوب» قابل حصول است، پس دیگر نیازی به طرح شعار جامعه مدنی ـ که مبانی و ماهیت آن لیبرالی و غیر دینی است وجود ندارد و اگر هدف تحقق جامعه

---

۱. یالثارات الحسین، ص ۱۵-۱۸، ۷۶/۲/۱۱.
۲. همان، ص ۳۲، ۷۷/۲/۸.

مدنی به سبک نظامهای غربی باشد که این امر ذاتاً با تفکر ولایی، اسلامی در ستیز است و به معنای انکار حکومت اسلامی و سیطرهٔ کفر لیبرالی است و به نظر می‌رسد که گروهها، افراد و جناح‌های داخل کشور، جامعهٔ مدنی را ابزاری برای تحقق اهداف لیبرالی و مصالح جناحی خود قرار داده‌اند که در این صورت نیز باید به افشای آنها ونیز روشن ساختن ماهیت غیرالهی جامعهٔ مدنی پرداخت."

"اگر چه مروجین جامعهٔ مدنی ادعای آزادی و احیای حقوق انسانی دارند، اما در واقع تحت لوای جامعهٔ مدنی نظام حقوقی دینی ـ الهی و تکالیف اخلاقی بشر کاملاً نادیده گرفته می‌شود و اهوای بشر دایر بر مدار حیات اجتماعی و سیاسی و فردی او می‌گردد."

"جامعه مدنی یعنی نظامی که مبتنی بر قوانین بشری (غیرالهی و غیردینی) است و در آن اصل بر حفظ حقوق و امتیازاتی است که درنظام لیبرالی برای انسان در نظر گرفته شده است و طبیعی است که دین و تکالیف دینی و تعالیم الهی به عنوان اموری ماورایی، آسمانی، مقدس و تغییرناپذیر در آن جایی ندارد."

"جامعه مدنی واقعی یعنی جامعه ولایی اسلامی و اگر معیار مهم موردنظر در جامعه مدنی قانونگرایی باشد طبعاً عمل به قوانین در جامعه اسلامی یعنی تبعیت از ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی و وصایای حضرت امام(ره) و خط شهدا که همانا در مبارزه با لیبرالیسم و نفاق و سرمایه‌داری و التقاط و تکیه بر ارزشهای اسلامی و انقلابی خلاصه می‌شود."

لیبرالیسم[1]:

"با جرأت می‌توان گفت لیبرالیسم در مقطع کنونی اصلی‌ترین خطر و آلترناتیو (رقیب) در مقابل هویت اسلامی و انقلابی نظام جمهوری اسلامی است. در واقع لیبرالیسم ایدئولوژی غالب و حاکم غرب در زمانه ما است."

"در رویارویی بزرگی که ما بین کفر و دین درگرفته و شکل ظهور عینی آن صف بندی گسترده تمامی باطل در قالب استکبار جهانی در مقابل ام القراءاسلام یعنی نظام اسلامی ایران است، لیبرالیسم ایدئولوژی کفر و اسلام، تفکر مبنایی سپاه حق است."

---

۱. یالثارات الحسین، ص ۲۹، فروردین ماه ۱۳۷۷.

"بر تمامی ارادتمندان ولایت و نیروهای مؤمن به انقلاب وپیروان صدیق خط امام واجب است که هوشیارانه این حرکت خطرناک و خزنده (لیبرالیسم) را شناسایی کرده و ضمن افشاگری علیه اهداف پلید طراحان آگاه و مغرض این جریان، از طریق بحث‌های نظری و آگاه کننده نسبت به ماهیت مدرنیته، غرب، لیبرالیسم، اومانیسم و... طیف افراد صادق را از گردانندگان موذی وخطرناک این جریان جداکنند."

"هدف اصلی این جریان (لیبرالیسم)، ترویج افکار التقاطی و غربی و ماهیتاً ضد دینی در غالب تعابیر و واژه‌ها و الفاظ دینی است. در واقع این جریان با حفظ ظاهر اسلامی یک مفهوم، تلاش می‌کند تا بار معنایی غیردینی و لیبرالی به آن بدهد."

برخی از جناحها واحزاب سیاسی رقیب، این گروه را به دلیل عملکرد آن در گذشته و حال متهم به برخوردهای خشونت‌آمیز نموده و به این گروه لقب «گروه فشار» داده‌اند در مقابل این ادعا هفته نامه یا لثارات الحسین چنین می‌نویسد[1]:

"اصطلاح گروههای فشار و معنی و تعریف آن در جامعه‌شناسی سیاسی، جای بحث و تأمل دارد که ما پس از این درباره آن سخن خواهیم گفت و نشان خواهیم داد که عملکرد وهویت سیاسی حزب‌الله به عنوان یک جریان آرمانگرا، تعالی‌جو، شهادت‌طلب، مسلمان و اهل ولایت و آزادی‌خواه و معنویت‌گرا که ارتقاء و کمال مادی و معنوی آدمی و قرب به درگاه الهی و تقویت جبهه مؤمنان و حق پرستان را هدف قرار داده و علیه ظلم و زور و کفر و سرمایه‌داری و بی‌عدالتی و ترویج بی‌فرهنگی مبارزه کرده است، به هیچ روی با معیارهای تئوریک مفهوم «گروه فشار» همخوانی نداشته ومصداق مناسبی برای آن نیست."

"آیا جز حزب الله چه نیرویی در ایران ودر منطقه علیه سرمایه‌داری و فرهنگ رفاه‌طلبی ومصرف گرایی و انباشت ظالمانه سرمایه و رواج فرهنگ سرمایه‌داری در کشور و سلطه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه وجهان، صادقانه و شجاعانه مخالفت کرده و جنگیده است؟ پس چگونه و با چه معیاری حزب‌الله و عملکرد صادقانه، آرمان خواهانه، شهادت‌طلبانه، ضد سرمایه دارانه و ضد سلطه گری آن را می‌توان از مصادیق گروههای فشار

---

۱. همان، ص ۳۰، ۷۷/۲/۸.

دانست؟"

اصلاحات[۱]:

"اصلاح‌طلبی و بهسازی در شیوه‌های اجرایی قوانین و بازاندیشی در روشها برای تکامل حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امری مقبول و لازم و ضروری است زیرا برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی چاره‌ای جز اصلاح ساز و کارها نیست. نگرانیهای حاکم بر فضای فرهنگی کشور محتاج اندیشه‌های نو است و فرهنگ سیاسی ضرورت اصلاح را با تمام وجود حس می‌کند. ا ما مراد دشمنان اسلام از اصلاح‌طلبی این نیست و حمایت و خرسندی از چنین اصلاح‌طلبانی مدنظر آنان نیست. اصلاح‌طلبی در قرائت دشمنان نظام و بنگاههای وابسته به آنان، چیزی جز تجدیدنظر و دگرگونی بنیانها واصول اساسی نظام و دستاوردهای ملت مسلمان ایران نیست. در این قرائت حاکمیت دین در عرصه سیاست، ساخت سیاسی و فرهنگی نظام، روابط خارجی و... می‌بایست اصلاح و به عبارت روشنتر متحول و دگرگون شود."

ولایت فقیه:

"ولایت وامامت در طول تاریخ به منزله رأس و بلکه جان و روح پیکره امت حزب‌الله است. ولایت و امامتی که استمرار آن در عصر حاضر در حاکمیت ولایت مطلقه فقیه جلوه‌گر است، یعنی همان ولایت وحکومت رسول‌الله(ص) بدون هیچ کم و کاست، یعنی همان ولایت ائمه معصومین(ع)."

"اصل مترقی «ولایت فقیه»[۲] که زمام اختیارات و بار مسئولیت را در کف‌مردان خدا و نخبگان علم و اخلاق و سیاست دینی می‌نهد، شعار یک جناح نیست، بلکه مقوم قانون اساسی و روح انقلاب و یک آرمان اسلامی وملی است و ما هیچ حزب وجناحی را بدون التزام بدان به رسمیت نمی‌شناسیم."

"حفظ حریم ولایت فقیه ومقام معظم رهبری، نزد این مردم مهمترین معیار است وهر

---

۱. یالثارات الحسین، ۷۸/۱۱/۲۶.

۲. یالثارات الحسین، ۷۴/۱۱/۲۱.

کس پا روی این معیار بگذارد پایش شکسته خواهد شد.″

″اکنون حزب الله خود را در وفای به عهد و پیمان جاویدان در دفاع از ریشه‌ای‌ترین اصل اعتقادی یعنی رکن رکین و اصل اصیل نظام اسلامی، «ولایت فقیه»، متعهد و مسئول می‌بیند و قصد تأدیب پیمان‌شکنان و متجاوزان به حقوق و آمال اعتقادی و مذهبی ملت را دارد.″

″تبعیت حزب الله از رهبری الهی ولایت فقیه نه تنها به عنوان یک ویژگی مهم اوست، بلکه این خصلت به عنوان بخشی از ذات و ماهیت و هستی اوست و همانگونه که کلام مقدس وحی بدان گویاست فقط آن کس که این متابعت و پیروی از ولایت را دارد حزب‌الله است و بس و لاغیر و البته این نیز وعده حق است که در قبال چنین پیوند پیروی و متابعتی قرار گرفته است که در «فَاِنَّ حزبَ اللهِ هُمُ الغالِبُونَ».″

تحجر و انفعال:

″در واقع تحجر به معنای بسنده کردن به ظواهر احکام ونادیده گرفتن روح و جان وحقیقت تعالیم است و این امر سبب می‌گردد که قابلیت بی‌کران فقه شیعی در پاسخگویی به نیازها و مسائل زمانه و مقتضیات روزگار نادیده گرفته شود و چهره‌ای ممسوخ از حقیقت تابناک فقه اسلامی ارائه گردد.

اما از سوی دیگر خطر دیگری هم وجود دارد و آن، تسلیم شدن و خودباختگی و مرعوب شدن در برابر امواج تهاجم فرهنگ غربی و منورالفکرانه وغفلت از تمسک به احکام و حدود الهی است. جریان انفعال و خودباختگی به ویژه جریان خطرناکی است که در روزگار ما به شدت خودنمائی می‌کند و به مشابه خطر جدی، حقیقت و تمامیت انقلاب و آرمان‌های الهی آن را تهدید می‌کند. این جریان انفعالی با نادیده گرفتن یا کم بها دادن به اصالت وخلوص ارزشهای اسلامی، به ترویج پذیرش و تسلیم نسبت به فرهنگ بیگانه و مفاهیم غلط و ضدالهی بینش غربی اقدام می‌کند.″

حکومت و آرای مردم:

″جمهوری اسلامی صرفاً قالب و ابزاری برای اعمال حکومت الله بر جهان است و قابل

مقایسه با حکومت‌های پادشاهی واستبدادی، جمهوری و دموکراسی، حکومت اکثریت بر اقلیت و یا سلطه اقلیت بر اکثریت نیست."

"رأی مردم در چارچوبی که قانون اساسی نظام اسلامی مقرر داشته محترم است ونتیجهٔ آن پس از تنفیذ آراء، توسط مقام ولایت فقیه مشروع و قابل اجراست و جای هیچ چندوچونی ندارد."

وحدت جناحهای داخل نظام:

"تأکید می‌کنیم وحدت جناحهای داخل نظام، پاشنه آشیل و نقطه مرگ نفوذی‌ها و دشمنان نظام است، لذا باید هم بدنه اصیل، انقلابی و حزب‌اللهی وارزشی نظام وهم جناحهای داخلی و به خصوص نیروهای سالم جبهه دوم خرداد، به کشف حساسیت دشمنان توجه کنند و در جهت ایجاد بحران در صف دشمنان نظام با طرد نفوذی‌ها، به درک برادرانه‌ای از همدیگر برسند."

جمهوریت و اسلامیت نظام:

"غرض از علم کردن جمهوریت، جز یک فتنه خارجی، جز یک توطئه‌محض، هیچ چیز دیگری نیست. نه این که نظام اعتقادی به جمهوریت ندارد، به جمهوریت و به مردمی که آن را ایجاد کردند و حفظش می‌کنند، اعتقاد دارد. ولی اگر آن را مقابل اسلامیت قرار دادند، نه! این چیزی است که اینها قطعاً از این به بعد به آن دامن می‌زنند."

حکومت بر مردم[1]:

"ما بارها در جلسات خصوصی گفته‌ایم که عقیده حزب الله به این نیست که اگر اکثریت یک قیام و قعودی کرد، حکومت را به دستشان بدهیم. واقعاً انقلاب و این کشور که به دست آمده، خوشبختانه اکثریت مردم مسلمانند واز اول هم رأی مردم حاکم بوده، ولی فرض کنیم یک سری آدم، یک عده سوسول آمدند و به این رأی دادند که حکومت اسلامی نباشد. ما تکلیفمان چیست؟ باید بگوئیم آقا بفرمایید! مال شما؟ خون ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تا از این

---

۱. گزیده‌ای از سخنرانی یکی از اعضای برجسته انصار حزب‌الله در گردهمایی انصار حزب الله سال ۱۳۷۵ ـ آرشیو گروه فرهنگی انصار حزب‌الله.

بچه‌ها (شهدا) به پای نظام ریخته است.»

آینده سیاسی انصار حزب الله:

«با توجه به اینکه ما خودمان را از معادلات موجود سیاسی خارج می‌دانیم برای ما مطالب فرق زیادی نکرده، ممکن است شرایط احیاناً دشوار بشود ولی ما چیزی را نداشتیم که از دست بدهیم. فعلاً ما غیر از ابراز تأسف از این که در اینجا آرمانها وارزشها به سادگی پایمال می‌شود و در شرایط جدید این باعث تأسف ماست، ولی اینکه ارزشها متعلق به ما باشد یا ارث ما باشد که نیست بلکه میراث کل افراد است که پای این انقلاب زحمت کشیدند و فداکاری کردند و مایه گذاشتند و این وضعیت فعلی جامعه ما را و این برکاتی را که در نظام اسلامی هست و در نظام‌های الحادی کمتر هست اینها را ما مدیون آنان هستیم.»

روابط خارجی:

حجت الاسلام مجتبی کشانی [1] عضو شورای مرکزی انصار حزب الله در مورد رابطه با آمریکا می‌گوید:

«عده‌ای می‌کوشند القاکنند که رابطه با آمریکا به نفع ما است، یا سیاست آمریکا نسبت به کشور ما تغییر کرده است.عده‌ای که مرعوب جهان غرب هستند و تمام آمال و آرزو و عزت خود را در آنجا جستجو می‌کنند. این اظهارات تأسف‌انگیز از آنها بروز می‌یابد. چگونه افرادی دم از رابطه با آمریکا می‌زنند، درحالی که هدف آمریکا در حال حاضر مأیوس کردن مسلمانان جهان از انقلاب ایران است؟ چگونه به دشمن لبخند می‌زنند وقتی آمریکا می‌کوشد با به زانو در آوردن ملت ایران از این مردم انتقام بگیرد؟»

در جایی دیگر نشریه یالثارات الحسین(ع) در مورد انتظارات امت حزب‌الله از دولت جدید خاتمی در زمینه سیاست خارجی چنین می‌نوسید:

«از دیگر توقعات امت حزب الله از دولت در عرصه سیاست (خارجی)، پایبندی به اصل مبنایی استقلال و صدور انقلاب ومبارزه با آمریکا و استکبار جهانی از طریق حمایت از جریان مقابله جهانی مستضعفین با مستکبرین است. بی‌تردید دستگاه سیاست خارجی

---

۱. یالثارات الحسین، ۷۸/۸/۲۰.

نظام مقدس جمهوری اسلامی همچون گذشته باید مبتنی بر رهنمودهای مقام معظم رهبری و مبتنی بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت استوار باشد و از آلوده شدن به حضور جریان‌ها و افراد سازشکار و مذاکره طلب و معتقد به زد و بند سازش با نظام سلطه جهانی پیراسته و مبرا بماند.»

به طور کلی در سیاست خارجی این گروه معتقد است که:

«ما به منافع ملی درمقابل مصالح جهان اسلام اصالت نمی‌دهیم.»

این مطلب بدین معنی است که جهان اسلام و حفظ وحدت با جهان اسلام و دفاع از منافع جهان اسلام در اولویت سیاست خارجی قراردارد و منافع ملی به معنای چشم‌پوشی از مصالح جهان اسلام به هیچ وجه مورد قبول این گروه نیست.

مواضع اقتصادی:

این گروه در مورد مسائل اقتصادی چون اکثر گروههای سیاسی کشور دارای خط مشی و برنامه اقتصادی خاصی نیست و بیشتر ایده الهای خود در عرصه اقتصادی را به صورت کلی در هفته نامه یالثارات الحسین(ع) و بیانیه‌های خود منعکس نموده است. ایده الهایی چون عدالت اجتماعی، توسعه متوازن، فقرزدایی، مبارزه با سرمایه‌داری و تجمل گرایی و مرفهین بی درد، رونق اقتصادی و کاهش تورم موردنظر این گروه بوده ودر اکثر یادداشت‌های اقتصادی آنان این مفاهیم به چشم می‌خورد.

اینک به برخی از مواضع اقتصادی این گروه برگرفته از بیانیه‌ها و هفته نامه یا لثارات الحسین(ع) ارگان رسمی آن می‌پردازیم:

«ما باید به دنبال عدالت اجتماعی برویم و نه به دنبال رفاه برای اقلیت ۱۵ درصدی که ۸۵ درصد از نقدینگی کشور را در اختیار دارند.»

«این تورم خود نوعی ظلم است. تورم افسار گسیخته ظلمی است بر فقرا و مستضعفین. آقایانی که نشسته‌اید و استراتژی ملی را تدوین می‌کنید و توسعه اقتصادی را منهای عدالت اجتماعی و سازندگی را منهای حفظ ارزشها در نظر می‌گیرید، سخن ما با شماست که با ظلم

چیزی برپا نمی‌ماند."

"بحث اصلی ما بحث فرهنگی است، ما می‌گوئیم که فرهنگ ما نباید تحت تأثیر اقتصاد باشد، جلوی زیاده‌طلبی اقلیت ۱۵٪ که ۸۵٪ نقدینگی کشور را در دست دارند باید گرفته شود، وقتی که بعد از اتمام جنگ بحث اقتصادی ما بحث رفاه شد، تجمل گرایی آمد، رشوه هم در کارش بروز کرد، دزدی هم در کنارش به وجود آمد."

"از مسئولان مصرانه خواستاریم که نسبت به تقویت و پشتیبانی از کارخانجات داخلی همت گمارند و مدیریت کلان اقتصادی را افرادی عهده‌دار شوند که عدالت اجتماعی را در کنار توسعه ببینند."

ثروت‌های بادآورده:

"خطر ظهور طبقه ثروتمند از دل نظام اسلامی و به ویژه قوهٔ مجریه بسیار جدی‌تر از آن است که بخواهیم در حد برخوردهای معمولی با آن روبه‌رو شویم. واقعیت این است که سوءاستفاده‌های گسترده از بیت‌المال و امکانات دولتی و زدوبند مدیران سطح بالا و در انحصار گرفتن جریان اطلاعات و تشکیل شرکتهای اقماری به ظاهر خصوصی که توسط مدیران دولتی اداره می‌شوند و عملاً هدفی جز انجام پروژه‌های دولتی با چندبرابر قیمت و براساس روانه کردن سودهای کلان به جیب صاحبان خود (یعنی مدیران دولتی) نداشته‌اند، وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور را با بحران روبه‌رو ساخته است. این طبقه‌سرمایه‌دار صاحب ثروت‌های حرام بعضاً نیز از طریق اختلاس‌های کلان در ارگان‌ها و نهادهای دولتی تشکیل شده است."

"یکی از وظایف مهم دولت جدید (خاتمی) مبارزهٔ مسئولین محترم با خطر این غدهٔ سرطانی (طبقه صاحب ثروتهای بادآورده) در بدنهٔ اجرایی نظام و جراحی و حذف آن است."

"متأسفانه در سالهای سازندگی و به دلیل برخی سهل انگاریها حرکت رذیلانه‌ای در جهت انباشت ثروت‌های حرام و سرمایه نامشروع آغاز گردید و تدریجاً منجر به ایجاد طبقه ثروتمند حرام‌خوری در دل قوه مجریه نظام اسلامی گردید."

مهار تورم:

"یکی دیگر از وظایف اقتصادی دولت جدید (خاتمی) مهار تورم و رسیدگی به وضع محرومین و مستضعفین است که تا به حال مورد کم توجهی‌های بسیار واقع گردیده‌اند."

اختلاف طبقاتی:

"ضروری است دولت جدید (خاتمی) در جهت تحقق عدالت اجتماعی و رفع تبعیضها و تفاوتهای فاحش طبقاتی اقدامات عاجل به عمل آورد و این مهم عملی نخواهد شد مگر از طریق مقابله جدی با سرمایه‌داری و هواداران و تئوریسین‌های رنگارنگ آن و به ویژه مقابله با طبقه سرمایه داری که از دل نظام اسلامی در حال شکل‌گیری است."

مواضع فرهنگی:

این گروه در یکی از شماره‌های ماهنامه یالثارات الحسین [1] در سال ۱۳۷۴ پیشنهادات اجرایی در جهت اصلاح فرهنگ اجتماعی جامعه را مطرح نموده که شامل ۲۳ پیشنهاد می‌باشد که در اینجا به آن اشاره می‌شود:

"۱ـ باید هفته‌ای را به عنوان هفته مبارزه با فرهنگ مبتذل غرب نام نهیم و تبلیغ فراوان کنیم.

۲ـ هر هفته در یک ساعت مشخص تهاجم فرهنگی غرب در صدا و سیما موردبررسی قرار گیرد.

۳ـ مبارزه با تهاجم فرهنگ غرب در تمام مظاهرش جزء دروس رسمی دانش‌آموزان و دانشجویان گردد.

۴ـ مبارزه با فرهنگ غرب شکل قانونی پیدا کند. مجلس به طور جامع موارد لازم را تصویب نماید و با قاطعیت عملی شود. دشمن در قالب نظام وتشکیلات و شیوه‌های پیچیده هجوم آورده است و با شعار نمی‌شود آن را دفع کرد.

۵ـ حجاب اسلامی در تمامی ابعاد فقهی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و غیره جزء دروس

---

۱. یالثارات الحسین، ۷۴/۸/۱۵.

دانش‌آموزان دختر در تمامی مقاطع تحصیلی قرار گیرد.

۶ـ هفته‌ای به عنوان هفته حجاب در دهه فاطمیه معین و اعلام گردد و در این هفته فعالیتهای همه جانبه صورت گیرد.

۷ـ نماز به عنوان وسیله‌ای که انسان را از فحشاء دور می‌کند جزء دروس دانش‌آموزان در همه سنوات تحصیلی قرار گیرد.

۸ـ مبارزه با تهاجم فرهنگی به ویژه ابتذال و بی‌حجابی به طور هماهنگ در تمامی دستگاههای فرهنگی، انتظامی و قضایی صورت پذیرد.

۹ـ نهادی جهت تشخیص فرهنگ غرب و مبارزه منطقی و عملی با آن زیر نظر ولایت امر تشکیل شود.

۱۰ـ امر به معروف و نهی از منکر طی یک برنامه جامع و همیشگی به صورت فیلم، میزگرد و غیره در صداوسیما به مردم آموزش داده شود.

۱۱ـ ریاست نهادهای فرهنگی مثل شورای انقلاب فرهنگی بـه علمای فارغ‌البال و استوانه‌های علمی واگذار شود که از اعتبار شرعی و وجاهت علمی و دینی برخوردار باشند و با سهولت مورد دسترس مردم قرار گیرند.

۱۲ـ درخواستهای به حق بسیجی‌ها و امت حزب الله و صاحبان انقلاب عملاً مورد توجه قرار گیرد و این به عنوان اصل خدشه‌ناپذیر حفظ شود.

۱۳ـ شعبه هایی از دادگاهها به طور انحصاری در اختیار رسیدگی به مفاسد اجتماعی و مهاجمین فرهنگی غرب از جمله فحشاء و بی حجابی قرار گیرد.

۱۴ـ تجربه نشان داده است که نهادهای فرهنگی تحت نظر مقام معظم رهبری ضمن حفظ سلامت خود منشأ آثار و برکات خوبی بوده‌اند بنابراین حتی‌الامکان نهادهای فرهنگی زیرنظر ولایت امر مسلمین عمل کنند.

۱۵ـ نیروی انتظامی‌و قضات شریف مورد تشویق جدی صاحب منصبان نظام قرار گیرند تا با قلبی مطمئن به مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب و مظاهر فساد اخلاقی در سطح کشور بپردازند.

۱۶ـ برخی مسئولین که بی‌پرده با زنان مبتذل مکالمه، مصاحبه یا اختلاط دارند مورد مذمت و تنبیه جدی مقام برتر و مردم قرار گیرند.

۱۷ـ روابط زن و مرد نامحرم به ویژه اگر جوان باشند مورد تجویز هیچ فقیهی نبوده است بلکه اسلام آن را نهی فرموده است. جداسازی زن ومرد بـه ویـژه دانشجویان در دانشگاهها که در عنفوان جوانی به سر می‌برند به جز موارد اضطراری با پشتوانه قانونی صورت گیرد و در این مورد به سخنان کج فکرها و یا غرب‌زده‌ها اعتنا نشود.

۱۸ـ دست اندرکاران فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مسئولین مربوطه در صداو سیما که مسئولیت مدآموزی و بدآموزی و جلف‌آموزی را به عهده دارند از جوانب مختلف قضایی و مردمی مورد تنبیه قرار گیرند.

۱۹ـ تسامح مسئولین دولتی و وابسته به دولت نسب به ارزشها به ویژه حجاب اسلامی و مخصوصاً از ناحیه وزارت ارشاد اسلامی در سمینارها یا نمایشگاهها و امثال آن مورد برخورد جدی دولت، محاکم قضایی و مردم قرار گیرند. به عنوان مثال اگر با وزارت ارشاد برخورد می‌شد همواره نمایشگاه کتاب با وضع مبتذل و فاسد زنان و دختران برگزار نمی‌گردید.

۲۰ـ صاحبان ارزشها همانند صاحبان تخصص‌ها به ویژه زنان محجبه که مهمترین نقش را در طهارت جامعه به عهده دارند مورد تشویق قرار گیرند و به عکس تحریمهای مناسب در ارتباط با قشر مبتذل در همه ابعاد اعمال گردد.

۲۱ـ کمیته‌ای جهت پیگیری رهنمودهای مقام معظم رهبری تشکیل شود تا نظرات ارزشمند مقام معظم رهبری عملاً در جای جای جامعه اسلامی، بـه ویـژه دستگاههای اجرایی و قضایی جریان یابد و از حد موعظه خارج شود.

۲۲ـ مجلس به همان اندازه که به تصویب قوانین امور جاری کشور اهتمام دارد بـه تصویب قوانین فرهنگی از جمله در باب عفاف و حجاب که جنبه زیربنائی و کلیدی در طهارت جامعه دارد اهتمام ورزد و در صورت لزوم از استیضاح هیچ مقامی در کشور تسامح نورزد.

۲۳ـ مسئولین نظام به ویژه ریاست اجرایی و قضائی کشور که نظرات شخصی آنها برای ملت در مسائل فقهی معیار نیست با توجه به فتاوی مراجع تقلید از جمله مقام معظم رهبری که نظر آنها برای مقلدین حجت شرعی دارد صحبت کنند تا عملاً مراجع را به حساب آورده باشند."

پس از دوم خرداد ۷۶ و روی کارآمدن دولت اصلاح‌طلب خاتمی روزنامه یالثارات الحسین(ع) توقعات نیروهای حزب‌اللهی از دولت جدید در عرصه فرهنگی جامعه را چنین بیان می‌کند:

"یکی از توقعات حزب الله از دولت جدید و رئیس جمهور محترم این است که جلوی رشد افسارگسیخته دیدگاههای فمینیستی (زن مدارانه) و غربزده را که اکثراً بر مبنای التقاطی از باورهای غلط غربی و برخی ظواهر اسلامی توسط نشریات و افراد و محافل به اصطلاح فمینست‌های اسلامی پشت پرده آنها هدایت می‌شود را بگیرد."

"در خصوص مسئله جوانان نیز باید ترویج فرهنگ اسلامی ونگرش دینی و تربیت ایدئولوژیک به عنوان سرلوحه فعالیتهای دولت محترم قرار گیرد تا به این موج فزاینده بی‌اعتقادی‌ها و بی‌بندوباری‌ها خاتمه داده شود. یکی از اهرم‌های دولت جدید در حل معضل جوانان تکیه بر نیروهای حزب‌اللهی ونهادهائی چون «ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر» و میدان دادن به برادران و خواهران بسیجی و ترویج فرهنگ و تفکر بسیجی در جامعه است."

"دولت محترم اسلامی باید جداً و با تمام قوا در مقابل این خطر (لیبرالها و روشنفکران معاند) ایستادگی نماید و با تقویت جبهه خودی در عرصه فرهنگی، اهل ولایت و دین‌داران را در موضع تهاجمی قرار دهد. رئیس جمهور محترم که مسأله مقابله «فکر به فکر» را صراحتاً مورد تأکید قرار داده‌اند باید جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و سربازان فکری و اعتقادی ولی فقیه رامورد حمایت کامل قرار دهند وحزب الله و نویسندگان و هنرمندان مسلمان و انقلابی را از غربت خارج کنند."

"حزب الله توقع دارد که مسؤلین گرامی دولت و متولیان رسمی فرهنگی کشور جلوی

عوامل تهاجم فرهنگی غرب را گرفته و مادیگر شاهد استفاده مطبوعات معاند به اصطلاح «مستقل» از امکانات دولتی و حمایت معاونت‌های مربوطه و یا خط دهی به سینمای کشور در جهت گرفتن ژست‌ها و اداهای روشنفکری و ضددینی و ضد ارزشی نباشیم."

انصار حزب الله در یکی از بیانیه‌های خود پس از بسته شدن بیش از ۱۵ روزنامه در اوایل سال ۷۹ ضمن انتقاد از فضای حاکم بر مطبوعات کشور از بسته شدن برخی از مطبوعات حمایت و مواضع خود را چنین بیان می‌کند:

"انصار حزب الله معتقد است: اکنون که تصمیمات متخذه دستگاههای قانونی برای برچیده شدن آشفتگی فرهنگی و هرج و مرج مطبوعاتی عینیت می‌یابد نباید ازعلل وعوامل اصلی و صحنه‌پردازان اوضاعی که مطلوب و خوشایند دشمن قرار گرفته بود غافل ماند، چراکه برخوردمقطعی وسطحی و گذرا با ریشه‌ها وعوامل فتنه‌های مطبوعاتی، خسران و صدمات جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت، لذا عمق دادن به برخوردهای قانونی می‌تواند آرامش و طمأنینه دراز مدت را برای ملت به ارمغان آورد."

در جای دیگر هفته نامه یالثارات الحسین(ع) [1]، سیاست تسامح و تساهل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی کابینه اصلاح‌طلب را مورد انتقاد قرار داده و می‌نویسد:

"تساهل و تسامح» به عنوان یک اصل بنیادین و «جامعه چندصدایی و کثرت‌گرا» به عنوان یک تفکر، کم کم می‌رود که مطبوعات را شبه مافیایی کند که همه از آن در وحشت باشند."

همین هفته نامه در مورد وضعیت موسیقی کنونی کشور چنین می‌گوید:

"حمایت از گروههای موسیقی سنتی به حداقل رسید. خواننده هایی ظاهر شدند که دقیقاً مشابه همان نمونه‌های قبل از انقلاب بودند و جای تأسف بسیار است که صداوسیما نیز در این حرکت، همراهی کرد و معلوم نیست با کدام استدلال و کدام توجیه؟! در مدتی کوتاه، با صدور سخاوتمندانه مجوز برای این خواننده‌های مقلد، بازار از آنان پر شد."

برخی دیگر از مواضع این گروه در عرصه فرهنگی منعکس شده در هفته‌نامه یالثارات

---

۱. یالثارات الحسین، ۷۹/۱/۳۱.

ارگان این گروه به شرح زیر است:

ارزشهای اسلامی:

"استراتژی فرهنگی نظام عبارتند از: احیاء ارزشهای اسلامی یعنی ارزشهای اسلام ناب محمدی(ص) و محو سنت‌های غلط ملی و مذهبی."

نشریات روشنفکری:

"از ابتدای انقلاب اسلامی که به حق بعثت مجدد اسلام است، تاکنون نیز نظام اسلامی هرچه صدمه دیده است از ناحیه مدارا و تساهل بی مبنا با معاندین براساس اجتهادات روشنفکرانه بوده است."

نشریات روشنفکری:

"وجود نشریات به اصطلاح روشنفکری و دگراندیش وابسته که در آنها هیچ یک از اصول اخلاقی رعایت نمی‌شود یک نمونه از رخنه‌های فرهنگی دشمن است."

مسأله حجاب:

"چادر باید در تمام میادین وصحنه‌ها به عنوان شاخص زن مسلمان مطرح شود، همانطور که در طول هشت سال دفاع مقدس زنان چادری ثابت کردند پوشش آنها مانع حضور در خطوط مقدم و پشتیبانی جبهه نبوده است. زیرا چادر و حجاب اسلامی به تنهایی همواره به صورت یک سلاح ایدئولوژیکی درکشورهای اسلامی نظیر «الجزایر» و «ایران» عمل کرده است."

"چادر امروز نماد زن مسلمان در ایران است که فریاد خود را از درون آن بربستر تاریخ می‌گستراند. چادر، امروز سلاحی است که قلب تمدن پوسیده ومنحط غرب را نشانه گرفته است. چرا این سنگر غیرقابل نفوذ را خراب می‌کنید؟"

سیاست‌های وزارت ارشاد:

"سیاست‌های بخش مطبوعات ونشریات وزارت ارشاد که مبتنی بر دیدگاههای لیبرالیستی در عرصهٔ فرهنگ بود، موجب گردید تا افرادمتقاضی صدور پروانهٔ نشریه، علیرغم برخورداری از حداقل صلاحیت‌های دینی و انقلابی به راحتی مجوز انتشار برای

افکار گوناگون اما غیراسلامی و بعضاً وابستهٔ خود دریافت نمایند.″

کتاب و مطبوعات:

″با دقتی مختصر در بازار کتاب، با دهها کتاب فسادانگیز و مروج لامذهبی و بی‌بندوباری مواجه می‌شویم که برخی از آنها تاکنون چندین بار و در هزاران نسخه چاپ و توزیع شده‌اند.″

تهاجم فرهنگی:

″تهاجم فرهنگی یک هجوم سازمان یافته با اهداف سیاسی در جهت تضعیف و نهایتاً استحاله و براندازی نظام اسلامی است و سازمان دهندگان و طراحان این تهاجم و بخشی از عوامل اجرایی آن خود از نیات و ماهیت این تهاجم مطلعند.″

نهضت آزادی ایران

نام کامل حزب: نهضت آزادی ایران

نام دبیر کل: ابراهیم یزدی و قبل از ایشان مرحوم مهدی بازرگان

اعضای فعال: مرحوم آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، مرحوم مهدی بازرگان، یداله سحابی، ابراهیم یزدی، غلامعباس توسلی، محمد توسلی، هاشم صباغیان، احمد صدر حاج سیدجوادی، عبدالعلی بازرگان، علی اکبر معین‌فر، ابوالفضل حکیمی، ابوالفضل بازرگان، اعظم علایی طالقانی، محمدبسته‌نگار، عباس امیر انتظام، محمدحسن اربابی، علی‌اصغر صدر حاج سیدجوادی، محمدملکی، عبدالکریم حکیمی، مرحوم غلامرضا نجاتی، فریدون سحابی، سیدمهدی جعفری، نرگس بازرگان، سیف، حسین حریری، خسرو منصوریان، کاظم یزدی، عباس حائری، رضا صدر، اسمعیل یزدی، علی گلزاده غفوری.

اعضای سابق: عزت اله سحابی، عباس شیبانی، مرحوم احمد علی بابایی، لطف‌اله میثمی.

مرامنامه:

وعدالله الذین آمنو منکم و عملوالصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من

قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم.[1]

فصل اول ـ مقدمه

حمد بی پایان به درگاه قادر رحمان که ملت عزیز ایران را یاری داد تا پس از هفتاد سال مبارزه ملی و اسلامی با مشارکت نسلهای متوالی و طبقات مختلف و شخصیتهای بزرگی چون دکتر مصدق در یک انقلاب تاریخی عظیم کهن‌ترین استبداد متکی به نیرومندترین قدرتهای استیلاگر خارجی به رهبری سرسختانه مرد توکل و ایمان حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمینی پیروز گردد.

اگر هدف اصلی ملت ایران و برنامه رهبران آزادیخواه و روحانی آن در انقلاب مشروطیت ۱۲۸۵ رسیدن به عدالتخانه و استقلال و پایبند ساختن پادشاهان قاجار و دولتیان در چارچوب قانون بود واگر در نهضت ملی ۱۳۲۹ به رهبری دکتر محمد مصدق آزاد کردن کشور از اسارت شرکت نفت و حاکمیت استعماری انگلستان در خط اول قرار داشت، در انقلاب بزرگ اخیر که در سال ۱۳۴۲ به همت امام خمینی(ره) آغاز گردید، هدف اساسی سرنگونی خاندان پهلوی و استبداد داخلی و پایان دادن به استیلای خارجی به منظور اعاده استقلال و آزادی کشور و حاکمیت قوانین اسلام بود. انقلاب با اتخاذ عنوان اسلامی و اعلام شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» پس از نیل سریع به عظیم‌ترین پیروزی، متوقف نمانده با الهام متقابله امام و امت به همان تندی و تیزی تحولات عمق یافت. از حالت ضد استبدادی نخستین حالت ضدآمریکایی و ضد امپریالیستی شدید پیدا کرد، سپس بنا به وظیفه اخوت اسلامی پا از مرزهای کشور فراتر نهاد و در حالی که قانع به اخراج شاه و ایادی او از کشور نبود، به اجرای برنامه‌های داخلی ضداستبدادی و ضدسرمایه‌داری پرداخت و به زودی رسالت دفاع از مستضعفان جهان مزید بر وظایف شده، تا آنجا وسعت یافت که با تحمل محرومیت و لطمات مربوطه پرچمدار مبارزه بی‌امان علیه امپریالیسم شرقی و غربی گردید. چنین انقلاب وسیع بی‌نظیر، با داعیه اسلامی و جهانی و دادخواهی، قیام دادگستر غایب و منتظر مورد اعتقاد و اشتیاق شیعه را بیاد می‌آورد.

---

۱. نور / ۵۵

انقلاب اسلامی ایران بار امانتی را به دوش نسل حاضر واگذارده است که آسمان و زمین از قبول آن خودداری می‌کردند واگر خدای ناکرده شانه خالی کنیم، یا راههای غیرحق و عدالت و رحمت را آن طور که قرآن و سنت ترسیم کرده‌اند در پیش بگیریم و موجبات شکست جمهوری اسلامی فراهم گردد، داغ باطله «انه کان ظلوماً جهولا» را بر پیشانی امت خواهیم زد و مسئول و مقصر در پیشگاه تاریخ و دادگاه الهی خواهیم شد.

نهضت آزادی ایران سپاس خدا را به جا می‌آورد که بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تعقیب دوران نهضت مقاومت ملی با حضور فعالانه در صحنه مبارزات ملت، توانسته است سهم ناقابلی به حول و قوه الهی در تداوم مبارزه و تدارک انقلاب اداء نماید و سپس در تشکیل دولت موقت و انتقال کشور از نظام استبدادی به جمهوری اسلامی عهده دار وظائف اصلی باشد.

اینک که یکسال و نیم است انقلاب اسلامی شکوهمند ما وارد مرحله سازندگی گردیده و راه طولانی بس دشوار در مواجهه با نارسائیها و نابسامانیهای داخلی و مقابله با دشمنان خارجی را در پیش دارد، وظایف و مسئولیتها، متناسب با شرایط و نیازها سنگین‌تر و عظیم‌تر می‌باشند.

نهضت آزادی ایران به عنوان بخشی از اقیانوس بیکران ملت، که در رشد و پیروزی این انقلاب عظیم اسلامی سهمی داشته است، در این دوران حساس و در شرایط تغییر و توسعه یافته زمان، به منظور انجام وظائف سنگین و مسئولیتهای خطیری که برای خود قائل است، فعالیت جدید خود را با تجدیدنظر در مرامنامه و اصول برنامه‌های خود آغاز می‌نماید. واضح است که به مصداق آیه شریفه «و کذلک جعلناکم امتاً وسطاً لتکونوا شهدا علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً» و براساس دستاوردها و تأثیرات انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در ابعاد جهانی‌اش، وظیفه وسیع‌تری در قبال مردم جهان برعهده ملت ایران و نهضت آزادی قرار گرفته است.

محرک نهضت آزادی ایران مانند گذشته، ادای فریضه دینی بر مبنای معتقدات اسلامی به منظور جلب رضای حق و ایفای وظائف اجتماعی و خدمت به ملت عزیز ایران و همه

مستضعفان می‌باشد.

فصل دوم ـ اصول مرامنامه

مرامنامه نهضت آزادی بر اصول سه گانه ذیل قرار دارد:

۱ـ اصول عالیه اسلام ـ یگانه دین خدائی از آدم تا خاتم در مفهوم وسیع کلمه و شمول زمانی و جهانی آن، اصول و احکامی که با خلوص و رساترین وجه در مکتب تشیع از بیان و سنت رسول خدا(ص) و اهل بیت رسالت نقل گردیده و در انتظار و تدارک پیروزی آخر الزمان و حکومت جهانی واحد می‌باشد.

۲ـ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در رفراندوم یازدهم و دوازدهم آذرماه ۱۳۵۸ به تصویب نهایی اکثریت مردم ایران رسید و یگانه شد، اعتبار و پایه استوار وحدت و حکومت می‌باشد.

۳ـ اعتقاد به وحدت جهانی مسلمانان، تلاش و جهاد مستمر در راه تحقق امت واحد شدن مسلمانان جهان و رهائی مستضعفان جهان.

فصل سوم ـ اصول برنامه و خط مشی

الف ـ حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف و انهدام آن:

۱ـ تفهیم و تبلیغ جهان‌بینی توحیدی و ایدئولوژی اسلامی.

۲ـ قبول رهبری امام امت و مبارزه با هر عملی که موجبات تضعیف رهبری را فراهم سازد.

۳ـ همکاری با روحانیت آگاه و متعهد و اصیلی که به دور از انحصارطلبی و گروه گرایی در خط حفظ وحدت حرکت می‌نماید.

۴ـ شناخت و معرفی ضدانقلاب و مبارزه با اشکال گوناگون داخلی و خارجی آن.

۵ـ تشویق مردم به حضور فعال در صحنه و مبارزه با هر عملی که موجبات بی‌تفاوتی مردم را فراهم سازد.

۶ـ انقلاب فرهنگی (تزکیه) و زدودن آثار استبداد، استعمار و استثمار (شناسایی عناصر فرهنگ شرک آلود نظام پیشین و مبارزه با آنها).

۷ـ تبیین و برقرار ساختن نظام اقتصاد اسلامی و پاکسازی روابط اقتصادی و صنعتی کشور از ارزشهای ضداسلامی و یا غیراسلامی نظام پیشین.

۸ـ تلاش در جهت تقویت وحدت تمامی اقشار امت مسلمان و مبارزه با هر گونه عملی که موجبات تفرقه و تشتت یا تسلط گروهی را فراهم سازد.

ب ـ استقرار جمهوری اسلامی

۱ـ پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲ـ کوشش برای رفع نواقص و تکمیل قانون اساسی از طریق تنظیم و تصویب متمم آن.

۳ـ تلاش در جهت تثبیت نهادهای منبعث از قانون اساسی.

۴ـ پشتیبانی از مسئولین نهادهای جمهوری اسلامی (قوای سه گانه: مجریه، مقننه و قضائیه) تا زمانی که در محدوده صلاحیت و اختیارات قانونی خود و در جهت حفظ و تداوم انقلاب اسلامی عمل می‌کنند.

۵ـ کوشش در جهت تقویت خودجوشی و خودکفایی هرچه بیشتر جامعه در زمینه‌های اقتصادی، فنی و علمی و قطع وابستگی‌های اسارت بار با دول خارجی و پایه‌ریزی روابط آزاد و مستقلی که حافظ منافع ملت ما بوده و بالابرنده امکانات و سرمایه‌های کشور گردد.

۶ـ اجرای دقیق و جامع اصول مندرج در قانون اساسی به منظور ایجاد جامعه مقبول اسلامی.

ج ـ رسالت در گسترش جهانی انقلاب اسلامی

۱ـ ارائه نظری و عملی حقانیت جهان‌بینی توحیدی به عنوان تنها راه نجات بشریت.

۲ـ انتقال تجارب و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران به مستضعفان جهان.

۳ـ همکاری و کمک مادی و معنوی به نهضت‌های اسلامی و انقلابی جهان.

۴ـ مبارزه اصولی و پیگیر با نظامهای طاغوتی جهان (استعمارگران غربی و شرقی).

نهضت آزادی ایران

تیرماه ۱۳۵۹

تاریخچه تشکیل:

هرچند تاریخچه تشکل یافتن نیروهای ملی ومذهبی به اوایل دهه بیست و زمان نخست‌وزیری مرحوم دکتر مصدق برمی‌گردد، لیکن تاریخ تشکیل نهضت آزادی ایران که مهمترین تشکل نیروهای ملی ـ مذهبی می‌باشد به سال ۱۳۴۰ باز می‌گردد. نهضت آزادی به تاریخ ۲۷ یا ۱۳۴۰/۲/۲۵ یعنی دو سال قبل از آغاز حرکتهای اسلامی، به دست مرحوم آیت الله سیدمحمود طالقانی، شادروان مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سحابی، مهندس منصور علایی، حسن نزیه، محمد نخشب، عباس سمیعی، رحیم عطایی و جمعی دیگر از اعضای فعال انجمن اسلامی دانشگاه تهران تأسیس شد. البته تأسیس انجمن اسلامی دانشگاه تهران به دست شادروان مهدی بازرگان به بیش از پانزده سال قبل از آن تاریخ یعنی ۱۳۲۴ باز می‌گردد.

مرحوم مهدی بازرگان [1] در توضیح علت تشکیل این حزب می‌گوید:

"جبهه ملی ایران همان طور که از اسمش پیداست جبهه بود. یعنی اجتماع و اتحادی از واحدها یا مکتبهای اجتماعی و بعضی افراد شاخص که دارای مقصد مشترک (استقلال کشور و آزادی ملت) بودند. ولی مقصد مشترک داشتن، ملازم با محرک مشترک داشتن نیست. چنین انتظاری نباید داشت. محرک بعضی ناسیونالیسم، بعضی دیگر عواطف انسانی یا تعصبهای نژادی و محرک بعضیها مثلاً سوسیالیسم ولی برای ما و برای عده‌ای زیادی از همفکران و شاید اکثریت مردم ایران محرکی جز مبانی و معتقدات مذهبی، اسلامی نمی‌توانست وجود داشته باشد.

نمی‌گوییم سایرین مسلمان نبودند یا مخالفت با اسلام داشتند. خیر برای آنها اسلام ایدئولوژی اجتماعی و سیاسی حساب نمی‌شد. ولی برای ما مبانی فکری ومحرک وموجب فعالیت اجتماعی و سیاسی بود.

اتفاقاً چنین حزب یا جمعیتی در ایران تشکیل نشده بود و یا اگر شده بود فعلاً وجود نداشت.

---

۱. رسوائی استبداد در دفاعیات مهندس بازرگان، ص ۲۰۷.

اواخر تابستان ۱۳۳۹ بود که به اتفاق آقای دکتر (یداله) سحابی به برغان برای گردش رفته بودیم. در آن دره مصفای مشجر قدم می‌زدیم و راجع به تأسیس یک حزب که دوستان و مخصوصاً جوانان در آن عضو باشند فکر می‌کردیم و حرف می‌زدیم.

سه مسأله برای ما محرز بود:

۱) فعالیت سیاسی و تشکیل یک حزب یا جمعیت در شرایط موجود مملکت بر ما واجب است.

۲) جمعیت موردنظر و موردلزوم، مرام و ایدئولوژی آن باید بر مبنا و مأخوذ از اسلام باشد.

۳) ما ذوق و فرصت و قدرت این کار را نداریم.

هفت هشت ماه باز به تردید و تأخیر گذشت. بالاخره در آغاز ۱۳۴۰ از تردید بیرون آمده و در یک جلسه بیست ـ سی نفری دوستان تصمیم به تأسیس نهضت آزادی ایران گرفتیم (۱۳۴۰/۲/۲۷) در اولین اجتماع عمومی، تأسیس نهضت آزادی ایران و علت تشکیل آنرا به هموطنان اعلام کردیم."

پس از تشکیل، نهضت آزادی اقدام به چاپ و توزیع نشریه تحت عنوان «با حاشیه بی حاشیه» می‌نماید و در هر یک از مسائل روز مملکت اقدام به دادن اعلامیه هایی با امضای اعضای اصلی خود می‌نماید.

به دلیل مفاهیم اکثر این نشریات واعلامیه‌ها که اکثراً به انتقاد از رژیم وقت و رأس آن یعنی شاه اختصاص داشت، اعضای اصلی نهضت آزادی در اوائل بهمن ماه سال ۱۳۴۱ بازداشت شدند و ازجمله جرم ایشان ضدیت با سلطنت مشروطه و اقدام علیه امنیت و استقلال مملکت واهانت به مقام شامخ سلطنت ذکر شد. اعضایی از نهضت آزادی که در این تاریخ دستگیر شدند عبارت بودند آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، مهدی بازرگان، یداله سحابی، عزت‌اله سحابی، عباس شیبانی، عباس رادنیا، احمد علی بابایی، ابوالفضل حکیمی، سیدمحمدمهدی جعفری، مصطفی مفیدی و محمد بسته نگار این افراد توسط دادگاه نظامی محاکمه و به حبس از دو تا ده سال زندان محکوم شدند.

پس از سال ۱۳۴۴ و زندانی شدن سران و فعالین نهضت آزادی عده‌ای از افراد فعال آن که هنوز آزاد بودند، با توجه به شرایط رژیم حاکم و جمع‌بندی مبارزات سیاسی سالهای ۴۰ تا ۴۲ به این نتیجه رسیدند که ادامه مبارزه تا حدودی غیرعملی است، از این رو به پایه گذاری استراتژی جدید دست زده و در سال ۱۳۴۷ پس از بررسی‌های فراوان استراتژی جهاد مسلحانه را برای ادامه مبارزه برگزیدند و در نتیجه تلاشها برای شکل‌گیری مبارزه مسلحانه منجر به تشکیل سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۰ شد. با تغییرات و انحرافاتی که در سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۴ ایجاد شد یک گروه از این سازمان که از نیروهای اسلامی و اصولگرا تشکیل می‌شد در دسته‌های کوچکتر تقسیم و به موازات هم مبارزات مسلحانه و فرهنگی علیه رژیم وقت را ادامه می‌دادند. با توجه به گرایشهای مارکسیستی برخی نیروهای سازمان مجاهدین خلق که در پی انتشار بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین در سال ۱۳۵۴ به وقوع پیوست، خطر انحراف نهضت اسلامی آغاز شد. از سال ۱۳۴۰ به صورت جدی احساس می‌شد و بیم آن می‌رفت که گرایشهای الحادی ضربه سنگین به سازمان نیروها و نهضت وارد کند، در این زمان یک مبارزه فرهنگی تمام عیارعلیه چنین انحرافی احساس می‌شد[1]. دسته‌ای کوچک از نیروهای نهضت آزادی در یک هسته سه نفری کاملاً مخفی که تشکیل شده بود از آقای مهندس عبدالعلی بازرگان، مهندس محمدتوسلی و یکی از همفکران نهضت، آقای مهندس میرحسین موسوی وظیفه داشتند تا با تهیه و منتشر ساختن تحلیلهایی در قالب اعلامیه‌های مختلف جلوی تأثیرات نامطلوب این انحرافات را بگیرند، این اعلامیه‌ها با نامهای مستعار مختلفی از جمله «مسلمانان آگاه»، «دانشجویان دانشگاه»، «دانشجویان مسلمان»، «مسلمانان متعهد» وغیره بین سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ با تیراژ وسیع در دانشگاههای مختلف بین دانشجویان توزیع می‌شد.

دسته‌ای دیگر از این نیروها از اوایل تابستان سال ۱۳۵۶ دست به تشکیل هسته‌های مخفی برای روشنگری نسل جوان و دانشجویان زدند و مهمترین اقدام این گروه انتشار و

---

۱. تاریخ معاصر ایران، اسناد نهضت آزادی، ص ۵-۱.

توزیع نشریه‌ای بنام «جنبش مسلمانان ایران» بود. از اوایل سال ۱۳۵۶ برخی دیگر از اعضای نهضت مثل آقایان عبدالعلی بازرگان، محمدتوسلی، سیدمهدی جعفری، فریدون سحابی، هاشم صباغیان به همراه عده‌ای دیگر که همفکر این گروه بودند مثل آقایان حبیب‌اله پیمان، حسین حریری، یزدان حاج حمزه و میرحسین موسوی دست به انتشار نشریه «جنبش مسلمانان مبارز» زدند. تحلیل‌های این نشریات براساس اتفاقات رخ داده در آن زمان بود و تا آبان ۱۳۵۷ دوازده شماره از این نشریه منتشر و در داخل و خارج توزیع شد.

در همین زمان بود که تحلیل‌های جداگانه‌ای توسط آقای حبیب اله پیمان بنام «جنبش مسلمانان مبارز ایران» و «جنبش مسلمانان مبارز» انتشار یافت و در آن جهت‌گیریهای مخالفی مطرح شد که باعث جدایی آقای پیمان از این جمع و تشکیل جنبش مسلمانان مبارز توسط ایشان شد.

پس از آبان ماه ۱۳۵۷ اختناق رژیم و اعمال سانسورهای شدید بر مطبوعات و یا تعطیلی آنها و اشغال رادیو و تلویزیون همچنین تعطیلی مدارس و دانشگاهها باعث آن شد که نهضت آزادی استراتژی جدیدی مطابق با تحولات پیش آمده پیش گیرد، در این زمان نهضت دست به انتشار نشریه جدیدی بنام «اخبار جنبش اسلامی» زد، این نشریه از طریق افراد مطمئن در تشکیلاتی گسترده توزیع می‌شد و در مدت ۵۲ روز تاریخ نشر آن یعنی تا تاریخ ۵۷/۱۰/۱۸ جمعاً یازده شماره از آن چاپ و توزیع شد.

پس از ورود امام خمینی(ره) به کشور در بهمن ماه سال ۵۷ رهبر نهضت آزادی مهندس مهدی بازرگان از طرف ایشان به نخست وزیری منصوب شد. حوادث سال ۱۳۵۸ و اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) همچنین اعتراضات عمومی به دیدار مهندس بازرگان با برژنسکی و مذاکرات با دولت آمریکا و فشارهائی از سوی مجلس شورای اسلامی و باعث استعفای دولت موقت در آذرماه ۱۳۵۸ شد. پس از آن نهضت آزادی با توجه به حضور اعضای آن در مجلس شورای اسلامی کم و بیش در فعالیتهای سیاسی شرکت داشت. اما حوادث سال ۱۳۶۰ و ترورهای کور سازمان مجاهدین خلق که با گریختن سران این گروه به خارج کشور به پایان رسید و موضعگیری‌های مستقل نهضت آزادی و

تلقی برخی از جناح‌های سیاسی نسبت به موضع گیریهای مستقل نهضت آزادی در برابر حوادث آن زمان و اتهاماتی که به نهضت در مورد همکاری آن با سازمان مجاهدین خلق مطرح شد باعث تضعیف موقعیت این گروه در آن زمان و طرد آنها از صحنه سیاسی کشور شد. هرچند تا سال ۱۳۶۳ اعضای این گروه در مجلس شورای اسلامی حضور داشتند و به فعالیت سیاسی ادامه می‌دادند ولی پس از رد صلاحیت آنها برای شرکت در انتخابات مجلس دوم و رد صلاحیت مهندس بازرگان برای انتخابات ریاست جمهوری تقریباً این حزب از صحنه اجرائی و سیاسی کشور خارج شد و فعالیتهای آن نیز تا حدود زیادی تحت کنترل درآمد و محدود شد، اما فعالیتهای آنها ادامه یافت. اعضای این گروه پس از آن در انتخابات مختلف شرکت نکردند تا آنکه در انتخابات مجلس پنجم از سوی نهضت آزادی ۱۵ نفر کاندید معرفی شدند که از این جمع پنج نفر از جمله آقای عزت‌اله سحابی صلاحیتشان از سوی شورای نگهبان تأئید شد، اما این پنج نفر نیز به دلیل اعتراض به رد صلاحیت دیگر کاندیداهایشان از شرکت در انتخابات خودداری کردند. پس از آن و رخداد حماسه دوم خرداد ۷۶ و شعار توسعه سیاسی و اصلاحات سیدمحمد خاتمی، نهضت آزادی از این تحول استقبال نمود و فعالیتهای آنها بیش از پیش افزایش یافت، تا حدی که در انتخابات مجلس ششم این حزب به همراه نیروهای ملی ـ مذهبی با معرفی یک لیست ۳۰ نفره کامل وارد صحنه انتخابات شدند، اما اکثر افراد معرفی شده توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند و تنها یک نفر از این لیست در مرحله اول شمارش آراء به مجلس راه یافت که ایشان هم پس از بازشماری دوباره آراء نفر سی و چهارم شد و از راه‌یابی به مجلس بازماند. اما به نظر می‌رسد فعالیت سیاسی این حزب در آینده و در پی اجرای سیاست توسعه سیاسی بیشتر شود هرچند مخالفت‌هایی آشکار و پنهان با این مسئله وجود دارد.

گرایش سیاسی:

گرایش سیاسی این حزب بیشتر بر مبنای آزادیخواهی و مردسالاری توأم با گرایشهای قوی دینی و ملی می‌باشد. تأکید بر ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) ایرانی در کنار هویت اسلامی

جامعه و تأکید بر منطق، اعتدال و عقل‌گرایی در روشها و عملکردها و دوری از احساسات و هیجانات در رفتارهای سیاسی همچنین پافشاری بر منافع ملی بـه جـای دیـدگاه انـقلاب جهانی از خصوصیات این حزب است.

دیدگاههای این حزب تا حدودی شبیه به دیدگاههای احزاب راست‌میانه، محافظه کار، لیبرال دموکرات، و راستگرا در غرب است. البته عده‌ای از اعضای برجسته ایـن گـروه بـه نوعی دیدگاه جامعه گرایانه یا سوسیال دموکراسی اعتقاد دارند، از لحاظ اقتصادی نیز ایـن حزب دارای دیدگاههای راست اقتصادی می‌باشد. هرچند برخی از اعضای ایـن گـروه بـه اقتصادهای نیمه‌دولتی و سوسیالیستی اعتقاد دارند.

تشکیلات و نشریات وابسته:

از بدو تشکیل این حزب در سال ۱۳۴۰ این حزب عضوگیری فراگیر نداشته است، اما عضوگیری این حزب به صورت محدود تا سال ۱۳۵۶ ادامه یـافت و پس از آن تـا کـنون عضوگیری آنچنانی نداشته است و فعالیتهای این حزب با فرازونشیب فراوان روبه‌رو بوده است. نهضت آزادی با این استدلال که تاریخ تشکیل حزب به قبل انقلاب و تاریخ تصویب قانون احزاب برمی‌گردد اظهار می‌دارد که نیازی به اخذ مـجوز از وزارت کشـور نـدارد و قانوناً می‌تواند فعالیت کند. از سوی دیگر این حزب با استناد به اصل بیست و ششم قانون اساسی که فعالیت احزاب را آزاد شناخته است، بر این عقیده است که اخذ مجوز یا عدم اخذ مجوز از وزارت کشور، نافی فعالیت حزب نمی‌باشد. ایـن حـزب در تـهران بـه صـورت رسمی و در اکثر نقاط کشور به صورت محفلی و غیررسمی فعال می‌باشد. پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۰ روزنامه «میزان» توسط این حزب منتشر می‌شد و پس از جلوگیری از انتشار این روزنامه حزب نشریه‌ای منتشر نکرد. اما بعد از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری و باز شدن بیشتر فضای سیاسی و فرهنگی جامعه برخی از روزنامه‌ها کم و بیش گرایشهایی نسبت به این حزب دارند، از جمله روزنامه‌های توس، جامعه، عصر آزادگان، آزاد، آزادی و غیره که همگی توقیف و از فعالیت آنها جلوگیری شد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

این حزب بیشتر در بین روشنفکران مذهبی و تحصیلکردگان داخل یا خارج کشور و همچنین تکنوکرات‌ها و از سویی افراد ملی گرا وعلاقمند به تاریخ دیرینه و کهن ایران نفوذ دارد و اصولاً خاستگاه این حزب از دانشگاه تهران و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و افراد تشکیل دهنده آن اساتید و دانشجویان دانشگاه تهران بوده‌اند که البته این افراد رابطه تنگاتنگی با روحانیون داشته‌اند. از جمله طبقات اجتماعی که به این حزب گرایش دارند می‌توان به روشنفکران مذهبی، نویسندگان، دانشجویان، اساتید دانشگاه مدیران میانی و بالایی بخش صنعت، تکنوکراتها، روحانیون روشنفکر و توده روشنفکر و ملی‌گرای جامعه اشاره کرد.

مواضع سیاسی:

دیدگاههای سیاسی این حزب چنانکه از گفته اعضای برجسته آن برداشت می‌شود مبتنی بر اعتقاد راسخ به اجرای تمام مواد قانون اساسی بوده لیکن این حزب با آنکه خود را معتقد به تمام مواد قانون اساسی نمی‌داند اما خود را ملتزم به اجرا و رعایت آن می‌داند و استدلال آنها نیز بر این اساس است که قانون اساسی مورد تأیید اکثریت مردم و مصوب شورای تدوین قانون اساسی که برخی از اعضای این گروه نیز در آن عضویت داشته‌اند بوده است و از لحاظ قانونی اشکالی بر آن وارد نیست، در حقیقت این حزب قانون اساسی را میثاق ملی و مبنای عملکردهای خود می‌داند. دکتر ابراهیم یزدی در مورد اصل ولایت فقیه در قانون اساسی چنین می‌گوید:

"ما برطبق قانون اساسی، ولایت فقیه را قبول داریم."

یعنی در حقیقت این حزب به ولایت فقیه التزام دارد و نه اعتقاد، حتی در اولین قانون اساسی تنظیم شده از طرف دولت موقت که اکثر آنها را نیروهای ملی ـ مذهبی و نهضت آزادی تشکیل می‌دادند اصل ولایت فقیه و رهبری گنجانده نشده بود، که البته در مجلس تدوین قانون اساسی که به پیشنهاد آیت‌اله طالقانی تشکیل شده بود این اصل به قانون

اساسی اضافه شد و به رفراندوم گذاشته شد. این حزب در یکی از بیانیه‌های خود چنین می‌گوید[۱]:

"نهضت آزادی ایران بار دیگر به این نکته اساسی توجه می‌دهد که در رابطه با اصول قانون اساسی و هر قانون دیگری، باید اصل التزام موردنظر باشد و نه اعتقاد. استمرار ثبات جمهوری اسلامی در گرو تمکین عمومی از قانون است و در این میان دولتمردان بیش و پیش از همه متعهد و موظف به رعایت قانون می‌باشند."

دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل این حزب در مورد مقوله «دین» و «سیاست» همچنین «ملیت» و «اسلامیت» می‌گوید[۲]:

"«دین و سیاست» و «دین و دولت» دو مقوله کاملاً مجزا و متمایز از هم می‌باشند. جدایی دین و سیاست امکان ندارد. مردم براساس باورها و اعتقادات خود در سیاست دخالت می‌کنند. دخالت مردم دیندار در سیاست به منزلهٔ دخالت دین در سیاست است. اگر مردمی دیندار باشند سیاست نیز به اقتضای ماهیت خود از باورهای مردم بهره می‌گیرد. بنابراین دین و سیاست در تقابل یا تعامل و دادوستد دائم با یکدیگر می‌باشند. اما میان دین و دولت باید مرزبندی کاملاً روشن و قانونمندی وجود داشته باشد. معمولاً قانون اساسی مرزها را روشن می‌کند، نظام جمهوری اسلامی ایران دو رکن دارد: یک رکن آن جمهوریت است و جمهوریت و مردمسالار (دموکراتیک) بودن نظام بدون قانون اساسی معنا و مفهومی نخواهد داشت."

ملیت و اسلامیت:

"فرهنگ ملی ما دارای دو رکن اساسی غیرقابل تفکیک ایرانیت و اسلامیت یا ملیت و دیانت است. معنا و مفهوم تعامل فرهنگ ملی و قانون اساسی در ایران این است که قانون اساسی همان طور که باید میان دو مسئله ملی، یعنی پدیده تنوع اقوام ایرانی و تمامیت ارزی کشور رابطه بهینه، عادلانه و پایداری ایجاد کند، می‌بایست جایگاه عامل دیانت در فرهنگ

---

۱. بیانیه شماره ۱۶۲۱، ۷۶/۹/۸.

۲. ماهنامه ایران فردا، اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۱۶.

ملی را نیز مشخص نماید. تعیین نوع رابطه قابل قبول امر کاملاً جداگانه‌ای است. به طور کلی می‌توان گفت دولت حق دخالت در باورهای مردم را ندارد. اعتقاد امری قلبی است و باید به دور از هر نوع اکراه و اجبار باشد."

دکتر ابراهیم یزدی[1] سیاستها و برنامه‌های این حزب را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم چنین بیان می‌کند:

"ما توسعه سیاسی را شرط اولیه و برگشت‌ناپذیر توسعه اقتصادی می‌دانیم که تحقق آن در گرو اجرای موارد زیر می‌باشد:

۱ـ تحقق همه جانبه آزادی و حاکمیت ملت و استقلال کشور به عنوان اصلی‌ترین آرمانها و ارزشهای اسلامی.

۲ـ قانونمند ساختن مدیریت کشور و جامعه با تأکید بر کاردانی، تخصص و تجربه و اجرای جدی اصول مصرح در قانون اساسی و سایر قوانین.

۳ـ آزادی فعالیت گروهها و احزاب سیاسی و انجمن‌های مدنی (نظیر تشکلهای صنفی) در چهارچوب قانون اساسی و عدم دخالت دولت در انتخابات و مدیریت آنها.

۴ـ اجرای اصل شوراها طبق قانون اساسی، به منظور نهادینه کردن دخالت مردم در سرنوشت خود و سپردن امور مردم به دست خودشان و حرکت به سوی تمرکززدایی.

۵ـ تأمین امنیت اجتماعی و جلوگیری از هرگونه تجاوز و خودسری گروههای فشار غیرمسئول و کاهش تنشهای سیاسی و ایجاد آرامش و امنیت.

۶ـ جلوگیری از تفتیش عقاید و اجبار و اکراه در مسائل اعتقادی.

۷ـ ایجاد روح برادری، رأفت و رحمت اسلامی، تساهل و تسامح به جای دشمنی و خشونت."

نهضت آزادی پس از حماسه دوم خرداد و انتخاب رئیس جمهور از شعارهای اصلاح‌طلبانه خاتمی قاطعانه حمایت کرد، اما به هیچ‌وجه آن را کافی نمی‌دانست. در پایان انتخابات مجلس ششم که به پیروزی قاطع نیروهای اصلاح‌طلب منجر شد، هرچند هیچ

---

۱. ایران فردا، اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۱۶.

یک از افراد مورد حمایت این گروه در آن حائز وارد مجلس نشدند اما این حزب اقدام به انتشار بیانیه‌ای نمود و از روند اصلاحات حمایت کرد. در قسمتی از این بیانیه آمده است[۱]:

"نهضت آزادی ایران در مجموع، تحولات سیاسی اخیر کشور را مثبت ارزیابی می‌کند و امیدوار است که همه مسئولان کشور با درک کامل پیامهای انتخابات دوره ششم مجلس، حضور و قدرت شگفت‌انگیز مردم آگاه و رشید ایران را باور کنند، حاکمیت واقعی را به مردم بسپارند به انحصارها و انحصارگری‌ها پایان دهند و با شفاف کردن عملکردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میزان اعتماد مردم به حاکمیت را افزایش دهند."

در بیانیه[۲] دیگر به مناسبت مجلس ششم این حزب خواستار حزبی شدن انتخابات و رفع انحصارگری در عرصه سیاسی کشور شده است:

"اگر در انتخابات، احزاب شناخته شده نامزدهای موردتأئید وپشتیبانی خود را با برنامه‌ها و مواضع مشخص معرفی کنند نمایندگانی توانا به مجلس راه خواهند یافت و مجلس با جمعی از نمایندگان کاردان و کارشناس قوام خواهد یافت. احزاب با خط مشی مشخص و مرامنامه معین، هویت فکری شفاف داشته، مقبولیت یا عدم مقبولیت اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها ملاک انتخاب نامزدها در انتخابات سرنوشت ساز آینده خواهد بود."

"نهضت آزادی ایران با توکل به هدایت خدای رحمان امید آن دارد که حاکمیت با توجه به خواست میلیونها شهروند این سرزمین، که عشق سربلندی و سرافرازی وطن را با الهام از تعالیم انسان ساز اسلام در دل دارند، دست از یکسو نگری و منحصر نگاه داشتن قدرت در دست جناحی خاص برداشته و با عبرت‌گیری از تاریخ، موانع توسعه سیاسی کشور را کنار زند تا با شکوفایی استعدادهای نهفته این ملت فهیم و هوشیار راهی به سوی سربلندی ایرانی آباد، آزاد و مستقل با الهام از پرتوهای روشنگر اسلام هموار گردد."

این حزب خود را طرفدار آزادیهای بیشتر اجتماعی مردم مطابق موازین قانونی می‌داند

---

۱. بیانیه شماره ۱۷۲۱، ۷۸/۱۲/۱۹.

۲. بیانیه شماره ۱۶۸۲، ۷۸/۳/۱۹.

در بیانیه[۱] دیگر این حزب می‌خوانیم:

"نهضت آزادی ایران همواره خود را ملتزم به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانسته و مدافع رعایت حقوق مردم از طرف حاکمان می‌باشد و بخصوص نسبت به تحقق و تأمین آزادیهای قانونی مردم تأکید دارد."

از طرفی این حزب با دسته‌بندی مردم به نیروهای سیاسی خودی و غیرخودی و یا به قول این حزب شهروند درجه یک و شهروند درجه دو به شدت مقابله کرده و آنرا رد می‌کند. به قول برخی نیروهای سیاسی داخل نظام، این حزب را جزء احزاب خارج نظام می‌دانند و این دیدگاه باعث شده که تاکنون از حضور این حزب در اکثر انتخابات‌های برگزار شده به وسیله رد صلاحیت آنها توسط شورای نگهبان جلوگیری شده است. به همین دلیل این حزب در بیانیه‌ای[۲] صریحاً از رئیس جمهور خواستار آزادی عمل بیشتر برای احزاب و رسمیت یافتن آنها شده است:

"اجرای قانون احزاب و زمینه سازی برای حفظ حقوق و آزادی فعالیت احزاب مخالف و خارج از حاکمیت ولی ملتزم به قانون اساسی ـ همانگونه که در سخنرانی رئیس جمهور محترم نیز برآنها تأکید شده است ـ در دوارن تثبیت جمهوری اسلامی، برای پیشگیری از انحراف و تضمین دوام و بقای آن ضروری است. متأسفانه اعضای کمیسیون ماده ده قانون احزاب ـ که چهار نفر آن از قوه قضائیه‌و مجلس شورای اسلامی انتخاب شده‌اند ـ با برنامه توسعه سیاسی و اجرای قانون احزاب چندان موافق نیستند و این امر مانع اجرای برنامه‌های وزارت کشور بوده است."

پس از حماسه دوم خرداد و آغاز اصلاحات و شکل‌گیری برخی حرکتهای ایذائی و خشونت‌ها در کشور این حزب که خود بارها هدف این چنین حرکتهایی بود در بیانیه‌های[۳] مختلف این اعمال را محکوم کرد و آنرا مغایر باحرکتهای اصلاح‌طلبانه رئیس جمهور خاتمی دانست.

---

۱. بیانیه شماره ۱۷۱۶، ۷۹/۳/۷.
۲. بیانیه شماره ۱۶۴۰، ۷۷/۳/۹.
۳. بیانیه شماره ۱۶۲۱، ۷۶/۹/۸.

"نهضت آزادی ایران ناآرامی و تشنجات کنونی را که عملاً مانع اجرای برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت و ترقی و تعالی کشور است، به ضرر ملک و ملت و به نفع بیگانگان می‌داند و به این دلیل، برحفظ آرامش و اجرای جدی قانون اساسی و پرهیز از تشنج وخشونت تأکید می‌ورزد."

دکتر ابراهیم یزدی در مورد جایگاه این حزب در عرصه سیاسی کشور و طرز برخورد با جریانات سیاسی غالب در کشور می‌گوید:

"ما قسم نخورده‌ایم که همیشه و تا ابد به عنوان اپوزیسیون عمل کنیم و قسم هم نخورده‌ایم که با هر کس در دولت باشد به صرف این که در دولت است مخالفت کنیم. خیر. بدیهی است که اگر برنامه‌هایی که مطرح می‌شود با برنامه‌های که نهضت (آزادی) ارائه داده و می‌دهد همخوانی داشته باشد از آن حمایت می‌کنیم. حتی اگر به ما اجازه فعالیت ندهند."

غلامعباس توسلی[۱] یکی از اعضای برجسته نهضت آزادی در مورد اصلاحات، فضای سیاسی و بحران‌های سیاسی که آن را تهدید می‌کند می‌گوید:

"وضع موجود جامعه بسیار شکننده، ابهام‌آمیز و دو پهلوست. ما الان با یک بحران مواجهیم، این بحران هم بحران قانونیت است و هم بحران مشروعیت و مقبولیت، اساسش هم از آنجاست که به هر حال یک نهادهای جدیدی بعد از انقلاب آمده سوار یک سلسله نهادهای قدیم شده، اما اصلاحات نهادهای جدید را که هنوز رشدکافی پیدا نکرده بود، تحت الشعاع خودش قرار داده و در نتیجه تضاد، ابهام و درمواردی بحران در جامعه پیدا شده است."

"اگر ایده‌ای داریم و فکری داریم که خوب است لازم نیست که به زور بر دیگران تحمیل کنیم، باید این مسأله مطرح شود. در موردش بحث و گفتگو شود و چالش شود وگرنه اصلاحات سطحی باقی می‌ماند، اگر اصلاحات در یک قشر خاصی باقی بماند بقیه اقشار جامعه را در برنمی گیرد."

خانم اعظم طالقانی[۲] که دارای دیدگاههای نزدیک به نهضت آزادی است در مورد رابطه

---

۱. صبح امروز، ۷۸/۸/۱۸. ۲. ایران فردا، ص ۱۵، خردادماه ۱۳۷۶.

دین و سیاست می‌گوید:

"ما مذهب تشیع داریم و معتقدیم باب اجتهاد باز است. منتها اشکال بزرگ ما حاکمیت ماست. مشکلات و معضلات جامعه به صورت سیاسی جلوه می‌کند وقتی سیاسی می‌شود برای حاکمیتها خطر ایجاد می‌کند و وقتی خطر را احساس می‌کنند و می‌بینند به حاکمیت ضربه می‌خورد آن موقع اجتهاد می‌کنند. یعنی به فکر این می‌افتند که مسئله را چطور حل کنند. برای حل مشکلات مردم باید با شرایط و امکانات فعلی زمان اجتهاد شود نه فقط براساس آنچه در پوسته سیاسی جلوه‌گر می‌شود. این مشکل بزرگی است که ما داریم و هرچیز تحت الشعاع آن قرار می‌گیرد."

"حکومت نباید فشار و زور بیاورد و بخواهد اعمال شخصی و فردی مردم را انتخاب کند. این اصلاً معناً ندارد. باید روشی را انتخاب کند که برای مردم جاذبه پیدا کند. وقتی جاذبه پیدا کرد مردم به سمت اسلام می‌آیند."

در عرصه سیاست خارجی دکتر ابراهیم یزدی[1] برنامه‌های نهضت آزادی را چنین تشریح می‌کند:

"۱ـ اجرای یک برنامه سیاست خارجی فعال در جهت کاهش تنشها و بهبود مناسبات و روابط خارجی براساس منافع ومصالح ملی.

۲ـ توسعه گسترده روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای اسلامی و به خصوص کشورهای همسایه.

۳ـ احترام والتزام عملی به تعهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی شناخته شده‌ای که دولت ایران آنها را به رسمیت شناخته و امضاء کرده است."

برخی دیگر از دیدگاههای سیاسی غلامعباس توسلی[2] استاد دانشگاه جامعه‌شناس و عضو برجسته نهضت آزادی را در ذیل می‌خوانیم:

اصلاحات:

"اساساً این اصلاحات، اصلاحات اساسی است و اصلاحات سیاسی بر اصلاحات

---

۱. ایران فردا، ص ۱۶، اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۶.

۲. حیات نو، ۷۹/۶/۱۵.

اقتصادی، اجتماعی، اولویت دارد. و اولویت آن به این معنی نیست که اصلاحات اقتصادی ضروری نیست بلکه به این معنا می‌باشد که تا اصلاحات سیاسی به عمل نیاید وجامعه قانونمند نشود و اعتماد مردم جلب نگردد، اصلاحات اقتصادی امکان‌پذیر نیست. یعنی اصلاحات سیاسی بستری است برای توسعه اقتصادی.»

جامعه بی‌تفاوت[1]:

«جامعه‌ای که در آن دیکتاتوری باشد و مردم احساس شهروندی نکنند، در آن موقع نسبت به همه چیز بی‌تفاوت می‌شوند و در نتیجه کارها پیش نمی‌رود.»

گفتمان دموکراسی:

«تا یک بستر حداقل وجود نداشته باشد صحبت از ایجاد گفتمان دموکراسی بی‌فایده است. بین فرادست و فرودست اصلاً گفتمانی نمی‌تواند تحقق یابد، فرادست همیشه به فرودست زور می‌گوید و آنچه خود می‌خواهد به نام او پیاده می‌کند. در یک محیط نگرانی و اضطراب و ترس آلود، محیطی که افراد احساس امنیت قضایی و... نمی‌کنند چطور می‌توانند اگر مطالباتی دارند به زبان آورند، به هرحال اکثریت مردم محافظه کارند، لذا تابستر مناسبی نبینند، به جلو نمی‌آیند.»

برخی دیگر از دیدگاههای سیاسی ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی به شرح زیر است:

توسعه سیاسی:

«فرایند توسعه سیاسی در این دوره، فرایندی است یکطرفه، ممکن است دچار فراز و نشیب شود، اما هیچکس نمی‌تواند آنرا متوقف سازد. ویژگی اصلی این دوران این است که توسعه سیاسی و بازشدن فضای سیاسی، امری است ریشه‌ای و از درون جامعه سرچشمه می‌گیرد.»

«توسعه سیاسی در ایران بیش از هرچیزی به جو آرام نیاز دارد.»

---

۱. صبح امروز، ۷۸/۸/۱۸.

اصلاحات تدریجی:

"مردم خواهان تأمین حقوق و مطالبات خویش از طریق شیوه‌های رادیکال و بیرون از قواعد بازی سیاسی نیستند. بلکه آن را از طریق تغییرات آرام و تدریجی طلب می‌کنند."

حکومت اسلامی[1]:

"به حکومت اسلامی اعتقاد داریم که تابع آرای اکثریت باشد. همه ما سیاستها و رفتارهایی راکه طی بیست سال گذشته انجام شده است قبول نداریم."

مقام رهبری و ولایت فقیه:

"ما نه اعتقاد داریم و نه قبول می‌کنیم که ولی فقیه را خداوند برگزیده و او خلیفه خدا است. بلکه ما می‌گوئیم در قانون اساسی، ارگانی بنام رهبری وجود دارد و رهبر از سوی مجلس خبرگان که اعضای آن از سوی مردم انتخاب می‌شوند برگزیده می‌شود و اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی، مشخص شده است."

"ما به اصل نظام ولایت فقیه اعتقاد نداریم، بلکه فقط به آن پایبندیم."

مرزبندی خودی و غیرخودی[2]:

"اگر بخواهیم خط کشی بکنیم، باید میان مردم گرایان وکسانی که به حاکمیت مردم و رکن جمهوریت نظام معتقدند و آنها که اعتقاد ندارند مرزبندی کنیم. اگر این مرزبندی را قبول کنیم تقسیم‌بندی درون و بیرون حاکمیت موضوعیت خود را از دست می‌دهد."

"خودی کسی است که به قانون اساسی التزام دارد و غیرخودی کسی است که جمهوریت نظام و تساوی همه شهروندان را در برابر قانون نمی‌پذیرد و برای خود و طبقه و گروهش حق ویژه قائل است."

"در درون نیروهای طرفدار اصلاحات نیز بایستی یک بازنگری صورت بگیرد و متناسب با شرایط جدید جامعه تعریف مجددی از خود بکنند. دیوار غیرواقعی و ذهنی تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی را در هم بریزند ومعیارهای جدیدی را به کار بگیرند."

---

۱. الحیات، ۷۹/۵/۱.

۲. هفته نامه پیام هاجر، ۷۸/۱/۲۴ و ۷۷/۱۱/۶.

جامعه مدنی[1]:

"جامعه مدنی بدون سازگاری امکان ندارد. برخی این واژه را به معنای سازشکاری گرفته‌اند، سازگاری با سازشکاری تفاوت دارد. در جامعه مدنی شهروندان، به آنچه باور دارند در چارچوب ضوابط قانونی مصوب همگان عمل می‌کنند و با یکدیگر سرناسازگاری ندارند. در این سازگاری یا تسامح و تساهل «دین سهله و سمحه» مرز ارزش مخدوش نمی‌گردد. تفاوت میان سازشکاری و سازگاری عبور از خط قرمزهایی است که توسط ارزشهای باور شده شهروندان تعیین می‌گردد."

موانع جامعه مدنی:

"رسوبات استبدادی در فرهنگ غالب جامعه مانع نسبی‌گرایی در سنجش رفتارهای فردی و اجتماعی می‌شود و این مانع اساسی است بر سر راه جامعه مدنی که تنها با کار فرهنگی و تربیتی‌دراز مدت اصلاح‌پذیر است."

مبانی جامعه مدنی و تسامح و تساهل:

"جامعه مدنی، جمهوریت و مردمسالاری براساس پذیرش واقعیت تکثر باورها و اخلاقیات در میان مردم است، یعنی پذیرفتن حق حیات مساوی برای همه شهروندان و این میسر نیست مگر با رعایت اصل تسامح و تساهل یا سازگاری."

جامعه مدنی و اسلام:

"به نظر می‌رسد هیچ تناقضی یا تباینی میان مبانی اساسی جامعه مدنی و اسلام وجود ندارد. تحولات اساسی در جامعه ایرانی ما، بخصوص پس از انقلاب اسلامی، آنچنان است که تنها راه تحقق آرمانهای انقلاب، حرکت به سوی ایجاد و تثبیت جامعه مدنی است."

استقلال نظام در روابط خارجی:

"بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سرنوشت ایران در ایران تعیین می‌شود و دیگر نفوذ لندن و مسکو و واشنگتن در روابط خارجی ایران وجود ندارد."

---

۱. پیام هاجر، بهمن و اسفند ۱۳۷۶.

مواضع اقتصادی:

این حزب عمدتاً گرایش به اقتصاد بازار آزاد و دیدگاه راست اقتصادی دارد و آزادیهای فردی و اجتماعی و توسعه سیاسی مردم را مقدمه‌ای لازم برای رشد اقتصادی می‌داند و واگذاری مسائل اقتصادی به مردم و عدم دخالت بیش از حد دولت در امور اقتصادی را به عنوان مواضع اقتصادی خود بیان نموده است. این حزب[۱] مشکلات اقتصادی کشور را در آستانه انتخابات مجلس ششم به صورت زیر معرفی می‌کند:

"اقتصاد تقریباً تک محصولی کشور با کاهش درآمد اصلی خود از فروش نفت دچار ضعف و ناتوانی گشته و قسمتی از برنامه‌های عمرانی و ملی کشور دچار تعطیلی یا تعلیق شده است. دو بخش عمده دیگر اقتصادی کشور یعنی صنعت و کشاورزی که در تولید ملی و اشتغال وامرار معاش مردم نقش اساسی دارند، به دلیل ساختار نامناسب و اعمال سیاستهای مدیریتی نامطلوب، با کاهش رشد سرمایه‌گذاری و بازدهی نامطلوب روبه‌رو شده و از تکاپو افتاده است، به طوری که طبق آمار موجود سرمایه در بخشهای مختلف اقتصادی در سال ۱۳۶۵ معادل ۲۰ هزار میلیارد ریال بوده است و در سال ۱۳۷۵ به ۱۸ هزار میلیارد ریال کاهش یافته است."

"بیکاری آشکار و پنهان در سراسر کشور موجب سرگردانی و یا مهاجرت قشر عظیمی از جامعه، عمدتاً جوانان، شده است تا جایی که کارشناسان در یک برآورد خوشبینانه ضریب بیکاری را در سال گذشته ۲۲/۳ اعلام کرده‌اند."

"تورم لگام گسیخته ۳۶/۶ درصدی و تعطیلی واحدهای تولیدی در شهرکهای صنعتی شاخص دیگری از بیماری اقتصاد کشور است. رشد فقر هر ساله تعداد بیشتری از خانواده‌های این سرزمین را در برمی گیرد و امروزه اکثریت عظیمی از مردم صبور ما سختی معیشت را با پوست وگوشت خویش به خوبی لمس می‌کنند. عدم ثبات سیاسی و امنیت مطلوب اجتماعی و وجود قوانین اقتصادی دست و پاگیر و تغییرات مدام آنها موجب گشته است که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش تولید از خود

---

۱. بیانیه شماره ۱۶۸۲، ۷۸/۳/۱۹.

نشان ندهند."

ابراهیم یزدی[1] برنامه‌ها و خط مشی نهضت آزادی در عرصه اقتصادی را چنین بیان می‌کنند:

"۱ـ اعمال سیاست برنامه‌ریزی ونظارت دولت بر اقتصاد کلان و کاهش هرچه بیشتر سهم آن در فعالیتهای اقتصادی، به جز در بخشهای کلیدی و استراتژیک (اقتصادغیردولتی)

۲ـ حذف نهادها و بنیادهایی که فعالیت اقتصادی آنها جزو هیچ یک از سه بخش تعاونی، دولتی و خصوصی مصرح در قانون اساسی محسوب نمی شود.

۳ـ مبارزه جدی با هرگونه فساد، رشوه خواری و سوءاستفاده از اموال عمومی از سوی هر مقام و منصب و وابسته به هر قدرت و نهاد رسمی و غیررسمی.

۴ـ حمایت از توسعه تولید ملی در بخشهای صنعت و کشاورزی به منظور بالا بردن سطح تولید و جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی (کاهش واردات و توسعه صادرات غیرنفتی).

۵ـ اختصاص بخش عمده درآمد نفت و گاز به ورود کالاهای سرمایه‌ای برای ایجاد تأسیسات زیربنایی.

۶ـ توزیع عادلانه درآمدها، با اجرای سیستم دریافت مالیاتهای تصاعدی، به ویژه از قشرهای ثروتمند، کاهش اختلاف سطح هزینه‌ها با حداقل درآمدها.

۷ـ تقویت و توسعه بخش تعاون در جهت رشد تولید ملی.

علی‌اکبر معین‌فر[2] وزیر نفت دولت موقت به نخست وزیری مرحوم مهدی بازرگان در مورد مسائل اقتصادی چنین نظر می‌دهند:

"بنده مسائل اقتصادی کشور را صرفاً مسئله اقتصادی نمی‌دانم، تمام مشکلات ناشی از عدم حضور و مشارکت فعال مردم است، به این ترتیب اعتقاد دارم مشکلات و بن‌بستهای اقتصادی با حضور فعال مردم قابل حل است. اختلاف طبقاتی ناشی از به وجود آمدن طبقه نوین در جامعه ماست و راه مقابله با آن هم جز آزادی دادن به مردم برای انتقاد چیز دیگری

---

۱ و ۲. ایران فردا، اردیبهشت ۱۳۷۶.

نخواهد بود. وام خارجی مسئله‌ای نیست که به خودی خود بد باشد. وامی که بـه مـصرف سرمایه‌ای نرسد و برگشت کامل نداشته باشد (در واقع از لحاظ اقتصادی قابل توجیه نباشد) قابل قبول نیست کشورها باید دارای سیاستهای حساب شده باشند تا برمبنای صحیح اداره شوند. باید بتوانند جذب سرمایه نمایند و حتی اعتماد برای وام ایجاد کنند. اما در اینجا حتی وامهایی که طرحش به مراحل آخر (نظیر سدکارون ۴ ژاپنی‌ها) رسید، در پایان به هم خورد. تمام این مسائل ناشی از این است که ثبات داخلی نیست. درباره سیاستهای تـعدیل نـظر خاصی ندارم، چون آن را اساساً تعدیل نمی‌دانم و خصوصی سازی که مطرح شده و تـنها نامش خصوصی سازی است را «اختصاصی سازی» می‌دانم و در واقع طبقه نوینی است که این کار را می‌کند نه مردم.″

غلامعباس توسلی[۱] در مورد مسائل اقتصادی چنین نظر می‌دهد:

″به هر حال وقتی بستر قانونمندی و مردمسالاری در جامعه باشد، ایرانیان متخصص، کار بیشتری انجام می‌دهند و به کشور هجوم می‌آورند و سرمایه‌ها جذب می‌شوند، ایـن موضوع با اینکه شما بخواهید از بالا اقتصاد را سامان دهید متفاوت است. تجربه هم نشان داده که میلیاردها دلار پول به این مملکت وارد شده، ولی چون بستر سیاسی مطلوب نبوده، موفق نبوده است. اقتصادی که از بالا اداره می‌شود و مردم در آن مشارکت نداشته باشند دوام چندانی ندارد و در نهایت فساد به وجود می‌آید.″

مواضع فرهنگی:

این حزب همواره خواستار آزادی بیشتر برای ابراز عقیده افراد جامعه و انـعکاس آراء مردم به وسیله ابزار هنری و یا مطبوعات بوده است. از جمله این حزب بـا بـرخـوردهای مقامات قضایی با مطبوعات مستقل بارها مخالفت نموده و آن را سلب آزادیـهای اسـاسی مردم مصرح در قانون اساسی دانسته است.

در یکی از بیانیه‌های[۲] این حزب در مورد مسائل فرهنگی چنین می‌خوانیم:

---

۱. حیات نو، ۷۹/۶/۱۵.

۲. بیانیه شماره ۱۷۱۶، ۷۶/۸/۶.

"نهضت آزادی ایران که همواره خود را ملتزم به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانسته و مدافع رعایت حقوق مردم از طرف حاکمان می‌باشد و به خصوص نسبت به تحقق و تأمین آزادی‌های قانونی مردم تأکید دارد، تعطیلی غیرقانونی مطبوعات مستقل، بازداشت و محاکمه غیرقانونی نویسندگان و مسئولین مطبوعات را محکوم می‌نماید."

غلامعباس توسلی از اعضای برجسته این حزب در مورد مسائل فرهنگی می‌گوید:

"مشکل ما نه انقلاب است و نه تهاجم فرهنگی، اصل مسئله‌ای که به لحاظ فکری، فرهنگی و روحی در اقتصاد، سیاست و فرهنگ ما تأثیر می‌گذارد عبارت است از این که ما می‌خواهیم در حفظ ارکان فرهنگ جامعه خودمان تحولات و تغییرات را هم دنبال کنیم و نمی‌خواهیم همان جایی که هستیم باقی بمانیم و نیز نمی‌خواهیم از بنیادهای فرهنگی خودمان جدا بشویم و اینجاست که تنش به وجود می‌آید. حل درست این تنش یک معمار می‌خواهد که هم در اندیشه و فکر و هم در سازمان‌دهی و هم در نهادهای مدنی، اصلاحات واقعی کند. اگر بیشتر به طرف سنت بروید، ممکن است تحول و تغییر مدرنیته را نفی کنید و به محض اینکه بی‌هوا به سمت مدرنیته بروید، ممکن است ارزشهای فرهنگی دچار اختلال بشود."

"اگر ما اصول اصلاحات دوم خرداد را به کرسی بنشانیم مطمئناً در سایر زمینه‌های زندگی و اجتماعی اثر خواهد گذاشت. اما اگر در جهت عکس عمل کنیم نتیجه این خواهد بود که جامعه بسته می‌شود و در پی آن فساد در جامعه افزایش یافته و انتقاد کاهش پیدا می‌کند. روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون و افراد حق استفاده از آزادی‌های مشروع خودشان را از دست می‌دهند و بلافاصله جامعه هم به سمت فساد و ناهنجاری حرکت می‌کند. بنابراین عقب راندن فساد در جامعه مستلزم یک فضای باز سیاسی و گشودن عرصه گفتگو در مطبوعات است که بتوانند سخن خود را بگویند و حرف مردم را نیز منعکس کنند."

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران

نام کامل: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران

نام دبیر کل: محمد سلامتی

اعضای فعال: محمد سلامتی، بهزاد نبوی، محسن آرمین، سیدمصطفی تاج‌زاده، بصیرزاده، محسن سازگارا، هاشم آغاجری، حسین صادقی، نوروزی، فیض‌الله عرب سرخی، مشایخی.

اعضای سابق: مرتضی الویری، محسن رضایی، ذوالقدر، حسین فدائی، عبدالحسین روح‌الامینی، شهید محمد بروجردی، علی عسگری.

مرامنامه:

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران یک تشکیلات عقیدتی ـ سیاسی علنی است که با اعتقاد به مکتب حیاتبخش اسلام و ضرورت اجتهاد زنده و زمان شناس در تطبیق خلاق مکتب با نیازهای هر مرحله از زمان و مقتضیات آن، و با تکیه بر معارف اسلامی منبعث از وحی که نمایندگان آن فقها، حکما، و عرفان بزرگ اسلامی می‌باشند، براساس اصول مندرج

در مرامنامه و در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پذیرش اصـل ولایت فقیه برای تحقق اهداف زیر تلاش پیگیر می‌کند:

الف: پاسداری از اصول، ارزشها، آرمانها و دستاوردهای انقلاب اسلامی که از جمله آنها نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی می‌باشد.

ب: تداوم، گسترش و تعمیق انقلاب اسلامی در ایران و جهان.

ج: رشد و ارتقاء سطح آگاهیهای عقیدتی ـ سیاسی و تعالی اخلاقی و معنوی توده‌های مردم و سازماندهی و بسیج آنها بمنظور شرکت فعال و واقعی در امور انـقلاب، جـامعه و سرنوشت خویش.

د: تحقق جامعه‌ای آباد، آزاد، مستقل و عاری از ستم، استثمار و استضعاف و شرکت و نفاق.

تبصره ۱: سازمان اهداف مذکور را از طریق فعالیتهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، و در چارچوب آزادیهای مصرح در قانون اساسی تعقیب می‌کند.

تبصره ۲: اعتقاد و پذیرش قانون اساسی به معنای پذیرش اصول و ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است که در قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه متجلی می‌شود.

تبصره ۳: هرگونه تغییر و انحراف از ماهیت اسلامی و اصیل سازمان به منزله خیانت به بنیانگذاران و سازمان بوده و خود به خود موجب انحلال سازمان می‌گردد.

مبانی اعتقادی

۱ـ شناخت

جهان هستی (اعم از ذهن و عین) واقعیتی است قابل شناسایی که انسان به مدد حس، عقل و الهامات غیبی قادر به شناخت آن و کشف روابط میان پدیده‌های آن است.

در این مسیر گستره طبیعت، عقل فعال و خلاق و وحی تکیه گاه و روشنگر مسیر آگاهی وی هستند. انسان همواره می‌تواند آگاهی‌های خود را به فراخور به سنگ تجربه و استدلال محک زند.

۲ـ جهان بینی

الف ـ هستی:

نظام هستی نظامی یک قطبی، ضروری با روابط تخلف‌ناپذیر میان پدیده‌ها است. اصل علیت ونظام اسباب ومسببات بر کلیه وقایع و پدیده‌های جهان حکمفرما است.

هستی با تمام واقعیات وامور گوناگون یک واقعیت واحد است که در عین وحدت دارای کثرت می‌باشد.

اختلاف و تنوع موجودات (وجه کثرت) از مراتب مختلف هستی (وجه وحدت و اصیل) و قابلیتهای مختلف در هر مرتبه ناشی می‌شود. در واقع کلیه روابط میان پدیده‌ها به یک نوع رابطه در اساس وجود و حقیقت موجودات باز می‌گردد.

لذا هستی نه توده‌ای از موجودات بیگانه و با حوادثی مبتنی بر تصادف بلکه دارای نظامی ضروری با روابطی نهادی میان پدیده‌ها است و اصل علیت عمومی و نظام اسباب و مسببات که مبین همین رابطه نهادی و وجودی است بر کلیه وقایع و امور جهان حکمفرما است.

خدا: کلیه پدیده‌ها و موجودات جهان آفرینش در هر سطح و مرتبه از وجود محدود، نیازمند و مشروط هستند و هیچ یک از خود ضرورتی بر وجود خود ندارند. این تزلزل و ناپایداری را وجودی مطلق و قائم به ذات «خدا» ضرورت و قطعیت می‌بخشد.

خداوند وجود مطلق غنی بالذات، کمال علی‌الاطلاق و محور و سرچشمه هستی است. بنابراین نظام هستی یک قطبی و قائم به غیر (ذات باری) بوده وماهیتی «از اویی» و «به سوی اویی» دارد. به طوری که موجودات در واقعیت وهستی شان نیازمند و محتاج به «ذات باری» هستند. این نیاز هم در پیدایش، هم در بقا یعنی در لحظه لحظه حیات جهان نمایانگر هویت و ذات جهان است. بنابراین قیومیت خداوند رحمان و دوام فیض وجود از جانب او ونیاز مستمر واقعیات در ثبوت و بقای خود به او اساس پایداری جهان آفرینش است.

هدایت و وحی به عنوان تجلی (ربوبی الله) ضامن حرکت پدیده در مسیر کمال خود می‌باشد. جهان آفرینش از آنجا که فعل و مخلوق حکیمی دانا و بی‌نیازی توانا است کلیه پدیده‌های آن به تناسب مرتبه و درجه وجودی خود دارای مرتبه‌ای از کمالات ذات احدیت

هستند و به همین اعتبار هر یک «آیه» و نشانه‌ای از ذات خداوند و گواهی بر وجود و صفات کمال او می‌باشند، لذاهستی یک پیکر مرده، بخود وانهاده، بی تفاوت نسبت به امور و حوادث و دارای خلقتی پوچ و بی‌هدف نیست. بلکه نظامی ذاتاً هدفدار، غایتگرا، دراک و حساس بوده و در مقابل کلیه حوادث و اعمال عکس‌العمل نشان می‌دهد. در واقع نظام جهان نظامی احسن مبتنی‌بر حق و میزان است.

غیبت و شهادت: جهان هستی به یک اعتبار به دو بخش غیب و شهادت تقسیم می‌شود. شهادت به آن بخش از جهان اطلاق می‌شود که بر انسان پوشیده نیست.

بخشی از جهان که از نظر انسان غایب است عالم غیب نامیده می‌شود. وجه غیبت جهان نسبی است و به تناسب سطح عقل و حضوردل و توانمندیهای انسان قابل درک و کشف است، تنها غیبت مطلق ذات واجب تعالی است که هیچگاه به درک و فهم انسان در نمی‌آید.

طبیعت: وجود مادی که در پائین‌ترین مرتبه و مراحل هستی قرار دارد عین ناپایداری سیلان و تغییر است. دو حیثیت قوه و فعل از جهان طبیعت جهانی در حال شدن می‌سازد، این شدن، شدنی جوهری، متصل وکمال یاب است.

وجود قوا و فعلیتهای گوناگون در عالم طبیعت تزاحم و تضاد را امری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، تضاد و تزاحمی لازمه وحدت، لذا اصالت با وحدت است نه با تضاد.

بنابراین هیچ پدیده‌ای از گذشته خود منقطع و بیگانه نیست، وحدت اتصالی میان گذشته و آینده هر پدیده موجب می‌گردد که هر آینده‌ای به وجود امکانی در دل گذشته و صورت و فعلیت خاص هر پدیده ناشی از گذشته خاص آن باشد.

انسان محصول نهایی این حرکت جوهری است. ماده در حرکت جوهری کمال یاب خود به مرز تجرد می‌رسد و قابلیت پذیرش صورت تجرد را که همان نفس ناطقه انسانی است می‌یابد.

ب ـ انسان:

انسان بواسطه نفس مجرد خود که عالیترین محصول حرکت جوهری ماده می‌باشد موجودی ماده می‌باشد موجودی دو بعدی است که پای در زمین و سربه سوی ملکوت

جهان دارد. ظرف اندیشه او عمیق و آرمانخواهی وگرایشات معنویش عظیم است. این ویژگیها از وی موجودی پویا و در حال شدن می‌سازند، موجودی که معمار خویش است. خلیفه خدا در زمین و منتخب و مصطفای خدا از میان مخلوقات است، لذا از کرامت ذاتی و شرافتی خدایی برخوردار است، او آزاد و مختار و امانتدار خدا در زمین است و با انتخاب خود راه سعادت و شقاوت را می‌پیماید.

از آنجا که عالم مادی خود مرتبه‌ای از مراتب هستی واحد است و انسان در این عالم پای به عرصه گذاشته است، هیچگاه بیگانه با جهان، با سرنوشتی شوم و مبهم نیست، زمین و آنچه در آن است برای او آفریده شده و او قادر است جهان و طبیعت را به استخدام خود درآورد.

وجود استعدادهای لایتناهی و بیکران فطری امکان سیر وحرکت بی‌انتهایی را برای وی فراهم ساخته است.

پرورش استعدادهای فطری موجب فعلیت آنها و تحقق صورت انسانی و نیل به کمال مطلوب و نابودی و انحراف این استعدادها موجب سقوط به وادی حیوانی و دوری از نهایت مقصود است.

در واقع سعادت و کمال او در بهره‌گیری از مواهب تکوینی و تشریعی خدادادی و شقاوت او در گرو طغیان و ناسپاسی در برابر نعم خداوندیست.

این استعداد در روابط وی با خود، طبیعت، جامعه و خدا فعلیت می‌یابد و مسئولیت انسان در قالب همین روابط معنا پیدا می‌کند. کمال و هدایت و همچنین ضلال و شقاوت او در گرو کیفیت این روابط است.

صورت انسانی (نفس ناطقه) که منشأ آثار و خصوصیات انسانی است برابعاد مادی و جسمانی انسان احاطه و حاکمیت دارد. در حقیقت حیات واقعی انسان حیات اخروی است که بقای نفس انسانی متضمن تحقق آن است.

بنابراین انکار نفس وروح انسانی و یا پذیرش آن به عنوان امری وابسته ومتفرع بر جسم نظریه‌ای مادی وغیرالهی است.

ج ـ جامعه:

حیات اخروی در گرو فعلیت یافتن استعدادهای وجودی انسان است. از سوی دیگر پرورش بخش عظیمی از این استعداد جز در پرتو یک زندگی اجتماعی میسر نیست، لذا انسان در نهاد خود موجودی اجتماعی است.

انسان به دلیل دارا بودن ویژگیها و سرمایه‌های زائیده صورت انسانی در مقابل جامعه و محیط بسان مومی شکل‌پذیر، ظرفی خالی و موجودی صرفاً منفعل و اثرپذیر عمل نمی‌کند، لذا همچنان که تقدم جسم بر روح و تقدم نیازهای مادی بر نیازهای معنوی انسان یک نظریه ماتریالیستی و باطل است، تقدم جامعه‌شناسی انسان بر روانشناسی وی و فرض انسان به عنوان موجودی توخالی وصرفاً اثرپذیر از محیط وجامعه خود یک نظریه ماتریالیستی و ذهن گرایانه است.

از سوی دیگر جامعه مجموعه‌ای از انسانها با اهداف، روابط، آداب و رسوم مشترک است که در موجودیت وحرکت خود تابع قوانین و سنن عامی است. نتیجه آنکه اصالت توأمان فرد وجامعه تنها طرح قابل قبول و تعیین کننده حوداث انسانی و اجتماعی است.

جوامعی که براساس اراده انسانی برخلاف سنن الهی حرکت کنند، محکوم به تدمیر و اضمحلال هستند. تاریخ پس از فراز ونشیبها و ظهور و سقوط جوامع و تمدنها شاهد جامعه‌ای ایده‌آل ومدینه فاضله‌ای خواهد بود بدور از ظلم، شرک، ستم و استثمار، جامعه‌ای که مناسبترین و عادلانه‌ترین روابط اجتماعی را برای شکوفایی استعدادها و تکامل انسان فراهم خواهد ساخت و انسان بنا به فطرت الهی خود از ابتدای زیست اجتماعی و همیشه تاریخ در انتظار چنین جامعه‌ایست.

وحی و نبوت: جهان هستی تحت ربوبیت ذات باری است و سنت عام وحی در سراسر هستی حکمفرما است. در واقع هدایت کلیه پدیده‌ها بواسطهٔ وحی است.

همانگونه که موجودات در هستی خود نیازمند ذات باری هستند، در رشد و کمال خود نیز محتاج هدایت و وحی الهی می‌باشند. انسان و جامعه انسانی نیز از این قانون عمومی مستثنی نیستند.

بنابراین وحی نه به عنوان وسیله و توجیه گر جهشهای اتفاقی در مقاطع خاصی از تاریخ، طبیعت و جامعه، بلکه به عنوان پدیده‌ای ضروری والزامی برای هدایت مستمر جهان، انسان و جامعه مطرح می‌شود. تا انسان به مدد عقل خود و با اتکاء به تعالیم وحی راه کمال و فلاح را بیابد. حاملان وحی الهی برای انسانها در طول تاریخ، انبیاء بودند که بواسطه شایستگی‌های ذاتی از جانب خداوند به این مقام مبعوث می‌شدند.

نبوت: اولین هسته‌های جماعات انسانی به صورت جوامعی بسیط در ابتدای تاریخ پدید آمدند. در جامعه اولیه انسانی (امت واحده) به دلیل سخاوت طبیعت، عدم پیچیدگی روابط اجتماعی، نیازها و رشد عقلی محدود و فطرت الهی بیدار، زمینه‌های ظهور و بروز رذائل نفسانی فردی و اجتماعی محدود بود و در واقع زمینه‌ای برای دوری از ندای توحید و فطرت الهی وجود نداشت.

پیامبران در این دوره حامل آئینی خاص نبودند و ضمن دعوت به توحید، تعالیمی در حد رفع نیاز محدود انسان ارائه می‌کردند. لذا جامعه اولیه بدون ستم و ظلمی که انشقاق جامعه را موجب شود به حیات خود ادامه می‌داد.

لیکن با گذشت زمان و تغییر شرایط و زمینه‌های مذکور وساوس شیطانی مؤثر افتاد، رذائل نفسانی فردی و اجتماعی رخ نمود، فطرت به انحراف گرائید، توحید به فراموشی سپرده شد، ریاست و تسلط جابرانه فردی و گروهی و ستمهای اجتماعی متداول گشت. رفته رفته رواج کفر و اوجگیری ظلم و استثمار موجب پیدایش قطبهای قدرت و ثروت در جامعه گردید و می‌رفت که حیات و حرکت انسان را به نابودی کشاند، از این رو بعثت انبیاء با دین و آئینی مدون جهت اقامه قسط و عدل و تعمیم و تزکیه انسان و در نهایت معرفت حق ضرورت یافت. بی شک اقامه قسط و عدالت اجتماعی یکی از اهداف متعالی انبیاء بوده است، لیکن نه به عنوان هدف نهایی و نه به عنوان یک هدف مرحله‌ای و مقدماتی بی‌رابطه با هدف نهایی زیرا عدالت اجتماعی در اندیشهٔ توحیدی از ارزش ذاتی برخوردار است. لذا از نظر شارع مقدس، عدالت اجتماعی هدفی است ارزشمند که در عین زمینه‌سازی هدف نهایی (معرفت و عبادت حق) خود مرتبه ودرجه‌ای از آن است، به طوری که در مقام معرف

کامل حق، عدالت اجتماعی همچون سایر ملکات و فضائل اخلاقی اجتماعی ارزش ذاتی خود را داراست.

امامت: انسان به حکم فطرت نیازمند زندگی اجتماعی است و اساس زیست جمعی بر تعاون و تشریک مساعی در امور است.

در زندگی اجتماعی، انسان به ناگزیر اراده و انتخاب خود را با ارادههای دیگران در هم میآمیزد وعلیرغم اینکه در انجام امور براساس اراده شخصی عمل میکند در بسیاری از موارد اراده و شخصیت فردی خود را کافی و راهگشا نمییابد. لذا به طور طبیعی در اداره امور خود نیاز و احتیاج به دیگران را حس میکند.

از سوی دیگر طبیعت زندگی اجتماعی موجب پیدایش منافع و فواید عمومی میگردد که استفاده از آنها متعلق به عموم افراد جامعه است واختصاص به فرد یا افراد معین ندارد. علاوه بر این حفظ و حراست از قوانین، مقررات و توافقات اجتماعی برای زندگی اجتماعی ضروری است و ولایت و زعامت جهت اداره امور مذکور امری اجتناب‌ناپذیر و لازم است. در واقع حرکت جامعه در بستر زمان بدون نظام و ولایت وامامت که نحوه، چگونگی وجهت حرکت رامشخص نماید ممکن نیست.

اما مقتدا و امامت تجلی وحدت وجهت‌گیری جامعه در راستای هدف مشترک است. از نظرگاه شیعی امامت همانند نبوت و رسالت مقامی جعلیٔ[1] از جانب ذات حق میباشد. امامت مقام هدایت به کمال مقصود است. هدایتی بر مبنای ولایت باطنی بر اعمال مردم.

در واقع لازمهٔ نبوت، ابلاغ پیام وهدایت مردم به معنی ارائه طریق است و لازمه مقام امامت، ولایت بر اعمال مردم وهدایت آنان به معنی ایصال به مطلوب است.

مقام امامت و پیامبران امام هر دو وظیفه را بعهده داشتند و از آن کسانی است که از خصیصه یقین و صبر در برابر آزمایشات خاص الهی برخوردارند. اذاتبلی ابراهیم ربه بکلمات و اتمهن قال انی جاعلک للناس اماما.

بنابراین امام مفسر و مبین پیام وحی است و وظیفه رهبری و اداره جامعه بسوی اهداف

---

[1]. جعلی = قراردادن، خلق کردن، آفریدن. فرهنگ معین / جلد اول / ص ۱۲۳۱.

متعالی و تعیین شده در مکتب و ساختن جامعه‌ای طراز مکتب را به عنوان جانشین رسول خدا به عهده دارد. از سوی دیگر در بعد انسان سازی امام نمونه انسان طراز مکتب و الگویی برای موحدان است.

نتیجه آنکه امام حجت خدا بر مردم است و خصیصه علم و عصمت که با ملاک واحدی برای پیامبر اثبات می‌شود لازمه مقام امامت است.

د ـ معاد:

هستی دارای نظام متقن و هدفدار است و پوچی و عبث در خلقت راه ندارد. جهان طبیعت یک واقعیت مستمر بلکه یک حرکت واحد است که از جنبه وحدت خود فعل خدا است، لذا نیل به یک مقصود و هدف نهایی برای جهان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. آن مقصود و هدف نهایی که تجلی‌اش با دگرگونی آسمان و زمین و نظام فعلی همراه است حیات اُخروی و جاودانه است. هر موجود در نظام اُخروی به کمال واقعی خود می‌رسد. نکته حائز دقت اینکه جهان آخرت پایان خطی مسافت دنیا نبوده بلکه عمق و باطن همین عالم است. در واقع هستی واحد دو جنبه دارد، جهان طبیعت جنبه ظاهر و سطح و عالم آخرت جنبه باطن و ملکوت هستی واحد است.

انسان با اختیار و آگاهی و عمل خود جایگاه واقعی خویش را در باطن و ملکوت جهان تعیین می‌نماید. در این تصویر از هستی و معاد، پاداش و عقوبت اخروی نه یک جایزه و تنبیه در پایان خط مسابقه بلکه جلوه حقیقی و ملکوتی اعمال و نفس آدمی است.

براساس تعالیم قرآنی و هدایتهای ائمه هدی و یافته‌های حکمت متعالیه، بهشت و دوزخ تجسم اعمال و چهره واقعی خود انسان و وجه حقیقی همان چیزیست که درنظام دنیا و سطح هستی به صورت اعمال و افعال ساده درک می‌شود.

این تلقی و برداشت از جایگاه معاد در جهان دقیقترین تفسیر این اعتقاد است که جهان هستی نسبت به اعمال انسان حساس، هشیار و دراک است.

براساس چنین تفسیری از معاد به عنوان واقعیتی انکارناپذیر در جهان هستی ابعاد عظیم و عمیق مسئولیت فردی و اجتماعی انسان قابل تبیین است.

نظام ارزشی

مقدمه:

اسلام همچنان که در بعدنظری تفسیر کامل و منسجمی از جهان هستی آنگونه که موجب اقناع عقل و ارضاء دل می‌گردد. ارائه می‌دهد در بعد عملی نیز مجموعه‌ای کامل از ارزشها و اصول ناظر بر کلیه شئون فردی و اجتماعی را برای بشر به ارمغان آورده است. این مجموعه که با درک و تفسیر توحیدی از عالم هستی کاملاً سازگار، هماهنگ و منطبق است متضمن تحقق هدف آفرینش و رشد و کمال انسان می‌باشد.

در واقع عینیت بخشیدن به این مجموعه وسیله‌ای است برای نیل به جامعه ایده‌آل اسلامی که در آن تقوی اساس و مدار کلیه روابط فردی واجتماعی است. جامعه‌ای که در آن تقوی، رشد و آگاهی مبنای استفاده از نعمتها بدون تخریب طبیعت می‌باشد و نتیجتاً درهای نعمت آسمان و زمین بر رویش گشوده می‌شود.

در این جامعه زیاده‌طلبی، حرص و آز، تکاثر و استغنا که به دلیل حاکمیت نظامات فاسد هر کدام تعین انحراف‌یافته خواستهای اصیل فطری است جای خود را به تسابق و تسارع تعالی بخش به سوی خیر و کمال می‌دهد.

از آنجا که دستورات فردی و اجتماعی این مجموعه با یکدیگر ارتباطی اندام‌وار و قانونمند دارند، تجزیه آنها وعمل به بعضی و مسکوت نهادن بعض دیگر موجب عدم کارایی مجموعه می‌گردد. از سوی دیگر اقامه ارزشها و احکام با توجه به ابعاد وسیع و گسترده فردی و اجتماعی آن به جز از طریق به دست‌گرفتن قدرت سیاسی و تشکیل یک حکومت ممکن نیست. لذا برای تحقق و عینیت یافتن این مجموعه برپایی حکومتی باهویت و صبغه اسلامی ضروریست.

منشاء حکومت

در تفکر توحیدی انسانها آزاد آفریده شده‌اند و هیچگونه برتری نسبت به یکدیگر ندارند و حکم هیچکس بر دیگری نافذ نیست، حتی تقوی نیز ملاک ومجوز تصرف و اعمال سرپرستی بر امور دیگران نمی‌باشد.

در بینش توحیدی قدرت یگانه ومطلق از آن خداست که مالک حقیقی و حاکم علی‌الاطلاق است. لذا منصب حکومت برای دیگران تنها بـه واسطه جعل و حکم خدا امکان‌پذیر است و ذات احدیت مقام ولایت وزعامت را تنها برای پیامبر بزرگوار و ائمه هدی(ع) قرار داده است.

در زمان غیبت ولی عصر(عج) امر حکومت به جامعه اسلامی واگذار شده است، در واقع قدرت حکومت اسلامی در زمان غیبت از جامعه سرچشمه می‌گیرد و از آنجا که جامعه اسلامی یک جامعه مکتبی است بـه حکم عقل موظف است از میان فقهای اسلام‌شناس، عادل، مطیع امر خدا، متقی، آشنای به اوضاع زمان و صاحب درایت و تدبیر فردی را برای منصب ولایت وزعامت انتخاب کند.

بنابراین حکومت اسلامی، حکومتی مکتبی است که در رأس آن عادلترین و آگاهترین افراد نسبت به معارف، ارزشها و احکام مکتب قرار دارد.

جامعه اسلامی

هرگونه مناسبات اجتماعی که برمبنای اصالت بخشیدن به بخشی از قوا و استعداد و مسکوت ماندن ابعاد اصیل انسان بنا نهاده شود با نگرش واقع‌گرایانه توحیدی بـه انسان تعارض دارد.

محدودیتها و موانع بازدارنـده رشـد، آگـاهی و آزادی، مـظالم و ستمهای سرکوبگر قابلیت‌ها و فطرت کمال جوی، مفاسد تباه کننده کرامت و جایگاه برتر انسان در پهنه هستی با انسان‌شناسی و جهانبینی توحیدی منافات دارد.

انگیزه برپایی حکومت اسلامی رفع محدودیتها، موانـع و تـنگناهای سـابق‌الذکـر در جامعه و فراهم آوردن مناسباتی است که زمینه‌های رشد وکمال انسان را براساس حفظ منافع ومصالح نوعی تضمین نماید.

تحقق این هدف تنها از طریق حاکمیت ارزشها، احکام و قوانین اسلامی در متن جامعه ممکن می‌گردد. نکته قابل توجه آنکه منابع و مآخذ اسلامی مجموعه‌ای باز و فراگیر است. باز از این نظر که هیچگونه تقیدی بـه صـورتی خـاص و سطحی خـاص و سطحی

مشخص از تجربیات و دست آوردهای علمی و فنی بشر ندارد، لذا بـه سـهولت مـی‌توان جهت دستیابی به اهداف متعالی از یافته‌های جدید بشر به عنوان ابزار کـامل‌تر در تـحقق ارزشها و احکام اسلامی بهره جست و فراگیر از این جهت که با تأکید بر نیازهای ثابت و متغیر انسان اصولی راکه قوانین کلی و ثابت، و متغیر فرعی از آن قابل استنباط است ارائه می‌دهد.

علاوه بر این درنظام اجتماعی اسلام هیچگاه روابط اجتماعی و اقتصادی لایتغیر و مقید به شکل یا اشکال خاص نبوده و از کلیه ابتکارات بشر در این زمینه‌ها که در حیطه اصولی کلی قابل توجیه هستند بهره می‌برد.

ابزار این بهره‌وری اجتهاد پویا و زنده است. حـقیقت مـذکور راز و رمـز جـاودانگـی خلاقیت سیستم اجتماعی اسلام در رهبری و اداره جوامع بشـریست. بـنابرایـن هـرگونه تنگ‌نظری و شکل‌گرایی و تقدس بخشیدن به قالبها و صور خاصی که زائیده شرایط و یـا مقطع زمانی خاص از عمر بشر است به نفی جاودانگی اسلام می‌انجامد. بر پایه ایـده‌های مذکور جامعه اسلامی با سـه ویـژگی آزادی، عـدالت اجـتماعی و اخـلاق ومـعنویت کـه خاصه‌های اصلی و ذاتی آن هستند شکل می‌گیرد.

آزادی

آزادی به مفهوم مطلق آن عبارت است از عدم موانع بازدارنده فراراه حرکت انسان. هر مکتبی بر اساس تفسیری که از انسان و خلقت به دست می‌دهد آزادی را مقید به حـدودی می‌سازد و در واقع آزادی را در چارچوب اصول خودتعریف می‌کند.

در بینش توحیدی سعادت انسان در گرو رشد و کمال اوست و رشـد و کـمال انسـان عبارت است از: «لیاقت و شایستگی نگهداری و بهره‌وری از امکانات و سرمایه‌هایی که در اختیار وی قرار داده شده است.»

برخلاف حیوانات که به طور غریزی از امکانات و سـرمایه‌های خـود بـهره مـی‌برند، انسان می‌باید با استفاده از قدرت اراده و انتخاب خود بدین لیاقت و شایستگی برسد. لذا در بینش اسلامی امکان استفاده از قدرت اراده وانتخاب وبعبارت بهتر آزادی، امر فراتر از حق و یکی از لوازم رشد و کمال انسانی است.

بنابراین آزادی به مفهوم اسلامی آن یک آزادی مثبت و سازنده بمعنی نفی موانع بازدارنده فرا راه رشد و کمال انسان است.

از نظر اسلام موانع بازدارنده رشد و کمال انسان را می‌باید در درون وی جستجو کرد. بر این مبنا آزادی فردی و اجتماعی واقعی بدون آزادی از قید و بندهای درون و مهار غرایز و شهوات حیوانی ممکن نیست و این نقطه تمایز و افتراق آزادی لیبرالیستی غربی و آزادی از دیدگاه اسلام است. زیرا آزادی لیبرالیستی غرب بدون توجه به ابعاد درونی صرفاً در صحنه روابط مادی و اجتماعی انسان تفسیر شده و بهمین دلیل نهایتاً به اسارت انسان در بند اهواء و امیال نفسانی می‌انجامند.

لذا حدود آزادی از نظر اسلام علاوه بر حفظ مبنای اسلام به عنوان مکتب حاکم بر جامعه، حفظ حقوق عمومی جامعه‌ای است که باید زمینه‌های مناسبی را برای حرکت انسان به سوی خیر وکمال مطلوب فراهم آورد.

از آنجا که استفاده و بهره‌وری از امکانات وسرمایه‌ها بدون شناخت و آگاهی ممکن نیست حکومت اسلامی موظف است برای حفظ و تعمیق آزادی در ارتقاء شناخت و سطح فکری جامعه کوشش نماید.

در واقع شأن حکومت اسلامی حفظ و تعمیق آزادیست نه اعطای آن. لذا جامعه اسلامی باید اهرمها و تضمین‌های کافی را جهت تحقق وبقای آزادی در خود داشته باشد و افراد جامعه اسلامی می‌باید امکان شرکت فعال در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی واجتماعی خویش را دارا باشند. همچنین روح و بنیاد آزادی می‌باید درک کلیه روابط و نهادهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملحوظ گردد.

عدالت اجتماعی

عدالت یکی از مبانی فلسفه اجتماعی اسلام است.

به طور کلی نظام تشریع همانند نظام تکوین تابع میزان عدل است نه این که صرفاً بواسطه صدور از ناحیه شارع عادلانه تلقی گردد.

قوانین درنظام اجتماعی اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی انسانهاست و برتری مصالح

نوعی بر مصالح فردی و قاعده لاضرر ایجاب می‌نماید که در جامعه اسلامی همواره منافع جمع بر فرد تقدم داشته باشد. اصل تقدم جامعه بر فرد بر اصل آزادی در کلیه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حکومت دارد.

عدالت درفلسفه اجتماعی اسلام عبارت است از رعایت مساوات درجعل قانون و در اجرای آن، بنابراین جهت تحقق عدالت اجتماعی، حکومت اسلامی می‌بایست:

اولاً: در وضع قانون برای همه امکانات مساوی برای پیشرفت و استفاده از مدارج ترقی قائل شود و جهت تأمین این مساوات، موانع غیرطبیعی را از مقابل همه اقشار بنحو یکسان مرتفع سازد و کار و سعی را وظیفه همه بداند، نه تنها وظیفه‌ای خاص و در یک کلام شرایط را به طور یکسان برای همه ایجاد نماید و موانع را به طور یکسان برای همه مرتفع سازد.

ثانیاً: در مقام اجرا وعمل برای افراد و اقشار جامعه تبعیض و تفاوت قائل نشود. لذاست که میگوئیم سیستم مناسبات اجتماعی اسلامی می‌بایست بگونه‌ای باشد که همواره نسبت به انحصار، تمرکز و تداول امکانات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در دست گروه یا گروههای خاص و نتیجتاً ظهور فقر و فاقه، مظاهر ظالمانه استثمار وبهره کشی، محرومیت از رشد فکری و شکوفائی نیروهای خلاقه انسانی در جامعه حساسیت و عکس‌العمل شدید و سازش‌ناپذیر از خود بروز دهد.

در سیستم مناسبات اجتماعی اسلامی، سعی و تلاش محور و مبنای بهره‌وری است. لذا هر گونه روابط که برمبنای تصادف و بخت موجب کسب ثروتهای بادآورده شود محکوم و مردود است. قوانین موضوعه اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی باید متضمن توزیع عادلانه ثروت، فراهم آوردن امکانات مساوی برای فعالیت اقتصادی، نفی قله‌های ثروت وقدرت و پرکردن چاههای فقر و تهیدستی و رفع شرایط اکراه و اضطرار باشد.

هرگونه شرایطی که موجب گردد بخش عظیمی از جامعه تمامی عمر خود را برای بقاء و زنده ماندن‌صرف فعالیت طاقت‌فرسای اقتصادی نموده، به طوری که اساساً فرصت و توان کافی برای خوسازی معنوی، رشد و آگاهی و شرکت فعال در اداره کشور نیابند ظالمانه و مغایر با اهداف متعالی اسلام است.

اخلاق و معنویت

وجه سوم از مبانی جامعه اسلامی، اخلاق و معنویت است. کمونیسم شرق با تجدیدنظر در مبانی کلاسیک و جزمی خود می‌رود تا ابعادی از آزادی و مالکیت فردی را بپذیرد و سرمایه‌داری غرب برای نجات خود از سقوط و اضمحلال، وجوهی از سوسیالیسم و عدالت اجتماعی را پذیرفته است بدانگونه که پشتوانه آزادی و عدالت اجتماعی قرار گیرد.

در نظام اعتقادی اسلام معنویت و تقوی مفاهیم انتزاعی و بدون ارتباط با مقولات اجتماعی نیست. اخلاق و معنویت برخاسته از ایمان به توحید و معاد و در معنایی فراتر از مفاهیم معهود کلاسیک در سالم‌سازی روابط اجتماعی واقتصادی جامعه اسلامی نقش اساسی و سازنده ایفا می‌نماید.

بدون حاکمیت ارزشهای اخلاقی، قوانین موضوعه اقتصادی نمی‌توانند در محو حاکمیت اصل سودپرستی و زیاده‌طلبی، اسراف وتبذیر و استثمار و استضعاف و... کارساز باشند.

اما همچنان که آزادی وعدالت اجتماعی به تنهائی و بدون ارتباط با یک سیستم اخلاقی و معنوی بالنده در رشد و کمال انسان عقیم و ناقص هستند، تکیه محض بر معنویت و عدم توجه به آزادی و عدالت اجتماعی، از اعتقادات عینی اسلامی مفاهیم ذهنی و فاقد تبلور عینی اجتماعی ساخته که به هیچ‌وجه قادر به سالم‌سازی روابط اجتماعی و اقتصادی و تضمین فلاح و رستگاری انسان نیست.

تبصره: هرگونه تغییری در مفاد مرامنامه پس از تصویب کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب قابل اجرا خواهد بود.

تاریخچه تشکیل:

بین سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ هفت گروه مبارز با خط مشی و دیدگاههای نزدیک به هم در نقاط مختلف کشور همزمان در حال مبارزه بر علیه رژیم شاه بودند. این هفت گروه[۱] عبارت بودند از «امت واحده، توحیدی بدر، توحیدی صف، فلاح، فلق، منصورون و موحدین» که از بین این گروهها منصورون، موحدین و توحیدی صف به صورت بارز خط مشی مبارزه

۱. گروههای تشکیل دهنده سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انتشارات سازمان مجاهدین انقلاب.

مسلحانه را دنبال می‌کردند. گستره فعالیت مبارزاتی این گروه‌ها از زندانهای رژیم شاه (گروه امت واحده) تا خارج از کشور (توحیدی فلق) و از تهران و اطراف آن (فلاح و بدر) تا استانهای جنوبی خوزستان و کرمان (موحدین) و یا اصفهان و تهران (صف) را در برمی‌گرفت. اکثر اعضای این گروهها جوانان مسلمان و پرشوری بودند که برخاسته از طبقات روشنفکر جامعه یعنی دانشجویان، محصلان، کارگران و... مردم عادی بودند. به موازات فعالیت این گروههای هفتگانه که اکثراً دارای ایدئولوژی اسلامی و از نزدیک در ارتباط با رهبری نهضت اسلامی یعنی امام خمینی(ره) در خارج کشور بودند؛

اعضای فعال اسلامگرای جدا شده از سازمان مجاهدین خلق و گروههای هفت‌گانه پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» را تأسیس نمودند. نقش این سازمان در مقابله با گروه فرقان، مبارزه با ضد انقلابیون در کردستان وسیستان و بلوچستان در اوائل انقلاب وهمکاری در جهت افشاء و خنثی‌سازی توطئه کودتای نوژه بسیار بارز است. همچنین بسیاری از اعضای این گروه در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کمیته انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نقش داشتند. پس از تشکیل این گروه حجت‌الاسلام والمسلمین راستی کاشانی به عنوان نماینده امام در این سازمان تعیین شدند اما با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ عده‌ای از اعضای فعال سازمان در جبهه‌های جنگ حضور یافته و عده‌ای دیگر به دلیل مسئولیتهای دولتی ارتباط کمتری با سازمان داشتند، از طرفی اختلافات درونی باعث آن شد که عملاً سه دیدگاه مختلف در سازمان پدید آید، یکی دیدگاه به اصطلاح چپ که آقایان بهزادنبوی، محمد سلامتی و محسن آرمین و دیگران از آن جانبداری می‌کردند، دیگری دیدگاه به اصطلاح راست که آقایان ذوالقدر، حسین فدائی و علی عسگری از آن جانبداری می‌کردند و بالاخره دیدگاه میانه‌رو که آقایان محسن رضایی ومرتضی الویری از آن حمایت می‌کردند.

در این وضعیت آقای راستی کاشانی در اواسط سال ۱۳۶۵ طی نامه‌ای به امام خمینی(ره) ضمن طرح مطالبی از نمایندگی در سازمان مجاهدین استعفاء دادند و در همین نامه تقاضای

انحلال سازمان را می‌نمایند. شش روز پس از ارسال این نامه، امام خمینی(ره) طی نامه‌ای [1] به آقای راستی کاشانی با استعفای ایشان و همزمان انحلال سازمان مجاهدین موافقت می‌نمایند. که متن نامه به این شرح است:

"جناب حجت‌الاسلام آقای راستی دامت افاضاته، با خصوصیات علمی و عملی و اخلاقی خوبی که در جنابعالی است، امید است چون گذشته به تربیت افراد صالحی برای اسلام و جمهوری اسلامی اشتغال داشته و موفق باشید، با استعفای جنابعالی و درخواست انحلال سازمان موافقت می‌نمایم. از خداوند تعالی توفیق همگان را برای خدمت به اسلام و مسلمین خواهانم."

والسلام‌علیکم‌ورحمة‌الله
روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی
۲۹محرم‌الحرام۱۴۰۷

در پی انتشار پاسخ امام (ره) به آقای راستی کاشانی و برداشتهای متفاوت جراید از این نامه آقای بهزاد نبوی طی نامه‌ای [2] به امام (ره) در تاریخ ۶۵/۷/۱۶ نظر ایشان را در مورد سازمان و مطالب موجود در نامه آقای راستی کاشانی جویا می‌شوند که امام خمینی(ره) در این نامه‌ای صریحاً اعلام می‌کنند که اینجانب با استعفای آقای راستی کاشانی و انحلال سازمان موافقت کرده‌ام و با مطالب دیگری که در استعفانامه بود موافقت نکرده‌ام، متن نامه امام خمینی(ره) به آقای بهزاد نبوی چنین است.

"جناب آقای بهزاد نبوی

اینجانب فقط با استعفای آقای راستی و انحلال سازمان مذکور موافقت نمودم و با مطالب دیگری که در استعفانامه بود به هیچ‌وجه موافقت نکردم."

روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی
۶۵/۷/۱۷

پس از این قضایا و اتمام جنگ، افرادی که اغلب از دیدگاه به اصطلاح چپ سازمان

---

۱. بولتن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، متن نامه مهندس بهزاد نبوی به ریاست جمهوری، سال ۱۳۷۱.
۲. بولتن سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، متن نامه مهندس بهزاد نبوی به ریاست جمهوری، سال ۱۳۷۱.

حمایت می‌کردند نظیر آقایان بهزاد نبوی، محمد سلامتی، محسن آرمین، نوروزی، سیدمصطفی تاجزاده، هاشم آغاجری و دیگران، در سال ۱۳۷۰ اقدام به تجدید حیات سازمان نموده واین بار با عنوان «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران» و اضافه کردن نام ایران به آخر نام سازمان از وزارت کشور وقت مجوز فعالیت گرفته و شروع به فعالیت کردند و تاکنون نیز فعالیت این سازمان ادامه دارد. از شهدای این گروه در قبل از انقلاب می‌توان از شهید غلامحسین صفاتی، شهید حسن هرمزی، شهید مهدی هنردار، شهید شاه صفدری، شهید کریم رفیعی، شهیدعلی جهان‌آرا، شهید عزیز صفری، شهید محمد بروجردی (مسیح کردستان) و دیگران را نام برد.

گرایش سیاسی:

این سازمان در عین تبعیت از مبانی اعتقادی اسلامی، به صورت بارز دارای گرایشهای به اصطلاح چپ ارزشی یا سنتگرا در حیطه عملکرد حکومتی واقتصادی می‌باشد. به طوری که در مرامنامه این سازمان آزادی از سوی حکومت وظیفه آن شمرده شده وافراد جامعه را محق به تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی واجتماعی خود دانسته ودر حیطه مسائل اقتصادی ایجاد عدالت اجتماعی و با تأمین مساوات و ایجاد شرایط یکسان برای همه افراد جامعه از وظایف حکومت شمرده شده است. از طرفی تقدم جامعه بر فرد یک اصل شمرده شده و بر اصل آزادی در کلیه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه تأکید شده است. دیدگاههای این سازمان تا حدودی همانند دیدگاههای احزاب جامعه‌گرا (سوسیالیسم) در غرب می‌باشد.

با آنکه این سازمان اصولاً یک حزب چپ سنتگرا می‌باشد، اما در سالهای اخیر یعنی پس از دوم خرداد ۷۶این سازمان همگرایی بسیار زیادی با نیروهای چپ مدرن داشته است.

تشکیلات و نشریات وابسته:

این سازمان تاکنون با وجود اخذ مجوز فعالیت از وزارت کشور عضوگیری عام در

تهران و سطح کشور انجام نداده است. اما از سال ۱۳۷۳ تاکنون هفته نامه سیاسی ـ اجتماعی «عصرما» که ارگان این سازمان است را منتشر می‌نماید. در این هفته‌نامه مواضع سازمان و بیانیه‌های آن به چاپ می‌رسد. به علت عدم شناخت عمومی مردم نسبت به این سازمان تا قبل از سال ۱۳۷۶ اقبال عمومی به آن چندان قابل توجه نبود، اما پس از سال ۱۳۷۶ و در پی حمایت این حزب از سیدمحمد خاتمی پایگاه اجتماعی این حزب افزایش یافت، به طوری که در انتخابات مجلس ششم دو نفر از کاندیداهای این سازمان به مجلس راه یافتند.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

به دلیل آن که آرمانهای این سازمان مندرج در مرامنامه آن مبتنی بر کاهش فاصله طبقاتی و عدالت در صحنه اقتصادی و اجتماعی است، دیدگاههای این سازمان بیشتر مورد توجه اقشار ضعیف جامعه از لحاظ اقتصادی قرار می‌گیرد، ازجمله کارگران، کارمندان، دانشجویان، محصلان و طبقات متوسط رو به پائین جامعه.

دقیقاً طبقات اجتماعی متمایل به این گروه نیز از همین طبقات و جوانان پرشور و مسلمان انقلابی زمان قبل از انقلاب بوده‌اند. می‌توان این سازمان را برخاسته از خواسته‌های قاعده هرم قدرت یعنی مردم دانست. خاستگاه این حزب بیشتر از درون دانشگاه‌ها و مساجد و بعضاً مدارس بوده است.

مواضع سیاسی:

مواضع این حزب پس از تجدید حیات دوباره آن در سال ۱۳۷۰ بیشتر حول انتقاد از برخی عملکردهای دولت هاشمی رفسنجانی و جناح راست سنتگرا بوده است. در آستانه انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری این حزب صریحاً به حمایت از خاتمی کاندید طیف چپ برای پست ریاست جمهوری پرداخت، به طوری که این حزب یکی از گروههای تشکیل دهنده ائتلاف گروههای خط امام می‌باشد که همراه انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی جامعه پزشکی، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه، دفتر تحکیم وحدت، مجمع

نمایندگان خط امام مجلس، انجمن اسلامی مهندسان ایران این ائتلاف را تشکیل می‌دهند.

از طرفی این حزب پس از پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری یکی از گروههای تشکیل دهنده ائتلاف نیروهای جبهه دوم خرداد می‌باشد.

بهزاد نبوی[1] در اسفند ۱۳۷۵ سه ماه قبل از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در مورد جناحهای سیاسی کشور چنین می‌گوید:

"طیف جمعیت مؤتلفه و گروههای همسو (جامعه روحانیت مبارز) خواستار حاکمیت مطلق هستند. آنها باتکثر و تنوع فضای سیاسی موافقت ندارند ودر صورت به قدرت رسیدن می‌خواهندکل قوا را در اختیار داشته باشند. این جناح که از نامزدی حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری جانبداری می‌نماید فکر می‌کنند که کشور با دیکتاتوری بهتر اداره می‌شود."

بیانیه فروردین ماه سال ۱۳۷۶ این حزب در مورد فضای سیاسی مطلوب جامعه میگوید[2]:

"اکنون نه تنها همه نیروهای خودی و طرفداران نظام بلکه حتی دگراندیشان و گروههای مخالف نیز به این نتیجه رسیده‌اند که شرط عقل وراه پیشرفت در گرو فعالیت سیاسی و قانونی و رقابت فکری و سیاسی در چهارچوب قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است." "نهادینه شدن رقابت گروهها و مشارکت سیاسی مردم، اعتلای فرهنگ سیاسی، شفاف سازی مواضع جناح‌ها، حاکمیت قانون و رشد عقلانیت سیاسی به تثبیت نظام کمک شایانی خواهد کرد." "استقلال، عدالت اجتماعی و پیشرفت اقتصادی بدون توسعه سیاسی وتأمین پیش‌شرطهای آن امکان‌پذیر نیست." "حاکمیت قانون بر تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی، آزادی اندیشه، بیان، مطبوعات، اجتماعات و فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی و اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و امنیت فردی وجمعی شهروندان، مشارکت همه قشرها و گروههای اجتماعی در سرنوشت سیاسی جامعه از طریق نهادهای پایدار و با ثبات سیاسی و تحکیم وتقویت جمهوریت وتعامل سالم در پیکره نظام سیاسی و حیات اجتماعی از لوازم ضروری وپیش‌شرطهای واجبی است که وحدت وهمبستگی ملی را تضمین می‌کند."

---

۱. دو هفته نامه عصر ما، ۷۵/۱۲/۱۶.

۲. همان، ۷۶/۱/۲۳.

پس از انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری جمع‌بندی این حزب از علل پیروزی آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری چنین است[۱]:

"مردم مسلمان و انقلابی ایران درصدد فرصتی بودند تا نفی و اثبات کنند، نه بگویند و آری، نه به منطق انحصار، خشونت، تخریب، استبدادگرایی، نابخردی، تنگ‌نظری، قانون‌شکنی، نقض کرامت و حقوق انسانی و ارزشهای متعالی اسلامی، شکل‌گرایی و سطحی‌نگری، تحجر و واپسگرایی، بی‌عدالتی و فقر و آری به خودگرایی، آزادی، تسامح و مدارای اسلامی کثرت گرایی، قانون سالاری، روشنفکری دینی، کرامت انسانی وتعالی معنوی، عدالت و توسعه همه جانبه."

این حزب نیز مانند برخی دیگر از گروههای ائتلاف دوم خرداد توسعه سیاسی را مقدم بر مسائل دیگر در وضعیت کنونی کشور می‌داند محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین در این زمینه می‌گوید[۲]:

"مسأله اصلی این دوران توسعه سیاسی است و آزادی سیاسی وقانون گرایی و جامعه مدنی محور چالشهای فکری ـ سیاسی این دوره است. در چنین وضعیتی غفلت از ضروری‌ترین مسائل موردتوجه جامعه و طرح مطالب یا شعارهایی که به هر تقدیر جامعه در شرایط کنونی به اولویت آن معتقد نیست منطقی به نظر نمی‌رسد."

در زمینه دیدگاه حکومت در تقسیم‌بندی نیروهای سیاسی موجود درکشور به خودی و غیرخودی، هاشم آقاجری یکی ازاعضای شورای مرکزی حزب می‌گوید:

"ما با طرح تقسیم‌بندی خودی وغیرخودی وتفکیک بین نیروهای طرفدار نظام، مخالف قانونی و محارب فکر می‌کنیم که در واقع گام بلندی را به لحاظ نظری برداشته‌ایم، برای اینکه به نیروهای طرفدار نظام بگوییم که شما نباید هرفرد و یا هر گروهی راکه مثل شما فکر نمی‌کند محارب و دشمن بدانید و قانون را در مورد او تعطیل بکنید. تا امروز نیز فکر می‌کنیم تقسیم خودی و غیرخودی صحیح است."

"اگر شما می‌بینید که برخی از روزنامه‌های وابسته به آن جناحها به گونه‌ای نیروهای

---

۱. همان، ۷۶/۳/۱۷. ۲. همان، ۷۸/۳/۵.

خودی و غیرخودی را مطرح می‌کنند که گویی نیروهای غیرخودی در ایران حق حیات ندارند و به آنها باید به چشم مزدور، جاسوس، ضد انقلاب، ضد نظام نگریست و آنها را از حقوق قانون منع بکنند و تمام حقوقی را که هر شهروند جمهوری اسلامی طبق قانون دارد، از آنها سلب بکنند ما به هیچ وجه این منطق را نمی‌پذیریم و کاملاً با آن مرزبندی داریم."

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران همگام با شعارهای رئیس جمهور خاتمی بارها خشونت در صحنه سیاسی را رد و رقابت سازنده تمام گروههای سیاسی و احترام به آراء، نظرات و انتخاب مردم را بهترین شیوه برای اداره کشور دانسته است. بهزاد نبوی می‌گوید[1]:

"جناح مقابل، صحنه سیاسی رامی خواهد به رینگ بوکس تبدیل کند، اما ما به صحنه شطرنج می‌اندیشیم."

محسن آرمین عضو شورای مرکزی حزب نیز در مورد خشونت چنین می‌گوید:

«اهداف حرکت اصلاحی جبهه دوم خرداد و نوسازی سیاسی با شیوه‌های خشونت‌آمیز به هیچ وجه تحقق پیدا نمی‌کند. مزیت نسبی ما در عرصه سیاسی و فعالیت در عرصه سیاسی است. مزیت ما در حفظ آرامش و حفظ فضای سالم سیاسی است و حفظ این فضا قطعاً هشیاری، درایت و یک برنامه و استراتژی روشن و شفافی را می‌طلبد."

این حزب در بیانیه رسمی خود در خردادماه سال ۱۳۷۹ دیدگاههای خود را راجع به اصلاحات و روند تکاملی انقلاب چنین تبیین کرده است[2]:

"سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران به عنوان بخشی از جبهه دوم خرداد اصلاحات را جز در چارچوب اصول و ارزشها نمی‌خواهد و در طول سه سال پس از حماسه دوم خرداد نیز با همان منطق و مبنا به دفاع از جنبش مدنی و اصلاح‌طلبی پرداخته است. انقلاب، اسلام، نظام و قانون اساسی همان مبانی و چارچوب عامی است که اصلاحات دوم خردادی براساس آنها تکوین و تداوم یافته است."

"ما معتقدیم که قطار انقلاب در مسیر تکاملی خویش باید در هر ایستگاه همراهان تازه‌ای را سوار کرده و در جهت گسترش و ارتقاء کمی و کیفی جبهه طرفدار اسلام، انقلاب

---

۱. عصر ما، ۷۸/۵/۱۳.　۲. عصر ما، ۷۹/۳/۴.

و نظام حرکت کند. خط مشی مخالفان افراطی اصلاحات که درصدد پیاده کردن سرنشینان قطار انقلاب در هر ایستگاه و مرحله‌ای هستند و می‌کوشند که تز تبدیل موافق به مخالف و مخالف به محارب را اجرا کنند نه تنها به سود انقلاب و نظام نیست بلکه درنهایت نظام را آنچنان سست و نحیف خواهد کرد که قطار بی‌سرنشین انقلاب را به سقوط در دره تهدید خواهد کرد."

"لایه‌های افراطی راست سنتی با تکیه بر اسلامیت نظام، خواهان امحاء رکن جمهوریت و مردمسالاری و تبدیل آن به «حکومت اسلامی» هستند و صاحبان اندیشه لائیک یا سکولار رویای یک جمهوری غیردینی و تبدیل نظام موجود به آلترنایتوی دیگر را در سر می‌پرورانند. گروه نخست از فعلیت یافتن تمام ظرفیت حقوقی واسمی نظام و قانون اساسی ناراضی‌اند و نظام و جامعه را از به خطر افتادن دین وارزشهای اسلامی می‌ترسانند و می‌کوشند تا بدین وسیله راه را بر جنبش اصلاح‌طلبی دوم خرداد سد کنند و افراد و خرده گروههای دسته دوم به تغییر قانون اساسی می‌اندیشند و کمال مطلوب را در استقرار نظام و جامعه‌ای لائیک و سکولار می‌بینند."

این حزب همچنین در بیانیه دیگر خود آسیب‌هایی که انقلاب را تهدید می‌کند به صورت زیر تشریح می‌کند [1]:

"همه راههای آنارشیستی، انزواطلبانه، ضد قانونی یا استبدادی و فاشیستی، جز ناکامی و شکست ببار نیاورده واسلام وانقلاب، نظام و مصالح کشور و ملت را به خطر خواهد انداخت."

روزنامه عصر ما در این زمینه طی مقاله‌ای تحت عنوان «دیکتاتوری مصلح» می‌نویسد [2]:

"نسخه دیکتاتوری مصلح که توسط بعضی از کارشناسان بلافاصله پس از خاتمه جنگ پیشنهاد شد، به علت فقدان زمینه‌های عینی، به طاق نسیان نهاده شد و اکنون یک جناح خاص است که پس از پیشرفتهای اقتصادی موفق نمونه هایی از دیکتاتوری مصلح در برخی از کشورها این نسخه غیرواقع بینانه و خطرناک را برای ایران اسلامی و مردم رشیدش از این سو و آنسو استراق واقتباس می‌کند و آن را به عنوان شفای دردهای کشور تجویز می‌نماید."

برخی دیگر از دیدگاههای سیاسی محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب

---

۱. عصر ما، ۷۶/۲/۲۸ ۲. عصر ما، ۷۵/۱۲/۱۶.

اسلامی ایران به شرح زیر است[1]:

تحول در انقلاب:

"ما انقلاب اسلامی را انقلابی می‌دانیم که همواره باید تحولاتی را ایجاد کند. اگر توأم با تحول نباشد، حالت رکود پیش می‌آید و انقلاب از بین می‌رود. این تحول همواره براساس نوآوری‌ها و دیدگاههای جدید و خلاقیتها باید باشد که اینها تحت ارزشهای اسلامی در انقلاب مفهوم پیدا می‌کند."

عملکرد اصلاحات:

"ما می‌گوییم اصلاحات، یعنی در واقع اصلاحاتی که انقلاب را به مسیر اصلی خودش برگرداند، آزادی‌ها تضمین شود، استقلال اقتصادی تضمین شود، عدالت اجتماعی تأمین شود، ارزشهای اسلامی به طور کلی حاکمیت پیدا کند و همه اینها منبعث باشد از چارچوب معیاری اسلامی که به آن معتقد هستیم."

کاهش تنشها:

"تنشهای جناحی موقعی کاهش می‌یابد و حالت ایده آل موقعی به وجود می‌آید که جناح‌ها، قواعد بازی را بپذیرند، رقابت سالم را بپذیرند."

"ایده آل این است که رقابتهای سیاسی به مرحله‌ای برسد که همه احزاب و گروهها با مواضع بسیار شفاف و در فضایی بسیار سالم رقابت کنند."

شعارهای دوم خرداد:

"شعارهای دوم خرداد به هیچ وجه کلی نیست. همان شعارهای انقلاب است، دفاع از ارزشها است، دفاع از آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است. این شعارها خیلی خواهان دارد."

لاییک‌ها و دوم خرداد:

"کسی که لاییک است و از شعارهای جبهه دوم خرداد دفاع می‌کند، به معنی این نیست که عضو جبهه دوم خرداد است. برخورد باز به لحاظ رأفت اسلامی و عدالت اسلامی از ناحیه جبهه دوم خردادموجب شده در برخی اذهان این گونه تداعی کند که یکسری افراد

---

۱. روزنامه انقلاب تاریخ ۴ و ۷۹/۳/۳ و تاریخ ۸ و ۷۹/۳/۷.

لاییک یا سکولار در زیرچتر و چارچوب فکری دوم خرداد قرار دارند و فعالیت می‌کنند، در صورتی که این طوری نیست و این تصور کاملاً اشتباه است.″

دو دستگی در جناح راست:

″عقلا و تحصیلکردگان جناح راست، شکستهای پی در پی جناح خودشان را ناشی از حرکت افراطیون می‌دانند و افراطیون شکست‌ها را به دلیل عدم قاطعیت عقلای قوم می‌دانند و همین امر موجب دو دستگی در جناح راست سنتی شده است.″

محسن آرمین برخی دیگر از دیدگاههای سیاسی خود را چنین بیان می‌کند:

جریان روشنفکری دینی:

″کنار گذاشته شدن جریان روشنفکری دینی که بنا به خصلتها و ویژگیهای فکری می‌توانست تعامل مثبت‌تر و تعالی‌بخش‌تری در جامعه داشته باشد، باعث شد که ساخت سیاسی جامعه به سمت نوعی تصلب پیش برود.″

مرزبندی جریان اصلاح‌طلبی:

″این نظام یک ساخت سیاسی مبتنی بر دو عنصر دین و مردمسالاری است، جریان اصلاح‌طلبی در درون این نظام جریانی است که خود را به این دو بنیاد کاملاً ملتزم بداند بنابراین هر جریان و رویکرد دیگری تحت عنوان جریان اصلاح‌طلبی یا هر عنوان دیگر که یا در جهت نفی اسلامیت حرکت بکند یا در جهت نفی جمهوریت باشد، به گمان ما اولاً با جریان اصلاح‌طلبی دوم خرداد مرزبندی دارد، ثانیاً نمی‌تواند به عنوان یک جریان اصلاح‌طلبی در درون نظام جمهوری اسلامی تلقی بشود.″

″جریان اصلاح‌طلبی جریانی است که با رویکردهای انقلابی از یک سو و رویکردهای محافظه کارانه از سوی دیگر کاملاً مرزبندی دارد به این دلیل که اساساً محافظه کاری درصدد توجیه وضعیت موجود و ایجاد پیوند میان خود باوضعیت موجود است.″

ویژگیهای جریان اصلاحات:

″جریان اصلاحی دوم خرداد در واقع با یک رویکرد انتقادی در درون، مبتنی بر مبنای پذیرفته شده و هویت ساز نظام و انقلاب، درصدد اصلاح امور و تغییر رویه‌های غلط و

اقتدار گرایانه در اداره امور کشور ونفی مناسبات انحرافی در تعامل حاکمیت با ملت است."

سید مصطفی تاج‌زاده[1] از اعضای برجسته سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران و جبهه مشارکت ایران اسلامی و معاون بین‌الملل سابق خاتمی در وزارت ارشاد و همکار وی در کتابخانه ملی ایران به مدت ۵ سال و اکنون معاون سیاسی امنیتی وزیر کشور می‌باشد. اینک برخی از دیدگاههای سیاسی ایشان را می‌خوانیم:

ویژگی استانداران:

"اگر کسی «توسعه سیاسی و شکوفایی فرهنگی» را در کنار نوسازی اقتصادی قبول نداشته باشد، نمی‌تواند استاندار موفقی در این دوره باشد ونماینده عالی دولت در استان محسوب گردد."

افکار عمومی:

"اعمال حکومتی ما نمی‌تواند و نباید خیلی با افکار عمومی فاصله داشته باشد و به نفع نظام ما هم نیست که این فاصله ایجاد بشود. هیچ نظامی از اینکه تصمیماتش پشتوانه‌ای قوی نزد افکارعمومی نداشته باشد سودی نمی‌برد."

توسعه سیاسی:

"به نظر من مردم نسبت به تبعیض بیشتر از فقر حساس هستند و به صداقت افراد و گروهها اهمیت زیادی می‌دهند، به نفع همه است که قاعده بازی را رعایت کنند. به نظر من اگر این اتفاق بیفتد یک گام بزرگ به سمت توسعه سیاسی برداشته‌ایم."

حقوق مردم:

"ما باید نظامی داشته باشیم که انسان در آن محترم باشد، حقوق مردم رعایت بشود و انسان آزاد باشد مگر در جایی که قانون منع می‌کند، هیچ شکی نیست و از طرف دیگر نظام ما می‌خواهد مشارکت سیاسی را درکنار رقابت سیاسی به طور جدی داشته باشد."

مشکل جامعه:

"یکی از مشکلات ما اینست که به لحاظ ساختاری به علت شکل نگرفتن نهادهای متناسب با یک نظام اسلامی مردم سالار و آزاد، دچار مشکل هستیم. رفتار خیلی نیروهایمان

---

۱. انتخاب، ۲۲ و ۲۰ و ۷۸/۳/۱۸.

هنوز به طور کامل توسعه یافته نیستند."

دولت مقتدر:

"دولت مقتدر و مقتدرترین دولت‌ها، دولتی است که بتواند منطقش را به گروههای مخالف و منتقد خودش بقبولاند. اگر این کار را انجام دهد اوج موفقیت دولت است ولو این که طرفدرانش رأی نیاورند و در کوتاه مدت شکست بخورند."

"از ویژگیهای نظام توسعه یافته این است که مخالفتهای جدی با سیاستهای دولت از جمله در این زمینه (آزادی و مطبوعات) وجود داشته باشد."

مواضع اقتصادی:

هفته‌نامه عصر ما به تاریخ ۷۵/۱۲/۱۶ مواضع اقتصادی سازمان مجاهدین انقلاب را به طور مفصل تشریح کرده است که رئوس این مواضع به شرح زیر است:

"سازمان براساس آموزه‌های اسلامی و اصول قانون اساسی، اصل مالکیت خصوصی مشروط و محدود را محترم و حتی مفید می‌شمارد. به این معنا که مالکیت خصوصی را تا آنجا مورد احترام و حمایت می‌داند که:

ـ سبب حاکمیت سرمایه بر جامعه و به عبارت دیگر تمرکز و تداول ثروت و به تبع آن قدرت در دست یک قشر خاص نشود.

ـ اصل عدم اضرار به غیر را نفی نکرده و عامل استثمار و مانع تحقق عدالت اجتماعی نباشد."

"از دیدگاه سازمان در یک اقتصاد اسلامی، انسانی و سالم، سعی و تلاش می‌بایست محور و مبنای بهره‌برداری قرار گیرد. لذا هر گونه مناسبات و نظامات اقتصادی که بر مبنای روابط ناسالم، روشهای ناصواب، موقعیتها و ارتباطات ویژه (رانت)، تصادف و بخت و... موجب کسب ثروتهای بادآورده شود محکوم و مردود است."

"سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران، مهمترین اهداف اقتصادی را در شرایط کنونی جامعه، ایجاد و حفظ استقلال اقتصادی و خود اتکائی، تأمین عدالت اجتماعی و توسعه و کسب قدرت اقتصادی برای تأمین رفاه اجتماعی و حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی می‌داند."

"به اعتقاد ما حتی در شرایط کنونی جهان نیز می‌توان استقلال اقتصادی را تحقق بخشید. می‌توان با کشورهای مختلف روابط گسترده اقتصادی و تجاری برقرار کرد، به توسعه صادرات و واردات پرداخت، بدون اینکه ناچار به ادغام در اقتصاد جهانی شد و می‌توان استقلال اقتصادی را حفظ کرد بدون اینکه نیاز به حصارکشی به دور کشور باشد."

"توسعه پایدار و مستمر و در عین حال اندیشیده و بدون تعارض با اهداف دیگر اقتصادی و غیر اقتصادی در گرو داشتن استراتژی و الگوی مناسب است. توسعه بدون استراتژی و الگو اگر به اتلاف منابع کشور منتهی نشود، حداقل قدرتمندی اقتصادی را سبب نخواهد شد و در عین حال ممکن است باواقعیتهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور در تعارض جدی قرار گیرد."

"از دیدگاه سازمان عدالت و توسعه تعارض با هم ندارند بلکه توسعه درخدمت تحقق و گسترش عدالت اجتماعی باید باشد و حتی به فرض بروز هر نوع تعارض بین اهداف «عدالت اجتماعی» و «رشد و توسعه اقتصادی» در جامعه، حفظ عدالت اجتماعی از اولویت برخوردار خواهد بود."

"طرح اندیشه های «ادغام در بازار جهانی»، «دولت حداقل» و «خصوصی سازی کامل اقتصاد» در استراتژی توسعه اقتصادی کشور، قطعاً با اهداف استقلال، خودداتکائی و عدالت اجتماعی در تعارض خواهد بود، فلذا بفرض مؤثر بودن اندیشه‌های مزبور در توسعه اقتصادی، نباید آنها را مبنای تدوین استراتژی توسعه اقتصادی کشورمان قرار داد."

"تحقق شعارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر انقلاب در دراز مدت در گروی تأمین استقلال، عدالت، توسعه و قدرتمندی اقتصادی است، شعارهای استقلال سیاسی و حتی فرهنگی تنها از طریق تحقق استقلال اقتصادی معانی دراز مدت یافته وماندگار خواهند شد. تحقق پایدار شعار مبارزه با استکبار جهانی و امپریالیسم و ظلم ستیزی در سراسر عالم نیز جز از طریق کسب استقلال، توسعه و نیرومندی اقتصادی میسر نخواهد بود."

"از دیدگاه ما در حوزه اقتصاد، نفی وابستگی به اقتصادهای مسلط خارجی وجلوگیری از شکاف رو به گسترش طبقاتی و سمت‌گیری به سوی عدالت اجتماعی و توسعه

همه‌جانبه، پایدار و موزون سه هدف اصلی بشمار می‌رود که باید سرلوحه مشی و برنامه اقتصادی دولت آینده قرارگیرد."

"بخش خصوصی دلال صفت باید به شدت محدود گردد و در عوض، عرصه فعالیت سالم، سازنده و مولد برای سرمایه خصوصی هموار گشته، ضمن حفظ حدودی که عدالت اجتماعی را به خطر می‌اندازد، از مشارکت آنها در سازندگی و تولید استقبال شود."

"با سیاستهای اقتصاد بازار که صرفنظر از زیان‌های جبران‌ناپذیر بـرای اقـتصاد مـلی و دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی، اگر سودی هم داشته باشد نصیب گروهی اندک از جامعه می‌شود، نمی‌توان اراده همگانی را برانگیخت."

مواضع فرهنگی:

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی همراه دیگر گـروههای ائـتلاف جـبهه دوم خـرداد همواره در راستای شعارهای اولیه خود مبنی بر آزادی بیان وانـدیشه حـرکت کـرده است. محمد سلامتی دبیر کل این سازمان در مورد مسائل فرهنگی جامعه چنین می‌گوید[1]:

"در مورد آزادی همه یک فکر دارند. راهکاری که در پاسداری از آزادی بـیان و قـلم و قانونمند کردن این آزادی هاست، یعنی قانون مطبوعات، باید در چارچوب قانون اساسی، آزادی‌های نویسندگان را به رسمیت بشناسد."

در بیانیه رسمی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در موردمسائل فرهنگی چنین آمده است[2]:

"ما معتقدیم در صورت فراهم آمدن شرایط سالم و آزاد برای همه صـاحبان انـدیشه و ایجاد گستره همگانی برای گفتگوی انتقادی و برنامه‌ریزی برای فعال شدن همه سازندگان و تولیدکنندگان عرصه فرهنگ و علم و هنر، می‌توان از هویت و ارزشهای دیـنی و مـلی در برابر فرهنگهای بیگانه پاسداری کرد."

"صدا و سیما باید نقش واقعی خود را که هـمانا انـعکاس صـحیح واقـعیات و امکـان دسترسی آحاد ملت به اطلاعات وانتقال همه اندیشه‌ها ودیـدگاهها در چـارچـوب قـانون

---

۱. انتخاب، ۷۹/۳/۷.	۲. عصر ما، ۷۶/۱/۲۳.

اساسی است ایفا کند. صدا و سیما نباید به بلندگوی گروه و تفکری خاص تبدیل شود، بلکه باید به مثابه دانشگاه عمومی و ملی، محیطی را برای تقابل سازنده و واقعی اندیشه‌های گوناگون مهیا سازد.»

«ایجاد فرصتهای برابر در میدان مسابقه و رقابت علمی و فرهنگی و قطع رابطه سرمایه و پول با فرهنگ و دانش موضوع دیگری است که نیازمند توجه ویژه رئیس جمهور و دولت باید باشد.»

«ترویج فرهنگ حقیقت‌طلبی به جای فرصت‌طلبی و مقابله با آفت‌ها و آسیب‌های نظام و جامعه دینی مانند قشری‌گری، عوام‌زدگی، ریاکاری، تحجر، تنگ‌نظری، مقدس‌سازی کاذب امور و عرصه‌های عرض از جمله نیازهایی است که دستگاههای اجرائی کشور باید به آنها اهتمام ورزد.»

«با توجه به جوان بودن جامعه ایرانی و بقایای فرهنگ و سنت‌های غلط مربوط به زن، مسأله جوانان و زنان نیز باید در برنامه کار دولت جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد.»

این سازمان در بیانیه دیگری در تاریخ ۷۷/۶/۳۰ پس از توقیف برخی از نشریات چنین موضع‌گیری می‌کند[۱]:

«ما مداخله دادستانی انقلاب در امور مطبوعات و روش غیرقانونی آن را در برابر نشریات محکوم کرده، اعتراض خویش را به اینگونه اقدامات قانون‌شکنانه اعلام می‌داریم. این امر بدین معنا نیست که برخی از نشریات هیچگونه کج رفتاری یا خطایی ندارند. وجود افراد و گروهها که در قبال فضای آزاد کنونی رفتاری غیرمسئولانه و نسبت به دستاوردهای دوم خرداد عملکردی غیرمتعهدانه دارند قابل انکار نیست.»

«تعطیلی و توقیف نشریات از سوی نهادها و مقامهای غیرمسئول و به بهانه توطئه یا حفظ امنیت ملی، آزادی مطبوعات، روند قانون‌گرایی و توسعه سیاسی در کشور را با خطر مواجه می‌سازد.»

در بیانیه دیگر، این سازمان مشکلات جوانان را چنین بیان می‌کند:

«چگونگی پرکردن اوقات فراغت جوانان، شکل گرفتن شخصیت آنان براساس الگوی اسلامی، هویت‌یابی، اشتغال، تنگناهای تحصیلی، عدم اقناع و ارضای فرهنگی، دسترسی ناقص و محدود به امکانات ضروری تشکیل زندگی و ازدواج و... از اهم مشکلات جوانان است.»

---

۱. عصر ما، ۷۷/۷/۱.

حزب اسلامی کار

نام کامل: حزب اسلامی کار

نام دبیر کل: ابوالقاسم سرحدی زاده

نام سخنگو: سهیلا جلودارزاده،

دبیر سیاسی: بهمن یعقوبی

اعضای فعال: ابوالقاسم سرحدی زاده، سهیلا جلودارزاده، علیرضا محجوب، عبدالرحمن تاج‌الدین، احمد یار محمدی، مهدی کنعانی، مرتضی لطفی، فرزین نگارستان، محمدرضا بادامچی، محمد حسین گلرخیان، داوود دارابی، سیدابوتراب فاضل، پرویز نصیری، سارا فرزاد، بهمن یعقوبی، علی فلاحی، مهدی سلیمانی، امیر یاراحمدی، علی شمعدانی حق، داوود حیدری، فروغ علیپور، سیدحسین رسولی، علیرضا محمودی، سیدعباس احمدی، ناصر ناهید، کرمعلی احمدی، حمید سلیمانی، اسماعیل حق‌پرست، مریم کشاورز، محمدبخشعلی، فهمیه بروز، محمدکزازلو، مسعود توانا، علی حسینی خطیبانی، فاطمه وحدت، محمداسماعیل منتظری، محمدحسین اسلامی، لیلا پهلوانی، کاوه جابری.

مرامنامه:

هدف:

تعمیم سازماندهی حزبی و توسعهٔ مشارکت سیاسی است که به اتکاء اعضا وهواداران حزب از میان اقشار و گروههای اجتماعی همچون جوانـان، کـارگران، کشـاورزان، زنـان، کـارمندان، فـرهنگیان ودانش‌آمـوزان، دست انـدرکاران امـور فـرهنگی، روحـانیون، دانشگاهیان، مدیران، متخصصان، اصناف و سایر اقشار اجتماعی تحقق می‌یابد.

در این راستا حزب می‌کوشد در جهت تأمین خواسته‌های اساسی مردم و با التزام به حق سرنوشت سازی آنها، ضمن پاسداری از آرمـان‌های بـنیانگذار جـمهوری اسـلامی امـام خمینی(ره) و شهدای گرانقدر و پیروی از رهبری معظم انقلاب، حامی پایه‌های عقیدتی و بنیادی جـمهوری اسـلامی هـمچون اصـل مـترقی ولایت فـقیه، قـانون اسـاسی، عـدالت اجتماعی، دفاع از محرومان و مستضعفان، وحدت، برادری و برابری، تأمین امـنیت هـمه جانبه و تداوم سازندگی، در جهت کارآمدی هرچه بیشتر نظام اسلامی از راههای زیر باشد:

۱ـ تمامی فعالیتهای حزب در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۲ـ استقرار عدالت اجتماعی از طریق تأمین حداقل زندگی بـرای هـمه، مـحو فـاصلهٔ طبقاتی فاحش در میان اقشار جامعه و مبارزه با تمامی مظاهر تبعیض.

۳ـ تکیه بر ارزش کار و ترویج فرهنگ صحیح آن، نفی هرگونه اسـتثمار، تأمـین رفـاه بیشتر نیروهای مولد جامعه و نیز زدودن دغدغه‌های معیشتی از طریق تأمین یک زنـدگی متوسط برای فرهنگیان، دانشگـاهیان، مـدیران و مـتخصصان دلسـوز بـه مـنظور اعـتلای فرهنگی، دانایی وخلاقیت و نیز تأمین هزینهٔ یک زندگی مطلوب برای نـیروهای مسـلح، قضات و کارگزاران نظام در جهت گسترش قانون گرایی و عدالت اجتماعی.

۴ـ صیانت از ارزشها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، تلاش در جهت تحقق فـرهنگ ناب اسلامی و جنبه‌های ارزشمند فرهنگ مـلی و ایـرانـی ودر کـنار آن زدودن خـرافـات وکج‌اندیشی‌ها در حوزهٔ معارف دینی و سنن اجتماعی.

۵ـ توسعه و تحکیم آزادی‌های اساسی و دفاع از آزادی قلم، بیان و اجتماعات برای رشد

و اعتلای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آحاد مردم ایران، به ویژه جوانان در چارچوب قانون اساسی و نیز تقویت فرهنگ بردباری سیاسی و تحمل یکدیگر و تنظیم روابط با دیگر احزاب و گروههای سیاسی کشور بر مبنای رحمت اسلامی، رعایت احترام و حفظ حقوق متقابل.

۶ـ دفاع از حقوق قانونی و صنفی اقشار مختلف مردم از جمله اقلیت‌های قومی و مذهبی و گروههای صنفی.

۷ـ تأمین حضور فعال و گستردهٔ زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، به نحوی که بتوانند به میزان شایستگی و توان، به حقوق اجتماعی، سیاسی و انسانی خود دست یابند.

۸ـ افزایش آگاهی‌های لازم در بین اقشار جامعه، خصوصاً جوانان به عنوان آینده‌سازان جمهوری اسلامی در جهت بالا بردن توان فکری، تخصصی، اجرایی و مدیریتی مطلوب برای ساختن وادارهٔ پویا و با نشاط میهن اسلامی.

۹ـ به منظور تحقق شایسته سالاری، نخبگان حزب از میان تمامی گروههای اجتماعی به ویژه جوانان، زنان و نیروهای خلاق و فعال کار، شناسایی شده، پس از کسب آموزشهای لازم برای شرکت در ادارهٔ کشور آماده می‌شوند.

۱۰ـ سیاستهای اقتصادی حزب متکی بر اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساس و بر بنیاد اقتصاد مختلط و مشارکتی پی‌ریزی خواهد شد. در این راستا موضع‌گیری قاطع علیه رباخواری و مبارزه‌ای پی‌گیر و قانونی با انحصار ثروت، امکانات و موقعیتهای اقتصادی در دست افراد و گروههای خاص، جزء جدایی‌ناپذیر این سیاستها است.

۱۱ـ تأمین اجتماعی فراگیر از محل درآمدهای عمومی به منظور ایجاد امنیت خاطر برای تمامی اقشار مردم به شکلی که هیچ کس نگران آیندهٔ خودنباشد.

۱۲ـ بایدجوانان تا زمان یافتن شغل یا حداقل درآمد مناسب از طریق استمرار آموزشهای فنی وحرفه‌ای و پرداخت مستمری، مورد حمایت قرار گیرند.

۱۳ـ ایجاد انگیزهٔ همگانی و بسیج ملی تمامی نیروها و امکانات موجود برای تولید کالا

و خدمات مفید جهت بالا بردن کمی وکیفی تولیدات کشاورزی و صنعتی و بهینه‌سازی شبکهٔ توزیع و بازرگانی کشور در راستای افزایش ثروتهای عمومی، رفاه کارگران، کشاورزان و کارمندان، رفع مشکل اشتغال، توسعهٔ صادرات، مهار تورم و شکوفایی اقتصادی.

۱۴ـ تلاش برای عینیت بخشیدن به وجدان کاری، انضباط اجتماعی، نظم اقتصادی و قانون‌گرایی در راستای رشد و پیشرفت کشور و تأکید بر مفهوم واقعی کار به عنوان عملی ارزشی و یگانه ابزار راهبردی توسعه.

۱۵ـ تلاش واهتمام در جهت تحکیم فرهنگ غنی اسلامی و تأکید بر ارزشهای ناب فرهنگ ایرانی ـ اسلامی از طریق ایجاد محیط مساعد برای رشد فضیلت‌های اخلاقی و فرهنگی برپایهٔ ایمان و تقوی، حرکت به سمت جامعه‌ای دینی وعاری از مفاسد اجتماعی با انسانهایی رشد یافته و پیشرفته چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی و برنامه ریزی جهت مبارزه‌ای قاطع و فراگیر علیه فساد ادرای، اقتصادی و اجتماعی و همهٔ ترویج‌کنندگان انحطاط اخلاقی که مانع شکوفایی جامعهٔ اسلامی به ویژه نسل جوان می‌گردند.

۱۶ـ سیاست خارجی حزب براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر، حفظ استقلال و امنیت همه جانبه و تمامیت ارزی کشور، از حقوق بشر و کرامتهای والای انسانها به ویژه مسلمانان و آزادی خواهان جهان، داشتن روابطی دوستانه و صلح‌آمیز با سایر ملل و احزاب جهان ونیل به سوی تشکیل امت واحدهٔ اسلامی برپایهٔ احترام و اعتماد متقابل استوار خواهد بود.

۱۷ـ اصلاح ساختار آموزش کشور و توسعهٔ آموزشهای فنی و حرفه‌ای، عمومی و عالی، باتوجه به آخرین دستاوردها و تحقیقات علمی و آموزشی، به روز نمودن آموزشهای ارائه شده (به خصوص در سطح آموزش عالی)، توجه ویژه به مشکلات معلمان و فرهنگیان، اساتید دانشگاه و مربیان فنی و حرفه‌ای و رعایت تناسب آموزشهای ارایه شده با توانمندی‌ها و زمینه‌های شغلی افراد جامعه به گونه‌ای که هر فرد در حیطهٔ کاری خود از تخصص فنی و دانش لازم بهره‌مند باشد و همه بتوانند از ابتدا تا انتهای عمر خود بیاموزند و

آموزش دهند.

۱۸ـ در نظر گرفتن مسائل زیست محیطی در تمامی سیاستگذاری‌ها و عملکردها با توجه به محدودیت منابع طبیعی و نیز تأکید ویژه بر توسعهٔ کشاورزی کشور به عنوان یکی از کاراترین محورهای رشد اقتصادی وخودکفایی.

۱۹ـ ایجاد فضای سالم جسمی و روحی در جامعه برای فعالیتهای سازنده و پویا با توسعهٔ تفریحات سالم اجتماعی از طریق تعمیم ورزش خصوصاً میان جوانان و محیط‌های مولد جامعه.

۲۰ـ مرامنامهٔ حزب در ۲۰ بند به تصویب هیأت مؤسس رسید. هرگونه تغییر در مفاد آن پس از تصویب در کنگرهٔ حزب، باید مطابق قانون برای رسیدگی به کمیسیون مادهٔ ۱۰ احزاب اعلام و پس از تصویب اعمال گردد.

تاریخچه تشکیل:

پس از وقایع سال ۱۳۶۰ و انحلال حزب جمهوری اسلامی، شاخه کارگری این حزب منحل نشد و با نام خانه کارگر جمهوری اسلامی به فعالیت خود ادامه داد ودارای تشکیلات نسبتاً منسجم در سطح کشور شد. البته لازم به یادآوری است قبل از انقلاب نیز چنین تشکیلات کارگری وجود داشت و فعالیت می‌نمود.

پس از انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری و در راستای تحقق شعارهای رئیس جمهور سیدمحمدخاتمی مبنی بر توسعه سیاسی عده‌ای از اعضای مرکزی تشکیلات خانه کارگر تصمیم به ایجاد حزب جدیدی بنام حزب اسلامی کار باکارکرد بیشتر سیاسی وکمتر صنفی گرفتند. البته خانه کارگر با کارکرد بیشتر صنفی و کمتر سیاسی و به طور مستقل به فعالیت خود ادامه داد. اکنون خانه کارگر و حزب اسلامی کار رابطهٔ تنگاتنگی از لحاظ مواضع با هم دارند. حزب اسلامی کار در تاریخ ۷۷/۱۱/۲۹ رسماً فعالیت خود را آغاز و بتاریخ ۷۷/۱۱/۵ این حزب از وزارت کشور رسماً اجازه فعالیت دریافت کرد. در انتخابات مجلس پنجم خانه کارگر در یک ائتلاف کم‌سابقه با حزب کارگزاران سازندگی یک لیست

مشترک برای حوزه انتخابیه تهران داد که در این دوره نامزدهای اصلی خانه کارگر یعنی علیرضا محجوب، ابوالقاسم سرحدی زاده و سهیلا جلودار زاده به مجلس راه یافتند. پس از دوم خرداد سال ۷۶ و حمایت کامل خانه کارگر از سید محمد خاتمی، خانه کارگر (و پس از مدتی با نام حزب اسلامی کار) وارد ائتلاف جبهه دوم خرداد شدند. در انتخابات مجلس ششم این حزب همگام با دیگر گروههای جبهه دوم خرداد توانست آراء زیادی را به خود اختصاص دهد. به طوری که ۱۰ نفر از نیروهای متمایل به این حزب وارد مجلس شدند، از آن جمله می‌توان به ابوالقاسم سرحدی زاده، سهیلا جلودارزاده و عبدالرحمن تاج‌الدین اشاره کرد.

گرایش سیاسی:

این حزب عموماً دارای دیدگاههای به اصطلاح چپ سنت‌گرا و بعضاً چپ مدرن می‌باشد. در عین حال این حزب را می‌توان به دلیل مواضع معتدل و به دور از افراط و تفریطش جزء احزاب چپ معتدل به حساب آورد. درپی انتخابات مجلس پنجم اعضای برجسته این حزب با گروه کارگزاران سازندگی که دارای دیدگاههای راست مدرن بودند ائتلاف کردند و در هنگامی که اکثر نیروهای چپ به دلیل رد صلاحیتشان یا به دلیل اعتراض به عملکرد شورای نگهبان از صحنه انتخابات خارج بودند با آراء قابل ملاحظه‌ای وارد مجلس شدند و در مجلس پنجم جزء ائتلاف نیروهای چپ وکارگزاران (مجمع حزب‌الله مجلس) در مقابل جناح اکثریت مجلس که اکثراً از جناح راست سنتی یعنی جامعه روحانیت مبارز و جمعیت مؤتلفه اسلامی بودند قرار داشتند.

در مرامنامه این حزب، استقرار عدالت اجتماعی و تأمین حداقل زندگی برای همه افراد جامعه، محو فاصله طبقاتی، تأکید بر بنیاد اقتصاد مختلط و مشارکتی و مبارزه با رباخواری قید شده که نشانگر دیدگاههای اقتصادی نزدیک به اقتصادهای چپ و سوسیالیستی در غرب است. البته این حزب چون اکثر احزاب فعال دیگر براساس مبانی فکری و ایدئولوژی اسلامی بنا شده و صیانت از ارزشهای انقلاب اسلامی در مرامنامه این حزب به عنوان یکی

از اهداف آن بشمار رفته است. حزب اسلامی کار با دیگر احزاب جناح به اصطلاح چپ رابطه بسیار خوبی دارد و با آنها در ائتلاف جبهه دوم خرداد همکاری می‌کند.

تشکیلات و نشریات وابسته:

به دلیل آن که این حزب مدت کوتاهی شروع به فعالیت نموده است هنوز عضوگیری عمومی و به شکل رسمی انجام نداده، لیکن در حال تربیت نیروهای کارآمد و زبده در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد تا بدین وسیله در آینده با تشکیلات منسجم اقدام به عضوگیری نماید. این حزب روزنامه یا مجله خاصی منتشر نمی‌کند، لیکن روزنامه «کار و کارگر» تا حدودی دیدگاههای این حزب را منتشر می‌سازد. این حزب به طور مرتب دیدگاههای خود در مورد مسائل روز کشور را به وسیله انتشار بیانیه‌های مختلف بیان می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت این حزب از لحاظ تشکیلاتی نسبتاً منسجم و در حالت رشد می‌باشد. به طوری که در بسیاری از استانها بخصوص استان خراسان فعالیت این حزب در حال گسترش است.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

به دلیل ماهیت این حزب طبیعی است که بیشتر کارگران و اقشار متوسط و ضعیف‌تر جامعه از لحاظ اقتصادی به این حزب گرایش داشته باشند. لیکن این حزب تمام کارآفرینان و نیروی کار و اقشاری و طبقات اجتماعی چون جوانان، کارگران، کشاورزان، زنان، کارمندان، فرهنگیان، دانش‌آموزان، دست‌اندرکاران، امور فرهنگی، روحانیون، دانشگاهیان، مدیران، متخصصان واصناف مختلف را مدنظر قرار داده و برنامه آینده حزب فعالیت سیاسی وعضوگیری از تمام اقشار جامعه است و نه اختصاصاً قشر کارگر.

از لحاظ خاستگاه کادر رهبری این حزب، می‌توان به خانه‌های کارگر سراسر کشور، شاخه کارگری سابق و حزب جمهوری اسلامی همچنین انجمن اسلامی کارخانجات دولتی و خصوصی اشاره نمود.

مواضع سیاسی:

اعضای اصلی این حزب قبل از تشکیل حزب به طور مستقل جزء نیروهای جبهه دوم خرداد بودند و پس از تشکیل نیز این حزب جزء گروههای ائتلافی جبهه دوم خرداد قرار گرفت. به همین جهت حزب اسلامی کار همواره از اکثر مواضع جبهه دوم رخداد حمایت نموده است. چنان که از مضمون بیانیه‌های این حزب دیده می‌شود اکثر دیدگاههای این حزب به مواضع نیروهای جبهه دوم خرداد نزدیک است.

در بیانیه ابتدائی که در زمان اعلام موجودیت این حزب منتشر شده است براصل ولایت فقیه و اعتقاد راسخ این حزب به این اصل قانون اساسی تأکید شده است در بند سیزدهم این بیانیه می‌خوانیم[1]:

"ولایت فقیه رکن اساسی نظام جمهوری اسلامی و جزء لاینفک آن است. بر این باوریم که ولایت فقیه نگین زیبنده نظام است و باتحقق جمهوری اسلامی است که ولایت فقیه نیز جایگاه ارزشمند خود را می‌یابد. براین اساس حزب ما به عنوان یکی از پویندگان جمهوری اسلامی تا ظهور خاتم امامان معصوم پشتیبانی از ولی امر را جزء اصول خود می‌شمارد."

این حزب بر مشارکت بیشتر مردم در تمامی صحنه‌ها وخرد جمعی به جای فردگرایی و خودمحوری تأکید می‌نماید. چنان که در بیانیه این حزب به مناسب برگزاری انتخابات شورای اسلامی شهر آمده است[2]:

"ما امیدواریم که حضور و مشارکت هرچه فعالتر تمامی اقشار جامعه در نهایت یک زندگی بهتر و مبتنی بر خرد جمعی را به ارمغان آورد. ما همه مردم، دلسوزان و دلسوختگان کشور را که به برقراری عدالت و قسط می‌اندیشند، فرا می‌خوانیم تا حماسه‌های حضور با شکوه خود را تکرار نمایند."

در بیانیه‌ای دیگر این حزب بر آزادی‌های مردم بر طبق موازین قانون اساسی تأکید و بر پرهیزی از هرگونه خشونت برای رسیدن به مقاصد سیاسی تأکید کرده است[3]:

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۱۱ ـ انتشارات حزب اسلامی کار. ۲. همان، ص ۱۵.
۳. همان، ص ۱۸.

"حزب اسلامی کار معتقد است که عمل در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قبول حاکمیت و اراده مردم ضامن فعالیت آزاد و بی‌دغدغه و در عین حال سازنده تمامی احزاب، گروه‌ها و آحاد مردم است. بدون شک نمی‌توانیم ادعا کنیم که در حال حاضر شاهد مدینةالنبی هستیم و بدیهی است که برای رسیدن به آن مطلوب، راه درازی پیش‌رو داریم داریم. با این همه، رسیدن به این اهداف متعالی را جز از طریق قانون و احترام همگانی به آن و پرهیز از خشونت واعمال منافی آسایش و امنیت جامعه نمی‌دانیم و دست یازیدن به خشونت را از سوی هر کسی یا گروهی به شدت محکوم می‌نمائیم."

این حزب همواره بر اصل جمهوریت و اسلامیت نظام به عنوان دو محور اصلی حکومت در نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده است و جدا کردن این دو اصل از یکدیگر را زمینه‌ساز استبداد می‌داند. در بیانیه این حزب می‌خوانیم[1]:

"باید همه کسانی که به نام دموکراسی و حکومت مردمی ارزش‌های دینی و اسلامی و به ویژه اصل مترقی ولایت فقیه را خدشه‌دار می‌کنند و نیز همه کسانی که به نام دفاع از دین و دفاع از ارزشهای دینی زمینه‌های بازگشت استبداد را فراهم می‌کنند و بی‌صبرانه رخت بربستن جمهوریت را از صحنه سیاست کشورمان آرزو می‌کنند، بدانند که ملت ایران، همانگونه که بارها نیز نشان داده است با هرگونه عملی که با جمهوریت و اسلامیت منافات داشته باشد با شدت و جدیت برخورد می‌نماید."

چون دیگر گروههای مدافع جبهه دوم خرداد، حزب اسلامی کار[2] نیز از شعار توسعه سیاسی و جامعه مدنی حمایت نموده چنانکه این دو شعار و برنامه را مولود خواست مردم معرفی می‌نماید و برکارایی این برنامه تأکید نموده است:

"توسعه سیاسی و جامعه مدنی، نه تنها روح مشارکت‌طلب و تحول خواه نسل جدید را در مسیری سازنده و پویا هدایت کرد، بلکه اکنون که پس از دو سال به روند تحولات می‌نگریم، گویای آنست که نظام ما موفق شده است تا با افزایش ظرفیت سیاسی خود، چالشها را با روشهای عقلایی رهبری کند."

---

۱. همان، ص ۲۶.   ۲. همان، ص ۶۰.

"توسعه سیاسی و جامعه مدنی اسلامی مولود خواست و اراده انقلابی ملت ایران است."

اصلاحات به عنوان یک ضرورت جامعه امروزی، از دیگر دیدگاههای این حزب است[1]:

"حزب اسلامی کار بر این باور است که ادامه روند اصلاحات در جمهوری اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر است و مخالفت خوانی با آن یعنی مخالفت با خواست مردم و مصلحت نظام در همگام شدن با اصلاحات و هدایت آن به سوی نظام مردمسالار است."

در موضع‌گیری دیگر، این حزب ضمن تقبیح هرگونه خشونت به نام دین و تئوریزه کردن خشونت و برداشت یک سویه از دین، دو طرز فکر «اسلام طالبانی» و «دموکراسی لیبرال» را رد می‌کند. در بیانیه این حزب آمده است[2]:

"مردم آگاه ایران همواره و در همه عرصه‌ها نشان داده‌اند که بهترین تمیزدهندگان سره از ناسره بوده و هیچ یک از دو صورت «اسلام طالبانی» و «دموکراسی لیبرال» را برنمی تابند."

"در حوزه ایدئولوژیک «محفل نشینان» که خود را مصداق عینی دین می‌پندارند، سعی می‌کنند با ارائه تصویری خشن، ضد مردمی و غیرمنطقی از دین و با تضعیف بُعد جمهوریت نظام، زمینه فکری و ایدئولوژیک را برای اقدامات بعدی از جمله ضرب وجرح، اعمال خشونت فیزیکی و ترور فراهم نمایند."

"سؤال دیگر ما این است که عملکرد کسانی که در دو سال گذشته غالباً با نام دین و با توجیه و پوشش مقدسات دست به بحران سازی زده‌اند تا چه اندازه به ترویج الگوهای دین گرایی در جامعه جوان ما کمک نموده است و تا چه اندازه جامعه‌پذیری دین را رونق و رواج بخشیده است؟"

"حزب اسلامی کار[3] اعتقاد دارد آنچه که ماشه خشونت هدف قرارداده است چیزی جز نظام جمهوری اسلامی نمی‌باشد، ما قضاوت در مورد هدف نهایی بحران‌آفرینان را به مردم و آیندگان وا می‌گذاریم."

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۹۰.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۱۰.

در جایی دیگر این حزب[1] هدف اساسی تأسیس خود را توسعه مشارکت سیاسی بیان می‌کند:

"امروز مشارکت و توسعه آن از مهمترین هدفهای بنیانگذاری جامعه مدنی و توسعه حقوق اجتماعی بشر به شمار می‌رود. مشارکت ضامن پیوند کسانی است که اراده‌هایشان از یکدیگر رمیده و راهشان به سوی آینده از هم دور گردیده است. مشارکت نوعی دعوت است به توسعه اجتماعی و ایجادیک جامعه مسئول و آینده ساز، لذا اگر کسی از اهداف سیاسی حزب ما سؤال می‌کند به صراحت به او می‌گوئیم هدف سیاسی مان را بر بنیاد توسعه مشارکت سیاسی قرار داده‌ایم و اگر فرازی برای تعریف سیاست در جامعه ما باشد، همین است و بس."

ابوالقاسم سرحدی زاده دبیر کل حزب اسلامی کار[2] علت تشکیل این حزب و جدایی آن از هسته اولیه آن یعنی خانه کارگر را چنین بیان می‌کند:

"خانه کارگر نهادی است که برای پیگیری نیازهای صنفی جامعه کارگری تشکیل شد و کمتر محتوای سیاسی دارد. از آنجایی که خانه کارگر به این نقصان در مجموعه خود پی برد. تصمیم بر این گرفته شد که حزب اسلامی کار به وجود بیاید. این حزب در واقع از بطن خانه کارگر و بنا به ضرورت فعالیتهای سیاسی کارگران تأسیس شد."

علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر و یکی از اعضای شورای مرکزی حزب، علت تشکیل حزب را چنین بیان می‌کند[3]:

"هدف از تشکیل این حزب ایجاد تغییرات عمیق در ساختار اقتصادی برای رشد تولید و صنعت و ایجادتحولات فرهنگی واجتماعی است."

در جایی دیگر ابوالقاسم سرحدی‌زاده هدف حزب اسلامی کار را چنین بیان می‌کند[4]:

"حزب اسلامی کار به عنوان نماینده سیاسی مجموعه نیروهای مولد که بخشی از آنان را کارگران تشکیل می‌دهند بنا دارد از تمامی ابزارها از جمله ابزار سیاسی برای ارتقاء تولید

---

۱. همان، ص ۱۳. ۲. آفتاب امروز، ۷۸/۶/۲۰. ۳. انتخاب، ۲۳ و ۲۲ و ۷۸/۸/۲۰.
۴. آفتاب امروز، ۷۸/۶/۲۰.

و اعتلای مفهوم کار، استفاده کند."

حزب اسلامی کار نه تنها در حال جذب کارگران است، بلکه استراتژی آینده این حزب جذب هر چه بیشتر کارفرمایان و مدیران صنایع به عنوان زنجیرهٔ تولید در کشور است سرحدی‌زاده در این زمینه می‌گوید[۱]:

"ما باید تلاش کنیم عوامل تولید را به هم نزدیک کنیم این نزدیکی عوامل تولید، یعنی کارگران، مدیران صنایع و کارفرمایان امری حیاتی است. تمام کشورهای پیشرفته صنعتی به واسطه این نزدیکی یعنی برداشتن فاصله بین عوامل تولید یعنی کارگر و کارفرما به موقعیتهای صنعتی دست پیدا کرده‌اند و بر بسیاری از مشکلات فائق آمده‌اند."

ایشان فعالیت سیاسی جامعه کارگری یا قشر مولد و تولید کننده کشور را متفاوت با فعالیت سیاسی دیگر اقشار جامعه از جمله دانشجویان می‌داند، او می‌گوید:

"جامعه کارگری را نباید با جوامع دانشجویی یا روشنفکری مقایسه کرد. کارگر ویژگی ممتازی برای خود دارد که اینها جدای از ویژگیهای روشنفکران، دانشجویان یا دیگر گروههای اجتماعی است. کارگر بیشتر به کلیات انقلاب و نظام توجه دارد تا به جزئیات آن. به عنوان مثال پس از پیروزی انقلاب سازندگی مهمترین نیازمان بود و جامعه کارگری در آن هنگام بیش از هرچیز به این مسئله توجه داشته است نه به تلاش برای یافتن قدرت سیاسی یا پیوستن به مناقشات مختلف سیاسی که درجامعه ماوجود دارد. آن تحول وتنوع سیاسی که درجامعه دانشجویی و روشنفکری هست هرگز در جامعه کارگری وجود ندارد."

"کارگر سرباز جبهه سازندگی و تولید است، نه سرباز جبهه سیاست. اما این به این معنا نیست که موضعگیری سیاسی نداشته باشد. کارگران از منظر وفاداری به کلیات انقلاب و آرمان‌های آن به عرصه سیاسی می‌نگرند."

حزب اسلامی کار چه قبل از تشکیل در قالب خانه کارگر و چه بعد از تشکیل به عنوان یک حزب مستقل جزء ائتلاف جبهه به اصطلاح دوم خرداد یا اصلاح طلبان بوده است سرحدی‌زاده استراتژی این حزب در قالب ائتلاف نیروهای جبهه دوم خرداد را چنین بیان

---

۱. آفتاب امروز، ۷۸/۶/۲۰.

می‌کند[1]:

"ما حاضریم برای شکل‌گیری این ائتلاف (جبهه دوم خرداد) همه گونه فداکاری و انعطافی را از خود نشان دهیم. زیرا ما این ائتلاف را یک امر حیاتی می‌بینیم. یک امر فوق العاده با اهمیت که برای ادامه کار دولت آقای خاتمی و جبهه دوم خرداد بسیار ضروری است، قطعاً باید به وقوع بپیوندد و حزب اسلامی کار به سهم خود از تمام نیروهای جبهه دوم خرداد دعوت می‌کند که در این ائتلاف دچار خودبینی نشوند و اولویت را به منافع جبهه دوم خرداد بدهند و سپس منافع گروهی خودشان را در نظر داشته باشند. این ائتلاف به هر قیمتی باید صورت گیرد. ما اول به ائتلاف فکر می‌کنیم و بعد به منافع خودمان."

"حمایت از دولت آقای خاتمی و جبهه دوم خرداد از اولویت‌های ویژه حزب اسلامی کار و خانه کارگر است."

این حزب درصدد است که اعتراضات طبقه کارگری را به نحوی قانونی رسمیت بخشد، یعنی حق اعتراض به وسیله اعتصاب آرام و کنترل شده به کارگران داده شود. آقای سرحدی‌زاده دز این باره می‌گوید:

"اصولاً اسم اعتصاب به اشتباه نوعی مقابله با دولت را در اذهان تداعی می‌کند. به خصوص در جامعه ما اعتصاب که مطرح بشود، فوراً این تصور پیش می‌آید که کسانی یا گروههایی می‌خواهند بانظام مخالفت بکنند و چون این حالت وجود دارد ما سعی کردیم که این مسئله را فعلاً مطرح نکنیم و آن را بگذاریم برای زمانی که این حساسیت‌ها برطرف گردد در حال حاضر، طرح این مسئله حساسیت‌زاست."

"من فکر می‌کنم برای این که جامعه ما از اغتشاشات غیرقانونی ومخرب ناهنجار دشمن شادکن مصون بماند بهترین راه این است که ما این تظاهرات، اعتصابات و خواسته‌ها را قانونی اعلام کنیم و اجازه دهیم که هرگروه اجتماعی اگر مشکل یاخواسته‌ای دارد، بدون این که کسی مانعش شود مطرح کند.

برخی" دیگر از دیدگاههای ابوالقاسم سرحدی زاده را در ذیل می‌خوانیم:

---

۱. همان، ۷۸/۲۰/۲۲.

لزوم وحدت:

"این انقلاب در شرایطی می‌تواند به ادامه خودش امیدوار باشد که روز به روز به سمت وحدت بیشتر برود. هرگونه تفرقه راه ما راکند خواهد کرد. هر کسی که دل بر این انقلاب می‌سوزاند باید برای وحدت این انقلاب تلاش بکند و هر کسی که این تلاش را ندارد دلسوزی هم برای انقلاب ندارد."

برخورد با منتقدان:

ایشان در مورد برخورد دادگاه ویژه روحانیت وحکم صادره برای برخی نیروهای اصلاح‌طلب چنین می‌گوید:

"این برخوردها حتماً باید اصلاح شود و ما منتقدان خودمان را این گونه با آنها برخورد نکنیم، این کار ما نه شرعی است، نه قانونی، نه اسلامی است، نه اخلاقی است ونه انسانی."

تسامح و تساهل:

"ما فکر می‌کنیم که آن مباحثی که بنام تساهل و تسامح مطرح هست، این مسائل درست است. یعنی هر دو جنبه قضیه هم شدت داشتن وهم رئوفت داشتن، هر دو اینها برای این انقلاب ضروری و لازم است. مواقعی لازم است که تسامح و تساهل صورت بگیرد و مواقعی لازم است که شدت عمل صورت بپذیرد واینها برای اداره یک انقلاب و یک جامعه لازم است."

تندروی در جبهه دوم خرداد:

"ما امروز تلاشمان آن است که از برادران خودمان در جناح تندرو جبهه دوم خرداد بخواهیم که قدری آهسته‌تر حرکت کنند تا ما هم به شما برسیم. اینکه تنها بگذارید و خودتان بخواهید یک تنه بتازید و به پیش بروید. خب شما تنها خواهید ماند و ماهم، و شما آسیب‌پذیر تر خواهید شد تا ما."

خودی و غیرخودی:

"این خط کشی هایی که ما خودی هستیم و دیگران خودی نیستند و غیرخودي هستند این خط کشی‌ها برای انقلاب خطرناک و مضر هستند. ما باید تلاش کنیم همه راخودی کنیم،

همه را جذب این انقلاب کنیم، همه را درکنار این انقلاب داشته باشیم."

سهیلا جلودارزاده از اعضای برجسته این حزب در مورد مواضع سیاسی حزب اسلامی کار چنین میگوید[1]:

هدف حزب اسلامی کار:

"حزب اسلامی کار با اهدف ارتقای آگاهی‌ها و رشد سیاسی ـ اجتماعی کارگران و به ویژه جوانان تشکیل شده است."

وظیفه تشکلهای کارگری:

"به نظر ما تشکلهای کارگری امروز وظیفه‌ای تاریخی برعهده دارند و آن اینکه باید متشکل شوند و به طور سازمان یافته در مجامع قانونی حاضر شوند چراکه دیگر امروز شاید این امکان وجود نداشته باشد که با سیاست‌گذاری‌های کلی همه منافع جامعه کارگری تأمین شود.»

اهمیت تولید:

"ما آنقدر در مقوله سیاسی غوطه ور شده‌ایم که مقوله اقتصاد و تولید را به فراموشی سپرده‌ایم و به طور جدی متوجه نیستیم که تولید تا چه حد برای تقویت نظام و دستیابی به آرمانهای آن مؤثر است."

مجلس و جامعه کارگری:

"اگر لازم باشد که متناسب با تعداد کارگران جامعه و نیازهایشان در مجلس نماینده داشته باشیم، حداقل باید ۵۰ نماینده از جامعه کارگری به مجلس بیایند."

خواسته جامعه کارگری:

"آزادی بیان، آزادی اجتماعات وحتی آزادی اعتصابات حقوقی هستند که جامعه کارگری آنها را مطالبه می‌کند و خواستار تأمین آنها است. و مسأله دیگر حفاظت از قانون کار به عنوان یک دستاورد مقدس که جامعه کارگری در طول انقلاب توانسته است کسب کند.»

---

۱. انتخاب، ۷۸/۳/۱۳.

مفهوم عدالت:

"در دیدگاه اسلامی عدالت ملاک و مبنای کار است ولی در دیدگاه مارکسیستی جبر اصل است."

علیرضا محجوب دیگر عضو برجسته این حزب و دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی دیدگاههای سیاسی خود را چنین بیان می‌کند[۱]:

ضرورت وجود احزاب:

"ما بایدباور کنیم که رقابتهای ما دارد لحظه به لحظه باندی می‌شود. ما باید از کار باندی فرار کنیم. یعنی جریانات باید بپذیرند که بروند در قالب احزاب رقابتهایشان را انجام دهند."

"اگر ما جمهوریت داریم حتماً بایدحزب داشته باشیم. اگر آزادی را تفکیک‌ناپذیر از استقلال شناختیم، برای حفظ استقلال و برای تحکیم و به جریان انداختن آزادی حتماً باید در قالب حزب عمل کنیم. اگر بدنبال یک مجلس حقیقی هستیم، می‌خواهیم در مجلس نتیجه گیری‌های معقول‌تر و جامع‌تری داشته باشیم حتماً بایدحزب داشته باشیم این معنی هنوز باور نشده است برای اینکه کار جناحی آسانتر است."

قانون کار:

"پیشنهاد ما، مذاکره و تقویت روابط دو جانبه و آشتی طلبانه بین کارگران وکارفرمایان است."

"ما نمی‌گوییم که قانون کار وحی منزل است، هر قانون دستنوشته بشر، قابلیت بررسی را دارد. اما این رامی گوییم که بی تفاوتی، بدترین حالت برای نوع بشر است، نه انضباط و ساماندهی که از دقایق تولید و زندگی شهری است، بلکه از ضرورت‌های قانون است."

"قانون را باقانون می‌توان تغییر داد، قانون را با بی‌قانونی نمی‌توان تفسیر کرد وتغییر داد."

"تقدم «سازندگی» از نظر برخی، قربانی شدن «عدالت» را توجیه می‌کند. فعالیت در

---

۱. انتخاب، ۷۸/۲/۹ و ۷۸/۸/۲۳.

حوزه اقتصادی نیز طبیعتاً «منفعت» را مقدمه لازم برای هر فعالیت تولیدی و یـا خـدماتی می‌داند. پس صاحبان سرمایه احساس کردند که پاره‌ای از نفع آفرینی‌ها محدود شده است و بنابراین فعالیت برای تغییر قانون کار بالا گرفت.»

مواضع اقتصادی:

نگرش اقتصادی این حزب بیشتر ناظر بر دفاع از حقوق صـنفی کـارگران و قشـرهای مولد جامعه می‌باشد. نظرات و راهکارهای این حزب در موردمسائل اصلی اقتصاد کشور نیز در خور توجه است. از دیدگاه اقتصادی، این حزب دارای دیدگاه چپ سنتی می‌باشد و گرایش به اقتصاد دولتی شبیه به اقتصادهای سوسیالیستی رقیق شده در غرب را دارد. این حزب در بیانیه‌های خود همواره بر احقاق حقوق قشر کارگر و کارآفرینان تأکید نموده و خواستار توجه بیشتر دولت به این قشر شده است. در بیانیه این حزب بمناسبت برگزاری نخستین همایش ملی کار می‌خوانیم[1]:

«از شرکت کنندگان در این همایش صمیمانه می‌خواهیم به موارد زیر اندیشیده وسعی نمایند تا در همایش اخیر و همایش‌های آتی در این موارد تصمیمات جامع و کاملی اتخاذ نمایند:

۱ـ اعتلای فرهنگ کار به شکلی که کار در مفهوم کلی و جامع آن به عامل تـعیین‌کننده نهایی در مناسبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تبدیل گردد. در این زمینه باید به اهرمهای تبلیغی و کارکردهای وسیع‌تر اندیشید.

۲ـ ارزش کار که تحت الشعاع اقتصاد متکی به نفت ایران کمتر به عنوان یک ارزش اصیل مورد توجه قرار گرفته است، شناسایی و در نهایت درخشندگی به جامعه عرضه گردد.

۳ـ ارزش نیروی کار به خصوص کارگران شریف از طریق واقعی ساختن دستمزدها وارتقای این طبقه زحمتکش به سمت بخشهای میانی دهک‌های اجتماعی اساس کار باشد.

۴ـ نیروی کار نیازمند امنیت شغلی است، اگر امنیت این قشر عظیم اجتماعی تأمین گردد

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۸۱

در واقع امنیت سرمایه که از دغدغه‌های ملی است نیز متعاقباً تأمین خواهد گردید. در این راستا طرح مباحثی چون یافتن راهکارهایی مناسب در مورد کارگران موقت و قراردادی که در دستور کار این همایش قرار دارد، از توجه عمیق گردانندگان این همایش به این مهم حکایت می‌کند.

۵ـ باید سرمایه گذاران در عرصه تولید بخصوص صاحبان واحدهای کوچک تولیدی ضمن پایبندی به قانون و آموزش لازم جهت دریافتن این مفاهیم، مورداحترام و حمایت قرار گیرند، این همایش می‌تواند سازوکارهای لازم این جهت را تأمین و تضمین نماید.

۶ـ آینده روابط کار برپایه تقویت اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی است، در این راستا همایش باید اقدام به زمینه سازی و ارائه راهکار نماید."

اصولاً تمام احزاب با دیدگاههای اقتصادی چپ و از جمله حزب اسلامی کار مخالف اصالت دادن به بازار آزاد اقتصادی و نظام سرمایه محور هستند درعوض به اقتصاد دولتی یا نیمه دولتی و تقریباً متمرکز اعتقاد دارند. این حزب خواستار کاهش فاصله طبقاتی، کاهش فشار اقتصادی بر روی قشر مستضعف جامعه و به جای آن بزرگ شدن قشر میانی جامعه و کوچک شدن قشر غنی و فقیر جامعه می‌باشد. این حزب هم اکنون مشغول تبیین برنامه‌ها و اهداف اقتصادی آینده خود می‌باشد. به مناسبت ارائه برنامه سوم اقتصادی، فرهنگی واجتماعی کشور به مجلس، حزب اسلامی کار با انتشار بیانیه‌ای نظرات خود راجع به این برنامه را بیان داشته است، در این بیانیه می‌خوانیم[1]:

"۱ـ اعتقاد ما بر این است که برنامه سوم توسعه متعلق به مردم است و بدون همیاری، مشارکت و پذیرش از سوی آنان به هیچ وجه قابل اجرا نخواهد بود و تنها برنامه‌ای در عرصه اقتصاد یک کشور متحقق خواهد شد که تکیه اصلی خود را بر منابع داخلی و فرآهم آوردن شرایط اشتغال آنها قرار دهد و هدفش ارتقای توانایی ملی و تقویت و ترویج روحیه کار ملی باشد. اما آنچه از برنامه سوم برمی‌آید، رویکرد خارجی برنامه و اتکای به نسبه شدید آن به منابع و سرمایه‌های خارجی به عنوان تنها راه نجات است که تجربه نشان داده

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۸۳

اتکا به عوامل بین‌المللی هیچ گاه تضمین شده نبوده است. از این رو است که در عرف برنامه‌ریزی توسعه، آن برنامه‌ای را موفق‌تر پیش بینی می‌کنند که حداکثر اتکای خود را بر منابع و متغیرهای درون زا قرار دهد نه بر عوامل متغیر خارجی برون زاکه خارج از دسترس ماعمل می‌کنند.

۲ـ لازم است زمانی که برنامه‌ای با چنین شمولیتی برای یک کشور تدوین می‌شود. برای نشان دادن چگونگی وضع موجود و ارائه تصویر روشن‌تری از وضع مطلوب، به زبان آمار و ارقام نگاشته شود تا بتواند تصویر واضح‌تری از روند و مسیر برنامه به دست دهد.

۳ـ آن گونه که از سیاستهای اقتصادی برنامه که اشاره خواهد شد برمی‌آید، ادامه چنین روندی افول طبقات متوسط و ضعیف را بیش از آنچه که دهکهای درآمدی و هرم تقاضا نشان می‌دهد در برخواهد داشت، که لاجرم ما رابه عقب‌گرد و قهقرای اجتماعی و گسترش بیشتر فقر رهنمون خواهد ساخت.

۴ـ در لایحه برنامه شاهد پایبندی کم رنگی نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستیم که مطمئناً از موانع اصلی تحقق کامل آن خواهد بود. آنگونه که از اصول اقتصادی قانون اساسی کشور برمی آید. نظام اقتصادی ایران نظام مختلط است، نظامی مبتنی بر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی که می‌بایست به هر کدام سهمی متناسب با اهمیت وجایگاهشان در اقتصاد کشور داده شود. اما آنچه در برنامه مشهود است، علیرغم تجربه ناموفق دو برنامه قبلی در زمینه خصوصی‌سازی نگرش افراطی دولت به مبحث خصوصی‌سازی و حتی فراتر از آن به صورت رهاسازی است که برای اقتصاد فعلی ایران جز سقوط بیشتر نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت. بخش خصوصی کارآمد و تقویت شده در قالب بخش کوچک و متوسط تولیدی، در کنار بخش تعاونی مبتنی بر تعاونیهای گسترده توزیعی و خدماتی، سمبلی بهتر و کاراتر برای مشارکت‌طلبی مردم به منظور توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که لازم است در برنامه رنگ بیشتری به خود بگیرد.

۵ـ اگر هدف ما به مشارکت طلبیدن بخش خصوصی است، لازم بود به عنوان اولین قدم موسسات تحقیقاتی و مشاوره‌ای خصوصی را در این زمینه ایجاد می‌کردیم تا از یک سو

برنامه همه جانبه‌تر و به نوعی شورایی نگاشته می‌شد و از سوی دیگر انطباق آن با واقعیت و تضمین موفقیت آن بالا می‌رفت.

۶ـ رئوس کار سیاست‌های اقتصادی برنامه سوم افزایش قیمت‌ها و حذف یارانه‌هاست و حاصل اجرای آنهاتضعیف پول ملی و افزایش قیمت ارز خواهد بود. لازم به یادآوری است، تضعیف پول ملی، کاستن از قدرت خرید عمومی را در پی دارد که حاصل آن در عرصهٔ اجتماعی چیزی جز شدت یافتن روند طبقاتی شدن جامعه وکوچک شدن بیشتر طبقه متوسط نخواهد بود. همچنین تغییر قیمت ارز برای دولت به طور تصاعد عددی عمل خواهد گذاشت و در زندگی مردم، به صورت تصاعد هندسی اثر خواهد کرد واز این رو با توجه به اثربخشی همه جانبه این سیاستها، چه در عرصه ملت و چه در عرصه دولت، لازم است بررسی‌ها ومطالعات بیشتری در مورد اتخاذ و اجرای آنها صورت گیرد.

۷ـ تأکید ما بر این است که بایستی برنامه درجهت کاستن از هزینه‌های بخش دولتی باشد نه در جهت کوچک کردن دستگاه دیوان سالار، زیر آن گونه که از برنامه بر می‌آید، بودجه عمومی و هزینه دولت همچنان در حال افزایش خواهد بود و در این صورت با نیروی کمتر، دولت چگونه خواهد توانست خدمات بهتری ارائه دهد؟ این درحالی است که جز در بخش درمان در سایر بخشها فاقد نیروی متخصص کافی هستیم. پس لازم است تئوری معقول‌سازی هزینه به جای تعدیل نیروی انسانی به کار گرفته شود. چرا که گمان می‌کنیم تعدیل ۵ درصدی نیروی انسانی چندان در هزینه‌های دولتی مؤثر نباشد، بلکه خود هزینه بیکاران جدید را به دوش جامعه خواهد انداخت. از این رو، دولت برای کاستن از هزینه‌ها به عنوان یک عامل مؤثر در جامعه، صرفه جویی ملی را از خود آغاز کند.

۸ـ تکافوی اعتبار ۲۲ هزار میلیارد ریالی با وجود اینکه هزینه ایجاد هر شغل، حتی در بخش خدمات ۲۰ میلیون ریال است، به منظور اشتغال‌زایی برای حجم زیاد متقاضیان چند میلیونی، بعید به نظر می‌رسد. علیرغم شعار کارگاههای کوچک به عنوان زیربنای اشتغال، در لایحه فوق حمایت کافی از گسترش این صنایع نشده است.

ما ضمن حمایت از پیشنهاد دولت در ارائه تخفیفات به کارفرمایان و کارآفرین، افزودن

مباحث بیمه بیکاری و صندوق حمایت از جوانان بیکار را نیز لازم می‌دانیم و در جهت گسترش آموزشهای فنی و حرفه‌ای متناسب با سیل عظیم جویای کار فاقد مهارت، نیز سرمایه‌گذاریهای دولتی بیشتری لازم به پیش‌بینی است.

۹ـ برای حاکم کردن روح اقتصاد بدون نفت در لایحه برنامه سوم که آرزوی دیرین مردان بزرگ این کشور از دکتر مصدق گرفته تا امام کبیرمان و نیز مقام رهبری بوده است و به واقع نیاز اساسی این کشور برای ادامه حیات سربلند در دراز مدت است، به نظر ما راهکارهای ارائه شده در برنامه کافی نبوده و در مطالعه رشد تولیدناخالص ملی عامل مؤثر نفت کماکان لحاظ شده است.

۱۰ـ در بخش تنظیم انحصارات نیز، دولت علاوه بر مالکیت، در حال واگذاری حاکمیت به بخش خصوصی است که مطمئناً چیزی جز تضعیف حاکمیت دولت و اعمال نظارتهای آن نخواهد بود. همچنین واگذاری حاکمیت در واقع اقدامی علیه امنیت سرمایه است که با سایر رویکردهای دولت در تناقض صریح است. به نظر می‌رسد دید دولت در مورد تمامی انحصارات دید جامع و کاملی نیست و دولت خود را جدای از ملت و مملکت در نظر گرفته و از رسالت خود در تأمین رفاه عمومی و امنیت سرباززده وهمت خود را معطوف به حفظ چند دیوان سالار و بوروکرات کرده است با توجه به این امر که حاکمیت و منافع ملی در دست دولت و قوای حاکم بر کشور می‌باشد، هرگونه تصمیم و اقدامی از طرف آنان که به تضعیف و ایراد خدشه به حاکمیت و منافع ملی منتهی گردد، عملی است بر ضد مصالح نظام و خلاف امانتداری محسوب می‌شود.

۱۱ـ نگرش ما به تعرفه‌های گمرکی به عنوان منبع درآمد صرف نیست، بلکه آن را بخشی از ابزار حمایتی می‌دانیم که اعمال آنها در کوتاه مدت، با توجه به وضع رکودی صنایع غیرقابل رقابت ما، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، تا در بلندمدت با حمایت صحیح و مستمر بتوان به تدریج پس از حذف تعرفه‌ها، زمینه لازم برای حضور در بازارهای بین‌المللی را ایجاد کرد. پس بدون ایجاد زمینه لازم و پیش‌شرط‌های دیگر، حرکت شتاب زده آنگونه که در لایحه فوق لحاظ شده است یعنی حذف و یا کاهش سریع تعرفه‌های

گمرکی بدون سعی در ایجاد تعصب صنعتی نسبت به تولید داخلی در جامعه، با هدف پیوستن به سازمان تجارت جهانی (W-T-O) نتیجه‌ای جز تاراج منابع داخلی، ورشکستگی بیشتر صنایع داخلی و مضرات دیگر، در برنخواهد داشت.

۱۲ـ تولید اساس نجات کشور ماست، اما متأسفانه نه در بخش بخشی و نه در بخش فرابخشی هیچ مبحثی به تولید اختصاص داده نشده است، چه رسد به ایجاد زمینه‌های حمایتی و تشویقی دولت از تولید ملی که به واقع حرکت به سمت ایجاد اشتغال جز با توجه جدی به مبحث تولید، آنها هم تنها با تصویب اعتبار، امکان‌پذیر نخواهد بود."

حزب اسلامی کار در بیانیه‌ای با عنوان حقوق مدنی جنبش کارگری نگرانی‌ها ودغدغه‌های خود را در خصوص وضعیت و حقوق تولیدکنندگان وکارگران یا قشر مولد جامعه را چنین بیان می‌کند [1]:

الف ـ صنعت بدون متولی:

علی رغم آنکه قانون اساسی در اصول ۴۳ و ۴۴ به صراحت مرزهای مالکیت و حدود بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی را روشن کرده و ابهامات اندکی را در این زمینه باقی گذارده است، متأسفانه شاهد آن هستیم که دور جدیدی از «رهاسازی» به نام «خصوصی‌سازی» اقتصادی در قالب واگذاری بخشهای مهمی از مراکز صنعتی کشور به این بخش اغاز شده است. این امر در حال حاضر نه دولت، نه بخش خصوصی و نه هیچ ارگان و سازمان دیگری را در قبال ضرورت‌های حیاتی، بخش صنعتی، از جمله ساماندهی، اشتغال و مطالبات کارگری در مقام پاسخگو نمی‌نشاند. این بخش در حال حاضر از نبود یک متولی مسئول و پاسخگو رنج می‌برد. بدیهی است که ادامه چنین وضعیتی دم به دم بر حجم مشکلات کارخانجات و نیروهای شاغل و غیرشاغل می‌افزاید و مشکلاتی نظیر کمبود نقدینگی، عدم ثبات در سیاست‌های صادراتی و مالیاتی، تعدیل بی‌برنامه نیروی کار وغیره را از پیچیدگی بیشتری برخوردار می‌سازد.

ما در عین حال که قبول داریم مدیریت دولتی واحدهای صنعتی و تولیدی آسان نیست

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۹۰.

و ممکن است مسائل خاصی را هم دامنگیر آنها سازد، معتقدیم که تجربه‌های شکست خورده مدیریت‌های خصوصی در دهه اخیر نشان می‌دهد که ریشه مشکلات را علاوه بر نوع مدیریت آنها باید در زنجیره‌ای از مشکلات به هم فشرده جستجو کرد که برون رفت از آنها به سادگی رهاسازی آنها نیست.

از این رو حزب اسلامی کار ضمن تأیید ضرورت اصلاح دائمی ساختارهای نامناسب اقتصادی، توجه بیشتر و ضروری مسؤلان را به قانون اساسی و حدود آن طلب می‌کند، تا خدای ناکرده راهی برای فربه شدن روز افزون مستکبران و ضعیف شدن مستضعفان نشود.

ب ـ تأمین اجتماعی، بازنشستگی پیش از موعد و بیمه بیکاری را نمی‌توان نادیده گرفت:

مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی حقی است همگانی و دولت موظف و مکلف است که آن را برای یکایک افرادکشور تأمین کند. بدیهی است که تأمین این حق همگانی و سایر حقوق ناشی از شهروندی همچون بازنشستگی به موقع و برخورداری از بیمه به هنگام بیکار شدن اجباری را نمی‌توان و نباید جزء هزینه‌های دولت دانست و از آن سرباز زد.

این مسائل به صورتی تنگاتنگ و روشن با موضوع فراگیر شهروندی پیوند داردو همانگونه که تهدید امنیت سرمایه‌های مشروع می‌تواند به زیانهای غیرقابل‌پیش‌بینی بیانجامد، تهدید امنیت نیروی کار به هر شکل وهر اندازه در فرآیندهای تولید اثر منفی می‌گذارد.

تعرض به دستاوردهای طبقه مولد جامعه به عنوان یک رکن ضروری می‌تواند هر روز تعداد بیشتری ازتولیدکنندگان را دچار آسیب‌های جدی سازد و در نهایت نه تنها به ضرورت‌های اقتصادی در شرایط‌جدید پاسخ ندهد که با انبوه‌تر شدن لشکر بیکاران و یا شاغلان بدون امنیت، امنیت روانی کل جامعه را از ضریب اطمینان بسیار کمتری برخوردار سازد.

از این رو حزب اسلامی کار در این خصوص اعتقاد دارد که کاستن از ضخامت پوششهای تأمین اجتماعی، مسکوت نگاه داشتن طرح بازنشستگی پیش از موعد و

کم‌توجهی به بیمه بیکاری می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را متراکم و سخت‌تر کند. ما پیشنهاد می‌کنیم که اندیشه «خصوصی‌سازی به قیمت نادیده گرفتن دستاوردهای طبقات مولد» به فراموشی سپرده شود و هرگونه امنیت برای سرمایه‌های مشروع، ملازم با پرداختن عادلانه به حریم امنیت شغلی و پیامدهای اشتغال و یا عدم اشتغال دانسته شود.

تردیدی نیست که نیروهای مولد جامعه ورهبران آنها همواره آماده خواهند بود که ضرورت‌های واقعی نوسازی و اصلاح ساختارهای اقتصادی را در نظر بگیرند واز طرح مطالبات غیرممکن اجتناب نمایند.

پ ـ برگزاری اجتماعات صنفی ـ سیاسی حق کارگران است:

اجتماعات صنفی وحتی سیاسی نیروهای مولد را اساساً باید بخشی از حقوق آنها دانست که متأسفانه در برخی از کشورهای جهان از آنها دریغ می‌شود. روشن است که این حق به نیروهای صنفی وحتی سیاسی پیوسته به طبقات مولد اجازه می‌دهد سخنان خود را بهتر و بیشتر به گوش مخاطبان برسانند و اگر چه محتمل است که در برخی موارد هم مورد سوء استفاده قرار گیرد، اما اساساً حقی قانونی و مشروع است ولازم است که به آن احترام گذارده شود.

"با این همه حزب اسلامی کار مصرانه می‌خواهد تا حق اجتماعات وحتی اعتصابات حرفه‌ای به رسمیت شناخته شود تا نیروهای مولد و سازمان دهندگان آنها بتوانند در مواقع مقتضی در جهت دفاع از حقوق و مطالبات قانونی خود از آن سود جویند. ما اطمینان داریم که درصورت برخورداری کشور از قوانین لازم در خصوص اجتماعات واعتصابات حرفه‌ای، بهتر می‌توان از حقوق طبقات مولد در مسیر جامعه مدنی دفاع نمود."

در اسفندماه سال ۱۳۷۸ در پی بررسی طرح خروج کارگاههای دارای پنج نفر کارگر و کمتر از شمول قانون کار وتصویب آن با اکثریت ضعیف آراء نمایندگان، اعتراضات وسیع جامعه کارگری برای لغو این قانون آغاز شد. حزب اسلامی کار در بیانیه‌ای این طرح را محکوم و خواستار عدم تصویب آن شد، در قسمتی از این بیانیه آمده است[۱]:

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۹۹.

"عدول از واجبات به بهانه انجام مستحبات در تصویب اینگونه قوانین ما را به برده‌داری هدایت خواهد نمود. این چه معنایی دارد که بر سرعده‌ای هرچه می‌خواهیم بیاوریم و در نهایت لقمه‌ای نان در دامنشان بیافکنیم؟ می‌گویند اشتغال ایجاد می‌کند، اشتغال بدون ضابطه یعنی چه؟ آیا این غیر از نظام بردگی است؟ کارگر نیاز به ترحم ندارد، نیاز به قانون دارد. ما این بی‌قانونی راحتی اگر اشتغال‌زا باشد که اینگونه نیست نمی‌خواهیم، چرا که تداعی کننده عصر حجر است و ما را انگشت نمای جهانیان قرار خواهد داد. حزب اسلامی کار ضمن مردود دانستن این قبیل بی‌قانونی‌ها و محکوم نمودن طرح‌هایی از این دست مطرح کنندگان این طرح را به عبرت گرفتن از تاریخ دعوت می‌نماید."

مواضع فرهنگی:

همزمان با دوران اصلاحات ساختاری دولت خاتمی اصلاحات فرهنگی نیز شروع شد اما به نسبت اصلاحات در سایر زمینه‌ها، اصلاحات فرهنگی محسوس‌تر واز بروز بیشتری برخوردار شد. حزب اسلامی کار چون دیگر احزاب ائتلاف جبهه دوم خرداد با تمام توان از اصلاحات فرهنگی دولت آقای خاتمی علی‌الخصوص درعرصه سیاستهای مطبوعاتی حمایت کرده است. حزب اسلامی کار در بیانیه‌ای که در پشتیبانی از سیاست‌های فرهنگی دولت خاتمی منتشر کرده است نظرات فرهنگی خود را چنین بیان می‌کند[1]:

"حزب اسلامی کار معتقد است که مجلس شورای اسلامی می‌بایست نظارت خویش را بر متولیان فرهنگ اسلامی، از جمله سازمان صدا و سیما و سازمان تبلیغات اسلامی گسترش دهد و در این عرصه با پشتیبانی از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گامهای اساسی را در جهت تحقق برنامه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و در رأس آن دولت برگزیده مردم بردارد.

ما معتقدیم فراخوانی کلیه مبادی ذی‌ربط به بحث و تبادل‌نظر ونظرخواهی از تمام صاحبان اندیشه پیرامون عرصه عریض و طویل فرهنگ، تنها روشی است که می‌تواند ما را

---

۱. همان، ص ۳۷.

به سمتی سوق دهد که توسعه فرهنگی را در جامعه مدنی که آرزوی هر ایرانی است به ارمغان آوریم."

این حزب همچنین در آستانه طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس شورای اسلامی در خردادماه سال ۱۳۷۸ نسبت به این طرح موضع‌گیری نموده واز تحدید مطبوعات انتقاد کرده است، در بیانیه‌ای که در همین رابطه توسط این حزب منتشر شده است می‌خوانیم[۱]:

"خوشبختانه در دوساله اخیر مطبوعات ایران به یمن فضای باز پس از دوم خرداد توانسته‌اند تا حدود زیادی به جایگاه واقعی خود به عنوان منعکس کننده خواست و اراده عمومی مردم نزدیک شوند، اما متأسفانه مجادلات سیاسی تحمیلی مانع از آن شد که رشد محتوایی مطبوعات آن طور که باید و شاید نمود پیدا کند.

بی‌تردید محدودیت‌های ناشی ازتغییر قانون مطبوعات باعث آن خواهد شد که این «نگفتن‌ها» و این «دیده بر حقایق پوشیدن‌ها» گسترش یابد و مردم ایران که اکنون در فقدان وجود احزاب و نهادهای مستقل و قدرتمند مدنی، ابزاری جز مطبوعات برای بیان خواسته‌ها و مطالبه حقوق خویش ندارند، با تعدیل مطبوعات، روی از درون برخواهند تافت و به بیرون، آنجا که رسانه‌های بیگانه «نوای آزادی»(!) سر می‌دهند، تمایل خواهند یافت."

"حزب اسلامی کار بر مبنای چنین تحلیلی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی می‌خواهد تا همانگونه که در طرح استیضاح وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز مسکوت گذاردن طرح به اصطلاح «اصلاح قانون کار» هوشیاری و استقلال خویش را نشان دادند، با نگرش آزادمنشانه و عملکردی آگاهانه نگذارند که روند پویایی مطبوعاتی محدودتر شود و قدرتمندان جهانی مستند تازه‌ای برای اثبات نقض حقوق بشر در ایران بیابند. ما فکر می‌کنیم قانون فعلی مطبوعات کارآمدی خود را در دوران جنگ تحمیلی و نیز در دوران سازندگی به اثبات رسانده است و باهیچ منطقی نمی‌توانیم خاستگاهی جز منویات جناحی برای طرح ارائه شده بیابیم.

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۴۸.

حزب اسلامی کار همچنین امیدوار است که نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، نه تنها به تحدید بیشتر مطبوعات رأی مثبت ندهند، بلکه طرح اصلاح واقعی قانون مطبوعات را مبتنی بر گسترش آزادی‌های مطبوعاتی و افزایش امنیت شغلی روزنامه نگاران تهیه و ارائه کنند.

سخن ما اینست: "دوران تثبیت نظام جمهوری اسلامی و زمانه تمرین مردمسالاری و حرکت به سوی جامعه مدنی، قانون مطبوعاتی را می‌طلبد که از آنچه امروز داریم بسی آزادمنشانه‌تر، روشن‌تر و بانگاهی فاقد هرگونه بدبینی به مقوله ارتباطات وروزنامه نگاری نگریسته باشد."

همزمان با ارائه طرح تغییر قانون مطبوعات به مجلس پنجم که اکثریت آن را نمایندگان جناح راست تشکیل می‌دادند دوازده تشکل سیاسی از جمله حزب اسلامی کار طی بیانیه‌ای تحدید بیشتر آزادی مطبوعات را مورد نکوهش قرار دادند. در قسمتی از این بیانیه آمده است[1]:

"جای سوال باقی است که محدود کردن آزادی‌ها و ایجادنوعی انسداد فرهنگی و سیاسی، به راستی چه مشکلی از مشکلات ما را حل خواهد کرد؟ آیا با پاک کردن صورت مسئله می‌خواهیم اصل وجود آن را انکار کنیم؟ شک نیست که اعمالی مانند محدود کردن آزادی‌های مطبوعاتی و یا تعطیل کردن نشریات به شیوه‌ای که اخیراً متداول شده، نه تنها گره‌ای از مشکلات جامعه ما را نخواهد گشود، بلکه اعتراضاتی راکه می‌توانست درمجاری قانونی و منطقی جریان یابد، به کانال‌ها وشیوه‌های نامتعارف وغیرقانونی هدایت خواهد نمود که در نهایت جلوگیری از بحران سازی این خواسته‌های مسکوت مانده اگر ناممکن نباشد، قطعاً هزینه‌های گزاف سیاسی ـ اجتماعی را بر کشور و مردم تحمیل خواهد نمود."

در بیانیه‌ای دیگر بمناسبت توقیف همزمان ۱۵ نشریه در اردیبهشت ۱۳۷۹ این حزب مواضع خود را چنین بیان می‌کند:

"آنچه در مطبوعات اصلاح طلب پیرو خط امام منتشر می‌شد ـ هرچه بود ـ

---

۱. ۴۳۶ روز با اصلاحات، ص ۷۷.

مسالمت‌جویانه و در قالب گفتمانی اصلاح‌طلبانه بود. مطبوعات اصلاح‌طلب ـ هرچه بودند ـ مجرای انتقال مطالب اجتماعی به مردان عرصه سیاست ونیز ابزاری برای اطلاع رسانی وآگاهی بخشی به مردم بودند. روشن است که از میان بردن این مجرا تا چه حد، اقدامی نابخردانه است."

ابوالقاسم سرحدی‌زاده در مورد مسائل فرهنگی چنین نظر می‌دهد[1]:

"مسائل فرهنگی جوانان و گسترش کجروی‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری آنان نگران کننده است. این که نسل جوان پرورش یافته در دامان نظام جمهوری اسلامی به جای گرایش به فرهنگ اسلام و انقلاب راه انحطاط و تأثیرپذیری از فرهنگهای بیگانه را پیش گرفته است جداً باعث تأسف است."

مسئله جوانان:

"برخوردهای تند و ناهنجار با جوانان باعث کاهش علایق آنان به فعالیت سیاسی و دلسردی و گرایش آنان به انحطاط و ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود."

برخورد با فرهنگ:

"ما نباید بگذاریم مجرای فرهنگ‌های صحیح واندیشه را بخواهند با ضرب گلوله باز کنند زیرا چنین اندیشه‌ای، بسیار خطرناک است."

برخورد با مطبوعات:

"به هیچ وجه ما نمی‌توانیم باخشونت برخورد کنیم. مسائل فرهنگی حربه‌های خاص خودش را دارد. اگر فرضاً ادعا می‌شود که مطبوعات ما از آزادی سوءاستفاده کردند، خوب دیگران هم مطبوعاتی دارند و در اختیارشان هست، آنها بیایند حسن استفاده را بکنند. اینکه بیایند و چماق خشونت را بردارند و بکوبند بر سر مطبوعات اصلاً معنایی ندارد. مطبوعات را باید با مطبوعات جواب داد. نوشتار را بانوشتار پاسخ می‌دهند، گفتار را با گفتار پاسخ می‌دهند."

---

۱. انتخاب، ۶ و ۵ و ۷۸/۱۱/۴.

حزب همبستگی ایران اسلامی

نام کامل: حزب همبستگی ایران اسلامی

نام دبیر کل: محمدرضا راه چمنی

رئیس کمیته سیاسی: قربانعلی قندهاری، رئیس کمیته اقتصادی: محمد رضا خباز، رئیس کمیته فرهنگی ـ اجتماعی: منوچهر بهنیا، رئیس کمیته هماهنگی استانها: محمود قنبری، رئیس کمیته مالی و پشتیبانی: حسین عسگری

اعضای فعال: محمدرضا راه چمنی، الیاس حضرتی، قربانعلی قندهاری، محمدرضا خباز، سیدولی اله توکلی، غلام حیدر ابراهیمبای سلامی، علی اصغر احمدی، مرحوم قدرت اله نظری‌نیا، سیدمحمد میرلوحی، غلامرضا انصاری، ابراهیم اصغرزاده، علی صالح‌آبادی، مرضیه حدیدچی دباغ، محمدتقی‌خانی، مجتبی موسوی اجاق، کریم ملک‌آسا، منوچهر بهنیا، علی محمد مصلحی، شهربانو امامی، محسن نریمان، علی سهرابی، عبدالله کعبی، محمدرضا بهمنی، سیدعلی موسوی، جعفر گلباز، فریدون سلیمی نیا، پرویز تیمورنژاد، وجیه‌اله خدمتگزار، کوروش فولادی، حسن الماسی، غلامرضا عبدالوند، ماشاءالله حیدرزاده، علی اصغر احمدی، محمدرضا علی حسینی، سیدمعروف صمدی،

عزت‌الله نوری، میرزا ابوطالبی.

تذکر: ۱۱ نفر اول عضو شورای مرکزی حزب همبستگی هستند.

مرامنامه:

الف ـ بنیان فکری و اعتقادی:

۱ـ توحید، خدامحوری و ایمان به وحدانیت و حاکمیت لایزال خداوند بر جهان هستی.

۲ـ اعتقاد به رسالت انبیاء الهی و دین مبین اسلام به عنوان جامع‌ترین مکتب سازنده ورهایی بخش الهی در هدایت و رستگاری بشر.

۳ـ اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مظهر تجلی اندیشه‌های امام خمینی و سند میثاق ملی.

۴ـ اعتقاد به استمرار حکومت اسلامی واحترام به اجتهاد و نواندیشی دینی.

۵ـ اعتقاد به تفکیک‌ناپذیری دو اصل اسلامیت و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران.

۶ـ اعتقاد به حق حاکمیت و مشارکت مردم در اداره کشور و تجلی مردم‌باوری و مردمسالاری.

۷ـ اعتقاد به کرامت و شرافت انسانی و گسترش فضائل اخلاقی در جامعه.

۸ـ پایبندی به حقوق عمومی و منافع ملی و گسترش عدالت اجتماعی.

ب ـ اهداف و آرمانها:

تلاش برای تحقق اهداف زیر:

۱ـ حفظ استقلال، تمامیت ارضی، دستاوردهای انقلاب اسلامی و ارزشهای آن.

۲ـ اعتلای بینش سیاسی، فرهنگی وارتقاء سطح آگاهیهای افرادجامعه.

۳ـ تأمین وتوسعه امنیت، رفاه و آزادیهای قانونی افراد جامعه.

۴ـ حفظ حرمت انسان وامنیت اندیشه درجامعه.

۵ـ حفظ حقوق عمومی و منافع ملی کشور.

۶ـ ایجاد و گسترش فضای سالم سیاسی در کشور.

۷ـ ایجاد توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار و گسترش عدالت اجتماعی.

۸ـ حاکمیت قانون و قانونمداری وایجاد جامعه عاری از تبعیض و خشونت و انحصار.

۹ـ گسترش مشارکت سیاسی و مردمسالاری در اداره کشور.

۱۰ـ افزایش زمینه‌های تحمل‌پذیری سلایق و گرایشهای مختلف سیاسی در جامعه.

۱۱ـ تشنج زدائی و گسترش روابط بین‌المللی و منطقه ای براساس منافع ملی و باتکیه بر اصول عزت، حکمت و مصلحت.

۱۲ـ اصلاح امور کشور و افزایش فرهنگ نقادی در جامعه.

۱۳ـ افزایش همبستگی ملی، توسعه و تقویت نهادهای مدنی در جامعه.

۱۴ـ گسترش فرهنگ شایسته سالاری و خردورزی و جوان گرائی در اداره کشور.

۱۵ـ تربیت مدیریت‌های سیاسی ـ اجتماعی موردنیاز کشور.

ج ـ خط مشی:

۱ـ نقد و بررسی سیاستها، برنامه‌ها وعملکردهای دستگاههای مختلف وارائه راهکارهای اصلاحی.

۲ـ انجام فعالیتهای مختلف سیاسی و حضور فعالانه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کشور و اعلام مواضع لازم نسبت به آنها.

۳ـ تدوین راهکارهای مناسب و استفاده از ابزارهای قانونی لازم جهت تأمین و توسعه امنیت آزادیهای قانونی وافکار عمومی جامعه.

۴ـ تربیت مدیریت‌های سیاسی ـ اجتماعی شایسته و کارآمد از طریق شناسایی، جذب وساماندهی نیروهای مسلمان و معتقد به مرامنامه و اساسنامه حزب.

۵ـ دفاع از حقوق قانونی و شرعی همه افراد جامعه وپیگیری مطالبات مشروع و قانونی شهروندان کشور.

۶ـ کمک به توسعه فضای سالم سیاسی با به کارگیری راهکارهای مناسب و تقویت و توسعه نمادهای مدنی و مطبوعات مستقل در کشور.

۷ـ کمک به حل مشکلات جامعه از طریق ارائه پیشنهادات و طرحهای مناسب به

دستگاههای ذی‌ربط.

۸ـ تشویق و ترغیب مردم به مشارکت سیاسی در اداره کشور.

۹ـ تشویق و ترغیب همه نیروهای مسلمان درون نظام به حفظ وحدت و همبستگی برپایه مشترکات موجود.

۱۰ـ دفاع از اجرای کامل قانون اساسی و حاکمیت قانون و قانون‌گرائی و مخالفت با انجام هرگونه اعمال غیر قانونی در کشور.

۱۱ـ توجه به عقلانیت و منطق‌گرائی در تصمیم گیریها و تصمیم‌سازی‌های حکومتی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در نگرشها و رفتارهای اجتماعی.

۱۲ـ حمایت از سیاستها و برنامه‌های تأمین‌کننده رفاه و آسایش عموم افراد جامعه.

۱۳ـ حمایت همه جانبه از سیاست‌ها و برنامه هایی که با رعایت اصول عزت، حکمت و مصلحت در جهت گسترش روابط بین‌المللی و منطقه‌ای و تشنج‌زدائی است.

۱۴ـ همکاری با احزاب، انجمن‌ها و دیگر تشکلهای اسلامی و قانونی برمبنای احترام به گرایش و سوابق متقابل.

د ـ مرامنامه این حزب مشتمل بر سه بخش منفک از هم و به شرح فوق در جلسه مورخ ۷۶/۱۰/۲۷ کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و جمعیتها به تصویب رسیده و هر گونه تغییر در مفاد آن قبلاً باید به کمیسیون ماده ۱۰ مذکور اعلام تا نسبت به موضوع رسیدگی و اعلام نظر نماید و زمانی تغییرات قابل اجرا خواهد بود که به تصویب کمیسیون مذکور رسیده باشد.

تاریخچه تشکیل:

پس از انتخابات مجلس پنجم که به پیروزی نسبی جناح راست در کسب اکثر کرسی‌های مجلس منجر شد، بودند عده‌ای از عناصر جناح چپ و منتسبین به حزب کارگزاران سازندگی که توانسته بودند به مجلس راه یابند، این دو دسته اخیر از نیروهای سیاسی اگرچه دارای اختلاف در دیدگاهها و خط مشی‌ها بودند اما به اقتضای موقعیت

زمانی و تقابل با جناح راست که اینک اکثریت مجلس را در اختیار داشت ناچار به ائتلاف شدند و مجمع حزب الله مجلس را تشکیل دادند و مجید انصاری از اعضای مرکزی مجمع روحانیون مبارز وکاندید مشترک مجمع روحانیون و جمعی از کارگزاران سازندگی را به ریاست آن مجمع (حزب الله) برگزیدند. با آنکه در انتخابات مجلس پنجم مجمع روحانیون مبارز کاندیدا معرفی نکرده بود، اما برخی از افراد با دیدگاههای چپ که با مجمع روحانیون رابطه تشکیلاتی نداشتند واردمجلس شدندو درائتلاف مجمع حزب الله حضور فعال داشتند. برخی از این نمایندگان به دلیل حسن انجام وظیفه دو یا چند دوره متوالی از شهرستان حوزه انتخابیه خود انتخاب شده بودند و روابط کاری قدیمی ونسبتاً گسترده‌ای با هم داشتند. این گروه از نمایندگان به همراه برخی از نیروهای اجرایی دولت در خارج از مجلس پس از دوم خرداد اولین حزب جامعه مدنی یعنی حزب همبستگی ایران اسلامی را پایه‌گذاری کردند. با پایان یافتن دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و آغاز رقابت‌های انتخاباتی و اوج‌گیری و رشد فزآینده بینش سیاسی مردم و برآیند آن یعنی رأی اعتماد مردم به برنامه‌های سیدمحمد خاتمی که اولین آن توسعه سیاسی بود، رفته رفته فضایی ایجاد شد که عناصر کهنه کار سیاسی که در درون نظام به فعالیت سیاسی مشغول بودند با سازماندهی و تشکل جدید از نیروهای همفکر وارد عرصه سیاسی کشور شدند پس از پیروزی قاطع سیدمحمد خاتمی فقط به فاصله چند روز از دوم خرداد ۱۳۷۶ و در چنین فضایی اولین تشکل حزبی جامعه مدنی ایران یعنی حزب همبستگی ایران اسلامی از سوی عده‌ای از نمایندگان مجلس چنانکه قبلاً توصیف شد تشکیل گردید و در تاریخ ۷۶/۱۰/۲۷ مجوز فعالیت آن به تصویب وزارت کشور رسید و بالاخره در تاریخ ۷۷/۴/۲۰ پروانه فعالیت این حزب از سوی وزارت کشور صادر گردید. پس از تشکیل، این گروه محور اصلی فعالیت خود را دفاع از دستاوردهای دوم خرداد وحمایت از برنامه‌های رئیس جمهور اعلام کرد و همواره بر آن تأکید داشت که البته باتوجه به آنکه حامیان رئیس جمهور خاتمی در مجلس پنجم در اقلیت بودند حضور مؤثر این حزب درمجلس باعث تعادل نسبی در تصمیم‌گیریها و موضع‌گیری‌های آن نسبت به دولت شده بود. در انتخابات مجلس

ششم نیز بسیاری از اعضای شورای مرکزی وشورای عالی این حزب دوباره به مجلس راه یـافتند. ایـن حـزب هـمواره جـزء احـزاب و تشکـل‌های جـبهه دوم خـرداد یـانیروهای اصلاح‌طلب بوده است و بعضاً بیانیه‌های صادر شده از سوی این جبهه را تأیید و امضاء نموده است.

گرایش سیاسی:

با توجه به جمیع موضع‌گیریها و پیشنیه سیاسی اعضای شورای مرکزی و شورای عالی این حزب می‌توان این حزب را دارای گرایش سیاسی چپ میانه‌رو و معتدل ارزیابی کرد. از لحاظ اقتصادی نیز این حزب بیشتر به یک اقتصاد نیمه‌دولتی و نیمه سوسیالیستی اعتقاد دارد. قربانعلی قندهاری[1] رئیس کمیته سیاسی حزب همبستگی مـی‌گوید: "شـعار حـزب همبستگی شعار اعتدال منطقی است." این حزب جزء ائتلاف نیروهای اصلاح‌طلب یا جبهه دوم خردادمی باشد، اما همواره از شعارهای تند وافراطی برخی از نیروهای اصلاح‌طلب که قائل به تسریع و شتاب در اصلاحات و ایجاد اصلاحات بنیانی می‌باشند فاصله گرفته و حتی از آنها انتقاد نموده است. البته تا حدودی می‌توان این حزب را در طیف چپ هم ردیف با حزب اسلامی کار از لحاظ خط مشی و مواضع سیاسی اعتدالی آن ارزیابی نمود.

تشکیلات و نشریات:

از آنجایی که این حزب متشکل از نیروهای سیاسی منصوب در پستهای دولتـی و نمایندگان مجلس می‌باشد و به طور کلی حزبی است که از طرف بالا به پائین هرم قدرت شکل گرفته است بنابراین هنوز در میان مردم آنچنان شناخته شـده واز لحـاظ تشکـیلاتی فراگیر نیست. از طرفی به دلیل نوپا بودن حزب وعـدم تـدوین کـامل مـواضـع سـیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، این حزب مانند اکثر تشکلهای سیاسی موجود تا کنون به فراخوانی و دعوت عام برای پذیرش هوادار اقدام نکرده و بیشتر فعالیت خود را در مـرکز

---

۱. انتخاب، ۱۱ و ۷۸/۱۰/۱۰.

کشور و مراکز چند استان متمرکز کرده است. این حزب روزنامه ای با نام «همبستگی» به سردبیری غلام حیدر ابراهیمبای سلامی منتشر می‌کند که در آن مواضع این حزب منعکس می‌شود و به عنوان ارگان رسمی این حزب مطرح است.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

خاستگاه این حزب مجلس شورای اسلامی و نمایندگان شهرستانهای مختلف بجز تهران و علی‌الخصوص نمایندگان استان خراسان بوده است. برخی دیگر از اعضای شورای عالی و هیئت مؤسس این حزب از میان مدیران ارشد سازمانهای دولتی در شهرستانهای مختلف به جز تهران می‌باشند که به گونه‌ای رابطه کاری ویا همفکری با دیگر اعضای حزب داشته‌اند. همچنین رؤسا و معاونین چند وزارتخانه و سازمان دولتی نیز عضو فعال این حزب می‌باشند. طبقات اجتماعی عمده‌ای که ممکن است در آینده گرایش خاصی به این حزب نشان دهند کارمندان و کارکنان بخش دولتی اعم از کارمندان ارشد و میانی این بخشها، جوانان و قشر تحصیل کرده با گرایش سیاسی میانه‌رو و معتدل و علاقه‌مند به مسائل سیاسی و اقشار متوسط مردم می‌باشند. از آنجا که به نظر می‌رسد افراط و تفریطهای کنونی در صحنه سیاسی کشور باعث رویگردانی مردم از برخی احزاب تندرو شود، این حزب احتمالاً در آینده بتواند نیروهای بیشتری از علاقمندان به امور سیاسی را به دلیل مشی معتدل خود جذب کند.

نام و سمت قبلی و فعلی یازده‌تن از اعضای مؤسس این حزب به شرح زیر است: محمدرضا راه چمنی نماینده مردم سبزوار، قربانعلی قندهاری نماینده مردم گرگان، قدرت‌الله نظری‌نیا نماینده مردم کنگاور، غلام‌حیدر ابراهیمبای سلامی نماینده مردم خواف ورشتخوار، غلامرضا انصاری رئیس سازمان بهزیستی کشور و معاون وزیر بهداشت و درمان، ولی‌الله توکلی نماینده مردم اردستان، الیاس حضرتی نماینده مردم رشت و تهران، محمدرضا خباز نماینده مردم کاشمر، سیدمحمد هاشمی نماینده مردم سیرجان، محمود میرلوحی استاندار آذربایجان غربی و علی‌اصغر احمدی نماینده مردم شاهرود.

همچنین برخی از اعضای شورای عالی حزب نیز که دارای سمتهای دولتی هستند به شرح ذیل است:

محمد تقی خانی رئیس سازمان انتقال خون ایران، ابراهیم اصغرزاده عضو شورای شهر تهران، علی صالح‌آبادی مشاور وزیر مسکن و شهرسازی، میرزا ابوطالبی معاونت وزارت مسکن و شهرسازی، محسن نریمان مدیر عامل شرکت آب وفاضلاب استان تهران، شهربانو امامی نماینده مردم ارومیه، مجتبی موسوی اجاق نماینده مردم کرمانشاه، کریم ملک آسا معاونت شرکت دخانیات، علی محمدمصلحی، معاون اداره کل آموزش و پرورش، منوچهر بهنیا، محمدرضا علی حسین، فریدون سلیمی‌نیا، سید معروف صمدی، عزت‌الله نوری، علی‌اصغر احمدی، حسین عسگری، علی سهرابی، عبدالله کعبی، محمدرضا بهمنی، جعفر گلباز، کوروش فولادی، غلامرضا عبدالوند، مرضیه حدیدچی دباغ، ماشاءالله حیدرزاده، همگی از نمایندگان مجلس.

مواضع سیاسی:

بسیاری از مواضع سیاسی این گروه را می‌توان در شعارهای مطرح شده در انتخابات دوم خرداد و ائتلاف نیروهای جبهه دوم خرداد جستجو کرد.

برخی از دیدگاههای محمدرضا راه چمنی[1] دبیر کل حزب همبستگی ایران اسلامی و نماینده چهار دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه سبزوار در موردمسائل سیاسی روز کشور را در زیر می‌خوانیم:

ضرورت احترام به آراء مردم:

"معمولاً درنظامهای مردمسالار (دموکراسی) حرف آخر را مردم می‌زنند یعنی رأی مردم، حرف نهایی در انتخابات و در واقع در اداره کشور است. بدین معنی که وقتی آنها کسی را به رئیس جمهوری انتخاب کردند که طبیعتاً، این گزینش را برمبنای یک سری ویژگی‌ها انجام داده‌اند اعم از ویژگیهای فردی و برنامه‌ای. وقتی که این فرد را مردم انتخاب

۱. انتخاب، ۸ و ۷ و ۷۸/۶/۶.

کردند به معنای این است که حرف آخر را دراین زمینه زده‌اند. طبیعی است آن جناح وتشکل و گروهی که نتوانسته موفقیت و اکثریت لازم رأی مردم راکسب کند، باید تابع رأی اکثریت مردم باشد وبرای اجرای برنامه‌های فرد منتخب آنها همکاری کند. در خیلی از کشورها، ما چنین وضعی رامی بینیم. بالاخره، یک گروه حاکم می‌شود و گروه دیگر بااو همکای می‌کند. در کشور ما هم باید این خط و مشی جا بیفتد."

برخورد بین جناحها:

"این شیوه‌ها به نفع نظام نیست، وقتی دو جناح سیاسی، چارچوب نظام را پذیرفته‌اند، جناحهایی که هر کدام تشکلهای مختلفی دارند، آنها در منافع ملی، امنیت ملی واصول انقلاب مشترکاتی دارند و باید همواره منافع کشور را در نظر داشته باشند و آنجا که به مصلحت جامعه است، دست از مخالفتهای خود با یکدیگر بردارند."

"اعتقادم این است که هر دو طرف باید معتدل عمل بکنند، سلیقه شان را داشته باشند، حرفشان را بزنند، انتقاد بکنند، ولی اینکه این وضع به کارهای عملی برسد که آبرو و حیثیت نظام را در سطح کشور وجهان خدشه دار بکند، به مصلحت نظام نیست. اگر کسی بخواهد منافع ملی رادر نظر داشته باشد و به مصالح نظام فکر کند، نباید دست به چنین اقداماتی بزند. جناحها وآدمهایی که این کارها را انجام می‌دهند، در واقع باعث می‌شوند دولت نتواند کار بکند وهمه وقتش صرف این بشود که ببیند چه کسی بود این کار راکرد. این درست نیست که دولت همه کارش این بشود که دنبال ریشه یابی حوادث باشد."

برداشتهای جناحها مختلف از اسلام:

"نمی‌شود گفت بینشی که جناح راست از اسلام دارد، درست است و بینش جناح چپ، غلط. این برداشت صحیحی نیست. همین الان مراجع بزرگ تقلیدی در جناح چپ وجود دارند که ممکن است در مسائل فقهی برداشت بعضی از علمای اعلام منتسب به جناح راست را قبول نداشته باشند، نمی‌شود گفت که برداشت یکی از آنها عین اسلام است و برداشت دیگری، مخالف آن. یک گروه خود را عین اسلام و عین ارزشها دانستن، خودش یک خطری است که باعث می‌شود افراد آن گروه یاآن جناح فکر کنند حرف و برداشت آنها

از اسلام درست است و هرکاری راکه در این زمینه تشخیص دادند و انجام دادند، عین اسلام و به نفع آن است و در نتیجه دست به اقدامات گاه ناشایست و خلاف قانون بزنند.»

وفاق گروههای سیاسی:

«اگر واقعاً بخواهد وفاق در جامعه باشد. اولاً این جناح‌ها باید تنوع وتکثر علایق و سلایق مختلف را بپذیرند و تحمل‌پذیری داشته باشند و حرف همدیگر را بتوانند بشنوند و براساس منطق وکارشناسی روی مسائل قضاوت کنند و قانون اساسی و مبانی اصول انقلاب را باید محور کار خودشان قرار دهند؛ اگر بخواهند وفاق سیاسی تحقق بپذیرد باید جناح‌ها در هر ارگانی که مسئولیت دارند از هرگونه حرکتی که منجر به بروز و تشدید اختلافات می‌شود خودداری کنند. نمی‌شود یک جناحی بگوید بیایید با هم وحدت کنیم، از این طرف ابزارهای قانونی که در دست دارد علیه جناح رقیبش به کار بگیرد. مثلاً دنبال رد صلاحیت وحذف افراد رقیب خود برود. بنابراین وفاق سیاسی باید در واقع دو طرفه باشد. نمی‌شود کسی از یک طرف بگوید وحدت و از طرف دیگر تعداد زیادی از نیروهای جناح‌های دیگر در سطح مدیریت‌ها کنار گذاشته شوند. وحدت وقتی حفظ می‌شود که همه جناح‌ها و نیروهای موجود احساس مشارکت در اداره امور کشور را داشته باشند و در آن نقش ایفا نمایند و یک سری کارهایی که باعث می‌شود جناحی طرد بشود، انجام نگیرد.»

استفاده مساوی جناح‌ها از تریبونها:

«ابزارهای تبلیغی کشور مثل، تریبونهای نماز جمعه و صدا وسیما باید طوری عمل کنند که شبهه جناحی بودن در آنها نباشد، تا اینکه همه احساس کنند می‌توانند از این امکانات استفاده کنند، حقوق آنها حفظ می‌شود و حق آنها تضییع نمی‌شود و به حالت برابری و با مشارکت در جامعه پیش بروند.»

ضرورت ایجاد احزاب سیاسی:

«اختلاف سلایق و علایق باید باشند. اما تنوع و تکثر آنها باید کانالیزه شود و شفاف باشد و حالت محفلی نداشته باشد، باندی نباشد، بلکه در قالب یک تشکل، حزب و سازمان افراد بتوانند به صورت یک مجموعه سازمان یافته حرف بزنند و نظرشان را اعلام کنند، هر

کدام از برنامه‌های این گرایش‌ها را مردم پسندیدند و اکثریت یافتند باید بقیه به رأی مردم تن بدهند و نه تنها دنبال تخریب اینها نروند بلکه همه همکاری کنند که شخصی که در رأس یک تشکیلات قرار گرفته بتواند موفق باشد.»

فلسفه وجودی احزاب:

«طبیعتاً هر حزب، تشکل و گروهی که در کشور تشکیل می‌شود، کار می‌کند که نیرو جمع کند تا بعد بیاید پستها را اشغال کند و بعضی مقامها را به دست آورد تا بتواندتفکر و بینش خود را از آن طریق اعمال بکند، این، مسئله‌ای طبیعی است ودر همه دنیا، احزاب وگروه‌ها به دنبال کسب قدرت هستند. جناحهای ما هم چه راست و چه چپ دنبال این قضیه هستند، فرقی نمی‌کند.»

آفتهای مجلس:

«از آفتهای دیگر استفاده انحصاری از دین و ارزشها است که یک گروه برای بالا بردن خود تحت لوای دین گروههای دیگر را زیر سوال می‌برد.»

صلاحیتها و رقابت انتخاباتی:

«اگر جناحی بخواهد طوری برنامه ریزی کند که فکر کند برای موفقیت خود، بهتر است جناح رقیبش را از طریق رد صلاحیت نیروهایش به بهانه‌های مختلف حذف کند، به اعتقاد من، کار اشتباهی خواهد بود. من معتقدم اگر نامزدهای جناحهای درون انقلاب به اندازه کافی در صحنه انتخابات حضور داشته باشند بیشتر به نفع نظام است. اما اگر روند به گونه‌ای باشدکه یک جناح از صحنه انتخابات حذف شود، مردم حساسیت نشان می‌دهند.»

قربانعلی قندهاری رئیس کمیته سیاسی حزب همبستگی ایران اسلامی و نماینده مردم گرگان در مجلس شورای اسلامی در دوره پنجم و ششم در مورد موضوعات سیاسی کشور دارای نظریاتی به شرح زیر است[۱]:

مبانی اعتقادی حزب:

«انقلاب ما دارای مبنای اسلام ناب محمدی است، مبنای جدی که برای همکاری‌ها،

---

۱. انتخاب، ۱۱ و ۷۹/۹/۱۰.

حمایتها و پشتیبانی‌های خود داریم، اعتقاد عمیق به اسلام ناب محمدی و به حقوق مردم است.معتقدیم که یکی از مبانی جدی ما مسئله اعتقاد، پشتیبانی، حمایت و تلاش برای اعمال حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم است. ما به جمهوریت و اسلامیت نظام و به جریان ولایت فقیه اعتقاد داریم، ومعتقدیم آنها جزء مبانی ما هستند. تفکر و اندیشه امام به عنوان نکات محکم، یا به عبارت دیگر محکمات اندیشه امام برای ما ملاک است وهرکسی در این محدوده باشد ما با او تعامل وهمکاری خواهیم کرد و اگر کسی در این حوزه قرارنگیرد طبیعی است که نمی‌توانیم خطی از همکاری را برای آنهاترسیم کنیم.″

وحدت بین جناح‌ها و لوازم آن:

″وحدت یک فرایند است و برای تحقق آن قطعاً به فلسفه و مبانی نیاز است. تصور ما این است که اگر به وحدت اعتقاد داریم (بخصوص ما اسم حزبمان را هم حزب همبستگی گذاشته‌ایم) باید بر آرمانهای اسلامی و ملی تأکید کنیم. وحدتی که دارای مبنا باشد، مبنای وحدت می‌تواند مشترکات عقیدتی و ملی باشد ولی با هم، نه به صورت مجزا از هم. اگر وحدت بخواهد پایدار باشد لازمه‌اش این است که ما همدیگر را بشناسیم و قبول داشته باشیم و حقوق همدیگر را به رسمیت بشناسیم. من نمی‌توانم همه حقوق را از خود بدانم، تمامیت‌خواهی و انحصارطلبی بکنم، شما را در حاشیه قرار بدهم و از حقوقتان محروم بکنم و بعد بگویم برویم با هم وحدت کنیم، طبیعی است که چنین وحدتی پایدار نخواهد بود. وحدت باید معنا و مبنادار باشد که به نظر من، در کشور ما به اندازه کافی این مبانی شفاف است. مسئله بحث اسلام ناب محمدی و احترام به حقوق مختلف مردم است، اینهاخطوط و زیر ساختهای وحدت هستند. وحدت نمی‌تواند صرفاً یک همسازی عاطفی باشد. درکشور ما مبنای وحدت، جمهوریت و اسلامیت است، اگر گروهها این دو را داشته باشند می‌توان با آنها وحدت کرد و مشکلی هم در بین نیست.″

عوامل مخل وحدت:

″یکی از عوامل مخل به وحدت، همین تبعیض‌ها در نحوه برخورد با حق خواهی‌ها،

تمامیت‌خواهی‌ها و انحصارطلبی است."

تحمل پذیری جناح‌ها:

"ما باید این را بپذیریم که پایان مرزهای تفاهم، تخاصم نیست بلکه تحمل است. اگر بتوانیم همدیگر را تحمل بکنیم این مسئله می‌تواند به پایداری وحدت کمک کند، اما اگر بخواهیم کشتی را سوراخ کنیم، وحدت پایدار نمی‌شود و چه بسا کشتی سوراخ می‌شودو سرنوشت کسانی که در آن کشتی هستند را تحت تأثیر قرار می‌دهد."

مبانی اعتقادی جبهه دوم خرداد:

"ما قبلاً گفتیم وحالا تکرار می‌کنیم که جبهه دوم خرداد یک جبهه با مبنایی است که بنیاد آن، تفکرات امام و مبنای انقلاب اسلامی است. طبیعی استکه هر کسی بیرون از این دایره باشد نمی‌توان در حوزه همکاری‌های ما قرار بگیرد."

ویژگیهای حزب همبستگی:

"حزب همبستگی اولین حزب جامعه مدنی بود که شکل گرفت. ما احساس کردیم که برای این اقدام نیاز به زمان هست، ضمن اینکه این اقدام ریشه در اعتقاد کلان ما دارد. به نظر ما برای پایداری نظام باید متناسب با زمان، ساز و کارها و تمهیدات لازم را فراهم بکنیم. به باور ما از این منظر پایداری نظام جمهوری اسلامی و به طور خاص پایداری جمهوریت این نظام در گرو انجام یک سلسله کارکردهایی است که احزاب، آن کارکردها رابرعهده دارند."

"ما باید جامعه را به سمت همبستگی جهت بدهیم، واقعاً اگر همبستگی مردم نبود شاید این شرایطی که الان ما داریم نبود، لذا سعی کردیم که اسم معنادار عقیدتی و ملی نیز انتخاب بکنیم."

رابطه مجلس و دولت:

"طبیعی است که تعامل وهمکاری دولت و مجلس باید واقعی، جدی وعمیق باشد، نه سمبلیک. در یک فضای متعامل وهماهنگ میان دولت ومجلس بسیاری از توقف‌ها، پارادوکس‌ها و تناقص‌ها به وجود نمی‌آید و سرعت توسعه بیشتر می‌شود. اگر دولت و مجلس با هم هماهنگی بیشتری داشته باشند بهداشت روانی جامعه نیز بیشتر تأمین

می‌شود و ما به دنبال این مزیت‌ها هستیم.»

«تأکید من اینست که ما مجلسی را نمی‌خواهیم که مطیع دولت باشد. مجلس در رأس امور است. اما باید گفت که یک مجلس وقتی قوی و توانا است که به یک کابینه قوی و توانا رأی می‌دهد، کابینه‌ای که بتواند توقعات منطقی ومعقول از مجلس داشته باشد و متقابلاً مجلس هم از دولت توقعات منطقی داشته باشد. ما اگر بتوانیم عقل، حکمت و منطق رامبنای توقعات خودمان قرار بدهیم، به نظر من مشکلی به وجود نمی‌آید. در مناسبات دولت و مجلس وقتی مشکل شروع می‌شود که ما نتوانیم درک متقابل و درستی از هم داشته باشیم.»

ابراهیم اصغرزاده[۱] از اعضای برجسته حزب همبستگی و از دانشجویان پیرو خط امام است که در تسخیر لانه جاسوسی شرکت داشته و اکنون عضو شورای اسلامی شهر تهران می‌باشد اینک برخی از دیدگاههای ایشان را در ذیل می‌خوانیم:

تحجر و واپسگرایی و تجدید نظرطلبی:

«اساساً این نوع نگرش جزمی، که تفکر افراد باید ثابت باشد، ثابت فکر بکند، این نوع تفکر ایدئولوژیک یک تفکری است مصنوعی یعنی یک تفکر دینی نیست اینکه ما فکر کنیم انسانها باید همان کاری که اول می‌کنند یا حرفی که می‌زنند باید تا آخر عمرشان همان دیدگاه را داشته باشند، این دیدگاه که انسانها نباید مسائل روز و مسائل محیط را مورد توجه قرار دهند. به نظر من یک دیدگاه خطرناک است، شاید دیدگاه متحجرانه اسمش را بگذاریم و حضرت امام (ره) هم بارها بر این نکته که اسلام بر اساس اجتهاد پویا و مستمر قادر است حکومت را به صورت نوین اداره کند تاکید کرده‌اند، خود نفس اعلام اینکه جمهوری اسلامی مستقر بشود یا اندیشه اسلامی با دموکراسی پیوند بخورد و یا چیزی مثل قانون اساسی شکل بگیرد اینها نشان داد که در دین هم توجه به محیط و توجه به شرایط اجتماعی می‌شود، ما در ابتدای انقلاب خیلی جدی مظهر مبارزه با آمریکا را تصرف سفارت می‌دانستیم ولی الان بنده به هیچ وجه معتقد نیستم برای اعلام مخالفت با یک کشور باید حتماً سفارتش را گرفت و این ربطی ندارد که من تجدید نظر طلب شده‌ام.»

---

۱. رسالت، ۷۸/۶/۲۱.

مصلحت یا استحاله در حفظ ارزشها

"یک تلطیف متین بین واقعیتها و ارزشها باید به وجود بیاید، ببینید در اسلام ما یک چیزی داریم که در انقلاب اسلامی نیز تحقق پیدا کرده و به اسم مصلحت یعنی شما بالاخره در زمان خود حضرت امام (ره) به جایی رسیدید که احکام اولیه اسلام در شرایط خاص جای خود را به احکام ثانویه می‌دادند و علیرغم اینکه ساختار سیاسی نظام ساختاری بود که باید مسائل را حل می‌کرد، یعنی یک مجلس داشتیم که باید قانونگذاری می‌کرد و شورای نگهبان را نیز داشتیم ولی با این حال به مشکل بر خوردیم و حضرت امام (ره) نهادی را به نام مجمع تشخیص مصلحت تعبیه کردند که اساس مجمع تشخیص مصلحت این بود که واقعیتها را هم باید در نظر گرفت و به همین راحتی نمی‌شود که حکم کرد که ما از اول تکلیفمان روشن است و باید تا آخر مستقیم برویم."

حفظ نظام و مرزهای عقیدتی در سیاست خارجی:

"برای ما باید اصل، حفظ نظام باشد. یعنی جمهوری اسلامی حفظ شود. به همین دلیل نیز بنده فکر می‌کنم در کنار عزت و حکمت، مصلحت هم اضافه می‌شود، یعنی ما در سیاست خارجی نمی‌توانیم چشمهایمان را به روی دنیا ببندیم و بگوییم که فقط ما مرز عقیدتی داریم و این مرزهای عقیدتی از داخل کاخ سفید می‌گذرند این همان ایرادی است که ما به آمریکا داشته و می‌گوییم که چرا باید خلیج فارس در حوزه امنیتی امریکا قرار گیرد."

خودی و غیر خودی:

"همین جاست که مرز «خودی و غیرخودی» روشن می‌شود، یعنی از آنجایی که منافع ملی به خطر می‌اُفتد یا کسانی که در مقابل این منافع ملی یا حکومت می‌ایستند اینها اساساً غریبه تلقی می‌شوند و اصلاً با ما نیستند. هر حکومت یا دولت حق دارد که در کشور خود در مقابل کسانی که می‌خواهند موجب براندازی آن باشد بایستد و افرادی را که با آن حکومت مخالف هستند غریبه تلقی کند."

خشونت مشروع و خشونت نا مشروع:

خشونت دو نوع است خشونت مشروع و نامشروع. خشونت مشروع خشونتی است

که حق اعمال آن توسط مردم به حکومت داده شده است. خشونت نامشروع عبارت از خشونتی است که از قید و بند قانون و از دسترس دولت خارج و توسط افراد به صورت سلیقه‌ای اعمال می‌شود.″

″ما برای اعمال خشونت جز محاکم صالحه و جز کسی که قانوناً اختیار این خشونت در دست اوست (یعنی دولت) هیچ راهی نداریم. شما در این جامعه پیچیده و پر از مسئله با سلایق شخصی حق ندارید که این قدرت اعمال خشونت را از دست دولت مشروع خارج کرده و به دست افراد بدهید.″

برخوردهای حذفی جناح‌ها:

اگر جناح‌ها سیاستشان بر مبنای استراتژی حذف باشد و حاصل جمع جبری جناحها صفر باشد (خنثی شدن عملکرد مثبت یک جناح با عملکرد منفی جناح دیگر) مملکت نخواهد توانست دوام پیدا کند چون این جناحها دارای پایگاه هستند. اگر جناحها حقوق همدیگر را به رسمیت بشناسند و قبول کنند که منافعشان قابل جمع شدن است و می‌شود که آنها هر کدام حوزه‌ای را برای خود تعریف کنند و به همدیگر احترام بگذارند این امر به نظر من قابل قبول است.″

آراء مردم و مردسالاری:

″رای مردم برای ما اصل است و به آن معتقد هستیم. ما اساساً تفکر خودمان را تفکر مردم سالار می‌دانیم و معتقدیم که مردم هر چه رای دادند همان مورد احترام است اما نکته مهم این است که جناحها نبایستی استراتژی حذف را بپذیرند، این استراتژی در مورد جناحها باعث می‌شود که جمهوری اسلامی از هم بپاشد.″

خطوط قرمز در سیاست داخلی:

″همه کشورها و همه جوامع بر اساس یک اتفاق نظر و بر اساس یک قراردادی که فی مابین آنها است یک خط قرمزی دارند، در کشور ما هم قانون اساسی که در حقیقت میثاق ملی است نشان دهنده مرزهایی است که مردم زیر آن سقف می‌توانند به وحدت برسند و یک زندگی راحتی را داشته باشند.″

غلام حیدر ابراهیمبای سلامی[1] نمایند مردم خواف و رشتخوار (خراسان) در مجلس شورای اسلامی در دوره پنجم و ششم و سر دبیر روزنامه همبستگی ارگان حزب همبستگی ایران اسلامی می‌باشد برخی از دیدگاههای سیاسی ایشان به شرح زیر است:

علت شکست جناح محافظه کار:

"مهمترین علتی که موجب شد جناح اصلاح طلب در مجلس ششم پیروز بشود مقابله جناح محافظه کار با مطالبات و آزادیهای مردم بود، این مطالبات همان مطالباتی بودکه ملت ما به خاطر آن انقلاب کردند و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هم این مطالبات را در قالب قانون اساسی مطرح کرد و آزادی و استقلال و حاکمیت و مشارکت مردم از مهمترین ویژگیهای آن است."

وحدت ملی:

"وحدت مبتنی بر تفاهم اکثر گروههای جامعه است و اگر مفاهمه ایجاد نگردد وحدت پایدار نخواهد بود."

"حفظ هویت اسلامی و ایرانی یکی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه کنونی ماست. مشترکات فرهنگی و دینی اصیل، پایه‌های انسجام یک جامعه هستند و برای حفظ وحدت باید باورهای صحیح از قاموس دینی و ملی تبلیغ و ترویج شوند تا ماهیت اندیشه‌های تفرقه افکنانه برملا گردد و با بصیرت و آگاهی می‌توان یک عزم ملی در جهت پیشبرد امور ایجاد کرد و با تحمل اندیشه‌ها و گروههای سیاسی واشاعه قانونمداری در بستر آزادی بیان می‌توان به توسعه عقلانیت و تفاهم دست یافت."

امنیت ملی:

"امنیت مبتنی بر مشارکت است که در پرتو تفاهم و رشد عقلانیت ایجاد می‌شود وحاکمیت اراده مردم در قالب قانون و اجرای ضوابط و شفافیت در برخورد با مردم، زمینه‌های ایجاد بحران را درجامعه کاهش می‌دهد."

---

۱. انتخاب، ۴ و ۳ و ۷۸/۲/۱.

اصلاحات و تشنج آفرینی:

"مجلس (ششم) خواهان پیشبرد اصلاحات وبرنامه‌های رئیس جمهور است. باید دل مشغولی اصلی آن وحدت وامنیت ملی باشد، چون با انسجام و آرامش است که اصلاح در جامعه محقق می‌شود به ویژه آن که اصلاح‌طلبی با شورش و تشنج‌آفرینی مغایرت دارد."

اعتدال وعدم تندروی:

"آنچه مسلم است این است که همه گروههای دوم خرداد این تندرویها را نخواهند پذیرفت و شایسته است که مجلس اصلاح‌طلب متعادل و منطقی باشد و با حاکمیت اراده مردم در جهت تحقق قانون اساسی، نظارت بر حس جریان امور، کمک به حفظ آرامش و وحدت و سازندگی کشور بکوشد."

قدرت‌اله نظری‌نیا[۱] عضو حزب همبستگی دیدگاههای سیاسی خودهمچنین اهداف جبهه دوم خرداد را چنین بیان می‌کند:

تحقق قانون اساسی:

"مدینه فاضله وهدفی که ما دنبال می‌کنیم، تحقق قانون اساسی است. ما در راستای اهداف نظام به دنبال اجرای کامل قانون اساسی به عنوان فصل الخطاب و محور میثاق ملی هستیم. اجرای مفاد قانون اساسی موجبات شکل‌گیری آن مدینه فاضله را فراهم می‌کند."

رأی مردم:

"در ابتدای ایجاد انقلاب نیز فکر و راه امام، حضور خود مردم بودکه امام (ره) به نحوی گسترده و عمیق در جای جای انقلاب بر روی مسئله حضور مردم تأکید داشتند، به گونه‌ای که من تصور می‌کنم اگر مردم به چیزی غیر از جمهوری اسلامی هم رأی می‌دادند، امام می‌پذیرفتند."

هدف اصلاحات:

"هدف اصلاحات، پیاده کردن روندی است که به حضور تأثیرگذار اراده مردم بر مشی کلی کشور منجر شود. ما نباید از مردم به عنوان ابزار و تنها در قالب حضور فیزیکی آنها

---

۱. هفته نامه صدای عدالت، ۷۹/۶/۱۴.

استفاده کنیم. اصلاحات روزی تحقق می‌یابد که ما شاهد حضور فکری مردم در تعیین خط مشی کشور باشیم. در واقع نباید اراده مردم را مشروط بکنیم.»

حکومت در چارچوب دین:

«مردم ما انقلاب را با انگیزه دین خواهی به وجود آوردند و بی‌قید و شرط‌خواهان حکومتی بودند که براساس قوانین اسلام اداره شود، طبیعتاً نباید خارج از چارچوب دین، کاری انجام شود، متأسفانه عده‌ای درحال حاضر دیده می‌شوند که اصلاحات را بدون حرکت درچارچوب اسلامیت می‌خواهند.»

مواضع اقتصادی:

با توجه به این که این حزب هنوز در بدو تشکیل و سازماندهی خود می‌باشد هنوز موضع شفاف و کاملی راجع به مسائل اقتصادی نگرفته است.

محمدرضا راه چمنی[1] دبیر کل حزب همبستگی در مورد مسائل اقتصادی چنین نظر می‌دهد:

جناح چپ و اقتصاد دولتی:

«من منکر این قضیه نمی‌شوم که ممکن است افرادی هم در جناح چپ پیدا می‌شدند که به تفکر خیلی دولتی کردن اقتصاد معتقد بودند، ولی خیلی از افراد مجموعه جناح چپ در همان زمان این باور را نداشتند بلکه معتقد بودند باید کار به مردم واگذار شود وتصدی دولت کاهش پیدا بکند، اما بحث بر سر این بود که مردم یک نفر باشند یا صدنفر. مردمی که جناح چپ به آن معتقد بودند، عموم مردم بودند، یعنی می‌گفتند وقتی شما می‌خواهید امکانات بیت المال را واگذار کنید آنها را به یک نفر ندهید که ارز مملکت و یارانه و سوبسید و استفاده از تسهیلات سیستم بانکی و یکسری امتیازاتی را که دارید می‌دهید به یک نفر که در یک شب سرمایه‌دار شود. به جایش آن را به یک تعاونی بزرگ و یک شرکت سهامی عام بدهید که اعضای بیشتری دارند.»

---

۱. انتخاب، ۸ و ۷ و ۷۸/۶/۶.

خشونت و اقتصاد:

"آنها (خشونت طلبان) که باکارهایشان باعث می‌شوند جهانگرد به کشور نیاید و درآمد ارزی ایجاد نشود در واقع مخالف ایجاد شغل برای جوانان هستند و به طور غیرمستقیم به رشد فساد در جامعه کمک می‌کنند."

سرمایه گذاری:

"الان همه معتقدند باید سرمایه گذاری در کشور انجام بگیرد، نه جناح چپ با این امر مخالف است و نه جناح راست. همه موافقند که سرمایه گذاری باید امنیت داشته باشد، یا اینکه همه معتقدند سرمایه گذاری خارجیان نباید برای کشور وابستگی ایجاد کند، اینها از اصول مشترک اقتصادی است."

تعدیل ثروتها:

"جناح چپ در جهت تعدیل ثروت گام برمی‌داشت. همان تفکر اقتصادی که شهیدبهشتی دنبال آن بود یعنی تعدیل ثروت با ایجاد تعاونی‌ها و واگذاری امور به مردم. از طرف دیگر عده‌ای معتقد بودند که تعاونی‌ها نمی‌توانند کار کنند، لذا باید امکانات دولتی را در اختیار افراد خاص قرار دهیم. الان هم تقریباً همین اختلاف دیدگاه وجود دارد، فرقی در اصل موضوع ایجاد نشده در زمینه اقتصادی، جناح چپ هرگز نگفته که شما همه کارخانجات را ملی کنید و به دست دولت بدهید و چنین تفکری اصلاً وجود نداشته و الان هم وجود ندارد."

قدرت‌اله نظری‌نیا عضو حزب همبستگی در مورد مسائل اقتصادی چنین می‌گوید[1]:

"مناقشات سیاسی باید خطوط قرمز را رعایت کنند، یعنی تا آنجا پیش بروند که به مسائل اقتصادی و معیشتی لطمه وارد نشود."

"بسیاری از تنگناها و بن‌بستهای اقتصادی که اتفاق افتاده مربوط به ناهنجاریهای گذشته است. این ناهنجاریها هم ناشی از برنامه‌های غیردقیق مسئولین در گذشته وهم ناشی از تحمیل یکسری مسائل خارجی از کشور است."

---

۱. صدای عدالت، ۷۹/۶/۱۴.

"شما اگر مسائلی نظیر فقر را بررسی کنید به این نتیجه می‌رسید که مسأله صرفاً به دولت خاتمی ختم نمی‌شود، بلکه ضعف دولتهای گذشته رانیز هویدا میکند. در مسائل اقتصادی نیاز به عملکرد آتشین نیست."

ابراهیم اصغرزاده عضو دیگر حزب همبستگی درمورد مشکلات اقتصادی امروز کشور چنین می‌گوید:

"مسائل اقتصادی کشور به شدت تحت تأثیر مسائل سیاسی است. تا در کشور امنیت حاکم نشود و دولت نتواند نفوذ خود را به سراسر کشور تسری ببخشد، مشکل سرمایه‌گذاری در داخل کشور داریم. من فکر می‌کنم که اقتصاد و شرایط اقتصادی بخصوص تولید در کشور ما و ضعف تولید ناشی از ایرادات ساختاری است که از قدیم به ما ارث رسیده، برخی هم به خاطر ناپایداری سیاستها و تغییراتی است که در حوزه اعمال سیاست اقتصادی رخ می‌دهد."

"گروهی که در حقیقت حاضر نیستند تن به انتقال یا شیفت قدرت اقتصادی جمهوری اسلامی از بازار و حوزه تجارت به تولیدات صنعتی بدهند مهمترین عامل و مشکل بر سر راه دولت هستند."

مواضع فرهنگی:

این حزب همگام دیگر نیروهای ائتلاف جبهه دوم خرداد همواره خواستار آزاد بیان و آزادی قلم و آزادی عمل بیشتر برای مطبوعات و فعالیتهای فرهنگی بوده است. محمدرضا راه‌چمنی دبیرکل حزب همبستگی در مورد آزادی مطبوعات چنین می‌گوید[1]:

"مردم در حماسه دوم خرداد باگزینش برنامه‌های آقای خاتمی تکثر مطبوعات و فضای آزاد راانتخاب کردند ومطابق قانون اساسی مطبوعات نیز در بیان مطالب آزادهستند. مردم تمایل به اطلاع رسانی و دیدگاههای شفافی دارند که در روزنامه‌ها منعکس می‌شوند. ما باید هرچه بیشتر فضای سیاسی کشور را باز کنیم و تحلیل آزاد اندیشانه داشته باشیم و این

---

۱. ایران، ۷۸/۱۱/۶.

درست نیست که به مطبوعات بگوییم چه بنویس و چه ننویس.»

«جناح چپ الان می‌گوید[1] بگذارید مردم حرفشان را بزنند، مطبوعات در اطلاع رسانی آزاد باشند، به مطالب و اظهاراتی که آن را قبول ندارید، استدلالی پاسخ دهید، اگر جایی خلاف قانون رفتار کردند در چارچوب قانون برخورد کنید، ولی اینکه عده‌ای بیایند، بریزند و یک اجتماع یا سخنرانی را به هم بریزند که چرا آن سخنران این حرف را زد یا آن کلمه را نگفت، یا دفتر روزنامه‌ای را به آتش بکشند که چرا مثلاً فلان مقاله را نوشته‌ای و... جناح چپ می‌گوید آقا، این درست نیست. چارچوب باید قانون اساسی باشد و در همین چارچوب حق و حقوقی که برای مردم پیش بینی شده مثل آزادی بیان، آزادی اطلاع‌رسانی، حق دادخواهی، حفظ حیثیت و آبروی افراد و همه حقوق شهروندی باید حفظ شود.»

---

۱. انتخاب، ۸و ۷و ۷۸/۶/۶.

جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی

نام کامل: جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی

نام دبیر کل (رئیس هیئت مؤسس): حسین فدائی آشیانی

اعضای فعال: مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین سیدعلی اکبر ابوترابی، حسین فدائی آشیانی، علی دارابی، داوود دانش جعفری، عبدالحسین روح الامینی نجف‌آبادی، علی یوسف پور، مجتبی شاکری، احمد مقیمی، هادی ایمانی، اصغر صبوری خوراسگانی، نفیسه فیاض بخش، محمدعلی شم آبادی، احمد نجابت، محمود احمدی نژاد، احمد خوشبختیان.

مرامنامه:

آرمان جمعیت عبارتست از:

۱ـ اعتقاد و باور به وحدانیت خداوند متعال خالق نظام هستی، نبوت خاتم‌الانبیاء حضرت‌محمد(ص) امامت امامان معصوم علیهم‌السلام، قیام عدل‌گستر جهان حضرت مهدی«عج» و معاد، بازگشت انسان به سوی خداوند.

۲ـ اعتقاد و پایبندی به اسلام ناب محمدی(ص) و تلاش برای تحکیم حکومت دینی.

۳ـ اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه.

۴ـ اعتقاد و پایبندی به نظام جمهوری اسلامی و تلاش برای ثبات و تحقق اهداف آن.

۵ـ التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت قانون.

۶ـ اعتقاد به حاکم بودن ارزشهای اسلامی برروابط اجتماعی درجامعه اسلامی و تلاش برای تحقق آنها.

۷ـ اعتقاد به اسلامی و مردمی بودن حکومت و تلاش برای نهادینه کردن مشارکت مردم.

۸ـ اعتقاد و وفادارای به آرمانها، اندیشه‌ها و آرای حضرت امام خمینی(ره).

۹ـ اعتقاد به ضرورت وحدت وهمدلی تشکل‌ها و جناح‌های سیاسی و فادار به انقلاب و پایبندی به ارزشهای اسلامی در جبهه متحد پیروان خط امام و رهبری.

۱۰ـ تلاش در جهت مبارزه بر علیه استکبار، نژادپرستی و صهیونیسم.

۱۱ـ تلاش در جهت حفظ منزلت حوزه و دانشگاه به عنوان دو کانون فرهنگ‌ساز و تربیت نیرو.

۱۲ـ تأکید بر حفظ واجرای اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی براساس اصول عزت، حکمت ومصلحت و تأمین منافع ملی.

۱۳ـ تلاش در جهت توسعه و ترویج اخوت و برادری در میان نیروهای انقلاب و اشاعه فرهنگ ایثار وجانبازی در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر.

۱۴ـ اعتقاد به آبادانی، استقلال و امنیت کشور و تلاش برای تحقق آنها.

۱۵ـ اعتقاد به آزادی و کرامت انسانی و حفظ حرمت و حیثیت افراد.

۱۶ـ اعتقاد به «عدالت اسلامی» و تلاش جهت تحقق آن به عنوان اساس پایداری نظام اسلامی ونفی هرگونه تبعیض.

۱۷ـ اعتقاد به ارجحیت محرومین و مستضعفین وکوخ نشینان بر کاخ نشینان و مرفهین بی درد وتلاش برای بالا بردن رفاه نسبی آحاد مردم واز بین بردن فقر و محرومیت در جامعه.

۱۸ـ حمایت ازمستضعفین جهان ونهضت‌های آزادیبخش و به ویژه مسلمانان مظلوم و مبارزه بی امان باهرگونه ظلم و ستم جهانی.

۱۹ـ اعتقاد به تزکیه نفس، خودسازی و خودباوری و رشد معرفت دینی براساس تعالیم اسلامی، که مقدمه ضروری جهت حضور در صحنه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و مدیریتی است.

اهداف:

الف) تلاش در جهت استقرار و گسترش دین اسلام.

ب) تلاش در جهت استقرار یک جامعه نمونه اسلامی در پرتو اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری.

ج) تلاش در جهت پاسداری از آرمانها و دستاوردهای انقلاب اسلامی.

د) تلاش در جهت احیاء، توسعه و استقرار تمدن بزرگ اسلامی.

ه) تلاش در جهت ایجاد وحدت درمیان مسلمانان.

و) فراهم ساختن مرکزی برای جذب، سازماندهی و آموزش نیروهای جوان برای پاسداری از ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی.

ز) تلاش در جهت توسعه فرهنگ امر به معروف ونهی از منکر و بسط نظارت بر فعالیت مسئولان دولتی.

تاریخچه تشکیل:

حسین فدائی از اعضای سابق سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و زندانی سیاسی رژیم گذشته و دبیر کل جمعیت ایثارگران در موردتاریخچه تشکیل این جمعیت می‌گوید[1]:

"بخش عمده افرادی که به عنوان هیئت مؤسس ایثارگران مطرح شده‌اند دوستان وهمفکرانی هستند که قبل از انقلاب در صحنه‌های سیاسی و مبارزاتی حضور داشته وبه همراه روحانیت و به تبعیت از امام امت(ره) وارد صحنه شدند. پس از پیروزی انقلاب و

---

۱. هفته نامه یالثارات الحسین، بهمن ماه ۱۳۷۸.

فتنه گروهکها نوع حضور درصحنه شکل دیگری گرفت و در دوران جنگ هشت‌ساله هم حسب ضرورت انقلاب و نیاز زمان، وارد صحنه دفاع مقدس شدند. در دوران بازسازی یعنی در سال ۷۰ و ۷۱ بعضی از دوستان احساس کردند که عرصه فعالیتهای فرهنگی به گونه‌ای است که آرام آرام دارد از آن سمت و سویی که امام در نظر داشت و رهبری میخواهد خارج می‌شود. لذا ضرورت حضور در عرصه فعالیت فرهنگی را احساس کردند و با بعضی از دوستان جلساتی را تشکیل دادیم و بحث تهاجم فرهنگی، مکانیزم ونحوه کارکرد تهاجم فرهنگی را بررسی کردیم و جنبه‌های مقابله با آن را در دستور کارمان قرار دادیم. یکی دو سال کار کردیم. اوایل چیزی که به ذهنمان آمد حفظ نیروهای انقلابی، مومن وحزب اللهی بود و جلساتی برای آنها تشکیل دادیم. به تدریج احساس کردیم، حد فعالیت فرهنگی جواب کار را نمی‌دهد. از سال ۷۴ به بعد، فعالیت سیاسی را در دستور کار خود قرار دادیم. یعنی احساس کردیم که عرصه فعالیتهای سیاسی به گونه‌ای است که حضور نیروهایی که درصحنه‌های دفاع مقدس بودند در اینجا هم ضرورت دارد که باشند و به فکر تشکیل و تأسیس تشکل سیاسی افتادیم. البته در گام اول، از آنجا که ترکیب و بافت نیروها و برنامه‌ها متناسب با فعالیتهای فرهنگی شکل گرفته بود، با ورود تشکل به عرصه سیاسی، برخی از دوستان که صرفاً جهت کار فرهنگی وارد جمع ما شده بودند، از ما جدا شدند و لذا چند وقتی طول کشید تا یک ترکیب جدید شکل بگیرد و لذا ما در نیمه دوم سال ۷۵ هسته اولیه جمعیت ایثارگران را به وجود آوردیم.»

به هر تقدیر در تاریخ ۷۵/۱۱/۱۲ هیئت مؤسس نسبت به تشکیل گروهی با نام جمعی از ایثارگران به تفاهم قطعی رسیده و در تاریخ ۷۶/۱/۲۷ این جمعیت با عنوان «جمعی از ایثارگران انقلاب اسلامی» اعلام موجودیت نمود. پس از آن وزارت کشور در تاریخ ۷۶/۲/۲۰ مجوز فعالیت این جمعیت را به عنوان «جمیعت ایثارگران انقلاب اسلامی» صادر می‌کرد واین جمعیت در تاریخ ۷۶/۸/۱۱ اقدام به تصویب اساسنامه خود می‌نمود. قبل از این تاریخ این تشکل به طور غیررسمی در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی با نام جمعی از ایثارگران انقلاب اسلامی آغاز به کار کرده بود. اما شروع فعالیت سیاسی

جدی این جمعیت را می‌توان حضور در تبلیغات ریاست جمهوری دوره هفتم دانست که در آن زمان این جمعیت باعنوان «جمعی از ایثارگران انقلاب اسلامی» عموم مردم را به شرکت گسترده در انتخابات فراخواند، بدون آن که از نامزد مشخصی در رقابتهای انتخاباتی حمایت کند. البته چنانکه در روزنامه‌ها نوشته شد این گروه ابتدا قصد معرفی یکی از نامزدها را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری داشت که به دلیل برخی از مسائل و توصیه‌ها از این امر صرف نظر کرد. در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی نیز این گروه با شعار امنیت، عدالت، رونق اقتصادی و با تهیه لیستی که بیشتر از نیروهای متمایل به جناح راست تشکیل می‌شد اقدام به شرکت در رقابتهای انتخاباتی نمود. از این گروه در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی آقایان علی‌اکبر ابوترابی و داوود دانش جعفری حضور داشتند. در لیست این گروه در تبلیغات دوره ششم مجلس از حوزه تهران بجز دو نفر از کاندیداهای منتسب به جناح چپ و پنج نفر از اعضای فعال خود جمعیت ایثارگران بقیه کاندیداهای منتسب به جناح راست سنتی (ارزشگرا) حضور داشتند، که به دلیل عدم استقبال مردم از لیست جناح راست سنتی بجز دو نفر فرد دیگری از کاندیداهای این لیست حائز آراء لازم نشد.

گرایش سیاسی:

این جمعیت در موضعگیری‌های خود جمعیت رامستقل از جناح‌های سیاسی موجود معرفی می‌نماید و این جمعیت را نهادی برای تشکل نیروهای مؤمن به انقلاب و ایثارگران می‌داند که به هیچ طیف وجناحی وابسته نیست. در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی این جمعیت گرایش سیاسی خود را چنین بیان می‌کند[۱]:

"خلاء تشکلی که بتواند مجموعه‌ای از نیروهای مؤمن به آرمانهای انقلاب وایثارگران عرصه‌های جهاد و پیکار در راه دفاع از دین و میهن را پوشش دهد،همواره احساس می‌شد. نیروهایی که نمی‌خواستند در دسته بندی های متعارف و بعضاً غیرواقعی جامعه قرار گیرند

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۶.

و در پی آن بودند جمعیت به عنوان یکی از کانونهای گرم عناصر فعال اجتماعی مستقل ظاهر شود."

با توجه به موضعگیری‌های این جمعیت در مسائل گوناگون و دیدگاههای اعضای فعال شورای مرکزی آن می‌توان به این جمعبندی رسید که این گروه در عین حال که همواره مستقلاً اعلام موضوع نموده و دارای نقطه نظرات متفاوتی نسبت به جناح راست است، اما نسبتاً متمایل به جناح راست‌سنتی (ارزشگرا) بوده و در بسیاری از موارد با نیروهای ائتلاف به اصلاح راست‌سنتی همفکری دارد، اما چنانکه از برخی مواضع مستقل این جمعیت برمی‌آید این گروه دارای مواضع متعادل‌تر و شفاف‌تری نسبت به دیگر گروههای راست سنتی می‌باشد. چنانکه گفته شد ترکیب لیست کاندیداهای این جمعیت برای انتخابات مجلس ششم که ۲۳ نفر از کاندیداهای جناح راست سنتی در آن حضور داشتند به خوبی مبین این مطلب است، در حالی که فقط دونفر از کاندیداهای جناح به اصطلاح چپ در لیست وجود داشتند. اما ذکر این نکته مهم است که این جمعیت هیچگاه با جناح راست سنتی ائتلاف انتخاباتی و لیست مشترک کاندیداها نداشته است و مستقلاً در عرصه انتخابات وارد شده است.

تشکیلات و نشریات وابسته:

با آنکه این جمعیت اکنون مراحل اولیه پس از تشکیل خود را می‌گذراند، ولی می‌توان این آنها را در جذب و سازماندهی نیروها وامکانات برای فراگیر نمودن جمعیت موفق ارزیابی کرد. تشکیلات این جمعیت در تهران و جنوب تهران فعال بوده و ارتباط خوبی بین این جمعیت با ایثارگران علاقمند به کارکردهای سیاسی وجود دارد. این گروه هنوز به صورت عام عضوگیری ننموده، اما مطابق مقررات مندرج در اساسنامه، جمعیت مجاز به عضوگیری می‌باشد. در شهرستانها نیز به طور محدود جمعیت اقدام به تشکل هواداران خود نموده که به دلیل مشکلات عمدتاً مالی این اقدام گسترش نیافته است.

این جمعیت هنوز نشریه خاص عمومی نداشته، لیکن بولتن‌های داخلی یا خبرنامه که

بین اعضا توزیع می‌شود به طور ماهانه منتشر می‌شود. از طرفی در تمام مسائل مختلف سیاسی روز این جمعیت مستقلاً اقدام به انتشار بیانیه می‌نماید که اکثراً جامع ومنعکس کننده دیدگاههای این جمعیت می‌باشد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

چنان که از نام این جمعیت می‌توان برداشت کرد این جمعیت بیشتر از ایثارگران اعم از رزمندگان، جانبازان و آزادگان دوران دفاع مقدس تشکیل شده است. اعضای هیئت موسس این جمعیت نیز همگی از اعضای گروههای مبارز در رژیم گذشته و زندانیان سیاسی رژیم شاه و جهادگران و ایثارگران با سابقه خدمت متمادی در طول سالهای جنگ تحمیلی در جبهه‌های جنگ و سابقاً دارای پستهای مختلف در نهادهای انقلابی چون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی بوده‌اند. این جمعیت ارتباط خوبی بانیروهای ایثارگر و بسیجی مستقر در مساجد، دانشگاهها کارخانه‌ها و ادارات دولتی داشته است. از نظر طبقات اجتماعی بیشتر اقشار متوسط وضعیف جامعه، نیروهای ایثارگر و بسیجی، جهادگران، جانبازان، آزادگان و دانش‌آموزان از جمله طبقاتی هستند که گرایش همکاری با این جمعیت راتاکنون داشته‌اند.

مواضع سیاسی:

از لحاظ دیدگاه سیاسی، این جمعیت را می‌توان در ردیف گروههای سنت‌گرا و ارزشگرا و معتقد به پاسداری از اصول اساسی انقلاب قرارداد. البته در روشها و منش‌ها تا کنون این گروه موضع متعادل و میانه‌روتری را در مواجهه با وقایع سیاسی چند ساله اخیر نسبت به گروهها و احزاب ارزشگرای دیگر از خود بروز داده است. در عین حالی که همواره این گروه بر معیارها و اصول انقلاب پافشاری نموده است، لیکن در مواردی انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به دیگر گروههای سنتگرای از خود نشان داده است. علی رغم استقلال کامل این جمعیت در موضعگیری‌ها و خط مشی‌ها، تا کنون این جمعیت دیدگاههای نسبتاً نزدیک اما معتدل‌تر و مستدل‌تری نسبت به جناح راست سنتی (ارزشگرا)

داشته است.

حسین فدایی[1] دبیر کل این جمعیت در مورد تقسیم‌بندی نیروهای سیاسی جامعه به خودی و غیرخودی نظر خاصی دارد، به طوری که نظر ایشان شبیه هیچ یک از نظرات جناحهای سیاسی مطرح در جامعه نیست، وی در این زمینه میگوید:

"جمهوری اسلامی هم که به واقع بخشی از بعثت انبیا عظام است برای تحقق نظام اجتماعی‌اش محتاج قانونی مشروع و مقبول است که در زمان حاضر درقالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمود پیدا کرده است و این قانون مبنای نظام اجتماعی ما قرار گرفته است و هرکسی هم که به این قانون خود را ملتزم بداند ما او را «خودی» تلقی می‌کنیم."

"ما تمامی مردم را که در جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند و تابعیت کشورمان را دارا هستند، خودی می‌دانیم و تقسیم‌بندی خودی و غیرخودی مربوط به جریانات سیاسی کشور است. بنابراین باید حساب مردم را از این تقسیم‌بندی‌ها جدا کنیم. اما در مورد جریانات سیاسی کشور که دارای خط فکری و با سازماندهی وبرنامه مشخص به دنبال جریان‌سازی و در نهایت کسب قدرت هستند، صرف التزام به قانون اساسی باعث قرار گرفتن در جبهه خودی می‌شود. التزام به قانون اساسی یعنی اینکه هر جریانی درحوزه فعالیت سیاسی خود بر اساس چارچوبهایی که قانون اساسی معین کرده فعالیت نماید."

ایشان در پاسخ به سوالی در این زمینه که ممکن است برخی جریانات به صورت ظاهری خود را ملتزم به قانون اساسی بدانند اما در واقع اعتقادی به آن ندارند آیا می‌توان آنها را جزء نیروهای خودی به حساب آورد یاخیر می‌گوید:

"چه ایرادی دارد جریانی خود را ملتزم به قانون اساسی بداند، اگر چه در باطن این گونه نباشد. طبق قانون اینها خودی محسوب می‌شوند."

برخی دیدگاههای حسین فدایی در مورد مسائل سیاسی روز جامعه در ذیل بیان می‌شود:

---

۱. یالثارات الحسین، بهمن ماه ۱۳۷۸.

حکومت و اراده مردم:

"اگر کسی بخواهد حکومت کند و جامعه را اداره کند این بدون خواست واراده مردم محقق نمی‌شود. به لحاظ بینش فلسفی هم عرض کردم که حکومت فقط برای شیعیان نیست. حکومت برای تمامی مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان است. ما به لحاظ دینی می‌گوئیم پیامبر(ص) برای بشریت آمده و ولایت فقیه هم که شعبه‌ای از ولایت انبیاست باید همین خصیصه را در مرحله حاکمیت اجراء نماید."

قانون اساسی و بحث خودی و غیرخودی:

"نکته مثبت دیگری که در باب محدودیت قانون اساسی در ترسیم جبهه خودی و غیرخودی باید مدنظر داشت این است که مباحث سیاسی اگر بر محوریت قانون اساسی ترسیم شود باعث ایجاد شفافیت می‌شود و شما ناگزیرید که براساس مبنایی روشن و واضح با طرف مقابل به بحث بنشینید."

ترویج خشونت:

"ما به عنوان جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی هرگونه تفکری را که شائبه خشونت و بحران سازی داشته باشد و از هر گروه و فردی که باشد محکوم نموده و آن را جریانی مشکوک و غیرخودی و بخشی از سناریوی خط پیچیده نفاق ارزیابی می‌کنیم."

رقابت‌های انتخاباتی[1]:

"نگرش ما به انتخابات، نه انتخاباتی کنترل شده و با مشارکت محدود مردم بلکه برگزاری انتخاباتی پرشور، رقابتی سالم وحضوری چشمگیر وحماسی است، دراین صورت نتیجه انتخابات به نفع هر یک از جناح‌های سیاسی درون نظام که باشد انقلاب و نظام سود برده‌اند."

رقابت سالم انتخاباتی:

"رقابت سالم را تلاشی فارغ از تخریب، توهین و افترا برای اثبات صلاحیت‌های کاندیداهای موردنظر خود می‌دانیم و بایدتلاش شود از دست زدن به شیوه‌های غربی

---

۱. متن سخنرانی حسین فدائی، ۷۸/۱۲/۱۰.

وغیراسلامی در عرصه رقابت پرهیز شود."

اداره کشور، عدم باندبازی، شایسته سالاری:

"جبهه نیروهای خودی باید به این باور برسند و بدانند که از نظر تئوری و تجربی، امکان اداره جامعه صرفاً به دست یک جریان سیاسی امکانپذیر نبوده و حذف سایر نیروها، جامعه را از توانایی‌های انسانهای شایسته محروم می‌سازد. بر این اساس همه باید به جای باندبازی و ایستادگی بر قواعد «قبیله گرایی حزبی» به شایسته سالاری روی بیاورند."

آرامش فضای سیاسی جامعه:

"سیاست جمعیت ایجاد آرامش و تلطیف فضای سیاسی کشور خواهد بود و در این موضوع تردیدی نداریم که جریان‌های معاند و غیرخودی تمام توفیق خود را مدیون شرایط متشنج و تلاشهای غوغاسالارانه هستند واز این حیث همواره از آرامش و نزدیکی نیروها دچار هراس بوده و هستند."

معیارهای گزینش برای کاندیداهای مجلس:

"نامزدهای مورد حمایت جمعیت ایثارگران، باید علاوه بر شرایط عمومی مذکور در قانون انتخابات واجد این صلاحیت‌ها هم باشند، وفاداری به آرمانهای امام خمینی و پیروی از مقام معظم رهبری، پایبندی به ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی، روحیه قانونگرایی و تلاش در جهت اجرای قانون اساسی، برخورداری از دانش، تجربه و تخصص، مقدم داشتن مصالح کشور و مردم بر مصالح شخصی و گروهی، شجاعت، حریت، صراحت، حق‌گویی و استقلال."

مجلس ششم، بیم‌ها و امیدها:

"جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی بر این باور است که مجلس پس از دوره دوم حیات خود همواره در بین نیروهای انقلابی با سلایق ودیدگاههای متفاوت دست به دست شده است و در صورتی که مجلس ششم با ترکیب فعلی و یا ترکیب دیگری برخاسته از نیروهای انقلابی ریشه دار و اصیل زجر کشیده و متعهد شکل بگیرد، جای هیچ گونه نگرانی نیست، ولی حضور افراد فرصت طلب و بی‌درد و بی‌تفاوت در مجلس به پایمال شدن حقوق مردم

و آرمانهای انقلاب منتهی خواهد شد."

وفاق جناحها:

"ما مصمم به دنبال کردن پروژه وفاق و همدلی هستیم و پس از حضور در خدمت مقام معظم رهبری به طور مستمر با سران تشکلها و گروههای سیاسی ملاقات داشته‌ایم."

نفاق پیچیده:

"نفاق پیچیده دارای اهداف استراتژیک است که هدف بلندمدت آن اثبات ناتوانی حکومت دینی در اداره جامعه است. نفاق پیچیده در اهداف میان مدت و کوتاه مدت خود دنبال ایجادیأس وناامیدی در مردم و ایجاداختلاف بین نیروهای درون نظام می‌باشد، که با تهمت‌زدن، ایجاد جنگ روانی وتنش می‌خواهد به اهداف خود برسد و در موضع تحلیل به این نتیجه رسیده‌ایم که بحرانهادر جایی سازماندهی می‌شوند."

توسعه سیاسی[1]:

"وقتی بحث توسعه سیاسی می‌شود می‌بینیم برداشت واحدی از آن وجود ندارد. و یا حداقل در شیوه‌های توسعه، اختلافات زیادی به چشم می‌خورد. یکی توسعه سیاسی را به معنای رشد آگاهیهای جامعه، مشارکت مردم در تصمیم‌سازیهای اجتماعی و سیاسی، توسعه مطبوعات و نقد منصفانه مردم و صاحبنظران و پاسخگویی، عالمانه مسئولان می‌داند و دیگری توسعه سیاسی را عملاً به نوعی هرج و مرج و خشونت سیاسی، در هم ریختن مرزهای اخلاقی، نادیده گرفتن ارزشها، احساسات و عقاید مردم ترجمه می‌کند."

شعار و مشی جمعیت در انتخابات مجلس ششم[2]:

"جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی با شعار امنیت، عدالت، رونق اقتصادی در انتخابات حضوری فعال خواهد داشت. مشی جمعیت، وحدت و همبستگی ملت ایران است که دراستقلال، آزادی، جمهوری اسلامی تجلی دارد. یعنی همان شعارهای پایدار وماندنی مردم و بر این اساس برای انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی شعار امنیت، عدالت، رونق اقتصادی را برگزیده‌ایم."

---

۱. آفتاب امروز، ۷۸/۱۱/۱۵. ۲. رسالت، ۷۸/۱۰/۲.

مرزبندی نیروهای خودی و غیرخودی[1]:

"این تقسیم بندی (خودی وغیرخودی) مبتنی بر معارف دینی ومکتبی است که ما می‌خواهیم به وفاق ملی بیشتری دست پیدا کنیم. بحث خودی وغیرخودی در واقع مرزبندی بین حق و باطل، صلاح و فساد، محرم ونامحرم و دوست و دشمن است. کسانی که نظام سیاسی انقلاب وکشور را به رسمیت نمی‌شناسند و درصدد براندازی و کودتای خزنده فرهنگی و سیاسی‌اند بی‌تردید در جبهه دشمن و غیرخودیها قرار می‌گیرند. کسانی که خط دشمن را در داخل تعقیب و زمینه را برای تسلط قدرتهای جهانی بر کشور فراهم می‌سازند و به وحدت ملی و امنیت کشور آسیب می‌رسانند بی‌تردید غیرخودی‌اند. و همه کسانی که قانون اساسی، ارزشهای انقلاب، خط امام و رهبری، خدمت به مردم ومخالفت با سلطه بیگانگان را پذیرفته‌اند خودی اند و صدالبته همه آحاد ملت دراین گروه قرار می‌گیرند."

برخی از مواضع جمعیت ایثارگران که در بیانیه‌های این جمعیت منعکس شده است را در ذیل می‌خوانیم[2]:

قوه قضائیه:

"اجرای عدالت، حفظ استقلال، عمل به وظایف قانونی، انتظارات همیشگی مردم از دستگاه قضایی بوده و هست. وقتی «عدالت» برقرار شد «امنیت» هم بر جامعه سایه می‌افکند و فساد در ابعاد اقتصادی، اداری، امنیتی، فرهنگی و سیاسی به حداقل می‌رسد. امروز زمزمه هایی به گوش می‌رسد که می‌خواهند قوه قضائیه را نیز در زیر چتر اهداف باندی و گروهی خویش قرار دهند و در صورت مقاومت، این دستگاه مستقل عدالتخواه را متهم به مقابله با اصلاحات نمایند. اصلاحات در قوه قضائیه با تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مردم، پیشگیری از وقوع جرم، گسترش عدالت، کوتاه کردن فرآیند دادرسی (که مهمترین خواسته مردم است) تربیت و اصلاح مجرمین، برخورد با زرمندان و زورمندانی که از رانت‌های اقتصادی و سیاسی درحاکمیت بهره می‌گیرند حاصل می‌شود نه با شعار و تن‌دادن به سلطه یک حزب شبه دولتی و یا مطبوعات زنجیره‌ای."

---

۱. شما، ۷۸/۵/۲۱.
۲. خبرنامه شماره ۴۴، ۷۹/۴/۲۵.

اصلاحات:

"اصلاحات جزو ذات و ماهیت انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی در سیر تاریخی خود همراه با تحول، دگرگونی و اصلاحات همه جانبه بوده است. انقلاب در سومین دهه حیات جلسه خود برای استمرار و پویایی خود و پاسخگویی به مطالبات و خواست افکار عمومی و به ویژه نسل جوان نیاز به برنامه مدون شده اصلاحات دارد. «منشور اصلاحات» که حاصل اجماع نخبگان، اندیشمندان، جناح‌های سیاسی و... در چارچوب ارزشها، قانون اساسی و دغدغه‌های مردم می‌باشد می‌توان سرآغاز مبارکی برای ساماندهی نظام اداره کشور در برنامه سوم توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد. اصلاحات باید براساس اسلام و معیارهای ملی و بومی باشد."

"رعایت آرمانهای بنیانگذار جمهوری اسلامی، تأکید بر اهداف عالیه انقلاب و شایسته‌سالاری در عمل، تحمل آرای منطقی مخالف، پاسخگویی مستمر دولتمردان، نظارت همگانی و مستمر بر عملکرد مسئولان و نقد مشفقانه عملکرد آنان، مشارکت نهادینه مردمی، جریان آزاد اطلاع‌رسانی، مقابله با انحصارطلبی و تمامیت خواهی و سالم‌سازی ساختار سیاسی و اداری کشور از جمله الزامات اصلاح‌طلبی اسلامی در دهه سوم حیات انقلابی اسلامی خواهد بود."

"توجه به نقش بی‌بدیل رهبری و ولایت فقیه در نظام دینی که نماد و تبلور جمهوریت، اسلامیت و وحدت ملی کشور محسوب می‌گردد برای هدایت، اصلاح، بهبود و اداره کلان اصلاحات یک ضرورت حتمی است."

"امروز نیازهای اولویت دار جامعه برای اصلاحات را در حوزه‌هایی چون اشتغال، معیشت، ساماندهی اقتصادی مردم، کاهش تنش وایجاد آرامش، افزایش امنیت ملی، بالابردن درآمد وتوان مالی، توسعه فرهنگی ـ اجتماعی و سیاسی، تنش زدایی، بسط روابط دوستانه باجهانیان، اصلاح ساختار اداری، مقابله با ارتشاء، فساد، ناامنی، قاچاق، تبارگرایی، تبعیض و بی‌عدالتی و... تأمین امنیت و حاکمیت قانون باید جستجو کرد."

در آستانه انتخابات مجلس ششم که این جمعیت حضور پررنگی در آن داشت و با

لیست کاملی از کاندیداها در تهران و برخی از شهرستانها وارد صحنه انتخابات شده بود، دیدگاهها و مواضع سیاسی این جمعیت به طور خلاصه بشرح زیر اعلام شد[۱]:

ـ دین در ذات خود مبلغ آزادی است. آزادی که هم «حدود خدا» را حرمت می‌نهد و هم «حقوق انسان» را پاس می‌دارد.

ـ مردم و رهبری رمز پیروزی و تداوم انقلاب بوده و هستند. مردم سالاری منبعث از معرفت دینی وولایت فقیه استوارترین محور وحدت ملی است که حفظ استقلال کشور و حفظ تمامیت ارضی جز با تکیه بر آن میسر نیست وامروز حضرت آیةالله خامنه‌ای مدظله العالی با اقتدار و شایستگی راه امام را ادامه می‌دهند.

ـ مناسبات اجتماعی باید بر محور حفظ حدود الهی و کرامت انسانی شکل گیرد.

ـ حاکمیت قانون از مؤثرترین راهکارهای دستیابی به عدالت اجتماعی است.

ـ حفظ استقلال کشور ونفی هرگونه وابستگی، تنش زدایی و تنظیم روابط خارجی در گرو سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» است.

ـ انقلاب در دهه سوم حیات خود نیازمند اصلاحاتی در سیستم اجرایی، قانونگذاری و قضایی است و تحول اداری، حاکمیت فرهنگ خدمتگزاری به مردم، سرعت بیشتر در ارائه خدمات دولتی و احترام به ارباب رجوع مرکز ثقل چنین تحولی است.

ـ امنیت اجتماعی و فردی نشانگر اقتدار نظام اسلامی بوده و منشأ آرامش جامعه تلقی می‌گردد. باید با تقویت دستگاههای امنیتی، انتظامی و قضایی ریشهٔ خشونت در تمام مظاهر آن خشکانده شود و غفلت از تأثیر سیاست‌ها و شرایط اقتصادی بر ناهنجاری‌های اجتماعی نادیده گرفتن بخشی از واقعیات مسلم است.

ـ حمایت از نهادهای قانونی و قوای سه‌گانه بویژه ریاست جمهوری اسلامی، تکلیفی الهی و ملی است.

ـ تلاش برای وفاق وهمدلی نیروهای انقلاب به منظور تحقق خانواده بزرگ انقلاب را ضرورت مقطع فعلی می‌دانیم.

۱ـ انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۶.

ـ اداره کشور نیازمند مدیران کارآزموده، توانمند، شجاع و دین‌باور است. سپردن کارهای بزرگ به افراد کوچک و ضعیف موجب خسران کشور و ضایع کردن سرمایه‌های ملی است.

ـ گرایش برخی از مسئولان به اشرافی‌گری باعث جدایی آنان از مردم شده و اعتماد عمومی را سلب می‌کند.

ـ توسعه ایده‌آل اسلامی، نظام پاسخگویی، شور و شعور است و هیچ پرسشی نباید بدون پاسخ بماند، جمعیت ایثارگران برای رسیدن به اهداف سیاسی تعیین شده در اساسنامه خود خط‌مشی‌های زیر را در اساسنامه جمعیت گنجانده است:

"۱ـ اهتمام ویژه به منظور ارتقاء دانش و معرفت دینی و فرهنگ عمومی و سیاسی مردم خصوصاً نسل جوان.

۲ـ نقد و بررسی سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکرد دستگاههای مختلف و تلاش در جمعیت ارائه راهکارهای مناسب برای اصلاح امور.

۳ـ انجام فعالیتهای مختلف سیاسی و اعلام مواضع و دیدگاهها و ارائه تحلیل‌های مورد نیاز در مناسبت‌ها، رخدادها و مواقع مقتضی در چارچوب مرامنامه و اساسنامه جمعیت.

۴ـ به کارگیری شیوه‌های قانونی مناسب برای تنویر افکار عمومی، اطلاع‌رسانی، تأمین و توسعهٔ آزادی‌های مشروع و قانونی.

۵ـ تلاش ویژه برای شناسایی، جذب، سازماندهی و اتحاد روزافزون بین جناح‌ها، تشکل‌ها و نیروهای سیاسی وفادار به انقلاب، خط امام و رهبری جهت تشکیل «جبهه همبستگی نیروهای انقلاب، وفاداران امام و رهبری."

۶ـ همکاری، و همفکری با احزاب، انجمن‌ها و دیگر تشکل‌های اسلامی و قانونی کشور.

۷ـ شناسایی، جذب، آموزش، سازماندهی نیروهای علاقمند و واجد شرایط برای عضویت در جمعیت.

۸ـ تلاش برای حل مشکلات جامعه از طرق مناسب از جمله ارائه پیشنهادات و

طرح‌های لازم، نقد و بررسی عملکرد دستگاهها، و نظارت برفعالیت آنان در راستای فریضه امر به معرف و نهی از منکر.

از به کارگیری تمهیدات لازم از سوی جمعیت در دفاع از حقوق قانونی مردم به ویژه اعضاء جمعیت، داوود دانش جعفری از اعضای شورای مرکزی جمعیت ایثارگران در مورد برخی از مسائل سیاسی روز چنین اظهارنظر می‌کند[۱]:

اصلاحات:

"اصلاحات در درون نظام و مبتنی بر قانون اساسی، شرایط اجتماعی، فرهنگ عمومی و احکام شرع به بالندگی، رشد و تحکیم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی منجر می‌شود که هرگز مطلوب آمریکا و اسرائیل نیست و اما اصلاحات موردنظر آنان چیزی جز استحاله نظام، قیام علیه همه باورها و آرمانهای انقلاب، اعلام پایان انقلاب و تن دادن به نظام سلطه و بهره گیری از الگوهای غرب نیست."

"اصلاحات نباید به شعار یک گروه محدود، و یا به راه و بستر نفوذ آمریکایی‌ها منجر گردد. بلکه اصلاحات باید به برنامهٔ همه جانبه نظام تبدیل و شاخص‌ها و تأثیرات خود را در برنامه‌های توسعه کشور نمایان کند. در این صورت دیگر این مفهوم از تحریفات و تفسیرهای گوناگون شخصی و گروهی و حتی ضددینی و ضدانقلابی مصون می‌ماند. متمرکز کردن اصلاحات بر مفاهیم سیاسی همانقدر خطاست که محدود کردن توسعه به یک بعد. اصلاحاتی کارآمد خواهد بود که همه سیستم نظام اجتماعی، انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را در برنامه‌ای هماهنگ، همه جانبه وموزون تحت پوشش قرار دهد. شتاب اصلاحات نیز باید طبق همین برنامه تنظیم گردد. چراکه تندروی و کندروی هر برنامه واندیشه صوابی را به انحطاط و نابودی و انحراف می‌کشاند."

جریان نفاق:

"امروز جریان نفاق در چهره‌ای جدید، نقش جاده صاف کن آمریکایی‌ها برای سرنگونی و استحاله نظام را بازی می‌کند."

---

۱. کیهان، ۷۹/۴/۲۱.

عبدالحسین روح الامینی[۱] از اعضای برجسته جمعیت ایثارگران که سابقه فعالیت سیاسی در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را دارد، در مورد مسائل سیاسی مهم روز جامعه چنین اظهار نظر می‌کند:

مهمترین چالش نظام:

"مهمترین چالش نظام بحث «کارآمدی» آن در تمام ابعاد است. باید پس از گذشت ۲۰ سال به این سؤال پاسخ بگوییم که در ارائه یک الگوی کامل از نظام اسلامی تا چه حد موفق بوده‌ایم. باید دید کاستیهای موجود ناشی از شرایط تحمیلی سیاسی و اقتصادی دشمن است و یا ریشه در سوء تدبیر و مدیریت ضعیف در کشور دارد."

تبلیغات جناح‌ها:

"جامعه‌ای که از مشکل جدی عدم اشتغال و بیکاری در رنج است و اقتصاد آن با همه توانمندی و پیچیدگی هایش به معضلی لاینحل مبدل شده نمی‌تواند خود را هر روزه اسیر تبلیغات ناامیدکننده گروهها و جناحهای سیاسی ببیند. از این رو همه کسانی که دل در گرو انقلاب و امام دارند باید با همدلی و همراهی با دولت «امید» را در جامعه زنده کنند، «آبادانی و پیشرفت» را در تیررس نگاه خود قرار دهند، به «تولید بیشتر» و استقلال کشور بیاندیشند و از اصلی کردن مسائل فرعی و فراموش کردن مسائل اصلی پرهیز کنند."

برخی دیگر از دیدگاههای سیاسی این جمعیت در آستانه مجلس ششم[۲] به شرح زیر اعلام شدند:

لزوم فعالیت گروههای سیاسی:

"جبهه نیروهای خودی باید به این باور برسند و بدانند که از نظر تئوری و تجربی، امکان ادارهٔ جامعه صرفاً به دست یک جریان سیاسی امکانپذیر نبوده و حذف سایر نیروها، جامعه را از توانایی‌های انسانهای شایسته محروم می‌سازد. بر این اساس همه باید به جای باندبازی و ایستادگی بر قواعد «قبیله گرایی حزبی» به شایسته‌سالاری روی بیاورند. با چنین گرایش، زمینه همدلی نیروهای خودی بیشتر شده و مجلس با حضور چهره‌های خدوم،

---

۱. گفتگوی اختصاصی در تاریخ ۷۸/۱۱/۲۰، جمعیت ایثارگران.
۲. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۶.

پرتلاش، مبارز و کارآزموده در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرد."

اختلاف و درگیری جناحها:

"ما بر این باوریم که جریان پیچیده نفاق از نیروهای افراطی موجود در همه جناح‌ها بهره می‌گیرد تا با ایجاد اختلاف و درگیری بتواند فضای ناامنی را به وجود آورد که در سایه آن جریان سوم پیروز شود. لذا چالش بزرگی بین نیروهای اصیل انقلابی، پیروان خط امام و رهبری با مخالفان نظام وانقلاب رخ خواهد داد."

مواضع اقتصادی:

دانش جعفری[1] منتقد اقتصادی و از اعضای شورای مرکزی جمعیت ایثارگران در مورد مسائل اقتصادی نظریاتی دارند که در ذیل آن را مرور می‌کنیم:

طرح ساماندهی اقتصادی کشور:

"نکته اصلی که برای تحول درونی اقتصاد کشور نیاز است این است که مقوله سرمایه گذاری، تولیدو صادرات در کشور فعال و راه اندازی شود. متأسفانه در سال گذشته میزان ریسک ایران از نقطه نظر کشورهای جهانی افزایش یافت وایران از رتبه پنجم به رتبه ششم تنزل کرد و در واقع به دلیل عدم پرداخت و یاتأخیر در پرداخت بدهی‌های خارجی و استهمال آنها، ریسک ایران برای سرمایه گذاری بیشتر شده و اکنون برای بیمه وارداتی که به ایران صورت می‌گیرد، مبالغ هنگفتی باید پرداخت شود. این موضوع هزینه سرمایه گذاری و تولید در کشور مربوط به سالهای اخیر نیست، بلکه همواره با آن مواجه بوده‌ایم، حتی در سالهای برنامه اول و دوم نیز نسبت سرمایه گذاری بـه تولید ناخالص داخلی افزایش چشمگیری نداشت و به هیچ وجه این نسبت به بیش از ۱۷ درصد نرسید، در حالی که امروزه برای یک رشد اقتصادی معمولی این نسبت باید به حداقل ۲۵ درصد برسد. لذا به طور کلی سیاستهایی که در کشور اجرا شده در جهت حمایت از سرمایه گذاری و تولید نبوده است."

---

۱. رسالت، ۷۹/۲/۶.

برنامه سوم توسعه اقتصادی و نواقص آن:

"برنامه سوم از لحاظ اجرائی از دو برنامه اول و دوم، به دلیل پیش‌بینی مهندسی‌های لازم قدری جلوتر است، ولی از لحاظ فقدان اندیشه سیستماتیک از دو برنامه قبلی عقب‌تر است. یعنی به طور قطع برآیند مهندسی‌های جزء به جزء پیش‌بینی شده در برنامه سوم منجر به توسعه اقتصادی پویا و پایدار نخواهد گردید. خصوصی‌سازی ضعیف و احتیاط‌آمیز، بدون پیش‌بینی روشهای اجرائی مناسب و تغییر در مدیریت واگذاری، فقدان استراتژی خاص در توسعه صنعتی، عدم توجه به کاهش حمایتهای صنعتی، عدم توجه مناسب به حمایتهای اجتماعی، روشن نبودن وضعیت نظام ارزی و نرخ ارز و... از ضعفهای عمده برنامه سوم هستند که به دلیل فقدان پشتوانه نظری در برنامه‌ریزی وجود دارند. مدل‌سنجی بکار گرفته شده در پیش‌بینی‌های کمی (علی رغم ضعفهای تکنیکی) به دلیل عدم اتکا به یک مدل نظری آزمون شده و قوی، غیرقابل قبول است."

اقتصاد درون زا مزیتهای نسبی در اقتصاد کشور:

"به عنوان یک نقطه نظر می‌توان هدف را دستیابی به اقتصادی پویا قرار داد، اقتصادی که نیروی محرکه آن درونزا باشد و براساس انگیزه‌های رایج اقتصادی کار کند. اقتصاد ایران برای تحقق این هدف، زمینه‌ها و پتانسیل‌های لازم را دارد. از لحاظ تنوع آب و هوایی ۱۱ نوع از ۱۳ نوع آن در ایران موجود می‌باشد. از لحاظ تنوع ذخایر معدنی در دنیا در رتبه پنجم و از لحاظ حجم ذخایر سوم می‌باشیم. کشور ایران یکی از جوانترین کشورهای دنیاست و از لحاظ تخصصی و نیروی انسانی متخصص در وضعیت قابل قبولی قرار دارد. از لحاظ موقعیت ژئوپلتیک یکی از حساس‌ترین مناطق استراتژیک دنیا به شمار می‌آید. از لحاظ امکانات زیر ساختی امکانات مناسبی در اختیار دارد، سابقه فرهنگی طولانی دارد و... با وجود این همه پتانسیل، تحقق هدف توسعه‌ای پویا و پایدار دور از دسترس نیست."

اقتصاد دولتی یا مردمی:

"ما باید به نهادهای واسطه بین دولت ومردم اهمیت زیادتری بدهیم و اجازه ندهیم اختاپوس دولت، آنها رانابود کند."

خروج از رکود اقتصادی:

"برای خروج از رکود اقتصادی باید فعالیتهای اقتصادی تشدید شود. به عبارت دیگر مردم سرمایه و امکانات خودشان را که قابل توجه است در طرحهای اقتصادی به کار گیرند و نه اینکه در طرحهای دلالی و سفته‌بازی و کارهای غیرمولد اقتصادی مشغول شوند. این وضعیت که نتیجه شرایط ناآرام و بی‌ثبات سیاسی، اقتصادی است روز به روز نگرانی آنهائی که می‌خواهند یک کاراقتصادی با ثبات و درازمدت انجام دهند را بیشتر می‌کند. بنابراین اولین کاری که می‌شود انجام داد آرامش خاطر و امید آینده دادن به آنان است. ما حتی اگر سرمایه کافی هم نداشته باشیم ولی محیط مناسبی برای سرمایه گذاری و به طور کلی فعالیت اقتصادی داشته باشیم ممکن است از خارج کشور هم سرمایه جلب کنیم."

مشکل بیکاری:

"آمار نشان می‌دهد که مشکل بیکاری ناشی از کاهش سرمایه گذاری است تا این پدیده حل نشود نمی‌توان با بیکاری مبارزه کرد. اگر دولت توان کافی سرمایه گذاری داشت گرچه اقتصاد دولتی سیطره پیدا می‌کرد، می‌توانست مشکل بیکاری را حل کند ولی وقتی منابع دولتی کفایت نمی‌کند باید مردم به صحنه بیایند. این نسبت ۱۳٪ سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که ما حتی نیمی از نیاز خودمان را براساس استانداردهای جهانی تأمین نکرده‌ایم."

در آستانه انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، جمعیت ایثارگران اهداف اقتصادی خود را چنین بیان می‌کند[1]:

"-بی توجهی به معضلات اقتصادی و گسترش شکاف طبقاتی در جامعه، باعث نگرانی همه دلسوزان است.

-مهار تورم و پیشگیری از بحران فزاینده بیکاری و افزایش تولید و تشویق صاحبان سرمایه برای سازندگی و آبادانی کشور باید در دستور کار دولت و مجلس ششم باشد.

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۶.

مواضع فرهنگی:

حسین فدایی دبیر کل جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در مورد مسائل فرهنگی چنین می‌گوید[1]:

مطبوعات:

"بانگاهی به تحریکات برخی مطبوعات می‌بینیم حرکت هماهنگ برای سنجش میزان حساسیت مردم و یاکاهش «غیرت دینی» جامعه به چشم می‌خورد."

اهانت مطبوعات به مقدسات:

"متأسفانه در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم و مسئولانی داریم که این اهانت آشکار و مسلم و سخیف را در حد بدسلیقه گی، مسأله‌ای کوچک و در حد تخلف یک فرد ناآگاه می‌دانند، اما واقعیت حکایت از تحرکی یا جریانی دارد که به سادگی نمی‌توان از آن عبور کرد."

در آستانه انتخابات مجلس ششم این جمعیت دیدگاههای فرهنگی خود را چنین بیان می‌کند[2]:

"ـ آزادی مطبوعات دستاورد انقلاب مردم در بهمن ۵۷ به رهبری امام خمینی(ره) است و رسالت مطبوعات در پرسشگری و آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی متبلور است.

ـ جوانان سرمایه‌های امروز کشور و مدیران و امیدهای فردا هستند. باید فارغ از شعارهای سطحی، آنان را باور کرد و با انتقال مسئولیتهای کشور به جوانان، بالندگی انقلاب را تضمین کرد."

---

۱. شما، گفتگوی اختصاصی حسین فدایی، ۷۸/۷/۵.   ۲. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۶.

دفتر تحکیم وحدت

نام کامل: اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت)

دبیر سیاسی: علی افشاری

اعضای فعال: در حال حاضر علی افشاری، نیما فاتح، ابراهیم شیخ، اکبر عطری، محمدمهدی طباطبائی.

اعضای قدیمی آن: عباس عبدی، حبیب اله بیطرف، ابراهیم اصغرزاده، معصومه ابتکار، سیدمحسن میردامادی، مجتبی هاشمی، حسین رحیمی، افشار، سیدزاده، ابوالفضل فاتح، طاهری، مجید فراهانی، علی توکلی یرکی، محمود احمدی‌نژاد، هدایت اله آقایی، حسین رحیمی، علی مغار عابد.

تذکر:

اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت شش نفر می‌باشند که به وسیله رأی‌گیری از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشگاههای سراسر کشور در هر سال انتخاب می‌شوند و پس از پایان مدت مقرر افراد دیگری جایگزین اعضای قبلی این شورا می‌شوند از این رو پیوسته اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم در حال تغییراند. علت کوتاه بودن مدت تصدی

اعضای شورای مرکزی آنست که دفتر تحکیم اصولاً یک تشکل دانشجویی است و اعضای شورای مرکزی نیز بیشتر از دانشجویان انتخاب می‌شوند و پس از اتمام تحصیل از شورای مرکزی کنار می‌روند.

مرامنامه:

مقدمه:

حاکمیت استعمار غربی و رژیم وابسته شاهنشاهی بر شئون مختلف جامعه:

علیرغم مبارزات مستمر پیروان تشیع سرخ که به پیروی از ائمه‌اطهار علیهم‌السلام و در مقابله با حاکمان جور وحکومتهای وابسته به قدرتهای خارجی در سرزمینهای اسلامی انجام می‌یافت و نیز با وجود حرکتهای انقلابی و اعتراضی ضداستبدادی و ضداستعماری که در دو قرن اخیر و با رهبری وحضور فعال علمای دین صورت پذیرفت، همچنان شاهد حاکمیت ضداسلامی شاهنشاهی وابسته، بخصوص در نیم قرن اخیر بودیم که بر تمامی شئون جامعه پنجه افکنده بود.

فرهنگ استعماری

به دنبال حرکت رنسانس در غرب بر علیه حاکمیت قرون وسطایی کلیسا و مطرح شدن تفکر انحرافی اصالت علم که سرانجام به نفی وحی و فعال مایشایی انسان بدون نیاز به قوانین الهی انجامید، استعمارگران با استخدام این حرکت درجهت منافع خود شیوهٔنوین استعمار فرهنگی به عنوان پیشقراول سلطهٔ بی‌دردسر بر ملتهای مستضعف را پیشهٔ خود ساختند، و با روشها حساب شده قشر غرب‌گرا و غرب‌زده‌ای را به عنوان ایادی خود در درون ملتها پروراندند.

دانشگاههای گذشته

فلسفه پی‌ریزی دانشگاههای گذشته پرورش چنین افرادی بود که بتوانند حامل مناسبی برای فرهنگ استعماری و بالتبع حافظ منافع استعمارگران و تغذیه کنندهٔ نظام طاغوت باشند. از این رو ابعاد مختلف دانشگاه، اعم از فرهنگ و اخلاق حاکم، محتوا و نظام

آموزش، نظام مدیریت و غیره در جهت اهداف مذکور شکل گرفته و حرکت نظام دانشگاهی به سوی تجزیه و تلاشی فرهنگ جامعه و وابستگی همه جانبه کشور بود، و دانشگاهها به مراکز بزرگ اسراف بیت‌المال بدل گشته بود.

حرکت اسلامی دانشجویی

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد حرکتهای مبارزاتی و اعتراضی برعلیه رژیم طاغوت در دانشگاهها بودیم که تحت پوشش‌های مختلف و با انگیزه‌های سیاسی وغالباً از سوی دانشجویانی که بالنسبه از فرهنگ ونظام حاکم بر کنار بودند انجام می‌گرفت. پایگاه مساجد دانشگاهها علاوه بر سایر امکانات محل مناسبی برای آگاهی، ارتباط و انسجام دانشجویان مسلمان ورشد حرکتهای آنان بود. ضعف اساسی و مهم این حرکتها جدا بودن از مردم و برکنار ماندن از عوامل و آرمانهای انگیزانندهٔ مردم و نیز ضعف در برخورداری از یک تفکر عقیدتی منسجم و صحیح اسلامی بود. به این دلایل و نیز به سبب حاکمیت خفقان ودیکتاتوری است که با وجود اینکه اعتراض‌ها، اعتصابها ودیگر حرکتهای مبارزاتی با شدتهای متفاوت همواره در دانشگاهها وجود داشت، اما بندرت دامنهٔ آنها از محیط دانشگاهی فراتر می‌رفت.

به تدریج با طرح رهبریت امام خمینی مدظله العالی و آرمان حکومت اسلامی در میان دانشجویان مسلمان حرکتهای اسلامی دانشجویی جهت صحیح خود را یافته و در یکی دوسالهٔ قبل از انقلاب فعال‌ترین و مؤثرترین دورهٔ تحرک آنان فرا می‌رسد.

با حرکت امام امت و روحانیت متعهد زمینه‌های آگاهی و عصیان مردم مسلمان فراهم گشت و آرمانهای اصیل اسلامی درگسترده‌ترین سطح اجتماعی مورد استقبال و اعتقاد قلبی قرار گرفت و انقلاب اسلامی با لطف الهی و نیروی شگرف توده‌های ایثارگر مسلمان و به رهبری ولی فقیه زمان به پیروزی دست یافت. در این مقطع امواج پرخروش انقلاب و شور و تحرک بی‌نظیر امت نقشی خاص برای قشر روشنفکر از جمله دانشجویان باقی نگذاشت و دانشجویان مسلمان در نهایت توانستند با ملت همگام مانده، از آنان عقب نمانند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جریان اسلامی دانشجویی عمدتاً در قالب انجمنهای

اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان درمراکز آموزش عالی سراسر کشور شکل گرفت و با ایجاد هماهنگی‌های اولیه میان خود به حضور امام امت رسیدند و ایشان رهنمودهایی از جمله ضرورت اتحاد و انسجام میان دانشجویان مسلمان در دانشگاهها بیان فرمودند. پس از آن تماس و ارتباط با روحانیون متعهد و معتقد به ولایت فقیه ادامه یافت و برخلوص و یکدستی جریان اسلامی دانشجویی افزوده گشت.

در طی حاکمیت دولت موقت با مشی سازشکارانه‌ای که داشت، دانشجویان مسلمان به دفاع از انقلاب اسلامی در جو مسموم و مغشوشی که گروهکهای رنگارنگ ضد انقلاب در مراکز آموزش عالی آفریده بودند مشغول شده و بعضاً در پی ریزی و شکل‌گیری نهادهای انقلابی مشارکت جستند.

دانشجویان مسلمان با به کار انداختن شور و تحرک و قوهٔ ابداع خویش در جهت تحقق رهنمودهای امام امت درحرکت انقلابی فتح لانه جاسوسی شیطان بزرگ و گسترش مبارزه با آمریکای جنایتکار و نیز تلاشهای انجام یافته در وحدت روحانی و دانشجو و سرانجام در حرکت عظیم انقلاب فرهنگی ـ اسلامی در نظام آموزش عالی نقش راهگشای خویش را ایفا کردند.

انقلاب فرهنگی

تداوم وضعیت ناهنجار مراکز آموزش عالی و ضدیت آشکار واساسی فرهنگ محتوا و نظام حاکم بر آنها با ارزشهای انقلاب اسلامی دانشجویان مسلمان را برآن داشت تا در پی چاره‌جویی برای دگرگون ساختن آن برآیند. پیام نوروزی امام امت در سال ۵۹ که ایجاد انقلاب فرهنگی در تمام دانشگاههای سراسر کشور در بند یازدهم آن ذکر گردیده بود، ضرورت تحول عمیق و بنیادین در نظام‌آموزش عالی کشور و جهت آنرا بیان داشت و انگیزه آغاز انقلاب فرهنگی را در نیروهای اسلامی دانشجویی بارور ساخت. انبوه نارسایی‌ها و عمق انحرافات و خرابی‌ها آنچنان زیاد بود که جز با توقف نظام دانشگاهی و پی‌ریزی اساسی دانشگاه اسلامی درمان آن غیرممکن بود. از این رو حرکت انقلاب فرهنگی توسط انجمنهای اسلامی دانشجویان آغاز گردید و پس از مدتی با فرمان امام امت

فعالیتهای پی‌ریزی و تدوین ابعاد مختلف نظام آموزشی کشور در ستاد انقلاب فرهنگی متمرکز گشت.

رسالت دانشجویان مسلمان

اکنون که انقلاب اسلامی با حرکتی شتابگیر به پیش می‌تازد ونظام آموزش عالی به سمت انطباق هرچه بیشتر با ارزشهای اسلامی گام برمی دارد، دانشجویان مسلمان می‌بایست جایگاه خود را در جامعه و در انقلاب بشناسند و با درک صحیح از مسئولیتهایی که بر دوششان می‌باشد وتلاش درمرتفع ساختن نقاط ضعف خویش، تمام نیروها و استعدادهای خود را در جهت ایفای مسئولیت‌هایشان در راستای انقلاب بکار برند.

دانشجویان مسلمان به عنوان بخشی از نیروهای فکری جامعه دو مسئولیت اختصاصی را بردوش می‌کشند. یکی نقش اجتماعی وانقلابی آنان در کلیت جامعه ونسبت به انقلاب می‌باشد. این نقش به مفهوم راهگشایی و پیشروی در مسائل اجتماعی و شناخت صحیح شرایط هر مقطع وانجام واکنش مناسب در پرتو احکام و رهنمودهای ولی فقیه می‌باشد. در حقیقت دانشجویان مسلمان می‌بایست قوهٔ ابتکار وابداع و راهیابی خود را (که نشأت گرفته از خصوصیات ذاتی و مکتسبات اخلاقی وعقیدتی‌شان می‌باشد) در خدمت نیروی عظیم امت مسلمان قرار دهند و به سهم خویش در پیشبرد انقلاب مؤثر واقع گردند.

مسئولیت دیگر ایشان تلاش در جهت برآوردن نیازهای علمی جامعه و به خودکفایی رساندن جمهوری اسلامی در بخش متخصصین و سررشته داران خلاقیت و ابتکار علمی است. دانشجویان مسلمان می‌بایست با تأکید جدی بر علم‌آموزی در کسب تخصص‌های اساسی و مورد نیاز بکوشند تا زمینه‌های استقلال کشور فراهم گردد.

تشکیلات اسلامی دانشجویی

برای آنکه نیروهای دانشجویی هرز نرود و کلیه دانشجویان بتوانند جایگاه واقعی خود را در انقلاب کسب نمایند و مسئولیتهای خویش را به نحو احسن به انجام رسانند، لازم است دانشجویان مسلمان با اعتصام به ریسمان الهی و رعایت نظم هرچه متشکل‌تر، از تشکیلات به عنوان وسیله در جهت رسیدن به اهداف اسلامی سود جویند.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت به عنوان مرکز هماهنگی و تقویت‌کنندگی آنها، تشکیلات عقیدتی، سیاسی و فرهنگی دانشجویان مسلمان معتقد و متعهد به ولایت فقیه می‌باشد.

اکنون ما با احساس مسئولیت در قبال اسلام عزیز و ولیعصر(عج) و نایب برحقش امام امت و امت شهیدپرور تشکل خود را مستحکم‌تر ساخته با تکیه بر قدرت لایزال الهی وبا اعتقاد به اصول کلی ذیل وخط مشی‌های بیان شده در جهت تحقق اهداف مرامنامه نهایت تلاش خویش را بکار خواهیم برد.

اصول کلی:

۱ـ اعتقاد به مکتب اسلام به عنوان مکتب الهی کامل و جامع و تعالی بخش انسان، مجتمع بشری و نفی هرگونه مکاتب غیرالهی و طرد عقاید واندیشه‌های مغایر با اسلام.

۲ـ ایمان به اصول پنجگانه مکتب اسلامی شامل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت.

۳ـ اعتقاد به اسلام فقاهت به عنوان اسلام راستین که در حوزه‌های علمیه جاری است و اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین علیهم السلام که تداوم بخش رسالت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) می‌باشد.

۴ـ اعتقاد به ولایت فقیه (با حدود وشرایطی که امام خمینی مدظله العالی بیان کرده‌اند.) به عنوان تبلور اسلام راستین و نیابت امام عصر(عج) در زمان غیبت کبری آن حضرت که در حال حاضر حضرت آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی می‌باشند.

۵ـ با اعتقاد به حقانیت انقلاب اسلامی در ایران و تداوم و تعمیق آن در جهت استقلال و آزادی و جمهوری‌اسلامی و ضرورت تحقق این انقلاب در جهان، باکلیه مظاهر باطل درهر بعدی مقابله نموده، ضمن حمایت از مستضعفین جهان به ویژه مسلمین عالم همراه با امت اسلامی با مستکبران غارتگر بین‌المللی بخصوص ابرقدرتهای شرق و غرب و صهیونیسم بین‌المللی و در رأس آنها شیطان بزرگ و ام‌الفساد قرن، آمریکای جنایتکار مبارزه می‌نمائیم.

۶ـ قانون اساسی را یکی از ثمرات عظیم بلکه بزرگترین ثمره جمهوری اسلامی دانسته

در جهت تثبیت و حاکمیت آن بر کلیهٔ شئون جامعه نهایت سعی و توان خویش را بـه کـار خواهیم بست.

۷ـ اعتقاد به انقلاب فرهنگی به عنوان زیربنای تمامی انقلابات (سیاسی ـ فرهنگی ـ اجتماعی و...) و نقش اساسی آن در تداوم، تعمیق و گسترش انقلاب اسلامی.

اهداف:

۱ـ تلاش راهگشا در جهت تعمیق و گسترش انقلاب اسلامی و تقویت نظام جمهوری اسلامی با در اختیار نهادن قوه ابتکار، ابداع و راهیابی دانشجویان اسلامی در خدمت نیروی عظیم ملت.

۲ـ تلاش در جهت استمرار انقلاب فرهنگی اسلامی در سطح جامعه و نظام تعلیم و تربیت کشور به ویژه نظام آموزش عالی، جهت ساختن دانشگاه اسلامی، با اجرای فرامین و رهنمودهای امام خمینی به منظور ایجاد نظامی منطبق بر معیارهای اسلامی.

۳ـ مشارکت و تلاش در جهت وحدت و تشکل امت اسلامی تحت‌نظر ولی فقیه که تمامی گروهها و دستجات معتقد و متعهد به ولایت فقیه را دربرگیرد.

۴ـ ایجاد و گسترش زمینه کار فکری عقیدتی، سیاسی، فرهنگی و تهذیب نفس و تداوم آن در محیط آموزشی و افراد دانشگاهی و دیگر سطوح جامعه بـه صورت تـعلیم، تـعلم، تحقیق و تحلیل و ترویج عقاید، اخلاق و اعمال اسلامی.

۵ـ تلاش در جهت تحقق وحدت حوزه و دانشگاه.

۶ـ تلاش در جهت ایفاء رسالت دانشگاه درصدور انقلاب اسلامی.

۷ـ استمرار و تداوم تشکیلات سراسری اسلامی دانشجویی جهت هماهنگی و تقویت انجمنهای اسلامی دانشجویی بمنظور ایفای رسالتهای دانشجویان مسلمان.

۸ـ تلاش در جهت ایجاد جریان سراسری اسلامی دانشجویی در جهان از طریق مشارکت در هماهنگی تشکلهای اسلامی دانشجویان خارج از کشور به ویژه دانشجویان ایرانی.

۹ـ کوشش در برآورد نیازهای علمی جمهوری اسلامی و به خودکفایی رساندن جامعه

در بخش متخصصین و سررشته داران خلاقیت وابتکار علمی و رهایی از هرگونه وابستگی.

تذکر: این مرامنامه پس از تدوین توسط اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) به نظر آیت الله جوادی آملی، آیت الله صانعی و آیت الله سیدعلی خامنه‌ای رسید و پس از آن در بخش دوم در نشست دفتر تحکیم وحدت توسط نمایندگان دانشجویان به تصویب نهایی رسید.

تاریخچهٔ تشکیل:

اولین انجمن اسلامی دانشجویان ایران در دانشکده فنی دانشگاه تهران توسط مرحوم مهدی بازرگان ومرحوم آیت الله محمود طالقانی در حدود ۵۱ سال پیش تأسیس شد وکم و بیش انجمن اسلامی دانشجویان به صورت مخفی یا آشکار در بسیاری از دانشگاههای کشور در قبل از انقلاب اسلامی فعالیت می‌کردند. پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ در اوایل سال ۱۳۵۸ گروهی از دانشجویان مسلمان با رهبر کبیر انقلاب امام خمینی(ره) دیدار کردند که در این دیدار امام به دانشجویان توصیه کردند که: «بروید تحکیم وحدت کنید.» از آن پس به منظور اجرای منویات رهبر کبیر انقلاب برخی از این دانشجویان که سابقه فعالیتهای سیاسی در قبل از انقلاب نیز داشتند تشکلی بنام اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور و یا دفتر تحکیم وحدت انجمنهای اسلامی و سازمانهای دانشجویی سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) را تشکیل دادند، دو ماه بعد عده‌ای از اعضای این تشکل واقعه‌ای را رقم زدند که تا سالها و حتی امروز مورد بحث تحلیل گران سیاسی قرار می‌گیرد. در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ دانشجویان مسلمان در سالگرد تبعید امام خمینی(ره) و روز دانش‌آموز طی تظاهراتی به سفارت آمریکا در تهران حمله کرده و آن را اشغال کردند. این واقعه به‌تعبیر امام (ره) انقلاب دوم لقب گرفت و با استقبال بسیاری در داخل کشور مواجه شد اما از همان زمان تا کنون گروههایی در داخل و بسیاری دولتهای خارجی مخالفتهایی را با این حرکت آغاز کردند. پس از تشکیل، اعضای برجسته[1] این

---

۱. مصاحبه محمود احمدی نژاد با هفته نامه شما، ۷۸/۸/۲۷.

تشکل خدمت امام(ره) رسیدند و اساسنامه و مرامنامه آن را خدمت ایشان ارائه دادند و از امام درخواست نماینده‌ای نمودند که ایشان آقایان هاشمی رفسنجانی و رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای را معرفی نمودند. پس از رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان نماینده امام در شورای عالی دفاع بود قرار براین شد که شورایی تشکیل شود و بر دفتر تحکیم وحدت نظارت کند. اعضای این شورا عبارت بودند از سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، ابوالحسن بنی صدر، حسن حبیبی، محمد مجتهد شبستری. پس از آن دفتر تحکیم طرحی در زمینه انقلاب فرهنگی و سالم‌سازی دانشگاهها تهیه کرد، هرچند بعد از تعطیلی دانشگاه انقلاب فرهنگی از دست دانشجویان خارج شد و به صورت رسمی درآمد، ولی طرح اولیه انقلاب فرهنگی توسط دانشجویان انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) ارائه شد. پس از آن همزمان با بازگشایی دانشگاهها و شروع جنگ، تشکیل بسیج دانشجویی و اعزام دانشجویان به جبهه‌های جنگ از اعم فعالیتهای انجمن اسلامی دانشجویان بود.

مجید فراهانی از اعضای اسبق دفتر تحکیم وحدت[1] در مورد تاریخچه این تشکل چنین می‌گوید:

"اولین حضور سیاسی دانشجویان در عرصه سیاسی انتخابات در سال ۱۳۶۲ بود که علیرغم نظرات عده‌ای در مخالفت با حضور دانشجویان در صحنه انتخابات با تأکید حضرت امام(ره) وارد صحنه انتخابات شدند. اوج فعالیتهای انتخاباتی دفتر تحکیم در دوره سوم مجلس بود که لیست نامزدهای آن با استقبال چشمگیری روبه‌رو شد و عده‌ای از اعضای دفتر تحکیم وارد مجلس شدند. پس از سال ۱۳۶۸ و انتخابات ریاست جمهوری که طی آن دولت در اختیار جناح راست قرار گرفت و از طرفی با پایان جنگ فعالیت سیاسی دانشجویان رو به کاهش نهاد، اما دید انتقادی دفتر تحکیم وحدت نسبت به دوران سازندگی همچنان ادامه داشت. سیاست تعدیل که توسط دولت هاشمی رفسنجانی اعمال می‌شد از دید اعضای دفتر تحکیم وحدت منجر به فقر و فاصله طبقاتی شده بود که این دو با آرمانهای

---

۱. آزاد، ۷۸/۹/۱۵.

این تشکل یعنی عدالت و آزادی همخوانی نداشت. از این رو در عین حالی که فعالیت دفتر تحکیم وحدت تا حدودی محدود شده بود ولی انتقاد به سیاستهای اقتصادی دولت همچنان ادامه داشت، اما برخی از انجمن‌های اسلامی دانشگاهها در نقاط مختلف کشور گاهی از سیاستهای اقتصادی رئیس جمهور حمایت می‌کردند. در هر حال جریان غالب دیدگاه انتقادی و بدون جنجال توسط این تشکل ادامه یافت تا سال ۱۳۷۵، افزایش فزاینده توقعات مردم از حکومت و دولت و نارضایی اقتصادی مردم یک پتانسیل عظیمی از دیدگاههای منتقد ایجاد کرده بود. در این سال دفتر تحکیم وحدت به این نتیجه رسید که اگر وارد عرصه انتخابات ریاست جمهوری آینده نشود ممکن است آرمانهای دانشجویی در آینده لطمه شدیدی ببیند.

"از این جهت با توجه به دیدگاههای غالباً چپ این تشکل و برداشت‌های کلی از دوران تصدی آقای‌هاشمی رفسنجانی این گروه هماهنگ با جناح چپ پس از هشت سال دوری نسبی از صحنه سیاسی وارد عرصه شد. این تشکل ابتدا میرحسین موسوی را به عنوان نامزد تصدی ریاست جمهوری معرفی کرد اما پس از انصراف ایشان دفتر تحکیم نیز همگام با جناح چپ سیدمحمد خاتمی را به عنوان نامزد انتخابات معرفی نمودند، که با موفقت ایشان دفتر تحکیم وحدت وارد دوران طلایی فعالیت سیاسی خود شد. یک شبکه گسترده از انجمنهای اسلامی دانشجویی در سراسر کشور که با دفتر تحکیم همکاری داشتند به حمایت از آقای خاتمی بسیج شدند. اولین فرصت جدی برای حضور آقای خاتمی در صحنه رقابت‌های انتخاباتی چند ماه قبل از دوم خرداد توسط دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. چنین متینگ انتخاباتی برای یک نامزد که کمتر تریبونهای رسمی را در اختیار داشت کم‌نظیر بود. جمعیت کثیری که به دعوت دفتر تحکیم وحدت در این مراسم شرکت کرده بودند کانون توجه مردم قرار گرفت. پس از آن هرچه می‌گذشت بر محبوبیت خاتمی کاندید جناح به اصلاح چپ و کارگزاران افزوده می‌شد که بخشی از این محبوبیت مرهون تلاشهای پی‌گیر دفتر تحکیم وحدت بود.

از سال ۱۳۷۵ به بعد دفتر تحکیم وحدت در یک استراتژی خاص تصمیم گرفت برخی

از مراسم‌ها را به صورت جداگانه با راهپیمایی آرام آغاز کند. علی‌الخصوص راهپیمایی بزرگداشت روز ۱۳ آبان که دفتر تحکیم بر این عقیده بود که این مراسم باید به صورت دانشجویی و بدون دخالت دولت و مقامات رسمی انجام شود و از آنجا که این مطلب از سوی نهادهای مسئول رد شد، دفتر تحکیم وحدت خود رأساً و جداگانه اقدام به برگزاری راهپیمایی روز ۱۳ آبان می‌نمود. این راهپیمایی‌ها باعث آغاز موضعگیری‌های از سوی برخی دیگر از دانشجویان و گروههای غیردانشجویی شد و عملاً از آن زمان به بعد اکثر راهپیمایی‌های دفتر تحکیم وحدت با مخالفت برخی نهادها یا با برخورد فیزیکی گروههایی که بعداً به آنها لقب گروه‌های فشار داده شده انجام می‌گرفت. مهمترین این برخوردها در سحرگاه روز ۱۸ تیر سال ۷۸ رخ داد که ابتدا با هجوم شبانه به کوی دانشگاه و تخریب اموال دانشجویان و ضرب و شتم آنان به بهانه تجمع دانشجویان به دلیل توقیف روزنامه سلام شروع شد و تجمع اعتراض‌آمیز دفتر تحکیم وحدت در روز شنبه ۷۸/۴/۱۹ در جلوی درب دانشگاه تهران به منظور اعتراض به این عمل، رفته رفته به یک آشوب در سطح شهر تبدیل شد، هرچند دفتر تحکیم وحدت با تحصن در مسجد دانشگاه و تشکیل کمیته متحصنان پی‌گیر خواسته‌های منطقی دانشجویان در رسیدگی به این فاجعه بودند اما با حضور عده‌ای از دانشجویان با دیدگاههای سیاسی تندروتر و وابسته به گروههای سیاسی باگرایشهای مختلف و حتی متضاد با دفتر تحکیم روند جریان بسوی دیگری منحرف شد و در روزهای ۲۱ و ۲۲ تیرماه علیرغم درخواست دفتر تحکیم برای فرصت دادن به کمیته متحصنین برای پیگیری حقوق دانشجویان برخی از دانشجویان با شعارهای تند در اطراف دانشگاه به حرکت در آمدند که البته این حرکات صریحاً از سوی دفتر تحکیم وحدت رد شد. اکنون دفتر تحکیم در اوج فعالیت سیاسی بعد از انقلاب خود قرار گرفته است و همواره به عنوان تشکلی ضد خشونت و مدافع آزادی بیان در صحنه سیاسی کشور معرفی نموده و در تقابل با جریانهای سیاسی جناح مقابل قراردارد. از منظر قانونی این تشکل فاقد مجوز از وزارت کشور می‌باشد. لیکن در بدو تشکیل آن در سال ۱۳۵۸ به دلیل شرایط زمانی و مقبولیت آن از نظر دانشجویان و مقامات دولتی این تشکل بدون مشکل ایجاد و به کار خود

ادامه داد و شاید به نوعی نیاز آن زمان جامعه دانشگاهی بود. از منظر حقوقی این تشکل به دلیل ماهیت دانشجویی انجمن اسلامی دانشجویان در وزارت فرهنگ و آموزش عالی یک تشکل فرهنگی، سیاسی تعریف شده می‌باشد. اما خود دفتر تحکیم وحدت به عنوان اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور معتقد است که نیازی به مجوز از وزارت کشور را ندارد، چراکه در قانون اساسی فعالیت سیاسی آزاد اعلام شده است و از این جهت این تشکل چون دیگر تشکلهای سیاسی بدون مجوز از منظر قانونی مشکلی ندارد.

لازم به یادآوری است در انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی این تشکل در ائتلاف با دیگر نیروهای جبهه دوم خرداد (احزاب و تشکل‌های ۱۷ گانه) حضور جدی داشت و ۵ نفر از اعضای این گروه وارد مجلس شورای اسلامی شدند.

گرایش سیاسی:

دفتر تحکیم وحدت از نظر دیدگاههای سیاسی و اقتصادی در گذشته یک تشکل با گرایش چپ اصولگرا وارزشی بوده است و خواستار اصلاحات دائمی در عملکردهای دولتهای وقت بوده است. آنچه که پس از دوم خرداد و آغاز جریان اصلاحات از این گروه دیده شد تغییرات زیادی با دیدگاههای این تشکل در اوایل انقلاب و هنگامی که نیروهای دانشجویی سفارت آمریکا را اشغال کردند نشان می‌دهد و این به نوعی تغییر و تطبیق دائمی به دلیل مقتضیات زمان کنونی است. گرایشات سیاسی دفتر تحکیم وحدت پس از دوم خرداد و شتاب آن برای ایجاد اصلاحات درتمام ابعاد آن در جامعه، باعث آن شد که برخی تحلیلگران این گروه را متمایل به جناح چپ مدرن و اصلاح‌طلب بدانند، با آنکه ظواهر امر و واقعیتهای موجود امروز این مطلب را تأئید می‌نماید، لیکن این تشکل اصالتاً خصلت ضد استکباری و اصولگرایی را به عنوان مبنای تشکیل خود دارا بوده و از این حیث یک چپ اصولگرا و ارزشی بشمار می‌رود تا یک چپ مدرن و تجدیدنظر طلب. با تغییرات سیاسی سریع امروز کشور پیش‌بینی این مطلب که دفتر تحکیم وحدت چه روندی را در آینده طی خواهد کرد و به کدام یک از گرایشهای چپ سنتی (ارزشگرا) و یا چپ اصلاح طلب (مدرن)

متمایل خواهد بود کار چندان سادهای به نظر نمی‌رسد. با این همه طباطبایی از اعضای کنونی دفتر تحکیم وحدت این تشکل را مستقل از دو جناح موجود و کاملاً مستقل می‌داند.

تشکیلات و نشریات وابسته:

به دلیل ماهیت دانشجویی دفتر تحکیم وحدت تشکیلات آن به صورت مستقل تشکیل شده است از انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور که در هر یک از دانشگاهها به صورت مستقل عمل می‌کنند. ولی دبیران انجمن اسلامی دانشگاههای مختلف ماهانه تشکیل جلسه می‌دهند و به تبیین مواضع و استراتژی خود مطابق مسائل سیاسی روز می‌پردازند. از طرفی اردوهای سالانه یا اردوهای متفاوتی که هر سال توسط این گروه تشکیل می‌شود محل بحث آزاد پیرامون شرایط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه می‌باشد.

هر ساله اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) توسط همین دبیران انجمن اسلامی دانشگاههای مختلف با مکانیسمی که در اساسنامه این تشکل وجود دارد تعیین می‌شود. شورای مرکزی این تشکل از شش دبیر که عبارتند از دبیر سیاسی، دبیر ارتباطات، دبیر پشتیبانی و مالی، دبیر فرهنگی و دبیر تشکیلات و... تشکیل شده است که این شورای مرکزی نماینده انجمن اسلامی ۶۰ دانشگاه دولتی در سراسر کشور هستند و به عنوان دفتر تحکیم وحدت فعالیت می‌کنند. البته این به معنای عدم استقلال هر یک از این ۶۰ انجمن اسلامی در حیطه دانشگاه خود نیست، بلکه هر یک ازاین انجمنهای اسلامی که خود از یک شورای دبیران شش نفره تشکیل می‌شود حق تصمیم‌گیری و اعلام نظر مستقل رانیز دارند. دفتر تحکیم وحدت به صورت مستقل نشریه خاصی ندارد ولی جزواتی به نام دانشجوی خط امام توسط این تشکل چاپ شده است. همچنین جزوه‌ای تحت عنوان نظارت استصوابی که بیانگر نظرات این تشکل است به چاپ رسیده است. در عین حال و هر انجمن اسلامی مستقر در دانشگاه خود مجاز به تهیه و توزیع بولتن‌ها و خبرنامه‌های خودمطابق قوانین می‌باشند.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

خاستگاه اولیه انجمنهای اسلامی دانشگاهها، دانشکده فنی دانشگاه تهران واعضای مؤسس آن مرحوم مهدی بازرگان وآیت اله طالقانی ودانشجویان و اساتید دانشگاه تهران می‌باشند. طبقات اجتماعی دارای گرایش به دفتر تحکیم وحدت بیشتر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان قدیمی دانشگاههای سراسر کشور می‌باشند که یا به نوعی با انجمن اسلامی دانشگاهها همکاری داشته‌اند یا دارای نوعی گرایش سیاسی به این تشکل می‌باشند، اکثراً دانشجویان و فارغ‌التحصیلان با دید روشنفکری و نوگرایی و گرایش به چپ مذهبی با این تشکل همگرایی‌فکری دارند. پس از دوم خرداد و آغاز اصلاحات تنش‌های سیاسی بین تشکلهای مختلف دانشجویی به وجود آمد که همواره دفتر تحکیم یک طرف این برخوردها بوده است. از این لحاظ می‌توان گفت این تشکل در خارج از دانشگاه و در بین طبقات اجتماعی مختلف نیز نفوذ کرده است. به طوری که در بعضی از تجمع‌های این تشکل مردم عادی نیز شرکت می‌کنند. بی تردید دفتر تحکیم وحدت و کل جنبش اصلاح طلب دانشجویی از حمایت نسبی مردم برخوردار است.

مواضع سیاسی:

دفتر تحکیم وحدت در بدو تشکیل و در اساسنامه خویش مواضع عقیدتی سیاسی خود را چنین بیان می‌کند[۱]:

"۱ـ ایجاد وحفظ ارتباط منظم و پیوسته با مقام ولایت فقیه از طریق تماس مستقیم و غیرمستقیم توسط رابط یا نماینده ولی فقیه در تشکیلات سراسری اسلامی دانشجویی.

۲ـ اعتقاد به ارائه نتایج مطالعات وتحقیقات عقیدتی خود به فقها و اسلام‌شناسان معتقد و متعهد به ولایت فقیه جهت تصویب به منظور صیانت فکری تشکیلات اسلامی دانشجویی.

۳ـ آثار اسلامی متفکرانی ملاک عقیدتی قرار میگیرد که معتقد به ولایت فقیه بوده و

---

۱. اساسنامه و مرامنامه دفتر تحکیم وحدت.

مورد تأئید ولی فقیه باشند. (که طبق فرمایش امام خمینی استادشهیدمرتضی مطهری از این گونه‌اند.)

۴ـ نهایت کوشش خود را در جهت تقویت ارکان جمهوری اسلامی و ارگانهای تصمیم‌گیری و اجرائی (مجلس شورای اسلامی، دولت جمهوری اسلامی، نهادهای انقلابی و...) به کار برده، و رعایت امر به معروف و نهی از منکر در قبال آنها را وظیفه خود می‌دانیم.

۵ـ با اعتقاد به وحدت و انسجام عقیدتی، سیاسی و هماهنگی در میان گروههای اسلامی معتقد و متعهد به ولایت فقیه، امر به معروف نهی از منکر نسبت به آنها را وظیفه خود میدانیم.

۶ـ در برابر سایر گروهها با آنان که در موضع خصومت وررویارویی با اسلام و انقلاب اسلامی نیستند، موضع عدم همکاری ونقد نظریات و مواضع آنها وافشای ماهیت اصلیشان را داریم و با گروههایی که در موضع تخریب و براندازی نظام جمهوری اسلامی باشند با توجه به رهنمودهای ولی فقیه با آنها برخورد می‌نمائیم و نهایت سعی در ارشاد نیروهای صادق و ناآگاه گروههای فوق‌الذکر را از طریق ارائه اسلام راستین به آنها خواهیم داشت.

۷ـ حمایت همه جانبه از روحانیت معتقد و متعهد به ولایت فقیه را وظیفه خود دانسته و برای گسترش اندیشه اسلامی تمامی تلاش خود را در پیوند حوزه و دانشگاه بکار خواهیم بست.

۸ـ اعتقاد به مطالعه و تحقیق مشترک طلاب علوم دینی ودانشجویان از طریق تحقیق روی مبانی اسلامی و موضوعات موردنیاز جمهوری اسلامی زیرنظر فقها و اسلام شناسان مورد تأئید ولی فقیه."

مجید فراهانی از اعضای سابق (سال ۱۳۷۷) دفتر تحکیم وحدت، برخی دیدگاههای سیاسی این تشکل را چنین بیان می‌کند[1]:

تکثر و اختلاف سلایق گروههای سیاسی:

"انجمن‌های اسلامی دانشگاهها همواره از لزوم وجود سلایق واندیشه‌های متکثر در

---

۱. ماهنامه گزارش، تیرماه ۱۳۷۷، ص ۱۷.

دانشگاه و جامعه دفاع می‌کرده‌اند ولی نه اینکه دانشگاه تبدیل بـه اتـاق جـنگ گـروههای سیاسی شود و اگر انجمنهای اسلامی وارد میدان شدند به این دلیل بود که نمی‌خواستند پای سایر گروههای سیاسی خارج دانشگاه، به داخل دانشگاه باز شود و دانشگاه عرصه درگیری و تخاصم گروههای سیاسی مخالف با یکدیگر شود.»

اشغال سفارت ودفتر تحکیم وحدت:

«داستان اشغال سفارت عکس‌العمل طبیعی مـلت، نسـبت بـه دخـالتهای بـدون پـایان استعمار آمریکا در کشور ما بوده است و واقعاً ارادهٔ‌ملت در آن مقطع به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام محقق گردید و البته در مراسمی کـه هـر سـاله انـجمنهای اسـلامی دانشجویان در سراسر کشور در ارتباط با گرامیداشت ایـن حـماسه بـرپا مـی‌کنند در کـنار تجلیل و بزرگداشت، به تحلیل آن واقعه نیز از دیدگاه سلایق متعدد سیاسی پرداخته می‌شود و این قضیه کاملاً نقدپذیر است.»

ویژگیهای سیاسی دانشجویان در کشور:

«مشخصه‌های اصلی دانشجویان در کشور ما، موضوع آرمانگرایی است که دانشجویان عمدتاً با آن مواجه هستند و بدین لحاظ نسبت به تزلزل آرمانها حساسیت دارند. یکی دیگر از مشخصه‌های دانشجو، عدم وابستگی و عدم مجذوریت‌ها و مـحدودیت‌های مـعمولی است. یکی دیگر از مشخصه‌های دانشجو ارتباط او با محافل ومحیطهای علمی و فرهنگی است. بدین لحاظ نوعی خردورزی وعقلانیت در کارهای دانشـجویان دیـده مـی‌شود بـه خصوص در عرصه سیاست وفرهنگی سیاسی.»

شورای دانشجویی و استقلال دانشگاهها:

«موضوعی که ما در ابتدای پیروزی انقلاب با آن مواجه بودیم و کار بسیار خوبی بود که الان متأسفانه فراموش شده است، تشکـیل شـوراهـای دانشـجویی است. شـوراهـایی کـه نمایندگان صنفی دانشجو بودند در هیأت رئیسه دانشگاه نمایندگان دانشـجویان حـضور داشتند و آنها بدین شکل در تصمیم‌گیریهای کلان آموزشی و فرهنگی دانشگاهها مشارکت داشتند و در مجموع دانشگاهها یک نوع استقلالی از حکومت و دولت داشت و دولت صرفاً

از دانشگاهها حمایت مالی می‌کرد و اینطور نبود که با رفتن و آمدن یک دولت، سیاستهای آموزشی کلاً تغییر کند و یک نوع عدم ثبات مدیریت در دانشگاهها و نیز دخالت سلیقه‌های سیاسی در امور اجرایی دانشگاهها داشته باشیم."

گزینش دانشجویان:

"ما معتقدیم هر کسی که حداقل معیارهای اسلامی را داشته باشدو مشکل حاد سیاسی واخلاقی نداشته باشد، می‌تواند از امکانات دانشگاه بهره‌مند شود. هسته‌های گزینش بشدت تنگ‌نظرانه با موضوع برخورد می‌کنند و این هم یکی از مباحث اسلامی کردن دانشگاهها است."

شعارهای اساسی دفتر تحکیم وحدت:

"از جمله شعارهای اساسی نهضت دانشجویی ودفتر تحکیم وحدت در زمان حاضر می‌توان به دموکراسی و جامعه مدنی اشاره کرد."

طاهری[1] یکی دیگر از اعضای سابق (سال ۱۳۷۷) شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت برخی دیدگاههای سیاسی این تشکل راچنین بیان می‌کند:

جامعه مدنی و اصلاحات:

"نکته اساسی آن است که انجام اصلاحات و تحقق جامعه مدنی تنها با کمک مردم امکانپذیر است. لذا ایجاد جامعه مدنی به شیوه استبدادی و دولتی غیرمعقول وناپایدار است. در نتیجه ما می‌خواهیم وظایف خود را انجام داده و بستری ایجاد شود تا خودگروهها فعالیت کنند، نه این که دولت تلاش کند تنها اصلاحات را از بالا به پائین انجام دهد. در این راستا دولت می‌تواند با روشهای عالمانه در جهت تغییر «گفتمان سیاسی و فرهنگی» جامعه نقش فعالی ایفا نماید."

"عمده‌ترین کارکرد جامعه مدنی به «حداقل رساندن ظلم سیاسی» و یا «حداکثر نمودن عدالت سیاسی» است که به دنبال آن امکان وصول به وجوه دیگر عدالت به وجود می‌آید. در جامعه مدنی می‌باید اصل بر ایجاد یک فاصله معقول بین حوزه عمومی و حوزه حاکمیت

---

۱. ماهنامه گزارش، تیرماه ۱۳۷۷، ص ۱۷.

دولت باشد و دولت توسط جامعه کنترل و نظارت شود و از جمله مهمترین حوزه هایی که معیارهای جامعه مدنی می‌باید در آن تحقق یابد، مطبوعات و احزاب است. در جامعه مدنی تکثر به رسمیت شناخته می‌شود و از تمامیت خواهی پرهیز شده و قانون مبنای عمل اجتماعی قرار می‌گیرد."

علی افشاری[1] از اعضای برجسته و دبیر سیاسی فعلی (سال ۱۳۷۹) دفتر تحکیم وحدت در خصوص فعالیتها و دیدگاههای سیاسی دفتر تحکیم وحدت توضیحاتی داده که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

دفتر تحکیم وحدت حزب یا تشکل دانشجویی:

"دفتر تحکیم وحدت مجموعه اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان سراسر کشور است. یک تشکیلات دانشجویی با کارکرد حزبی در دانشگاه است، از طرفی هم صبغه سیاسی فرهنگی دارد. بخش صنفی هم جزو مجموعه فعالیت‌های دفتر تحکیم وحدت است. منتهی اگر «صنفی» را به معنای نمایندگی دانشجویان در نظر بگیریم و یا صرفاً کارکرد انحصاری در زمینه مسائل صنفی بدانیم، نه، دفتر تحکیم جنبه صنفی ندارد و صفت سیاسی، فرهنگی شاخص‌های اصلی این تشکل را تشکیل می‌دهد."

اهداف دفتر تحکیم وحدت:

"اهدف کلی دفتر تحکیم در دانشگاه، اولاً دفاع از حرمت و کیان دانشگاه و اندیشه دانشگاهی، ثانیاً دفاع از هویت دینی و بسترسازی برای آن است. این دو استراتژیهای فرهنگی دفتر تحکیم وحدت است، به لحاظ سیاسی هم برای تعمیق و گسترش مناسبات مردمسالاری تلاش می‌کنیم. اینها هدفهای کلی است. اگر بخواهیم ریزتر وارد قضیه شویم باید بگوییم که سعی ما در زمینه فرهنگی بسترسازی ومعرفی یک چهره‌ای از اسلام است که مسلماً خشونت صفت بارز آن نیست، این اسلامی انسانی و کاملاً منطبق با عصر جدید است، به گونه‌ای که بتواند در همه شرایط حضور داشته باشد.این اسلام، اسلام سیاسی و

---

۱. انتخاب، ۲۵، ۲۳ و ۷۸/۶/۲۲.

اجتماعی هم هست، یعنی ما برای دین کارکرد اجتماعی و سیاسی قائل هستیم. در زمینه سیاسی، ما برای توسعه سیاسی، افزایش ظرفیت نظام و به نوعی برای تحکیم قواعد قطبی سیاست و قواعد رقابت سیاسی که نهایتاً منجر به فرایند جابجایی قدرت در جامعه می‌شود، تلاش می‌کنیم."

ویژگیهای جریان دانشجویی:

"جریان دانشجویی کنونی، مطلق انگار نیست، قائل به گفت‌وگو است و فرایند حاکمیت سیاسی یا جابه‌جایی نیروهای سیاسی را یک طرفه نمی‌بیند و به مفاهمه و مواجهه منطقی و گفت‌وگو باگروههای دیگر معتقد است."

"حرکت در چارچوب‌های مسالمت‌آمیز هم چیزی بود که ما در دو دهه گذشته کمتر دیده بودیم. در گذشته نگاه، نگاهی صرفاً آرمانگرایانه بود. امروز هم آن مشی آرمانی هست ولی در روشها جنبش دانشجویی بیشترسعی کرده تاکتیک‌های عقلانی را به کار گیرد و بالطبع نتیجه منطقی این دو این بوده که از خشونت فاصله گرفته، در صورتی که در دوره قبل، این خشونت بوده که در نهایت حرف آخر را می‌زده است."

حادثه ۱۸ تیر ۷۸ و حمله به کوی دانشگاه تهران:

"در مجموع در حادثه کوی، دو جریان مقابل همدیگر قرار گرفتند، دو جریانی که اگر بخواهیم ریشه یابی هم بکنیم دقیقاً به نقطه ۱۸ تیر ۷۸ برنمی‌گشت. به گذشته وخصوصاً فضای پس از دوم خرداد بر می‌گشت یعنی دو جریانی که پس از دوم خرداد رو در روی همدیگر قرار داشتند، یک بخش مرتب بر طبل خشونت می‌کوبید و بخش دیگر بر سازوکار عقلانی تأکید می‌کرد. در ادامه برخوردهای میان این دو، حادثه هیجدهم تیرماه رخ داد. در داخل، همین آرایش نیروهایی که مقابل جریان خشونت‌طلب بودند به دو دسته کلی تقسیم شدند. یک جریانی که بر یک نوع مبارزه و یک نوع حرکت مسالمت‌آمیز تأکید می‌کرد و دیگری که خارج از چارچوبهای قانونی و ظرفیت نظام می‌خواست عمل بکند و چه بسا بخشی ازنیروهایش هم اصلاً قائل به حرکت در چارچوب نظام نبودند و شاید این حرکت را فرصتی می‌دانستند برای طرح یکسری مسائل دیگر. این هم چالش درونی بین این دو گروه

بود. گروه سوم یعنی گروه خشونت طلب دو کارکرد داشت. یکی این که ظاهراً می‌آمد دوباره در تمامی فرصتهای بعد از آن، حمله‌اش را به اشکال دیگر به دانشگاه و دانشجو ادامه می‌داد و در کنارش هم یکسری از نیروهای نفوذی فرستاده بود برای این که خط آشوب‌را به هر صورت تقویت بکند.»

«حادثه ۱۸ تیر ۷۸ بالطبع حمله و یک نوع تجاوز به محیط دانشگاهی بود، تحقیر دانشجو بود، شکستن حرمت دانشگاه وکیان دانشگاه و لطمه دیدن اعتبار و حیثیت دانشگاه بود شاید در هیچ مقطعی این چنین دانشگاه تحقیر نشده باشد. بنابراین به طور طبیعی بغض دانشجویی یا آن احساسات تهییج شده نسبت به این قضیه، تحرک و واکنش را در پی داشت.»

نظم نوین جامعه:

«می‌شود گفت که نظم قبلی در جامعه ما فروریخته است، هم نظم فرهنگی و هم نظم سیاسی و هم نظم اجتماعی و حتی به نوعی می‌شودگفت که ساختار اقتصادی جامعه ما یک تکانهایی خورده است و جامعه ما الان مثل یک جامعه در حال دوران گذار است، یک جامعه نامتعادل است، در حال حرکت است به سمت یک نقطه مطلوب یعنی نقطه نظم نوین خودش، بنابراین در چنین شرایطی تنها راه برای اینکه جامعه در یک فضای امن و آرامی حرکت بکند این است که نظر اکثریت جامعه به عنوان حجت در عرصه حاکمیت ملی پذیرفته بشود. اکنون اکثریت پذیرفته‌اند که توسعه سیاسی خوب است. جریان مخالف به جای سنگ‌اندازی در این مسیر، تلاشش را بکند تا مردم را قانع سازد که توسعه سیاسی خوب نیست، به جای اینکه بخواهد جلوی این حرکت را بگیرد. ماحصل این کار از بین رفتن مصالح ملی و ناامنی در فضای کشور می‌شود و چیزی هم عاید کسی نخواهد شد.»

اصلاحات در چالش با قدرت:

«این اصلاحات یک چالش جدی با قدرت دارد و طبیعی هم هست یکسری تنشهایی ایجاد بشود، چون اصلاً قدرت جایی تنگ است، در همه دنیا افراد به راحتی از قدرت کناره گیری نمی‌کنند.»

تشکلهای دانشجویی:

"امروزه کاملاً ضرورت دارد که آنها (دانشجویان)متشکل بشوند و تشکل خود را پیدا بکنند. اگر چه تفکرات آنها در ساخت رسمی نظام ما هم نگنجد به شرط اینکه التزام عملی به قانون اساسی داشته باشند و قوانین موجود را بپذیرند."

همکاری تشکلهای دانشجویی وگروههای خارج از دانشگاه:

"اگر قرار است تشکلهای دانشجویی با هم همکاری کنند باید ببنیم چه محوری را می‌توانند یا باید محور همکاری قرار بدهند. اگر محور اصلی را بر دفاع از کیان خود دانشگاه قرار بدهند و مسائل داخلی دانشگاه واصالت را به این مسئله بدهند، به جای اینکه مثلاً از سوی جریانهای بیرون دانشگاه بخواهند بیشتر به قضیه بپردازند، این وحدت و همکاری بین تشکلها می‌تواند مفید و سودمند باشد و نتیجه هم بدهد و دانشجویان هم اعتمادشان جلب می‌شود. ولی بعضاً اگر دانشجویان از تشکلهایی حرکتهایی را ببینید که مثلاً بیشتر مدافع منافع گروههایی از بیرون دانشگاه بوده‌اند تا خواستهای خود دانشگاه ودفاع از حقوق دانشگاه، اعتمادی وجود نخواهد داشت."

سیاست دفتر تحکیم وحدت و مبارزه با رادیکالیسم:

"سیاست دفتر تحکیم وحدت مثل همیشه تأکید جدی بر حرکت عقلانی و مسالمت‌آمیز است. ما اعتقاد داریم که امروز جریانهای مقابل دانشگاه می‌خواهند توسط خود دانشگاه، دانشگاه را از بین ببرند. یعنی می‌دانند رادیکالیزم در دانشگاه پایگاه و جاذبه دارد. آنها این بار می‌خواهند با سوء استفاده از این بحث رادیکالیزم و فضاسازی، تعمداً میزان رادیکالیزم را در فضای دانشجویی افزایش بدهند واین فضا را به تشنج بکشانند و بعداً هم در سایه تشنجی که پیش‌آمده، مجوزهای لازم را برای برخوردهای خودشان با دانشگاهها بگیرند. این نکته بسیار جدی و شاید بتوان گفت که کار را بسیار پیچیده و بغرنج کرده است."

مشخصه اعضای دفتر تحکیم وحدت:

"چند عنصر کلیدی درمجموعه انجمن‌های اسلامی برای اعضایشان الزامی است. یکی

بحث اسلامیت قضیه است. دوم محوریت اندیشه‌های حضرت امام(ره) است و نوعی هم نگاه چپ به مجموعه سیاست. البته ما در مجموعه خودافرادی را هم داریم که چنین نگاهی ندارند."

مجید فراهانی[۱] از اعضای سابق (سال ۱۳۷۷) دفتر تحکیم وحدت برخی دیگر از مواضع سیاسی دفتر تحکیم را چنین بیان می‌کند:

آزادی احزاب:

"ما معتقدیم، همه دیدگاهها واندیشه‌ها باید بتوانند در قالب احزاب و گروهها مجال ظهور و بروز داشته باشند و اگر تخلفی داشتند در دادگاه صالحه آن را بررسی کنند."

دفتر تحکیم وحدت از منظر مجوز فعالیت قانونی:

"از منظر دیگری اگر به دفتر تحکیم وحدت نگاه کنیم و مجوز را از دیدگاه تشکلی دانشجویی و بحث شورای عالی انقلاب فرهنگی بنگریم، این است که دفتر تحکیم وحدت خارج از محیط دانشگاه به عنوان پیوند دهنده انجمن‌های اسلامی در حال فعالیت است و به همین دلیل تحت پوشش یک دانشگاه خاص نیست و یک حالت فرادانشگاهی دارد و هنوز هیچ قانون و رویه خاص را آموزش عالی در این زمینه تدوین نکرده است."

مشارکت سیاسی:

"در یک فضای آزاد با حفظ قواعد بازی دیدگاههای مختلف باید مطرح شوند و دیدگاههای اندیشمندان و روشنفکران دینی و غیردینی باید مطرح شود. در عرصه سیاسی هم دفاع از مشارکت سیاسی که برآمده از این تفکرات است همواره مدنظر جنبش‌های دانشجویی بوده و به همین دلیل با توجه به این خصائص ما می‌توانیم بگوئیم جریان دانشجویی یک جنبش اصلاح‌طلبانه به صورت تمام عیار است."

ویژگیهای جنبش دانشجویی و آرمانهای ملت:

"ویژگیهایی مثل توانایی نهفته بالا، جوانی و تر و تازگی، بری بودن از شائبه‌های قدرت طلبانه حزبی و باندی عمدتاً در حرکتهای دانشجویی دیده می‌شود. به همین دلیل همیشه در

---

۱. آزاد، ۷۸/۹/۱۵.

هر مقطع زمانی یک جنبش دانشجویی اصیل همواره «صدای مردم» بوده است، یعنی یک جنبش دانشجویی که از متن ملت و دانشگاه برخاسته باشد، هیچ گاه در تقابل با آرمانهای ملت قرار نمی‌گیرد."

دوره‌های فعالیت دفتر تحکیم وحدت و گفتمانهای سیاسی هر دوره:

"در هر مقطعی به خاطر شرایط زمانی، یکی از آرمانهای دفتر تحکیم عمومیت بیشتری گرفته است، مثلاً گفتمان فعلی جریان دانشجویی، قانونمندی و قانونگرایی است، بررسی‌ها نشان می‌دهد که شش دوره گفتمان بر جریان دانشجویی گذشته است. بعد از مقطع دوم خرداد گفتمان غالب، دفاع از قانونمندی و قانون است. قبل از مقطع دوم خرداد در دوران ریاست جمهوری دوم آقای هاشمی، گفتمان غالب، گفتمان «آزادیخواهی» بود و در دوران اول ریاست جمهوری آقای هاشمی گفتمان «عدالتخواهی» غالب بود. اینها به این معنی نیست که در هر مقطعی جنبش دانشجویی گفتمانهای دیگر خودش را فراموش کرده است بلکه به این معنی است که بخاطر شرایط موجود در جامعه در هر مقطعی جریان دانشجویی قرائت و برداشت و دیدگاهی را از جامعه خودش بروز داده که بتواند مشکلات جامعه را حل بکند."

عدالت‌طلبی و مبارزه با رانت‌های سیاسی:

"دفاع از مشارکت سیاسی هم نوعی عدالت‌طلبی هست، یعنی دفاع می‌کنیم که هیچ رانت قدرتی حق ندارد همه امکانات سیاسی جامعه را به دست خودش بگیرد. اتفاقاً این جاست که برابری و دفاع از عدالت می‌تواند به عنوان اهرم تفکر جنبش دانشجویی مطرح شود و حتی آزادی‌های فرهنگی و حتی مشارکتهای سیاسی هم از دل عدالت قابل استخراج است."

مواضع دفتر تحکیم وحدت در مورد سیاست خارجی بطور کلی عبارتند از نفی سلطه پذیری و سلطه گری، تنش زدایی در روابط خارجی و امکان رابطه با تمام دول خارجی بجز دولتهایی که حقوق بشر را رعایت نمی‌کنند و ترک مخاصمات دوران انقلاب که بعضاً منتهی به سوءاستفاده اقتدارگرایان و انحصارطلبان برای سرکوب جناح مقابل شده است.

مواضع اقتصادی:

چون دیگر گروهها باگرایش‌های چپ و آرمانگرا این تشکل نیز خواستار برابری تمام افراد جامعه در برخورداری از ثروتهای جامعه، مبارزه با فاصله طبقاتی و حمایت از اقشار مستضعف و آسیب‌پذیر جامعه، توزیع عادلانه ثروت، مبارزه با سلطه نظام سرمایه‌داری بر جامعه و مقابله قاطع با رانت‌خواری اقتصادی صاحبان سرمایه و قدرت وسلطه بازار بر اقتصاد کشور می‌باشد.

مجید فراهانی در زمینه مواضع اقتصادی این تشکل می‌گوید[1]:

"ویژگی دفتر تحکیم وحدت تأکید و پافشاری آن بر اجرای سیاست‌های اقتصادی است که منجر به کاهش فاصله طبقاتی می‌شود."

در فاصله دو دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و سیاست تعدیل اقتصادی ایشان که به زعم برخی باعث ازدیاد فقر درجامعه و تولد طبقه سرمایه‌داری جدید در کشور شد دفتر تحکیم وحدت همواره از این سیاست انتقاد می‌نمود، مجید فراهانی در این زمینه می‌گوید:

"زمانی احساس می‌شد که سیاست تعدیل اقتصادی و سیاستهای اقتصادی عمدتاً منجر به شکاف طبقاتی می‌شود، به همین دلیل، عمده تکیه انجمن‌ها روی جنگ فقر و غنا و روی بحث تعدیل اقتصادی بود."

علی افشاری[2] دبیر سیاسی فعلی دفتر تحکیم وحدت در زمینه توسعه اقتصادی کشور می‌گوید:

"ما حداقل در این دو قرن گذشته به این نتیجه رسیدیم که نه تکنولوژی توسعه می‌آورد، نه برنامه هایی که عیناً از غرب اقتباس شده و لازم است که مدیریت و نیروی انسانی کارآمد تربیت بشود. این نیروی کارآمد با اثرگذاری بر افکار عمومی، موتور توسعه می‌شود. خوب دانشگاه جای پرورش همین نیروی توسعه‌آفرین است."

---

۱. گزارش، تیرماه ۱۳۷۷، ص ۱۸ و ۱۴.

۲. انتخاب، ۲۳ و ۷۸/۶/۲۲.

مواضع فرهنگی:

مواضع فرهنگی[۱] این تشکل در ابتدای تأسیس در نه بند تنظیم گردید و در اساسنامه آن گنجانده شد، این نه بند عبارتند از:

۱ـ اعتقاد به ترویج افکار اصیل اسلامی در سطح وسیع جامعه و آمیختن شور وحماسه و ایمان عمومی باالندیشه و درک و تحصیل صحیح و پیوند دادن میان شعار وشعور در سطح عام.

۲ـ ترویج تاریخ و فرهنگ انقلاب در سطح جهان از راه ترجمه مفاهیم والای انقلاب به زبان علم، هنر و فلسفه.

۳ـ مبارزه صریح با آثار فرهنگ استعماری و پالایش فرهنگ جامعه از آن و ارزش دادن به فرهنگ انقلابی اسلامی و توسعه و ترویج هرچه بیشتر آن.

۴ـ مشارکت فعال در پی‌ریزی و تداوم نظام آموزشی کشور، به ویژه نظام آموزش عالی بر مبنای اصول و ارزشهای اسلامی در تمامی ابعاد و نظارت دقیق جهت عدم انحراف اجتماعی، با انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در قبال آن.

تبصره: منظور از نظام آموزشی کشور تمام ابعاد محتوای آموزشی و تربیتی و مدیریت و گزینش و... آن می‌باشد.

۵ـ اعتقاد به همگامی حوزه و دانشگاه در پی ریزی نظام آموزشی کشور و دانشگاه سالم و حضورفعال روحانیت در آن.

۶ـ احیای مواریث علمی و فرهنگی اسلامی و ارتباط با آن در جهت غنای فرهنگ جامعه.

۷ـ تلاش در جهت کسب تخصصها و صلاحیت‌های مورد نیاز جمهوری اسلامی و مطالعه و تحقیق و بررسی عمیق اکتشافات و دستاوردهای علمی دنیا.

۸ـ اعتقاد به نظام تعلیم وتربیت حوزه‌های علمیه به عنوان سیستم اصیل تربیتی اسلامی ومبنا قرار گرفتن آن در تدوین نظام واحد تعلیم و تربیت کشور.

---

۱. اساسنامه و مرامنامه دفتر تحکیم وحدت.

۹ـ اعتقاد به اخذ محتوای علوم غیرتجربی از مکتب و تعیین جهت وکاربرد علوم و تخصص‌های تجربی برمبنای ارزشهای مکتب و فرهنگ اسلامی.

مهمترین مواضع فرهنگی کنونی دفتر تحکیم وحدت عبارتند از دفاع از اسلامیت نظام وجامعه و تسامح و تساهل در حیطه فرهنگی و نفی تئوری‌های خشونت‌گرا در عرصه فرهنگی و اجتماعی، سیاست فضای باز فرهنگی در عرصه مطبوعات و بالاخره محصولات فرهنگی، آزادی بیان و اندیشه.

علی افشاری [1] در مورد ویژگیهای فرهنگی دانشجویان امروز جامعه چنین می‌گوید:

"دانشجوی امروزی به لحاظ فرهنگی نیز تفاوت هایی با دو دهه گذشته دارد تنوع فرهنگی موجود در جامعه امروز دانشجویی ما به مراتب بیشتر از دو دهه قبل است. همان مبحث «نفی مطلق انگاری» در زمینه‌های فرهنگی هم پیدا شده است. حالا به هر دلیل نوعی تشتت و آشفتگی فرهنگی هم در داخل دانشگاه دیده می‌شود."

---

۱. انتخاب، ۲۵، ۲۳ و ۷۸/۶/۲۲.

چکاد آزاد اندیشان

نام کامل: حزب چکاد آزاد اندیشان

نام دبیر کل: ندارد.

نام سخنگو: کامران دانشجو

اعضای فعال: غلامعلی افروز، سعید رجایی خراسانی، الهه راستگو، علی معلم دامغانی، کامران دانشجو، نورالله حسین‌خانی، جهانبخش مجلی‌نیا، منوچهر طاهرخانی، محمدجوادمحمدی نوری، محمدرضا مجیدی، محمود روحبخش، خلیل علیمحمد زاده، عباس جندقی، مهریه سویزی، حسن فرجی گلهین، حسین سرافراز، سعیدیاری، حمید قربانی، فرح خسروی، طالبی، فرشته نصرآبادی، صادق شمس، قنبری.

توضیح: در حین اعلام موجودیت این حزب برخی روزنامه‌ها اعضای برجسته این حزب را آقایان عبدالله جاسبی، حسن حبیبی، علی اکبر ولایتی، ابوالقاسم سرحدی زاده و غلامعلی افروز معرفی نمودند که از این میان فقط علی اکبر ولایتی این مطلب راتکذیب نمود، اما هیچگاه عضویت این افرادتوسط چکاد آزاد اندیشان مورد تأئید و یا تکذیب قرار نگرفت.

مرامنامه:

ماده ۱ ـ ماهیت

چکاد آزاد اندیشان جبهه‌ای است فراگیر متشکل از احزاب و تشکل‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین شخصیت‌های دانشگاهی وصاحبان اندیشه ونظر. اساس کار این جبهه فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و منطبق بر قوانین و مقررات نهادهای قانونی کشور می‌باشد.

ماده ۲ ـ اندیشه سیاسی

جمهوری اسلامی که حاصل تلاش، تجربیات ومبارزات ملت بزرگوار ایران و رهبریهای حضرت امام خمینی(ره) است، در جهان معاصر مناسبترین شیوه برای اداره کشور ایران است وحراست وپایداری از آن وظیفه چکاد آزاداندیشان می‌باشد.

ـ قانون اساسی محور تمام برنامه‌ها وفعالیتهای جامعه است و لازم است تمام اقشار و احزاب وگروهها و در رأس همه دولت و متولیان امور اداره کشور، براساس آن حرکت نمایند. قانون اساسی عامل وحدت و انسجام ملت است و انحراف از آن عامل افتراق در زنجیره متحد و منسجم جامعه و شکست ملت ایران در راه اصولی خود می‌باشد.

ـ سربلندی کشور با توسعه همه جانبه و موزون در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و با رعایت اولویت به حل مسائل اساسی و ضروری جامعه همچون اشتغال جوانان، مهار تورم، مبارزه اصولی با اعتیاد و رسیدگی و توجه به خانواده‌های نیازمند می‌باشد.

ـ جوانان، فرزندان برومند اسلام ومیهن هستند که چشم امید ملت به آنها است، پرورش و آموزش صحیح در مدارس و دانشگاهها، توسعه کیفی و کمی مراکز آموزش عالی، ایجاد زمینه‌های مشارکتهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنها و در یک‌کلمه توجه همه جانبه به جوانان جزء وظایف اصلی نظام و دولت و تمام کسانی است که به ایرانی آباد و مستقل و با بنیه‌ای قوی فکر می‌کنند.

ـ حیات انسان در آزادی میسر است، بنابراین تأمین و تضمین آزادیهای همه جانبه در

تمام ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مخصوصاً آزادی اندیشه در محور قانون که موجب شکوفایی استعدادهای اهل فکر و اندیشه خواهد شد، از اصولی است که تخطی از آن جایز نیست.

ـ قانون محوری، ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر که نظم اجتماعی را تضمین می‌کند، بنابراین بایست تلاش کرد تا فرهنگ قانون‌پذیری درمیان تمام افراد و اقشار جامعه توسعه و بسط یابد.

ماده ۳ ـ اهداف

ـ اهداف چکاد آزاداندیشان همان اهداف مردم ایران است که در جریان شعارهای انقلاب اسلامی تجلی یافت: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. از این رو، سه هدف اساسی سرلوحه برنامه‌های راهبردی چکاد به شرح زیر می‌باشد:

۱ـ تلاش در راستای تحقق استقلال همه جانبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی از بیگانگان و ساختن کشوری خوداتکاء وقدرتمند با حضوری مقتدرانه در صحنه بین‌المللی.

۲ـ تلاش در راستای تحقق آزادیهای مشروع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اندیشه در چارچوب قانون.

۳ـ تلاش در راستای حاکمیت اراده مردم با اتکال به ارزشهای اسلامی.

ـ نائل آمدن به اهداف فوق و اصول نظام در سایه قوانینی صحیح و عادلانه و برنامه هائی درست و منطقی، مجریانی مدیر ومدبر ومتعهد و نظارت بر دولتمردان ومجریان و تمام دست اندرکاران میسر است و یکی از اهداف مهم چکاد تربیت نیروهای متعهد و کاردان جهت اداره و تمشیت امور جامعه است.

ماده ۴ ـ خط مشی ها

ـ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی و آشنا کردن اقشار مختلف جامعه مخصوصاً جوانان به واقعیات جهان و ایران.

ـ ایجاد زمینه‌های مناسب برای سهیم شدن اقشار جامعه مخصوصاً جوانان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی واقتصادی.

ـ تلاش در راستای شناسایی، تربیت ومعرفی نیروهای مدیر و مدبر ومتعهد برای سطوح مدیریتی جامعه از بالاترین سطح آن «ریاست جمهوری» تا پائین‌ترین مراتب آن.

ـ نهادهای قانونی از جمله ریاست جمهوری، مجلس و شوراها که با رأی مستقیم مردم شکل می‌گیرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید نسبت به آن حساس و دقیق بود.

ـ مجلس شورای اسلامی از مهمترین ارکان نظام است که بایست از افراد متعهد و کاردان و کارشناس و صاحب اندیشه تشکیل شود تا ضمن قانون گذاری منطبق بر اصول علمی، نظارت مستمر بر فعالیتهای دولت راکه لازمه یک جامعه مردمسالار می‌باشد، برعهده گیرد. تلاش در راستای تربیت و شناسایی و معرفی افرادی که به مسائل پیچیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آشنا باشند و به دور از جریان بازیهای مخرب مصلحت ملت را برهر چیز مقدم بدارند، جامعه را از خطرات احتمالی مصون می‌دارد.

ـ تلاش در جهت قانونمند و ضابطه‌مند شدن فعالیتها در تمام سطوح ملت و دولت و مبارزه با روشهای غیراصولی و غیرقانونی از جانب هر کس وهرگروه.

ـ توجه به بالابردن سطح علم ورزی جامعه ونقش دانشجویان و دانشگاهیان در پیشرفت علمی و اقتصادی و صنعتی جامعه و روحیه خودباوری.

ـ تلاش در راستای نیل به توسعه همه جانبه وهماهنگ با رعایت اولویتهای اقتصادی.

ـ توجه به اشتغال جوانان و ایجاد فرصتهای شغلی مناسب و تلاش در راستای ایجاد فرهنگ کارهای سازنده و مولد در برابر مشاغل کاذب.

ـ تلاش در جهت (افزایش) روحیه نشاط در جوانان با ایجاد زمینه‌های ازدواج وتفریحهای سالم برای آنها و برطرف کردن موانع مختلف چون مسکن و تعدیل هزینه‌های اقتصادی.

ـ فراهم نمودن زمینه بهره گیری اصولی و مناسب از منابع فراوان زیرزمینی، با تأکید بر لزوم پایبندی بر سیاست خودکفائی اقتصادی و خروج از اقتصاد تک محصولی با تأکید بر کشاورزی، صنعت و فن‌آوری صادرات و گردشگری.

ـ کمک به ایجاد نظامی مبتنی بر ارزشها و توانائیهای افراد برای نهادینه کردن شایسته

سالاری درجامعه.

ـارتباط و گسترش روابط با تمامی کشورهای جهان براساس حکمت و خردورزی با رعایت اصل استقلال.

ـ تعمیق وحدت ملی براساس هویت فرهنگی ایرانی (اسلامیت وایرانیت)

ـ رعایت اصل تفکیک قوا و توجه به قوه قضائیه که تأمین کننده عدالت در جامعه است و با جان و مال و ناموس مردم سروکار دارد.

ـ گسترش اطلاعات جامعه از طریق توجه به رسانه‌های گروهی.

تاریخچه تشکیل:

پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ و پیروزی چشمگیر کاندید جناح چپ سیدمحمدخاتمی، جناح راست اعم از جناح راست سنتی و نیروهای راست معتدل‌تر هر یک برخی از دلایل مشخص را برای عدم موفقیت خود برشمردند. از آن میان نیروهای معتدل‌تر جناح راست برخی از کاستی‌های درونی خود و عدم پاسخگویی لازم به خواسته‌های مردم را دلیل این عدم موفقیت دانستند و سرانجام با عدم موفقیت در انتخابات شورای اسلامی شهر عده‌ای از نیروهای راست سنتی نیز به این دیدگاه نیروهای معتدل‌تر جناح راست معتقد شدند. یعنی این تفکر تقویت شد که برخی از اشتباهات در تصمیم‌گیری‌ها، از عملکردها و رفتارهای جناح راست مورد قبول و خواست مردم نبوده است و این نارضایتی مردم از جناح راست باعث موفقیت جناح چپ در دو انتخابات اخیر بوده است. پس از دوم خرداد ۷۶ و تحقق شعار توسعه سیاسی در دادن مجوز فعالیت سیاسی به احزاب مختلف برخی از محافل جناح راست معتدل که تا حدودی به عملکردهای کلی جناح راست سنتی انتقادهایی داشتند در پی کسب مجوز از وزارت کشور برآمدند.

قبل از انتخابات مجلس ششم در بهمن ماه ۱۳۷۸ تعدادی از این گروهها که موفق به ایجاد تشکیلات و امکانات برای فعالیت خود شدند با همراهی برخی دیگر از نیروهای میانه‌روتر جناح راست که در گذشته به دلایل مختلف از جناح راست طرد شده اما دارای

پیشنیه سیاسی مشخص بودند و برای خود تشکیلات مستقلی ایجاد کرده بودند ائتلاف نمودند. با اعلام همفکری برخی مقام‌های بلندپایه دولتی و شناخته شده منتسب به جناح راست از این تشکل جدید در آستانه مجلس ششم در روز ۷۸/۱۰/۲۴ ائتلاف جدیدی با نام چکاد آزاداندیشان که از ائتلاف شش گروه سیاسی تشکیل شده بود اعلام موجودیت نمود. این اعلام موجودیت با استقبال روزنامه‌های منتسب به جناح راست معتدل مواجه و در عوض با عکس‌العمل سرد و حتی بدبینانه برخی از مطبوعات منتسب به جناح چپ روبه‌رو شد. تعداد گروهها و تشکل‌های تشکیل دهنده این جبهه (چکاد بمعنی جبهه می‌باشد.) به ۶ گروه می‌رسد که تا زمان انتخابات مجلس ششم در این ائتلاف حضور داشتند و یک تشکل دیگر نیز در همان زمان به این جمع اضافه شد. این ۷ تشکل عبارتند از: ۱ـ جمعیت ایران فردا ۲ـ حزب اسلامی رفاه کارگران ۳ـ خانه معلمان ایران ۴ـ مجمع بزرگ هم اندیشی استادان ۵ـ جمعیت جوانان انقلاب اسلامی ۶ـ حزب استقلال ایران ۷ـ جنبش اعتدال اسلامی (متشکل از اتحادیه دانشجویان ودانش‌آموختگان دانشگاههای کشور). اکنون سه گروه دیگر نیز آمادگی خود جهت ائتلاف را اعلام نموده‌اند که هنوز پیوستن آنها به این حزب به تصویب شورای مرکزی حزب نرسیده است.

در انتخابات مجلس ششم عده‌ای از نیروهای متمایل به این حزب رد صلاحیت شدند و بسیاری از آنها نیز حائز اکثریت آراء نشدند و فقط عده کمی از آنها به مجلس راه یافتند.

گرایش سیاسی:

این حزب خود را حزبی مستقل می‌داند که به عنوان جریان سوم مستقل از جناح راست و جناح چپ در عرصه سیاسی کشور فعالیت می‌کند. کامران دانشجو سخنگوی حزب چکاد آزاداندیشان در مورد گرایش سیاسی این حزب چنین می‌گوید[1]:

"ما نه چپ هستیم و نه در چارچوب تفکر راست برای ما جایی وجود دارد و نه بر نفی این دو اعتقاد داریم. ما اصلاً سراغ افراد شاخص چپ وراست نرفتیم واز اینها پرهیز داشتیم

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۰.

چون یا برچسب وابستگی می‌خوردیم یا اینها می‌خواستند تشکیلات را به سمت خود بکشند. ساختار دو حزبی محافظه کاران و اصلاح‌طلبان مورد تأئید چکاد آزاداندیشان نیست چون این دو برپایه نوعی چپ و راست شکل گرفته که با تعریف جهانی چپ و راست بسیار متفاوت است.»

در بیانیه شماره دوم حزب چکاد آزاداندیشان در مورد گرایش سیاسی این حزب چنین آمده است:

«ملت عزیز و بزرگ ایران به دو دهه تسلط جناح‌های موسوم به چپ و راست پاسخ منفی میدهد و آماده است تا فرزندان آزاداندیش و مستقل خود را به صحنه آورد و دیگر اجازه نخواهد داد تا کسانی که منافع فردی و گروهی خود را بر مصالح ملت و کشور ترجیح می‌دهند بر مقدرات مردم حاکم شوند.»

با تمام این موضعگیریها می‌توان از دیدگاههای این حزب چنین برداشت کرد که این حزب هیچ گرایشی به جناح چپ ندارد، ولی آنچه مسلم است برخی از دیدگاهها و نظریات این حزب با دیدگاههای جناح راست همخوانی دارد. علیرغم استقلال فکری اعضای برجسته این گروه می‌توان این گروه را نسبتاً متمایل به جناح راست دانست، تا متمایل به جناح چپ. لیست انتخاباتی منتشر شده توسط این گروه در آستانه انتخابات مجلس ششم مبین آن است که معیارهای انتخاب نامزدهای این گروه تا حدودی منطبق بر معیارهای جناح راست بوده است، به طوری که در لیست انتخاباتی این حزب درحوزه انتخابیه تهران فقط یک نفر از اعضای معتدل جناح چپ یعنی ابوالقاسم سرحدی زاده شرکت داشت. در حالیکه از ۲۹ نفر بقیه، ۱۸ نفر از اعضای سرشناس جناح راست سنتی و تعداد کمی از نیروهای راست معتدل و بقیه یعنی ۱۰ نفر از اعضای ونیروهای متمایل به این گروه حضور داشتند.

این گرایشها و لیست انتخاباتی این گروه در آستانه مجلس ششم باعث آن شد که برخی از نیروهای تندرو جبهه دوم خرداد به صورت پنهان و آشکار نگرانی خود را از حضور این گروه در عرصه سیاسی کشور بیان کنند و برای مدتی تبلیغات منفی علیه این حزب رادامن بزنند، حتی برخی از نیروهای ملی و ملی مذهبی این گروه را ساخته و پرداخته جناح راست

دانستند که به منظور نجات جناح راست از شکست حتمی در انتخابات مجلس دوره ششم به صحنه آمده است.

بهر حال در جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد به لحاظ دیدگاهها و نظریات هرگاه این حزب را متمایل به راست بدانیم می‌توان آن را دارای دیدگاههای شبیه گرایش راست میانه یا معتدل و در دسته‌بندی طیف به اصطلاح راست می‌توان این حزب را یک نوع راست حد فاصل راست‌سنتی و راست مدرن و نزدیک به دیدگاههای حزب اعتدال و توسعه دانست.

تشکیلات و نشریات وابسته:

این حزب تشکیل شده از ائتلاف شش حزب وتشکل سیاسی مختلف باگرایشهای سیاسی و فکری نزدیک به هم که عبارتند از: ۱ـ جمعیت ایران فردا ۲ـ حزب اسلامی رفاه کارگران ۳ـ خانه معلمان ایران ۴ـ مجمع بزرگ هم اندیشی استادان ۵ـ جمعیت جوانان انقلاب اسلامی ۶ـ حزب استقلال ایران. البته حزب جنبش اعتدال اسلامی (متشکل از اتحادیه دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاههای کشور) و سه گروه دیگر که هنوز پیوستن آنها به این گروه به تصویب شورای مرکزی این حزب نرسیده است، ممکن است در آینده ائتلاف چکاد آزاداندیشان قرار گیرند. این تشکلها به صورت محفلی در تهران و برخی از شهرستانها فعالیتهایی دارند که هنوز به صورت منسجم در نیامده‌اند. اما مرکزیت حزب چکاد آزاداندیشان در تهران بطور منظم فعالیت می‌کند و در پی تدوین اهداف و برنامه‌ها وانسجام نیروها و هواداران این حزب می‌باشد. این حزب دیدگاههای خود به مناسبت رویدادهای مختلف را در بیانیه‌های خود منعکس و منتشر می‌کند، اما هنوز روزنامه‌ای به عنوان ارگان رسمی این حزب منتشر نمی‌شود. برخی از روزنامه‌های از جمله روزنامه آفرینش ارگان دانشگاه آزاد اسلامی، انتخاب، خراسان، به طور جامع و برخی از روزنامه‌های دیگر نظیر ایران، قدس و روزنامه‌های دیگر به طور ناقص دیدگاهها این حزب را منعکس می‌کنند. کامران دانشجو [1] سخنگوی حزب در مورد تشکیلات و عضوگیری این

---

۱. مصاحبه مطبوعاتی کامران دانشجو سخنگوی حزب چکاد آزاداندیشان، مورخ ۷۸/۱۰/۱۳.

گروه چنین می‌گوید، "چکاد آزاداندیشان بـه واسـطه ایـنکه یک جـبهه است عـضوگیری نمی‌کند. عضوگیری این جبهه به عهده احزاب آن خواهد بود.»

اسامی دبیر کل برخی از احزاب تشکیل دهنده این جبهه (چکاد آزاداندیشان) به شـرح زیر است:

۱ـ جمعیت ایران فردا: منوچهر طاهرخانی ۲ـ حزب استقلال ایران: محمود روحبخش ۳ـ جمعیت جوانان انقلاب اسلامی: محمدجواد محمدی نوری

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

خاستگاه اصـلی ایـن حـزب دانشگـاهها و مـؤسسات آمـوزش عـالی کشـور اعـم از دانشگاههای دولتی و دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد. در حقیقت این حزب توسط گروهی از نیروهای برخاسته از قشر دانشگاهی اعم اساتید برجسته دانشگاه و گروهی از دانشجویان تشکیل شده است. البته برخی از گروههای تشکیل دهنده این حزب مـربوط بـه صـنفهای دیگر اجتماعی از جمله معلمان، کارگران، مدیران مـیانی ادارات وبـخشهای خـصوصی و دولتی برخی از چهره‌های سیاسی ذی نـفوذ سـیاسی در دو دهـه اخـیر مـی‌باشند. لازم بـه یادآوری است که این حزب با وجود حضور تنی چند از چهره‌های مطرح سیاسی در رأس آن در جمع، اکثراً از نیروهای جوان و ناشناخته در عرصه سیاسی کشور تشکیل شده است.

با توجه به دیدگاههای مستقل این گروه ازجناح‌های چپ و راست و در صورت ادامـه این روند به نظر می‌رسد درآینده توده‌های مردمی اقبال بیشتری نسبت به این حزب پـیدا کنند. اما فعلاً به دلیل عمر کوتاه تشکیل آن، این حزب کمتر درگروههای مختلف مردم نفوذ کرده است. اما از صنفهایی که در آینده ممکن است به این حزب گرایش پیدا کنند می‌توان به اساتید ودانشجویان، معلمان، کارگران، کارمندان، محصلان، جوانان و نوجوانـان و اقشـار مختلف مردم اشاره کرد.

مواضع سیاسی:

به طور کلی مواضع سیاسی این گروه را می‌توان موضعی معتدل ومیانه رو در قبال مسائل و رویدادهای سیاسی دانست. به طوری که به هیچ یک از دیدگاههای دو جناح سیاسی عمده کشور شبیه نیست. کامران دانشجو[1] عضو هیئت علمی دانشگاه واز چهره‌های سیاسی جدید کشور و سخنگوی حزب چکاد آزاد اندیشان می‌باشد. ایشان برخی از نظرات ودیدگاههای حزب چکادآزاداندیشان را چنین بیان می‌کند:

صف بندی نیروهای سیاسی:

"صف‌بندی در ایران صف بندی تفکری نیست و چپ و راست در روند حرکت خود با یکدیگر به جدال می‌رسند که درکشور ما نقاط مشترک نیز بسیار دارند."

اصلاحات و توسعه:

"هر کسی در مقابل اصلاحات وتوسعه جهت‌گیری منفی کند هم به خود و هم به جامعه ظلم کرده است و این اصلاً صحیح نیست که بین وجوه توسعه تقدم یا تأخر قائل باشیم."

ولایت فقیه:

"ما بحث تخصصی و ولایت فقیه را به افراد متخصص وامی‌گذاریم، اما بحث جامعه شناختی آن را فقط در چارچوب اصل ۵۷ قانون اساسی تعریف کرده‌ایم و قانون برای ما هم چیز مهمی است."

توسعه سیاسی یا توسعه اقتصادی[2]:

"مجادله غیرقابل دفاع تقدم یک وجه توسعه بر وجوه دیگر باید جای خود را به توسعه‌ای همه جانبه در قبال مناقشات بی نتیجه جناحی بدهد."

علت تشکیل چکاد آزاداندیشان:

"اساس تشکیل این جبهه خلأهای موجود در فضای سیاسی کشور و مسأله ضرورت چرخش نخبگان در جامعه می‌باشد. فعالیت سیاسی و علمی کشور عمدتاً در اختیار کسانی است که از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون فعالیت داشته‌اند و برای شکوفایی

---

۱. جهان اقتصاد، ۷۸/۱۱/۱۸. ۲. مصاحبه مطبوعاتی کامران دانشجو، ۷۸/۱۰/۱۳.

چهره‌های نو زمینه لازم کمتر فراهم شده است."

"چکاد آزاداندیشان به عنوان یک جبهه فراگیر پا به عرصه فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نهاد تا در این دوران حساس همراه وهمگام با مردم بـه ایـفای وظـیفه خـطیر و تاریخی خود برای اعتلای کشور بپردازند."

ترویج افراطی دین:

"در دو دهه گذشته گاهی به نحوی ساده انگارانه به ترویج دین پرداخته شـد و در ایـن مسیر برخی رویکردهای افراطی موجب ایجاد و تشدید امراض و آفات اخلاقی متعددی از قبیل تظاهر، ریا، تملق و چاپلوسی شد، که هـیچ یک از ایـن آفـات اخـلاقی بـا حـیثیت و آزاداندیشی ملت غیور و سربلند ایران عزیز سازگاری ندارد."

هدف چکاد آزاداندیشان:

"ما قصدداریم برای «آزادی، عدالت، امنیت و توسعه» که نمایانگر خواسته‌های به حـق مردم است تلاش کنیم."

احزاب و گروههای سیاسی:

"چکاد آزاداندیشان همه احزابی که از وزارت کشور مجوز رسمی گرفته‌انـد و قـانون اساسی را به عنوان چارچوب اصلی فعالیت خود می‌دانند به رسمیت می‌شناسد واز حضور آنان درجمع خود استقبال می‌کند."

افراط و تفریطها:

"اعضای این تشکل معتقدند که مردم از هرگونه افراط وتفریط جناح‌های سیاسی خسته شده‌اند و باید در چنین فضایی اخلاق ومعنویت را حاکم کنیم."

روابط خارجی، رابطه با آمریکا:

"چکاد آزاد اندیشان آمریکا را خط قرمز مطلق نمی‌داند و اگر این کشور رفتار خود را تغییر دهد و حسن نیت نشان دهد جمهوری اسلامی ایران حسن نیت خود را نشان خواهد داد."

جناح بندی‌های سیاسی[1]:

"نگاه ما به جناح بندی‌های جامعه غیر از نگاه موجود است واعتقاد داریم که بسیاری از جناح هایی که به عنوان رقیب شناخته می‌شوند امکان تفاهم با یکدیگر را دارند. بنابراین از همه جناح‌ها، افرادی که از افراط و تفریط در سابقه سیاسی خود پرهیز کرده باشند می‌توانند در لیست ما باشند."

توسعه سیاسی واحزاب سیاسی:

"توسعه سیاسی و تعدد احزاب و تشکلها نیز که تأیید بر آن از دست‌آوردهای دوم خرداد است تأیید می‌شود، اما توصیه می‌گردد به توسعه معنوی و اخلاقی در رفتار سیاسی توجه بیشتری شود، ضمن اینکه شکل‌گیری احزاب را به این صورت که فردی یا افرادی در مصدر مسئولیت و قدرت حزب درست کنند را به سود جامعه ندانسته و شکل‌گیری صحیح تشکل نمی‌دانیم و معتقدیم که شکل‌گیری صحیح زمانی درست است که تشکل‌ها و احزاب در قاعده هرم (از متن جامعه)شکل بگیرد وبعد از شکل‌گیری به سمت رأس هرم حرکت کند."

جبهه دوم خرداد:

"در جبهه دوم خرداد طیف‌های گوناگونی وجود دارند که بعضی از آنها متأسفانه ارزشهای معنوی و اخلاقی انقلاب اسلامی که از مهمترین دستاوردهای ملی ما بشمار می‌روند را مورد بی توجهی قرار داده‌اند و در برابر آنها گروههایی در جبهه دوم خرداد وجود دارند که ضمن بهره‌گیری مثبت از دستاوردهای دوم خرداد به ارزشهای معنوی انقلاب نیز پایبند می‌باشند. چکاد آزاداندیشان به گروه دوم نزدیکتر است."

انتخابات:

"به نظر ما رقابت در انتخابات باید بر مبنای برنامه باشد نه فردگرایی و منافع جناحی. جناح‌بندیهای موجود جامعه چندان مبتنی بر برنامه نیست، بنابراین با انتظارات جامعه نیز انطباق لازم را ندارد. امیدواریم با تکامل فعالیتهای سیاسی در کشورمان شاهد ارائه برنامه از طرف احزاب و تشکلها باشیم."

---

۱. آفرینش، ۷۸/۱۰/۳۰.

در بیانیه شماره ۲ چکاد آزاداندیشان دیدگاههای این حزب چنین بیان شده است:

"چکاد آزاداندیشان ضمن اعتقاد به رقابت و تکثرگرایی سیاسی، افراط و تفریط جناح‌ها و تصلب خطی و سیاسی را به زیان جامعه می‌داند و بر این باور است که رقابت‌های سیاسی می‌بایست در چارچوب منافع ملی با رعایت اصول اخلاقی و معنوی شکل گیرد و فراموش نشود که هدف از رقابت سیاسی چیزی جز خدمت به ملت بزرگ ایران نیست و پیشبرد اهداف جامعه و حفظ منافع آن باید سرلوحه فعالیتهای همه احزاب و گروهها باشد."

کامران دانشجو دیدگاههای چکاد آزاداندیشان در مورد مسائل روز کشور را چنین بیان می‌کند[1]:

راست یا چپ؟ هیچکدام

"راست و چپ عملاً از نظر تفکر، یک حرف را دارند می‌زنند، یک بحث را مطرح می‌کنند. حالا چرا با هم دعوا می‌کنند بحث جداگانه‌ای است. اما ما با هیچکدام از اینها بحث خاصی نداریم. «نه چپ و نه راست» شاید بگویم «هم راست و هم چپ»."

اصطلاح چپ و راست:

"تعریف چپ و راست (در جامعه ما) درست نیست، این تعریف در جامعه ما و جناح‌های موجود نمی‌گنجد. بی خود و به غلط این اصطلاح رایج شده است."

جامعه دو قطبی:

"دو قطبی شدن جامعه برای توسعه سیاسی و جامعه به شدت مضر است. چند قطبی شدن را مضر نمی‌دانیم، همانطوری که یک قطبی یا دو قطبی شدن دنیا را مضر می‌دانیم، اما چند قطبی شدن را به سمت تعالی می‌دانیم."

جامعه هیجان زده:

"نفس کشیدن در یک فضای هیجان زده والتهاب زده بسیار سخت است."

ایشان در مورد برخی ادعاها که از سوی مطبوعات مطرح می‌شود و چکاد آزاداندیشان را بریده از جناح راست معرفی می‌کنند چنین می‌گوید:

---

۱. انتخاب، ۷۸/۱۱/۲۰.

"ما می‌گوییم مستقیم، ما می‌خواهیم مستقل باشیم و اعلام هم می‌کنیم اما مطبوعات می‌خواهند ما را سوق بدهند به یک سمت. یکی می‌گوید اینها بریده از این، طرف یکی می‌گوید بریده از آن طرف، حالا بریده‌های نمی‌دانم از «مؤتلفه». ما بیانیه هم می‌دهیم که آقا اینجوری نیست. بیانیه ما را هم چاپ نمی‌کنند. ما نمی‌خواهیم بحرانی ایجاد کنیم. تیتری می‌زنند که «جای پای مؤتلفه» ما جواب می‌فرستیم اما جوابیه ما را چاپ نمی‌کنند."

چکاد آزاداندیشان [1] خلاصه مواضع سیاسی خود را به طور رسمی چنین بیان نموده است:

جمهوری اسلامی:

"حکومت جمهوری اسلامی که مبتنی بر دو اصل اسلامیت و جمهوریت می‌باشد، شیوه مناسبی است که هم مبتنی بر احکام وقوانین ارزشمند و متعالی اسلام بوده و هم مبتنی بر حضور فعال مردم در تمام صحنه‌های تصمیم‌گیری است. مردم اراده خود را از راه انتخاب غیرمستقیم رهبری، انتخاب ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس و شوراها اعمال می‌کنند و طبیعی است که حضور مقتدرانه و آگاهانه در تمام صحنه‌های تصمیم‌گیری و نظارت از طریق احزاب و گروههای فعال میسر است."

آزادی مردم:

"اصل بر آزادی انسان است و تنها در صورتی که آزادی او موجب لطمه زدن به جامعه ومردم و آزادیهای واقعی او شود محدود می‌شود. قانون اساسی، آزادیهای مشروع را تضمین ومحدودیتهای آن رانیز با شفافیت بیان کرده است."

سیاست خارجی:

"اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برپایه «نه شرقی» «نه غربی» استوار است. نفی سلطه استعماری و استثماری و حفظ استقلال وتمامیت ارضی ایران برپایه عزت، حکمت و مصلحت از مهمترین اهداف سیاست خارجی ماست."

ـجمهوری اسلامی با تمام کشورهای جهان مناسبات سالم فرهنگی، اقتصادی وسیاسی

---

۱. خلاصه مواضع رسمی منتشر شده از سوی دفتر مرکزی حزب چکاد آزاداندیشان.

دارد مگر با دولتهایی که می‌خواهند با استقلال ایران مبارزه کنند.

ـ اولویت سیاسی خارجی ایران که براساس احترام متقابل و منابع ملت ایران درجه‌بندی می‌شود، با دولتهایی است که آمادگی بیشتری برای کمک به خودکفایی فنی و صنعتی ما داشته باشند.

مواضع اقتصادی:

چکاد آزاداندیشان مواضع رسمی خود در عرصه اقتصادی را در ۱۵ مورد به شرح زیر اعلام نموده است[۱]:

"۱ـ بسط عدالت و ریشه کن کردن فقر و محرومیت، برآوردن نیازهای اساسی مردم و فراهم کردن زمینه‌های خودکفایی و استقلال.

۲ـ تکیه بر ارزشهای اسلامی ـ انقلابی و گسترش فرهنگ صرفه جویی وخوداتکایی به عنوان الگوی اقتصادی.

۳ـ تلاش در جهت حفظ استقلال سیاسی و به تبع آن، حفظ و گسترش استقلال اقتصادی از طریق تقویت بخشهای خصوصی و تعاونی وتشویق آنها به سرمایه گذاریهای تولیدی.

۴ـ خصوصی سازی واحدهای تولیدی برطبق برنامه و پرهیز از شتاب در این امر برای جلوگیری از هدررفتن و اتلاف ثروت عمومی و سوءاستفاده از این خصوصی‌سازی‌ها.

۵ـ از بین رفتن زمینه‌های رانت جویی و مبارزه قاطع با فعالیتهایی دلالی.

۶ـ ایجاد زمینه مناسب درجهت فرصت برای شروع و ادامه فعالیتهای اقتصادی.

۷ـ اصلاح مدیریت‌های اقتصادی برای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از امکانات و ظرفیتهای موجود اقتصادی و تولیدی.

۸ـ گسترش سازمان‌های تحقیق وتوسعه برای ملی و بومی کردن فن‌آوریها.

۹ـ اولویت دادن به حمایت واقعی از بخش کشاورزی برای خودکفایی در محصولات غذایی موردنیاز جامعه.

---

۱. خلاصه مواضع رسمی منتشر شده از سوی حزب چکاد آزاداندیشان.

۱۰ـ برنامه ریزی و مبارزه واقعی و اصولی با بیکاری به عنوان بزرگترین معضل اجتماعی.

۱۱ـ مبارزه قاطع باتورم.

۱۲ـ اولویت دادن وتلاش در جهت حفظ ارزش پول ملی وافزایش اعتبار جهانی آن.

۱۳ـ تأکید بر توسعه اصولی صادرات پس از تأمین نیاز داخلی و مبارزه با قاچاق کالا.

۱۴ـ اصلاح نظام مالیاتی.

۱۵ـ گسترش تأمین اجتماعی برای همه اقشار و به صورت اختصاصی برای کارگران کشور."

مواضع فرهنگی:

مواضع فرهنگی چکاد آزاداندیشان [1] طبق اعلام رسمی این حزب به شرح زیر است:

"۱ـ هدف اصلی توسعه فرهنگی ایجاد تمدن اسلامی مبتنی بر مقتضیات روز است و مهمترین وظیفه نهادهای تعلیم وتربیت کشور نیز سوق دادن آینده سازان به همین امر می‌باشد.

۲ـ هدف دیگر توسعه فرهنگی ایجاد روحیه آزادگی و رهایی از تمام قیودی است که انسانها را به بندگی غیرخدا می‌کنند، مبارزه با فرهنگ بیگانه که بیش از یک قرن بر این ملت تحمیل شده است، احتیاج به برنامه‌ای همه جانبه دارد.

۳ـ باید امکانات آموزش برای همه ملت فراهم شود و حتی‌الامکان این امکانات باید همگانی باشد، ضمن اینکه امکان آموزشهای فنی و حرفه‌ای برای جوانان مستعد و علاقمند به کارها و فعالیتهای فنی نیز باید فراهم شود.

۴ـ دانشگاهها باید مراکز تربیت جوانان براساس نیازهای جامعه باشد در حالی که پیشرفتهای همه جانبه علمی قدم اول دانشگاههای ایران است، قدم اساسی‌تر ایجاد روحیه خودباوری و مبارزه با از خودبیگانگی است که این مهم از راه تقویت هویت دینی جوانان

---

۱. خالصه مواضع فرهنگی منتشر شده از سوی دفتر مرکزی حزب چکاد آزاداندیشان.

حاصل می‌شود.

۵ـ تربیت نوجوانان وجوانان مستعد، احتیاج به معلمین و اساتید دلسوز و کارآمد و باانگیزه دارد. بنابراین رشد علمی و تأمین معیشت معلمان و اساتید دانشگاهها باید مورد توجه قرار گیرد.

۶ـ گسترش روحیه تحقیق و پژوهش در میان دانشگاهیان و ارباب صنعت و فنون ضروری است و بدون آن توسعه همه جانبه میسر نمی‌شود."

کامران دانشجو سخنگوی این حزب در مورد مسائل فرهنگی از جمله توسعه مطبوعات چنین نظر می‌دهد[1]:

"ما حرکتهایی که در جهت توسعه مطبوعات صورت گرفته است را مناسب می‌دانیم و معتقدیم که شرایط کنونی از نظر رشد و پویایی مطبوعات استثنایی است. اما باید این موفقیت را مغتنم شمرد، ما حرکت افراطی بعضی از مطبوعات را برای تداوم آزادی مطبوعات مضر می‌دانیم. اگر این آزادی در چارچوب قانون عمل نشود و بعضاً مورد سوء استفاده واقع گردد، تجربه تاریخی درکشور خودمان و سایر کشورها نشان داده است که منتهی به محدودیت مطبوعات خواهد شد که این نقض غرض است."

جوانان و زنان[2]:

"حضور پرنشاط مردم به ویژه زنان وجوانان در عرصه‌های مختلف ویژگی ممتازی است که در راستای توسعه کشور در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد و باید آن را به عنوان یکی از مهمترین سرمایه‌های انقلاب حفظ کرد."

توسعه فرهنگی:

"توسعه فرهنگی مهمترین عامل توسعه ملی بشمار می‌آید و ما سیاست تکثر مطبوعات را تأیید و حمایت می‌کنیم اما سمت و سوی این سیاست باید به سوی رشد و تعالی بشریت و در راستای رشد و تحکیم باورها و اعتقادات مردم باشد."

---

۱. آفرینش، ۷۸/۱۰/۳۰.
۲. مصاحبه مطبوعاتی کامران دانشجو، ۷۸/۱۰/۱۳.

نیروهای ملی ـ مذهبی (گروه ایران فردا)

نام کامل: نیروهای ملی ـ مذهبی (گروه ایران فردا) (این تشکل هنوز به عنوان یک حزب فعالیت نمی‌کند.)

نام دبیر کل: ندارد. اما عزت‌اله سحابی صاحب امتیاز مجله ایران فردا به عنوان شاخص‌ترین چهره کادر رهبری این گروه به شمار می‌آید.

نام سخنگو: ندارد.

اعضای فعال: عزت اله سحابی، تقی رحمانی، رضا علیجانی محمد بسته‌نگار، نظام الدین قهاری، اعظم علایی طالقانی، حسن یوسفی اشکوری، علی طهماسبی، پرویز ورجاوند، محمد ملکی، علیرضا رجائی، ژاله شادی طلب، هدی صابر، محمود عمرانی، سعیدمدنی، محمود نکوروح، هرمیداس باوند، سعید درودی، فریبرز رئیس دانا، حمیدرضا جلایی‌پور، احمد زیدآبادی، لطف‌اله میثمی، حمید نوحی، ماشاءاله شمس الواعظین، حسن توانائیان فرد، حسن رفیعی، محمد بهزادی، امیر تهرانی، محمد امینی، وحید میرزاده، حسین پاکمهر، صبا اتفاق، مرحوم مجید شریف، یحیی مافی، ژیلا شریعت پناهی، محسن سازگارا، حسین شاه‌حسینی، ابراهیم رضایی، مراد ثقفی، مرضیه مرتاضی

لنگرودی.

مرامنامه:

مرامنامه مدون و مشخصی ندارند.

تاریخچه تشکیل:

تشکیل اولیه نیروهای ملی ـ مذهبی به سال ۱۳۲۰ و اشغال ایران و تبعید رضاخان و جانشینی پسرش محمدرضا برمی‌گردد. در آن زمان پرچمدار نیروهای ملی و ملی ـ مذهبی مرحوم دکترمحمد مصدق بود که در مجلس شورای ملی به عنوان نماینده حضور داشت. در دوران تصدی پست نخست وزیری توسط مصدق با حمایت آیت‌الله کاشانی فعالیت نیروهای ملی ـ مذهبی به اوج خود رسید، اما این وضعیت بیش از چند ماه به طول نکشید و با کودتای آمریکای ـ انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت ملی مصدق سرنگون گردید و شرایط برای نیروهای ملی ـ مذهبی بسیار سخت شد. محمدمصدق تبعید و دکتر حسین فاطمی به دست رژیم به شهادت رسید و عده‌ای دیگر دستگیر و زندانی شدند. پس از کودتا برخی اعضای فعال این نیرو نهضت مقاومت ملی را پایه گذاری کردند. از جمله افرادی که این تشکل را به منظور ادامه دادن راه دکتر مصدق پی افکندند می‌توان به یداله سحابی، مهدی بازرگان، زنجانی، رحیم عطایی، کریم سنجابی، راسخ افشار، شاهپور بختیار، نخشب، شاه حسینی، عباس رادنیا، گیتی‌بین و اللهیار صالح اشاره کرد. از اقدامات نهضت ملی در آن زمان یکی اعتصابات گوناگون و انتشار نشریه «راه مصدق» بود. از طرفی تشکیل انجمن اسلامی دانشگاه تهران با همکاری آیت‌الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان و محمد تقی شریعتی باعث تشدید فعالیتهای جریان ملی ـ مذهبی شد. این اقدامات کم و بیش ادامه داشت و بادستگیری برخی از اعضای فعال این گروه‌ها فعالیت آنها نیز کاهش می‌یافت، تا آنکه با تأسیس حزب نهضت آزادی ایران باهمکاری آیت الله طالقانی ومهندس مهدی بازرگان و جنبش آزادیبخش مردم ایران (جاما) توسط حبیب‌اله پیمان و کاظم سامی این فعالیتها وارد

مرحله جدیدی شد. با وارد شدن جدی روحانیت به صحنه سیاسی کشور در سال ۱۳۴۱ و آغاز مبارزه آنها برعلیه رژیم شاه همکاری نیروهای ملی ـ مذهبی و نیروهای روحانی و مذهبی درچند مقطع تا سال ۱۳۵۷ باعث پیروزی انقلاب و سقوط رژیم شاه شد که در این میان نقش دکتر علی شریعتی که جزء نیروهای ملی ـ مذهبی بود، در روشنگری و تهییج روحیه انقلابی مردم برای مبارزه علیه رژیم شاه را نمی‌توان از نظر دور داشت. پس از پیروزی انقلاب نیروهای ملی ـ مذهبی به مدت چند ماه و به نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان دولت را در دست داشتند اما پس از وقایع سال ۱۳۶۰ و ترورهای کور گروه مجاهدین خلق و مواضع برخی از نیروهای ملی ـ مذهبی در این مورد و نظرات دیگری که در مورد برخی مسائل شرعی از طرف آنها مطرح شد دوران افول فعالیتهای این گروه آغاز شد. بعد از اتمام جنگ تحمیلی برخی محدودیتهای این گروه برداشته شد و مجله ایران فردا به صاحب امتیازی عزت‌اله سحابی منتشر شد که نظرات این گروه را تا حدودی منعکس می‌کرد. با پیروزی سیدمحمدخاتمی درانتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری و تصمیم ایشان برای اجرای برنامه توسعه سیاسی فعالیت‌های این گروه با آزادی بیشتری ادامه یافت.

برخی از نیروهای ملی ـ مذهبی که در ارتباط بامجله ایران فردا و از اطرافیان عزت‌اله سحابی هستند با نام گروه «ایران فردا» خوانده می‌شوند، اما نکته مهم این است که نیروهای ملی ـ مذهبی اینک به صورت یک ائتلاف یا جریان روشنفکری سیاسی فراتر از گروه «ایران فردا» در حال شکل‌گیری است که بیانیه‌های این ائتلاف از سال ۱۳۷۹ به صورت مستمر منتشر می‌شود.

گرایش سیاسی:

گرایش سیاسی این جریان مبتنی بر تفکرات ملی گرایانه (ناسیونالیسم) و مذهبی شکل گرفته است، هرچند عده‌ای از منتقدان آنها این گروه را طرفدار سیستم حکومت لائیک و عدم دخالت دین در سیاست می‌دانند، اما برخی از آنها این مطلب را به استناد به قانون اساسی کشور قبول ندارند. این گروه معنوی و باورهای بومی را با توسل به ایرانیت و

اسلامیت در تبیین سیاستهای خود به هم آمیخته‌اند. دیدگاههای این گروه تا حدودی همانند دیدگاههای احزاب لیبرال دموکرات و سوسیال دموکرات در غرب است. این گروه علاوه بر سه عامل اقتصاد نیمه دولتی، نظام پارلمانی و حقوق بشر عامل ملیت، روشنفکری مذهبی و ملی‌گرایی را نیز در دیدگاههای خود لحاظ کرده است. از اهداف این گروه رسیدن به جامعه نوگرا و مبتنی بر آزادی و عدالت اجتماعی با تأکید بـر نـوگرایـی دیـنی، مـلیت ومـدرنیته می‌باشد.

تشکیلات و نشریات وابسته:

نیروهای ملی ـ مذهبی با توجه به تفاوت نظرات اعـضای آن در اصـل دارای مـواضـع اصولی یکسان هستند و دارای چند تشکل می‌باشند. از مـهمترین ایـن تشکـل‌ها نـهضت آزادی ایران، حزب ملت ایران، گروه ایران فردا، جنبش مسلمانان مبارز وجمعیت دفـاع از آزادی وحاکمیت ملت ایران، انجمن اسلامی مهندسان، دفتر پژوهشهای دکتر شـریعتی و جامعه زنان انقلاب اسلامی را می‌توان نام برد.

توجه: گروه ایران فردا که متشکل از نیروهای ملی ـ مـذهبی است از سـال ۱۳۷۰ و بـا انتشار مجله ایران فردا تشکیل شد و نباید این گروه را با جمعیت ایران فردا که عضو ائتلاف حزب چکاد آزاداندیشان است اشتباه کرد.

اما برخی دیگر از افراد برجسته نیروهای ملی مـذهبی در غـالب هـیچ گـروه وتشکـل خاصی فعالیت نمی‌کنند و نام عمومی ملی ـ مذهبی را برای خود برگزیده‌انـد کـه البـته در بیشتر موارد تمام این گروهها دارای یک خط فکری و مواضع اصولی یکسان می‌باشند.

عزت‌اله سحابی[۱] در مورد این گروه می‌گوید: "نیروهای ملی ـ مذهبی تاکنون به دلایل مختلف حزب تشکیل نداده‌اند، از طرف دیگر نیروهای ملی مذهبی یک طیف (چندگروه) هستند. اگر هم تشکلی ایجاد شود تشکل جبهه‌ای خواهد بود."

بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹ و قبل از تعطیلی روزنامه‌ها در اردیبهشت ۱۳۷۹، مجله ایران

---

۱. ایران فردا، ص ۷، ۷۸/۱۰/۸.

فردا به انعکاس نظرات این طیف از نیروهای سیاسی ایران می‌پرداخت و همچنین مجله کیان دیدگاههای تئوریسن‌ها و متفکران متمایل به این گروه را منتشر می‌کرد. پس از انتخاب سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور و باز شدن فضا برای فعالیت مطبوعات، روزنامه و نشریات دیگری نیز دیدگاه‌های این جریان را تا حدودی بیان می‌کردند مثل روزنامه‌های آزاد، پیام آزادی، جامعه، توس، نشاط، عصر آزادگان و غیره.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

خاستگاه این جریان دانشگاههای سراسر کشور و احزاب ملی و ملی ـ مذهبی دارای فعالیت در رژیم شاه که اکنون دارای فعالیت کمتری هستند می‌باشند و طبقات اجتماعی متمایل به این جریان بیشتر قشر تحصیلکرده و روشنفکر ملی و مذهبی، اساتید و دانشجویان، محصلان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، روحانیون روشنفکر و نوگرا می‌باشند.

مواضع سیاسی:

از لحاظ سیاسی برخی از اعضای این گروه به جدایی دین از سیاست اعتقاد دارند، اما برخی دیگر دین را از سیاست جدا نمی‌دانند اما می‌گویند دین نبایداز سیاست پیروی کند. عزت‌اله سحابی یکی از چهره‌های شاخص ملی ـ مذهبی می‌گوید[۱]:

"ما نمی‌گوئیم دین از سیاست جداست. منتها می‌گوییم دین نباید تابع سیاست باشد. دین خودش اصل است یعنی اعتقاد به خدا و آخرت وعمل صالح از نظر قرآن خودش اصل است یعنی اگر در یک نظام سیاسی مستعمره چپ یا راست یا در هر رژیمی زندگی کنم، نباید تکالیف نسبت به خدا و آخرت و اعتقادات و ارزشهای توحیدی من عوض شود. بنابراین ما می‌گوئیم نباید دین تابع سیاست باشد."

تکیه بر اسلام به مثابه بخشی از هویت ملی یکی دیگر از دیدگاههای این گروه است. حسن یوسفی اشکوری، در این مورد می‌گوید[۲]:

---

۱. ایران فردا، ص ۳۰، اردیبهشت ۱۳۷۶.
۲. ایران فردا، ص ۱۷، ۷۸/۹/۲۴.

"همانگونه که ایران پیش از اسلام پاره‌ای جدا نشـدنی از هـویت و وجـدان جـمعی و تاریخی ماست، اسلام نیز پاره‌ای غیرقابل تفکیک از هویت و تاریخ و فرهنگ ماست و این دو در طول هزار و چهارصد سال اخیر چون شیر و شکر در هم آمیخته‌اند و در تعامل با هم هویت کنونی ما را پدید آورده‌اند."

"در هر صورت ملی ـ مذهبی‌ها ایرانیت و اسلامیت را دو پاره جدانشدنی هویت ملی ما می‌دانند و تفکیک آنها و به ویژه در تقابل قرار دادن آنها را نه ممکن می‌دانند و نه مفید چراکه هر دوی آنها سرچشمه الهام‌بخش ایمان واندیشه و فرهنگ امروزین ما هستند."

مرحوم مهدی بازرگان در هنگام تأسیس نهضت آزادی در مورد دیدگاه نیروهای ملی ـ مذهبی راجع به ملی‌گرایی می‌گوید[۱]:

"ایرانی هستیم ولی نمی‌گوئیم که هنر نزد ایرانیان است و بس، ایران دوستی و ملی بودن ما ملازم با تعصب نژادی نیست و بالعکس مبتنی بر قبول نواقص و معایب خود و احترام به فضائل و حقوق دیگران است، نسبت به حیثیت و استقلال و تعامل کشورمان فـوق‌العـاده پافشاری می‌کنیم، ولی مخالف ارتباط و تعادل با سایر ملل و زندگی در جهانی که روزبه‌روز پیوندها و احتیاجات متقابله شدیدتر می‌شود نیستیم."

هرچند برخی‌ها نیروهای ملی ـ مذهبی را لیبرال و طرفدار آزادی بدون مرزهای ارزشی در حیطه سیاسی و اقتصادی تلقی می‌کنند، اما نظرات متفاوتی از هر یک از اعضای برجسته آنهامشاهده می‌شود عزت‌اله سحابی می‌گوید[۲]: "لیبرال بودن را من خیلی قـبول نـدارم بـا معیارهای امروز که در دنیا هست بنده لیبرال نیستم، بنده سوسیال دموکراتم." برخی دیگر از مواضع سیاسی عزت‌اله سحابی به شرح زیر است[۳]:

موانع توسعه سیاسی:

"سیستم قضایی درست یک ابزار توسعه است و نبودش مانع توسعه است، دیگری نبود دموکراسی است به این که مردم در برابر قانون یکسان نباشند."

---

۱. همان، ص ۲۵، ۷۸/۹/۲۴. ۲. همان، ص ۳۴، فروردین ۱۳۷۶.
۳. پیام هاجر، بهمن و اسفند ۱۳۷۶.

نمادهای توسعه یافتگی:

"نماد توسعه یافتگی این است که همه افراد در آن فعال باشند در فرایند اقتصادی و در فرایند سیاسی اگر فقط دولت اقدام کند و مردم راکد بمانند توسعه ایجاد نمی‌شود. چنانکه زمان شاه هم اینطور بود. من از این جهت معتقدم که اگر همه اقشار فعال و علاقمند در فرایند توزیع قدرت سیاسی، یا ایجاد درآمد و تولید مشارکت نکنند، توسعه صورت نمی‌گیرد اگر هم یک طبقه خاصی وارد شوند منجر به اختلاف طبقاتی می‌شود."

تقدیم توسعه سیاسی:

"اینکه آقای خاتمی توسعه سیاسی را بر توسعه اقتصادی مقدم می‌داند حرف خوب و درستی است و شخصاً هم ایشان به این حرف پایبند هستند، لیکن حرفم این است که ما نمی‌توانیم بگوییم توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی. ببینید اقتصاد و سیاست و فرهنگ و روابط اجتماعی در هم گره خورده‌اند، نمی‌توانیم مدتی کار اقتصادی را رها کنیم بگوییم مملکت کاملاً دموکراتیک شود."

عدالت و انحصار طبقاتی[1]:

"وقتی بخواهی عدالت را پیاده کنی اما خیال کنی مردم اشیاءاند این عدالت اجراء نمی‌شود و همه‌اش صورت ظاهری خواهد داشت. ارزشها طبقه طبقه و لایه لایه است. اول ارزشهای اساسی و عمده باید اجرا شود. مردم آدم حساب شوند. انحصار طبقاتی نباشد. آن وقت مردم در آن جامعه و به آن جامعه و به آن نظام علاقه‌مند و امیدوار می‌شوند."

آزادی احزاب:

"در مورد آزادی احزاب، بنده اصولاً معتقد و طرفدار جدی آزادی احزاب ملی و پایبند به استقلال و تمامیت داخلی و وحدت کشور می‌باشم و در این راه کوشا خواهم بود."

مادر ارزشها:

"مادر ارزشها این است که مردم به حساب بیایند. مردم آدم‌حساب شوند. حالا اگر کسی بیاید بگوید من ارزش عدالت و آزادی و مبارزه با استکبار جهانی را در جامعه پیاده می‌کنم،

---

۱. ایران فردا، ص ۳۰، اردیبهشت ۷۶.

اما مردم را آدم نمی‌دانم، من می‌گویم این تناقض است.»

ولایت فقیه:

«من به‌ولایت فقیه اعتقاد ندارم، در حالی که قانون اساسی را می‌پذیرم و در برابر آن سرفرود می‌آورم (ولایت فقیه را برمبنای قانون اساسی قبول دارم) و این در نظامهای دموکراتیک امری معمولی است.»

«آنچه که در یک نظام دموکراتیک مهم است، مسئله التزام به قانون اعم از قانون اساسی یا قوانین عادی است. در کلیه نظامهای دموکراتیک‌هرگاه اکثریتی به ماده قانونی رأی دادند آن قانون تصویب می‌شود که مخالفین قانون هم ملتزم به تبعیت از آن قانون می‌شوند. تا زمانی که قانون اساسی و ولایت فقیه در ایران رسمیت دارد ما تسلیم هستیم و عملی هم در جهت تخریب آن انجام نمی‌دهیم.»[1]

امنیت ملی:

«ترجیح بند مسائل و مشکلات عمومی کشور و ملت ما امروزه، عبارت از عدم امنیت در همه ابعاد وهمه صور آن است. اصلی‌ترین وظیفه هرگونه مدیریتی و رهبری آینده کشور می‌بایست متوجه بازگرداندن امنیت و اطمینان به جامعه باشد.»

وفاق به جای تنش رمز اداره جامعه[2]:

«اینجانب برحسب آموزش و تربیتی که از مکتب توحید و عرفان قرانی گرفته و تجاربی که طی پنجاه سال فعالیت و حضور اجتماعی کسب کرده‌ام، به این اعتقاد و یقینی رسیده‌ام که جامعه ایرانی را با بینش وفاق و الفت و اشتراک، بسیار بهتر و کم هزینه‌تر و با نتایجی استوارتر و پایدارتر از بینش جبر و انحصار و حاکمیت از بالا می‌توان اداره کرد و به پیشرفت و توسعه و عدالت و رفاه همگانی و اقتدا و امنیت همه جانبه نایل نمود. نظام مبتنی بر وفاق و الفت و امنیت، ارزشهای اخلاقی، معنوی و دینی بیشتر به شکوفایی و بالندگی می‌رسند تا جامعه لبریز از تنشها، اضطرابات و مخاصمات.»

---

۱. ایران فردا، ص ۶، ۷۸/۱۰/۸. ۲. همان، ص ۳۲، فروردین ۱۳۷۶.

عدم امید به آینده:

"متأسفانه غلبه بینش انحصار و قیمومیت نسبت به ملت و دیانت، آنطور که هم اکنون طلیعه‌های آن پیداست، نشانی از آینده امیدبخش نداشته، بلکه فضایی سرشار از عدم امنیت اجتماعی، قضایی و شغلی را پیش رو قرار می‌دهد."

نیازهای مردم[1]:

"در فرهنگ اسلامی به ما آموخته‌اند که اساسی‌ترین و مبرمترین نیاز هر قوم و ملت سه چیز است: امنیت، عدالت، فراوانی."

برخی از مواضع رضا علیجانی از فعالان ملی و مذهبی و سردبیر مجله ایران فردا در مورد مساله سیاسی روز کشور را در ذیل می‌خوانیم[2]:

مواضع مشارکت سیاسی:

"مهمترین مانع مشارکت (سیاسی) و رقابت در ایران کنونی، به غیر از عامل اقتصاد، عدم امنیت انسانی، سیاسی، اجتماعی و شغلی است. مانع دیگر عدم وجود قوی و نهادینه شده کانونهایی برای رقابت و ابزار مشارکت می‌باشد، براساس این دو نکته ضروری به نظر می‌رسد ابزارهای زیر جهت توسعه سیاسی، البته در ایران بسیار ضروری هستند:

ـ مطبوعات آزاد و با امنیت، امنیت سیاسی یا برخورد با ارعاب و خشونت گروههای فشار، بی‌طرفی و عدم برخورد گزینشی قوه قضائیه، حذف یا شفاف و قانونی شدن و ضابطه‌مند گردیدن «گزینشها» که با سرنوشت هر جوان و خانواده ایرانی سروکار دارد.

تشکیل آزادانه احزاب و رقابت قانونمند آنها، عدم دخالت نیروی انتظامی در امور سیاسی، امنیت جوانان وجلوگیری از تحمیل سلیقه‌ها به آنان، سیال بودن رفت و برگشت آزادانه اخبار، برگزاری آزادانه انتخابات شوراها، اصلاح قوانین انتخابات در جهت افزایش مشارکت تمامی اقشار مردم، حذف تبعیضات قانونی. احمد زیدآبادی یکی دیگر از فعالات ملی ـ مذهبی اهداف اصلی این گروه را به صورت زیر بیان می‌کند[3]:

"جریان ملی ـ مذهبی درکنار ملیت و مذهب، خواهان جامعه‌ای مبتنی بر آزادی عدالت

---

۱. پیام هاجر، آذر و دی ۱۳۷۸. ۲. همان، بهمن ۱۳۷۸. ۳. پیام هاجر، بهمن ۱۳۷۸.

و معنویت است و همه این آرمانها را نیز به صورت اصیل خود می‌خواهد، این درست همان چیزی است که در فلسفه کلاسیک به آن مدینه فاضله می‌گویند.»

لطف‌اله میثمی از اعضای سابق نهضت آزادی و زندانی سیاسی دوران طاغوت و از اعضای برجسته نیروهای ملی ـ مذهبی می‌باشد، برخی از نظریات ایشان در مورد مسائل سیاسی به شرح زیر است[1]:

توان مردم:

«توان مردم در حد حرکت در خط قانون است، نه براندازی و توجیه‌گری.»

توسعه سیاسی یا اقتصادی:

«مسائل اقتصادی ما، در توسعه سیاسی به دلیل مشارکت آگاهانه مردم و شفافیت و قانونمند بودن مواضع به بهترین وجه حل خواهد شد. آنان که می‌گویند توسعه اقتصادی اولویت دارد باید ثابت کنند که مسائل سیاسی جامعه، آزادیهای مدنی و آزادیهای قانونی هم در دل توسعه اقتصادی حل خواهد شد. تقدم زمانی و اینکه بگوییم اول این، بعد آن، درست نیست. توسعه سیاسی هم اگر بنا باشد تقدم زمانی پیدا کند و مسائل اقتصادی نادیده گرفته شود بنظر من شکست می‌خورد.»

روحانیت و سپاه:

«در ایران دو نهاد بزرگ وجود دارند، یکی روحانیت و دیگری نهادهای انقلابی. اگر احزاب بتوانند در زمینه‌های مختلف یعنی نوآوری اعتقادی و داشتن حرفهای تازه، واقعاً ادعا داشته باشند خوب است وگرنه کمرشان در برابر این دو نهاد می‌شکند.

در حال حاضر من جریانی سراغ ندارم که یک حرف‌نویی در برابر این دو نهاد داشته باشد. یعنی مرتبه استقلال‌طلبی‌اش از نهاد سپاه بالاتر و در مرتبه ایدئولوژیک از حوزه علمیه منسجم‌تر باشد.»

---

۱. همان، ۷۸/۳/۴.

مواضع اقتصادی:

این گروه در حیطهٔ مسائل اقتصادی دارای مواضع یکسان و مشخصی نیست. عزت‌اله سحابی به هنگام انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم رئوس برنامه‌های خود را در محورهای زیر خلاصه می‌کند[۱]:

۱ـ اصلاح ساختار مالی ـ اداری دولت برای دستیابی به دولتی کارآمد و سالم و پیشتاز توسعه.

۲ـ تلاش درخارج کردن بودجه دولت از وابستگی مستقیم و غیرمستقیم به درآمد نفت.

۳ـ سازمان دادن تمام تشکیلات ومقررات دولتی و نظام بانکی برای حمایت و تشویق صاحبان اندوخته‌ها و کارآفرینان.

۴ـ تلاش در جهت تفکیک نظام تولید از نظام توزیع درآمدها.

۵ـ پی ریزی یک بودجه توزیعی در ساختار مالی دولت جهت تضمین عدالت و توزیع درآمدها و هدایت تمام فعالیتهای توزیعی مردم و جامعه در جهت پرکردن شکاف طبقاتی.

۶ـ تلاش در جهت تکوین، سلامت و امنیت و استحکام یک صنعت غیروابسته.

۷ـ گسترش باب مراودات تجارت خارجی براساس منافع ملی و ورود در بازارهای جهانی.

ایشان مهمترین مشکل اقتصاد ایران رامصرفی بودن و وابستگی آن به ارز حاصل از نفت می‌داند و بهترین راه حل را آزادسازی تولید و تبدیل اقتصاد مصرفی به اقتصاد تولیدی و عدم پرداخت ارز حاصل از نفت به کارخانجات تولیدی می‌داند[۲]. همچنین ایشان معتقد است: "جریان عدالت اجتماعی و توزیع درآمد از طریق تولید انجام شود نه آنکه توزیع درآمد را قبل از تولید (مانند مارکسیسم) انجام دهیم. به عبارتی نباید منابع تولید ملی شوند تا توزیع عادلانه شود بلکه بگذاریم تولید کار خودش را بکند و از درآمدش توزیع عادلانه انجام شود."

در جای دیگر ایشان راجع به جهانی شدن اقتصادی می‌گوید: «اقتصاد ما باید اصلاح

---

۱. ایران فردا، ص ۸، اردیبهشت ۱۳۷۶.
۲. همان، ص ۳۱.

شود اما این تعدیلی که بانک جهانی می‌گوید شما در و پیکر تجارتتان را باز کنید. ارزش پولتان را پائین بیاورید، به سرمایه‌داران خارجی مشوقها و معافیتهای مالیاتی بدهید و... بنده می‌گویم این چیزهایی که بانک جهانی می‌گوید مطابق با شرایط خاص ایران نیست.″

در بیانیه‌ای دیگر با عنوان برنامه‌های جمعی از فعالان ملی ـ مذهبی در تاریخ ۷۸/۹/۲۰ مواضع اقتصادی این گروه به شرح زیر اعلام شده است:

ـ حذف رانتها و شیوه‌های حامی پروری.

ـ نظارت وجلوگیری از حیف ومیل اموال عمومی ومبارزه با فساد مالی

ـ حسابرسی از عملکرد اقتصادی و اموال مدیران ارشد در بیست ساله گذشته و استمرار این نظارت.

ـ تسهیل وتشویق سرمایه گذاری و افزایش تولید و ایجاد اشتغال.

ـ قرار دادن کلیه بنیادها ومؤسسات مالی و اقتصادی (مانند بنیاد مستضعفان، بنیاد ۱۵ خرداد، آستان قدس و...) تحت نظارت دولت و حسابرسی از عملیات گذشته آنها و رفع کلیه معافیتهای مالیاتی و موقعیتهای انحصاری اقتصادی.

ـ نظارت دقیق بر انعقاد قراردادهای خارجی در جهت دفاع از منافع ملی.

ـ ادغام ارگانها و نهادهای موازی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و...

نظام الدین قهاری از اعضای برجسته نیروهای ملی ـ مذهبی در مورد اصلاح ساختار اقتصادی کشور می‌گوید[1]:

″ما باید با پرورش ذهنیت تولید و سرمایه گذاری، از سرمایه‌های داخلی حمایت کنیم. در حالی که دو هزار سرمایه گذار ایرانی در دوبی حضور دارند، دعوت از سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری در ایران غیرمعقول به نظر می‌رسد.″

این گروه را برخی دارای مرامها لیبرالی می‌دانند چنانکه اینان مخالف دخالت دولت و انحصارهای خصوصی در اقتصاد هستند و بهترین راه پیشرفت اقتصاد را مکانیسم خودکار بازار و قانون عرضه و تقاضا و در عین حال نظارت دولت بر امور اقتصادی می‌دانند و

---

۱. ایران فردا، ص ۷، ۷۸/۱۰/۸.

معتقدند مشارکت داوطلبانهٔ افراد و همکاری آنها براساس بازار آزاد به تأمین سود همگانی می‌انجامد. در عین حال سحابی مکانیسم این عملکرد را در خصوصی‌سازی واحدهای دولتی چنین تفسیر می‌کند: "ما به جای آن که واحدهای اقتصادی دولتی را حراج کنیم و بفروشیم بهتر است مدیریت آن را خصوصی کنیم و مالکیت واحدها به دست دولت باشد.

"اما نمی‌توان کاملاً چهره‌های شاخص این گروه را متمایل به دیدگاههای لیبرالی دانست چنانکه عزت الله سحابی صریحاً می‌گوید:[۱] "با معیارهای امروز که دردنیا هست، بنده لیبرال نیستم، بلکه سوسیال دموکراتم." همچنین برخی دیگر از نیروهای متمایل به این گروه صریحاً از مرامهای اقتصادی سوسیالیستی حمایت می‌نمایند. اما آنچه مهم است این است که به طور کلی این گروه از فضای باز اقتصادی و سیاسی واصالت دادن به روند طبیعی بازار، تولید و گردش طبیعی سرمایه حمایت می‌کند.

دکتر فریبرز رئیس دانا اقتصاددان و استاد دانشگاه از نیروهای متمایل به این گروه می‌باشد که به عنوان کاندید نیروهای ملی و مذهبی برای انتخابات مجلس ششم معرفی شد. اینک برخی از دیدگاههای اقتصادی ایشان را می‌خوانیم[۲]:

عدالت اجتماعی:

"عدالت اجتماعی، وفاق علمی و خردمندانه اقتصاددانان را به همراه دارد و باید راه خود را در این کشور پیدا کند. عدالت اجتماعی در سرزمینی که رشد صورت نمی‌گیرد، یعنی تقسیم کردن فقر. باید دید این عدالت اجتماعی چگونه می‌خواهد با رشد ارتباط پیدا کند."

"عدالت اجتماعی به نظر من هم هدف است و هم ابزار، استراتژی است و باید شناسایی شود. عدالت اجتماعی ابزارهای خودش را دارد. تورم آمده برای حذف تورم. چون تورم به معضل تبدیل شده و این هم خوب است. عدالت اجتماعی با تورم اتفاقاً هم سواست.»

---

۱. ایران فردا، ص ۳۴ فروردین ۱۳۷۶.

۲. انتخاب، صص ۲۹ و ۲۸ و ۷۸/۴/۲۷.

منابع مالی، ارزی:

"مامنابع کم نداریم. البته به عنوان یک کشور کمتر توسعه یافته ضعیف هستیم، ولی پتانسیل کشور ضعیف نیست. ما نقدینگی زیاد داریم اما بد توزیع می‌شود، در حالی که صنعت مولد در حسرت نقدینگی می‌سوزد، پولها در دست بنیادها و افراد خاصی و شرکتهای نه چندان مفید به حال جامعه، جمع شده است."

سرمایه ایرانی:

"در مورد منابع ارزی نیز ضعیف‌نیستیم. حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیارد دلار سرمایه ایرانی در آمریکا واروپا است. ایرانی‌ها در آنجا آینده درخشانی دارند. اما دلشان می‌خواهد ریشه‌ای در این خاک داشته باشند، دلشان می‌خواهد از نعمتهای این کشور سود ببرند.»

سرمایه‌گذاری خارجی:

"راه‌حلهایی برای جذب سرمایه خارجی لازم داریم و هدایت آن به جاهایی که به کار افتادن در آنجا لازم است، نه هر جایی که سرمایه گذار می‌خواهد ترکتازی کند. هیچ وقت سرمایه خارجی به خودی خود راه رستگاری را نشان نداده است."

"یکی از نتایج سرمایه گذاری خارجی یادگرفتن رموز کار و تجربه و راهیابی‌ها است. هم اکنون عملکرد سرمایه جهانی تمرکز یافتن بر تکنولوژی است و بر آن تکیه دارد، از طریق آن عمل می‌کند و به عنوان یک عامل پرقدرت در صحنه حضور دارد."

اقتصاددان سیاسی:

"ما به کمک «اقتصاددان سیاسی» احتیاج داریم، کسانی که جابه‌جا کردن منابع را توصیه می‌کنند و دگرگون کردن ساختارها راتجویز می‌کنند، به نظر من آنها می‌توانند در شرایط فعلی به ما کمک کنند. چرا که رکود تورمی ما ناشی از این سیاست غلط و آن سیاست غلط نیست، ناشی از این هم نیست که منابع سطحی این طرف و آن طرف ناساز شده باشند. مدیریت باید ذهنیتش عوض شود و تا زمانی که نقش همه مردم را در تصمیم‌گیریها دخیل ندانیم کار اساسی نمی‌توان صورت داد."

ارائه راه حل اقتصادی:

"به عنوان یک اقتصاددان قول می‌دهم بدون هیچ چشمداشتی مدیریت کنم و وقت می‌گذارم به همراهی یک گروه راه حلی پیدا کنیم که ارزهای در دست دیگران که همین طور دارند دولت را زیر فشار قرار می‌دهند، بیاید در داخل صنعت در واحدهای صنعتی که کمبود ارز دارند فعال شود، منابع را نوسازی کند و مواد اولیه را تأمین کند، سود تولید به صنعت تعلق گیرد و سود صادرات آن به صاحبان آن برسد. این طرح را برای اولین بار مطرح می‌کنم و تاکنون اینقدر آن را جدی مطرح نکرده‌ام و برای این کار طرح و اندیشه و راه حل نیز دارم."

برنامه اقتصادی:

"اگر هدف برنامه‌ها بدون انعطاف تعیین شوند، درمیان راه، مردم از نفس خواهند افتاد و برنامه ریزان را تنها می‌گذارند."

خصوصی سازی:

"خصوصی سازی راه حلهایی هم دارد یکی تشکیل هسته‌های تعاونی مرکب از فارغ‌التحصیلان جوان، کارگران و تکنیسین‌ها و ایجاد واحدهای مالی که بتوانند پس‌اندازها را بگیرند و با همکاری بررسی و دولت به جای این که مالکیت واحدها را بدهند، مدیریت آنها را واگذار کنند."

مواضع فرهنگی:

این گروه از آزادسازی مسائل فرهنگی وایجاد فضای باز فرهنگی برای رشد و بلوغ افکار از هر نوع برطبق موازین قانونی حمایت می‌کند و از طرفی بـه آزادی فردی توجه خاصی دارد و حتی به اختیاری بودن برخی مسائل مذهبی معتقد است، مثلاً فرایض دینی را امری شخصی می‌دانند و دخالت دولت را در این امور رد می‌کنند. عزت‌اله سحابی می‌گوید[۱]:

"حرف بنده اینست که اصل و اساس مذهب و دیانت و اجرای احکام و فرایض دینی

---

۱. ایران فردا، ص ۳۵، فروردین ۱۳۷۶.

اختیاری است و در آنها قرب به خدا منظور است. عمل دینی آن است که صرفاً با اختیار و انتخاب شخص و به قصد قرب به خدا باشد نه به قصد قرب به جامعه یا دولت یا فلان مقام. بنابراین می‌گویم تمام این اعمال دینی که مردم از ترس حکومت‌ها یا برای رعایت اطرافیان می‌کنند اعمال دینی نیست. دولت باید در این کارها دخالت نکند مردم باید در فرایض خود آزاد باشند.″

در بیانیه رسمی نیروهای ملی ـ مذهبی در تاریخ ۷۸/۹/۲۰ به مناسبت انتخابات مجلس ششم مواضع فرهنگی این گروه به صورت زیر بیان شده است:

ـ اصلاح قانون مطبوعات جهت تضمین آزادی بیان و امنیت روزنامه‌نگاران و رفع تبعیض‌ها و تضییقات قانونی جهت انتشار هر نوع مطبوعه برای همه شهروندان.

ـ جلوگیری از دخالت نهادهای قدرت در حوزه زندگی خصوصی و عقاید و اخلاق افراد.

ـ جلوگیری از اجباری کردن انجام شعائر مذهبی در نهادهای دولتی.

جنبش مسلمانان مبارز

نام کامل: جنبش مسلمانان مبارز

نام دبیر کل: حبیب‌اله پیمان

نام اعضای فعال: حبیب‌اله پیمان، عباس پوراظهری، مجید تولایی، مهدی ناطقی، مرضیه مرتاضی لنگرودی(پیمان)، مجید پیمان

اعضای سابق: ملکی، محمدی، سردار افتخار، عباس زادگان، مصطفی میرخانی.

مرامنامه:

مقدمه:

جنبش مسلمانان مبارز در شرایط بحرانی تب وتاب انقلابی سال ۵۶ و در ادامه رسالت فکری ومبارزاتی که نهضت خداپرستان سوسیالیست در دهه‌بیست آغازگر آن بودند، موجودیت یافت تا به تحقق هدفهای زیر یاری رساند.

الف ـ کوتاه مدت

۱ـ به نیروهای انقلابی که زیر ضربات پلیس سیاسی و تصادمات فرهنگی درتنگنا قرار

گرفته آسیب می‌دیدند، با انواع حمایتهای مادی و معنوی یاری رسانده تداوم آن حرکت را تضمین کند.

۲ـ پشتوانه فکری و ایدئولوژیک جنبش انقلابی مردم را که در معرض تهاجم ارتجاع ونزاعهای فکری سیاسی درونی قرار داشت، تقویت و مورد حمایت قرار دهد.

۳ـ جنبش وسیع توده‌ای را که برای کسب آزادی، استقلال وعدالت و یا خمیرمایه فرهنگ وعواطف دینی در حال نشو ونما و گسترش بود، به‌سهم خود تغذیه فکری و سیاسی و استراتژیک کند و با تشویق و کمک به ایجادتشکلهای مردمی خود انگیخته وخودگردان، هسته‌های اولیه شوراها را که باید پایه‌های عینی و مادی دموکراسی شورایی آینده شوند، به وجود آورد.

تأکید جنبش در آن دوران ویژه، تلاش در تعمیق مبارزه فکری و سیاسی بود که تا وقتی حکومت استبدادی سرنگون می‌شود مردم توانایی و ابزار لازم برای حکومت بر خویش و تحقق شعارهای آزادی، عدالت و استقلال را فراهم آورده باشند.

ب ـ درازمدت

هدف درازمدت جنبش مسلمانان مبارز ایجاد یک نهضت فراگیر اجتماعی بر محور سنت واندیشه فلسفی واجتماعی خداپرستان سوسیالیست بود که می‌بایست متناسب با تحول دوران و تکامل علمی و فلسفی، در سطح مطلوب و شایسته‌ای به لحاظ کیفی و کمی ارتقاء یابد. به همین جهت انجام دو وظیفه اساسی را فراراه خود قرارداد.

۱ـ تکمیل و غنی سازی وتعمیق مبانی نظری (تئوریک) که بر سه پایه آزادی، برابری و ایمان به طرز فکر خداپرستی بنا شده بود و در معادله هایی همچون‌حقیقت، آزادی، عدالت و عرفان، آزادی، برابری و سوسیالیزم و دموکراسی برپایه طرز فکر خداپرستی تکرار می‌شد.

۲ـ آموزش و تبلیغ تعالیم مزبور درمیان مردم و کمک به ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی بر محور اندیشه فکری و اجتماعی با هدف گسترش، اعتلاء و سازماندهی جنبش اجتماعی و فکری مردم ایران که باید پشتوانه اصلی مردمسالاری، استقلال عدالت و توسعه

همه جانبه جامعه ایران قرار گیرد.

جنبش مسلمانان مبارز یک حلقه از زنجیری است به درازای نیم قرن در زمان، که با نهضت خداپرستان سوسیالیست آغاز و در جمعیت آزادی مردم ایران، حزب مردم ایران، جنبش آزادیبخش مردم ایران و جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران تداوم یافته است.

این حلقه‌ها همه از یک جوهر وجنس تشکیل شده‌اند و به مقتضای شرایط زمانی و ماهیت مبارزه مردم در نام و قالب وتشکیلات ویژه‌ای جای گرفته‌اند. آنچه ثابت و مشترک است جوهره فکری است که در جهت واحدی پویا و متکامل به حرکت و رشد خود ادامه می‌دهد و می‌رود تا در بستری واحد و گسترده و پرثمرتر از قبل در عنوان و قالبی متناسب با دوران جدید مسئولیت ارتقاء اندیشه‌ای را بر دوش حمل کند که به طور قطع تحقق بخش آرمانهای انسانی ملت ایران و بشریت خواهد بود.

اول ـ کلیات

جنبش مسلمانان مبارز حرکتی فکری، سیاسی است که برای پاسخگویی به ضرورت ارتقاء سطح آگاهیهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توده‌های محروم و زحمتکش ونیروهای مترقی و مولد و احراز خودآگاهی تاریخی، ملی، فرهنگی و طبقاتی وترغیب آنها به تشکل، همکاری وتلاش در راه ایجاد جامعه‌ای آزاد و رو به رشد و عاری از سلطه، خشونت، استثمار، دروغ و از خودبیگانگی و مبتنی بر آزادی، عدالت و حقیقت (توحید) به‌وجود آمده است.

جنبش مسلمانان مبارز، نیازهای راستین و مشترک میان همه انسانها و ارزشهای عام وجهانشمولی راکه متضمن حقوق اساسی خداداد همه افراد است، بر میراث اصیل فرهنگ ملی و توحیدی جامعه ایران به عنوان اساس اتحاد و همبستگی و همکاری میان مردم قرار میدهد و در جهت ایجاد یک نهضت نوزایی فکری و فرهنگی به منظور غلبه بر رکود و گسستی که در تکامل جامعه و فرهنگ ایران پدیده آمده است می‌کوشد.

جنبش مسلمانان مبارز، آزادی، خودآگاهی و عدالت را شرط اولیه بقاء و اعتلای یک جامعه و بروز خلاقیتهای فردی و جمعی می‌داند و حرکت و تلاش به سوی رشد و تعالی را

مستند به هر دو دسته نیروهای محرکه مادی و معنوی در حیات انسان و در جامعه و تاریخ می‌نماید.

هدف اساسی ما

کمک به فراهم آمدن شرایطی است که در آن همه افرادجامعه بدون تبعیض جنسی، مذهبی، قومی و زبانی، آزادی و استقلال فکر، وجدان و اراده خود را بازیابند و ضمن غلبه بر موانع درونی و بیرونی، استعدادهای انسانی خویش را پرورش دهند و با بهره مندی از یک زندگی پرنشاط، خلاق و صلح‌آمیز، برای تکامل هرچه بیشتر شخصیت و زندگی فردی و حیات جامعه خویش با دیگر اعضای جامعه همکاری کنند.

مبانی فکری

برنامه‌ریزی و فعالیت جمعی برای هدایت تحولات اجتماعی در راستای خواسته ها، هدفهای مشترک مردم، نیاز به یک مبنای فکری، فلسفی وجهان بینی عقلانی دارد، با این کارکرد که حداکثر هماهنگی و انسجام را در فعالیتهای کوشندگان فراهم آورد، اهداف مشترک، نظام ارزشها و ملاکهای گزینش و عمل را تعیین کند و بالاخره روشها وشیوه‌های مناسب نیل به اهداف را در اختیار گذارد.

ما فلسفه و جهان بینی توحیدی را مکتب راهنمای عمل خود برگزیده‌ایم که بر مبنای آن:

۱ـ همه پدیده‌های هستی بدون استثناء دارای شعور راهنمای عمل هستند و در نسبت‌ها و اشکال مختلفی صفات خدا را متجلی می‌سازند.

۲ـ خداوند، این شعور زنده و بیدار وفعال و فراگیر در دل هر پدیده یعنی در شعور وی حضور دارد و از همین طریق بی واسطه با وی سخن گفته و به او یاری می‌رساند.

۳ـ جاودانه و آزادانه زیستن و فراتر رفتن از آنچه هست، تمایل عمومی و محرک اصلی فعالیتهای حیاتی است. هر کس که نیروی نوآوری، آفرینندگی و درجه آزادی بیشتری دارا است، پایداری و بالندگی حیاتی‌اش بیشتر است.

۴ـ تمایز انسان با سایر انواع موجودات در بهره‌مندی هرچه بیشتر او از

قـدرت‌آفرینندگی، خـردمندی و دانش‌انـدوزی، آزادی اراده و وجـدان، نـیروی اختیار و انتخاب‌گری و کمال‌طلبی و دیگر صفات الهی است. از این مـیان قـدرت‌آفرینندگی وجـه اصلی طبیعت مشترک انسانهاست و نیروی انتخابگری و آزادی شرط اصلی تحقق قدرت آفرینندگی است و به همین دلیل آزادی و هر آنچه برای تجلی این استعداد در افراد ضروری است جزو حقوق جدائی‌ناپذیر همه افراد بشر محسوب می‌شوند.

هدفها

الف ـ سیاسی

۱- اهتمام در حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشور از طریق:

۱-۱- کمک به تقویت بنیهٔ اقتصادی و استقلال اقتصادی کشور و توسعه پـیشرفت در زمینه علوم و فنون.

۱-۲- کمک به توسعه سیاسی و افزایش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت کشـور از طریق استقرار حاکمیت ملی و مردمی، براساس ترکیبی از نظام شوراهای محلی و منطقه‌ای، مجالس نمایندگی عمومی ملی.

۱-۳- مقاومت در برابر تجاوزات و توسعه طلبی‌های قدرت‌های سلطه‌جوی بیگانه.

۲ـ تلاش در جهت برقراری حاکمیت قاطع و همه جانبه مـردم بـر مـقدرات سـیاسی، اقتصادی واجتماعی و فرهنگی کشور و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی از طریق:

۲-۱- تأمین آزادی مطبوعات و نشر و آزادی بیان عقیده.

۲-۲- تأمین آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمانهای صنفی و سیاسی و نهادهای مدنی.

۲-۳- کوشش درجهت تشکیل و گسترش شوراها در کلیه سـطوح و افـزایش حـدود اختیارات آنها.

۲-۴- تأمین آزادی و سلامت انتخابات مجالس مقننه و شوراها.

۲-۵- رفع هر نوع تبعیض در حقوق سیاسی و اجتماعی علیه زنان و جوانان و اقشـار محروم جامعه.

۶-۲- تأمین حقوق برابر سیاسی و مشارکت همه اقوام و زیرمجموعه‌های ملیت ایرانی در چارچوب یک نظام فدراتیو (شورایی) و رفع هر گونه تبعیض ناشی از تفاوت‌های مذهبی، نژادی و قومی.

۷-۲- تعمیم حق حاکمیت به همه اقوام از طریق تأسیس شوراهای ایالتی با حقوق خودگردانی در چارچوب وحدت ملی و ارضی و اعطای حق حفظ زبان و دیگر عناصر فرهنگ قومی و ملی.

ب ـ اقتصادی ـ اجتماعی

۱ـ کوشش در تدوین روش اجرای طرح توسعه اقتصادی درون‌زا، با هدف ایجاد یک اقتصاد ملی و مستقل و متکی به منابع درونی و مرتبط با بازار جهانی و مجهز به پیشرفته‌ترین دستاوردهای علوم و فنون بشری.

۲- تأمین نیازهای اساسی اولیه در خور شأن انسانی برای همگان از طریق:

۱-۲- گسترش نظام تأمین اجتماعی، با برقراری بیمه‌های اجتماعی، بهداشتی و درمانی، بیمه بیکاری و از کارافتادگی و بازنشستگی.

۳ـ تهیه ابزار و امکانات انجام فعالیتهای مثبت و مولد و خدمات موردنیاز جامعه برای کلیه شهروندان از طریق:

۱-۳- تشویق سرمایه گذاری به صورت تعاونی و مالکیتهای جمعی و بعضاً بطور محدود و معین خصوصی در عرصه مختلف تولید وخدمات در چارچوب برنامه‌های ملی ومنطقه‌ای توسعه.

۲-۳- سرمایه گذاری عمومی در ایجاد و تقویت زیرساختهای توسعه ملی ومنطقه‌ای و تحقیقات زیربنایی.

۳-۳- کمک به توسعه تعاونی‌های تولید، توزیع ومصرف.

۴- تأمین امکانات آموزشی رایگان تا عالی‌ترین سطوح، برای همه شهروندان مستعد و علاقمند به ادامه تحصیل، اجباری بودن آموزش تحصیلات ابتدایی و متوسطه.

۵ـ کوشش برای حضور فعال در بازارهای جهانی با عرضه تولیدات صنعتی

وکشاورزی کشور و مبارزه با هر نوع سلطه‌جویی و انحصارطلبی در عرصه تولید، توزیع وتجارت و مالکیت سرمایه.

۶ـ تأمین عدالت اجتماعی با کاهش تدریجی فاصله طبقاتی وحرکت سنجیده در جهت محو تدریجی و بلندمدت بهره کشی انسان از انسان از طریق:

۱-۶- تأمین برابری استفاده از فرصتهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای همه شهروندان به منظور اعتلای شخصیت انسانی وموقعیت و منزلت شخصی و اجتماعی و فردی و یا گروهی.

۲-۶-گسترش مالکیتهای اجتماعی و تعاونی.

۳-۶- افزایش تصاعدی مالیات بر درآمدها.

۴-۶- جلوگیری از سلطه یک طبقه بر دیگر طبقات و بر قوای سه‌گانه و قانونگذاری، اجرایی و قضایی.

۵-۶- ممانعت از تمرکز و انباشت سرمایه وقدرت سیاسی واطلاعات در دستهای یک اقلیت.

۶-۶-کوشش در راه تحقق اصل الزام انجام کار مثبت و مولد و خدمات مفید از سوی همه افراد و بهره مندی متناسب با ارزش کار فردی یا گروهی.

۷-۶- تأمین حداقل نیازهای اساسی وایجاد شرایط اولیه زیست انسانی برای همه شهروندان.

۸-۶-کوشش برای حذف عواملی که میان نیروهای فعال و مولد و کار و محصول کارشان فاصله وجدایی افکنده موجب خودبیگانگی آنان می‌شود.

۷ـ تأمین حقوق انسانی برابر برای زنان.

۸ـ تأمین حقوق کامل و برابر برای همه اقوام وملتها واقلیتهای دینی و مذهبی واحترام به استقلال فرهنگی اقوام ایرانی و حمایت از حق تصمیم‌گیری و اداره جامعه خویش در چارچوب وحدت ملی وتمامیت ارضی کشور و باتکیه بر گسترش نظام شورایی وفدراتیو.

۹ـ تأمین امنیت قضایی و اجرای بدون تبعیض و عادلانه قانون از طریق ایجاد یک نظام

قضایی مستقل.

۱۰ـ تأمین حقوق کودکان بر طبق اعلامیه جهانی حقوق کودکان.

ج ـ فرهنگی

۱ـ کمک به ایجاد و توسعه فرهنگی با فراهم آوردن شرایط مادی ـ سیاسی و معنوی بروز خلاقیت‌های فکری وعلمی و هنری وفرهنگی در همه افراد و رفع هر نوع تبعیض ونابرابری براساس جنس،مذهب وقومیت.

۲ـ حفظ تنوع فرهنگی از طریق تأمین آزادی همه اقوام وگروههای ایرانی در حفظ وتوسعه زبان وخرده فرهنگهای قومی همراه با تأکید بر حفظ و اعتلای زبان فارسی و فرهنگ ملی ودینی به عنوان عوامل وحدت بخش جامعه ایران.

۳ـ ایجاد شرایط لازم برای ارتقاء سطح آموزش عمومی و بروز خلاقیت‌های علمی و تکنولوژیک و رساندن کشور به بالاترین سطح پیشرفتهای علمی و فنی جهان.

۴ـ حفظ و تقویت هویت فرهنگی و ملی ایرانی با تشویق و ایجاد فرصت جهت بروز خلاقیت‌های فرهنگی (علمی وهنری و فلسفی و عرفانی) بازشناسی وبازسازی هویت تاریخی و ملی اقوام ایرانی و جستجوی علمی عوامل پایداری و بالندگی فرهنگ وجامعه ایرانی و علل و اسباب انحطاط وگسست در تداوم تکامل فرهنگی واجتماعی.

۵ـ ارتقاء سطح اخلاقیات وارزشهای انسانی وتضمین سلامت فکری و اخلاقی و روانی جامعه از طریق تأمین آزادی، امنیت مادی و معنوی و امکانات کسب آموزش و اشتغال و فعالیت خلاق ومولد برای همه افراد و فراهم کردن فرصت آشنایی و بهره‌گیری از میراث غنی جهان‌بینی، فرهنگ، معارف و ارزشهای اصیل وحیاتی.

د ـ زیست محیطی

۱ـ حراست از سلامت وتعادل عوامل محیط زیست ومنابع حیاتی و تنوع گونه‌های زیستی.

۲ـ جلوگیری از اعمال هر نوع اقدام مخرب ونابودکننده یا برهم زننده تعادل اکولوژیک.

۳ـ انجام اقدامات جدی ومؤثر در احیا و توسعه جنگلها و مراتع و دیگر منابع زنده و

گونه‌های گیاهی و حیوانی بومی.

۴ـ توسعه فضای سبز و ایجاد کمربند سبز در اطراف کلیه مناطق مسکونی و شهری. ممانعت از انتشار آلاینده‌ها و مبارزه با آلودگی خاک، آب و هوا و سرمایه‌گذاری برای تغییر و اصلاح صنایع و مؤسسات آلوده کننده.

۵ـ توزیع مناسب جمعیت در حوزه‌های مختلف اکولوژیک کشور و برنامه‌ریزی و تعیین مناطق توسعه اقتصادی برپایه خصوصیات زیست محیطی هر منطقه.

تاریخچه تشکیل:

حبیب‌اله پیمان در مصاحبه‌ای به تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۸ باخبرگزاری تاس (شوروی آنزمان) تاریخچه تشکیل جنبش مسلمانان مبارز را چنین بیان می‌کند [۱]:

"جنبش مسلمانان مبارز در شکل سازمانی فعالیتش در سال ۱۳۵۵ تشکیل شد ولی در حقیقت این سازمان دنباله یک جریان فکری سیاسی است که در سالهای پیشتر بعد از سقوط رضاشاه در جنگ جهانی دوم آغاز شد و هدفش مبارزه مخفی علیه حکومت‌های ارتجاعی وقت بود. بعداً هم که نهضت ملی شدن نفت آغاز شد مبارزه ادامه پیدا کرد و آن سازمان هم به صورت یک حزب درآمد که از مصدق حمایت به عمل می‌آورد. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آن حزب که «مردم ایران» نام داشت با کمک سایر احزاب ملی و روحانیون، نمایندگان دانشگاه و دانشجویان در تشکیل نهضت مقاومت ملی شرکت جست و مبارزه را علیه رژیم کودتا ادامه داد. حزب مردم ایران در زمان دکتر مصدق جزء یکی از چهار حزب نهضت ملی بود که دارای ایدئولوژی مذهبی بود. این مبارزات بعد از نهضت مقاومت ملی ادامه پیدا کرد. وقتی در سال ۴۰ و ۴۱ تحولاتی که منجر به شروع کار مجدد جبهه ملی وتغییراتی در حکومت شد با تثبیت مجدد دیکتاتوری شاه و تسلط امپریالیسم دو تحول انجام گرفت، یکی تحول در ایدئولوژی که از مدتی پیش ادامه پیدا کرده بود و دوم اینکه مبارزه با رژیم با شیوه مسالمت‌آمیز گذشته امکان‌پذیر نیست و خط مشی جبهه ملی نمی‌تواند دوام یابد. بعد

---

۱. هفته نامه امت، ۱۳۵۹/۴/۱۸.

از خرداد ۱۳۴۲ و قیامی که با الهام از رهنمودهای امام خمینی(ره) علیه رژیم به وجود آمد، گروهی از اعضای حزب (مردم) و دیگر دوستانی که در خارج حزب بودند یک گروهی با مشی مسلحانه و ایدئولوژی اسلامی بنام «جنبش آزادیبخش مردم ایران» یا «جاما» به وجود آوردند، ولی چند سالی بیشتر دوام نیاورد و به وسیله ساواک شناسایی و متلاشی شد. اما مبارزه در تشکلهای دیگر علیه رژیم ادامه پیدا کرد و تا سال ۱۳۵۵ که سازمان امنیتی و پلیس ضربات سختی به گروههای سیاسی مسلح وارد کرده بودند و آنها یکی یکی متلاشی شدند و فشار از همه جانب احساس می‌شد. همچنین رژیم حملات سختی را علیه ایدئولوژی اسلامی آغاز کرده بود و سعی در ایجاد تفرقه و تضعیف رویه مبارزان می‌کرد. جنبش توده‌ای که از همان سال ۴۱ به رهبری امام خمینی(ره) شروع شده بود مجدداً در حال اوجگیری بود. از این رو «جنبش مسلمانان مبارز» بوسیله عده‌ای از مبارزین سازمان داده شد، تا علاوه بر حمایت از مبارزه قهرآمیز علیه رژیم از این جنبش سراسری به رهبری امام خمینی(ره) حمایت کند و ایدئولوژی اسلامی را مبنا قرار داده و با تبلیغات گمراه کننده و رژیم مقابله انجام بگیرد. بر اساس سه ضرورت «جنبش مسلمانان مبارز» به وجود آمد.

۱ـ حمایت از مبارزه قهرآمیز علیه رژیم (شاه)

۲ـ حمایت از جنبش مردمی و اسلامی که به رهبری امام خمینی(ره) شروع شده بود.

۳ـ دفاع از ایدئولوژی اسلامی و تبلیغ و ترویج آن در میان مردم.

از این رو جنبش مسلمانان مبارز یک جنبش سیاسی مکتبی بود که کار نظامی نمی‌کرد و عمده کارش در زمینه سیاسی، ایدئولوژیکی و دادن رهنمودهای تشکیلاتی به مبارزینی بود که در ایران به پاخاسته بودند. در حقیقت «جاما» و جنبش مسلمانان مبارز از یک ریشه (حزب مردم ایران) هستند. که البته حزب مردم ایران باجنبش سوسیالیست‌های مسلمان ائتلاف کرده بود."

حبیب‌اله پیمان[1] درصدد تعامل بین دو دیدگاه مذهب و سوسیالیسم که اهداف جنبش خداپرستان سوسیالیست (که با حزب مردم ایران) ائتلاف کرده بود و در آن دو خلاصه

---

۱. عصر آزادگان، ۸ و ۷۸/۹/۷.

می‌شد برآمد و دو کتاب در این زمینه تألیف کرد، یکی در زمینه فلسفه تاریخ و دیگری «کار و مالکیت و سرمایه» و سپس کتاب «تاریخ صدر اسلام» با عنوان «گل سرخ توحید» در چهار جلد توسط ایشان نوشته شد و کتاب «چرا انسان متعهد و مسئول است.» که در مورد نقد سوسیالیسم روسی که بدون دموکراسی است و دموکراسی غربی که بدون سوسیالیسم و هر دوابتر بودند نوشت که برگرفته از اندیشه‌های دکتر شریعتی بود. در سال ۱۳۴۰ دو کتاب دیگر با نامهای «مردم ایران در آستانه یک تحول اجتماعی» و «دو اصل از سوسیالیسم مردم ایران» را تألیف نمود.

مجموعه خداپرستان سوسیالیست و حزب مردم ایران که متشکل از افرادی چون دکتر کاظم‌سامی، دکتر علی شریعتی، مقیدی و دکتر پیمان بود تا قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از قویترین احزاب ملی به شمار می‌رفت و در تمام شهرهای بزرگ ایران دفتر داشت.

دکتر پیمان می‌گوید[1]:

"در سال ۱۳۴۲ زمانی که نتوانستیم کمیته مرکزی حزب مردم ایران را به اتخاذ مشی مبارزه مسلحانه و قهرآمیز علیه رژیم قانع کنیم، به اتفاق دکتر کاظم سامی «جنبش آزادیبخش مردم ایران» یا «جاما» تأسیس شد بدون آنکه حزب مردم ایران را ترک کنیم. این جنبش زیرمجموعه همان «نهضت خداپرستان سوسیالیست» یا حزب مردم ایران بود.

بعد از سال ۱۳۴۶ و آگاهی از وجود تشکیلاتی که بعداً مجاهدین خلق نام گرفت اعضای شناخته شده جاما را ترغیب به پیوستن به سازمان کردیم که عده‌ای از آنان از جمله احمدرضایی، حبیب رهبری و احمد آرام، از اعضای کادر فعال سازمان شدند و من خود نیز در ارتباط با سازمان قرار گرفتم بدون آنکه عضو آن باشم، این ارتباط تا سال ۵۴ که انشعاب مارکسیستی حزب مجاهدین خلق انجام شد ادامه یافت."

پس از انقلاب جنبش مسلمانان مبارز تا سال ۱۳۶۰ فعال بود. حتی کاظم سامی و حبیب‌اله پیمان[2] پیشنهاد حضور در مجلس خبرگان و حزب جمهوری اسلامی را نپذیرفتند و بر استقلال فکر و روش خود تأکید کردند، لیکن با حضور در شورای انقلاب طرحی را در

---

۱. عصر آزادگان، تاریخ ۸ و ۷۸/۹/۷.

۲. همان، ۱۸ و ۷۸/۹/۱۴.

مورد نحوه رهبری و اداره کشور به آن شورا ارائه نمودند. با وقوع حوادث سال ۱۳۶۰ و بسته شدن فضای سیاسی کشور به دلیل شرایط زمانی فعالیت جنبش مسلمانان مبارز مانند احزاب دیگر محدود شد وحتی نشریه امت ارگان این حزب تعطیل و دفاتر آن در تهران و برخی شهرستانها (که دفتر داشتند) بسته شد و از آن پس تا سال ۱۳۷۶ کمابیش فعالیت این حزب ادامه داشت، هرچند با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو بود. پس از سال ۱۳۷۶ و بازشدن فضای سیاسی امکان فعالیت بیشتر برای احزاب از جمله جنبش مسلمانان مبارز به وجود آمد و این حزب فعالیت خود را به صورت محدود آغاز کرده است.

گرایش سیاسی:

جنبش مسلمانان مبارز چنانکه گفته شد به نوعی انشعاب از «جنبش خداپرستان سوسیالیست» و «جاما» می‌باشد و دارای دیدگاههای چپ (سوسیالیسم) و مذهبی (توحیدی) می‌باشد. می‌توان این جنبش را یک نوع «چپ روشنفکر مذهبی» دارای دیدگاههای ملی گرایانه دانست. در ابتدای انقلاب این جنبش به شدت بر تشکیل نظام شوراها همانند کشورهای بلوک شرق تأکید می‌کرد و آنرا برگرفته از قانون اساسی و دستور قرآن «و اَمرُهُم شوریٰ بَینَهُم» عنوان می‌کرد. در عین حال این جنبش به نوع مارکسیسم شوروی آنزمان ایراداتی داشت و آنرا غیردموکرات می‌خواند وهمچنین دموکراسی غرب را نیز به دلیل عدم داشتن مرام سوسیالیسم نفی می‌کرد. بنابراین این جنبش به یک نوع چپ مذهبی و دموکرات قائل بود. اکنون به نظر می‌رسد با فروپاشی شوروی و تضعیف و شکست دیدگاههای صرف سوسیالیستی این جنبش نیز دارای دیدگاههای چپی متعادل‌تر نسبت به گذشته باشد.

تشکیلات و نشریات وابسته:

قبل از انقلاب بین سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۷ این جنبش بیشتر دارای تشکیلاتی مخفی بود که با خط مشی مبارزه سیاسی، بیشتر اقدام به چاپ اعلامیه و بیانیه‌های ضد رژیم می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب نیز خط مشی سیاسی مسالمت آمیز آن دنبال شد و در تهران و برخی از شهرستانها دفاتر وهودارانی داشت که نسبتاً قابل توجه بودند. این حزب هفته نامه امت را بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ منتشر می‌نمود که بیانگر دیدگاههای آنان بود. پس از انقلاب اعضای برجسته این جنبش با سخنرانی‌های متعدد در بین کارگران، دانشجویان و اقشار مختلف مردم دیدگاهها ونظرات خود را به مردم انتقال می‌داد و این روند تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت، پس از آن به علت شرایط سخت حاکم بر کشور ناشی از وقوع جنگ و جو ترور و خشونت اکثر احزاب وگروهها منحل شدند و بالطبع این جنبش با محدودیت زیادی مواجه شد، از جمله هفته نامه امت تعطیل و دفاتر این حزب در تهران و شهرستانها بسته شد و بدین صورت فعالیت تشکیلاتی منسجم حزب متوقف شد، لیکن کم‌وبیش فعالیت ادامه یافت. پس از سال ۱۳۷۶ و ایجاد فضای بازتر برای فعالیت گروهها این جنبش با احیاء فعالیتهای گذشته اقدام به ارتباط با اقشار مختلف مردم و بیان نظرات و دیدگاههای خود به صورت محدود نموده است و در این راستا بیانیه هایی صادر و خط‌مشی‌های خود را در آن اعلام می‌کند. همچنین کتابهایی که بیانگر دیدگاهها و نظریات حبیب‌اله پیمان دبیر کل این جنبش می‌باشد منتشر ودر بازار کتاب موجود است. برخی از دیدگاههای دکتر پیمان نیز به صورت جزوات جداگانه چاپ و در اختیار علاقمندان به مباحث سیاسی مذهبی قرار می‌گیرد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

«جنبش آزادیبخش مردم ایران» یا «جاما» که در حقیقت «جنبش مسلمانان مبارز» از آن انشعاب پیدا کرده است در حقیقت متشکل از یک طبقه روشنفکر تحصیل کرده بود که دارای گرایشهای مذهبی بود و به منظور دفاع از طبقه محروم جامعه و از بین بردن فشار مضاعف تحمیلی از سوی رژیم سابق برروی اقشار مستضعف جامعه تلاش می‌کرد از این رو می‌توان خاستگاه اولیه این تشکل را محافل روشنفکری و دانشگاهها دانست. جنبش مسلمانان مبارز هم در ابتدا از طبقات روشنفکر مذهبی تشکیل شده بود، اما به دلیل اهداف و خط‌مشی آن در اوایل انقلاب بسیاری از کارگران و کشاورزان که از نظام ارباب و رعیتی و

سلطه کارفرما خسته شده بودند مجذوب دیدگاهها و اهداف این جنبش شدند. لیکن همواره به دلیل غالب بودن نظام بازار و سرمایه‌داری در طول ادوار گذشته ایران این جنبش کمتر با اقبال طبقات مختلف جامعه و توده‌های مردم مواجه شد و چون دیگر گروهها با دیدگاههای چپ، گسترش آنچنانی نیافت. حبیب‌اله پیمان در مورد علل عدم ایجاد تشکیلات وسیع و بروز و ظهور این جمعیت می‌گوید[1]: "جنبش چپ مذهبی حتی به اندازه جنبش چپ غیرمذهبی دارای تجربه فعالیت تشکیلاتی و مبارزاتی نیست بسیار جوان و ناپخته است. آن زمان (رژیم قبل) دوران نوجوانی را می‌گذراند و تأثیرات وجودی‌اش در تحولات فکری جامعه خیلی بیشتر از قدرت تشکیلاتی اش ارزیابی می‌شود."

مواضع سیاسی:

مواضع سیاسی این جنبش را می‌توان در دو مقطع زمانی مورد ارزیابی قرار داد. یکی دوره زمانی اول که از بدو تشکیل تا سال ۱۳۶۰ و محدود شدن فعالیتهای آن ادامه داشت و دوره دوم که پس از سال ۱۳۷۶ و باز شدن نسبی فضای سیاسی جامعه تا امروز ادامه دارد.

دوره اول:

مواضع سیاسی و اقتصادی این جنبش تماماً در آن دوره در هفته نامه امت به چاپ می‌رسید، در دومین شماره هفته نامه امت به تاریخ ۵۸/۲/۵ مواضع سیاسی و اقتصادی این جنبش به تفصیل تشریح شده است که در ذیل اهم این مواضع را می‌خوانیم:

شعار اساسی جنبش مسلمانان مبارز عبارت از:

"برقرار باد جامعه بی‌طبقه توحیدی."

اعتقادات توحیدی و اصل امامت و پیشوایی:

"به اعتقاد ما[2] هدف اصلی انقلاب اسلامی آن است که جامعه را به سوی استقرار کامل نظام توحیدی پیش براند. اصل تاریخی امامت و وراثت مستضعفان و متقین ایجاب می‌کند که حاکمیت و مالکیت الله از دست غیرمردمی سلب گردد و بنا به اصل حاکمیت و مالکیت

---

۱. عصر آزادگان، ۸ و ۷۸/۹/۷. ۲. امت، ۵۸/۲/۵.

الله به دست مردم سپرده شود. حاکمیت‌الله ایجاب می‌کند که درهمه حال اصول ناشی از اراده و سنن الهی مبنای عمل و تصمیم‌گیری قرار گیرد. قانون اساسی انقلاب باید بر مبنای این اصول اساسی تدوین گردد، یعنی اعتراف کند به اینکه تنها قوانین الهی سنتهای لایتغیر ولی مطلقند و مبنا و معیار قانونگذاری و فقاهت و ارزشیابی و اینکه مردمند که وکالت از جانب خدا دارند و باید حق حاکمیت‌الله را اعمال کرده و در چارچوب اصول الهی تصمیم بگیرند. هیچ عاملی نباید این حق را خدشه دار کند و اینکه امت در راه حرکت به سوی هدفهای خود به پیشوا وامام احتیاج دارد که راهنما و مظهر و مصداق عملی تمام ارزشهای عالی توحیدی می‌باشد.»

واگذاری قدرت به شوراهای اسلامی[1]:

«اصالت دادن به مردم در تصمیم‌گیری بر مبنای اصول ثابت الهی و رعایت اصل امانت و وراثت مستضعفان ایجاب می‌کند که قدرت از طریق شوراهای اسلامی خلقی در تمام سطوح به مردم واگذار گردد.»

توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در بین مردم:

«در نظام سیاسی ما باید تسهیلاتی پیش‌بینی شود که به کمک آنها تمامی مردم از اصول و قوانین اساسی اسلامی آگاه و با ضوابط و معیارهای انتخاب و تصمیم‌گیری آشنا باشند و مراجع قدرت و تصمیم‌گیری در وسیع‌ترین حد ممکن بین مردم توزیع شود واز تمرکز آن در یک یا چندمرکز جلوگیری شود. تمرکز ثروت و قدرت در دستهای یک فرد یا یک گروه و یا طبقه به هر نحو که باشد با اصول فوق مغایر بوده و سرانجام به استبداد و استثمار می‌کشد.»

اعتقاد به تشکیل شوراها به عنوان اساسی‌ترین هدف:

«جنبش مسلمانان مبارز[2] هم به دلیل اعتقادش به ایدئولوژی اسلامی، معتقد به نظام شوراهاست. زیرا نهاد شوراها نهادهایی کاملاً اسلامی هستند و از اصول اساسی سیستم اسلامی است، ما از آغاز هم معتقد به تشکیل نظام شوراها بودیم، حتی در جریان مبارزه علیه

---

۱. همان، ۵۸/۲/۵. ۲. هفته نامه امت تاریخ ۵۹/۴/۱۸.

رژیم، جنبش مسلمانان مبارز سازماندهی هسته‌ای را در محله‌ها و کارخانه‌ها و موسسات مختلف پیشنهاد کرد. به منظور ایجاد هسته‌های مقاومت و مبارزه علیه رژیم بعد از سقوط رژیم هم پیشنهاد مسلمانان مبارز این بود که همین هسته‌های مقاومت پایه تشکیل شوراهای مردمی در محله‌ها، کارخانجات و موسسات مختلف باشند."

قانون اساسی:

"رأی جنبش مسلمانان مبارز[۱] به قانون اساسی مشروط به متمم آن بود، چون قانون اساسی از هر نظر کامل و مکتبی نیست و آن را یک قانون مرحله‌ای می‌شناختیم که باید متممی داشته باشد تا نقایص ونقطه ضعف‌های آن بعداً جبران شود. امام خمینی(ره) نیز بر این ضرورت تأکید کردند."

نظام مطلوب جنبش مسلمانان مبارز:

"در نظام آینده[۲] دولت بایدنقش راهنما، نظارت و هماهنگ کننده را داشته باشد. مجلس نمایندگان مردم که مبعوث شوراهای اسلامی خلق در شهرها و روستاها در محله‌ها و کارخانه‌ها و ادارات وارتش و مدارس و دانشگاهها و مزارع و دهکده‌ها هستند، عالیترین مقام قانونگذاری و تصمیم‌گیری محسوب می‌شوند. قوه اجرائی همانند قوه تصمیم‌گیری در تمام سطوح و بین شوراهای اسلامی خلقی توزیع می‌گردد و چنانکه گذشت دولت مرکزی بیشتر موارد به برنامه‌ریزی‌های اساسی و نظارت و راهنمایی و ایجاد هماهنگی خواهد پرداخت و قوه قضائیه باید کاملاً مستقل از قوه مجریه باقی بماند."

مبارزه با تحجر وانحصارگرایی:

"جزمیت فکری، تحجر و تفکر خوارجی با هر خاستگاه فکری که باشد از نظر ما محکوم است، خود محوری و انحصارگرایی در تحمیل عقیده و اعمال سیاست حذف و حاکم کردن نوعی استبداد و اختناق فکری را برای تداوم انقلاب و مکتب خطرناک تلقی کرده، موظف به مبارزه با آن هستیم."

---

۱. همان، ۵۹/۴/۱۸. ۲. امت، ۵۸/۲/۵.

اسلام راستین، تشیع علوی و تشیع صفوی:

"ما موظفیم با هر انحرافی در مکتب و در تعریف مکتبی بودن از جانب هر کسی و هر جریانی مبارزه کنیم و به اصول آن که از قرآن، سنت و عترت خدا اخذ می‌شود، وفادار بمانیم. درهمین راه خود راموظف می‌دانیم که قاطعانه با برداشتهای انحرافی طبقاتی و خطی از مکتب مبارزه کنیم. اسلام راستین محمدی را در لباس تشیع سرخ علوی، دربرابر اسلام دروغین اموی در لباس تشیع صفوی مورد حمایت قرار دهیم و شیوه حکومت علی و قاطعیت مکتبی وی در مبارزه با انحرافات و اخذ حق مظلوم از ظالم و اجرای بی‌کم و کاست قسط اسلامی و برقراری تساوی و برابری را تبلیغ و رواج دهیم."

مبارزه با سوسیالیسم و سرمایه داری انحرافی:

"موظفیم مکتب را از هر ناخالصی دور بداریم و با هر نوع انحرافی با هر منشأ و ماهیت مبارزه کنیم، خواه فلسفی باشد مثلاً (ممزوج شدن عناصر فکری غیرتوحیدی، ارسطوئی، یا مارکسیستی و قس علیهذا) خواه اجتماعی یعنی مخلوط شدن با روابط سرمایه‌داری و فئودالی یا ورود عناصر نظام استثماری که آن نیز غیرتوحیدی است."

خطر لیبرالیسم:

"ما چنانکه بارها یادآور شده‌ایم تسلط وحاکمیت خط لیبرالی را مرادف مدفون شدن انقلاب در مرداب سازشکاری وسرمایه داری وابسته می‌بینیم."

وظیفه اعضای جنبش مسلمانان مبارز:

"دفاع از مکتب اصیل اسلامی در برابر جریانات انحرافی به راست یا به چپ و تبلیغ و آموزش اصول اسلام راستین یک وظیفه عمده دیگر هر عضو یا هوادار جنبش مسلمانان مبارز است. ما باید اتهام التقاطی بودن راکه ارتجاع وسرمایه داری به دروغ بر ما بسته است و بسیاری ناآگاهانه، ندانسته ونشناخته تکرار می‌کنند از صفحه ذهن مردم پاک کنیم و با معرفی صریح و واضح خط مشی سیاسی جنبش به مردم نشان دهیم که منافق واقعی چه کسانی هستند."

خط امام (ره):

"خط امام(ره) خط استقلال است و ما این هدف را مضمون اصلی مبارزه ضد امپریالیستی می‌شناسیم و به جهت مجدانه بودن این خط در برابر خط‌های انحرافی وسازشکارانه از آن دفاع کرده‌ایم و خواهیم کرد."

خط امام (ره) شرط پیروزی:

"شرط پیروزی دور شدن از خط ارتجاع وتکیه واقعی روی نیروهای اصیل خط امام و مبارزه جدی با سرمایه داری است."

خطر لیبرالیسم:

جنبش مسلمانان مبارز[۱] همواره در ابتدای انقلاب خطر لیبرالیسم را گوشزد کرده و در مقابل آن موضع‌گیری می‌نمود، مثلاً انتقادهایی که به دولت موقت انقلاب و بازرگان و دولت پس از آن داشتند مبین آن است:

"مشخصه این خط (لیبرالیسم) طرفداری از دموکراسی و آزادی عقیده و بحث آزاد است ولی قدرت تصمیم‌گیری و اجرائی را برای خود می‌خواهند. لیبرالها همان اندازه که قشری و جزم گرا نیستند، مکتبی هم نمی‌باشند، با نظام سرمایه داری مخالفتی ندارند که اصولاً این طرز فکر زیربنای سرمایه داری است و خواهان روابط عادی اقتصادی و سیاسی با جهان سرمایه داری می‌باشند."

دولت موقت و جنبش مسلمانان مبارز:

این جنبش[۲] از دولت موقت انتقاد میکرد و خط آنرا لیبرال معرفی می‌نمود:

«ما بارها اعلام کرده‌ایم که اینها (لیبرالها ـ دولت موقت) مجبور به تکیه بر سرمایه‌داری وابسته، فئودالها و عناصر وابسته ارتش و... هستند وخواهند بود."

این جنبش همواره علیه لیبرالیسم موضع تند و صریحی داشته و مظاهر آنرا مورد انتقاد شدید قرار داده است.

"همانگونه که بارها خطر لیبرالیسم را که همسایه دیوار به دیوار ارتجاع بوده و غالباً

---

۱. امت، بهمن و دی ۱۳۵۸. ۲. امت، ۵۸/۱۱/۵.

همراه آن راه را برای سلطه مجدد امپریالیسم باز کرده و سعی می‌نماید بخاطر تثبیت موفقیت و حفظ تسلط سیاسی خود آب رفته را بجوی بازگرداند، معرفی نموده‌ایم."

دوره دوم:

از سال ۱۳۷۶ و آغاز حرکت اصلاحات آغاز می‌شود و مواضع جنبش مسلمانان مبارز با توجه به شرایط زمانی و موضوعات مطروحه در جامعه امروز دارای تغییرات عمده‌ای شد. حبیب‌اله پیمان به عنوان نظریه‌پرداز و سیاستمدار کهنه کار مواضع این جنبش را تشریح نمود.[۱]

دین و هدایت جامعه:

"ادامه حیات دین و نهادهای مذهبی بستگی به شایستگی و توانایی آنها در حل مسائل جدید و هدایت جامعه به سوی رشد، آزادی و عدالت دارد. بنابراین بجای دغدغه حفظ قدرت و انحصار آن و حذف رقیبان و یا نابودی دشمنان بهتر است به چگونگی ادامه موجودیت مؤثر عقاید و آموزه‌های دینی در عصر حاضر و در میان نسلهای جدید بیندیشند."

"اگر دین می‌تواند روشنگر راه زندگی انسانها در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی، مادی و معنوی باشد، باید این صلاحیت را با منطق و استدلال و در بستر تجربه اجتماعی و عملی، در میان مردم و در عرصه عمومی ثابت کرد. وقتی مردم مومن به ارزشهای دینی، سرنوشت خود را به دست گرفتند و حکومت، برخاسته از اراده مردم بود، طبیعی است همان ارزشها را پایه سیاستگذاری و اداره جامعه قرار خواهند داد."

توسعه سیاسی:

توسعه سیاسی[۲] زیرمجموعه‌ای از مفهوم توسعه انسانی است و باید در چارچوب آن معنا شود، اگر هدف توسعه انسانی، فراهم کردن زمینه‌های ظهور و رشد آزاد توانائیها و ظرفیتهای فیزیکی، فکری، روانی و اجتماعی فرد فرد انسانها در جامعه باشد، در آن صورت

---

۱. پیام هاجر، ۷۸/۳/۴.

۲. پیام هاجر، بهمن و اسفند ۱۳۷۶.

توسعه سیاسی اولاً ملازم با توسعه فرهنگی واقتصادی خواهد بود و ثانیاً ناظر است بر پیشرفت در سه زمینه:

۱) افزایش بهره مندی همگان از آزادی، آگاهی و برابری.

۲) توسعه گستره عمومی ونهادهای جامعه مدنی وتشکیل و توسعه احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی و مجامع فرهنگی.

۳) توسعه ظرفیت نظام سیاسی ونهادمندی آن در پذیرش تقاضای روزافزون مردم جهت مشارکت در تصمیم‌گیری، توزیع عادلانه قدرت و تبعیت از روشهای دموکراتیک و تغییر و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز و دموکراتیک قدرت.

"توسعه یک فرهنگ است ولذا بدون باور عمل به ارزشهای عام و جهانشمولی چون آزادی و حقوق انسانی، برابری، خردگرایی، مدارا و همدردی وهمکاری و احترام به حیثیت انسانی و گفتمان بین الاذهانی به جای گفتمان تک ذهنی وخردجمعی در تشخیص مصلحت عمومی به جای خرد فردی، تحقق‌پذیر نیست."

تحقق توسعه سیاسی:

"تحقق توسعه سیاسی در جامعه کنونی ایران مستلزم به کارگیری یک رشته تمهیدات اساسی است که در رأس آن به رسمیت شناختن حقوق و آزادی افراد و گروهها، یعنی آزادی برای همگان و نه فقط برای نیروها و جناحهای خودی و نه فقط برای نخبگان سیاسی و اقتصادی یا صنف وگروه خاص قرار دارد."

مشارکت سیاسی[۱]:

"برای فراهم کردن زمینه مشارکت حقیقی و توسعه گستره عمومی وایجاد نهادهای جامع مدنی لازم است موانع قانونی کنونی در برابر آزادی تشکیل احزاب و فعالیتهای سیاسی و مطبوعاتی از پیش‌رو برداشته شود."

تعریف خط امام (ره) توسط جنبش مسلمانان مبارز در اوایل انقلاب:

---

۱. عصر آزادگان، ۸ و ۷۸/۱۰/۷.

"ویژگیهایی که برای خط امام برشمردیم درعدالتخواهی و مستضعف‌گرایی، مقاومت در برابر امپریالیسم اعتماد به قدرت وحاکمیت توده‌ها، شوراها و تضمین آزادی و حقوق همه افراد و گروهها (که در پاریس به آنها تصریح شده بود) متبلور بود. ارگانهای جناح روحانیون حاکم به تندی به ما ایراد می‌گرفتند که خط امام شما گزینش ومطابق دلخواه و سلیقه خود شما است. ما این واقعیت را انکار نکردیم. زیرا هر کس باید مطابق عقیده حقیقی خود حرف بزند وعمل کند. ما جوهره اسلامی انقلاب را در اصول قانون اساسی آن که در بردارند ارزشهای دینی (و نه فقهی) باشد تعقیب و جستجو کردیم."

اهداف جنبش مسلمانان مبارز:

"هدف آن (جنبش مسلمانان مبارز) کمک به ایجاد یک تحول فکری، فرهنگی در جامعه ایران و یک جنبش سیاسی و اجتماعی متکی بر مبانی نظری، فلسفی، توحیدی ومشارکت عملی در رواديدها و مبارزات می‌باشد، که می‌باید به تحقق آرمان آزادی، عدالت و حقیقت در پرتو توحید یاری رساند."

تخصص گرایی در قانونگذاری[1]:

"از آنجا که امر قانونگذاری و حکومت دو وجه دارد و امور بسیاری را در بر می‌گیرد و به تخصص‌های زیادی نیاز است چه بهتر در مجالس قانونگذاری از همه صنف باشند. ولی اگر هم نبودند ضرورت کمیسیون‌ها و شوراهای تخصصی در جوار ارگانهای حکومتی یک امر ضروری است."

چپ مذهبی مستقل[2]، چپ مذهبی داخل حاکمیت:

"میان آنچه چپ مذهبی داخل حاکمیت معروف شده و چپ مذهبی مستقل ما یک رشته اختلافات اساسی وجود دارد چپ درون حکومت در پیوند با نهضت روحانیون پدید آمد ورشد کرده این گروه به لحاظ مبانی نظری واعتقادی پای در سنت و آموزه‌های خود دارد. هرچند در شاخه اصلاح‌طلبی آن قرار می‌گیرد. در حالی که ریشه و آبشخور چپ مستقل دینی را باید در اندیشه‌های اقبال، محمود نخشب و شریعتی یافت که مبانی را تجدیدبنا

---

۱. عصر آزادگان، ۱۸ و ۷۸/۱۰/۱۴.

۲. عصر آزادگان، ۱۸ و ۷۸/۱۰/۱۴.

کردند و می‌کنند. جریان چپ درون حکومت نیز به ویژه از اندیشه‌های شریعتی تا حدودی تأثیر پذیرفته ولی بنیان فکری آنان با حوزه سنخیت بیشتری دارد به لحاظ اقتصادی عدالتخواه هستند و به همین علت با شاخه راست یعنی مؤتلفه، تضاد فکری و عملی دارند، آنان پیرو تعالیم آقایان مطهری، باقر صدر، و شهید بهشتی وامام خمینی(ره) هستند تا نخشب و شریعتی و طالقانی."

مهمترین ویژگی چپ واقعی:

"مهمترین ویژگی چپ، دفاع تمام عیار از آزادی، حقوق اجتماعی انسانها و اتخاد موضع انتقادی نسبت به سلطه طبقاتی است."

بحث خودی و غیرخودی:

"تقسیم بندی مردم به خودی و غیرخودی و اختصاص حق حکومت به اعضای گروهی که در این بیست سال زمام و اداره کشور را در دست دارند و احساس نزدیکی و خویشاوندی با نیروهای بازار و سرمایه‌داری و بیگانه شمردن چپ مذهبی مستقل بیانگر اولاً بریدگی از پایگاههای اجتماعی است که دفاع از منافع آنان را برعهده گرفته‌اند. یعنی طبقات مولد و محروم جامعه. ثانیاً نشان می‌دهد که هنوز هم معیارهای تفکر ونظام فقهی و حوزوی را بر مبنای جهان‌بینی و ارزشهای توحیدی ترجیح و راهنمای عمل قرار داده‌اند."

همکاران حکومت توتالیتاریسم[1]:

"کسانی که توتالیتاریسم را در هر شکل آن می‌پذیرند و با آن همکاری می‌کنند با هیچ معیاری نه روشنفکر هستند و نه چپ‌گرا، چنان که وقتی حکومت را در دست گرفتند سلطه و مالکیت متمرکز دولتی را که به تولد یک طبقه جدید انجامید مترادف عدالت اجتماعی تصور کردند."

حبیب‌اله پیمان[2] دبیر کل جنبش مسلمانان مبارز در آستانه انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری با اعلام کاندیداتوری، مواضع سیاسی خود را چنین بیان نمود:

"۱ـ تأکید بر اجرای قانون اساسی و حقوق مدنی شهروندان وتأمین امنیت و آزادیهای

---

۱. روزنامه عصر آزادگان تاریخ ۱۸ و ۱۷ و ۷۸/۱۰/۱۴.

۲. ایران فردا، اردیبهشت ۱۳۷۶.

فردی و اجتماعی و کور کردن سرچشمه‌های قهر و خشونت.

۲ـ دفاع از آزادی قلم، بیان، اجتماعات و فراهم آوردن شرایط آزاد و مساوی برای تشکیل و فعالیت و اجازه فعالیت احزاب سیاسی مستقل ونهادهای صنفی وسندیکاها و حمایت از آنها در برابر هر نوع تجاوز و قانون‌شکنی و خشونت از سوی کانونهای قدرت.

۳ـ تأمین حقوق وارتقای موقعیت و نقش اجتماعی زنان ودفاع از شأن انسانی آنان.

۴ـ برنامه ریزی مناسب فرهنگی، آموزشی واجتماعی برای نسل جوان کشور و از میان برداشتن فشارها و تبعیضهای تنگ نظرانه در استفاده‌های تحصیلی و شغلی.

۵ـ ایجاد توازن و برابری حقوقی برای کلیه اقوام در چهارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران.

۶ـ تغییر روند اقتصادی کشور به منظور مهار و کاهش، شکاف طبقاتی، حذف مناسبات دلالی و تقویت فعالیت‌های تولیدی در چهارچوب فرآیند توسعه درون‌زا."

زنان ونقش آنها در جامعه:

"زنان تحصیلکرده و آگاه ایران شایستگی احراز بالاترین مسئولیتهای قضایی و سیاسی واجتماعی را دارا هستند. موانع قبول این مسئولیتها باید از بین برود و کار به شایستگی مردان و زنان داوطلب واگذار گردد."

"اعتلای جنبش حقوق زنان، درگرو اعتلا و رشد جنبش آزادیخواهی و مردمسالاری در کشور است و برای هر دو آینده امیدبخشی را می‌توان انتظار داشت."

حکومت دینی:

"اگر اکثریت افراد جامعه طرحهایی راکه براساس ارزشهای دینی تنظیم شده‌اند بپذیرند و به اجرا گذارند. آن جامعه به لحاظ شکل حکومت مردم سالار و به لحاظ محتوا دینی است."

احزاب و اتحادیه‌های صنفی:

"وجود احزاب واتحادیه‌های صنفی به منزله پایه‌های دموکراسی و تحقق امر مشارکت مردم در اداره امور کشور و به مثابه یک اهرم اساسی نظارت مردمی بر کارهای دولت و

پایگاهی برای تجمع و پرورش و آموزش توده مردم جهت کسب توانایی حکومت بر خویش و کانال برقراری گفتمان و نیل به توافق و همسویی در پیشبرد اهداف ملی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است."

جنبش مسلمانان مبارز اکنون به مناسبت‌ها و وقایع مختلف اقدام به انتشار بیانیه نموده و مواضع خود را صریحاً اعلام می‌نماید که قسمتهایی از آن در ذیل آمده است[1]:

ویژگیهای جنبش اصلاحات:

"جنبش اصلاحات درصدد احیاءارزشها واصولی است که انقلاب به خاطر آنها به وجود آمد.

لگدمال شدن ارزشها:

"ارزشهای اساسی نظیر آزادی، عدالت، اخلاق، دین، استقلال، روحیه همکاری و نیکخواهی، امانتداری و کار و خلاقیت وسخت کوشی و تولید، علم و عقلانیت و فداکاری و شرافت و عزت نفس قبل از همه از سوی اعضاء طبقه جدید اشراف و نوکیسه لگدمال شد."

هدف اصلاحات:

"جنبش اصلاحات در ایران نه فقط درصدد محو ارزشها و جداکردن جامعه و سیاست از اخلاق و ارزشهای دینی و انقلابی نیست که به عکس در واکنش به تهی شدن سیاست و قدرت از اخلاق و ارزشهای اصیل دینی و برای بازگرداندن چرخ‌های کشورداری برپایه قانون، ارزش و اخلاق و انسانیت و حقوق اساسی بشر پدید آمده است. در قاموس جنبش اصلاح‌طلبی، ارزشهای دینی از زندگی اجتماعی و سیاسی و کشور دارای تفکیک‌پذیر نیست. دین خود منشأ و حامی آزادی، استقلال، عدالت، خلاقیت شعور و عقل و علم و همکاری و نوع دوستی و راستی و حقیقت‌جویی است. کسانی که می‌خواهند جامعه و سیاست را از اخلاق و دین جداکنند، اقلیتی بیش نیستند و نظریه آنها بر جنبش اصلاح‌طلبی نفوذ و تسلطی ندارد."

---

۱. بیانیه رسمی جنبش مسلمانان مبارز در رابطه با مسائل کشور، خرداد ۱۳۷۹.

"جنبش اصلاحات خواهان، در ایران به آمیختگی ارزشهای دینی و انسانی با زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران باور دارد و میان این ارزشها و سلطه جابرانه برخی نهادها فرق می‌گذارد. جنبش اصلاحات، خواهان تحقق کامل و بدون خدشه حق حاکمیت مردم است و مداخله در این حق را از جانب اشخاص و نهادهای غیرمسئول و تحت هر نام وعنوان نمی‌پذیرند."

هدف اقتدار طلبان:

"اقتدار طلبان همواره درصدد حذف اصل جمهوریت از نظام و تبدیل آن به یک نظام استبدادی و توتالیتر تمام عیار بوده‌اند."

اولویت‌های مجلس اصلاح طلب:

"تأمین آزادی مطبوعات، احزاب و انتخابات، اصلاح قوه قضایی و دادگاهها و محاکم دادگستری و وحدت بخشیدن به نظام قضایی کشور، اصلاح ساختار نهادها و نظام اطلاعات و امنیت وانتظامی کشور و حذف نظام دلالی و رانت خواری در اقتصاد، و آزاد کردن نیروهای مولد جامعه از سلطه دلالان و غارتگران و مداخلات غیرقانونی، حذف تبعیض‌ها ونابرابری در استفاده از فرصتها وحقوق قانونی و کاهش شکاف طبقاتی باید درصدر اولویت‌های مجلس قرار گیرد.»

لوازم رشد و پیشرفت جامعه:

"لازمه حفظ استقلال ملی و فرهنگی و حراست از ارزشهای اصیل دین، برقراری یک نظام مردمسالار وتقویت عرصه عمومی جامعه مدنی با صبغه برابری فرصتها و عدالت اجتماعی است. جامعه ما به لحاظ فرهنگی و برخورداری از ارزشهای انسانی و استقلال‌طلبانه به اندازه کافی غنی و پرسابقه است و در صورت رها شدن از سلطه و کسب آزادی که شرط بروز خلاقیت‌های علمی و فرهنگی و عرفانی است، بخوبی از هویت ملی و فرهنگی خویش در برابر هر نوع سلطه‌جویی حراست می‌کند و در تعامل با فرهنگهای مختلف، رشد واعتلای بیشتری پیدا خواهد کرد."

ضعف جنبش اصلاح‌طلبی:

"ضعف اساسی در جنبش اصلاح‌طلبی فقدان نهادهای متشکل سیاسی و صنفی گسترده است و همین امر باعث آسیب‌پذیری آن در برابر حملات فیزیکی و تبلیغاتی و روانی اقتدارگرایان شده است."

هدف جنبش اصلاحات صلح، برادری و برابری:

"جنبش اجتماعی و اصلاحی ایران حذف و طرد هیچ نیروی اجتماعی را در دستور کار ندارد. مبارزه با انحصارطلبی، استبداد وخودکامگی یا سلطه اقتصادی و سیاسی به معنای محروم کردن بخشی از افراد جامعه از حق زندگی، داشتن فعالیت اقتصادی یا سیاسی یا فرهنگی و مشارکت در تعیین سرنوشت کشور، نیست. هدف، حذف روابط و مناسبات مبتنی بر سلطه، قیمومیت، تبعیض، اشرافیت و زروگویی و فریبکاری و دلالی است. هدف آنست که همه اقشار و نیروهای اجتماعی در تولید ارزشهای افزوده مادی و معنوی شرکت فعال داشته باشند و با صلح و برادری و برابری به همکاری و همزیستی بپردازند."

حاکمیت ملی و مردمی و جنبش اصلاحات:

"جنبش اجتماعی کنونی خواستار شفاف کردن مناسبات خارجی، پاسداری کامل از استقلال و مصالح و امنیت ملی کشور است. اتکاء اصلی به منابع داخلی و مقاومت در برابر توسعه‌طلبی قدرتهای امپریالیستی جز با برقراری یک حاکمیت ملی و مردمی و تأمین آزادی و امنیت سیاسی و قضایی برای همه مردم، قابل حصول نیست."

جنبش دانشجویی:

"دانشجویان اجازه ندهند که فضای گفتاری و سیاسی آنها مالامال از روز مرگی‌های آلوده به تشنج و خشونت شود و از اندیشه در باب تحول در وضعیت عینی مردم تهی گردد. جنبش مسلمانان مبارز همگام با دیگر نیروهای معتقد به آزادی و مردمسالاری، از ارتقاء و اعتلای جنبش دانشجویی و تحقق آرمانهای آن، دریغ نخواهد کرد و با توصیه به مدارا، قانونمداری و عقلانیت، همراه با آنان خواهد ماند."

جنبش مسلمانان مبارز در تبیین مواضع خود (که در مرامنامه حزب بیان شده)[1] در مورد سوسیالیسم و عدالت اجتماعی به عنوان دیدگاههای اساسی و محوری خود می‌گوید:

"۱ـعدالت اجتماعی شرط بیرونی رشد انسان و تحقق آزادی و نیروی آفرینندگی است چراکه بدون آن افراد از امکانات و شرایط لازم برای رشد و تکامل شخصیت فردی و تحقق استعدادها و خواسته‌های خود محروم می‌مانند. استثمار و سلطه طبقاتی با نفی آزادی و انتخابگری، نیروی آفرینندگی را سرکوب می‌کند و استثمار شده را از حق حکومت بر خویش و آزادی و استقلال اراده و استثمارگر را از جوهره خصلتهای انسانی محروم و تهی می‌سازد.

۲ـعدالت عبارت است از توزیع همه امکانات مادی و غیرمادی زیست در جامعه به نحوی که همه مردم بدون استثناء و تبعیض آنچه راکه برای بروز استعدادها وانجام خلاقیتها وادامه یک زیست شرافتمدانه انسانی لازم دارند، بدست آورند.

۳ـ عدالت اجتماعی آن نیست که ثروت کشور بین مردم به تساوی تقسیم شود تا مصرف کنند، بلکه به معنی ارائه امکانات زندگی، آموزش و تحقیق، کار و تولید و ترقی و پیشرفت متناسب با نیاز و توانایی به همه افراد جامعه است.

۴ـسوسیالیزم به معنای قبول مالکیت جامعه بر ثروتهای عمومی، منابع طبیعی و وسایل تولید جمعی، مؤثرترین راه و روش تحقق عدالت اجتماعی و عامل رهائی انسانها از استثمار و خودبیگانگی است.

۵ـ سوسیالیزم ودموکراسی لازم وملزوم یکدیگر ند و تحقق حکومت مردم بر مردم بدون سوسیالیزم سرابی بیش نیست."

مواضع اقتصادی:

برخی نظریات حبیب‌اله پیمان دبیر کل جنبش مسلمانان مبارز در مورد مسائل اقتصادی جامعه بشرح زیر است[2]:

تولید و استفاده از منابع:

"دوران دلالی و نشستن بر سر سفره دلارهای نفتی سپری شده و جز با تکیه بر تولید و

---

۱. مرامنامه رسمی جنبش مسلمانان مبارز، ص ۱۰، ۷۹/۷/۱۰.
۲. پیام هاجر، ۷۸/۳/۴.

نیروهای مولد جامعه و استفاده بهینه از منابع موجود نمی‌توان از سقوط کشور در ورطه فقر و اضمحلال شدید جلوگیری کرد."

توسعه اقتصادی و پیش شرطهای آن:

"ارزشهای اساسی مثل خردگرائی، کار مولد و خلاق، ذخیره و پس‌انداز و اولویت دادن به مصالح عمومی و پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی و ریاضت و به خاطر هدفهای عالیتر که پشتوانه‌های اصلی توسعه اقتصادی و علمی و فنی هستند، تنها در شرایط آزاد و فارغ از آمریت وممنوعیت و سرکوب و فشار درجامعه رواج می‌یابند، این بمعنای اهمیت و پیش شرط توسعه سیاسی و فرهنگی برای توسعه اقتصادی است."

لزوم توسعه اقتصادی:

"بیکاری و فقر از یک طرف، انباشت ثروت وقدرت در دستهای یک اقلیت وگروههای معین و قشری اشرافی، از طرف دیگر، زمینه عینی هر تلاشی برای توسعه سیاسی و اقدامات قاطعی در جهت تمرکززدائی از قدرت سیاسی و ثروت و امکانات مادی فرآهم آورده تا برای رهایی توده‌ها و طبقات متوسط و کم درآمد از زندان فقر اقتصادی ومحرومیتهایی که تباه کننده حیات جسمی و فکری و روحی مردم است چاره‌اندیشی کنند."

تقدم یا تأخر توسعه اقتصادی:

"من در وضعیت خاص ایران قائل به تقدم و تأخر زمانی برای توسعه سیاسی و اقتصادی نیستم و این دو را وابسته و لازم و ملزوم هم می‌دانم، هرگام در جهت حذف موانع توسعه سیاسی باید همراه با کاهش فشار فقر و شکاف طبقاتی از طریق افزایش تولید، مدیریت صحیح، بارروری جامعه و توزیع عادلانه و مساوی فرصتها باشد.

جنبش مسلمانان مبارز در بیانیه‌های مختلف خود برخی از مواضع کلی اقتصادی خود را بدون ارائه راهکارهای لازم بیان داشته که قسمتی از آن در ذیل آمده است:

مشارکت مردم در تولید:

"ادامه مشارکت مردم در تولید و سرمایه گذاری و کاهش الگوی مصرف و افزایش بازده کار، تأمین امنیت ومشارکت سیاسی و از بین رفتن نظام سلطه است."

عملکرد اقتصادی دولت اصلاح طلب:

"فشار بیکاری و فقر و کاهش درآمد و عوارض آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و روانی ناشی از آن بر اکثریت مردم ایران هم به لحاظ انسانی وامنیت و وحدت ملی و هم تأثیرات منفی که بر جنبش اجتماعی دارد، قابل قبول نیست. هر چند در اولویت توسعه سیاسی در این سالها تردیدی نبوده است ولی جداکردن مسئله مبرم حل معضلات اقتصادی یعنی غلبه بر بیکاری و رکود تورمی از امر توسعه سیاسی و مماشات و سکوت در برابری بی‌عدالتی عظیم و توزیع نابرابر امکانات و فرصتها و تعیمق شکاف میان طبقات از سوی دولت و نیروهای اصلاح‌طلب در طول سه سال گذشته فاقد دلایل و توجیه منطقی‌است."

"برنامه تعدیل اقتصادی در چارچوب سیاست افزایش صادرات به اجرا گذاشته شد و هدفش تولید کالا برای فروش در بازار جهانی و تهیه مایحتاج داخل از این بازار است. سیاست مزبور نامتناسب با تواناییهای اقتصادی کشور و فاقد لوازم اساسی آن بوده، در نتیجه با شکست مواجه گردید. تولیدمادی و غیرمادی مستلزم مقدمات و لوازمی است که به شکوفایی و نوآوری بینجامد. اما حاکمیت، اقتصاد کشور را در حال ناتوانی در بازار جهانی ادغام و مستحیل می‌کند که پیامدهای ناگوار آن اجبار به اخذ وام خارجی است و بعید است که این امر در تحریک چرخهای تولیدی کشور اثر کند، زیرا ولع مصرف و ریخت و پاش در نهادهای حکومتی و اشرافیت جدید و نیازهای هدایت شده وکاذب همراه با مایحتاج حقیقی باعث سرازیر شدن کالا به داخل کشور (با هدف کاهش تورم) گردید. اما وجود موانع بسیار در برابر رشد تولیدات داخلی، فرسودگی ماشین‌آلات، سهولت واردات و دشواری تولید، موجودی دلالان وابسته به قدرت موجب دشوارتر شدن شرایط تولید گردید. سیاستهای تعدیل نتوانست در تولیدکنندگان احساس امنیت به وجود آورد، مشکلات دیگر نیز کار را به بن‌بست کشاندند. ناتوانی در طراحی سیاستهای کلان و تصمیمات عکس‌العملی و اتکا به منابع خارجی و ناتوانی از به کارگیری منابع انسانی وغیرانسانی و بالاخره رشد نقدینگی که نتیجه غارت ثروتهای ملی از سوی یک طبقه انگل و سودجو است، افزایش تورم و بروز شکاف عمیق طبقاتی، بالارفتن هزینه‌های تشکیل

سرمایه‌های جدید و جبران استهلاک صنایع قدیمی، نبود فرصتهای شغلی برای خیل عظیم بیکاران و فارغ التحصیلان دانشگاهها و تولید در شرایط تورم ۵۰ درصدی فاقد هر نوع صرفه اقتصادی است و دولت به ناچار و به صورت عکس‌العملی سیاست تعدیل را تعدیل نمودا خصوصی‌سازی نیز تاکنون حاصلی جز انتقال منابع کشور به ثمن بخس به افراد ونهادهای در قدرت در برنداشته است. برنامه توسعه باید برپایه منابع ونیازهای داخلی وتأمین پیش‌شرطهای سیاسی و اجتماعی آن تدوین شود تا امنیت سرمایه گذاری و علاقه به تولید به وجود آید. جلب سرمایه‌های خارجی زمانی ثمربخش است که در چارچوب توسعه درونزا به کار گرفته شود."

برخی دیگر از دیدگاههای اقتصادی[1] این حزب جهت رسیدن به هدف نهایی یعنی عدالت اجتماعی به صورت زیر تشریح شده است:

"ما معتقدیم جامعه‌ای در راستای تعالی و ترقی قرار می‌گیرد که کلیه امکانات مادی وانسانی ومعنوی آن به صورت هماهنگ و متوازن بسیج گردد و بدین منظور باید امکانات آموزشی، زیستی، بهداشتی، درمانی، رفاهی و معیشتی وتولیدی برای عموم مردم به طور مساوی تأمین گردد. به نظر ما بارزترین هدف و سمت‌گیری اصلاحات جهت تحقق عدالت اجتماعی می‌بایست پاسخ به اصلی‌ترین نیاز عینی وملموس زندگی عامه مردم یعنی نیاز به کاهش فقر واختلاف طبقاتی عمیق موجود در جامعه باشد. عمده‌ترین اصلاحاتی که به منظور هدایت جامعه در مسیر عدالت اجتماعی لازم به نظر می‌رسد عبارتند از:

۱) محدودیت هرچه بیشتر فعالیت اقتصادی سرمایه داری تجاری دلال و سوق دادن سرمایه‌ها از بخش بازرگانی به بخش‌های صنعت و کشاورزی و تحقیقات علمی پایه‌ای و کاربردی.

۲) تغییر و اصلاح قوانین مالیاتی به نحوی که طبقات متوسط وحقوق بگیر و کم درآمد جامعه موظف به پرداخت حداقل مالیات وعوارض مستقیم وغیرمستقیم شده ونیازهای مالیاتی عمدتاً از محل درآمد بخشهای تجارت وخدمات تأمین گردد.

---

۱. مرامنامه رسمی جنبش مسلمانان مبارز، ص ۳۵، ۷۹/۷/۱۰.

۳) اصلاح ساختار سیستم توزیع باتأکید بر اهمیت بخش تعاونی و حذف کلیه فعالیتهای نهادهای واسطه‌ای و دلال.

۴) ایجاد، گسترش و پشتیبانی از کلیه فعالیت‌های متشکل صنفی ـ سندیکایی ـ تعاونی به منظور تقویت و حمایت هرچه بیشتر از طبقات ونیروهای مولد در جامعه.

۵) گسترش وتوسعه تأمین اجتماعی و تلاش در جهت افزایش و توزیع هرچه بیشتر امکانات درمانی و بهداشتی و آموزش و پرورش، ورزشی و تفریحی رایگان.

۶) اعطای مسئولیت و سمت در هر رده‌ای بر اساس ضوابط، معیارها واستانداردهای تعیین شده برای آن شغل یا سمت برای همه افراد در هر شأن و لباسی که هستند و لغو کلیه مقررات و ضوابط تبعیض‌آمیز، برای این منظور تغییر و اصلاح سیستم و ضوابط کنونی گزینش ضروری می‌باشد.»

مواضع فرهنگی:

حبیب‌اله پیمان دبیر کل جنبش مسلمانان مبارز دیدگاههای فرهنگی خود را در آستانه انتخابات ریاست جمهوری چنین تبیین نموده است[1]:

«۱ـ دفاع از آزادی قلم، بیان، اجتماعات و فراهم آوردن شرایط آزاد و مساوی برای تشکیل وفعالیت احزاب.

۲ـ تأمین حقوق و ارتقای موقعیت ونقش اجتماعی زنان ودفاع از شأن انسانی آنان.

۳ـ برنامه ریزی متناسب فرهنگی، آموزشی و اجتماعی برای نسل جوان کشور و از میان برداشتن فشارها و تبعیضهای تنگ نظرانه در استفاده‌های تحصیلی و شغلی.»

«انتشار نشریه و روزنامه مطابق قانون اساسی حق عموم مردم است و نیازی به کسب مجوز ندارد. کمیسیون نظارت بر مطبوعات نباید چون فرمانروایان خودکامه‌ای براساس سلیقه وگرایش‌های فرقه‌ای و مغایر مصلحت قدرت تصمیم بگیرند. چه به کسی اجازه انتشار نشریه بدهند و این حق را چه از کسی باز پس گیرند، این روش با روح قانون اساسی

---

۱. ایران فردا، اردیبهشت ۱۳۷۶.

و لوازم توسعه سیاسی مغایرت دارد."

برخی از دیدگاههای این حزب در زمینه مسائل فرهنگی [۱] در تبیین مواضع و مرامنامه حزب به شرح زیر بیان شده است:

"ـ ما برآنیم که با نقد گذشته (سنت) و تسویه و تصفیه فرهنگی، عناصر پویا و مفید درحل معضلات امروزی را احیاء و بازسازی کنیم و اندیشه و احساس و عمل خویش را از عناصر کهنه یا بازدارنده رهایی بخشیم.

ـ آزادی اندیشه ورهایی از قید خودبیگانگی در فرهنگ و ساختار قدرت منوط به برقراری گفتگوی آزاد میان پیشروان فکری (روشنفکران) و توده‌ها در چارچوب یک سلسله روابط و مناسبات عملی است.

ـ از بین رفتن تمرکز و انحصار اطلاعات و علوم و تأمین دسترسی کامل همه مردم به علوم و اطلاعات موردنیاز برای رشد و اعتلای فردی و اعمال حق نظارت و حاکمیت و مشارکت فعال و مؤثر در اداره امور جامعه.

ـ به باور ما حقیقت مطلق ومستقل از ذهن بشری وجود دارد، ولی اندیشه و باور هیچ فردی مطلق نیست. یعنی حقیقت مطلق نزد کسی به ودیعه نهاده نشده است. ادعای داشتن باور و شناخت مطلق، علامت رکود و سکون اندیشه و پیش‌زمینه تحمیل فکر واراده فرد بر جمع و سد شدن راه توسعه وتکامل علوم و کشف حقایق جدید و مغایر با آزادی وجدان فردی است.»

ـ آراء وتصمیمات اکثریت، اقلیتها و دگراندیشان را از بیان وتبلیغ نظراتشان محروم نمی‌کند و از مشارکت در اداره جامعه و اجرای مصوبات جمعی و کمک به پیشبرد هدفهای عمومی باز نمی‌دارد. در واقع مخالفت نظری با رأی اکثریت هیچ‌کس را ازحق مشارکت و دیگر حقوق شهروندی و انسانی محروم نمی‌کند."

---

۱. مرامنامه رسمی جنبش مسلمانان مبارز، ۷۹/۷/۱۰.

جمعیت زنان جمهوری اسلامی

نام کامل: جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران

نام دبیر کل: زهرا مصطفوی (فرزند امام خمینی(ره))

قائم مقام دبیر کل: مرضیه حدیدچی دباغ

اعضای فعال: زهرا مصطفوی، مرضیه حدیدچی دباغ، فاطمه راکعی، سهیلا جلودارزاده، فاطمه طباطبایی (همسر مرحوم سیداحمد خمینی)، اعظم نوری، ربابه رفیعی طاری(فیاض‌بخش)، فاطمه ایرانمنش، قدسیه فیروزان، اشرف بروجردی، فرشته اعرابی، فروغ احراری، فاطمه رمضان‌زاده، گوهرالشریعه دستغیب، فرزانه مافی، پروانه مافی، صدیقه مقدسی، زهرا شجاعی، اعوانی، مکنون، امیری‌ا، زهرا مونس موسویان.

مرامنامه (اهداف):

الف ـ اهداف کلی:

۱ـ تبیین ومعرفی دین مبین اسلام و فرهنگ متعالی آن.

۲ـ مقابله با استکبار جهانی، بالاخص شیطان بزرگ، صهیونیسم و حکومتهای ظالمانه.

۳ـ تبیین و افشاگری حکومتهای نژادپرست، سلطه طلب وخودکامه.

۴ـ بیداری ملل محروم و مستضعف، بالاخص زنان ستمدیده جهان، نسبت به حقوق حقه خود.

۵ـ ایجاد زمینه‌های رشد و ارتقای کیفی و تقویت کیان خانواده، به عنوان هسته اصلی ساختار جوامع.

۶ـ مقابله با هجوم وشبیخونهای فرهنگی، در جهت جلوگیری از انحراف فطرتهای انسانی، و پاسداری از ارزشهای انسانی.

۷ـ ایجاد باورهای صحیح، اعتماد به نفس، حریت و آزاداندیشی، برای رسیدن به خودکفایی اقتصادی و قطع وابستگی‌ها.

۹ـ فراگیر ساختن عدالت اجتماعی و بهره‌مند نمودن زنان و مردان، به طور مساوی، از امکانات موجود.

ب ـ اهداف ویژه:

۱ـ رفع هرگونه تبعیض در مورد زنان.

۲ـ تثبیت جایگاه زنان در خانواده و همچنین در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و... در جوامع.

۳ـ محقق ساختن حضور فعال زنان در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و مشاغل حساس و کلیدی.

۴ـ ایجاد ارتباط با تشکلهای زنان در داخل کشور و در سطوح بین‌المللی.

۵ـ حمایت ازحرکتهای سالم زنان در سطح جهان.

تاریخچه تشکیل:

این جمعیت به پیشنهاد دخت گرانقدر امام خمینی(س) و به همت بانوان متدین، انقلابی متخصص و تحصیل کرده که در پیش و پس از انقلاب دارای فعالیتهای سیاسی ـ اجتماعی بودندو یا همراه همسرانشان سهمی در پیشبرد انقلاب داشتند در سال ۱۳۶۵

رسماً تأسیس شد و کار خود را آغاز کرد و در تیرماه سال ۱۳۶۸ بـه عـنوان اولیـن تشکـل سیاسی از وزارت کشور اجازه فعالیت گرفت. عملکرد این جمعیت در طول این سـالها را می‌توان بیشتر کارهای فرهنگی و گاهی به طور مقطعی مشارکت در فعالیت‌های سـیاسی نظیر تهیه لیستهای انتخاباتهای مختلف مجلس شورای اسلامی ذکر کرد.

این جمعیت دارای فعالیتهای فرهنگی در سطوح برون‌مرزی و در سطح کشور بوده که بیشتر مربوط می‌شود به برپایی سمینارها، مـیزگردها، تشکـیل کـمیسیونهای تـخصصی، برگزاری اردوهای تفریحی فرهنگی، تشکیل کلاسهای آمـوزشی مـختلف، چـاپ و نشـر مقاله‌ها وجزوات و نشریه‌های مختلف، صدور بیانیه‌ها و پیام‌ها، اعزام هیأتهای تـبلیغی و غیره.

این جمعیت رئوس عملکرد خود در طی زمان فعالیت خود را چنین بیان می‌کند.

۱ـ برگزاری کنگره‌های بین‌المللی، با عنوان «زن وانقلاب جهانی اسلام»

۲ـ برگزاری کنگره‌های بین المللی، بـا عـنوان «سیره نـظری و عـملی حـضرت امـام خمینی(س)»

۳ـ برگزاری سمینارها و میزگردهای مختلف در ارتباط با تعیین ارزش و جایگاه زنان در جامعه اسلامی.

۴ـ تشکیل کمیسیونهایی جهت بررسی مسائل مختلف حقوقی ومعضلات مربوط بـه زن و خانواده، با همکاری اساتید و دانشجویان دانشگاهها.

۵ـ برگزاری اردوهای تفریحی ـ فرهنگی، به منظور ارتقای سطح فکری زنان و فراهم آوردن زمینه همبستگی اقشار مختلف زنان با یکدیگر.

۶ـ تشکیل کلاسها و دوره‌های مختلف آموزشی در زمـینه‌های تـفسیر قـرآن، احکـام، عرفان و کلاسهای آموزش مختلف.

۷ـ تهیه وتکثیر فیلم ویدئویی افشاگرانه از اقدام وحشیانه و ضد انسانی رژیم عراق در بمباران شیمیایی مردم حلبچه و ارسال آن برای سازمان زنان دنـیا و بـرخـی شـخصیتهای بین‌المللی زن.

۸ـ چاپ و نشر مقاله‌های مختلف پیرامون موقعیت زنان در اجتماع، اعتلای حقوق زن و... به مناسبتهای مختلف در جراید کشور.

۹ـ صدور پیامها، اطلاعیه‌ها وبیانیه‌های مختلف، به عنوان اعلام موضع له یا علیه، پیرامون مسائل داخلی و خارجی.

۱۰ـ اعزام هیأتهای تبلیغی ـ فرهنگی به کشورهای مختلف جهان، به منظور آشنایی و ایجاد زمینه‌های ارتباط متقابل با سازمانهای زنان در دیگر کشورها.

۱۱ـ دعوت و میزبانی هیأتهای مختلف اعزامی از سازمانهای زنان دنیا.

۱۲ـ اعزام هیأتهایی به منظور شرکت در کنگره‌ها سمپوزیوم‌ها و سمینارهای بین‌المللی.

۱۳ـ ارائه خدمات و کمک‌های مالی، در حدامکان، به زنان و خانواده‌های بی‌بضاعت و زوجهای جوان.

۱۴ـ کمک به حل مشکلات حقوقی و قضایی زنان وانجام وکالت حقوقی رایگان برای زنان.

۱۵ـ تهیه مقالات برای برخی نشریات خارجی، به منظور رد اتهامات کذب رسانه‌های غربی علیه جایگاه زن در نظام جمهوری اسلامی ایران.

۱۶ـ ایجاد تماس و تبادل‌نظر با شخصیتهای سیاسی و فرهنگی جهان و برخی نمایندگان سازمان ملل متحد، به منظور تبیین جایگاه حقوقی زن در نظام جمهوری اسلامی.

۱۷ـ اعزام سخنرانان و هیأتهای تبلیغی و تشکیل میزگردهای و کمیسیونهای مختلف، در سطح شهرستان‌ها.

گرایش سیاسی:

به رغم این که اهم فعالیتهای این جمعیت فرهنگی می‌باشد اما فعالیتهای سیاسی در خور توجه‌ای نیز در طول چند سال فعالیت این جمعیت وجود داشته است که بیشتر به طور مستقل وفارغ از جناح‌بندی‌ها و گرایشهای چپ و راست بوده است. اما ترکیب اعضای

شورای مرکزی و اعضای فعال این جمعیت دارای تمایل به جناح چپ می‌باشد. عملکرد این جمعیت در تهیه لیست‌های انتخاباتی کاندیداهای مجلس نیز به وضوح گرایش سیاسی این جمعیت را نشان می‌دهد، چنان که درانتخابات مجلس ششم در لیست کاندیداهای منتخب این جمعیت از حوزه انتخابیه تهران ۲۴ نفر از اعضای گروههای دوم خردادی ومتمایل به گرایش چپ وجود داشتند و تنها ۶ نفر از کاندیداهای منتسب به جناح راست و مستقل در این لیست وجود داشت که تمایل نسبی این گروه به جریان دوم خرداد و گرایش چپ را نشان می‌دهد.

تشکیلات و نشریات وابسته:

این جمعیت دارای تشکیلات نسبتاً منسجم وکارآمدی در عرصه کارهای فرهنگی می‌باشد. واحدهای نه گانه زیر وظیفه اداره امور مختلف جمعیت زنان را به عهده دارند:

۱ـ واحد تحقیقات: که وظیفه برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای پژوهشهای موردنیاز جامعه را برعهده دارد.

۲ـ واحد انتشارات: چاپ و انتشار مجله «ندا» ارگان جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران و چاپ و انتشار مقالات مربوط به کنگره‌ها و سمینارهای مختلف جمعیت و نیز چاپ ونشر نتایج طرح‌های تحقیقاتی صورت گرفته در جمعیت را برعهده دارد.

۳ـواحد برنامه ریزی ۴ـواحد بانک اطلاعات ۵ـواحد تبلیغات ۶ـواحد روابط عمومی ۷ـواحد بین‌المللی ۸ـواحد اداری ـمالی ۹ـواحد امداد و امور خیریه.

همچنین این جمعیت به صورت فصلنامه یا ماهنامه نشریه «ندا» را منتشر می‌کند که در آن بیانیه‌ها و مقالات و مصاحبه هایی که مواضع این جمعیت را منعکس می‌کند بـه چاپ می‌رسد.

این جمعیت تا کنون به صورت عام عضوگیری ننموده ونیروهای فعال آن بیشتر از افرادی هستند که دارای مشاغل دولتی یا دانشگاهی می‌باشند. این جمعیت عمده فعالیت خود را در تهران متمرکز نموده است.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

این حزب تا حدودی یک حزب دولتی محسوب می‌شود و خاستگاه این جمعیت بیشتر از بین زنانی است که به نوعی در قبل از انقلاب در فعالیت سیاسی به طور مستقیم دخالت داشته‌اند و یا بواسطه همسرانشان در این فعالیت‌ها شرکت کرده و به واسطه پست ومقام همسرانشان در بعد از انقلاب با این جمعیت مرتبط شده‌اند، همچنین زنان تحصیل کرده‌ای که دارای مشاغل دولتی و دانشگاهی بوده و دارای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشند حضور چشمگیری در این جمعیت دارند. به دلیل عدم فعالیت ملموس و ارتباط لازم مردمی این جمعیت در زمینه‌های مختلف، حتی در بین زنان جامعه کمتر گرایش به سمت این جمعیت مشاهده می‌شود. بنابراین نمی‌توان این جمعیت را نماینده طبقه خاصی از افرادجامعه دانست، ولی آنچه روشن است حوزه فعالیت این جمعیت بیشتر در مجامع علمی دانشگاهی و آکادمیک می‌باشد.

مواضع سیاسی واجتماعی:

مشکلات صنفی، مسائل اجتماعی زنان جامعه و تأمین حقوق آنها در جامعه مهمترین دغدغه اعضای فعال این جمعیت را تشکیل می‌دهد که باعث بیشتر کمرنگ‌تر آنان در صحنه سیاسی جامعه شده است. مرضیه حدیدچی دباغ[1] قائم مقام جمعیت زنان که چند دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است یکی از مشکلات زنان راعدم انتخاب تعداد بیشتری از زنان در انتخابات مجلس و بالطبع عدم حضور و تأثیرپذیری آنها در قانون‌گذاری درکشور می‌داند، ایشان می‌گوید:

"به نظر من یکی از مواردی که نه تنها خانمها بلکه آقایان نیز باید به آن عنایت خاص داشته باشند و بدان اهمیت لازم را بدهند، انتخاب تعداد بیشتری نماینده زن برای مجلس شورای اسلامی به هنگام انتخابات است تا در مجلس تجمع به اصطلاح بیشتری از خانمها تشکیل شود و آنان بتوانند با به وجود آوردن اکثریت نسبی خانمها در مجلس قوانین

---

۱. فصلنامه ندا، ارگان جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، تابستان ۱۳۷۰.

موردنیاز این قشر از جامعه را به تصویب برسانند."

"فکر می‌کنم که برای خانمها می‌شد کارهای بیشتر و بهتری انجام داد، منتهی به دلیل تعداد کم نفرات خانمها در مجلس قدری مشکل داشتیم و به همین دلیل تمام جهات موردنظر برآورده نشده است."

"نه تنها خانمها، بلکه آقایان نیز باید به هنگام انتخابات تعداد بیشتری از زنان را برای نمایندگی مجلس انتخاب کنند."

ایشان بر حضور فعال زنان در صحنه‌های سیاسی واجتماعی و حتی در مجامع بین‌المللی تأکید نموده و می‌گوید[1]:

"آن چیزی که حضرت امام(ره) به آن تکیه داشتند حضور زن در همه جا مخصوصاً مجامع بین‌المللی بود، حتی دیدید برای بردن نامه حضرتشان به گورباچف با اینکه زن یا مرد بودن آن چند نفری که می‌خواستند نامه را ببرند خیلی فرق نداشت، اما در عین حال سعی کردند از هر دو قشر جامعه افرادی را بفرستند تا حضور آنان نشان دهنده ایده وتفکر اسلام ناب محمدی(ص) باشد واز طرف دیگر نشان بدهند که شرکت زنها در مجامع بین‌المللی و به اصطلاح فعالیت آنها، اهمیت بسیار بالا و والایی برای اسلام عزیز دارد."

مرضیه حدیدچی دباغ که همراه آیت الله جوادی آملی و محمدجواد لاریجانی اعضای هیئت اعزامی از طرف امام (ره) به مسکو برای ابلاغ پیام ایشان به گورباچف را تشکیل می‌دادند در جایی دیگر می‌گوید:

"این خانم‌های اعزامی جمهوری اسلامی ایران که در مجامع بین‌المللی شرکت می‌کنند می‌توانند نقش‌آفرینی هایی داشته باشند، می‌توانند پیامبر اهداف عالی انقلاب و اسلام عزیزمان باشند و می‌توانند اثرات بسیار گسترده‌ای از حضور خود در جوامع دیگر به جای بگذارند، به شرط اینکه با معیارها و ارزشهای انقلاب انتخاب شوند و در این اجتماعات شرکت کنند. من پیشنهاد می‌کنم که دولت جمهوری اسلامی با این سازمانها و جمعیت‌ها و خانم‌های متخصص، متدین ومتعهدی که در نقاط مختلف کشور مشغول فعالیت و خدمت

---

۱. همان، ص ۱۸، زمستان ۱۳۷۸.

هستند همیشه در ارتباط باشد و هر گروه و اکیپی را که می‌خواهند به خارج بفرستند از این خواهران نیز حتماً برای شرکت در هیئت‌های اعزامی دعوت کنند. تا بدین وسیله هم، حربه‌های دشمنان را که علیه اسلام و انقلابمان بکار می‌گیرند خنثی کنیم و از طرف دیگر بتوانیم حضور زن مسلمان متدین، متعهد و با تخصص ایران را به جوامع دیگر معرفی کنیم و به آنان بفهمانیم که پوشش اسلامی و قوانین اسلامی مانعی برای پیشرفت زنان نخواهد بود."

وی حقوق اجتماعی زنان از جمله حق رأی دادن و حق انتخاب شدن را با روایتی از پیامبر اکرم مورد تأئید و تأکید قرار دهد[1]:

"در مورد حق رأی برای زنان همینطور است که می‌فرمایید. حق رأی برای زنان از حقوق اسلامی آنها الهام گرفته شده است. وقتی رسول اکرم(ص) می‌خواهند بیعت بگیرند خوب اینگونه عمل می‌کردند که مردها با حضرت دست می‌دادند و بدین طریق، باحضرت بیعت می‌کردند، حضرت آنجا حجت را تمام کردند و دست در طشت آبی گذاشته و زنان هم در همان طشت دست گذاشتند و بیعت انجام شد و به این طریق بر همه کسانی که می‌خواهند در طول تاریخ بشریت حکومت بکنند راهنمایی و الگو ارائه کردند، لذا به نظر من اصلاً چیز غلطی است که بیاییم زنها و مردها را جدا کنیم این دو قشر برای رسیدن به اهداف و خصوصیاتی که اسلام برای بشر در نظر گرفته باید مکمل یکدیگر باشند و یکی از حقوقی که حق مسلم هر دو قشر است حق رأی دادن و رأی گرفتن است."

"در حکومتهای اسلامی یکی از وظایف مهم حکومتها این است که میدان را برای زنان و حضورشان در صحنه باز کنند. آنان را برای دستیابی به شناختی که باید از حقوقشان داشته باشند راهنمایی کنند. این قشر حتی بهتر از مردان می‌توانند صاحب‌نظر، مؤثر و برنامه ریز باشند. لذا اگر دیدیم که دولتمردان در هر جامعه‌ای به این نکته دقیق و ظریف توجه خاص ندارند می‌توانیم پی ببریم که یک جای قانونشان می‌لنگد و یک مشکلاتی را درجامعه خواهند داشت. این مشکلات حل نشدنی است مگر اینکه صاحبان اصلی آن مشکل با

---

۱. همان، ص ۱۶، تابستان ۱۳۷۰.

نظریات خاص و دیدگاههای خاص یعنی زنان به میدان بیایند و برای حل مشکلات سرمایه گذاری کنند."

ایشان در جایی دیگر در مورد مشکلات اقتصادی زنان جامعه وعدم تأمین مالی آنها می‌گوید:

"زنها حتماً باید از خودشان یک پشتوانه اقتصادی داشته باشند و لازم هم نیست که همه در خارج از منزل کار کنند و لو خانمی هم بخواهد برود خارج از منزل کار بکند تا این پشتوانه اقتصادی را داشته باشد، اسلام راه را بازگذارده. اگر ما زنان بتوانیم آن شناخت لازم را از حقوق حقه خودمان داشته باشیم، کافی است که با مسئله مهریه که سرمایه اصلی زن است یا مسئله نفقه ـ چون نفقه مختص طلاق نیست، به طور کلی نفقه در کل لحظات زندگی زناشویی می‌تواند یک قرارداد فیمابین باشد، حالا این آقا می‌خواهد فرض کنید که قرار بگذارد در ماه یا در هفته یک پولی به نیست درآمدنش در اختیار همسرش بگذارد."

ایشان همچنین خواستار اقداماتی از سوی سه قوه کشور برای رفع معضلات تأمین اجتماعی و اقتصادی زنان شده و پیشنهاد می‌کند که مرجعی برای رسیدگی به این امور زنان در جامعه ایجاد شود:

"آن خانم اگر بداند که در دولت جمهوری اسلامی به محض این که شوهرش فوت کرد یا خدایی نخواسته متارکه کرد و پشتوانه اقتصادی هم از نظر حقوقی نداشت، یک جایی هست که مراجعه کند و مسائل خود را بگوید و به او کمک خواهد شد، قطعاً از بسیاری از ناهنجاریها کاسته می‌شود. او می‌داند که ماهانه مثلاً مقداری پول دریافت خواهد کرد و این آتیه او راتأمین خواهد کرد و لذا فکر می‌کنم چند موضوع اینچنینی در رابطه با خانمها هست که مربوط به سه قوه می‌شود و باید انشاءالله در مجلس دوره‌های آینده حل شود."

سهیلا جلودارزاده از اعضای شورای مرکزی این جمعیت در مورد حضور زنان در صحنه سیاسی و قانونگذاری کشور معتقد است که باید زنان لااقل نیمی از کرسی‌های مجلس را اشغال کنند[1]:

---

۱. همان، ص ۱۲، زمستان ۱۳۷۴.

"نماینده زن، علاوه بر شناخت و احاطه کامل به مسایل و نارسایی‌های خاص بانوان، با انگیزه درونی قوی به واسطه انتصاب به این قشر، نقش فراگیرتر و مفیدتری در مورد مسایل زنان دارد. به همین دلیل است که امروزه، یکی از ایده‌های مطرح و اصولی، حضور گسترده زنان در مجلس است تا حدی که به اعتقاد ما، باید نیمی از نمایندگان مجلس را بانوان درد آشنای متفکر و متخصص تشکیل دهند. چرا که در کشورهایی که حقوق زنان بطور نسبی به خوبی رعایت می‌شود تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس را زنان تشکیل مـی‌دهند و شایسته آن است در کشور ما که‌ام القرای اسلام و منادی تحقق احکام متعالی اسلام و احقاق حقوق زنان است تعداد بیشتری از نمایندگان مجلس از میان بانوان باشند."

زهرا شجاعی مشاور رئیس جمهور در امور بانوان در مورد آسـیب‌شناسی انـقلاب و مسائلی که آینده انقلاب وکشور را تهدید می‌کند می‌گوید[1]:

"جریان خزنده‌ای که برای تضعیف بنیه دینی نسل جوان جامعه ما صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، به این شکل باید مطرح کرد که در رأس بنیه دینی اعتقاد به ولایت است که اگر نخ تسبیح جامعه و این استوانه اساسی حکومت اسلامی خدشه‌ای برآن وارد بشود ومتزلزل بشود در واقع کل این نظام از هم می‌پاشد و دشمن هم در حقیقت نوک پیکان و لبه تیز حمله خود را به این سمت متوجه می‌کند."

"اصولاً در انقلاب یک سری از مسایل به عنوان اصول اساسی مطرح است که با خدشه وارد شدن به آنها به انقلاب خدشه وارد می‌آید. مثلاً فرض بکنید که سیاست نه شرقی و نه غربی به عنوان یکی از اصول اصلی این نظام واصل ولایت فقیه به عنوان یکی از اصول مهم این انقلاب است. اصل اسلامیت، یا به اصطلاح مکتبی بودن نظام از این اصول است. اصل تکیه بر ملت، مردمی بودن نظام که در قانون اساسی هم مکرراً اشاره شده نیز یکی از اصول اساسی این انقلاب است."

فاطمه راکعی[2] عضو شورای مرکزی جمعیت زنان و همچنین عـضو هـیأت مـؤسس حزب جبهه مشارکت ایران اسلامی درمورد روند اصلاحات و لزوم آن می‌گوید:

۱.همان، ص ۱۵، زمستان ۱۳۷۴.

۲. همان، ص ۲۸، زمستان ۱۳۷۸.

"اکنون که ۲۱ سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، متأسفانه مشکلات و مسائل بزرگی را در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور شاهدیم و انقلاب شدیداً نیازمند اصلاحات عمیق و بنیادی است."

ایشان که در انتخابات مجلس ششم به عنوان کاندیدای جبهه مشارکت و جمعیت زنان با آراء نسبتاً بالایی از سوی مردم به مجلس راه یافته است در مورد برنامه کاری مجلس چنین می‌گوید:

"بهترین راه پیشرفت سیستماتیک امور و رسیدن سریع به نتایج مطلوب، همانطور که عرض شد، ارتباط بامتخصصین وکارشناسان در حوزه‌های مختلف است. از طرفی حضرت امام(ره) معتقد به اجتهاد نوین و پویا بودند که یکی از افتخارات ما استخراج احکام با توجه به شرایط مکان و زمان، از اصول ثابت است. ما باید در ارائه لوایح و طرح‌ها به مجلس، علاوه بر کار کارشناسی علمی ـ تخصصی‌نظر فقها و مجتهدین معتقد به اجتهاد پویا و نواندیشی را جویا شویم و طرحها و برنامه هایی را به مجلس ارائه کنیم که از جوانب مختلف سنجیده شده و با سرعت قابل طرح و تصویب است.

وی در ادامه در مورد وضع قوانین لازم برای رفع مشکلات زنان و اصلاح بعضی از قوانین موجود برای بهبود وضعیت زنان جامعه می‌گوید:

"بسیاری از مواد قانون مدنی ما برای جامعه متحول انقلابی امروز که به لحاظ نظری، بخصوص در مورد زنان بسیار مترقی فکر می‌کند، فوق‌العاده عقب‌مانده است. از طرفی متأسفانه فرهنگ درستی در مورد مسائل زنان نداریم. آن دید پدرسالارانه و قیم‌واری که از دیرباز نسبت به زنان وجود داشته و در آمیخته شدن مسائل سنتی با باورهای دینی، برای زنان معضلات و مشکلاتی ایجاد کرده است."

"اما امروز دیگر وقت آن رسیده که با یک بسیج عمومی فرهنگی، دانشگاهی و حوزوی به طور جدی به مسائل زنان پرداخته شود. نمایندگان زن مجلس قصد دارند انشاءا... با ایجاد ارتباط با جمعیت زنان جمهوری اسلامی، مرکز امور مشارکت زنان، دانشگاه الزهرا و سایر نهادها و ارگانهایی که در زمینه امور زنان تحقیق و کار می‌کنند ونیز بافقها و حقوقدانان

دلسوز و نواندیش در حوزه‌ها و دانشگاهها بتوانند بزودی طرحهایی را به نفع زنان و در جهت رفع تبعیض از آنان به مجلس ببرند.»

وی همچنین نیز مانند سهیلا جلودارزاده نسبت به تعداد کم نماینده‌های زن در مجلس ناخرسند است و می‌گوید:

«متأسفانه علیرغم اینکه نیمی از جمعیت ما را زنان تشکیل می‌دهند تعداد اندک نمایندگان زن در مجلس هیچ توجیهی ندارد، جز این که باز حاکی از مظلومیت آنها و عدم پرداختن جدی به آنهاست.»

مرضیه حدیدچی دباغ پس از انتخابات مجلس ششم و اعلام دو نفر از نمایندگان منتخب در مورد این که درجلسات مجلس بدون پوشش چادر شرکت خواهند کرد، به شدت موضع‌گیری کرد، وی در پاسخ پرسشی در مورد علت این موضع‌گیری گفت:

«مانظرمان این بود که مجلس شورای اسلامی به دلیل حرمت و تقدسی که دارد، زن بی‌چادر در آن وارد نشود، به همین دلیل هم پیشنهاد دادیم که خانمها ولواینکه در بیرون از پوشش دیگری استفاده می‌کنند، این رعایت را بکنند که تقدس و حرمت مجلس را بنا به فرموده امام ومقام معظم رهبری حفظ کنند.»

ایشان در عین حال روند حاکم بر اصلاحات بعد از دوم خرداد که به وسیله خاتمی آغاز شده را حرکتی بسیار زیبا دانسته وعلت آنرا چنین بیان می‌کند:

«این حرکت را آقای خاتمی بسیار زیبا شروع کردند که باید از ایشان تشکر کنیم، زیرا آن فاصله‌ای که می‌رفت نسل دیروز، یعنی نسل انقلاب را از نسل امروز، یعنی نسل جوان جدا کند و نسل جوان را در یک مسیر دیگری قرار بدهد یا یک حرکت بسیار زیبا و حساب شده با آن اثراتی که خداوند متعال در کلمات ایشان و زبان ایشان گذاشتند از بین رفت و باعث شد که این اثرات بر قلب جوانهانشسته و وسیله آشتی و نزدیکی دو نسل فراهم گردد.»

وی در جای دیگری مشکلات امروز جامعه را ناشی از نوع کار مدیران و تبلیغات نادرست آنها می‌داند و می‌گوید:

«همه توجه‌ها معطوف شده است به مسائل اقتصادی و حل معضل اقتصادی تا بتواند

این جایگاه را پر کند. این نگرش باعث شده که از بسیاری از مسائل جامعه عقب بمانند. من معتقد نیستم که الان وضع اقتصادی جامعه خوب نیست بلکه وضع جامعه صرفاً مربوط به نوع کار مدیران می‌شود. یعنی ندانم کاری مدیران و تبلیغ نادرست آنها در رابطه با مسائل اقتصادی، علت حریص شدن جامعه گشته و باعث شده که ذهن افراد به شکلی ناقص معطوف به قضایای اقتصادی بشود. لذا ما از یاد برده‌ایم که چه بودیم و چه داشته‌ایم و حضرت امام چه اهدافی را دنبال می‌کردند ما متأسفانه در حال در جازدن هستیم."

فاطمه طباطبایی عضو برجسته جمعیت زنان در مورد مسائل فرهنگی امروز کشور چنین می‌گوید:

جوانان و فرهنگ عمومی:

"اگر بتوانیم جوانان را بشناسیم و ارتباط آنان را با دین و فرهنگ غنی خود برقرار نمائیم نباید هیچگونه نگرانی از تهاجم فرهنگی داشته باشیم."

"مسئولان فرهنگی کشور برای هدایت نسل جوان نیاز به برنامه‌ریزی دقیق دارند."

مطبوعات و جوانان:

"اگر جامعه از یک نوشته برآشفته می‌شود به خاطر آن است که ما رسالت خود را انجام نداده‌ایم. در صورتی که ما جوان خود را بشناسیم. نه یک مقاله، نه یک سخنرانی و نه یک فیلم نمی‌تواند در او تأثیر داشته باشد."

"کنترل دقیق و احساس مسئولیت مدیران فرهنگی جامعه بهترین راه حل برای مقابله با هرگونه ناامنی فکری است."

جامعه زینب (س)

نام کامل: جامعه زینب (س)

نام دبیر کل: منیره نوبخت

اعضای فعال: مریم زعفرانی بهروزی، عباسی، معتضدی، منیره نوبخت، نفسیه فیاض بخش، نیلی سجادی، حسینی، شاکری، مرضیه وحید دستجردی، پروین سلیحی، مقدم، رضایی، میردامادی، سلحشور، موسوی، شمس معتمدی، اعظم نوش‌گل، ناهید اعظمی، رام پناهی، معصومه رضایی نظری

مرامنامه:

مقدمه:

«لقد من الله علی المؤمنین اذبعث فیهم رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه»[1]

با توجه به اینکه جهان هستی با هدفی خاص آفریده شده و انسان نیز بایستی هدفدار

---

۱. قرآن مجید، سوره آل عمران / ۱۶۴

باشد والاترین هدف رسیدن به کمال می‌باشد و برای تحقق آن انسان نیاز به شناخت، تعلم، تفکر، تزکیه و تعبد دارد و تنها راه نجات از ظلمات و هدایت به سوی نور با تبعیت از پیامبران و ائمه (علیهم السلام) حاصل می‌گردد.

در میان تابعین انبیاء تعلیم و تبیین این راه بیشتر برعهده روحانیت و مدرسین و مربیان بوده و هست و زنان نیز نقشی عظیم در تعلیم و تربیت انسانها دارند. آیات قرآنی و احادیث وارده در مورد مقام زن فراوان و دارای نکات ارزنده‌ای است که در این مقدمه مجالی برای بیان آن نیست.

حضرت امام خمینی(ره)، معلم و مفسر بزرگ مکتب در دوران معاصر در مورد زنان سخنان جامعی فرمودند که جهت الهام و رهنمود از بیانات آن حضرت به برخی از آنها اشاره می‌شود.

قرآن کریم انسان‌ساز است و زن نیز انسان‌ساز، اگر زنان انسان‌ساز از ملتها گرفته شوند ملتها به انحطاط کشیده می‌شوند.

تاریخ اسلام گواه احترامات بی‌حد رسول خدا(ص) به این مولود شریف حضرت زهرا(س) است تا نشان دهد که زن بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد کمتر نیست.

نقش زن در عالم از ویژگیهای خاص برخوردار است، صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شوند و می‌تواند به عکس باشد.

انقلاب اسلامی و زن:

قطعاً انتظار از ایفاء نقش سازنده زنان مستلزم ساخته شدن شخصیت حقیقی آنان بر اساس برنامه‌های تعالی بخش اسلام و بهره‌گیری از الگوهای سازنده اسلامی است.

زن در پرتو انقلاب اسلامی، مرحله اول را با پیروزی گذرانده و با حضور در صحنهٔ مبارزه، از غربزدگی پرهیز داده شده و از مبلغ و مشوق بودن ارزشهای کاذب و غیرالهی

نجات یافته و به یمن پروردگار و با قیام امام بزرگوار تحول عظیم در همه اقشار جامعه خصوصاً زنان به وجود آمد، در این راستا با آگاهی از ضد و نقیضها و سوء استفاده هائی که از فرهنگ مذهبی آنان می‌شد به اصلاح بنیادی خود پرداختند و حرکت انقلابی را به وجود آوردند و همدوش مردان در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند، به طوری که همبستگی آنان در این مبارزه عظیم بسیار چشمگیر بود.

انقلاب اسلامی توانسته است مفهوم حقیقی آزادی، شخصیت انسانی و حقوق اجتماعی زنان را از طریق ادراک و به کارگیری تعلیمات اسلامی ارج نهد تا زنان قادر باشند ارزشهای انسانی و حقوق عادلانه از دست رفته خویش را در نظام اسلامی بازیابند و در تمامی صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایفای نقش نمایند.

زن مسلمان متعهد می‌تواند در جهان آکنده در بی‌عدالتی برای زنان ستم کشیده و تحت استثمار، فرهنگی نو بیافرینند و با شناساندن اسلام ناب محمدی(ص) موجبات رهائی زنان را فراهم گرداند و برای تحقق این امر مهم لازم است که خواهران با انسجام هرچه بیشتر و با تلاش پیگیر و همه جانبه جهت سازندگی خود و جامعه از نظر اعتقادی و سیاسی و اخلاقی بکوشند و جامعه زنیب(س) بدین منظور تشکیل شده است تا در حد توان خویش به انجام وظیفه رسوبات فرهنگهای غیراسلامی مبارزه کند و امیدوار است که با تبعیت از انبیاء الهی، به ویژه پیامبراکرم(ص) و گرفتن الهام از قرآن کریم و احادیث و تأسی به اسوه‌های زنان در صدر اسلام طبق رهنمودهای حضرت امام(ره) و مقام عظمای ولایت با استفاده از نظریات و طرحهای خواهران مسلمان و متعهد و با ارائه برنامه هائی در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و تربیتی در اجرای نظریات رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی کوشش نماید و با التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی و همگام با علما و فقها و روحانیت اصیل فعالیت کنند و انتظار دارد که در این راه از همفکری و همکاریهای سایر تشکلها و نهادها بهره‌مند شود و رقابتی خداپسندانه در مسابقه خیرات داشته باشد و ضمن جلب اعتماد همراهی‌های مردم، رضایت خاطر ولی‌الله الاعظم(عج) و نایب برحقش و ارواح پاک شهدای انقلاب اسلامی را فراهم آورد.

اهداف:

الف ـ تحصیل رضایت خدا از طریق تجمع خواهران مسلمان به منظور پیگیری اهداف انبیاء.

ب ـ پاسداری از خط امام رضوان الله تعالی علیه و مقام معظم رهبری و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی.

ج ـ گسترش فرهنگ خالص اسلامی و زدودن انحرافها و التقاطهای دینی و فرهنگهای وارداتی، احیای امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با شبیخون فرهنگی.

د ـ کوشش در رشد و تعالی علمی، اخلاقی، معنوی و تأمین نیازهای آنان و پرورش عناصری زینب گونه.

هـ ـ اهتمام روز افزون در امر مسلمین از طریق آگاهی دادن و تحقیق و برنامه‌ریزی منظم براساس اصول فقاهتی و رهنمودهای حضرت امام قدس سره الشریف و حضرت آیت الله خامنه‌ای ولی امر مسلمین جهان.

و ـ تقویت بنیه اعتقادی زنان نسبت به رسالت خانوادگی و اجتماعی خویش و تلاش در جهت تعمیق فرهنگی، سیاسی بانوان جهت حضور آگاهانه و فعال رد صحنه‌های مختلف.

ز ـ فراهم نمودن زمینه برای بروز استعدادهای بالقوه خواهران و استفاده از نیروهای بالفعل در زمینه‌های مختلف.

ح ـ جامعه زینب (س) و افراد وابسته به آن التزام خود به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌دارند.

ط ـ طرحها و برنامه‌ها و سایر اقداماتی که در این مرامنامه پیش‌بینی شده چنانچه با وظائف وزارتخانه یا سازمانی دولتی در ارتباط باشد. پس از کسب اجازه با وزارتخانه یا سازمان دولتی فوق به مرحلهٔ اجرا در خواهد آمد.

تاریخچه تشکیل:

در بحبوبه جنگ تحمیلی به منظور یاری رسانی به خانواده شهدا، ایثارگران و رزمندگان

علی‌الخصوص به منظور روحیه بخشی و حمایت عاطفی از مادران و همسران این عزیزان جمعی از خواهران مؤمن و متعهد که در حومه مرکزی و اطراف بازار تهران سکونت داشتند گرد هم آمدند تا این وظیفه خطیر را به انجام رسانند. این حرکت ابتدا بدون تشکیلات منظم توسط برخی از خواهران از جمله خانم‌ها بهروزی، عباسی و معتضدی آغاز شد و اولویت اول ایشان رسیدگی به امور خانواده معظم شهدا بود. اکثر خانم‌هایی که با این نهاد در ارتباط بودند علاقمند به فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بودند، اما به دلیل جنگ و وضعیت خاص آن زمان کمتر به این مسائل پرداخته شد.

در سال ۱۳۶۵ با همکاری آیت الله یزدی و موافقت امام خمینی(ره) به منظور حمایت مالی از این تشکیلات از محل درآمد سهم امام، جامعه زینب (س) به صورت یک تشکیلات منسجم و منظم تشکیل و مشغول بکار شد و با افزایش فعالیتهای سیاسی در تاریخ ۷۰/۸/۲۰ این حزب به طور رسمی از وزارت کشور اجازه فعالیت دریافت نمود. تاکنون این حزب چهار مجمع عمومی برگزار نموده و در حال وسعت بخشیدن به فعالیتهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود می‌باشد.

گرایش سیاسی:

جامعه زینب (س) هر چند یک حزب با عملکرد بیشتر فرهنگی است تا سیاسی اما دیدگاههای سیاسی این حزب تا حدود بسیار زیادی منطبق بر دیدگاههای جناح راست سنتی (ارزشگرا) می‌باشد. به طوری که اعضای برجسته این حزب اکثرا در انتخابات مجلس شورای اسلامی در لیست جامعه روحانیت مبارز و ائتلاف جناح راست قرار دارند، مثلا اسامی خانمها منیره نوبخت و نفیسه فیاض بخش در لیست ائتلاف جناح راست سنتی (ارزشگرا) در انتخابات دوره‌های پنجم و ششم مجلس شورای اسلامی قرار داشت و از طرفی جامعه زینب از لیست این ائتلاف به طور کامل حمایت نمود. در گذشته نیز این حزب جز ائتلاف تشکلهای اسلامی همسو جناح راست بوده است.

تشکیلات و نشریات وابسته:

جامعه زینب (س) دارای تشکیلات منظم در هفت نقطه تهران و شهرستانهای مختلف (۵استان کشور) می‌باشد و از میان خواهران داوطلب عضو می‌پذیرد. برای عضویت در این حزب شرایط سنی، موقعیتهای اجتماعی، مدرک تحصیلی و غیره ملاک نیست و داوطلبان عضویت پس از مراحل گزینش در حوزه‌های تشکیلاتی از قبیل حوزه فرهنگیان، دانشجویان، دانش‌آموزان، حوزویان، خانه‌داران و غیره می‌توانند به عضویت این حزب در آیند.

از لحاظ چارت تشکیلاتی این حزب شامل ۶ معاونت تشکیلات ،آموزش، مطالعات و تحقیقات، تبلیغات، امور مالی، تدارکات و امور بین المللی می‌باشد.

این حزب عمده فعالیت‌های خود را روی امور آموزشی و فرهنگی متمرکز نموده است. اهم فعالیتهای فرهنگی و آموزشی این حزب عبارتند از:

تشکیل حوزه علمیه خواهران در تهران و شهرستانها، تشکیل کلاسهای آموزشی تخصصی و عمومی برای خواهران، تشکیل واحد قرآن خواهران، انتشار جزوات و نشریات آموزشی و فرهنگی و تهیه و چاپ کتاب، تشکیل کتابخانه خواهران، انجام تحقیقات علمی و پژوهشی ویژه مسائل زنان، انجام اردوهای علمی، فرهنگی و سیاسی، تشکیل پایگاههای فرهنگی، هنری و ورزشی، پاسخ به شبهات عقیدتی و فقهی خواهران.

همچنین فعالیت‌های سیاسی این حزب عبارتند از:

تشکیل کانونهای تشکیلاتی، فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خارج از کشور و ایجاد ارتباط با محافل علمی و سیاسی خواهران در سطح بین المللی، تشکیل کلاسها و جلسات پرسش و پاسخ و تحلیل مسائل روز، شرکت فعال و حضور در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و پاسداری از ارزشهای انقلاب، موضع‌گیری سیاسی نسبت به مسائل و جریانات روز، سازماندهی و بسیج خواهران برای حضور در فعالیتهای سیاسی.

فعالیت اجتماعی این حزب عبارتست از: تشکیل بسیج خواهران، بسیج دانشجویان و طلاب، مراسم تبلیغاتی و اجتماعی به مناسبتهای مذهبی و ملی، انجام مسابقات علمی و

فرهنگی اعزام مبلغ و مدرس، برپایی نمایشگاههای مختلف، فعالیتهای خیریه در تهران و شهرستانها و پرداخت وام قرض الحسنه به خواهران.

به طور کلی می‌توان گفت جامعه زینب (س) چون دیگر تشکلهای حزبی مربوط به خواهران از فعالیت نسبتاً گسترده‌ای در عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برخوردار است. این حزب تا کنون نشریه خاصی را منتشر ننموده است، اما دیدگاههای این حزب بیشتر در روزنامه‌های منتسب به جناح راست سنتی (ارزشگرا) چاپ می‌شود، از جمله روزنامه‌های رسالت، کیهان و هفته نامه‌های شما (ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی) و جام (ارگان جامعه اسلامی مهندسین).

خاستگاه و طبقه اجتماعی:

این حزب چون جمعیت مؤتلفه اسلامی برخاسته از نواحی مرکزی و حومه بازار و جنوب تهران می‌باشد، هر چند در تمام نقاط تهران فعالین این گروه حضور دارند. از لحاظ طبقه اجتماعی، این حزب یک تشکل پدید آمده از فعالیتهای اجتماعی مردم یعنی قاعده هرم قدرت می‌باشد. به عبارتی این حزب به گونه‌ای طبیعی و از قاعده هرم قدرت شروع به رشد کرده و فعالیت‌های خود را گسترش داده است. پایگاه اجتماعی این حزب را می‌توان زنان خیر و نیکوکار، همسران اصناف و کسبه متدین بازار تهران و برخی از همسران رجال سیاسی کشور و همچنین خواهران طلبه و فارغ التحصیل حوزه علمیه و دانشگاه دانست که البته در میان مردم عادی نیز هواداران بسیار زیادی را به خود جلب نموده است.

از طرفی بیشتر فعالین این حزب از میان خواهران طلبه، دانشجو، محصل، بسیجی، خانه دار و بالاخره خواهران نیکوکار می‌باشند.

مواضع سیاسی:

پیرو استعلام مؤلف، این حزب مواضع سیاسی خود را به صورت زیر بیان نموده است:

"زندگی اجتماعی بشر ایجاب می‌کند سیاست را به عنوان ابزار رسیدن به اهداف خود

بپذیرد و بنابر نوع نگرش به دنیا آن را به خدمت گیرد.

اسلام در مسیر هدایت و به کمال رساندن بشر همه عوامل و اسباب را به تناسب شرایط زمان و مکان تامین نموده و موانع را از سر راه بر میدارد.

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به پرچمداری و قیام امام خمینی (ره) با هدف ایجادحکومت اسلامی و حاکم نمودن احکام الهی بر زندگی بشر شعار «سیاست ما عین دیانت ماست» را به نمایش در آورد و ثابت کرد که اسلام برنامه زندگی در این دنیاست تا با عمل به آن سعادت اُخروی تامین گردد.

جریان امامت در اسلام و ولایت فقیه در زمان غیبت امام معصوم علیهم‌السلام رسالت تحقق این مهم را دارند. با پذیرش اصل فوق، مواضع کلی سیاسی جامعه زینب (س) عبارتند از:

- تبعیت محض از ولایت مطلقه فقیه.
- پذیرش و عمل به قانون اساسی و حفظ کیان جمهوری اسلامی ایران.
- دفاع از حقوق بشر و تلاش برای حاکمیت قسط و عدل در جهان.
- مقابله با هر گونه تبعیض و ظلم و جور."

منیره نوبخت عضو کمیسیون آموزش و نماینده مجلس پنجم، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیر کل جامعه زینب (س) می‌باشد. اینک برخی از دیدگاههای ایشان در مورد مسائل سیاسی را می‌خوانیم[1]:

اهداف انقلاب:

"انقلاب ما یک انقلاب مکتبی و اسلامی بود و در واقع آنچه در این خروش ملی عظیم مورد اعتراض و نفرت جمعی قرار گرفت، جدائی از اسلام و ارزش‌ها و وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بود. امت مسلمان ایران با رهبری امام (ره) با عزم ملی اقدام به سرنگونی نظام طاغوت و استقرار نظام اسلامی نمود. طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه را انداخت تا در روند یک تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی الله بگشاید و

---

۱. جام، ۷۸/۱۱/۱۶.

نظام جمهوری اسلامی را مبتنی بر مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی مستقر نمود تا ایران را به عنوان یک اسوه بر جهان عرضه نماید."

حقوق زنان:

"در این جامعه نمونه هدف حکومت رشد انسان و به تعبیر امام (ره) انسان سازی است، هر فردی از جامعه باید هویت الهی و حقوق حقه خویش را باز یابد، اما بنابر نص صریح و تاکیدات قانون اساسی در این بازیابی، حقوق زنان به دلیل ستم بیشتری که از نظام طاغوت بر آنها رفته بود بایست مورد توجه خاص قرار گیرد."

"امروز نکته قابل تأمل اینجاست و سئوال اساسی این است که آیا توجه خاص به حقوق زنان که امام راحل (ره) و قانون اساسی بر آن تاکید نموده تا چه میزان حاصل گردید و مسئولین و متولیان امور تا کجا تکلیف خویش را در این زمینه ادا نموده‌اند."

قوانین عمل نشده:

"بیش از ده سال قبل سیاست‌های اشتغال زنان را نوشته‌ایم، اما هیچ مسئولی به اجرای آن اقدام نکرده است. سیاست‌های ورزش بانوان را نوشته‌ایم اما اعظم آن عمل نشده است. طرح توسعه عفاف راتصویب کرده‌ایم اما بسیاری از مسئولین حتی از آن مطلع هم نیستند. طرح دادگاه خانواده را تصویب کرده‌ایم اما اکثر قاضی‌ها همان می‌کنند که می‌خواهند."

زنان در قرن ۲۱:

"اکثریت زنان هنوز هم در دنیای متمدن قرن ۲۱ گرفتار تضییع حقوق و پایمال شدن هویت انسانی و شأن زن بودن خود هستند. آمار بالای زنان قربانی خشونت، فساد، فحشاء و تجاوز و کشتار جمعی زنان در کشورهای جنگ زده خود گویای این واقعیت تلخ است. استفاده از بدن عریان زنان در تبلیغ کالاهای مصرفی یعنی استفاده ابزاری از زن در بهره‌مندی اقتصادی و به معنی زیر پا گذاشتن انسانیت و شرافت زن به قیمت افزایش رقم نجومی درآمد سرمایه‌داران دنیا طلب در جوامع متمدن و مدافع حقوق زن امری عادی است. امروزه متأسفانه در دنیا از جنسیت زن سوءاستفاده می‌شود و این نشان فرهنگ سلطه است که بهترین فرصت‌ها را در خدمت زر و زور و تزویر قرار می‌دهد."

جامعه زینب(س) اهداف اصلی خود را چنین بیان نموده است[۱]:

۱- پاسداری از راه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و حفظ ارزشهای انقلاب اسلامی.

۲-گسترش فرهنگ ناب اسلامی و زدودن التقاطهای دینی.

۳-کوشش در جمعیت رشد علمی و اخلاقی زنان از طریق آگاه نمودن آنان و فراهم نمودن زمینه برای پرورش استعدادهای آنها.

نفیسه فیاض بخش عضو مرکزی جامعه زینب(س) در مورد برخی از مسائل سیاسی چنین می‌گوید:

مجلس مطیع ولایت:

"مجلسی می‌تواند مشکلات مردم را حل کند که ترکیب آن متشکل از نمایندگان مطیع ولایت باشد. چنین افرادی ولو این که در مسائل سیاسی اختلاف سلیقه هم داشته باشند اشتراک در پیروی از ولایت باعث می‌شود تا مشکلات کمتری به وجود آید."

مرضیه وحید دستجردی از اعضای برجسته جامعه زینب(س) در مورد مرزبندی نیروهای سیاسی چنین می‌گوید:

خودی و غیرخودی:

"با پذیرش اصل خودی و غیرخودی که از سوی رهبر معظم انقلاب معین گردید می‌توان محورهای تفاهم را مشخص نمود. کسانی که در چهارچوب تعریف خودی هستند و در چهارچوب مورد اشاره معظم‌له قرار دارند می‌توانند با یکدیگر تفاهم برقرار نمایند."

برخی دیگر از دیدگاههای منیره نوبخت دبیر کل جامعه زینب(س) بشرح زیر است[۲]:

سیاست خارجی:

"در مسائل سیاست خارجی امام محورهای اصلی را گفتند، حفظ عزت، اقتدار، مصلحت، در مورد آمریکا هم بحثهای روشنی داشتند و تجربه نشان داد شناختی که امام از آمریکا داشتند یک شناخت دقیق بود و ما هیچ تغیر ماهیت و وضعیت در آمریکا ندیدیم."

---

۱. بولتن خبری، انتشارات جامعه زینب (س).

۲. شما، ۷۸/۳/۱۳.

مفهوم آزادی:

"امام(ره) به روشنی مفهوم آزادی را تبیین کردند، که آزادی که ما در نظام جمهوری اسلامی قائل هستیم، نه آزادی شرقی است و نه غربی، آزادی اسلامی با ویژگیهای خودش."

مواضع فرهنگی:

جامعه زینب مواضع فرهنگی خود را به طور رسمی چنین تبیین نموده است:

"انسان به عنوان برگزیده مخلوقات در مسیر کمال و طی مدارج عبودیت نیازمند هدایت الهی و تعالیم خاص انبیاست. اسلام آخرین و کاملترین دین آسمانی و بزرگترین نعمت الهی است که بدست برترین رسولش خاتم انبیا محمد مصطفی(ص) بر بندگان نازل گردید.

تعالیم متعالی این دین مقدس در بهترین کلام یعنی قرآن کریم و کاملترین عمل یعنی سیره نبی مکرم و اولیاء معظم بر بشر عرضه گردید و حجت بر همگان برای همیشه تمام شد.

سعادت تمام و حتمی بشر در گرو حیات انسانی و طی صراط مستقیم است که با ایمان به مبدأ و معاد، تبعیت از اولیاء الهی و تحصیل رضای حق محقق می‌گردد.

وظیفه مسلمان در این مسیر ابتدا کسب معرفت نسبت به ولی زمان حجت‌ابن‌الحسن العسگری مهدی موعود علیه‌السلام، تمیز حقّ از باطل، افاضه حق و حمایت همه جانبه از آن است که در سایه تبعیت از ولایت فقیه زمان ممکن خواهد بود.

انقلاب اسلامی ایران با هدف احیاء و گسترش اسلام در سراسر جهان به رهبری بزرگ رادمرد قرن حضرت امام خمینی بر پا شد. اندیشه‌های بی اساس و قضاوتهای منفی و جاهلانه در خصوص اسلام را در نوردید و نگاه جهانیان را نسبت به فرهنگ غنی اسلام عوض کرد.

ما معتقدیم فرهنگ غنی برخاسته از اسلام در هر زمان پاسخگوی همه نیازهای فکری و شبهات ذهنی بشر است که با تعمق و تدبر در منابع عظیم آن و درک صحیح مفاهیمش قابل

دست یابی است.

روش اسلام در تربیت بشر، راه تعلیم و تزکیه است ـ ویزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه ـ و مسلمان وظیفه‌مند است ضمن کسب آن بر تربیت همنوعان خود از طریق امر به معروف و نهی از منکر قیام کند و بر حفظ سلامت فکری و فرهنگی خانواده و جامعه‌اش بکوشد.

بر این اساس حفظ ارزشهای اسلامی و مقابله با هر گونه فساد و تلاش برای گسترش فرهنگ اسلام و انقلاب اسلامی سرلوحه مواضع فرهنگی جامعه زینب (س) می‌باشد.″

آنچه مسلم است پس از دوم خرداد جامعه زینب(س) چون دیگر گروههای متمایل به جناح راست سنت‌گرا به انتقاد از وضعیت فرهنگی کشور و برخی از اقدامات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرداخت.

نفیسه فیاض بخش از اعضای برجسته جامعه زینب(س) و نماینده مردم تهران در دوره چهارم و پنجم در مورد مسائل فرهنگی کشور چنین می‌گوید:

″ماهیت انقلاب ما فرهنگی بوده است و مردم ما هدفشان از انقلاب احیای دین بوده است ولی متأسفانه امروز مشکلات فرهنگی و ضعف فرهنگی از مهمترین مشکلات مردم محسوب می‌شود. بی‌دقتی و تسامح و تساهل درد مردم است که باید حل شود.″

علاوه بر مشکلات فرهنگی و تسامح و تساهل فرهنگی، گرانی، تورم، مواد مخدر، عدم مدیریت درست، ریخت و پاشها و اسراف وناهماهنگی بین دریافت‌های قشر حقوق بگیر از دیگر مشکلات مردم می‌باشد.″

مسئله[1]:

″بنده انتقاد دارم به اینکه متأسفانه مسائل مربوط به جوانان، متولی و مرجع خاصی در دولت ندارد و مسائل مربوط به جوانان بین دستگاههای مختلف پخش شده است.″

″من معتقدم متأسفانه مسئله جوانان در برنامه (سوم) مظلوم واقع شده و به آن توجه لازم نشده است. این هم بخاطر آنست که مسائل مربوط به جوانان متولی خاصی ندارد.″

---

۱. شما، ۷۸/۸/۲۷.

منیره نوبخت در مورد مسائل و مشکلات فرهنگی کشور چنین می‌گوید[1]:

الگوی جوانان:

"جوانی که می‌خواهد الگوی او در زندگی حضرت زهرا(س) باشد، باید فضای عمومی جامعه و خصوصاً مسئولین و فرهنگی و سیاستهای آنها نیز او را به سوی این الگو دعوت کند. اما امروزه فضای فرهنگ عمومی، آموزش و پرورش، رسانه‌ها، صداوسیما و... اینگونه نیست."

مرضیه وحید دستجردی در مورد مسائل فرهنگی کشور چنین می‌گوید:

"بخش دیگر مشکلات مردم معضلات فرهنگی است که مردم از فساد و بی‌بندوباری و نیز عملکرد برخی مطبوعات که به مقدسات مردم توهین می‌کنند و اخبار دروغ منتشر می‌کنند اظهار نارضایتی می‌نمایند."

---

۱. همان، ۷۹/۶/۳۱.

جامعه زنان انقلاب اسلامی ایران

نام کامل: جامعه زنان انقلاب اسلامی ایران
نام دبیر کل: اعظم علایی طالقانی (فرزند آیت الله طالقانی)
نام اعضای فعال: اعظم علایی طالقانی، بدرالملوک امام پور، پروین‌دخت یزدانیان، همکاران در هفته‌نامه پیام هاجر: ناهید شید، فاطمه کمالی احمد سرایی، فاطمه فرهنگ خواه، ژیلا شریعت پناهی، نرگس بازرگان، نرگس طالقانی، مرضیه آذر افزا، فاطمه گوارایی، نرگس محمدی، پروین بختیار نژاد، فاطمه استاد ملک، زهرا رفیعی، شهلا علوی، فاطمه طاهری.

مرامنامه:

الف ـ اهداف کلی:

۱- حمایت از حقوق مستضعفین و مظلومین جهان و حقوق اسلامی انسانها در سطح ایران و جهان.

۲- مبارزه با استکبار شرق و غرب و نژاد پرستی و صهیونیسم.

۳- تبیین و معرفی فرهنگ متعالی اسلام و مبارزه با مبانی ضد اسلامی، به ویژه مظاهر سرمایه داری و کمونیسم و ارزشهای محیط غرب.

ب ـ اهداف ویژه:

۱- اعتلای فکری، فرهنگی، علمی و شخصیتی زن در راستای آرمانهای اسلامی در داخل و خارج از ایران.

۲- ترسیم دقیق سیاسی الگوی زن مسلمان در ایران و جهان.

۳- تلاش و خنثی سازی تبلیغات کذب و مغرضانه امپریالیسم خبری و کمونیسم بین‌المللی علیه زن مسلمان به طور اعم و زن بر پایه بینش قرآنی و سیره پیامبر اکرم(ص) و معصومین (ع) و رهنمودهای جانشینان معصومین که صاحب امر باشند.

۵- تقویت کیان خانواده و تثبیت جایگاه زن در این نهاد والا بر اساس تعالیم اسلام.

۶-کوشش در ارتقای سطح فرهنگ و بینش موجود در جامعه در رابطه با مقام رفیع زن.

۷- ارائه روشهای رشد و تعالی فکری و فرهنگی زنان و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های جامعه.

۸- حمایت از حرکتهای سالم زنان در جهان.

۹- ایجاد ارتباط با تشکیلات مربوط به زنان در سطح جهان، به منظور شناخت آنان و معرفی فرهنگ اصیل اسلام به آنان در صورت لزوم.

تاریخچه تشکیل:

اعظم علایی طالقانی در مورد چگونگی تشکیل جامعه اسلامی زنان چنین می‌گوید[1]:

"در زمانی که در زندان بودم در اندیشه تشکیل یک تشکل رسمی برای زنان بودم که در آنجا مشکلات آنان مطرح و راهکارهای مناسب به وسیله تبادل نظر کارشناسان پیدا شود و بتواند تا حدودی مشکلات مبتلا به زنان را حل کند. در شهریور ۱۳۵۶ از زندان آزاد شدم و پس از مدتی با همکاری برخی دیگر از خواهران جلسه‌ای با حضور ۳۰ نفر از خواهران

۱. گفتگوی شخصی با مؤلف، مهر ۱۳۷۹.

فعال و انقلابی تشکیل شد و ضرورت ایجاد یک تشکل بر مبنای نظام شورایی برای زنان مورد تاکید قرار گرفت. پس از آن گروهی از جمله بنده مشغول نوشتن اساسنامه برای تشکل جدید شدیم. ابتدا به ما یک اتاق در ساختمان سازمان حقوق بشر در خیابان قبا (نزدیک مسجد قبا) دادند و بودجه‌ای برای این امر اختصاص دادند و ما در آنجا پیگیر نوشتن اساسنامه و مرامنامه شدیم. در همین حین در سال ۱۳۵۷ انقلاب شکل گرفت. با روی کار آمدن دولت موقت بودجه این تشکل از سوی سازمان برنامه و بودجه قطع شد و دیگر قادر به ادامه کار نبودیم، از آنجا استعفا دادیم و به فکر تشکیل یک تشکیلات مستقل برای زنان افتادیم. به زودی مقدمات تشکیل این تشکل که دارای کارکردهای مختلف از جمله سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و.. بود انجام شد و درخواستی نیز برای اخذ پروانه تاسیس به وزارت کشور داده شد. آن زمان آقای ناطق نوری وزیر کشور بود، آنها تاکید می‌کردند که به موسسه زنان اجازه تاسیس می‌دهند، ولی ما اجازه تاسیس جامعه زنان را می‌خواستیم به همین دلیل پرونده تاسیس جامعه زنان انقلاب اسلامی حدود ۱۲ سال در وزارت کشور ماند و ما نتوانستیم رسماً پروانه تأسیس بگیریم، بالاخره در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱ مرامنامه و اساسنامه جامعه اسلامی زنان به تصویب مجمع عمومی و سپس کمیسیون احزاب در وزارت کشور رسید و این تشکل به تاریخ ۱۳۷۱/۹/۴ موفق به اخذ پروانه تاسیس از وزارت کشور شد."

گرایش سیاسی:

جامعه زنان انقلاب اسلامی را می‌توان یک حزب متمایل به نیروهای ملی ـ مذهبی دانست. این حزب از لحاظ دیدگاهها و تفکرات سیاسی رابطه تنگاتنگی با نیروهای ملی ـ مذهبی و از جمله نهضت آزادی داشته است. در عین حال این حزب استقلال کامل در فعالیت‌های سیاسی خود دارد و به نظر می‌رسد در میان نیروهای ملی و مذهبی دارای چند نقطه نظر مشترک بیشتر با جناح‌های سیاسی درون نظام می‌باشد. اعظم طالقانی همفکری خود با نیروهای ملی و مذهبی و نهضت آزادی را به دلیل سابقه شناخت و قرابت و نزدیکی

به این تشکیلات به واسطه نزدیکی پدرش آیت الله طالقانی با سران نهضت آزادی می‌داند. این حزب را می‌توان از طرفی یک حزب روشنفکر مذهبی دانست که دارای برخی گرایش‌های ملی گرایانه نیز هست.

تشکیلات و نشریات وابسته:

از لحاظ کارهای تشکیلاتی این حزب از معدود احزابی است که از ابتدای تشکیل در سال ۱۳۵۷ تا کنون توانسته ساختار تشکیلاتی خود راحفظ کند و به فعالیت‌های خود به صورت محدود ادامه دهد. پس از پایان جنگ تحمیلی فعالیت‌های این گروه رو به فزونی نهاد، اما کم‌وبیش با محدودیتهایی همراه بود. پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ و افزایش فعالیت‌های احزاب مختلف به دلیل ایجاد فضای بازتر سیاسی در کشور این گروه نیز فعالیت‌های خود را بیش از پیش افزایش داد این گروه سعی نموده در تمام زمینه‌هایی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که توانایی فعالیت در آن را داشته، وارد شود به گونه‌ای که تشکیل میتینگ و جلسات سخنرانی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به صورت دوره‌ای، تشکیل کلاسهای آموزشی و شرکت در سمینارهای داخلی و بین‌المللی، انتشار بیانیه و جزوه‌های آموزشی و انتشار نشریه و غیره از جمله فعالیت‌های این گروه بوده است، به طور کلی از لحاظ فعالیت سیاسی و فرهنگی می‌توان این حزب را یک حزب فعال، منسجم و پویا دانست. این حزب در شهرستانها دفتر یا شعبه خاصی نداشته و عمده فعالیت آن در تهران می‌باشد، هر چند با شهرهای داخلی و برخی از شهرهای خارجی از طریق نماینده یا هوادار در ارتباط می‌باشد.

این حزب نشریه پیام هاجر را منتشر می‌کرد که در ابتدا به صورت فصلنامه و یا ماهنامه با مشکلات فراوان و با محدودیت چاپ می‌شد، اما در سالهای اخیر بعد از دوم خرداد ۷۶ این نشریه به صورت مرتب‌تر و فراگیر چاپ می‌شد و از سال ۱۳۷۷ به بعد به صورت هفته نامه مرتباً چاپ و منتشر می‌شد، لیکن در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ این نشریه همراه برخی دیگر از نشریات توقیف شد.

برخی از فعالیتهای این حزب در زمینه‌های مختلف طبق اعلام رسمی این حزب را به

شرح ذیل است:

زمینه فرهنگی: نشر و توزیع بولتن‌ها، کتابها و نشر و توزیع نشریه پیام هاجر، شرکت و بررسی موقعیت زنان و کودکان در کنفرانس‌ها و سمینارها در داخل و خارج کشور، شرکت درفعالیت‌های سیاسی، امور مشاوره‌ای و مشاوره حقوقی، هماهنگی با سازمانهای غیردولتی با اهداف آرمانهای انسانی جهانی، برگزاری کارگاههای آموزشی در داخل و خارج، ارائه پروژه‌هائی از قبیل ایجاد مهارت زنان در خیاطی، محیط زیست، مسائل زنان، کلاسهای آموزشی. مهارتهای فنی نظیر صنایع تزئینی و دستی، روزنامه نگاری، خیاطی، کامپیوتر، تفسیر قرآن، خوشنویسی و غیره.

زمینه اقتصادی: ایجاد کارگاههای تولیدی، فروش و عرضه تولیدات، تلاش در جهت افزایش مهارتی و تخصصی برای ایجاد تعاونیهای درآمدزا حمایت از زنان روستایی و خانه دار به منظور کسب در آمد مستقل، اجرای پروژه‌های اقتصادی برای زنان از منابع بین‌المللی و داخلی، شرکت در نمایشگاههای داخلی و بین‌المللی، صدور تولیدات، واردات مواد اولیه.

اعظم طالقانی در مورد فعالیت‌های این حزب می‌گوید[1]:

"البته ما کار می‌کنیم ولی درباره موضوعات جنجالی کمتر موضعگیری می‌نمائیم. ما معتقدیم باید بیشتر به آموزش مستمر بپردازیم، بیست سال است موسسه اسلامی زنان فعالیت می‌کند، بیست سال است نشریه منتشر می‌شود. حداقل نزدیک ده سال است که کار حزبی سیاسی می‌کنیم، ولی هیچ وقت جو سازی و سر و صدا نداشته‌ایم، کارمان جنبه فکری و ایدئولوژیکی داشته است."

خاستگاه و طبقات اجتماع:

خاستگاه این حزب بیشتر از میان خواهران فعال در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سالهای قبل از انقلاب با وجههٔ روشنفکری مذهبی می‌باشد. طبقات اجتماعی که گرایش

---

۱. پیام هاجر، ۷۸/۲/۱۴.

نسبت به این حزب دارند عبارتند از: زنان تحصیلکرده و روشنفکر مذهبی، خواهران خیر و علاقمند به فعالیتهای اجتماعی، زنان شاغل در امور فرهنگی و اجتماعی در ارگانهای دولتی و خصوصی، زنان باگرایشهای ملی و مذهبی، اساتید دانشگاه، معلمان و دانشجویان.

مواضع سیاسی:

برخی از دیدگاههای سیاسی اعظم علایی طالقانی دبیر کل این حزب به شرح زیر است[1]:

آزادی بیان:

"ما معتقدیم نظر همه نیروها و صاحبنظران مخالف و موافق باید در جامعه مطرح بشود، مردم خودشان به قول قرآن همه سخنها را بشنوند و بهترین آنها را برگزینند. طرح نظر نیروهای اپوزیسیون این فایده را هم دارد که در جامعه، مورد مناقشه و برخورد آراء قرار می‌گیرد و ضعف و قوتش روشن می‌شود. وگرنه برای عده‌ای تصور تقدس و مطلقیت پیدا می‌شود و برای جامعه هم رشدی دربرندارد. وقتی همه نظریات در جامعه طرح شود هیچ شخصیت و نظریه‌ای به صورت آرمان فوق تصور در نمی‌آید و بزرگنمایی نمی‌شود و تعادلی در افکار و اعتقادات و سیاستهای عمومی ایجاد می‌شود."

اختلافات سیاسی:

"در جامعه ماکم نیستند کسانی که با هم اختلاف دارند ولی متاسفانه نمی‌دانند بر سر چه چیز تضاد دارند. به نظر من هر گروه باید نظر گروههای مخالف را بخوبی بشناسند و در این صورت بسیاری از اختلافات که ناشی از توهم است از بین می‌رود و برخی هم عالمانه نقد می‌شود."

دفاع از مظلوم:

"ما وظیفه داریم به عنوان انسان و مسلمان متعهد که در پیش خداوند باید پاسخ بدهد و در مقابل نسلهای بعد هم مسئول است از حقوق مظلومین دفاع کنیم."

---

۱. پیام هاجر، ۷۸/۲/۱۴.

ریشه اختلافات:

"بسیاری اختلافات در جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی و منافع گروهی ریشه دارد. لذا اگر جریانهای مختلف جهت‌گیریشان به سمت حق باشد خیلی از اختلافات حل می‌شود. اگر چنین راهی را می‌رفتیم دشمن از اختلافات سوءاستفاده نمی‌کرد، از طرف دیگر نسل جوان جامعه دچار بریدگی و یاس نمی‌شد."

مبارزه با خشونت:

"از طریق گفتگو و رفتار صحیح و صبورانه به تدریج باید اینها را متوجه بکنیم که اشتباه می‌کنند. ما معتقدیم که منطق درستی داریم و این منطق نباید آلوده به خشونت بشود. باید تلاش کنیم هم ایمانمان و هم رفتارمان را پالایش کنیم، درصدد اصلاح خودمان باشیم و عکس‌العملی برخورد نکنیم."

توسعه سیاسی:

"یکی از برنامه‌های آقای خاتمی توسعه سیاسی بود، توسعه سیاسی هم از طریق مشارکت مردم تحقق پیدا می‌کند که یکی احزاب است و دیگری شوراها که این دو ابزار کار توسعه سیاسی است."

وظایف مجلس:

"مجلس علاوه بر وظیفه قانونگذاری ناظر بر امور هم هست و به نمایندگی ملت در همه امور جاری کشور حق تحقیق و تفحص دارد. اگر نمایندگان مجلس در برابر حاکمیت و نمادهای قدرت از استقلال فکری برخوردار باشند مجلس قوی به وجود می‌آید، می‌تواند از حقوق مردم دفاع کند و مانع فساد و سوءاستفاده نهادهای قدرت شود."

اسلام و نفی خشونت:

"اسلام که نام آن با صلح و امنیت عجین است به هیچ وجه پیروان خود را به جنگ و خشونت تشویق و ترغیب نمی‌نماید. شرح حال پیامبر اسلام و امام علی (ع) این نکته را تثبیت می‌نماید که برخورد آنان باکسانی که توطئه و جنگ آفرینی می‌کردند تا حد معمول از راه گفت‌وگو و منطق و به کار بردن استدلال بوده است."

فضای باز سیاسی[1]:

"من می‌گویم اگر فضای باز سیاسی در جامعه ایجاد شود که طبق قانون اساسی بتوانیم فعالیت سیاسی آزاد داشته باشیم، راهپیمایی و فعالیت‌های آرامی که جوانها بتوانند خواسته خود را به صورت منطقی و سالم بدون درگیری و خشونت مطرح کنند، کل پتانسیل و انرژی آنها مصرف می‌شود و دیگر به انحرافات روی نمی‌آورند. پس باید جو جامعه را باز کنیم تا انرژی‌ها، فکرهای و استعدادها نابود نشوند."

صبوری در اصلاحات:

"در دوران اصلاحات باید صبور بود، فکر کرد و با ارائه طرح‌های مفید برای سالهای آینده برنامه ریزی کرد."

جامعه نگری:

"جامع‌نگری باعث می‌شود تا مسائل را به صورت تک‌بعدی نبینیم و منافع جمع را ارزیابی کنیم."

زن جنس اول:

"هنوز در پاره‌ای موارد فرهنگ جامعه آمادگی اجرای کامل قوانین تصویب شده در مجلس را ندارد، به طوری که حتی خیلی از مردهای روشنفکر مذهبی و غیر مذهبی نیز آن را نمی‌پذیرند و باور ندارند که زن می‌تواند جنس اول باشد و جنس دوم نیست."

اعظم طالقانی در آستانه انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری و اعلام کاندیداتوری خود برای ریاست جمهوری خواستار روشن شدن مفهوم کلمه رجال در بند مربوط به انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی شد، ایشان درباره مفهوم «رجال» در قانون اساسی می‌گوید:

"شهید بهشتی معتقد بودند منظور از کلمه رجال در قانون اساسی شخصیت‌ها و نخبگان مذهبی است."

---

۱. آفتاب یزد، ۷۹/۶/۲۹ و ۷۹/۷/۳.

الگوی جامعه اسلامی:

"اگر جامعه مسلمان امروز بخواهد خود را از جامعه جهانی جدا کند نمی‌تواند در جهت توسعه حرکت کند و اسلام پیشرفته و پاسخگو به نیاز جهانیان امروز را طرح کند و ارائه دهد، پس باید منافع ملی را در قالب دیدگاه صحیح اسلامی تدوین کنیم، چرا که می‌خواهیم به دنیا الگو ارائه کنیم."

تعصب خشک در جنسیت:

"داشتن تعصب خشک و بی منطق راه به جایی نمی‌برد. دید جنسی به انسان باعث تبدیل آن به کالا می‌شود، به اندیشه‌اش فکر نمی‌شود واین که او یک انسان است، خلاق و متفکر است و سازندگی دارد، پس می‌تواند دنیا را متحول کند."

عدالت اجتماعی:

"خداوند یکتاپرستان را به جهاد و دفاعی آزادیبخش علیه خرافات بی‌عدالتی و تبعیض فرمان می‌دهد."

برخی از دیدگاههای همفکران این حزب راجع به اصلاحات که در بولتن داخلی این حزب به چاپ رسیده، به شرح زیر است[1]:

اصلاحات در ایران:

"این اصلاحات غربی نیست و از بطن جامعه خودمان جوشیده و نه این که غربیها به ما دیکته کنند و تعریفش را مشخص کنند. تعریف اصلاحات ما با توجه به قضایا و مشکلات اصلی جامعه ما کاملا مشخص است، جامعه ما خودش متوجه شده است به چه تحولاتی نیاز دارد و به چه رویکردها و چه اصلاحاتی نیاز دارد."

"جامعه ما به اصلاحات عمیق‌تری نیاز دارد. اصلاحات در عمق مردم ایجاد شده و مردم نیازهایشان را تشخیص داده‌اند و به مرحله عقلانیت رسیده‌اند، حقوق اساسی‌شان را مطالبه می‌کنند، این شتاب نیست. این به حقانیت رسیدن و رشد عقول جامعه است. "به نظر من صرف پذیرفتن اصلاحات از طرف جریانها و از طرف شخصیت‌ها نمی‌تواند یک امر مثبت

---

۱. بولتن داخلی جامعه زنان انقلاب اسلامی، شماره ۱۲، تیرماه ۱۳۷۹.

تلقی شود چراکه بسیاری در یافتند که نباید رو در رو به اصلاحات مقابله کنند، پس به ناچار اصلاحات را می‌پذیرند."

"خطر جدی‌تر خطر استحاله و لوث شدن اصلاحات است که در این مسیر خیلی راحت‌تر می‌توانند زیر آب اصلاحات را بزنند."

تندروی سیاسی:

"کسانی که شعار تند می‌دهند باعث می‌شوند جامعه به اغتشاش کشیده شود. همه قبول دارند که طرفدار اصلاحات نیستند یا به نفع اصلاحات عمل نمی‌کنند و تا حالا همه جا به اصلاحات ضربه زده‌اند. تندروی از هر طرف چه راست و چه چپ محکوم است، نباید اجازه داد عناصر جاه‌طلب مغرض یا غافل یک حرکت صحیح را از تعادل خارج کنند، باید همه در کادر قانون اساسی عمل کنند."

خودی و غیر خودی:

"اساساً بحث خودی و غیرخودی در راستای تضعیف حقوق انسانهای دیگر است، به هر حال به این نتیجه می‌رسیم که از آگاهی مردم نباید کوتاهی کنیم. از خودسازی، آلایش دین و اخلاقیات خودمان نباید کوتاهی کنیم تا جایی که مردم به مرحله‌ای از رشد خودشان برسند که قیم خودشان باشند."

مواضع فرهنگی:

این حزب چون گروههای دیگر اصلاح‌طلب و نیروهای ملی ـ مذهبی خواستار آزادی بیشتر در عرصه آزادی بیان و قلم، آزادی عمل بیشتر برای مطبوعات مستقل و تمام ابزارهای فرهنگی می‌باشد. در بولتن[1] این حزب در مورد آزادی مطبوعات چنین آمده است:

"آزادی مطبوعات خواست ملت و از نیازهای اساسی ملت است و اصلاحات یک مبنایش در واقع آزادی مطبوعات است و مقابله با مبنای اصلاحات با پذیرفتن اصلاحات در تقابل قرار می‌گیرد."

---

۱. بولتن داخلی جامعه زنان انقلاب اسلامی، شماره ۱۲، تیرماه ۱۳۷۹.

اعظم طالقانی در مورد شیوه مطبوعاتی هفته نامه پیام هاجر چنین می‌گوید[1]:

"ما می‌کوشیم مطالب فکری سیاسی و اجتماعی که برای مردم مفید است مطرح شود، البته منظور این نیست که شخصیت‌های درون نظام در نشریه ما جایی نداشته باشند، ما درصددیم با همه آنها صحبت کنیم، ولی گاهی بعضی از آنها خودشان فاصله می‌گیرند، ما معتقدیم نظر همه نیروها و صاحبنظران مخالف و موافق باید در جامعه مطرح بشود، مردم خودشان به قول قرآن همه سخنها را بشنوند و سپس بهترین آن را انتخاب کنند."

تبادل اطلاعات:

"تبادل اطلاعات خودش تفاهم به وجود می‌آورد، توهمات و ذهنیتها از بین می‌رود، دیدگاهها به هم نزدیکتر می‌شود. وقتی اختلافات کم شود مشکلات و معضلات مملکت راحت‌تر حل می‌شود."

طرح نظرات مختلف:

"وقتی همه نظریات در جامعه طرح شود، هیچ شخصیت و نظریه‌ای به صورت آرمان فوق تصور در نمی‌آید و بزرگنمایی نمی‌شود و تعادلی در افکار و اعتقادات و سیاستهای عمومی ایجاد می‌شود."

تعدد مطبوعات:

"افزایش تعداد مطبوعات در دوران آقای خاتمی نتیجه‌اش این است که دیدگاههای مختلف مطرح می‌شود و همه با عقل خودشان مسائل را پالایش و انتخاب می‌کنند."

مسئله جوانان:

"سالیان قبل از انقلاب نسل خود ما علیه سنتهای گذشته و آن قرائتی ازاعتقادات و روشهای دین که مؤید وضع منحط موجود بود عصیان کرد. نسل بعدی هم همین کار را انجام داد. باید بپذیریم که جهان رو به تکامل است، عقل و درک بشر نیز رو به تکامل است. بشر در واقع جستجوگر است و پاسخ می‌خواهد، کسانی باید پاسخ کافی به این نسل بدهند، وقتی حرفها تکراری شد و طرح جدیدی برای حل مشکلات فکری و سوالات جوانها

---

۱. پیام هاجر، ۷۸/۲/۱۴.

نداشتیم طبیعی است که اینها توقف نمی‌کنند، جوانها به دنبال کسی هستند که به نیازهای فکری و مذهبی‌شان پاسخ کافی دهد. آقای خاتمی آمد این نسل رانجات بدهد. جوانـها را نسبت به اسلام دلگرم و خوشبین و در واقع علاقه‌مند کرد."

جامعه اسلامی مهندسین

نام کامل: جامعه اسلامی مهندسین

نام دبیر کل: محمد رضا باهنر

نام اعضای فعال: حسن غفوری‌فرد، سیدمرتضی نبوی، محمدرضا باهنر، غلامحسین امیری، سید محسن بهفر، داوود دانش جعفری، محمود احمدی نژاد، سید محسن یحیوی، سید مجتبی شهره هاشمی، علیرضا علی احمدی، سید کمال الدین شهریاری، سید مسیح سلیم بهرامی، علی ذبیحی، عبدالله کوپائی، محمدحسین ملایری، علی یوسف پور، رسول حامدیان، محمدعلی شایسته‌نیا، محمدرضا مجیدی نیکفر، نجابت، سیدمحمدرضا هاشمی گلپایگانی، علی‌اکبر صالحی، سیداحمد شرافت، مسعود درخشان، محمدحسن مدیر شانه‌چی، محمد سلطانیه، محمد رنجبر، سیدمصطفی میرسلیم، سیدمحمد جعفر مرعشی، سیدمجتبی نبوی، محمدصادق ذبیحی، محمدکاظم سیفیان، سیدمرتضی سقائیان‌نژاد، عسگری، فولادگر.

مرامنامه:

مقدمه:

الذین یبلغون رسالات الله و لایخشونه و لایشخونه احد الا الله و کفی بالله حسیبا[1]

هدف جامعه اسلامی مهندسین (که از این پس به نام جامعه خوانده می‌شود) تحقق بخشیدن به آرمانهای الهی ـ انسانی حضرت امام خمینی در زمینه‌های معنوی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فقهی، صنعتی و همچنین کمک و همکاری در جهت تداوم بخشیدن انقلاب اسلامی ایران و گسترش آن در همه جهان و همچنین استقرار نظام عدل اسلامی با همه ابعاد وسیع آن می‌باشد.

اقدامات زیر بخشی از تلاش جامعه در رسیدن به اهداف والای خود می‌باشد:

۱- بالا بردن آگاهیهای اسلامی و سیاسی و فنی اعضای جامعه.

۲- خودسازی انقلابی اعضای جامعه در همه ابعاد.

۳- همکاری با مسئولین کشور در جهت ارتقاء سطح آگاهی اسلامی و سیاسی علمی و فنی مردم مسلمان ایران وسرعت بخشیدن به خودسازی انقلابی آنان در همه ابعاد.

۴- مبارزه پیگیر و مستمر با همه عوامل استبداد و استعمار و استثمار و زمینه‌های ذهنی و عینی آنها در همه ابعاد زمانی و مکانی.

۵- دفاع از آزادیهای اساسی از قبیل آزادی بیان و قلم، آزادی اجتماعات و دیگر آزادی‌های ارزش آفرین که شرط لازم برای شکوفائی استعدادهای خدادادی و توانائیهای ملت برای ایفای نقش خلاق در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن تصریح و تاکید دارد.

۶- طرح ارزشهای والای انسانی از قبیل ایمان به خداوند متعال، صداقت، لیاقت، علاقه به کار و احساس مسئولیت در قبال خدا و انقلاب و رهبری و مردم مملکت به عنوان معیارهای اصلی در انتخاب افراد برای مسئولیتهای مملکتی.

متأسفانه انتشار این مرامنامه مقارن با عروج ملکوتی حضرت امام خمینی قدس‌سره

---

۱. قرآن مجید، سوره احزاب / ۳۹

الشریف شده، از آنجا که مبنا تاسیس جامعه اسلامی مهندسین بر اساس تحقق بخشیدن به اهداف و آرمانهای عالی حضرت امام خمینی بوده و جامعه خود را موظف می‌داند که تمام امکانات مادی و معنوی خویش را در راه تحقق آن آرمانها که به طور مبسوط در وصیت‌نامه سیاسی ـالهی حضرت امام آمده است به کار گیرد، لذا وصیت نامه معظم له تعیین کننده خط مشی کلی فعالیت‌های جامعه می‌باشد.

۷- تهیه و ارائه برنامه‌های مفید در جهت استفاده هر چه بیشتر از منابع طبیعی و نیروی انسانی و امکانات موجود مملکت در جهت سازندگی و توسعه کشور.

۸- مبارزه برای ریشه کن نمودن فقر از طریق تقویت شخصیت معنوی و انسانی افراد و ایجاد شوق درونی (وجدان کاری) برای کار و همچنین ایجاد شغل مفید برای افراد.

۹-کمک به خودکفایی علمی و فنی کشور و همکاری در جهت استقرار مبانی اخلاقی، اجتماعی و تربیتی اسلام.

۱۰- مبارزه مستمر و مداوم با عوامل فرهنگی بیگانه اعم از ماده گرائی شرقی یا غربی یا عناصر سلطه‌طلبی فردی و اجتماعی و خلاصه هر عاملی که موجب دور شدن انسان خداپرست و آزاد از آزادیهای خدادادی و یا طبیعت موحد (سیر الی الله) او می‌گردد باشد.

۱۱- اشاعه فرهنگ تولی و تبری با مفهوم عمیق اسلامی آن در تمامی روابط داخلی و خارجی.

۱۲-کمک به محرومان و مستضعفان جهان در همه ابعاد ممکن جهت رسیدن به اهداف اسلامی.

۱۳-کمک به اجرای پروژه‌های عمرانی در جهت سازندگی و توسعه کشور و همچنین ارائه طرحها و برنامه‌های مفید در این جهت.

۱۴- طرح‌ها و برنامه‌ها و سایر اقداماتی که در این مرامنامه پیش بینی شده چنانچه با وظایف وزارتخانه‌ها یا سازمانهای دولتی مربوط باشد پس از کسب اجازه از ارگان ذی‌ربط به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۱۵-کمک به تشکیلات و سازمانهای علمی ـفنی و پژوهش که دارای ایده و مرام مشابه هستند.

تبصره ۱: هر گونه تغییر در مفاد مرامنامه پس از تصویب کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب قابل اجرا خواهد بود.

تبصره ۲: جامعه و افراد وابسته به آن التزام خود به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد.

این مرامنامه در یک مقدمه و پانزده بند و دو تبصره به تصویب رسید.

تاریخچه تشکیل:

قبل از انقلاب انجمن اسلامی مهندسین توسط عده‌ای از نیروهای سیاسی مذهبی و ملی ـ مذهبی و بعضاً وابسته به حزب نهضت آزادی تشکیل شده بود و با گرایش به آرمانهای دکتر علی‌شریعتی و دیگر رهبران نهضت اسلامی فعالیت می‌نمود. پس از پیروزی انقلاب نیز حزب جمهوری اسلامی و از طرفی محدودیت‌های بوجود آمده برای فعالیت انجمن اسلامی مهندسین که بخاطر دیدگاههای ملی ـ مذهبی و گرایشهای خاص آن بوجود آمده بود، در کشور یک تشکل منسجم و قوی با کارکرد سیاسی و فنی وجود نداشت. برخی اعضای سابق انجمن اسلامی مهندسین که به دلیل اختلاف دیدگاه و آنکه این تشکل را در خط امام (ره) نمی‌دانستند از آن جدا شده از و طرفی تنی چند از افرادی که در شاخه مهندسان حزب جمهوری اسلامی حضور داشتند پس از انحلال حزب گردهم آمده و جامعه اسلامی مهندسین را تأسیس نمودند.

هسته اولیه[1] جامعه اسلامی مهندسین در بهمن‌ماه سال ۱۳۶۶ توسط پنج نفر از اعضای مؤسس آن یعنی حسن غفوری‌فرد، سیدمرتضی نبوی، محمدرضا باهنر، غلامحسین امیری و سیدمحسن بهفر تشکیل شد و سپس با رشد فعالیت تشکیلاتی، اعضای این حزب افزایش یافت تا بالاخره در تاریخ ۷۰/۳/۸ این حزب از وزارت کشور مجوز فعالیت دریافت نمود.

پس از انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری و روی‌کارآمدن دولت هاشمی

---

۱. ماهنامه جام، ۷۲/۱۱/۲۳، ویژه نامه اولین کنگره جامعه اسلامی مهندسین.

رفسنجانی با گرایش به جناح راست، این حزب از آنجاکه از همان ابتدا توسط افراد شاخص جناح راست تشکیل شده بود فعالیتش رو به فزونی نهاد و عده‌ای از اعضای این حزب به پستهای دولتی گمارده شدند و عده‌ای نیز در انتخابات دوره چهارم با حمایت جمعیت مؤتلفه و جامعه روحانیت مبارز وارد مجلس شورای اسلامی شدند. در دوره پنجم نیز وضعیت کم‌وبیش به همین صورت بود و عده‌ای از اعضای برجسته این تشکل وارد مجلس شدند، اما با روی کارآمدن دولت اصلاح‌طلب متمایل به جناح چپ خاتمی، دوران طلایی فعالیت سیاسی این حزب پایان یافت، به طوری که بسیاری از اعضای این حزب از پستهای دولتی کنار گذاشته شدند و در جریان انتخابات مجلس ششم نیز اکثر اعضای برجسته این حزب از راهیابی به مجلس بازماندند و هم اینک فعالیت این حزب به عنوان یک حزب منتقد نسبت به عملکرد دولت همچنان ادامه دارد.

گرایش سیاسی:

از لحاظ گرایش سیاسی این گروه دارای دیدگاه‌های متمایل به جناح راست است. البته پس از انشعاب در جناح راست در اواخر سال ۱۳۷۴ و جدا شدن گروه کارگزاران سازندگی (راست‌مدرن) این گروه به دلیل ماهیت اعضای مؤسس خود کاملا گرایش به راست سنتی (ارزشگرا) پیدا کرد. اعضای مؤسس این تشکل بیشتر به جمعیت مؤتلفه متمایل هستند و دبیرکل سابق آن غفوری‌فرد و برخی از اعضای آن عضو شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه اسلامی نیز هستند.

تشکیلات و نشریات وابسته:

با توجه به اینکه این تشکل تا حدودی صنفی می‌باشد، از لحاظ تشکیلاتی چندان گسترده نمی‌باشد. هر چند این تشکل طبق اساسنامه می‌تواند اقدام به عضوگیری نماید اما از لحاظ فعالیت و تعداد هوادار گسترش همگانی نیافته است. اکثر اعضای برجسته این حزب به عنوان چهره‌های شاخص جناح راست‌سنتی در ائتلاف با جامعه روحانیت مبارز و

جمعیت مؤتلفه به عنوان کاندیداهای مطرح در انتخابات مجلس یا پست وزارت مطرح هستند.

این تشکل هفته نامه «جام» مخفف «جامعه اسلامی مهندسین» به سر دبیری محمد رضا باهنر را منتشر می‌کند.

از لحاظ فعالیت‌های جنبی تشکیلاتی این حزب می‌توان همکاری با موسسه فرهنگی «ولایت علوی» و حضور در تشکلهای مهندسی و نظام مهندسی کشور را نام برد. اکنون تلاش این حزب در جهت ارتقاء سطح فعالیت‌های خود در مراکز استانهایی است که دارای تشکیلات جامعه اسلامی مهندسین می‌باشند متمرکز شده است، از جمله استانهای آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، چهارمحال بختیاری، خوزستان، فارس، کرمان و کهکیلویه و بویر احمد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

اعضای مؤسس این تشکل قبل از تشکیل این گروه دارای نزدیکی مرام و کار تشکیلاتی دولتی با هم بوده‌اند و پس از آن اقدام به تشکیل این گروه نموده‌اند. بنابراین نمی‌توان این گروه را یک گروه خودجوش و دارای ریشه مردمی و از پایین به بالا یعنی از قاعده هرم قدرت به رأس هرم دانست، بلکه این گروه در نزدیکی رأس هرم قدرت شکل گرفته و نیروهای همفکر که اکثراً در تشکلهای سیاسی دیگر از جمله حزب جمهوری اسلامی و جمعیت مؤتلفه مشغول به کار تشکیلاتی بودند دور هم جمع شده و این تشکل را به وجود آوردند. بنابراین خاستگاه اصلی این گروه تشکلهای سیاسی پیش گفته بوده است که فعالیت آنها به طور رسمی تا سال ۱۳۶۷ متوقف شده بود. از لحاظ طبقات اجتماعی اقشاری چون تکنوکراتهای مذهبی، مهندسین، دانشجویان رشته‌های فنی، اساتید دانشگاه، صاحبان صنایع و کارگاههای صنعتی و دیگر اقشار جامعه که دارای گرایش به جناح راست ارزشگرا می‌باشند به این تشکل گرایش دارند.

مواضع سیاسی:

این تشکل از بدو تشکیل همواره دارای دیدگاههایی نزدیک به جناح راست و پس از انشعاب در آن، متمایل به جناح راست سنتی بوده است. در یک برهه زمانی در مقابل جناح چپ و در دوره زمانی دیگر در مقابل جناح چپ و گروه کارگزاران سازندگی این گروه از مواضع جناح راست‌سنتی حمایت می‌نمود. پس از سال ۱۳۷۶ و شروع اصلاحات و آغاز اقبال مردم نسبت به نیروهای جناح چپ و کارگزاران سازندگی این تشکل نیز همواره درائتلاف تشکلهای همسو (جناح راست) باقی ماند و در مقاطع انتخابات در ائتلاف با این گروهها اقدام به فعالیت انتخاباتی می‌نمود. در مقطع زمانی کنونی خط مشی این گروه بیشتر عبارتند از: تأکید بر روی تقویت نهادهای قانونی مانند ولایت مطلقه فقیه، شورای نگهبان و قوه قضائیه و غیره، همینطور کنترل دولت روی مسائل مربوط به امنیت ملی و کنترل بیشتر روی مطبوعات و در عوض کمتر شدن دخالت دولت در امور اقتصادی و واگذاری امور به مردم می‌باشد. همچنین تأکید بر وجود گروه خودی و غیرخودی و مقابله با تهاجم فرهنگی از جمله دیگر مواضع این تشکل می‌باشد.

حسن غفوری‌فرد دبیرکل سابق جامعه اسلامی مهندسین در مورد مسائل سیاسی روز کشور چنین نظر می‌دهد[1]:

تشنج آفرینی وایجاد نگرانی:

"تزریق تشنج وایجاد نگرانی در جامعه اسلامی آن هم بر اساس توهم دور از ذهن تنها می‌تواند موجب تأسف علاقه‌مندان به انقلاب و نظام گردد ویا باعث تضعیف نهادهای قانونی کشور شود و این یقیناً مخالف شعارهای قانون مداری و جامعه مدنی است."

عملکرد شورای نگهبان:

"در ایام برگزاری انتخابات گروههای معاند تیرهای مسموم اتهامات رامتوجه شورای نگهبان کرده واین شورا را مورد سخت‌ترین هجمه‌ها قرارمی دهند. تهاجم شدید این افراد به شورای نگهبان بیشتر به علت نقش آگاه‌سازی و ایجاد شناخت است که این شورا بر

---

۱. رسالت، ۷۸/۱۰/۲۳.

اساس وظیفه قانونی خویش برای مردم انجام می‌دهد. شورای نگهبان بر اساس دستور صریح و روشن قرآن «وزنوابالقسطاس المستقیم» بدون آنکه تحت تأثیر این جوسازی‌ها قرار گیرد و یا این تهاجمات کوچکترین اثری بر روی تصمیمات آن داشته باشد، مؤظف است کلیه شرکت کنندگان را با معیارهای قانونی (که در قانون اساسی و قوانین مجلس مشخص است) بسنجد و کسانی که فاقد صلاحیتهای قانونی هستند قاطعانه کنار بگذارد."

انصار حزب الله:

"متأسفانه الان هر خشونتی را به انصار نسبت می‌دهند.من تأکید می‌کنم که انصار حزب‌الله به عنوان برادران جبهه رفته و علاقه‌مند به انقلاب، فدایی اسلام و انقلاب هستند و در صحنه‌های مختلف هم حضور دارند و از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کنند. انصار حزب‌الله افراد بسیار قابل احترامی هستند و من افتخار می‌کنم که با آنها ارتباط خوبی دارم."

اشتباهات در تبلیغات:

"در انتخابات ریاست جمهوری بیشتر سعی کردیم اشکالات طرف مقابل را بگوییم که خیلی از این اشکالات اصلاً وارد نبود. ما باید با نسل جوان تماس بیشتری می‌داشتیم. باید آنها را باور می‌کردیم، ما باید قبول می‌کردیم که جوانان نیروهای زاینده مؤثر و پر نشاطی هستند. ما چه شکست بخوریم و چه شکست نخوریم باید دائماً مواضع خود را بازبینی و اصلاح کنیم."

سید مرتضی نبوی[1] مدیر مسئول روزنامه رسالت که قبلاً سابقه وزارت پست و تلگراف در دولت شهید رجائی را در کارنامه خود دارد و از چهره‌های شاخص جناح راست سنتی (ارزشگرا) به شمار می‌رود، یکی از اعضای مؤسس جامعه اسلامی مهندسین نیز می‌باشد اکنون برخی از دیدگاههای ایشان را در مورد مسائل سیاسی روز می‌خوانیم:

بحران سازان چه کسانی هستند:

"کسانی که بحران ایجاد می‌کنند. اغتشاش می‌آفرینند و به تشنجات دامن می‌زنند کسانی هستند که نمی‌خواهند قانون حاکمیت پیدا کند. آنها حاکمیت قانون را به صرفه و

---

۱. آفتاب امروز، ۷۸/۶/۷.

صلاح خود نمی‌دانند و فکر می‌کنند در فضای هرج و مرج به اهداف خود دست خواهند یافت. کسانی به اسم توسعه سیاسی و استفاده از آزادی و طبق نظریه «فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا» عمل می‌کنند، منشاء بسیاری از تشنجات و ناآرامی‌ها در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی از چنین منابعی سر چشمه گرفته است.″

مبارزه با خشونت:

″این یک اصل درستی است که اولاً هیچ کس نباید اجازه دهد خشونت به هر عنوانی یا با عناوین مقدس یا تحت عنوان «فشار از پایین و چانه زنی از بالا» در جامعه مشروعیت پیدا کند و اگر چنین چیزی اتفاق افتاد همه باید اتفاق نظر داشته باشند که از راههای قانونی با خشونت برخورد شود.″

گروههای خودی و غیر خودی:

″به نظر می‌آید ما اگر به بینش قرآنی برگردیم کسانی که مسلمان هستند و خود را «خودی» می‌دانند ولی طرح دوستی با بیگانگان و دشمنان کشور می‌ریزند از نظر ما «غیر خودی» هستند. می‌گویند ما به قانون اساسی التزام عملی داریم، ولی در مرحله عمل می‌بینیم که به قانون اساسی هم التزام عملی ندارند. اینها غیر خودی هستند و نام دیگرشان معارضین قانون اساسی است. اینها اختیارات ولی فقیه را به رسمیت نمی‌شناسد.″

راست و چپ:

″خیلی از افراد هستند که پیشانی بند «چپ» دارند خیلی «راست» عمل می‌کنند و بعضی از «راستی‌ها» هم خیلی «چپ» عمل می‌کنند. به هر حال من تقسیم بندی خودم را دارم فکر می‌کنم آنچه به واقعیت نزدیک‌تر است این است که دو جناح عمده کشور در زمان حضرت امام(ره) شکل گرفت. روحانیون مبارز و روحانیت مبارز و طرفداران آنها اما در کشور ما پیش‌بینی ساده نیست!″

انحصار طلب و اصلاح طلب:

″متأسفانه تاریخچه انحصارطلبی به جناحی بر می‌گردد که خود را «اصلاح‌طلب» می‌داند و هر وقت در مسند قدرت بوده با تمام قوا کوشیده که همه ارکان قدرت را به قبضه

خود در آورد و جالب است که این کار را برای خود انحصارطلبی نمی‌داند و آن را توجیه می‌کند."

آزادی در چارچوب قانون[۱]:

"آزادی‌ها باید در چارچوب قانون و با رعایت اصول باشد.اگر هر جریانی، هر شخصیتی، هر گروه سیاسی احساس کند که در رعایت قانون استثناء است یقیناً بدانید در کشور هرج و مرج برقرار خواهد شد و آن وقت از هیچ‌کس نمی‌توان انتظار رعایت قانون را داشت. ما اگر می‌خواهیم شعار قانونگرایی دهیم و پایبندی به قانون را اعلام کنیم، اولین کسانی که باید رعایت کنند خودمان هستیم."

مشروعیت نظام:

"ما نظامی داریم که خیلی نمی‌توانیم آن را با دولتهای غربی مقایسه کنیم. در کشور ما مشروعیت غیر از آنکه از رأی مردم برمی آید از اعتقادات مردم هم سرچشمه می‌گیرد. حکومتی که از پشتوانه دینی مردم برخوردار است و نگرش مردم نسبت به دولت و حکومت با کشورهای دیگر متفاوت است."

ولایت فقیه[۲]:

"در قرآن خطاب به مردم آمده است که منحصراً ولی شما خداست و پیامبر و ائمه معصومین است و این مجوز از طرف ائمه معصومین است که در زمان غیبت کبری، مجتهد جامع الشرایط است، یعنی ولایت فقیه که یک کارشناس اسلام است و از عدالت هم برخوردار می‌باشد، اداره امت را به عهده بگیرد. در نظام ولایت فقیه که ما مشروعیت الهی را از طرف خدا می‌دانیم ولایت فقیه مشروعیت خود را از احکام الهی می‌گیرد. وقتی او یک نظام اسلامی بنا می‌کند کسی نمی‌تواند مشروعیت آن را زیر سئوال ببرد، چون او مشروعیت خود را از خداوند گرفته است."

خواست‌های[۳] مردم:

"مردم از نظام، اقتداری می‌خواهند که برای مردم امنیت ایجاد کند، مشکلات اقتصادی

---

۱. آفتاب امروز، ۷۸/۶/۶. ۲. رسالت، ۷۸/۹/۱۴. ۳. رسالت، ۷۸/۵/۴.

را به سامان برساند، که ناامنی‌های اجتماعی را پایان بدهد، سوء استفاده‌ها، رشوه‌ها و اختلاسهایی که در دستگاههای مختلف هست را مهار کند. اینها خواست مردم است.»

نفوذ غیر خودی‌ها:

«نگذاریم انقلاب به دست نامحرمان افتد، مبادا اختلاف خودی‌ها موجب نفوذ غیرخودی‌ها گردد و یکبار دیگر تاریخ تلخ مشروطه تکرار شود و عدالت مجسم در قفس خانه گرفتار شود و باز هم فرزندان انقلاب با چشمان اشکبار شاهد تاراج میراث امام و انقلاب به وسیله نامحرمان گردند.»

تجمل گرایی:

«فلان مسئول دولتی نمی‌تواند ادعای مردم گرایی داشته باشد و خود را غمخوار مردم بداند، در حالیکه از زندگی پر تجملی برخوردار است. آنان که اشرافیت و تجمل در زندگی آنان رسوخ کرده، هر چقدر هم که مقام دولتی مهمی داشته باشند، همین تجمل گرایی آنها را ضربه‌پذیر می‌سازد و اجازه نمی‌دهد که درد مردم را لمس کنند.»

مخالفت با نهادهای قانونی:

«مخالفت با قانون و ممانعت از کار نهادهای قانونی نظام تنها می‌تواند موجب حاکمیت استبداد در جامعه گردد. کسانی که با اقدامات غیر قانونی در مقابل نهادهای قانونی نظام و عملکرد صحیح آنان مانع ایجاد می‌کنند و در عمل با قانون و قانونگرایی مخالفت می‌ورزند، هر چند در شعار دم از قانون و حکومت قانونی بزنند، عملاً در جهت حاکمیت استبداد در جامعه گام برمی‌دارند.»

جناح بندی گروههای سیاسی[۱]:

«جناح بندی به آن مفهوم که مثلاً در آستانه مجلس سوم داشتیم و رقابت بین روحانیت مبارز و طرفدارانش با روحانیون مبارز و طرفدارانش، الان به آن صورت نیست. الان جبهه بین نیروهای وفادار به امام و خط امام، ولایت و ولی فقیه با کسانی که به اسم اصلاح طلب و نوسازی سیاسی دنبال براندازی نظام جمهوری اسلامی هستند، است و هرچه رو به جلو که

---

۱. رسالت، ۷۸/۵/۴.

می‌رود این صف‌بندی روشن‌تر می‌شود."

قانونگرایی:

"از نظر اجرایی همه مسئولان باید کمک کنند قانون حاکمیت پیدا کند و قانون برتر از منافع گروهی، شخصیتهای حزبی و چهره‌های سیاسی است. دستگاههای مسئول باید طوری عمل کنند که در مردم اعتماد ایجاد شود که همه در برابر قانون مساوی هستند."

امنیت اقتصادی یا مشارکت سیاسی:

"من اعتقاد دارم در جامعه‌ای که مردم امنیت اقتصادی و اجتماعی نداشته باشند، یقیناً به دنبال مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی نخواهند رفت. وقتی بهای مشارکت سیاسی به خطر افتادن امنیت اقتصادی و اجتماعی باشد، قطعاً اکثریت مردم کشور حاضر به پرداختن این بها نخواهند بود."

"ادعای مطالباتی مثل آزادی و نمی‌دانم دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و برخورد با انحصار و پیدا کردن شأن اجتماعی و از این مسائل، اینها هم خط مشی فرهنگ برخورد یک جریان مطبوعاتی خاص وابسته و یک جنبش به اصطلاح دانشجویی است و دیدیم که مردم هم به این جریان گره نخوردند."

محمد رضا با هنر دبیرکل کنونی جامعه اسلامی مهندسین، سردبیر هفته نام جام و همچنین نماینده ۵ دوره مجلس از حوزه انتخابیه تهران و بافق و از چهره‌های شاخص جناح راست سنتی (ارزشی) به شمار می‌آید، ایشان برخی از دیدگاههای خود را چنین بیان می‌کند:

لزوم وجود احزاب:

"دموکراسی و احزاب نقش مکمل و متقابلی را در جامعه ایفا می‌کنند، یعنی احزاب خود می‌توانند سمبل یک نظام دموکراتیک باشند و بالعکس. اگر نظامی ادعای دموکراتیک بودن داشته باشد، اما احزاب و تشکلهای سیاسی آن نظام نتوانند جان بگیرند و روی پای خود بایستند، قطعاً مسئولان آن نظام باید چاره اندیشی کنند."

لزوم حمایت دولت از احزاب:

"من معتقدم احزاب اگر بخواهند شکل بگیرند و روند دموکراسی در کشور را عینیت

ببخشند شاید نیاز به رانت‌های حکومتی در برخی زمینه‌ها داشته باشند. منظور من از رانت‌های حکومتی صرفاً دریافت کمک‌های مالی نیست، چرا که این مقوله در عین این که می‌تواند ابزار مهمی در ماندگاری احزاب به شمار رود، نباید در جهت دولت ساخته بودن احزاب و فرمایشی بودن آن به کار گرفته شود."

وی پس از انتخابات مجلس ششم و عدم موفقیت جناح راست سنتی در کسب آراء مردم در اکثر حوزه‌ها چنین می‌گوید[1]:

"ما، بالاخره در این انقلاب آمده‌ایم، رفته‌ایم، یکسری تأثیراتی گذاشته‌ایم، به یکسری وظایف خود عمل کرده‌ایم. الان هم بدون این که روی اصول اعتقادی و مراممان تجدیدنظر کرده باشیم، در روشهایمان باید بحث و تجدید نظر کنیم. ممکن است لازم باشد ادبیاتمان را عوض کنیم. گفتگوها را بیشتر سازیم و چیزهای دیگری که باید آنها را بررسی کنیم، اینها را حتی رقبای ما باید به ما بگویند. واقعاً ما را نقد بکنند، بگویند اشکالات ما چه بوده است، چه جوری عمل بکنیم بهتر است."

این رفت‌وآمدهای وجود دارد و همه باید از آن برای اصلاح وضعیت خودمان استفاده کنیم، چرا که مجموعه این اصلاحات باعث اصلاح نظام خواهد شد."

خودی و غیر خودی[2]:

"ما مجموعهٔ نیروهایی را که به اصول قانون اساسی و اصول انقلاب که در قانون اساسی متبلور است، پایبندندو کسانی که به فکر امنیت ملی و منافع ملی هستند «خودی» و کسانی را که دل در گرو بیگانگان دارند «غیر خودی» می‌دانیم."

اصلاحات[3]:

"ما یک سری اصول قانون اساسی داریم که در خود قانون اساسی پیش بینی شده است و غیر قابل تغییر می‌باشند، مانند وجهه دینی بودن حکومت، محوریت ولایت فقیه و عدم مغایرت قوانین با احکام اسلامی که اگر کسی منظور از اصلاحات را تغییر این اصول بداند ما آن را نمی‌پذیریم، ولی اگر منظور از اصلاحات اصلاح روشها و تاکتیکها برای خدمت به

---

۱. انتخاب، ۷۹/۵/۱۲. ۲. انتخاب، ۷۸/۱۰/۵. ۳. رسالت، ۷۸/۱۰/۲۳.

مردم باشد با آن موافقیم."

خودی و غیر خودی:

"ما کسانی را که دنبال استحاله و تغییر بنیانی حکومت اسلامی هستند غیر خودی و کسانی را که به اسلام، انقلاب، امام، رهبری و اصول قانون اساسی وفادار هستند خودی می‌دانیم."

جامعه اسلامی مهندسین در چهارمین کنگره خود مواضع سیاسی خود را چنین بیان می‌کند[1]:

جناح دوم خرداد:

"کارکردهای سیاسی جناح دوم خرداد در چند سال اخیر نشان از آن دارد که متأسفانه این جناح با قواعد سیاسی در یک جامعه مدنی حداقل نیز به قدر کافی آشنا نیست."

حقوق شهروندان:

"تردیدی نیست که کاهش فشارهای اجتماعی و قبول اصل زندگی آزاد و شرافتمندانه و عدم تجسس در احوالات شخصی شهروندان از انتظارات مردم بوده و کاملاً منطبق با فلسفه انقلاب اسلامی می‌باشد."

توسعه سیاسی:

"توسعه سیاسی در مفهوم ایجاد تنش در سطوح پایین جامعه و چانه زنی در بالا اگر چه تجربه شکست خورده‌ای را تداعی می‌کند، اما این حقیقت را نیز آشکار ساخت که این قرائت از توسعه سیاسی قطعاً ضد منافع ملی و برخلاف اراده مردم است."

اصلاحات:

"طبیعی است که انقلاب اسلامی، مانند هر ارگانیسم زنده‌ای نیازمند مراقبت و اصلاحات است. هیچکس ادعا نکرده که انقلاب مصون از گزند و فساد است. همانطوری که تندروی‌های برخی دوستان که اینک در جبهه اصلاح‌طلبی، جا گرفته‌اند انقلاب را ضربه‌پذیر ساخت."

---

۱. جام، ۷۹/۷/۱۶.

"هرگونه حرکت اصلاح طلبانه بایستی مبتنی بر پی ساخت‌های فکری خواست تاریخی ملت ایران استوار باشد."

جامعه اسلامی مهندسین اهداف سیاسی خود را چنین بیان می‌کند:

۱- تلاش برای توسعه سیاسی و بالا بردن مشارکت مردمی و واگذاری فعالیت‌هایی که مردم قادر به انجام آن هستند.

۲- تقویت و زمینه سازی حضور احزابی که به چارچوب نظام و اصول قانون اساسی معتقد هستند به منظور توسعه مشارکت مردم.

۳- اصلاح نظام اداری و به کارگیری مدیران لایق، امین و عالم.

مواضع اقتصادی:

این حزب به طور کلی با دخالت بیش از حد دولت در امور اقتصادی مخالف بوده و خواستار آزادسازی اقتصاد و گسترش نهادهای اقتصادی خصوصی می‌باشد. لیکن این حزب با سیاستهای تعدیلی دولت هاشمی رفسنجانی ابراز مخالفت نمود و آن را ناکارآمد می‌دانست.

اینک برخی از دیدگاههای اقتصادی مرتضی نبوی[1] از اعضای برجسته جامعه اسلامی مهندسین که در گذشته سابقه حضور در کابینه شهید رجایی به عنوان وزیر پست و تلگراف را نیز داشته است، با هم می‌خوانیم:

مخالفت با اقتصاد دولتی:

"ما به این نتیجه قطعی رسیده‌ایم که با اقتصاد دولتی نمی‌توان بر معضلات تولید، سرمایه گذاری و بیکاری فائق آمد."

سرمایه گذاری و رابطه آن با بیکاری:

"قطعاً برای آن که چالش اصلی کشور یعنی بحران بیکاری برطرف شود نیاز است که موانع تولید و سرمایه گذاری از میان برداشته شود. در وضعیت کنونی دلالی بیشتر از تولید

---

۱. رسالت، ۷۸/۱۱/۲۷.

سود دارد و قوانینی مثل قانون مالیات رغبت سرمایه گذاری را از بین برده است."

جلب اعتماد سرمایه گذاران:

"برای رفع بیکاری،موانع سرمایه گذاری و مشارکت مردم در اقتصاد باید از میان برداشته شود. سرمایه گذاری هم نیاز به حاکم کردن اعتماد دارد. لذا باید از هر حرکتی که این اعتماد را بر هم می‌زند اجتناب کرد."

تعدیل و انحراف از برنامه اول:

"در برنامه اول (اقتصادی) انحرافاتی از شاخص‌های برنامه صورت گرفت که افزایش رشد نقدینگی و تورم از آن جمله بود. این موضوع باعث شد هدف عدالت اجتماعی دچار لطمه شده و رشد و توسعه پایدار حاصل نشود."

در بیانیه چهارمین کنگره جامعه اسلامی مهندسین مواضع و اهداف اقتصادی این حزب به شرح زیر بیان شده است[1]:

"۱- تلاش همه جانبه و علمی برای رشد و توسعه اقتصادی با جهت‌گیری به سمت و سوی عدالت اجتماعی و مبارزه با تبعیضها و کاهش فاصله میان طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد.

۲ـ ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفین ۳- تلاش برای کنترل سطح عمومی قیمت‌ها و حفظ قدرت خرید مردم ۴- ایجاد امنیت اقتصادی برای رشد تولید و فراهم کردن زمینه اشتغال از طریق تشویق سرمایه گذاری ۵- مبارزه جدی با انحصارات اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی.

۶- کنترل و دقت در تأمین و حفظ منافع ملی و پرهیز از سلطه و سوء استفاده بیگانگان در جذب منافع داخلی."

مواضع فرهنگی:

این حزب پس از شروع اصلاحات در عرصه فرهنگی و تا حدودی باز شدن عرصه

---

۱. جام، ۷۹/۷/۱۶.

برای مطبوعات دوم خردادی، بارها از فضای حاکم بر برخی از مطبوعات و مسائل فرهنگی کشور انتقاد نمود و آنرا نامطلوب دانسته است.

همچنین این حزب از طرفداران دیدگاه وجود یک تهاجم فرهنگی گسترده از سوی دشمن به فرهنگ انقلابی و اسلامی کشور می‌باشد.

حسن غفوری فرد دبیرکل سابق جامعه اسلامی مهندسین در مورد مسائل فرهنگی کشور چنین نظر می‌دهد[1]:

وزیر فرهنگ و ارشاد و وظایف آن:

"وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طبق قانون بایستی حافظ و پاسدار فرهنگ اسلامی و حرمت مقدسات اسلام در مطبوعات باشد، مردم انتظار دارند وزارت فرهنگ و ارشاد به مانند یک دیده‌بان امین و تیزبین کلیه حرکات مشکوک را در نشریات رصد نموده و از این طریق پاسدار ارزشها و حرمت قرآن کریم و احکام شرع مقدس باشد."

تهاجم فرهنگی[2]:

"باید توجه نمائیم که در حال حاضر یکی از خطراتی که انقلاب و اسلام را تهدید می‌کند مسئله تهاجم فرهنگی است که چند سال است موجبات نگرانی مقام معظم رهبری و بسیاری از مسئولین کشور را فراهم نموده است. لیکن سوگمندانه باید گفت هشدارهای مقام معظم رهبری که از سال ۷۰و ۷۱ شروع شد و نشانگر عمق بینش مقام معظم له نسبت به مسائل مهم فرهنگی ایران و جهان بود آنطور که باید و شاید جدی گرفته نشده است."

فرهنگ و هنر اسلامی:

"هنر متعهد اسلامی، تئاتر اسلامی، رمانهای اسلامی و... هنوز تا مرحله تحقق فاصله دارد."

مطبوعات غیر خودی:

"موضوع مطبوعات و نفوذ عناصر غیر خودی و بعضاً فاسد دشمن در برخی رسانه‌های مکتوب هنوز نگران کننده است، بحث اخلال به مبانی اسلام که در قانون اساسی خط قرمز

---

۱. رسالت، ۷۸/۶/۲۱.   ۲. رسالت، ۷۸/۹/۲۸.

فعالیت‌های مطبوعات ذکر شده است، هنوز به جمع بندی نرسیده است. الان شرایط به نحوی است که بسیاری از مطالبی که در دو دهه اول انقلاب علیه نظام در شب نامه‌ها منتشر می‌شد امروزه در بعضی از نشریات و روزنامه هایی که با یارانه دولت تغذیه می‌شوند منتشر می‌گردند. کدام نظامی در دنیا چنین ریسکی را می‌پذیرد؟ این آزادی نیست، این فرصت دادن به دشمن برای ضربه زدن به انقلاب و مردم است. امروزه ما شاهد آن هستیم که تیم‌های مطبوعاتی ضد انقلاب که در گذشته به خارج فرار کرده بودند و در تمام دوران جنگ یک خط در دفاع از دفاع مقدس روی کاغذ نیاوردند، اکنون به راحتی در روزنامه‌ها قلم می‌زنند و به همه چیز و همه کس حمله می‌کنند و همه مقدسات و ارکان انقلاب را زیر سئوال می‌برند و با نشر اکاذیب و شایعه و تشکیک در باورها و اعتقادات مردم موجبات تشویش اذهان و تضعیف اعتقادات مردم را فراهم می‌آورند."

سیدمرتضی نبوی[1] از دیگر اعضای برجسته جامعه اسلامی مهندسین در مورد مسائل فرهنگی چنین نظر می‌دهد:

"ایشان (آقای خاتمی) توسعه سیاسی و فرهنگی را مغایر با ارزش‌های اسلام و انقلاب معرفی نمی‌کنند. اما آنچه در عمل در صحنه توسعه فرهنگی و سیاسی اتفاق می‌افتد با آنچه بیان می‌شود متفاوت است. بنده از منتقدین جدی آن چیزی هستم که به عنوان سیاست‌های فرهنگی توسط (وزارت) ارشاد انجام می‌شود."

بسته شدن روزنامه‌ها:

"اینکه ما از بسته شدن یک روزنامه خوشحال شویم اینطور نیست. از اینکه با تخلف برخورد شود و هیچ کس جرأت انجام کار خلاف قانون را نداشته باشد خوشحالیم، این در جهت سیاست‌های آقای خاتمی هم هست. آزادی ما باید در چارچوب قانون و با رعایت اصول باشد."

"برخی از نشریات نمی‌خواهند در کشور آرامش برقرار شود تا برخی حوادث ریشه‌یابی گردد[2]."

---

۱. آفتاب امروز، ۷۸/۶/۶.   ۲. رسالت، ۷۸/۵/۴.

"در بین مطبوعات عده‌ای هستند که هماهنگ با همین جریانات براندازی هستند. اما نمی‌شود تعمیم داد به همه این مطبوعات، این جریان خاص که به اصطلاح مطالبات و آزادی و این حرفها را مطرح می‌کنند می‌خواهند از این طریق به یک مقاصدی برسند که با مقاصدی که قبلاً مطرح شد تفاوت دارد."

"متأسفانه مطبوعات ما کار جدی در توجه به مشکلات و دردهای مردم انجام نمی‌دهند و بیشترین هم و غم برخی از روزنامه‌ها صرف دامن‌زدن به تشنجات و درگیریها می‌شود[۱]."

"تاریخ و نسل‌های آینده از مطبوعاتی که ساختارهای قانونی کشور را تخریب کردند نخواهند گذشت[۲]."

در بیانیه اعلام مواضع این حزب که پس از چهارمین کنگره آن منتشر شد در مورد مسائل فرهنگی کشور اهداف زیر تبیین گردیده است[۳]:

"۱-اعتلا و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی و تحکیم فکری و علمی ارزشهای انقلاب اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان.

۲-زنده نگهداشتن و ترویج اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) در همه سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.

۳- توجه به پرورش و شکوفایی استعدادها، بالا بردن توان علمی و فن آوری کشور و جلوگیری از واقعه تأسف بار فرار مغزها.

۴- توجه به تجربه دیگر ملتها و انقلابها.

۵- اهتمام به موضوع «جوانان» به عنوان بزرگترین ظرفیت موجود نیروی انسانی جامعه اسلامی."

---

۱. رسالت، ۷۸/۹/۱۴. ۲. رسالت، ۷۸/۱۱/۲۷. ۳. جام، ۷۹/۷/۱۶.

حزب ملت ایران

نام کامل: حزب ملت ایران

نام دبیر کل: مؤسس و دبیر کل پیشین داریوش فروهر و فعلاً بطور موقت خسروسیف تا تشکیل اولین کنگره (پلنوم) حزب به عنوان مسئول حزب تعیین شده‌اند.

اعضای فعال: مرحوم داریوش فروهر، مرحومه پروانه فروهر، خسرو سیف، بهروز برومند، ناصر تکمیل همایون، سیاوش صحت، علی اکبر گل سرخی، فرزین‌مخبر، بهرام نمازی، مهران عبدالباقی، بهیه جیلانی.

مرامنامه:

هم میهنان: در عصر حاضر که ملتهای جهان از هیچگونه کوششی در راه آزادی و بزرگی خود فرو گذار نمی‌کنند، میهن ما سالیان دراز است در کام استعمارگران بیگانه افتاده و مردم آن از داشتن یک زندگی انسانی بی بهره مانده‌اند. اکنون حزب آرمانخواره ما که با تکیه به جهان‌بینی ناسیونالیستی یک دوره نبرد خستگی‌ناپذیر با دشمنان ملت را پشت سر نهاده است، لازم میداند مرامنانه خود را که بیان کنندهٔ نیاز ملی ایرانیان در زمان کنونی است در

دسترس همه مردم این سرزمین قرار دهد.

۱- حزب ملت ایران از کسانی تشکیل می‌گردد که برای ایجاد حکومتی بر پایه خواستهای تاریخی ایرانیان گرد آمده‌اند.

۲- حزب ملت ایران دارای جهان بینی ناسیونالیستی است و برای دست یافتن به استقلال کامل سیاسی ـ اجتماعی و اقتصادی کشور سرسختانه می‌کوشد.

۳- حزب ملت ایران هر گونه استعمار را دشمن میدارد و از حق حاکمیت ملتها در سراسر جهان پشتیبانی می‌کند.

۴- حزب ملت ایران تأمین کامل حقوق اجتماعی زنان و مردان کشور را لازم می‌شمرد و به آزادیهای فردی تا آنجا که به آزادی ملی برخورد نداشته باشد، ارج می‌نهد.

۵- حزب ملت ایران برای پدید آوردن یک نظام جدید ملی می‌کوشد و برقراری قانون‌هائی را که در بر گیرندهٔ همه حقوق اساسی مردم ایران باشد لازم میداند.

۶- حزب ملت ایران خواستار فرهنگی است که با بهره برداری از پیشرفت‌های علمی جامعهٔ بشری بر شالوده فرهنگ باستانی ایران استوار گردد.

۷- حزب ملت ایران یک دوره خدمت در سازمانهای نظامی و یک دوره کار در اردوگاه‌های ملی را برای همه جوانان کشور لازم میداند.

۸- حزب ملت ایران برای استواری بنیان خانواده که واحد ارزندهٔ اجتماع است میکوشد و خواستار ایجاد برابری‌های لازم در حقوق مدنی زنان و مردان میباشد.

۹- حزب ملت ایران برای پیشگیری از تباهی اجتماع و افزایش نیروی انسانی کشور تشکیل خانواده را وظیفه ملی جوانان میداند و دولت را عهده دار هزینه زندگی نوباوگان می‌شناسد.

۱۰- حزب ملت ایران خواستار گسترش کامل بیمه‌های اجتماعی است و حق خواستن بهداشت و پرورش و آموزش رایگان را برای همه فرزندان کشور میپذیرد.

۱۱- حزب ملت ایران برای همه مردم حق خواستن کار را می‌پذیرد و سپردن وسیله تولید به کارگران و زمین به کشاورزان را وظیفه دولت میداند.

۱۲- حزب ملت ایران مالکیت خصوصی را بر وسائل زندگی خانواده و ابزار تـولیدی فردی می‌پذیرد و ثروتی را که نتیجه کار خود فرد باشد پاس می‌دارد.

۱۳- حزب ملت ایران هوادار ملی کردن همه رشته‌های صـنعتی و کشـاورزی است و می‌خواهد وسیله‌های تولید و توزیع، به مالکیت همگانی درآید و با دست دولت اداره شود.

۱۴- حزب ملت ایران اقتصاد آزاد را برای کشور زیان آور می‌داند و خواستار برقراری رژیم اقتصاد برنامه‌ای میباشد.

بیستم دیماه هزارو سیصدو سی هفت

پایان

این مرامنامه با چند اصلاح عبارتی مورد پذیرش نخستین کـنگره حـزب قـرار گـرفته است.

پانزدهم شهریور ماه هزار و سیصد و چهل

تاریخچه تشکیل[۱]:

در شامگاه پانزدهم شهریور ماه سال ۱۳۲۶ و در زمانی که شمال و جنوب کشـور در تصرف نظامیان کشورهای استعمارگر قرار داشت، تعداد ۵ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران به منظور پاسداری و نجات ایران و یکپارچگی آن گردهم آمده و مکتبی را بنیان نهادند که بعدها مکتب «پان ایرانیسم» نامیده شد. بعدها این روز بنام روز «بنیاد» نام گرفت و همه ساله مراسمی جهت بزرگداشت آن برگزار می‌گردید. این مکتب فکـری کـه دارای دیـدگاههای وطن پرستی و ملی‌گرایی بود در طول زمان به فعالیت‌های عملی از جمله مبارزه با متفقین که در ایران بودند پرداخت.

چهار سال بعد در اول آبانماه سال ۱۳۳۰ از دل این مکتب (پان ایرانیسم) حزب مـلت ایران موجودیت خود را بر پایه بنیاد پان ایرانیسم اعلام نمود و فعالیت خود را آغـاز کـرد. مرحوم داریوش فروهر مؤسس و از فعالین سیاسی آن دوره بود. در تمام مدت نهضت ملی

---

۱. بیانیه‌های حزب ملت ایران به مناسبت روز «بنیاد».

شدن صنعت نفت، حزب ملت ایران همراه با جبهه ملی در فعالیت‌های سیاسی منجر به ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت، تا آنکه پس از کودتای ننگین و انگلیسی ـ آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دبیر کل حزب ملت ایران (داریوش فروهر) به همراه جمعی دیگر از عناصر ملی و ملی مذهبی همراه مرحوم محمد مصدق بازداشت شدند. جبهه ملی ایران پس از کودتا قلع و قمع شد و به علت دستگیری بسیاری از اعضای حزب آنان عملاً فعالیت آن متوقف شده بود تا آنکه اندکی پس از کودتا به پیشنهاد آیت الله آقا سیدرضا زنجانی(ره) جبهه مقاومت ملی تشکیل شد و حزب ملت ایران نیز وارد جبهه مقاومت ملی شد و حضور فعالی در آن داشت و مدتی داریوش فروهر مسئول تشکیلات نهضت مقاومت ملی بود. در اواخر شهریور سال ۱۳۳۳ تظاهراتی بر علیه قرارداد کنسرسیوم «امینی ـ پیج» انجام شد که حزب ملت ایران در آن شرکت فعال داشت، اما به طور کلی از فردای روز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۸ فضای فعالیت‌های سیاسی بسیار بسته بود و مبارزات به صورت مخفی ادامه داشت تا آنکه در آن سال علی امینی به نخست‌وزیری رسید و فضای سیاسی اندکی باز شد و جبهه ملی دوم ایران با شرکت نمایندگان کلیه احزاب همکار با دکترمحمد مصدق از ۳۰ تیر ۱۳۳۹ تجدید فعالیت خود را اعلام نمود. در این هنگام داریوش فروهر دبیر کل این حزب در بازداشت بود و فعالیت حزب به همین دلیل کاهش یافته بودند. به هر حال فعالیت جبهه ملی دوم تا سال ۱۳۴۳ ادامه یافت. به دنبال آغاز فعالیت جبهه ملی دوم در سال ۱۳۳۹ در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ در میدان جلالیه اولین میتینگ جبهه ملی دوم با نام میتینگ جلالیه تشکیل شد که در آن حزب ملت ایران نقش اساسی داشت و خسرو سیف از حزب ملت ایران و از همکاران نزدیک داریوش فروهر مسئولیت برپایی و انتظامات این میتینگ را بر عهده داشت. حزب ملت ایران در این زمان در اوج فعالیت خود بود. این فعالیت تا سال ۱۳۴۳ ادامه یافت (همزمان با سرکوب نهضت اسلامی و تبعید امام خمینی(ره)) پس از آن با اختناق و سرکوب رژیم شاه فعالیت جبهه ملی تا حدودی متوقف شد اما با رهنمودهای محمدمصدق در سال ۱۳۴۳ جبهه ملی سوم با حضور نمایندگان احزاب و تشکلهای ملی و ملی ـ مذهبی تشکیل شد و فعالیت خود را علیه رژیم شاه ادامه داد. پس از مدتی برخی

اعضای شرکت‌کننده در جبهه ملی سوم از جمله خلیل ملکی، رضا شایان و داریوش فروهر بازداشت شدند، در حقیقت پس از گذشت این چند ماه و با دستگیری اعضای برجسته این حزب، حیات جبهه ملی سوم نیز پایان یافت در سال ۱۳۴۹ با اعلام پذیرش استقلال بحرین از سوی شاه حزب ملت طی یک بیانیه‌ای مخالفت خود را با این امر اعلام کرد که بلافاصله دبیر کل حزب دستگیر و به ۳ سال حبس محکوم شد. پس از آن با تشدید اختناق و زندانی شدن اکثر اعضای جبهه ملی و حزب ملت ایران فعالیت این حزب نیز کاهش یـافت و بـه صورت انتشار نشریات مخفیانه و جلسات مقطعی تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت تا آنکه فعالیت جبهه ملی در سال ۱۳۵۶ و در آستانه انقلاب اسلامی شدت یافت و در این زمان با تشکل احزاب ملی و ملی ـ مذهبی جبهه ملی چهارم متولد شد. این جبهه در اموری مـثل مـبارزه سیاسی، انتشار بیانیه‌ها و تکثیر پیامهای امام خمینی (ره) رهبر انقلاب که از بغداد و پاریس می‌رسید نقش مهمی ایفا کرد و همکاری گسترده‌ای با دیگر گروههای انقلابی ضد رژیـم داشت. همچنین جبهه ملی چهارم خبرنامه‌ای منتشر می‌نمود و در آن اعلامیه‌های امام(ره) و بیانیه‌ها و دیدگاههای نیروهای جبهه ملی را منعکس می‌کرد. جبهه ملی از سال ۱۳۵۶ تا پیروزی انقلاب همواره جلسات منظمی با شرکت اعضای اصلی احزاب متشکل در جبهه ملی چهارم تشکیل می‌داد که در آن از طرف حزب ملت ایران داریوش فروهر، خسرو سیف و بهروز برومند شرکت می‌کردند که البته مرحوم داریوش فروهر سخنگوی جبهه ملی در آن زمان بود. اعضای اصلی جبهه ملی عبارت بودند از کریم سنجابی، شاپور بختیار، رضا شایان، فروهر و بطور محدود مهدی بازرگان و یداله سحابی.

در اوایل سال ۱۳۵۷ دبیر کل حزب ملت ایران به پاریس و نزد امام خمینی(ره) رفت و برای هماهنگی نیروهای انقلابی داخل و خارج کشور در آنجا نقش زیادی ایفا نمود و سپس در ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ همراه امام(ره) وارد کشور شد. پس از آن مرحوم فـروهر در دولت موقت پست وزارت کار و امور اجتماعی را بر عهده گرفت و پس از استعفای دولت موقت و حوادث سال ۱۳۶۰ فعالیت ایشان و حزب ملت ایران دچار رکود شد، به نحوی که فعالیت این گروه به جلسات مقطعی و اظهار نظر در مورد مسائل سیاسی کشور و انتشار بیانیه‌های

مختلف محدود شد. پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات در سال ۱۳۷۶ فضای باز سیاسی برای فعالیت احزاب تا حدودی شکل گرفت و حزب ملت ایران نیز فعالیت خود را بطور نسبی افزایش داد.

بالاخره در سال ۱۳۷۷ داریوش فروهر و همسرش پروانه فروهر از اعضای مؤثر این حزب در یک اقدام سبعانه و بی سابقه در خانهٔ شخصی خود به قتل رسیدند. اما علیرغم این اقدام، فعالیت حزب ملت ایران مانند گذشته تا کنون ادامه داشته است.

گرایش سیاسی:

این حزب با گرایشهای کاملاً ملی گرایانه (ناسیونالیسم) شکل گرفته است و مبنای آن مکتب «پان ایرانیسم» می‌باشد. بنا به دلایلی در کنگره (پلنوم) سال ۱۳۴۰ مکتب پان‌ایرانیسم از دنباله نام این حزب حذف شد و به صورت یک مکتب جداگانه درآمد، یعنی قبل از آن نام حزب «حزب ملت ایران بر پایه مکتب پان ایرانیسم» بود که بعد از آن به نام «حزب ملت ایران» تغییر نام پیدا کرد. با این تغییر نام، هیچگاه آرمانهای مکتب پان ایرانیسم که حزب ملت بر پایه آن تأسیس شده بود از بین نرفت و همچنان پا برجا ماند، ولی ظاهراً این مکتب جدای از حزب و به صورت مبنا و آرمان باقی ماند. مکتب «پان ایرانیسم» بر این عقیده است که تمام سرزمین‌های فلات ایران باید به سرزمین مادری خود ملحق شوند و سرزمین ایران بزرگ به ابُهت و عظمت گذشته خویش دست یابد. دیدگاههای این حزب را می‌توان تا حدودی شبیه احزاب ناسیونال سوسیالیسم در غرب دانست. از لحاظ سیاسی و اقتصادی در ابتدای تأسیس، این حزب دارای دیدگاههایی با گرایش نسبتاً چپ بود که در مرامنامه آن به خوبی مشخص است. لیکن پس از گذشت زمان نسبتاً طولانی از تصویب مرامنامه آن در حال حاضر دارای گرایش سیاسی مستقل (نه چپ و نه راست) می‌باشد و به یک اقتصاد نیمه دولتی اعتقاد دارد. وجهه دیگر از گرایش سیاسی این حزب گرایش‌های روشنفکرانه و اصلاح طلبانه (بهبود خواهانه) این حزب است. به طور کلی حزب ملت ایران یک حزب ملی‌گرا و در عین حال آرمانگرا،روشنفکر و اصلاح طلب می‌باشد.

تشکیلات و نشریات وابسته:

حزب ملت ایران از بدو تأسیس از لحاظ تشکیلاتی دارای فراز و نشیبهای زیادی بوده و برخی از دوره‌های زمانی فعالیت این حزب با آزادی بیشتر و گسترده‌تر و گاهی اوقات بسیار کم و ناچیز می‌باشد. اما به طور کلی حزب ملت ایران به دلایل تاریخی و نوع دیدگاههای آن هیچگاه گسترش آنچنانی نیافت و فعالیت‌های آن با رکودهای پی‌درپی مواجه شد. دو دلیل عمده عدم ایجاد تشکیلات منسجم در این حزب را می‌توان فشار و محدودیت‌های اعمال شده بر این گروه و اقبال و گرایش توده مردم به نیروهای سیاسی صرفاً مذهبی دانست.

این حزب اکنون دارای تشکیلات منسجم حزبی در تهران و سایر شهرستانها نمی‌باشد و صرفاً در حد اعلام نظریات خود که در بیانیه‌های حزب منعکس است و جلسات محدود فعالیت می‌کند. این حزب فعلاً نشریه‌ای ندارد، ولی در گذشته نشریه آرمان ملت ارگان رسمی این حزب بود و قبل از ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نشریه آپادانا ارگان رسمی این محسوب می‌شد. البته نشریه دیگری بنام اتحاد بزرگ نیز قبلاً از طرف این حزب منتشر شده است. لازم به یادآوری است که این حزب دارای شاخه جوانان فعال در ساختار تشکیلاتی خود می‌باشد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

خاستگاه اولیه این حزب از دانشگاه‌های تهران و قشر دانشجو و روشنفکر آن زمان بوده است که اکثراً افرادی آرمانگرا و وطن پرست بوده‌اند. از لحاظ طبقات اجتماعی اکثراً دانشجویان، روشنفکران و تا حدودی اقشار مختلف مردم معتقد به آرمانهای ملی (ناسیونالیسم) گرایش به این حزب دارند.

مواضع سیاسی:

خسرو سیف سرپرست این حزب در تشریح برخی مواضع سیاسی این حزب در مورد مسائل مختلف می‌گوید:

قانون اساسی:

"ما قانون اساسی را قبول داریم اما معتقدیم باید اصلاح شود."

حکومت و مردم، دین و سیاست:

"حکومت باید مردمسالار باشد، باید موانع برای حکومت مردم برداشته شود و فاصله‌ها از بین برود."

"ما معتقدیم دین از سیاست جدا نیست اما از حکومت جداست. ما معتقدیم طبق قانون اساسی تمام گروههای اجتماعی حق دخالت در امور مملکت را دارند و نباید سیاست و حکومت در دست یک گروه یا صنف خاص قرار گیرد."

اهداف حزب:

"اهداف کلی ما عبارتند از آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی،قانونگرایی، مردمسالاری و استقرار حکومت مردمی."

مواضع اصولی حزب ملت ایران:

"حزب ملت ایران به لحاظ سیاسی به اصل استقلال کامل ایران اعتقاد دارد و با هر نوع استعمار و سلطه گری از سوی هر قدرت جهانی مخالف است و ارتباط جهانی ملت‌ها را احترام می‌گذارد و از این رو طرفدار هماهنگی‌های جهانی دولتهای ملی است و به همکاری‌های سالم بین‌المللی ارج می‌نهد."

"در درون جامعه به اصل آزادی و نظام مردمسالاری اعتقاد دارد و زنان و مردان را در سراسر ایران زمین و در میان همه قومیت‌ها و معتقدان ادیان و مذاهب گوناگون برابر می‌داند و نظام سیاسی جامعه را بر پایه وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور به گونه‌ای باور دارد که همه حقوق مردمی و عدالت اجتماعی را در بر گیرد و هیچ بخشی از جامعه یا هیچ گروهی را بر دیگر گروههای اجتماعی برتری ندهد و تمام آحاد جامعه را در تشکل‌های اجتماعی و سیاسی با حق اظهارنظر و شرکت در فعالیتها و سازندگی‌های ملی به طور برابر پذیرفته است."

نظارت شورای نگهبان:

"در شورای نگهبان حق نظارت تبدیل به تشخیص صلاحیت شده است. به هر حال تشخیص صلاحیت سلیقه شخصی است نه انتخاب مردم. در حقیقت این مردم هستند که حق دارند بدون واسطه و قیم انتخاب کنند و در یک کلام میزان رأی ملت است."

"ما در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم (۱۳۷۶) شرکت نکردیم، چون اعتقاد داریم موانعی در قانون اساسی برای انتخاب مستقیم مردم وجود دارد، ما معتقدیم مردم مستقیم باید رأی بدهند و انتخاب کنند و این که شورای نگهبان به عنوان تشخیص صلاحیت، خود را قیم مردم بداند و به جای آنها کاندیداها را انتخاب کند قبول نداریم و معتقدیم در این صورت انتخابات آزاد نخواهد بود."

اصلاحات:

"اولاً انتخاب آقای خاتمی در دوره هفتم ریاست جمهوری را ما یک نوع نارضایتی مردم نسبت به شرایط موجود می‌دانیم و پس از انتخاب شدن آقای خاتمی، ما از برنامه اصلاحات وی حمایت کردیم. فضا پس از شروع اصلاحات کمی باز شده بود اما پس از ترور مرحوم فروهرها شدت اصلاحات افزایش یافت. ما اعتقاد داریم تمام موانع باید برطرف شود تا به حکومت مردمسالاری نزدیک شویم. در زمانی که آزادی وجود نداشته باشد هیچ اصلاحاتی انجام نمی‌شود. نبود آزادی تبعات منفی بسیاری دارد که یکی از آنها فساد در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و... است."

آزادی و عدالت:

"آزادی و عدالت دو جزء جدایی‌ناپذیر است، اگر عدالت نباشد آزادی نیست و چون آزادی نباشد مردم احساس امنیت نخواهند کرد و اگر امنیت نباشد پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و... میسر نخواهد بود."

اصلاحات ریشه‌ای:

"ما داریم درجا می‌زنیم، در این وضعیت ما اصلاحات را ریشه‌ای نمی‌دانیم و کوچکترین تغییر اساسی را نمی‌توان دید. در حقیقت این مطلب تبدیل شده است به رقابت

دو گروه (جناح) سیاسی عمده که دور خود یک دایره کشیده‌اند و فقط به آنها خودی می‌گویند."

روابط خارجی:

"ما به روابط سالم با تمام دولت‌ها بر اساس منافع ملی اعتقاد داریم."

وفاق ملی:

"هر کسی راکه در راه منافع ملی و غیر وابسته به استعمار و استکبار در جهت منافع ملی و ایران زمین و حاکمیت ملی گام بردارد در کنارشان خواهیم بود."

خطر استعمارگران و تجزیه‌طلبان:

"ما با خطر بزرگی از طرف استعمارگران و استکبار جهانی روبه‌رو هستیم و آمریکا و انگلیس در حال توطئه چینی هستند. از غرب و شرق و شمال و جنوب کشور تحریکات و خطر تجزیه شدن کشور احساس می‌شود. باید این تحریکات جدی گرفته شود و کشور در مقابل این گونه مسائل باید مصونیت ایجاد کند."

حکومت ایده‌آل:

"حکومت دموکراسی که تمام گروههای اجتماعی در حکومت دخالت داشته باشند و هیچ گروه اجتماعی مزیتی بر گروه دیگر نداشته باشد و هر کس بنا به شایستگی‌های خود فارغ از آنکه در چه گروه اجتماعی است در حکومت شرکت داشته باشد، یک حکومت ایده‌آل است."

آزادی:

"متأسفانه کسانی مخالف آزادی هستند که بلافاصله آن را برابر بی بند و باری و آنارشیسم و ابتذال می‌دانند. آزادی چارچوب دارد. آزادی تا آنجا باید پیش برود که سلب آزادی از دیگران نشود. آزادی طبق قانون باید در برگیرنده منافع همه مردم باشد."

جنگ تحمیلی و دفاع مقدس:

"ما اعتقاد داشتیم که جنگ تحمیلی که از طرف کشور استعمار ساخته و آلت دست عراق آغاز شد و با دفاع مقدس، جانانه، شرافتمندانه و دلیرانه جوانان غیرتمند ایران زمین مواجه شد نباید بدون تنبیه کشور متجاوز پایان می‌یافت. در هر حال پس از اتمام جنگ تمام کسانی

که در راه وطن شهید، مجروح، معلول یا آنکه سالم به زادگاهشان بازگشتند مورد احترام ملت ما هستند و باید از آنها به گونه‌ای شایسته تجلیل شود."

حزب ملت ایران دیدگاههای خود را همواره در بیانیه‌های مختلف خود بیان نموده که اینک برخی از این دیدگاهها را از نظر می‌گذرانیم:

حزب ملت حزب قانونی:

"حزب ملت ایران نه ضد انقلاب است و نه غیرقانونی، چراکه انقلاب را از هستی خود عزیزتر دانسته و برای پیروزی انقلاب کوششهای جانفرسا و خستگی‌ناپذیر داشته و با تحمل تمام فشارها همواره ثابت کرده است خادم اهداف اصیل و راستین و اولیه انقلاب اسلامی یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، پیشرفت، ترقی کشور، عزت و شرف و کرامت انسانی است و به اصل انقلاب وفادار بوده و اعتقاد دارد که انحرافات را می‌توان اصلاح نمود و در این جهت کوشاست، بنابراین با هر گونه براندازی آن مخالف است."

انقلاب اسلامی ارزنده‌ترین هدیه الهی:

"حزب ملت ایران انقلاب اسلامی را ارزنده‌ترین هدیه الهی می‌داند که خداوند به ملت ایران ارزانی داشته است و با این آموزه که اسلام دین آزادی و عدالت و قانون و دین‌خردورزی و دین مروت و مدارا و دین ارزش و کرامت انسان و دین نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و دین عزت و شرف انسانی است و امروزه بحث و جدلهای جناحها و برخوردهای درونی حاکمیت، درستی و اصالت نظرات حزب ملت ایران را اثبات و آشکار کرده است."

ارزشهای انقلاب:

"حزب ملت ایران خود را حامی و وفادار به جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران می‌داند اما مخالف با سیاست‌ها و برنامه‌ها و بدآموزیهای کسانی است که خود را محور و میزان حق و باطل می‌دانند و با بی تقوایی تمام و تعصب و پیش داوریهای شگرف همه کسان و نیروهایی را که دارای اندیشه و سلیقه‌ای متفاوت و ناسازوار با آنها هستند متهم به انواع اتهامهای نابخشودنی با برچسب‌های رنگارنگ از قبیل ضد انقلاب، لیبرال، غرب زده،

وابسته به بیگانه، تجدیدنظر طلب و... می‌نماید. تا آنها را از میدان رانده و خود یکه تاز شوند و چتر انقلاب اسلامی را که در ابتدای انقلاب در برگیرنده اکثریت قریب به اتفاق این ملت بود از سر این انقلاب بردارند."

وحدت ملی:

"حزب ملت ایران اعتقاد راسخ دارد که بازگشت به اصل وحدت ملی صدر انقلاب واجب‌ترین ضرورت است و خاطر نشان می‌سازد همان گونه که وحدت ملت، این انقلاب را به پیروزی رساند برای ادامه و بقای سرافرازانه‌اش بیش از پیش به وحدت نخستین نیاز است."

پیشینه حزب ملت ایران:

"حزب ملت ایران غیر قانونی نیست، زیرا سی سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بیش از نیم قرن خدمت صادقانه دارد، یعنی به مدت عمر دو نسل در صفحه تمام مبارزات ملی ملت ایران علیه استبداد و زور و قلدری سلطنت و سلطه سرمایه داری و استبداد کمونیستی و بر علیه استعمار و بر ضد توطئه‌های تجزیه طلبانه کشور پایداری و پایمردی از خود نشان داده است و نه هرگز در رژیم منحوس گذشته و نه در نظام جمهوری اسلامی از سوی هیچ دادگاه صالحه‌ای غیر قانونی اعلام نشده است."

قانون اساسی:

"حزب ملت ایران خود را به قانون اساسی ملتزم دانسته و بدان رأی داده است. گرچه این قانون را ناکافی می‌داند و بر مواردی از آن ایراد و انتقاد دارد و بر طبق اساس حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی بازنگری در آن را حق قانونی خود و سایر منتقدین و اصولاً حق مسلم همه ملت می‌داند، ولی تا زمانی که در قانون اساسی بازنگری نشده است آن را میثاق ملی دانسته و هرگز فعالیتها و مبارزات آن خارج از چار چوب قانون اساسی نبوده است."

مخالفت با خشونت:

"حزب ملت ایران هیچگاه با خشونت موافق نبوده و جز راههای قانونی در مبارزه راهی را توصیه نکرده است."

"حزب ما[۱] با شناخت درست بافت اجتماعی ملت ایران و وضع جغرافیای سیاسی کشور و آز و نیاز قدرت‌های بزرگ و کوچک استیلاگر نسبت به این خاک ورجاوند، همواره برای رسیدن به هدف (مردمسالاری) به گذار آرام و دور از کردارهای خشن باور داشته و خواستار یک گزینش همگانی در فضای سیاسی باز و برخوردار از ایمنی قضائی بوده است."

مواضع اقتصادی:

به طور کلی در حال حاضر این حزب بیشتر دارای دیدگاههای اقتصاد دولتی و نیمه دولتی می‌باشد و طرفدار حمایت دولت از نهادهای آموزشی، بهداشتی و خدمات عمومی می‌باشد و بر این عقیده است که دولت باید تمام صنایع زیر بنایی و اساسی کشور را تحت کنترل خود داشته باشد، اما صنایع دیگر باید بدون دخالت دولت و توسط مردم اداره شود. همچنین دولت باید از امنیت شغلی و فراهم آوردن ابزار کار برای نیروهای مولد جامعه نظیر کارگران و کشاورزان و غیره حمایت نماید.

خسرو سیف جانشین دبیرکل و سرپرست فعلی این حزب اصول دیدگاههای اقتصادی این حزب را چنین بیان می‌کند:

"حزب ملت ایران حق کار برای همه ایرانیان را در همه زمینه‌ها می‌پذیرد و دولت برخاسته از گزینش ملی و همگانی را موظف میداند تا وسایل تولید را در اختیار کارگران کشور و زمین را در اختیار کشاورزان قرار دهد و در سازندگی‌های سراسری وضعی را پدید آورد تا کارگران و کشاورزان بتوانند به بهترین صورت ممکن از کارگاهها و مزارع و مراتع خود بهره‌برداری کنند.

در امور اقتصادی و تولیدی کلیه وسایل فردی در مالکیت کسانی است که کار می‌کنند، لکن وسایل تولید رشته‌های بزرگ صنعتی (کارخانه‌های کلان) و کشاورزی (زمینهای بسیار وسیع که با کمک دولت آماده بهره برداری می‌شود) در مالکیت همگانی کسانی است

---

۱. بیانیه، ۷۵/۶/۱۵.

که کار می‌کنند و نمایندگان دولت تنظیم کننده دستاوردهای آن بر پایه خواستهای قانونی است. در امر اقتصاد، دولت ملی باید برنامه‌ای سازنده و آینده‌نگر داشته باشد و اقتصاد آزاد که گاه زیانبار است، نمی‌تواند در برنامه اقتصادی حزب ملت ایران جایگاه ارزنده داشته باشد و در آن نظام همه مردم از کلیه بیمه‌های رایگان برخوردارند."

توسعه اقتصادی و امنیت اقتصادی:

"اگر آزادی وجود داشته باشد و همه گروههای مردم در نظام سهیم باشند، آن گاه ما در برپایی امنیت موفق خواهیم بود. بنابراین تا آزادی نباشد امنیت نخواهد بود و تا امنیت نباشد سرمایه گذاران داخلی و خارجی در کشور سرمایه گذاری نخواهند کرد، بنابراین اشتغال ایجاد نخواهد شد و بیکاری از بین نخواهد رفت. از طرفی ما یک برنامه بلند مدت اقتصادی مدون نداریم و متناسب با زمان برنامه اقتصادی را تغییر می‌دهیم. اقتصاد ما هنوز وابسته به نفت است و سرمایه‌های مردم از دست می‌رود و ما هنوز در حال در جا زدن هستیم."

نوع اقتصاد:

"ما اقتصاد بازار آزاد را قبول نداریم، ابزار و مالکیت در اختیار کسانی است که روی آن کار می‌کنند. منابع ملی متعلق به مردم ایران است و نباید در اختیار گروهی خاص قرار گیرد."

فاصله طبقاتی:

"فاصله طبقاتی در مورد گروههای اجتماعی در این چند سال چندین برابر شده است، یک گروه ۲۰ درصدی حدود ۸۰٪ منابع و امکانات را در دست دارند، همین آسمانخراشهایی که در تهران و شهرهای بزرگ ساخته‌اند از ثروت مشروع نیست و توسط همین گروه ۲۰ درصدی ساخته می‌شود، اما یک گروه ۸۰ درصدی در نهایت سختی زندگی می‌کنند، اکنون این گروه برای تأمین زندگی خود باید ۲ یا ۳ شیفت کار کنند و باید از طرف دولت به آنها رسیدگی شود تا حداقل معاش زندگی خود را بتوانند تأمین کنند."

مواضع فرهنگی:

خسرو سیف در تبیین مواضع فرهنگی این حزب اصول اساسی آن را چنین بیان می‌کند:

"حزب ملت ایران به فرهنگ ملی اعتقاد دارد و می‌کوشد تا پدیدارهای زنده فرهنگی و تمدن ایران، در جامعه کنونی با کارایی تاریخی و سازنده حضور داشته باشند و نوجوانان و جوانان کشور در خانواده این واحد ارزنده اجتماع و در اردوگاههای نظامی و در مدارس و دانشگاهها (که تحصیل در آنها رایگان است) و دیگر مجامع فرهنگی، بتوانند از آن برخورداری کامل داشته باشند. علوم و فنون و فن‌آوریهای نوین بشری که دستاورد هزاران سال تجربیات و پژوهشهای انسان است، متعلق به همه جوامع و کشورهاست و باید از آنها و همه دست آورد جدید بر پایه نیاز جامعه و فرهنگ ملی، بهره‌مندی حاصل شود و چون زنده ماندن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، در داشتن رابطه‌های سالم با یکدیگر است، ضروری است هر نوع محدودیت و بستن درهای جامعه از میان برداشته شده تا اندیشه‌ها بتوانند در جامعه باز با یکدیگر در «گفت‌وگو» قرار گیرند و دستاوردهای علمی و فنی همه ملتها در اختیار همه ملتها قرار گیرد. به تحقیق جامعه‌های بسته نه تنها توان ریسک محکمی ندارد، بلکه به مرور مستحیل در جامعه‌های دیگر خواهند شد."

آزادی بیان و آزادی اجتماعات:

"آزادی بیان، مطبوعات، نوشتار، گفتار و عقیده‌ها باید وجود داشته باشد، اگر این مطالبات به حق مردم برآورده نشود روی هم انباشته شده و به هرحال به یک صورت بروز پیدا می‌کند و نیروهای فرصت‌طلب داخلی و خارجی از این مطلب سوءاستفاده نموده و کشور دستخوش حوادث ناگواری خواهد شد، علی‌الخصوص این آزادی‌ها باید برای قشر دانشجو وجود داشته باشد.

همین طور آزادی اجتماعات باید طبق قانون وجود داشته باشد تا مردم عقاید خود را بیان کنند."

حقوق زنان:

"زنان و مردان باید دارای حقوق برابر باشند و زنان هم باید به تمام حقوق اجتماعی که شایستگی آنرا دارند دست یابند و مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی و غیره برحسب توانایی آنها به آنها سپرده شود. اما ما اعتقاد داریم زن باید در درجه اول مسئولیت اداره

خانواده و تربیت فرزندان را عهده‌دار باشد.»

جوانان:

«جوانان باید در زمینه تحصیل بتوانند بدون هیچگونه نگرانی به تحصیلات ادامه دهند. جوانان سرمایه اصلی آینده ایران هستند و سرمایه هر کشور در جوانان و نیروی انسانی کارآمد آن خلاصه می‌شود، علی‌الخصوص در کشور ما که حدوداً ۵۰٪ جمعیت را جوانان تشکیل می‌دهند باید حداکثر استفاده از این نیروی عظیم به عمل آید و بدین منظور لازم است زمینه رشد و تحصیل جوانان توسط دولت فراهم گردد. همچنین باید آگاهی‌های لازم به جوانان برای جلوگیری از فراگیری فسادهای اجتماعی که جوانان را تهدید می‌کند از جمله اعتیاد به مواد مخدر به آنها داده شود و با آن به هر صورت ممکن مبارزه شود، چراکه حربه اعتیاد به مواد مخدر یک حربه استعماری است.»

در بیانیه‌های این حزب برخی دیدگاهها و آرمانهای فرهنگی آن بیان شده که اینک به یک مورد آن اشاره می‌شود[1]:

«ـ پاس داشتن آزادی گفتار و نوشتار و گردهمایی و جلوگیری از تجاوز گروههای فشار، اجازه نشر دادن به همه روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها و فصل‌نامه‌ها و کتابهای دارای بینش‌های گوناگون بدور از هر سانسور.»

---

۱. بیانیه، ۷۶/۶/۱۵.

جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی

نام کامل: جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی

دبیر کل: محمد محمدی ری شهری (نیک)

قائم مقام دبیر کل: روح الله حسینیان، دبیر سیاسی: احمدپور نجاتی، دبیر اقتصادی: محمدشریعتمداری.

اعضای فعال: محمد محمدی ری شهری (نیک)، مرحوم علی اکبر ابوترابی فرد، سید علی غیوری نجف آبادی، روح الله حسینیان،علی رازینی،احمد پور نجاتی، محمد شریعتمداری، محمد صادق عرب نیا، محسن سلطانی شیرازی، شریفی، رفیعی، شکوهی.

مرامنامه:

مرامنامه جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی به مثابه اصول محوری و عصاره مواضع تفصیلی جمعیت (که مستقلاً منتشر می‌شود) و مبتنی بر مبانی و موازین اساسی به شرح ذیل است:

۱- اسلام ناب محمدی (ص) که همان مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

۲- نگرش فقهی حضرت امام خمینی (ره) به حکومت اسلامی که به ولایت فقیه مشهور است.

۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴- وصیت نامه ـ سیاسی الهی حضرت امام خمینی (ره)

۵- منشور «برادری» منشور «روحانیت» و دیگر پیامهای امام راحل به ویژه پیام‌های حج.

۶- سیره عملی امام راحل (ره).

۷- رهنمودهای رهبر عزیز انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله.

۸- وصیت‌نامه شهیدان بزرگوار انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

جمعیت عمیقاً اعتقاد دارد مبانی و موازین مذکور به مثابه سرمایه گرانقدر انقلاب مردم ما همواره می‌بایست مورد صیانت قرار گیرد.

تاریخچه تشکیل:

آستانه انتخابات درکشورمان همواره نقطه عطف فعالیت‌های سیاسی بوده، به شکلی که در آستانه انتخابات مجلس سوم شاهد تشکیل مجمع روحانیون مبارز (جناح چپ) و در آستانه مجلس پنجم شاهد ظهور دو حزب کارگزاران سازندگی و جمعیت دفاع از ارزشها بودیم. تنها سه هفته پس از نامه ۱۶ تن از معاونان و وزراء رئیس جمهور (هاشمی رفسنجانی) به مجلس شورای اسلامی و تشکیل غیر رسمی حزب کارگزاران سازندگی در اول بهمن ماه ۱۳۷۴، جمعیت دفاع از ارزشها با انتشار بیانیه‌ای موجودیت خود را اعلام نمود.

در آستانه انتخابات مجلس پنجم و در تاریخ ۷۴/۱۱/۱۸ محمد محمدی ری شهری (نیک)، سرپرست حجاج ایرانی در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان دیدگاههای خود را در مورد مسائل مختلف کشور بیان نمود، ایشان در این مصاحبه چنین می‌گوید[۱]: "مصلحت نظام

---

۱. کیهان، ۷۴/۱۱/۱۸.

مصلحت ارزشهاست، مصلحت خدمت به مردم و مصلحت حل کردن مشکلات مردم است. در فضای سیاسی، فرهنگی و تبلیغاتی مناسب طبیعتاً احزاب و گروهها، فعالیت چشمگیری می‌توانند داشته باشند. هفت روز بعد در تاریخ ۷۴/۱۱/۲۵ ایشان با صدور بیانیه‌ای که در روزنامه کیهان به چاپ رسید چنین می‌گویند[۱]:

"ما جمعی از دلسوزان نظام در راستای دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی وظیفه خود می‌دانیم که از تمامی آحاد ملت عزیز و رشید ایران اسلامی دعوت کنیم تا با حضور فعال و مسئولانه و گسترده خود در حوزه‌های رأی‌گیری سهم خود را در انجام این وظیفه خطیر دینی و ملی ادا نمایند. گذر از مرحله کنونی برای رسیدن به اهداف مطلوب نظام در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تنها و تنها در بستر اندیشه‌های بلند حضرت امام راحل(ره) و رهنمودهای حکیمانه و دوراندیشانه رهبر عزیز انقلاب به دور از برداشتها و سلیقه‌های محدود و جناحی امکان‌پذیر است."

بالاخره در روز ۷۴/۱۱/۲۸ ری شهری[۲] بار دیگر با روزنامه کیهان مصاحبه‌ای انجام داد و رسماً تشکیل جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی را اعلام می‌کرد ایشان می‌گوید: "گروهی از دلسوزان انقلاب به زودی تحت عنوان «جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی» به فعالیت خواهند پرداخت." در همین مصاحبه ایشان می‌گوید: "طیف گسترده‌ای از شخصیت‌ها و افراد صاحب نظر این حرکت را تأیید می‌کنند، لیکن افرادی که به طور مستقیم همکاری نزدیک دارند گروهی از دلسوزان نظام هستند که عنداللزوم اسامی آنها اعلام می‌شود. "ایشان ادامه می‌دهد." این حرکت مقطعی نیست و نام مورد نظر ما «جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی» است و ما پیگیر سیر مراحل قانونی برای اعلام آن هستیم."

سپس در تاریخ ۷۴/۱۱/۳۰ ایشان در مصاحبه‌ای مطبوعاتی[۳] مواضع و برنامه سیاسی - اجتماعی خود را اعلام نمودند. ایشان در این مصاحبه می‌گوید: "جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب صددرصد آرمانی و در راستای تحقق ارزشهای الهی و انقلابی خواهد بود." "تشکل

---

۱. همان، ۷۴/۱۱/۲۵.　۲. همان، ۷۴/۱۱/۲۸.　۳. همان، ۷۴/۱۱/۳۰.

سیاسی ضرورت انقلاب و جمهوری اسلامی است اما این تجربه نباید آلوده به گروه گرایی، تفرقه، فساد و قدرت‌طلبی شود." این جمعیت بالاخره در تاریخ ۷۶/۷/۲۷ موفق بـه اخـذ مجوز از وزارت کشور شد. پس از انتخابات مجلس پنجم که با فعالیت ناچیز این جمعیت همراه بود از نیمه دوم سال ۱۳۷۵ بحث انتخابات ریاست جمهوری مطرح شـد، از هـمان ابتدای بحث در مورد کاندیداهای احتمالی برای ریاست جمهوری آیـنده، بـرخـی مـنابع نزدیک به این جمعیت از احتمال معرفی کاندیدا از سوی این جمعیت خبر دادند تا آنکه در آذر ماه سال ۱۳۷۵ این جمعیت رسماً حجت الاسلام ری شهری دبیر کل این جمعیت را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی نمود. هر چند در ابتدا به دلیل ویژگیهای خاص این جمعیت و فرا جناحی بودن آن استقبال بسیاری از طرف مردم از ابتکار این حـزب بـه عمل آمد، لیکن در آستانه انتخابات ریاست جمهوری به دلیل شیوع برخی از شایعات مبنی بر کناره‌گیری ایشان از رقابت‌های انتخاباتی و برخی جریانات دیگر عملاً کاندیدای ایـن جمعیت به موفقیت چندانی دست نیافت. پس از انتخابات و شفاف شدن جریانات سیاسی، این جمعیت دستخوش تغییرات و اختلاف دیدگاههای فراوانی شد. شاید بتوان مهمترین دلیل این اختلافات را تمایل نسبی برخی از اعضای فعال این حـزب بـه جـناح‌های قـالب سیاسی یعنی چپ و راست دانست. از طرفی عوامل متعدد دیگری باعث آن شد که انـدک اندک فعالیت‌های این جمعیت کاهش یابد و بالاخره در آبان ماه سال ۱۳۷۷ توقف فعالیت سیاسی این جمعیت اعلام شد.

گرایش سیاسی:

جمعیت دفاع از ارزشها را به جرأت می‌توان یک حزب غیر وابسته به جناحهای سیاسی آن دوره زمانی (سال ۱۳۷۵) دانست. این حزب با تأکید بر حفظ ارزشها و اصول اسـاسی انقلاب پا به عرصه وجود گذاشت و ترکیب اعضای هیئت مؤسس آن به گـونه‌ای بـود کـه شائبه هر گونه رفتار جناحی از این حزب را بر طرف می‌نمود. محمد محمدی ری‌شهری (نیک) که به مدت ۸ سال پست وزارت اطلاعات را در کابینه مهندس مـوسوی بـر عـهده

داشت، بیشتر یک چهره معتدل و فرا جناحی محسوب می‌شد و می‌شود. ایشان هر چند در کابینه‌ای با گرایش چپ عضویت داشت ولی بر خلاف نظر برخی از تحلیلگران که وی را متمایل به چپ می‌دانستند، هیچگاه به یکی از دو جناح وابسته نبود، حتی پس از انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز و ایجاد دو جناح به اصطلاح چپ و راست، ایشان پیشنهاد وحدت دوباره این دو جناح روحانی را مطرح و به امام (ره) ارائه نمودند که البته پذیرفته نشد.

در جمعیت دفاع از ارزشها برخی نیروهایی که اکنون راست و برخی از نیروهایی که اکنون چپ خوانده می‌شوند حضور داشتند، مثلاً حجت‌الاسلام سیدعلی غیوری نجف آبادی عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز (جناح راست) می‌باشد و آقایان روح اله حسینیان و مرحوم سیدعلی‌اکبر ابوترابی فرد و علی رازینی از منتسبان به جناح راست هستند، در حالی که احمدپور نجاتی و علی شریعتمداری کاملاً دارای دیدگاههای معتدل و تا حدودکمی چپ هستند. به طوری که علی شریعتمداری در کابینه سید محمد خاتمی به پست وزارت بازرگانی منصوب شد و احمد پورنجاتی که از قائم مقامی ریاست سازمان صدا و سیما استعفا داده بود در لیست جبهه مشارکت و مجمع روحانیون مبارز به عنوان نامزد ششمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و با آراء بالایی وارد مجلس شد. در مورد گرایش سیاسی این جمعیت آراء مختلفی وجود دارد، برخی‌ها این جمعیت را چپ جدید یا چپ ولائی‌تر (دارای وفاداری بیشتر به ولایت فقیه) و برخی آنها را راست معتدل و ارزشی خوانده‌اند، به هر حال به نظر می‌رسد که این جمعیت در قالب جناح بندی‌های سیاسی امروز کشور نیست و بیشتر یک حزب فراجناحی با دیدگاههای ارزشی، اصولی و آرمانگرا می‌باشد.

احمد پورنجاتی دبیر سیاسی و عضو برجسته این جمعیت در مورد گرایش سیاسی این جمعیت می‌گوید[1]:

"اقتصاد این است که مواضع امام را اگر مبنا قرار بدهیم، به هر حال بخواهیم یا نخواهیم

---

۱. انتخاب، ۷۸/۵/۳۰.

این انقلاب با دیدگاههای امام تعریف شد،با دیدگاههای امام هم شکل گرفت و اگر هر قدر هم به پیش برویم ما حجیت اصالت حرکتها را دیدگاه امام می‌دانیم. این دیدگاه، دیدگاهی جامع بود. دیدگاهی که در آن مردم به طور جدی و نه شکلی، موثرند. در مواضع اقتصادی، رادیکال و مستضعف‌گراست، به تعبیری یعنی عدالت را محور قرار می‌دهد. در مواضع فرهنگی هم اصولگرا و هم پویا است. یعنی نه محدود اندیش است و نه لیبرال. در مواضع سیاسی هم معتقد به تکثر در داخل و استقلال فعال سیاسی در سطح بین‌المللی است. این مجموعه را ما ارزشهای انقلاب اسلامی نام‌گذاری کردیم. فکر می‌کنیم بخشی از همه این مواضع در تمام جناح‌ها وجود دارد یعنی جامع دیدگاههای اصولی جناحهای «خودی» است.»

تشکیلات و نشریات وابسته:

در ابتدای تشکیل، این جمعیت به سرعت از لحاظ تشکیلاتی رشد نمود و به عنوان اولین حزب جدی و فراگیر پس از انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز در سال ۱۳۶۷ مطرح شد و با اقبال وسیع مردم که آن را فراجناحی و حامی ارزشهای انقلاب می‌شمردند مواجه شد. پس از تشکیل و ایجاد دفتر جمعیت در تهران به مرور زمان در شهرهایی چون اصفهان، اهواز، مناطق مختلف تهران و شهرهایی دیگر دفاتر جمعیت و تشکیلات منسجم ایجاد شد. این وضعیت تا انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ماه ۱۳۷۶ ادامه داشت. اما پس از آن به دلیل اختلافات درونی و ضعف سازماندهی و بنیه مالی و از طرفی تفاوت دیدگاههای سیاسی فاحش بین اعضای مؤسس این جمعیت همچنین اشتغال تمامی اعضای اصلی این جمعیت در مشاغل دولتی فعالیت‌های سیاسی این جمعیت به شدت کاهش یافت. علی‌الخصوص کمبود بنیه مالی، باعث کاهش فعالیت‌های تشکیلاتی این جمعیت در شهرستانهای مختلف گردید. پس از آن جمعیت اعلام کرد که فعالیت تشکیلاتی خود را فقط در تهران متمرکز خواهد کرد و دفاتر خود در شهرستانها را تعطیل می‌کند. پس از این فعل و انفعال به دلیل عدم رهبری متمرکز در این

جمعیت (به دلیل اشتغال شدید دبیر کل و سایر اعضای شورای مرکزی در کارهای دولتی) و مطالبات روزافزون هواداران این جمعیت در نقاط مختلف کشور و عدم توانایی پاسخگویی به این مطالبات از سوی دست‌اندرکاران، جمعیت دفاع از ارزشها این جمعیت در آبانماه سال ۱۳۷۷ فعالیت‌های خود را متوقف نمود.

در همان ابتدای تشکیل این جمعیت، هفته نامه ارزشها به مدیر مسئولی محمدی ری‌شهری و سردبیری احمد پورنجاتی منتشر شد، که دیدگاههای این جمعیت را تا حدودی منعکس می‌نمود. لیکن پس از آن محمدی ری‌شهری از مدیر مسئولی این هفته نامه استعفا داد و احمد پورنجاتی مدیر مسئول این هفته نامه شد.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

اکثر اعضای مؤسس این جمعیت قبل از انقلاب دارای فعالیت سیاسی بوده‌اند و سوابق انقلابی قابل توجه‌ای دارند و اکثراً پس از پیروزی انقلاب در مشاغل مهم دولتی مشغول به کار شدند. این حزب گرچه یک حزب کاملاً دولتی نیست، لیکن از پایین به بالا شکل نگرفته، بلکه در نزدیکی بالای هرم قدرت سیاسی کشور شکل گرفته است. اکثر اعضای مؤسس این حزب در بعثه مقام معظم رهبری و دفتر نمایندگی ولی فقیه در حج مشغول به کار بوده و هستند و آقایان ری‌شهری، غیوری، پورنجاتی و برخی دیگر، از اعضای برجسته بعثه مقام معظم رهبری هستند. همچنین بعضاً اعضای برجسته این حزب سابقاً در وزارت اطلاعات مشغول به کار بوده‌اند و سپس از آن کناره گیری کردند، از جمله این افراد محمدی ری شهری، روح‌اله حسینیان و محمد شریعتمداری هستند.

به لحاظ موقعیت زمانی تشکیل این حزب در سال ۱۳۷۴ و دیدگاههای فراجناحی، ارزشی و آرمانگرایی این حزب می‌توان گفت تقریباً بسیاری از توده مذهبی مردم گرایش فوق العاده‌ای به این حزب نشان دادند. به طوری که تشکیلات این حزب به سرعت توسط اساتید دانشگاه، دانشجویان، دانش‌آموزان و اقشار مذهبی مردم شکل گرفت و از لحاظ تشکیلاتی در آن مقطع زمانی تنها حزب در حال رشد تشکیلاتی بود.

مواضع سیاسی:

محمد محمدی ری‌شهری دبیر کل و از چهره‌های برجسته سیاسی پس از انقلاب در مورد علل پیدایش و اهداف این جمعیت چنین می‌گوید[1]:

"جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی قصد دارد با همکاری صمیمانه مردم به ویژه اقشار تحصیل کرده خلاء ناشی از عدم حضور تشکلهای سیاسی را در جامعه پر کند."

"هدف ما ایجاد یک تشکل سیاسی قوی و فراگیر از همه نیروهای متعهد به ولایت فقیه در راستای دفاع از ارزشهای انقلاب است. تشکلی که مضار تخرب را نداشته باشد و بتواند همه نیروهای متعهد و وفادار به آرمانهای امام راحل رضوان الله تعالی علیه و خلف صالح او رهبر عزیز انقلاب را جذب کند."

"اولین ویژگی که اساس همه ویژگیهای (جمعیت دفاع) است قیام برای خداست."

"در رأس همه ارزشها، مسئله امامت و رهبری و تعهد نسبت به ولایت فقیه، استکبارستیزی، طرفداری از مستضعفان و پابرهنه‌ها، مبارزه با رفاه‌طلبی و به طور کلی حراست از ارزشهایی است که انقلاب برای جامعه به وجود آورده است."

جمعیت دفاع از ارزشها در بیان مواضع خود فلسفه وجودی این جمعیت را چنین بیان می‌کند:

"«تمدن نوین اسلامی» تبلور عینی اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی است. این هدف بزرگ جز با حضور و مشارکت گسترده و فعال و آگاهانه همه اقشار جامعه، چه توده‌ها و چه نخبگان، دست یافتنی نیست. سازماندهی فکری و عملی اقشار جامعه در راستای چنین هدف سترگ و ارزشمندی نیازمند رهیافت‌های دقیق تشکیلاتی و نظریه پردازیهای عمیق مکتبی است.

«جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی» بر اساس جمع بندی و تحلیل شرایط کنونی نظام و آینده‌نگری انقلاب اسلامی به همت جمعی از عناصر دلسوز نظام و وفادار به آرمانهای ولایت برای پاسخگویی به یک نیاز اساسی پا به عرصه وجود نهاد: نیاز به یک

---

۱. مرامنامه و مواضع جمعیت دفاع از ارزشها منتشره در آستانه انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری.

بستر تشکیلاتی مناسب برای احیاء و ترویج و دفاع مستمر از ارزشهای انقلاب اسلامی.

عوامل استحاله انقلاب:

"زمزمه‌های جدایی دین از سیاست،لیبرالیسم،بی بندوباری فرهنگی، رفاه‌طلبی به بهای وابستگی اقتصادی،سازش و مدارا با جهانخواران و معامله با آنان بر سر مصالح ستمدیدگان، به طور مشخص در قضیه فلسطین و در یک کلام انزوای انگیزه انقلابی و بسیجی در تحت عنوان فریبنده همزیستی بین المللی یا «مدارای مدنی» ردپای افراد و جریانهایی است که استحاله انقلاب و بازگرداندن وابستگی همه جانبه ملت را دنبال می‌کنند."

احمد پورنجاتی از اعضای برجسته و مؤسس این جمعیت که سابقهٔ قائم مقامی صداوسیما را دارد، در انتخابات ششمین دوره مجلس از سوی مجمع روحانیون و جبهه مشارکت به عنوان نماینده تهران وارد مجلس شد و ریاست کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر عهده دارد، وی همچنین همزمان مشاور رئیس جمهور و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز هست. ایشان در مورد مسائل سیاسی کشور چنین می‌گوید[1]:

وحدت:

"ما به دنبال «وحدت اصولی» هستیم نه وحدت صلواتی"

"دیدید در جامعه دو نفر دعوا می‌کنند یک کسی می‌گوید آقا بروید صلوات ختم کنید. حالا صلوات خیلی چیز خوبی است، ولی مشکل را باید ریشه یابی کرد. نه،ما به دنبال وحدت صلواتی نیستیم،ما بدنبال وحدت اصولی هستیم. یعنی اینکه سلیقه‌ها، مرز بندی‌ها هم سر جای خود باشد."

فرافکنی و برداشت مردم:

"بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر مردم از خشونت بدشان می‌آید،حوصله این جارو جنجالها را ندارند و دیگر حتی از بعضی تعابیر هم دل زده شده‌اند، که مثلاً هر مسئله‌ای پیش می‌آید، بگوییم آقا یک کسی آن طرف عالم نشسته برای شما نقشه کشیده است. احساس می‌کنند نه

---

۱. انتخاب، ۳۰ و ۷۸/۵/۲۸.

باباجان ما که می‌دانیم که این آقای بخشدار ما در اینجا ضعیف بوده است، چرا این را نسبت بدهیم به آقای کلینتون! این را بعضی‌ها تعبیر می‌کنند به اینکه پس مردم دیگر از سیاست زده شده‌اند. نه! مردم از همان جنبه‌های افراطی و شعار گونه بیزارند."

نقش مستقل در عرصه سیاست:

"در سطوح مدیریت عالی نظام،رهبری نظام،رئیس جمهوری، آنها باید بـه مستقل‌ها میدان بدهند، به آنها دلگرمی بدهند، اینها را بخواهند، از اینها نقش بخواهند، در حقیقت اینها احساس کنند با یک پشتوانه و دلگرمی می‌توانند بروند به سمت اینکه نقش تعادل بخشی را ایفا بکنند بدون اینکه هدف آنها این باشد که یک وحدت صلواتی،بـه وجود بیاورند."

جمعیت دفاع از ارزشها:

"البته «جمعیت دفاع از ارزشها انقلاب اسلامی» با هدف حضور مستقیم در انتخابات شکل نگرفت. حقیقت این است که یک تجربه‌ای بود برای تأثیر گذاری از موضع «میانه» و «مستقل» بر فضای سیاسی «راکد» قبل از انتخابات، یعنی انگیزه اولیه حرکت «جمعیت» که حتی قبل از رسمیت حقوقی خود به شکل «محفلی» عمل می‌کرد و ارتباطاتی برقرار کرده بود با فعالان سیاسی آن موقع، انگیزه اولیه‌اش واقعاً تأثیرگذاری و تحرک بخشی بود و در واقع به هم زدن مرز بندی‌های کاذبی که منجر به «عزلت گزینی» بخش مهمی از فعالان سیاسی جامعه شده بود، یعنی جریان چپ و میدان دارای مطلق یک جریان دیگر، هدف این بود."

الگوی حکومت اسلامی:

"الگوی حکومتی ما، دموکراسی متعهد به ایدئولوژی یا عقیده دینی است که مدام در حال گذار از نقطه کنونی به نقطه مطلوب است. بنابراین یک پویایی انقلابی را همواره در خود مستتر دارد. به همین دلیل با این تعریف ما در یک دوره انقلاب داشتیم،حالا یک دوره نظام داریم."

قانون اساسی:

"ما همین قانون اساسی را هم یک قانون کاملی نمی‌بینیم، ولی همین قانون اساسی که مورد وفاق و میثاق عمده ملت ما بوده تا رسیدن کامل به آن خیلی فاصله داریم."

طیف‌های سیاسی امروز کشور:

"«تجدید نظر طلب» طیفی است که می‌خواهد از مواضع اصلی انقلاب و دیدگاه اصولی انقلاب دور شود.یا «اخباری‌گری» در واقع دیدگاهی است که همانطور که نسبت به اصل انقلاب هم با تردید و تشکیک و محافظه کاری برخورد می‌کرد و به زور به صحنه آمده است، هر مرحله‌ای که می‌آید رسوب می‌کند و در واقع پتانسیل پویایی ندارد، این دو با هم فرق می‌کنند."

"ظاهرگرایی و تجدید نظرطلبی هر دو دیدگاه به بیراهه می‌روند. آنها عملاً به تجدید نظرطلبی مبتلا می‌شوند، اینها دچار اخباری‌گری و خلاصه ظاهرگرایی هستند. این دو طیف را من در واقع دو طیف «افراطی» و «تفریطی» می‌دانم که در دو انتهای جبهه «خودی» هستند که جبهه عریضی است."

جبهه خودی و غیر خودی:

"جبهه خودی حال به تعبیری که مصطلح هستند از نظر بنده جبهه‌ای است به اندازه نزدیک به تمام فضای سیاسی داخل کشور،نزدیک به تمام. یعنی باند «غیر خودی» در دیدگاه بنده بسیار بسیار محدود است. علت اینکه بعضی وقتها درشت به چشم می‌آید به خاطر وجود همین دو طیفی (افراطی و تفریطی).است که در جبهه خودی وجود دارند. چه آنهایی که مثل اخباریون چسبیده‌اند به مظاهر و ظواهر. چه آنهایی که مشابهت‌هایی گاهی اوقات در برداشتهایشان وجود دارد، با دیدگاههایی این غیرخودیها، یک رزونانس یا تشدیدی به وجود می‌آورند در حالی که غیر خودی نیستند."

در بیانیه شماره یک این جمعیت مبانی فکری آن چنین بیان شده است[1]:

"ما عمیقاً اعتقاد داریم که گذار از مرحله کنونی برای رسیدن به اهداف مطلوب نظام در

---

۱. کیهان، ۷۸/۱۱/۲۵.

زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تنها در بستر اندیشه‌های بلند امام راحل(ره) و رهنمودهای حکیمانه و دور اندیشانه رهبر عزیز انقلاب اسلامی به دور از آرایه‌ها، پیرایه‌ها، برداشتها و سلیقه‌های محدود و جناحی امکان‌پذیر است.″

برخی دیدگاههای این حزب راجع به ساختار حکومت که برگرفته از دیدگاههای منتشر شده توسط این حزب می‌باشد، به شرح ذیل است[۱]:

″۱- هدف اصلی نهضت اسلامی تحقق اسلام در قالب نظام اجتماعی با تمامی ابعاد آن بوده است.

۲- نظام مورد نظر برخاسته از انقلاب اسلامی نظامی است دینی و مردمی. این دو خصیصه غیر قابل تفکیک از یکدیگرند. قدرت حکومت در نظام اسلامی منشأ الهی و مظهر مردمی دارد.

۳- در نظام اسلامی، مردم شاخص مقبولیت نظام هستند و منزلتی همسنگ با اصل نظام دارند. رأی مشروع مردم معیار تصمیم‌گیری است. «میزان رأی ملت است».

۴- حضور مسئولانه مردم در مقدرات نظام ضامن حفظ و تداوم حرکت انقلاب اسلامی و تحقق و پایداری ارزشهای آن است، گرچه مواضع و مجاری حضور مردم را موازین قانونی مشخص می‌کند، اما هیچگاه نباید مردم از صحنه مؤثر سیاسی کشور حذف شوند.

۵- در اسلام، رهبری، امانتداری و نگهبانی و خدمتگزاری است. آنچه در اسلام به نام حقوق رهبری شناخته شده است در واقع حقوق مردم است.

۶- مبنای حکومت در نظام اسلامی، نیاز حقیقی مردم است. بر خلاف حکومتهای عرفی که مبنای حکومت خواست مردم است. بر این اساس در نظام اسلامی نیاز مردم محدوده اختیارات حکومت و رهبری را تعیین می‌کند و نه خواست آنان، امانتداری حکومت و حقوق واقعی مردم ایجاب می‌کند نیاز آنان مقدم باشد.

۷- «ولایت مطلقه فقیه» در محدوده مبانی ارزشی اسلام و نیازهای واقعی انسان است. از این رو نه تنها ولایت مطلقه فقیه جامع الشرایط برای رهبری، تضاد با حقوق مردم ندارد

---

۱. مرامنامه و مواضع جمعیت دفاع از ارزشها منتشره در آستانه انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری.

بلکه مبنای ولایت فقیه ادای حقوق واقعی مردم است.

۸- در عصر غیبت کبری امام عصر (عج) فعلیت ولایت فقهای واجد شرایط رهبری، منوط به رجوع و رأی مردم یا نمایندگان منتخب مردم است. پس از بیعت مردم با فقیه جامع الشرایط رهبری، ولایت او بر همه مردم حتی بر سایر فقها نافذ و جاری خواهد بود و تخلف از احکام ولایی رهبر جایز نیست.

۹- اصول و محکمات نظام اسلامی که در حقیقت خصائص ذاتی و پایدار نظام هستند عبارتند از: خدا محوری (هدف نهایی جلب رضایت خداوند و انجام تکلیف است)، دین مداری (اجرای همه جانبه شریعت)، ولایت مطلقه فقیه، جمهوریت (مردمگرایی و نفی خودکامگی)،عدالت جویی، استکبار ستیزی، مبارزه با سرمایه سالاری.

۱۰- در نظام اسلامی هیچ فرد یا گروه و یا قشر یا صنف خاصی نسبت به دیگری، برتری یا امتیاز ویژه ندارد و همه در چارچوب قانون حقوق و تکالیفی دارند.

۱۱- قانون اساسی به عنوان میثاق انقلاب اسلامی و خونبهای شهیدان بزرگوار انقلاب معیار محوری تنظیم روابط قدرت در ساختار سیاسی و اجرایی نظام، تأمین کننده حقوق ملت و تعیین کننده حدود فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی است و باید به طور همه جانبه به اجرا درآید و از هر نوع تعرض و تحلیل مصون نگاه داشته شود.

۱۲- رهبری در نظام اسلامی شاخص مشروعیت نظام است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ولایت مطلقه فقیه صحه گذارده است و بنابراین به اعتقاد ما هیچ تعارضی بین ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی وجود ندارد.

۱۳- با توجه به جایگاه رفیع و مؤثر رهبری در نظام اسلامی و مسئولیتی که بر طبق قانون اساسی در تعیین سیاستهای کلی نظام بر عهده رهبری قرار گرفته، ایجاد نهاد رهبری به مثابه کانون مرکزی نظارت مقام ولایت بر چگونگی تکوین و توسعه ساختار قدرت در نظام ضروری به نظر می‌رسد.

جمعیت دفاع از ارزشها رسماً دیدگاههای سیاست داخلی خود را بشرح زیر اعلام

نموده است[۱]:

"۱- یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی برای مردم ایران ایجاد و تعمیق حساسیت سیاسی در بین توده‌های مردم و محو بی تفاوتی و انفعال سیاسی در جامعه است. ما اعتقاد داریم این رهاورد ارزشمند همواره می‌بایست محفوظ بماند و به ویژه در میان نسل نوخاسته و جوان جامعه تحکیم و گسترش یابد.

۲-فعالیت سیاسی مشروع و قانونی حق همه افراد جامعه است. مرزبندی‌های سیاسی کاذب که منجر به حذف نیروهای متعهد و معتقد به نظام می‌شود قابل قبول نیست، همه نیروهای وفادار به نظام و قانون اساسی و ملتزم به ولایت فقیه با هر گرایش سیاسی حق دارند آزادانه در چارچوب مقررات قانونی فعالیت کنند. مرز بین انقلاب و ضد انقلاب، خودی و غیر خودی، متعهد به ولایت فقیه و مخالف ولایت فقیه را داوری‌های شخصی یا گروهی تعیین نمی‌کند. اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی و ارکان نظام شاخص مرز بندی تلقی می‌شود.

۳-ما با توجه به سیره عملی حضرت امام‌خمینی(ره) و خلف صالح او حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی در برخورد با نیروهای خودی معتقد به شمول‌گرایی سیاسی هستیم. مفهوم شمول‌گرایی نفی انحصارطلبی و برخوردهای حذفی با نیروهای انقلاب است که از گرایش‌ها و سلیقه‌های سیاسی متفاوتی برخوردارند، از نظر ما انحصارطلبی سیاسی از هر جناح و گروه که باشد مطرود و مخالف سیره امام(ره) و مشی رهبری انقلاب است.

۴-مقتضیات کنونی نظام و آینده نگری روشن و بالنده انقلاب اسلامی نیازمند نهادینه شدن تلاشهای سیاسی جریانها و جناحها و سلیقه‌های مختلف موجود در جامعه است. بنابراین گسترش فعالیتهای متشکل سیاسی در قالب احزاب و جمعیتها و در محدوده قانون و مقررات یک امر مطلوب و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود.

آزادی قانونی فعالیت احزاب و گروهها می‌بایست از سوی مراجع مسئول تضمین و مورد حمایت قرار گیرد.

---

۱. مرامنامه و مواضع جمعیت دفاع از ارزشها.

۵- از آنجا که حضور مستقیم و بی واسطه اقشار و اصناف مختلف جامعه در فعالیتهای اجتماعی نقش بسزایی در تحکیم قدرت ملی و سلامت جریان امور خواهد داشت، ما بر این باوریم که اجرای کامل قانون شوراها و گسترش تشکلهای صنفی می‌تواند بخش مهمی از هدف مذکور را تحقق بخشد. لازمه چنین خواستی فراهم شدن زمینه‌های نقش آفرینی حقیقی برای حضور اقشار مختلف در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست گذاری و برنامه ریزی کشور است.

۶- حرمت آزادی بیان چه در عرصه مطبوعات و چه در قلمرو نشر کتاب و چه در اجتماعات مردمی همواره می‌بایست در چارچوب ضوابط قانونی محفوظ و محترم شمرده شود. ما با هرگونه جریان فشار خارج از حدود شرعی و قانونی بر علیه جریان آزاد اندیشه مخالف هستیم.

۷- در حوزه سیاسی داخلی اصل «وحدت و یکپارچگی ملی» را یک رکن اساسی می‌دانیم و هر عامل و عملی راکه وحدت جامعه را خدشه دار سازد ضد انقلابی تلقی می‌کنیم.

۸- حفظ نظام را همچنان که امام راحل(ره) نیز تصریح داشته‌اند بالاترین مصلحت می‌دانیم و هر عامل و عملی راکه مخل آن باشد ضد انقلابی و محکوم می‌شماریم.

۹- با توجه به جایگاه مهم نیروهای مسلح و دستگاه اطلاعاتی نظام در صیانت از اصل انقلاب و کلیت نظام و ضرورت تبعیت کامل از تدابیر رهبری مقام معظم رهبری انقلاب، با داخل شدن این ارگانها و نهادها در فعالیت‌های سیاسی (احزاب و دستجات و جناحهای سیاسی) مخالف هستیم. (صفحه ۲۶ وصیت نامه حضرت امام ره)

۱۰- نصیحت (خیر خواهی و تذکر مشفقانه) به رهبران و مسئولان نظام به مثابه یک حق و تکلیف متقابل بین مردم و متصدیان کشور تلقی می‌شود و باید در فضای سیاسی کشور به طور آزادانه و با رعایت حدود شرعی و قانونی جریان داشته باشد.

۱۱- با توجه به منزلت و نقش دوکانون مهم جریانساز یعنی حوزه و دانشگاه در هدایت عمومی جامعه عمیقاً اعتقاد داریم همواره باید این دو کانون از حیات فعال سیاسی

برخوردار و نقش پیشتازی داشته باشند و بنابراین با هر نوع سیاست زدایی در آنها مخالفیم و با این گونه اندیشه‌های غیر انقلابی به طور شایسته مقابله خواهیم کرد.

۱۲- برای بهره گیری مناسب از ظرفیت سیاسی طلاب جوان و پر شور حوزه‌ها و جریان دانشجویی کشور می‌بایست به طور نهادینه برنامه‌ریزی شود تا از دیدگاهها و توانائی‌های این دو قشر به طور جدی بهره‌برداری گردد."

دیدگاههای رسمی این جمعیت در مورد سیاست خارجی به شرح زیر است[1]:

"۱- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخاسته از روح استقلال‌طلبی و استکبار ستیزی انقلاب اسلامی است که هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری را نفی کرده و در راستای تعالی جوامع بشری و گسترش فرهنگ و ارزشهای اسلام ناب با هدف ایجاد تمدن نوین اسلامی تلاش می‌کند.

۲- سیاست خارجی نظام همچنان که رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز تصریح کرده‌اند بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت استوار است. بنابراین تاکید بر ارزشهای اسلامی و رعایت احترام و حقوق متقابل در مناسبات و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در صحنه‌های بین المللی همواره باید مبنای دیپلماسی کشور باشد.

۳- برقراری، توسعه و تحکیم روابط با کلیه کشورهای غیر معاند جهان با اولویت ملل مسلمان، همسایه و غیر متعهد بر اساس احترام و منافع متقابل می‌بایست به عنوان یک اصل دائمی مورد توجه باشد.

۴- بنابر رسالت انقلابی نظام در توسعه روابط با ملل مستضعف جهان نباید به منافع کوتاه مدت و صرفاً اقتصادی اندیشید، بلکه می‌بایست بر اساس اهداف دراز مدت فرهنگی برای کمک به آنان در حد توان کوشش شود.

۵- صدور فرهنگ متعالی و انسانساز ارزشهای انقلاب اسلامی و تجربیات ارزشمند جمهوری اسلامی ایران در راستای حفظ و تحکیم استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دیگر کشورهای جهان به ویژه ملل مسلمان و مستضعف، یکی از رسالتهای مهم سیاست

---

۱. مرامنامه و مواضع جمعیت دفاع از ارزشها.

خارجی ایران است.

۶- ما بر این باوریم که مقابله با سیاستهای سلطه جویانه و توسعه طلبانه قدرتهای استکباری از طریق تقویت اتحاد امت اسلامی و حمایت از نظام‌های مستقل و ملل مستضعف امکان‌پذیر است.

۷- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره باید در جهت وحدت امت اسلامی نقش پیشتاز داشته باشد و تا برپایی اتحادیه بزرگ کشورهای اسلامی به عنوان قدرت مؤثر در عرصه بین‌المللی تلاش کند.

۸- حمایت از آرمان ملت مسلمان و مظلوم فلسطین برای آزادی قدس شریف و مبارزه همه جانبه و بی امان با رژیم نامشروع و غاصب صهیونیستی از طریق بسیج نیروهای جهان اسلام یکی از اصول پایدار سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

۹- جمهوری اسلامی ایران می‌بایست همواره در صحنه‌های بین المللی و منطقه‌ای حضور فعال و نقش آفرین داشته باشد و در جهت حفظ ثبات و صلح جهانی کوشش کند.

۱۰- حقوق بشر به مفهوم حقیقی آن که دفاع از عزت و شرف و کرامت و آزادگی انسانهاست یکی از ارزشهای مورد قبول انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است. ما اعتقاد داریم باید به طور صریح بین حقوق بشر مورد ادعای قدرتهای استکباری که به مثابه حربه‌ای برای اعمال فشار به نظام‌ها و دولتهای مستقل در جهت تامین منافع نامشروع مورد استفاده قرار می‌گیرد مرز بندی شود.

۱۱- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیوسته باید با سیاستهای توسعه طلبانه و زیاده خواهانه قدرتهای استکباری به ویژه دولت ایالات متحده امریکا مقابله کند و یکی از مهمترین شیوه‌ها را افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و کمک رسانی به جریان شکل‌گیری قطب بندی‌های جدید بین المللی به نفع جریان غیر متعهد و نظام‌های مستقل می‌دانیم.

۱۲- سیاست خارجی کشور می‌بایست همواره موضع فعال داشته باشد. بنابراین ایفاء نقش مستقیم و فعال به منظور حل و فصل مناقشات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (میانجیگری) به منظور حفظ ثبات و صلح جهانی امری لازم و مفید در سیاست خارجی تلقی می‌شود.

۱۳- تروریزم به هر شکل اعم از دولتی و غیر دولتی، شیوه‌ای غیر انسانی و محکوم است، بدون شک بین تروریزم و مبارزات حق‌طلبانه مردم تحت ستم بیگانه یاکشور تحت اشغال رژیم‌های غاصب (صهیونیزم) و یا مبارزات ملی بر علیه استبداد حاکمان مستبد و وابسته تفاوت ماهوی وجود دارد. حمایت و دفاع از این مبارزات وظیفه مستمر نظام اسلامی است.»

مواضع اقتصادی:

این جمعیت رئوس مواضع اقتصادی خود را به شرح زیر اعلام داشته است[۱]:

۱- پی ریزی اقتصاد ملی، قوی و عادلانه بر طبق معیارها و ارزشهای اسلامی یکی از مهمترین وظایف نظام در راستای تحقق جامعه مطلوب اسلامی است. در این نگرش اقتصاد وسیله است برای حفظ کرامت و آزادگی انسانها و نه هدف.

۲- تامین استقلال اقتصادی جامعه، طرد کامل استعمار و وابستگی اقتصادی و برنامه ریزی بیگانگان بر اقتصاد کشور از اهداف سیاسی نظام است.

۳-اولویت‌های اقتصادی کشور عبارتند از:

۳/۱- متناسب کردن برنامه توسعه اقتصادی با شرایط و مقتضیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در کشور و اجتناب از برنامه‌های تقلیدی و دارای الگوهای بیگانه.

۳/۲- توجه جدی به نظام مدیریت و مدیریت نظام در جهت بهینه کردن ساختار اجرایی کشور و افزایش کارایی و تسریع و تسهیل امور.

۳/۳-برخورد قاطع قانونی و شرعی با اموال به یغما رفته از بیت المال، اموال باد آورده و اموالی که با توسل به شیوه‌ها و از راههای غیر قانونی و غیر شرعی تحصیل شده‌اند.

۳/۴- کاستن از سهم اقتصاد پنهان در اقتصاد جامعه و مبارزه قاطع با فعالیتهای دلال منشی و ویژه خواهی (رانت خواهی)

۳/۵- محوریت بخشیدن به خط مشی اقتصاد غیر نفتی جهت رسیدن به توازن تراز

---

۱. مرامنامه و مواضع جمعیت دفاع از ارزشها.

بازرگانی بدون نفت، رفع دوگانگی‌های اقتصادی، گسترش تولیدات دارای مزیت‌های نسبی و رهایی از حالت تک تولیدی و متکی به درآمدهای نفتی.

۳/۶- ریشه یابی فقر و برنامه ریزی در جهت فقر زدایی و حمایت همه جانبه از افراد واقع در پایین دست خط فقر و جانبداری از فقرا در کارزار فقر و غنا

۳/۷- برنامه ریزی در جهت متوازن ساختن رشد و توسعه اقتصادی استانهای کشور با اولویت مناطق محروم.

۳/۸- توجه به نقش اقتصادی زنان و برنامه ریزی در جهت ارتقاء کیفیت نیروی انسانی متشکل از آنان.

۳/۹- حمایت از تعاونیهای تولیدی از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و محوریت بخشیدن به آنها در امر خصوصی‌سازی.

۳/۱۰- تنظیم سیاست مالیاتی کارآ و بهینه به گونه‌ای که مالیات حقه از مؤدیان دانه درشت در زمان واقعی خود اخذ گردد. (بهینه سازی ساختار مالیاتی و افزایش پوشش مالیاتی)

۴- ثروت و مالکیت هایی که از راههای مشروع و قانونی بدون اضرار به غیر، انحصار، احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام تحصیل شده می‌بایست محترم شمرده شود.

۵- حفاظت از امکانات، توانهاو استعدادهای محیط زیست و ملحوظ داشتن آن در تمامی فعالیتهای اقتصادی باید مورد توجه جدی باشد.

۶- فرهنگ کار باوری و احترام به تلاش و جدیت در فعالیتهای مولد باید ترویج شود و فرهنگ زراندوزی، تکاثرطلبی، بهره کشی و سربار بودن می‌بایست خفیف و ضد ارزش شمرده شود.

۷- در برنامه‌های توسعه اقتصادی و سازندگی کشور، تحقق عدالت اجتماعی و حمایت جدی و موثر از اقشار محروم و مستضعف باید به عنوان محور قرار گیرد و با استفاده از اقتدار و امکانات حکومت در راستای توقف جریانات فقر آفرین، گسترش نظام تامین اجتماعی و طراحی و اجرای برنامه‌های رفع استضعاف اقدام گردد.

۸- شفافیت نظام بودجه‌ریزی و مؤلفه‌های آن و عقلایی ساختن روشهای بودجه‌ریزی و محتوای آن یکی از ضرورتهای اقتصادی کشور ماست.

۹- ما اعتقاد داریم که یارانه باید به بخشهای کلیدی و حساس اقتصاد از قبیل برخی تولیدات استراتژیک، صادرات موفقیت دار و مستضعفان واقعی سمت دهی شود.

۱۰- پایه ریزی و اجرای سیاست تجاری کشور در جهت تامین منافع و مصالح عالیه نظام مقدس اسلامی و طراحی راهبردهای مناسب تجاری در واردات و صادرات و جلوگیری از سوق دادن منافع و مزایای حاصل از تجارت به روی اشخاص و گروهها و خطوط صنفی یا سیاسی خاص باید به مثابه خط مشی اساسی مورد توجه قرار گیرد.

۱۱- حضور فعال در عرصه سازمانهای بین المللی و بهره مندی از امکانات آنها به نفع اقتصاد ملی با گماردن نمایندگان متعهد، شجاع و آگاه به عنوان حافظ منافع نظام اسلامی مورد تأیید است.

۱۲- اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی و التزام جدی به مبانی آن خصوصاً در امر واگذاری به گونه‌ای که حدود فعالیتهای مشروع بخشهای مختلف خصوصی، تعاونی و دولتی که در قانون بر آن تصریح گردیده، با برداشتهای سلیقه‌ای مخدوش نشود مورد تاکید ماست.

۱۳- ما اعتقاد داریم بخش تعاونی باید به مثابه یک بخش واسط که هم از حجم تمرکز دولتی می‌کاهد و هم از تداول ثروت در دست اشخاص جلوگیری می‌کند باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

محمدی ری شهری در مورد دیدگاههای اقتصادی این جمعیت در آستانه انتخابات مجلس پنجم چنین می‌گوید:

"تاکید بی‌رویه بر اقتصاد بازار آزاد و جایگزینی رفاه زندگی به جای عدالت اجتماعی، به کارگیری نیروهای غلط انداز و بی ریشه در بخشهای مدیریتی و کارشناسی به جای نیروهای کارآمد و متعهد و با سابقه انقلابی از لغزشهایی است که مجلس پنجم باید به طور جدی از آنها اجتناب کند."

"همانگونه که مدل توسعه جوامع به اصطلاح توسعه یافته، چه غربی و چه غربگرا نمی‌تواند الگوی مطلوب ما باشد، راه حلهای شعار گونه متعلق به الگوهای توسعه اقتصاد متمرکز دولتی از قبیل آنچه در بلوک شرق سابق وجود داشت همچنین راه حلها و توصیه‌های اقتصادی متعلق به دوره قاجار مشکل گشای اقتصاد ما نیست."

مواضع فرهنگی:

رئوس مواضع فرهنگی جمعیت دفاع از ارزشها رسماً به شرح زیر اعلام شده است[1]:

۱- انقلاب اسلامی در ذات خود یک نهضت عمیق فرهنگی است. ما اعتقاد داریم فرهنگ زیر بنای تحولات اجتماعی و محور اصلی تعالی جامعه است. بنابراین در نظام اسلامی مؤلفه فرهنگ باید از منزلت و سهم شایسته‌ای نسبت به سایر مؤلفه‌های نظام برخوردار باشد.

۲- فرهنگ عرصه تلاقی و تبادل اندیشه‌ها و باورهاست و توان فرهنگی هیچ ملتی در مدار بسته و بدون ارتباط با سایر فرهنگها قوام نخواهد یافت. بنابراین تبادل فرهنگی را یک ضرورت می‌دانیم.

۳- ما اعتقاد داریم فرهنگ و اندیشه اسلام ناب قابلیت و توانایی پاسخگویی به تمامی نیازهای نظری و عملی و تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی را دارد و بنابراین ضمن اعتقاد به ضرورت آشنایی با دستاوردهای فرهنگی سایر ملل عمیقاً با هر نوع التقاط فرهنگی مخالف هستیم.

۴- تهاجم فرهنگی غرب علیه ارزشهای فرهنگی اسلام ناب یک حقیقت غیر قابل انکار است. انگیزه‌ها و اهداف اصلی فرهنگ مهاجم، دین زدایی از عرصه مناسبات اجتماعی، ایجاد بحران هویت در راستای یکسان‌سازی فرهنگی، مقابله با خصیصه انقلابی اسلام ناب، ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست و اشاعه مفاسد اخلاقی و فرهنگ مبتذل غربی و ناهنجاری‌های رفتاری آن در بین نسل جوان در جوامع انسانی به ویژه اسلامی است.

---

۱. مرامنامه و مواضع جمعیت دفاع از ارزشها.

۵- بدون شک راه مطلوب مقابله با تهاجم فرهنگی غرب بازگشت به ارزشهای اصیل فرهنگ اسلامی به ویژه در جهت پاسخگویی شایسته به ابهامات و پرسش‌ها و نیازهای فکری نسل امروز در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی و نیز گسترش فرهنگ و اخلاق اسلامی در جامعه است.

۶- استقلال فرهنگی زیر بنای استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه است. بنابراین کلیه تلاشهای فرهنگی کشور می‌بایست در این جهت باشد.

۷- اولویت‌های فرهنگی کشور:

الف ـ اصلاح نظام آموزش عالی کشور در راستای تحقق کامل «دانشگاه اسلامی» که ویژگیهای عمده آن اهتمام جدی بر پژوهش، سرمایه گذاری گسترده در زمینه علوم انسانی با نگرش اسلامی، کاربردی شدن رشته‌های درسی، شایستگی و توانایی مدیریت و نشاط سیاسی، انقلابی است.

ب ـ سامان دهی مطلوب امور نخبگان و اندیشمندان برجسته جامعه.

ج ـ تدوین و ارائه الگوهای فرهنگ عمومی جامعه بر اساس معیارهای اسلامی و بومی و پیش بینی قوانین و مقررات لازم به منظور اجرای آنها (پالایش عادات و سنتهای نادرست و تحکیم و ترویج هنجارها و سنتهای اصیل و مفید.)

د ـ اصلاح و گسترش برنامه‌ها و فعالیتهای هنری بر اساس معیارهای اسلامی، انقلابی و بهره گیری وسیع از این عرصه مؤثر در راستای تعمیق ارزشهای انقلاب اسلامی.

هـ ـ توجه جدی به نیازهای اساسی قشر عظیم دانش‌آموزان کشور در ابعاد پژوهشی به ویژه تعمیق روح دینی و انقلابی و اصلاح و اعتلای هنجارهای فکری و رفتاری آنان.

و ـ پیشگیری و مقابله با طبقاتی شدن تحصیل در مقاطع مقدماتی، متوسطه و عالی از طریق نظارت جدی و مستمر بر روند گسترش مراکز غیر انتفاعی و تلاش در جهت ارتقاء سطح آموزشی مراکز دولتی.

ز ـ گسترش هدفمند تربیت بدنی در راستای تعمیق نشاط و سلامتی عمومی و اعتلای اخلاق اجتماعی و نیز تحقق عزت انقلابی نظام در سطح بین المللی.

ح ـ توسعه مراکز اطلاع رسانی و پرورش خلاقیتهای نسل جوان از قبیل کتابخانه، فرهنگسرا، کانونهای مذهبی به ویژه در مناطق دور افتاده و محروم کشور.

ط ـ اصلاح و پالایش صدا و سیما در راستای تحقق اهداف اعتقادی و انقلابی نظام و پیشگیری از تبدیل این رسانه مهم به ابزار غفلت و سرگرمی.

ی ـ ساماندهی امور مطبوعاتی کشور از طریق تامین حمایتهای قانونی از دست اندرکاران شایسته و متعهد مطبوعات و در راستای صیانت از حرمت قلم و آزادی مشروع و قانونی تلاشهای مطبوعاتی و مبارزه با سانسور و خود سانسوری.

ک ـ اصلاح نظام انتشار اخبار و اطلاعات در راستای گسترش آگاهی بخشی عمومی و به منظور جلوگیری از شایعه پذیری و اقبال به رسانههای بیگانه.

ل ـ با توجه به نقش و رسالت بسیار مهم حوزههای علمیه در پاسخگویی به نیازهای نظری در بخشهای مختلف راهبردی و کاربردی و لزوم رفع نیازهای اولیه تلاشگران عرصه اجتهاد و فقاهت و تبلیغ دینی میبایست برای تامین شایسته معیشت حوزهها به گونهای که به استقلال آنها لطمهای وارد نشود برنامهریزیهایی انجام شود. خودکفایی اقتصادی حوزههای علمیه یک ضرورت جدی است.

۸ـ با توجه به جایگاه بنیادین مساجد در ترویج و تعمیق فرهنگ و معارف اسلامی و نقش آن در هدایت و سازماندهی امت اسلامی به ویژه در دوران انقلاب و دفاع مقدس میبایست این نهاد همچنان نقش و منزلت خود را فارغ از جناح بندیهای سیاسی در عرصه حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه حفظ کند.

حزب اعتدال و توسعه

نام کامل: حزب اعتدال و توسعه

نام دبیر کل: ندارد

نام سخنگو:محمد باقر نوبخت حقیقی

اعضای فعال: محمدباقر نوبخت حقیقی، اکبر ترکان، محمدجواد ایروانی، مرتضی محمدخان، محمدرضا نعمت‌زاده، مجید قاسمی، محمود واعظی، سیداحمد زرهانی، فاطمه هاشمی بهرمانی، حسین موسویان، زهرا پیشگاهی فرد، شیخ عطار، علی‌موسی‌الرضا، اجاره‌دار، مشکینی، محمداشرفی اصفهانی، مرتضی بانک، نهاوندیان، میرباقری.

مرامنامه:

مقدمه:

تبیین رسالت و اعلام آرمان‌ها و مطلوبیت‌های هر حزب و تشکل سیاسی با نگرش بر فلسفه و دیدگاه آن تشکل بر نحوهٔ اعلام حضور خود در عرصه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

و اقتصادی جامعه معنا می‌شود، لذا با توجه بر این مقدمه و با عنایت به مفاد اصل سوم قانون اساسی مرامنامه حزب اعتدال و توسعه را در سه بخش مبانی اعتقادی، اهداف و خط مشی مورد تبیین و تعیین قرار می‌دهیم.

الف ـ مبانی اعتقادی و فکری

۱ـ اعتقاد راسخ به قانون اساسی با عنایت به اصول خدامحوری و مردمسالاری.

۲ـ اعتقاد بر مشی اعتدال در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور.

ب ـ اهداف

۱ـ ایجاد بستری درجهت اعتدال بخشیدن به جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه.

۲ـ بسترسازی در جهت مشارکت عمومی اقشار مختلف جامعه بمنظور استیفای حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود و تعیین سرنوشت.

ج ـ سیاستها و خط مشی‌ها

۱ـ فرهنگی:

۱-۱- پیروی از اندیشه‌های پویای بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی(ره).

۱-۲- گسترش اخلاق و آموزه‌های دینی و تقویت عناصر و اجزاء فرهنگ ملی.

۱-۳- تبیین و تکریم منزلت انسانی و اجتماعی اهل فرهنگ و اصحاب قلم و هنر.

۱-۴- تلاش در جهت ایجاد وحدت و وفاق ملی با محوریت فرهنگ ملی و بسترسازی درجهت رشد فرهنگ و ادبیات قومی اقوام مختلف ایران.

۱-۵- تلاش در جهت رشد و توسعه نوآوری و خلاقیت در ابعاد علمی، فرهنگی و هنری جامعه.

۲ـ اقتصادی

۲-۱- تلاش در جهت توسعه اقتصادی غیردولتی و احترام به مالکیت‌های قانونی.

۲-۲- تلاش در جهت ایجاد قانونمندی، بمنظور پاسخگویی رفتارهای اقتصادی

دولت.

۳-۲- تلاش در جهت افزایش ثبات اقتصادی، با به کارگیری بهینه منابع اقتصادی کشور و برقراری امنیت سرمایه گذاری.

۴-۲- تلاش در جهت ایجاد اشتغال و جذب متخصصان و حفظ منزلت اجتماعی آنان، به منظور جلوگیری از فرار مغزها.

۵-۲- تلاش در جهت کاهش فعالیتهای تصدی‌گری دولت و افزایش فعالیتهای مربوط به اعمال حاکمیت.

۶-۲- تلاش در جهت ایجاد رقابت و رفع انحصار در فعالیتهای اقتصادی با حفظ حاکمیت دولت در امر تولی‌گری در چهارچوب قانون اساسی.

۷-۲- تلاش در جهت ارتقاء توان صادرات غیرنفتی، به منظور کسب جایگاه مناسب در بازارهای جهانی.

۸-۲- تلاش در جهت تحقق عدالت اقتصادی با تکیه بر رفاه عمومی و ایجاد عدالت اجتماعی.

۳ـسیاسی

۱-۳- دفاع از حقوق سیاسی مردم و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی.

۲-۳- ایجاد بستری مناسب در مشارکت‌پذیری مردم وایجاد فضای رقابتی در فعالیتهای سیاسی.

۳-۳- تلاش در جهت تقویت وفاق ملی.

۴-۳- تلاش در جهت نقش پیشرو و مؤثر در منطقه وکشورهای اسلامی و جهان سوم و بسط روابط همه جانبه و دوستانه باکشورهای همسایه در چهارچوب منافع ملی.

۵-۳- تأکید بر حضور فعال ایران در عرصه جهانی و همکاری با سازمانهای بین‌المللی و احزاب و مجامع غیردولتی.

۶-۳-ارتباط مؤثر و فعال با احزاب و مجامع سیاسی بین‌المللی و اسلامی درجهت معرفی جایگاه واقعی تمدن ایران اسلامی با حفظ منافع و مصالح ملی.

۷-۳- مقابله با هرگونه انحصارگرایی و زورمداری سیاسی.

۴ـ اجتماعی: تلاش و تاکید بر

۱-۴- تبیین و ترویج حقوق بشر اسلامی و رعایت آن در خصوص آحاد جامعه.

۲-۴- بسط آزادیهای فردی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی و از طریق احترام بر اندیشه و دفاع از آزادی قلم و بیان.

۳-۴- مشارکت فعال آحاد جامعه در عرصه‌های اجتماعی.

۴-۴- تحکیم مبانی خانواده و ارتقاء اصول اخلاقی حاکم برآن.

۵-۴- تقویت و تشکل‌های اجتماعی و صنفی.

۶-۴- حمایت از نخبگان و فرهیختگان جامعه، فارغ از وابستگی‌های گروهی و سیاسی.

۷-۴- اصل تحمل و بردباری متقابل در تعاملات اجتماعی.

۸-۴- لحاظ نمودن حقوق جوانان با رفع موانع تحصیلی، ورزشی، اشتغال، ازدواج، مسکن.

۹-۴- تأکید بر ترویج رفتار سیاسی ـ اجتماعی، مبتنی بر اخلاق اسلامی و پرهیز از هتک حرمت اشخاص و گروه‌ها در برخوردهای اجتماعی و سیاسی.

۱۰-۴- تلاش در جهت همگرایی اجتماعی بین طوایف و اقوام مختلف با محوریت فرهنگ دینی و ملی کشور.

۵ـ سازمان و مدیریت: تاکید بر:

۱-۵- اصلاح ساختار نظام اداری کشور با تکیه بر تقویت بخش دولت در امر اعمال حاکمیت و سیاست‌گذاری و کاهش فعالیتهای تصدی‌گری.

۲-۵- اصل شایسته سالاری و انتخاب فرهیختگان.

۳-۵- جایگزینی مدیریت علمی با مدیریت سنتی.

۴-۵- اصل عدم تمرکز و تقویت اختیارات مدیران استانی و منطقه‌ای.

تاریخچه تشکیل:

این حزب در آستانه انتخابات مجلس ششم در تاریخ ۷۸/۹/۶ با انتشار بیانیه‌ای [1] موجودیت خود را اعلام نمود. تماسهای مکرر مؤلف برای تماس با تشکیلات این حزب بی نتیجه بوده است. از این رو از نحوه و چگونگی تاریخچه تشکیل و اخذ مجوز این حزب از وزارت کشور اطلاع دقیقی در دست نیست. اما آنچه مسلم است اکثر اعضای تشکیل دهنده این حزب از مقامهای ارشد دولتی علی‌الخصوص کارشناسان ارشد اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی بوده‌اند. حزب اعتدال و توسعه در انتخابات مجلس ششم با شعار "می‌خواهیم شاد، سرافراز، مهربان، امیدوار و آرام زندگی کنم." همچنین شعار "آرام در سایه اعتدال سیاسی، امیدوار در سایه توسعه پایدار، شاد در سایه اقتدار ملی، مهربان در سایه وفاق ملی" وارد صحنه انتخابات شد، اما فقط ۴ نفر از لیست ۲۶ نفری این حزب از حوزه انتخابیه تهران که متمایل به جناح چپ بودند توانستند آراء لازم برای ورود به مجلس را کسب کنند.

گرایش سیاسی:

حزب اعتدال و توسعه یک حزب میانه‌رو و معتدل (چنانکه از نام آن نیز پیداست) می‌باشد. لیکن این حزب‌از لحاظ سیاسی و اقتصادی کاملاً یک حزب با گرایش راست بشمار می‌رود، اما کاملاً مستقل از جناح راست‌سنتی، به عبارت بهتر این حزب یک راست میانه‌رو و تا حدودی نزدیک به راست مدرن می‌باشد، که دارای دیدگاههایی نزدیک به احزاب دیگر طیف جناح راست مثل کارگزاران سازندگی و چکادآزاداندیشان می‌باشد. در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی این حزب با ارائه یک لیست ۲۶ نفره انتخاباتی برای تهران و شهرستانها وارد عرصه انتخابات شد، که البته در لیست این حزب افرادی منتسب به هر دو جناح چپ و راست حضور داشتند. در لیست حوزه انتخابیه تهران از ۲۶ نفر پیشنهادی این حزب ۱۵ نفر از منتسبین معتدل جناح راست سنتی، ۱۲ نفر مشترک با

---

۱. ایران، ۷۸/۹/۷.

لیست حزب کارگزاران سازندگی (بعضاً با جناح راست‌سنتی و حزب اسلامی کار مشترک هستند.) و ۳ نفر از حزب اسلامی کار (چپ) و ۲ نفر از اعضای خود این گروه به چشم می‌خورد که از این لیست به خوبی گرایشهای سیاسی این حزب به جناح راست اعم از راست‌سنتی و راست‌مدرن مشخص است.

تشکیلات و نشریات وابسته:

این حزب به جز در مدت زمان برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در بهمن ماه ۱۳۷۸ تاکنون هیچ فعالیت محسوسی نداشته است. به طور کلی فعالیت تشکیلاتی این حزب به جز در تهران آن هم در حد یک دبیرخانه با فعالیت محدود در هیچ یک از شهرستانها تاکنون شکل نگرفته است. این حزب تاکنون نشریه رسمی به عنوان ارگان حزب منتشر ننموده است، اما روزنامه‌های دارای گرایش راست مدرن و راست معتدل دیدگاههای این حزب را تاکنون منتشر ساخته‌اند، از جمله روزنامه‌های ایران و انتخاب.

خاستگاه و طبقات اجتماعی:

این حزب نیز چون حزب دیگر راست معتدل و مدرن یعنی کارگزاران سازندگی از سوی جمعی از مقامات ارشد دولتی همفکر که بیشتر در حیطه اقتصادی به عنوان مدیر ارشد فعالیت می‌کردند تشکیل شده است. در میان اعضای فعال این حزب برخی از وزرای سابق، سفیران، معاونین وزراء و نمایندگان مجلس به چشم می‌خورند که نام و پست قبلی برخی از آنها به شرح زیر است.

محمدباقر نوبخت نماینده مردم رشت، اکبر ترکان وزیر اسبق دفاع و وزیر اسبق راه و ترابری، محمدجواد ایروانی رئیس اسبق بانک مرکزی، مرتضی محمدخان وزیر اسبق امور اقتصادی و دارایی، محمدرضا نعمت زاده وزیر اسبق صنایع، مجید قاسمی رئیس اسبق بانک مرکزی، محمود واعظی معاون اسبق اروپا ـ آمریکای وزارت خارجه، سیداحمد

زرهانی معاونت وزارت آموزش و پرورش، فاطمه هاشمی بهرمانی مسئول بنیاد خیریه بیماریهای خاص، موسویان سفیر ایران در آلمان، علی موسی‌الرضا رئیس اسبق بیمه ایران.

بنابراین خاستگاه اصلی این حزب دستگاههای دولتی و وزارتخانه‌های مختلف می‌باشد. اما در مورد طبقات اجتماعی چنین به نظر می‌رسد که این حزب به مرحله ایجاد پایگاه اجتماعی برای خود نرسیده است، بنابراین اگر در آینده فعالیت این حزب افزایش یابد و خط مشی متعادل این حزب حفظ شود مطمئناً این حزب در میان طبقات متوسط جامعه، تکنوکرات‌ها، روشنفکران سیاسی و اقتصادی، صنعتگران، کارمندان، صاحبان صنایع بزرگ و کوچک و مقاطعه کاران اقبال فراوان خواهد یافت.

مواضع سیاسی:

حزب اعتدال و توسعه چنانکه گفته شد یک حزب راست میانه‌رو است. از این رو می‌توان مهمترین دیدگاههای سیاسی این حزب را احترام به نهادهای قانونی و شرعی نظام چون ولایت فقیه و رهبری و اعتقاد به ایجاد یک نوع فضای متکثر سیاسی در کشور به دور از جنجال وخشونت و ایجاد رقابت سالم بین گروههای سیاسی در فضای آرام به منظور رشد و توسعه اقتصادی دانست.

در بیانیه اعلام موجودیت این حزب که در تاریخ ۷۸/۱۰/۷ منتشر شده است دلایل و اهداف تشکیل آن چنین بیان شده است[۱]:

سیاست داخلی:

"ملت شریف ایران! تاریخ پر افتخار کشور در مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز نشان داده است، برپاسازی جامعه‌ای قدرتمند، قانونمند و مردمسالار در گرو دوری از تک محوری، خودخواهی سیاسی و تندخویی اجتماعی است. دستیابی به آرمانهای بلند این ملت برای ایجاد ایرانی مدرن و تمدنی‌پایدار، همراه باحفظ ارزشهای دینی و ملی درچارچوب نظام اسلامی و متکی بر قانون اساسی بی تردید از انتظارات، خواسته‌ها و اولویت‌های ملی

---

۱. ایران، ۷۸/۹/۷.

می‌باشد. بر این اساس «حزب اعتدال و توسعه» با اعتقاد همه جانبه به اصول «خدامحوری»، «مردمسالاری» و «اعتدال سیاسی» برای پاسخگوی به بخشی از انتظارات ملت رشید و بزرگوار ایران، با تأکید بر حفظ و گسترش ارزشهای اسلامی و ملی و تأمین نیازهای مردم، به ویژه نسل جوان و رشد و توسعه کشور اعلام موجودیت می‌نماید.

امضاءکنندگان این بیانیه با محترم شمردن تمامی اندیشه‌های سیاسی و تکریم تمامی احزاب و گروههای قانونی معتقد به سرافرازی ملت هوشمند ایران، بر توسعه و تحکیم آزادیهای اجتماعی و اندیشه‌های سیاسی، امنیت همه جانبه، لزوم تحولات سریع اقتصادی وهمکاری حزبی تأکید نموده و منافع ملی کشور را باحفظ اخلاق اسلامی و پرهیز از هتک حرمت دیگران، میزان تنظیم روابط حزب «اعتدال و توسعه» با سایر احزاب و گروههای سیاسی می‌دانیم.

ایران امروز، نیازمند توسعه و سازندگی در تمامی عرصه‌هاست و همه آحاد ملت در انتظار جبران عقب‌ماندگی‌ها و روان شدن گردش چرخهای اقتصادی و شتاب روزافزون رفاه اجتماعی هستند. این مهم با تندروی‌های سیاسی، درگیری‌های حزبی و افراط گری‌های رایج تأمین نخواهد شد و برقراری روابطی پایدار ومشارکتی نهادینه از سوی مردم، با تقویت همدلی ملی و نشاط عمومی ونیز با تأکید بر دین باوری و نفی تحجر واجتناب از خودباختگی و روی‌آوری به سیمای دلپذیر ومهربان اسلام راستین مقدور خواهد بود.

بنابراین باید به عنوان وظیفه‌ای ملی درچارچوب برپاسازی تمدن نوین ایرانی، از هرگونه انحصارگرایی، زورمداری، بسته نگری و دیگر ستیزی اجتناب شود، تا «شکیبایی اجتماعی» و حضور مؤثر نخبگان، شایستگان، فرهیختگان و سازندگان کشور را شاهد باشیم."

روابط بین‌المللی:

"اقتدار ملی و پیشتازی ایران امروز در منطقه حساس خاورمیانه با حضور زنان و مردان ایران در عرصه‌های گوناگون و تحکیم همکاریهای سازنده و صلح‌آمیز منطقه‌ای و جهانی با

حفظ استقلال کشور و عزت ملت به دست می‌آید. این نقش پیشرو و مؤثر با تحقق مناسبات متوازن وگسترش روابط همه جانبه با سایر ملتها مقدور است. اگر چنین شود، حقوق اساسی ملت ما تضمین شده و ایران در سطح جهانی هیچگاه حاشیه‌نشین نخواهد بود. بر این اساس حزب اعتدال و توسعه بر همکاریهای سازنده بین‌المللی، حضور فعال ایران در عرصه جهانی وهمکاری با سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد و به سهم خود ارتباط وگفتگو با احزاب ومجامع سیاسی و بین‌المللی را در جهت معرفی جایگاه واقعی ملت ایران دنبال خواهد کرد. در این میان همکاری و گسترش مناسبات صمیمانه باهمسایگان و تشویق همکاریهای مسالمت‌آمیز و دوستانه در اولویت قرار خواهد داشت.»

برنامه‌های حزب اعتدال و توسعه:

«امضاء کنندگان بیانیه اعلام موجودیت «حزب اعتدال و توسعه» با باور عمیق به حمایت همه جانبه مردم و امید به رحمت و فضل الهی، استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، رشدو توسعه کشور و وفاق ملی و اعتدال همه جانبه را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و با اعتقاد به ضرورت «مردمسالاری» و گسترش امنیت و آزادی همگانی در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به دفاع از حقوق سیاسی مردم خواهند پرداخت.»

مجید قاسمی از اعضای برجسته این حزب و رئیس اسبق بانک مرکزی برخی دیدگاههای سیاسی این حزب را به شرح زیر بیان می‌کند[1]:

پرهیز از تندروی:

«در بخش سیاسی پرهیز از هرگونه تندروی را برای دستیابی به هدفهای توسعه سیاسی لازم می‌دانیم.»

توسعه و جامعه مدنی:

«از نظر این حزب مردمسالاری در سایه خدامحوری، مبارزه با انحصارطلبی، ترویج و تضمین همدلی و دین باوری، پرهیز از تحجر و بسته‌نگری و همراهی و همصدایی با خواسته‌های مردم و حرکت در چارچوب اراده ملی، زمینه‌های گریز ناپذیری برای توسعه و

---

۱. ایران، بهمن ماه ۱۳۷۸.

مدنیت اسلامی، تحقق وفاق و اقتدار ملی، تحکیم مبانی امنیت و آزادی همگانی، تأمین نقش آفرینی گسترده‌تر برای زنان و جوانان در همه عرصه‌های زندگی، داشتن جامعه‌ای پرنشاط و مدرن و ایجاد ارتباط و همکاری سازنده با دیگر کشورها در چارچوب عزت و منافع ملی می‌باشد.»

برخی دیگر از مواضع سیاسی حزب اعتدال و توسعه توسط محمدباقر نوبخت سخنگوی حزب به شرح زیر اعلام شده است[1]:

برنامه‌های حزب:

«ایجاد جامعه‌ای قدرتمند، قانونمند و مردمسالار در گرو دوری از تک محوری، خودخواهی و تندخویی است.»

«استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و رشد و توسعه کشور و وفاق ملی و اعتدال همه جانبه سرلوحه برنامه‌های حزب است.»

«ما اعضای این حزب از افراط و تفریط هیچ جناحی حمایت نخواهیم کرد، البته خنثی هم نخواهیم بود و مواضع خود را شفاف بیان می‌کنیم.»

ایشان در پاسخ به این سوال که آیا شما راه انتخاب آقای هاشمی رفسنجانی را برای مجلس پنجم هموار می‌کنید و جاده صاف‌کن ایشان هستید می‌گوید:

«هر شخصیتی که دارای سوابق روشن مبارزاتی و مدیریتی و شایستگی‌های لازم باشد قطعاً مورد حمایت حزب اعتدال و توسعه قرار می‌گیرد.»

«در فهرست ما شایستگان دیگری که با هاشمی مواضع متفاوتی دارند نیز حضور دارند و ما با آقای هاشمی رفسنجانی ارتباط تشکیلاتی و غیر تشکیلاتی نداریم.»

همچنین ایشان در پاسخ به سوالی که آیا حزب اعتدال و توسعه، حزب کارگزاران شماره ۲ است، می‌گوید:

«ما با احزاب دیگر تعامل‌های منطقی خواهیم داشت و یک حزب انحصارطلب، تمامیت‌خواه و خودبین نخواهیم بود. این حزب متفاوت از کارگزاران و هر حزب دیگری

---

۱. ایران، دی و بهمن ۱۳۷۸.

خواهد بود."

حزب اعتدال و توسعه و اصلاحات:

"ما برای آقای خاتمی و دوم خرداد جایگاه ممتازی قائل هستیم و حمایت خود را از ایشان اعلام می‌کنیم."

محمود واعظی[1] معاون اسبق اروپا و آمریکای وزارت خارجه و از اعضای برجسته حزب اعتدال و توسعه در مورد اهداف این حزب میگوید:

"ما می‌کوشیم از فرهیختگان، نخبگان و معتقدان به آبادی و سازندگی کشور استفاده کنیم تا چرخه‌های اقتصادی ایران انسجام بهتری گرفته و رفاه اجتماعی شتاب روزافزون‌تری داشته باشد."

این حزب در بیانیه‌ای با عنوان «اصلاحات» که در تاریخ ۷۹/۶/۵ منتشر شد و نسخه‌ای از آن از سوی سخنگوی حزب در اختیار مؤلف قرار گرفت، در مورد اهم مسائل سیاسی روز جامعه چنین اظهارنظر می‌نماید:

عدالت جهانی:

"حزب اعتدال و توسعه نه تنها خواستار تحقق جامعه‌ای برخوردار، پویا و شایسته ملت سرافراز ایران است، بلکه از همه صاحبنظران و کارشناسان دلسوز نظام جمهوری اسلامی ایران دعوت می‌نماید تا با گردآوری و تبیین راهبردهای سازنده همکاری میان همه ملل و تمدنها، برای هموار شدن مسیر تحقق عدالت جهانی و توسعه انسانی بکوشند."

قانون اساسی:

"حزب اعتدال و توسعه اعتقاد دارد که وظیفه خطیر اصلاح‌طلبان در مقطع حساس کنونی، تمرکز بر پیاده‌سازی همه جانبه منشور حقوق ملت یعنی قانون اساسی است."

احزاب سیاسی:

"حزب اعتدال و توسعه با تأکید بر اصل بیست و ششم قانون اساسی، احزاب را ابزار کارآمدی برای ارتقاء توقعات پراکنده فردی به خواسته های هدفمند جمعی و بهبود نظام

---

۱. ایران، دی ۱۳۷۸.

پاسخگویی دولت به اقشار ذینفع ملت شمرده و شکل‌گیری نهادهای سیاسی مردم را به عنوان اولویت حقیقی در توسعه سیاسی قلمداد می‌نماید."

قوه قضائیه:

"حزب اعتدال و توسعه ضمن تأکید بر استقلال این قوه (قضائیه)، انجام اصلاحاتی را در جهت احقاق هرچه بهتر و سریعتر حقوق آحاد مردم، ضروری می‌داند."

نظارت بر عملکرد کارگزاران:

"تقویت و تشدید نظارت بر عملکرد کارگزاران نظام درایفای مسئولیت سنگینی که مردم برعهده ایشان قرار داده‌اند، جنبه بارز دیگری از ضروریات اصلاحات را تشکیل می‌دهد."

مواضع اقتصادی:

این حزب چون دیگر احزاب جناح راست سنتی و راست مدرن دارای دیدگاههای راست اقتصادی از جمله اعتقاد به اقتصاد بازار آزاد، خصوصی‌سازی، پیوستن به مجامع اقتصادی جهانی، تولید محوری و کوچک کردن دولت و حذف دخالتهای بی‌مورد دولت در امور اقتصادی می‌باشد.

در بیانیه اعلام موجودیت این حزب در مورد مسائل اقتصادی چنین آمده است:

"پس باید با واگذاری مسئولیت‌های اداری و سیاسی به جوانان، تشکلهای مردمی را قوت بخشید و سازمانهای اداری و اجرایی دولت را سبک‌تر نمود. این امر به قانونمندی بیشتر رفتار اقتصادی و اجتماعی دولت کمک خواهد کرد و زمینه ورود و بروز استعدادهای خلاق و جوان را فراهم می‌نمایدو از فرار مغزها پیشگیری خواهد کرد. با تکیه بر مواهب الهی و ظرفیت‌های موجود کشور، مهیا کردن بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری، حفظ امنیت سرمایه و سرمایه‌گذار، توسعه اقتصاد «مردم‌گرا» و «جوان محور» به بسط منابع تولید اقتصادی یاری می‌رساند و کاهش بیکاری را به دنبال خواهد داشت. این عمل تحول اقتصادی و استقلال ملی را از شعار به عمل تبدیل خواهد کرد و از

تصدی گری دولت می‌کاهد و بخش خصوصی را پرنشاط‌تر خواهد کرد.″

مجید قاسمی از اعضای برجسته این حزب در مورد مسائل اقتصادی چنین نظر می‌دهد:

″حزب اعتدال و توسعه ضمن پیگیری تحقق توسعه پایدار، اصلاحات اقتصادی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده است. در این رابطه بزرگترین چالش اقتصادی در یک برنامه کوتاه ومیان مدت از نظر این حزب بازسازی قدرت خرید پول ملی براساس مشارکت سرمایه‌ای و نیروی کار عموم مردم و ایجاد یک اقتصاد تولید محور است.″

″حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای سرمایه گذاری وسیع، به ویژه در حلقه‌های مفقوده اقتصاد کشور و تأمین اشتغال جوانان و حمایت از تولید ملی با اصلاح ساختار تولید، ارتقای داشتن و فن‌آوری، واگذاری واحدهای موجود به مردم، حمایت از صادرات کالا و خدمات مهندسی برای دستیابی به موازنه تجاری بدون وابستگی به نفت و تنظیم نرخ ارز برای پشتیبانی از این سیاستها از جمله اقدامات اساسی بخش تولید برای خروج از رکود فعلی می‌باشد، سیاستگزاران حزب معتقدند با اجرای سیاستهای فوق که بخش عمده‌ایی از سیاستهای اقتصادی حزب را تشکیل می‌دهد، حرکت به سمت توسعه پایدار و رفاه عمومی به صورت امیدوارکننده‌ای در دورنمای سرنوشت اقتصادی مردم جلوه‌گر خواهد شد. حزب اعتدال و توسعه همچنین برای تحقق سیاستهای فوق با توجه به توان کارشناسی سیاسی ـ اقتصادی خود حمایت از جناب آقای خاتمی در مجلس ششم را در سرلوحه برنامه‌ها واقدامهای خود قرار خواهد داد.″

برخی دیگر از مواضع اقتصادی این حزب در بیانیه‌ای با عنوان «اصلاحات» به شرح به شرح زیر تبیین گردیده است[1]:

خصوصی سازی:

″کاهش حجم دولت از طریق کاهش تصدی‌گری آن و واگذاری فعالیتهای اجرائی کشور به بخش خصوصی، یک راهبرد اجتناب‌ناپذیر در اصلاحات اداری است.″

---

۱. بیانیه اصلاحات، ۷۹/۶/۵.

تأمین اجتماعی:

"تأمین اجتماعی همگانی برای تعدیل در اختلاف سطح درآمدهای دهک‌های درآمدی و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی که می‌توانـد مـانع رشـد و تکـامل معنوی شـهروند جمهوری اسلامی گردد. یکی از اهداف مصرح در قانون اساسی است. با تـوجه بـه نـقش اصلی دولت در این امر، یکی از توقعات به حق شهروندان از دولت اصلاحات، بـازنگری درنظام تأمین اجتماعی کشور است."

کارآفرینی:

"حزب اعتدال و توسعه مسئولیت خطیری را که اصل بیست و هشتم قانون اساسی در زمینه کارآفرینی برعهده دولت قرار داده امری مهم تلقی نموده و اولویت کاری همه متولیان و مسئولین اصلاحات بشمار می‌آورد."

مواضع فرهنگی:

در بیانیه اعلام موجودیت حـزب اعـتدال و تـوسعه در مـورد مسـائل روز فـرهنگی، اجتماعی جامعه چنین آمده است[1]:

"«حزب اعتدال و توسعه» با تکیه بر ارزش و احترام به نخستین نهاد اجتماعی، یـعنی خانواده بر تقویت و تحکیم اخلاق خانواده همت گمارده و با یاری گرفتن از زنان فرهیخته کشور، نقش این «نیروی کارآمد» را درعرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقـتصادی تـقویت خواهد کرد."

"جوانان این مرز و بوم نشان داده‌اند که از شایستگی‌های ستودنی بهره‌مندند. حمایت از حقوق جوانان و پیاده سازی طرح‌های کاربردی در جهت رفع مـوانـع شـغلی، ورزشـی و تحصیلی و ازدواج و مسکن جوانان، با فراخوانی ومشارکت فعال زنان وجـوانـان، راهـی ممکن و آزمودنی است."

برخی دیدگاههای دیگر فرهنگی این حزب که در بیانیه‌ای[2] با عنوان اصلاحات منتشر

---

۱. ایران، ۷۸/۹/۷.

۲. بیانیه اصلاحات، ۷۹/۶/۵.

شده است به شرح زیر است:

نقش مطبوعات:

"پالایش درونی و اصلاح دائمی، از جمله ویژگی‌هائی است که هم در مفاهیم اسلامی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر و هم در مبانی نظام جمهوری اسلامی در قالب اصل هشتم قانون اساسی به دقت مورد توجه واقع شده و مطبوعات یکی از کارآمدترین ابزارهای نوین برای انجام این مهم است."

"حزب اعتدال و توسعه نقش مطبوعات آزاد، روشنگر و سازنده را در تداوم اصلاحات امری ضروری شمرده و اعتقاد دارد که جریان اصلاح‌طلبی باید برای استقرار چنین جامعهٔ مطبوعاتی بکوشد."

اصلاحات فرهنگی:

"حزب اعتدال و توسعه معتقد است اصلاحات فرهنگی از دو بعد قابل توجه و تأمل است. نخست از بعد تطبیق دائمی مظاهر زندگی نوین با مبانی اعتقادات اسلامی و ساختارهای فرهنگی ملی و دوم از بعد سطح‌سازی فرهنگ به ابزارهای نوین اشاعه آن مانند رسانه‌های جمعی. تأمین این دو رکن، اولویت اصلاحات در این حوزه به شمار می‌آید.

نظام آموزشی:

"نگاهی به ترکیب سنی جمعیت کشور لزوم توجه به نسل جوان و نیازهای آن را بیش از پیش گوشزد می‌نماید. بازنگری در نظام آموزشی و تطبیق آن با نیازهای عمومی کشور، علاوه بر جلوگیری از بحرانهای اجتماعی، با فراهم نمودن نرم‌افزار موردنیاز جامعه، به بالندگی و پویائی نظام کمکهای شایان توجهی خواهد نمود. بنابراین حزب اعتدال و توسعه معتقد است اصلاح نظام آموزشی گام نخست توسعه انسانی است که باید به آن توجهی ویژه نمود."

منشور برادری

آراء و نظرگاه امام خمینی(ره) پیرامون جناحهای سیاسی

منشور برادری

در پی انشعاب گروهی از اعضای جامعه روحانیت مبارز (جناح راست) و تشکیل مجمع روحانیون مبارز (جناح چپ) در اواخر سال ۱۳۶۶ محمدعلی انصاری کرمانی عضو دفتر امام خمینی(ره) و از اعضای مؤسس مجمع روحانیون مبارز طی نامه‌ای به محضر امام(ره) خواستار تبیین نظرات ایشان پیرامون اختلاف نظرهای موجود در بین جناحهای سیاسی کشور شدند. امام نیز در پاسخ به این نامه نظرات خود پیرامون جناحهای سیاسی موجود در کشور را بیان داشتند که این نامه به دلیل اهمیت آن به «منشور برادری» و همبستگی جناحهای سیاسی وفادار به انقلاب معروف شد.

متن نامه حجت‌الاسلام محمدعلی انصاری کرمانی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی مدظله العالی.

با ابلاغ سلام و تحیات خالصانه و آرزوی طول عمر قرین با صحت و عافیت کامل برای آن وجود مبارک. ابتدا از الطاف بیکران پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیةالله ارواحنا فداه خاضعانه سپاسگزاری می‌کنم که توفیق خدمت و نعمت بزرگ تشرف در جوار مقدستان را به من ارزانی نمود. با اعتراف کامل به اینکه هنوز از عهده درک این موهبت عظیم برنیامده‌ام، از ذات اقدس خداوند می‌خواهم که توفیق شناخت و شکر این نعمت بزرگ را در عمل عنایت فرماید و حیات و مماتم را در مسیر پیشبرد اهداف بلندتان قرار دهد. حضرتعالی با بزرگواری و کرامت همواره قصور و تقصیرات ما را تحمل کرده‌اید، انشاءالله این مزاحمت جدید را نیز مورد عفو قرار می‌دهید. مسأله مهمی که موجب این نوشته گردید این است که از اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا کنون که در خدمت بوده‌ام شاهد ظهور و افول جریانات فکری و عقیدتی و سیاسی فراوان و متنوعی بوده‌ام که بحمدالله تعالی جریانات انحرافی و الحادی منزوی شده‌اند، ولی دو جریان عقیدتی و سیاسی که هر دو نیز وابسته به انقلاب و مدافع اسلامند و طرفداران زیاد و شخصیت‌های معتبر دارند امروز به شکل جدی‌تری در میدان رقابت با یکدیگر قرار گرفته‌اند که این رقابت صرفاً در جنبه تئوری نیست، بلکه در تمامی میدانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بروز کرده است و احتمالاً هر چه جلوتر برود بردامنه رقابت‌ها و در حقیقت تضادهای خواسته و ناخواسته افزوده می‌شود که جدای از آن تبعات و آثاری که در کشور به بار می‌آورد، در مقطع کنونی یک نوع حیرت و سرگردانی شدید در میان طرفداران و افراد هر دو گروه به وجود آورده است که حقیر از جمله این افرادم و نمی‌دانم وظیفه چیست و چه باید کرد و آن چیزی که این تحیر را افزون می‌کند اینست که از یک طرف می‌بینم اجرای نظریات کلی و سیاسی و اقتصادی هر کدام از این دو جریان در کشور و انقلاب منتهی به نتایجی می‌شود که طرف مقابل آنرا خلاف مصلحت می‌داند، به همین دلیل است که در انتخابات مجلس و دولت و امثال اینها، رقابت‌ها فشرده‌تر و جدی‌تر گردیده و از طرف دیگر در مواضع کلی و اصولی انقلاب مانند دفاع از اسلام و محرومین و مبارزه با شرق و غرب آنقدر مواضع نزدیک و در حقیقت آمیخته است که چیزی بنام اختلاف مشاهده نمی‌شود و مزید بر

این مسئله همه می‌دانیم که اکثر رهبران و افراد مسئول این دو جریان از چهره‌های مبرز و شخصیتهایی هستند که بالاترین شاخص اعتبار آنان ارتباط طولانی با حضرتعالی در کسب فیض علمی و اخلاقی و سیاسی بوده است و هر کدام بگونه‌ای در انقلاب سهیم بوده‌اند و مهمتر از همه اینها اینکه درجریان تأییدات حضرتعالی می‌بینیم که اکثر افراد این دو جریان با هم مورد حمایت و عنایت بوده‌اند و هرگاه یکی از این دو جریان تأیید شده است مدتی بعد جریان دیگر تأیید گردیده و نمونه‌ها زیاد است، مثلاً وقتی افراد جامعه مدرسین یا سازمان تبلیغات حمایت می‌شوند در کنار آن افراد دفتر تبلیغات تأیید می‌گردند. از یک طرف شورای محترم نگهبان، از طرف دیگر شورای مصلحت، از یک سو جامعه روحانیت مبارز تهران، از طرف دیگر روحانیون مبارز، از یکسو آقای محتشمی و آقای نخست‌وزیر، از سوی دیگر آقای ناطق (نوری) و آذری (قمی)، برای حضرتعالی که در تعقیب اهداف بسیار بزرگتر از فکر و استعداد ما هستید مسأله روشن است، ولی متأسفانه ما نتوانسته‌ایم آن را درک و حل نمائیم و از آنجا که ما برای افکار و اندیشه‌های خود بدون تأیید ولایت هیچگونه اصالت و ارزش نمی‌شناسیم و شدیداً محتاج به رهبری و هدایت حضرتعالی می‌باشیم احساس می‌کنم که این مسأله از حوادث واقعه‌ای است که اکثر مردم و خصوصاً جوانان پرشور و انقلابی کشور و دانشگاهها و حوزه‌ها با آن مواجهند و حل این مسأله فقط از مسیر نظریات و رهنمودهای حضرت مستطاب عالی امکان‌پذیر می‌شود.

والامر الیکم

۶۷/۷/۲۹ محمدعلی انصاری کرمانی

متن پاسخ امام خمینی (ره) به این نامه به شرح زیر است:

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدعلی انصاری دامت افاضاته

نامهٔ شما را مطالعه کردم، مسأله‌ای را طرح کرده‌اید که پاسخ به آن کمی طولانی می‌گردد ولی از آن جا که من به شما علاقه‌مندم، شما را مردی متدین و دانا ـ البته کمی احساساتی ـ می‌دانم و از محبت‌های بی دریغت نسبت به من همیشه ممنونم. به عنوان نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی را تذکر می‌دهم:

کتاب‌های فقهاء بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباری‌ها و اصولی‌ها بگذریم. از آنجا که در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بی خبر بودند و اگر باخبر هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می‌توان تصور نمود که چون فقها با یکدیگر اختلاف‌نظر داشته‌اند ـ نعوذبالله ـ خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده‌اند؟ هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی به این بحث‌ها و مسائل است: مثلاً در مسألهٔ مالکیت و محدودهٔ آن، در مسألهٔ زمین و تقسیم بندی آن، در انفال و ثروت‌های عمومی، در مسائل پیچیدهٔ پول و ارز و بانکداری، در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی، در مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محیط زیست و سالم‌سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درخت‌ها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معضلات طبی همچون پیوند اعضای بدن انسان و غیر به انسان‌های دیگر، در مسألهٔ معادن زیرزمینی و روزمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمنه و امکنه مختلف در مسائل حقوقی و حقوق بین‌المللی و تطبیق آن با احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی آن در جوامع فاسد و غیراسلامی. حدود آزادی فردی و اجتماعی، برخورد با کفر و شرک و التقاط و بلوک تابع کفر و شرک، چگونگی انجام فرائض در سیرهوایی و فضائی و حرکت برخلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه

زمین و مهمتر از همه اینها ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسأله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ درمورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است فقهاء امروز باید برای آن فکری بنمایند. لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضاء می‌کند که نظرات اجتهادی فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد، ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد، بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضعگیری‌ها در حریم مسائل مذکور است تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد صرفاً سیاسی است، ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چراکه همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنانرا تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفاداراند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو جریان می‌خواهند سیطره و شر زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سرمردم کم کنند، هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق

بازار و خیابان زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو مـی‌خواهـند دزدی و ارتشـاء در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کنند. هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد، پس اختلاف بر سرچیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به این همه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند کـه مـوضع‌گیری‌ها بـاید بـه گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینهٔ انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غـرب و در رأس آن آمـریکای جـهانخوار و کـمونیسم و سوسیالیزم بین‌الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند.

هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شـمشیر عـدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کنند. دو جریان با کمال دوستی مراقب آمریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند، هر دو جریان باید مردم را هوشیار کـنند کـه درست است که آمریکای حیله گر دشمن شمارهٔ یک آنها است، ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حیله گری‌های این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که امریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند.

خداوندا؛ تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند. البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد ـ که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم ـ که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد. رئـیس جمهور و رئیس مجلس و نخست‌وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شـورای عـالی قـضایی و شـــورای نگـهبان، سـازمان تـبلیغات و دفـتر تـبلیغات، نـظامی و غـیرنظامی، روحـانی و غیرروحانی، دانشجو، غیردانشجو، زن و مرد نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه بـا آن

وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم.

اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرت‌ها برطرف می‌گردد، ولی این بدان معنا نیست که همهٔ افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومش اختلاف نیست. انتقاد به جا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر به حق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را برمصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آن که به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورت‌ها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القاء بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همهٔ توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.

البته می‌دانید که دولت و مجلس و گردانندگان بالای نظام هرگز اصول و داربست‌ها را نشکسته‌اند و از آن عدول نکرده‌اند. برای من روشن است که در نهاد هر دو جریان اعتقاد و عشق به خدا و خدمت به خلق نهفته است. با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابت‌ها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می‌کنم کشور ما در مرحلهٔ بازسازی و سازندگی به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند به همهٔ کسانی که دلشان برای احیای اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و نابودی اسلام آمریکایی می‌طپد، توفیق عنایت فرماید و شما و همه را در کنف عنایت و حمایت خویش محافظت فرماید و انشاءالله از انصار اسلام و محرومین باشید.

روح اله موسوی الخمینی

۶۷/۸/۱۰

برخی از دیدگاههای امام خمینی(ره) که در مورد جناحهای سیاسی در مناسبت‌های مختلف بیان شده است بشرح زیر است:

تاریخ: ۶۷/۲/۲۷

کد سند ۴ـ۲ـ۸ـ۴۳

"اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد این ناقص است.

البته دو تفکر هست باید هم باشد، دو رأی هست باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد. لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد. من عرض کردم مثل طلبه‌ها که با هم مباحثه می‌کنند، آن وقتی که مباحثه می‌کردند جار و جنجال جوری بود که انسان خیال می‌کرد دشمن هم هستند. وقتی مباحثه تمام می‌شد می‌نشستند به دوستی کردن و انس. اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد این ناقص است، اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد این مجلس ناقص است اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد. لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته بشویم، دشمن هم می‌آید، باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشید."

تاریخ ۶۷/۳/۷

کد سند ۴ـ۲ـ۸ـ۴۳

"اما چیزی که از همه اینها مهمتر است این که چه آنهایی که به مجلس راه یافته‌اند و خادم منتخب شده‌اند و چه آنها که به وظیفه خود عمل نموده‌اند ولی به مجلس راه نیافته‌اند و همچنین طرفداران هر دو گروه باید بدانند که همه این امور اعتباری و زودگذر است و همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ماندنی است اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می‌شود، صفای معنویت و ثمرات خلوص بندگی است و ما هم نباید خلوص عمل و جامعه اسلامی خودمان را بـه زنگـار کـدورت و اخـتلافات آلوده کـنیم و رقابت‌های گذشته انتخاباتی هم هرگز نباید موجبات تفرقه و جدایی را فراهم آورد."

تاریخ ۶۷/۱/۱۷

کد سند ۴ـ۲ـ۸ـ۴۳

"من اخطار می‌کنم به تمام کسانی که دفتر هستند و یا در دفتر و منزل اینجانب می‌آیند که باید با کمال بی‌نظری عمل کنند و هیچ گفتار یا کرداری که از آن انتزاع طرفداری از اشخاص یا گروهها و مخالفت با اشخاص یا گروه‌ها گردد بجا نیاورند و تخلف از این امر مخالف شرع و مصلحت انقلاب اسلامی است و کسانی که بخواهند تخلف کنند نباید در دفتر یا منزل اینجانب بمانند."

ضمیمه:

مطبوعات متمایل یا وابسته به احزاب و گروهها

۱ـ جامعه روحانیت مبارز

الف) کیهان ـ نوع و روش: سیاسی، خبری، اجتماعی، انتقادی، ادبی صاحب امتیاز: عبدالرحمن فرامرزی، مصطفی مصباح‌زاده. مدیر مسئول: مصطفی مصباح زاده و عبدالرحمن فرامرزی. سردبیر: فرامرزی، مشفق همدانی، حسینقلی مستعان، سیدحسن عدل، نصیر امینی، عبدالرسول عظیمی، مهدی سمسار، امیر طاهری. تاریخ انتشار: ۱۳۲۱ محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزانه، مدیر مسئول بعد از انقلاب: ابتدا سیدمحمد خاتمی، سیدمحمد اصغری، مهدی نصیری و اکنون حسین شریعتمداری.

ب) رسالت ـ نوع و روش: سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، صاحب امتیاز: بنیاد رسالت، آیت الله احمد آذری قمی. مدیر مسئول: آیت الله احمدآذری قمی و سپس سیدمرتضی نبوی. تاریخ انتشار: ۱۳۶۶. محل انتشار: تهران، فاصله انتشار: روزانه

د) جمهوری اسلامی ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: آیت الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای. مدیرمسئول: مسیح مهاجری. سردبیر:

مسیح مهاجری. تاریخ انتشار: ۱۳۵۸/۸/۱۹. محل انتشار: تهران، فاصله انتشار: روزانه.

ح) **قدس ـ نوع و روش:** سیاسی، مسائل اجتماعی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: آستان قدس رضوی. مدیر مسئول: سیدجلال فیاضی. سردبیر: سیدجلال فیاضی. تاریخ انتشار: ۱۳۶۵/۱۲/۲۴. محل انتشار: مشهد. فاصله انتشار: روزانه.

ه) **پرتو سخن ـ نوع و روش:** سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی. صاحب امتیاز: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). مدیرمسئول: ابوالحسن حقانی. سردبیر: محمود دهقان. تاریخ انتشار: ۱۳۷۸/۹/۱۵. محل انتشار: قم. فاصله انتشار: هفته نامه.

و) **حریم ـ نوع و روش:** فرهنگی، مسائل اجتماعی، تحلیلی، خبری، اطلاع رسانی. صاحب امتیاز: حسن اختری. مدیرمسئول: حسن اختری. تاریخ انتشار: ۱۳۷۷/۱۱/۱۹. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته نامه.

ح) **سیاست ـ نوع و روش:** سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی، تحلیلی، خبری، اطلاع رسانی. صاحب امتیاز: علی یوسف‌پور. مدیرمسئول: علی یوسف‌پور. سردبیر: سعید امیریان هاشمی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۷/۴/۷. محل چاپ: تهران. فاصله انتشار: هفته نامه.

۲ـ مجمع روحانیون مبارز

الف) **سلام ـ نوع و روش:** سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، صاحب امتیاز: سیدمحمدموسوی خوئینی‌ها. مدیرمسئول: سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها. تاریخ انتشار: ۱۳۷۰. تاریخ اخذ مجوز: ۱۳۶۹/۷/۱۵. محل انتشار: تهران، فاصله انتشار: روزنامه.

ب) **بیان ـ نوع و روش:** سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، صاحب امتیاز: سیدعلی اکبر محتشمی‌پور. مدیرمسئول: سیدعلی اکبر محتشمی‌پور. تاریخ انتشار: ۱۳۷۸/۷/۵. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ج) **آفتاب یزد ـ نوع و روش:** سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، اطلاع رسانی. صاحب امتیاز: محمود حسینی. مدیرمسئول: منصور مظفری. سردبیر: محمود حسینی و اکنون سیدمجتبی واحدی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۸. تاریخ اخذ مجوز: ۱۳۷۷/۱۱/۲۶. محل چاپ: یزد ـ تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

د) حیات نـو ـ نـوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی. صاحب امتیاز: سیدهادی خامنه‌ای. مدیرمسئول: سیدهادی خامنه‌ای. تاریخ انتشار: اردیبهشت ماه ۱۳۷۹. تاریخ اخذ مجوز: ۱۳۷۸/۹/۱۳. محل چاپ: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

۳ـ حزب کارگزاران سازندگی

الف) هم میهن ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، آموزشی، اطلاع رسانی. صاحب امتیاز: غلامحسین کرباسچی. مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۸. تاریخ مجوز: ۱۳۷۷/۱۲/۲۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ب) همشهری ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: شهرداری تهران. مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی و اکنون مرتضی الویری، سردبیر: محمدعطریانفر. تاریخ انتشار: ۷۱/۹/۲۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ج) زن ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، اطلاع‌رسانی. صاحب امتیاز: فائزه هاشمی بهرمانی. مدیرمسئول: فائزه هاشمی بهرمانی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۷/۵/۳. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

د) ایران ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. مدیر مسئول: فریدون وردی‌نژاد و اکنون حسین ضیائی. سردبیر: غلامحسین اسلامی‌فرد. تاریخ انتشار: ۱۳۷۳/۱۱/۱. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

۴ـ جبهه مشارکت ایران اسلامی

الف) مشارکت ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، آموزشی، اطلاع رسانی. صاحب امتیاز: محمدمهدی محمودی. مدیرمسئول: سیداحمد زرهانی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۷/۹/۲.

ب) صبح امروز ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری،

اطلاع‌رسانی. صاحب امتیاز: سعید حجاریان کاشانی. مدیرمسئول: سعید حجاریان کاشانی. تاریخ انتشار: ۷۷/۹/۲۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ج) آفتاب امروز ـ نوع و روش: مسائل اجتماعی، فرهنگی، طنز و سرگرمی سالم، ورزشی، معلومات عمومی، تحلیلی، آموزشی. صاحب امتیاز: فریدون عموزاده خلیلی. مدیرمسئول: فرهت‌فردنیا. سردبیر: اصغر رمضان‌زاده. تاریخ انتشار: ۷۶/۱۰/۱۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

د) بهار ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، معلومات عمومی، سینما، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: سعید پورعزیزی. مدیرمسئول: سعید پورعزیزی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۴/۱۲/۲.

۵ـ جمعیت مؤتلفه اسلامی

الف) شما ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، آموزشی، اطلاع رسانی. صاحب امتیاز: جمعیت مؤتلفه اسلامی. مدیرمسئول: اسداله بادامچیان. تاریخ انتشار: ۷۵/۱۱/۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته نامه ـ روزنامه.

ب) رسالت ـ رجوع شود به جامعه روحانیت مبارز

۶ـ نهضت آزادی ایران

الف) میزان ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: اسمعیل یزدی. مدیرمسئول: رضا صدر. سردبیر: رضا صدر. تاریخ انتشار: تیرماه ۱۳۵۹.

ب) جامعه ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: حمیدرضا جلائی‌پور. مدیرمسئول: حمیدرضا جلایی‌پور. سردبیر: ماشاءاله شمس‌الواعظین. تاریخ انتشار: اسفند ۱۳۷۶. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ج) توس ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی، سینما. صاحب امتیاز: محمدصادق جوادی حصار. مدیرمسئول: محمدصادق جوادی حصار. تاریخ انتشار: ۷۰/۱۲/۲۹. محل انتشار: مشهد ـ تهران. فاصله انتشار: هفته نامه و سپس روزنامه.

د) عصر آزادگان ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، ورزشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی. صاحب امتیاز: غفور گرشاسبی. مدیرمسئول: غفور گرشاسبی. تاریخ انتشار: ۷۷/۵/۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ج) آزاد ـ نوع و روش: اجتماعی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: محمدرضا یزدان پناه فدایی. مدیرمسئول: محمدرضا یزدان پناه فدایی. تاریخ انتشار: ۷۸/۱/۱۴.

د) پیام آزادی ـ نوع و روش: اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: داوود بهرامی سیاوشانی. مدیرمسئول: داوود بهرامی سیاوشانی. تاریخ انتشار: ـ/۶۷/۷. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ه) نشاط ـ نوع و روش: اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز و مدیرمسئول: لطیف صفری. تاریخ انتشار: ۷۳/۱۲/۸. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزانه.

۷ـ سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

الف) عصرما ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران. مدیرمسئول: محمدسلامتی. سردبیر: محسن آرمین. تاریخ انتشار: اوایل سال ۱۳۷۳. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته‌نامه.

۸ـ حزب اسلامی کار

الف) کار و کارگر ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: علی ربیعی. مدیرمسئول: مرتضی لطفی. سردبیر: مرتضی لطفی. تاریخ انتشار: ۷۳/۱۱/۲۶. تاریخ اخذ مجوز: ۶۹/۷/۵. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

۹ـ حزب همبستگی ایران اسلامی

الف) همبستگی ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، اطلاع‌رسانی. صاحب امتیاز: حزب همبستگی ایران اسلامی. مدیرمسئول: غلام‌حیدری ابراهیم‌بای سلامی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۸/۴/۱ به صورت هفته‌نامه و اواسط سال ۱۳۷۹ به صورت روزنامه. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته نامه و سپس روزنامه.

۱۰ـ جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی

الف) بولتن داخلی ـ خبرنامه

ب) رسالت ـ رجوع شود به جامعه روحانیت مبارز.

۱۱ـ دفتر تحکیم وحدت

الف) بولتن داخلی

۱۲ـ چکاد آزاداندیشان

الف) آفرینش ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: عبدالله جعفر علی جاسبی. مدیرمسئول: عباس جعفرعلی جاسبی. تاریخ انتشار: تیرماه ۱۳۷۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ب) خراسان ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی. صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمدصادق تهرانیان و اکنون کمیته امداد امام خمینی(ره). مدیرمسئول: ابوالفضل موسویان و اکنون حسین غزالی. سردبیر: حسین غزالی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۲ و پس از شروع مجدد در ۱۳۷۱. محل انتشار: مشهد و تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

ج) انتخاب ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، اطلاع‌رسانی. صاحب امتیاز: سیدطه هاشمی. مدیرمسئول: سیدطه هاشمی. سردبیر: محمدمهدی فقیهی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۸/۲/۲۱. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه.

د) قدس ـ نوع و روش: رجوع شود به جامعه روحانیت مبارز.

۱۳ـ نیروهای ملی و مذهبی (گروه ایران فردا)

الف) ایران فردا ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: عزت‌اله سحابی. مدیرمسئول: عزت‌اله سحابی. سردبیر: رضا علیجانی. تاریخ انتشار: اوایل سال ۱۳۷۱. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: ماهنامه ـ هفته نامه.

ب) جامعه ـ رجوع به نهضت آزادی.

ج) عصر آزادگان ـ رجوع به نهضت آزادی.

د) توس ـ رجوع به نهضت آزادی.

س) چشم انداز ایران ـ نوع و روش: سیاسی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: لطف‌اله میثمی. مدیرمسئول: لطف‌اله میثمی. تاریخ انتشار: ۱۳۶۱. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته نامه.

۱۴ـ جنبش مسلمانان مبارز

الف) امت ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: جنبش مسلمانان مبارز. مدیرمسئول: نامعلوم. تاریخ انتشار: فروردین ۱۳۵۸. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته نامه.

۱۵ـ انصار حزب الله

الف) یالثارات الحسین(ع) ـ نوع و روش: فرهنگی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی انصار حزب‌الله. مدیرمسئول: عبدالحمید محتشم. تاریخ انتشار: بهمن‌ماه ۱۳۷۲. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: ماهنامه و سپس هفته نامه.

ب) نوای شلمچه ـ نوع و روش: سیاسی،فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، آموزشی، اطلاع‌رسانی، پژوهشی. صاحب امتیاز: مسعود ده‌نمکی. مدیرمسئول: مسعود ده‌نمکی. تاریخ انتشار: ۷۵/۸/۱۴. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته نامه.

ج) فکه ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبیات داستانی، تحلیلی، خبری، آموزشی، اطلاع‌رسانی، پژوهشی. صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری جنات فکه. مدیرمسئول: علی حسین‌پور. تاریخ انتشار: ۱۳۷۸/۲/۲۰. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: ماهنامه.

د) جبهه ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبیات داستانی. صاحب امتیاز: احمد کاظم‌زاده. مدیرمسئول و سردبیر: محمدکاظم زاده. تاریخ انتشار: ۱۳۷۷/۱۲/۸. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه ـ هفته نامه.

۱۶ـ جمعیت زنان جمهوری اسلامی

الف) ندا ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تحلیلی، آموزشی. صاحب امتیاز: جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران. مدیرمسئول: زهرا مصطفوی سردبیر: فرشته اعرابی.

تاریخ انتشار: ۱۳۷۰. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: فصلنامه.

۱۷ـ جامعه زینب(س)

الف) کیهان ـ رجوع شود به جامعه روحانیت

ب) رسالت ـ رجوع شود به جامعه روحانیت

ج) شما ـ رجوع شود به جمعیت مؤتلفه

۱۸ـ جامعه زنان انقلاب اسلامی

الف) پیام هاجر ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی،اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: اعظم علایی طالقانی. مدیرمسئول و سردبیر: اعظم علایی طالقانی. تاریخ انتشار: ۱۳۷۴. تاریخ اخذ مجوز: ۱۳۵۹/۲/۱۵. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: ماهنامه و اکنون هفته نامه.

ب) جامعه نو ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، اطلاع‌رسانی. صاحب امتیاز: فاطمه کمالی احمد سرایی. مدیرمسئول: فاطمه کمالی احمدسرایی. سال انتشار: ۱۳۷۹. تاریخ مجوز: ۱۳۷۸/۱۰/۱۳.

۱۹ـ جامعه اسلامی مهندسین

الف) جام ـ نوع و روش: سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری. صاحب امتیاز: جامعه اسلامی مهندسین. مدیرمسئول: سیدمرتضی نبوی و سپس محمدرضا باهنر. سردبیر: محمدحسین ملایری. تاریخ انتشار: ۱۳۷۰/۱۲/۰۰. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته‌نامه.

ب) رسالت ـ رجوع شود به جامعه روحانیت مبارز.

۲۰ـ حزب ملت ایران

الف) آرمان ملت ـ نوع و روش: سیاسی، خبری. صاحب امتیاز: امیرسلیمان عظیما. تاریخ انتشار: ۱۳۳۲ و سپس ۱۳۵۹. محل نشر: تهران. فاصله انتشار: روزانه.

ب) آپادانا ـ نوع و روش: ادبی، فرهنگی، هنری. صاحب امتیاز: امیرسلیمان عظیما. سردبیر: ابوالقاسم مسعودی. تاریخ انتشار: ۱۳۲۹ و ۱۳۳۲. محل نشر: تهران. فاصله انتشار:

هفتگی ـ روزانه.

ج) ندای پان ایرانیسم ـ نوع و روش: سیاسی، خبری. صاحب امتیاز: حسن کام‌بخش. مدیر مسئول: امیر سلیمان عظیما. تاریخ انتشار: ۱۳۲۹. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: روزنامه و یا سه بار در هفته.

د) اتحاد بزرگ ـ اطلاع دقیقی در دست نیست.

۲۱ـ جمعیت دفاع از ارزشها

الف) ارزشها ـ نوع و روش: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تحلیلی، خبری، اطلاع‌رسانی. صاحب امتیاز: محمد محمدی‌نیک (ری‌شهری) و اکنون احمد پورنجاتی. مدیر مسئول: احمد پورنجاتی. تاریخ انتشار: ۷۵/۷/۱۸. محل انتشار: تهران. فاصله انتشار: هفته‌نامه.

۲۲ـ حزب اعتدال و توسعه

الف) ایران ـ رجوع شود به حزب کارگزاران سازندگی ایران.

ب) انتخاب ـ رجوع شود به حزب چکاد آزاداندیشان.

احزاب سیاسی در یک نگاه

نام گروه یا حزب	نام دبیرکل	تاریخ شروع فعالیت	تاریخ دریافت مجوز
جامعه روحانیت مبارز	محمدرضا مهدوی کنی	۱۳۵۷	ندارد
مجمع روحانیون مبارز	مهدی کروبی	۱۳۶۷	۶۸/۴/۱۲
حزب کارگزاران سازندگی ایران	غلامحسین کرباسچی	۱۳۷۴	۷۸/۵/۲۵
جبهه مشارکت ایران اسلامی	محمدرضا خاتمی	۱۳۷۷	۷۷/۱۲/۱
جمعیت مؤتلفه اسلامی	حبیب‌اله عسگراولادی	۱۳۴۲	۶۹/۹/۲۱
نهضت آزادی ایران	ابراهیم یزدی	۱۳۴۰	ندارد
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران	محمد سلامتی	۱۳۵۳	۷۰/۷/۱۰
حزب اسلامی کار	ابوالقاسم سرحدی‌زاده	۱۳۷۷	۷۷/۱۱/۵
حزب همبستگی ایران اسلامی	محمدرضا راه‌چمنی	۱۳۷۶	۷۷/۴/۲۰
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	حسین فدائی آشیانی	۱۳۷۷	۷۸/۵/۵
دفتر تحکیم وحدت	علی افشار	۱۳۵۷	ندارد
حزب چکاد آزاداندیشان	کامران دانشجو (سخنگو)	۱۳۷۸	احزاب ائتلافی مجوز دارند.
نیروهای ملی-مذهبی (ایران فردا)	عزت‌اله سحابی (عضو برجسته)	۱۳۲۰	ندارد
جنبش مسلمانان مبارز	حبیب‌اله پیمان	۱۳۵۶	ندارد
انصار حزب الله	عبدالحمید محتشم	۱۳۷۰	۷۳/۹/۲۹
جمعیت زنان جمهوری اسلامی	زهرا مصطفوی	۱۳۶۵	۶۸/۴/۱۲
حزب جامعه زینب (س)	منیره نوبخت	۱۳۶۵	۷۰/۸/۲۰
جامعه زنان انقلاب اسلامی	اعظم علایی طالقانی	۱۳۵۷	۷۱/۹/۴
جامعه اسلامی مهندسین	محمدرضا باهنر	۱۳۶۶	۷۰/۳/۸
حزب ملت ایران	خسرو سیف (سرپرست)	۱۳۳۰	ندارد
جمعیت دفاع از ارزشها	محمد محمدی ری‌شهری	۱۳۷۴	۷۶/۷/۲۲
حزب اعتدال و توسعه	محمدباقر نوبخت (سخنگو)	۱۳۷۸	---

گرایش عقیدتی گروهها و احزاب سیاسی

نام گروه یا حزب	مذهبی	ملی - مذهبی	ملی
جامعه روحانیت مبارز	×		
مجمع روحانیون مبارز	×		
حزب کارگزاران سازندگی ایران	×		
جبهه مشارکت ایران اسلامی	×		
جمیعت مؤتلفه اسلامی	×		
نهضت آزادی ایران		×	
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران	×		
حزب اسلامی کار	×		
حزب همبستگی ایران اسلامی	×		
دفتر تحکیم وحدت	×		
حزب چکاد آزاداندیشان	×		
نیروهای ملی - مذهبی(ایران‌فردا)		×	
جنبش مسلمانان مبارز		×	
انصار حزب‌الله	×		
جمعیت زنان جمهوری اسلامی	×		
حزب جامعه زینب(س)	×		
جامعه زنان انقلاب اسلامی		×	
جامعه اسلامی مهندسین	×		
حزب ملت ایران			×
جمعیت دفاع از ارزشها	×		
حزب اعتدال و توسعه	×		

دیدگاه گروهها و احزاب سیاسی در مورد اخذ مجوز از وزارت کشور

نام گروه یا حزب	دارای مجوز تأسیس حزب از وزارت کشور می‌باشیم.	تشکیل صنفی هستیم و نیاز به اخذ مجوز از وزارت کشور نداریم.	مجوز نداریم اما مطابق قانون اساسی فعالیت احزاب آزاد است.
جامعه روحانیت مبارز		×	
مجمع روحانیون مبارز	×		
حزب کارگزاران سازندگی ایران	×		
جبهه مشارکت ایران اسلامی	×		
جمعیت مؤتلفه اسلامی	×		
نهضت آزادی ایران			
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی	×		
حزب اسلامی کار	×		
حزب همبستگی ایران اسلامی	×		
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	×		
دفتر تحکیم وحدت		×	
حزب چگاد آزاداندیشان	×		
نیروهای ملی-مذهبی (ایران فردا)			×
جنبش مسلمانان مبارز			×
انصار حزب‌الله	مجوز فعالیت فرهنگی از وزارت ارشاد و اداره ثبت دارند.	×	
جمعیت زنان جمهوری اسلامی	×		
حزب جامعه زینب(س)	×		
جامعه زنان انقلاب اسلامی	×		
جامعه اسلامی مهندسین	×		
حزب ملت ایران			×
جمعیت دفاع از ارزشها	×		
حزب اعتدال و توسعه	×		

دیدگاه اقتصادی گروهها و احزاب مختلف

نام گروه یا حزب	اقتصاددولتی(چپ)	اقتصادی‌نیمه‌دولتی	بازارآزاد(راست)
جامعه روحانیت مبارز			×
مجمع روحانیون مبارز	×		
حزب کارگزاران سازندگی ایران			×
جبهه مشارکت ایران اسلامی		×	
جمعیت مؤتلفه اسلامی			×
نهضت آزادی ایران			×
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران	×		
حزب اسلامی کار	×		
حزب همبستگی ایران اسلامی		×	
جمعیت ایثارگران انقلاب‌اسلامی			×
دفتر تحکیم وحدت	×		
حزب چکاد آزاداندیشان			×
نیروهای ملی - مذهبی (ایران‌فردا)		×	
جنبش مسلمانان مبارز	×		
انصار حزب‌الله	×		
جمعیت زنان جمهوری‌اسلامی			
حزب جامعه زینب(س)			×
جامعه زنان انقلاب اسلامی			×
جامعه اسلامی مهندسین			×
حزب ملت ایران		×	
جمعیت دفاع از ارزشها		×	
حزب اعتدال و توسعه			×

دیدگاه فرهنگی گروهها و احزاب مختلف

نام گروه یا حزب	کنترل شدید دولت در عرصه فرهنگی	آزادی بیان در عرصه فرهنگی واعمال کنترل متعادل دولت	گسترش آزادی بیان در عرصه فرهنگی
جامعه روحانیت مبارز	×		
مجمع روحانیون مبارز		×	
حزب کارگزاران سازندگی ایران			×
جبهه مشارکت ایران اسلامی			×
جمعیت مؤتلفه اسلامی	×		
نهضت آزادی ایران			
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی			×
حزب اسلامی کار			
حزب همبستگی ایران اسلامی			
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	×		
دفتر تحکیم وحدت			×
حزب چکادآزاداندیشان		×	
نیروهای ملی - مذهبی (ایران‌فردا)			×
جنبش مسلمانان مبارز			×
انصارحزب‌الله	×		
جمعیت زنان جمهوری اسلامی		×	
حزب جامعه زینب(س)	×		
جامعه زنان انقلاب اسلامی			×
جامعه اسلامی مهندسین		×	
حزب ملت ایران			×
جمعیت دفاع از ارزشها		×	
حزب اعتدال وتوسعه		×	

دیدگاه گروهها و احزاب مختلف در مورد اصلاحات

نام گروه یا حزب	اصلاحات مطابق اصول و ارزشهای انقلاب و اسلام	اصلاحات تدریجی و قانونمند	اصلاحات سریع مطابق قانون و درخواست مردم
جامعه روحانیت مبارز	×		
مجمع روحانیون مبارز		×	
حزب کارگزاران سازندگی ایران		×	
جبهه مشارکت ایران اسلامی			×
جمعیت مؤتلفه اسلامی	×		
نهضت آزادی ایران			×
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی			×
حزب اسلامی کار		×	
حزب همبستگی ایران اسلامی		×	
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	×		
دفتر تحکیم وحدت			×
حزب چکادآزاداندیشان		×	
نیروهای ملی - مذهبی (ایرانفردا)			×
جنبش مسلمانان مبارز			×
انصارحزب‌الله	×		
جمعیت زنان جمهوری اسلامی		×	
حزب جامعه زینب(س)	×		
جامعه زنان انقلاب اسلامی			×
جامعه اسلامی مهندسین	×		
حزب ملت ایران			×
جمعیت دفاع از ارزشها	×		
حزب اعتدال و توسعه		×	

دیدگاه گروهها و احزاب مختلف نسبت به ولایت فقیه

نام گروه یا حزب	ولایت مطلقه فقیه را قبول داریم	ولایت فقیه که جزء اصول قانون اساسی است را قبول داریم.	به ولایت فقیه اعتقاد نداریم اما آنرا مطابق قانون اساسی می‌پذیریم.
جامعه روحانیت مبارز	×		
مجمع روحانیون مبارز		×	
حزب کارگزاران سازندگی ایران		×	
جبهه مشارکت ایران اسلامی		×	
جمعیت مؤتلفه اسلامی	×		
نهضت آزادی ایران			×
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی		×	
حزب اسلامی کار		×	
حزب همبستگی ایران اسلامی		×	
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی		×	
دفتر تحکیم وحدت		×	
حزب چکادآزاداندیشان		×	
نیروهای ملی - مذهبی (ایران‌فردا)			×
جنبش مسلمانان مبارز			×
انصارحزب‌الله	×		
جمعیت زنان جمهوری اسلامی		×	
حزب جامعه زینب(س)	×		
جامعه زنان انقلاب اسلامی		×	
جامعه اسلامی مهندسین	×		
حزب ملت ایران			×
جمعیت دفاع از ارزشها	×		
حزب اعتدال و توسعه		×	

گرایش سیاسی گروهها و احزاب مختلف

نام گروه یا حزب	راست	نه چپ نه راست	چپ	ملی‌گرا
جامعه روحانیت مبارز	×			
مجمع روحانیون مبارز			×	-
حزب کارگزاران سازندگی ایران	×			-
جبهه مشارکت ایران اسلامی			×	-
جمعیت مؤتلفه اسلامی	×			-
نهضت آزادی ایران	×			×
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی			×	-
حزب اسلامی کار			×	-
حزب همبستگی ایران اسلامی			×	-
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	×			-
دفتر تحکیم وحدت			×	-
حزب چکادآزاداندیشان	×			-
نیروهای ملی - مذهبی (ایران‌فردا)		×		×
جنبش مسلمانان مبارز			×	×
انصارحزب‌الله	×			-
جمعیت زنان جمهوری اسلامی			×	-
حزب جامعه زینب(س)	×			-
جامعه زنان انقلاب اسلامی		×		×
جامعه اسلامی مهندسین	×			-
حزب ملت ایران		×		×
جمعیت دفاع از ارزشها		×		-
حزب اعتدال و توسعه	×			-

دیدگاه گروهها واحزاب مختلف در مورد فعالیت احزاب

نام گروه یا حزب	احزاب خودی و غیرخودی وجود دارنده و گروههای خودی حق فعالیت دارند.	احـزاب معاند و غیرمعاند وجود دارند. احزاب غیر معاند می‌توانند فعالیت کنند.	مطابق قانون اساسی فعالیت همه احزاب مجاز است مگر گروههایی که به کشور خیانت کرده باشند.
جامعه روحانیت مبارز	×		
مجمع روحانیون مبارز		×	
حزب کارگزاران سازندگی ایران		×	
جبهه مشارکت ایران اسلامی		×	
جمعیت مؤتلفه اسلامی	×		
نهضت آزادی ایران			×
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی		×	
حزب اسلامی کار		×	
حزب همبستگی ایران اسلامی		×	
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی		×	
دفتر تحکیم وحدت		×	
حزب چکادآزاداندیشان		×	
نیروهای ملی - مذهبی (ایران‌فردا)			×
جنبش مسلمانان مبارز			×
انصارحزب‌الله	×		
جمعیت زنان جمهوری اسلامی		×	
حزب جامعه زینب(س)	×		
جامعه زنان انقلاب اسلامی			×
جامعه اسلامی مهندسین	×		
حزب ملت ایران			×
جمعیت دفاع از ارزشها	×		
حزب اعتدال و توسعه		×	

دیدگاه گروهها و احزاب در مورد سیاست خارجی

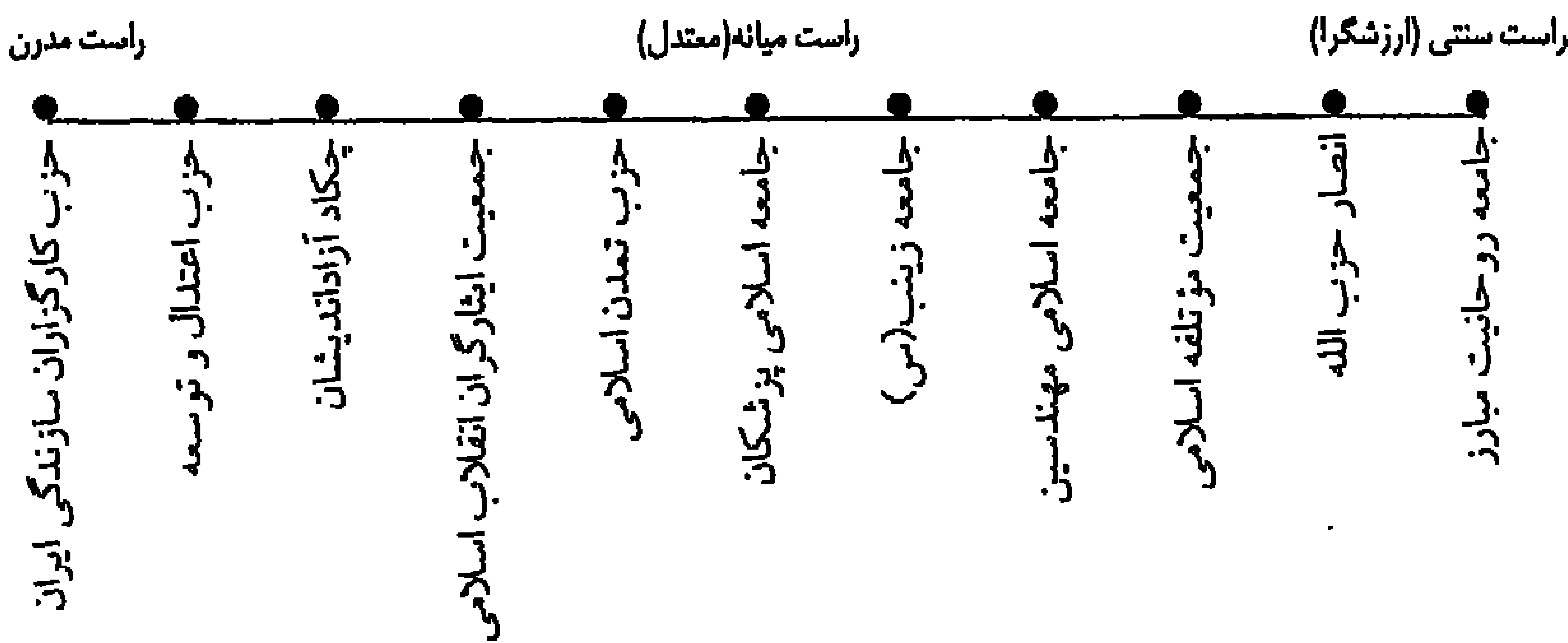
نام گروه یا حزب	برقرای رابطه با حفظ اصول و ارزشهای اسلامی و استکبارستیزی و حفظ منافع جهان اسلام	برقراری رابطه براساس احترام متقابل و اصول انقلاب و منافع ملی	برقراری رابطه برطبق حفظ منافع ملی
جامعه روحانیت مبارز	×		
مجمع روحانیون مبارز		×	
حزب کارگزاران سازندگی ایران		×	
جبهه مشارکت ایران اسلامی		×	
جمعیت مؤتلفه اسلامی		×	
نهضت آزادی ایران		×	×
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی		×	
حزب اسلامی کار		×	
حزب همبستگی ایران اسلامی		×	
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی		×	
دفتر تحکیم وحدت		×	
حزب چکادآزاداندیشان		×	
نیروهای ملی - مذهبی (ایرانفردا)			×
جنبش مسلمانان مبارز			×
انصارحزب‌الله	×		
جمعیت زنان جمهوری اسلامی		×	
حزب جامعه زینب(س)		×	
جامعه زنان انقلاب اسلامی		×	
جامعه اسلامی مهندسین		×	
حزب ملت ایران			×
جمعیت دفاع از ارزشها	×		
حزب اعتدال و توسعه		×	

خاستگاه و طبقات اجتماعی گروهها و احزاب سیاسی

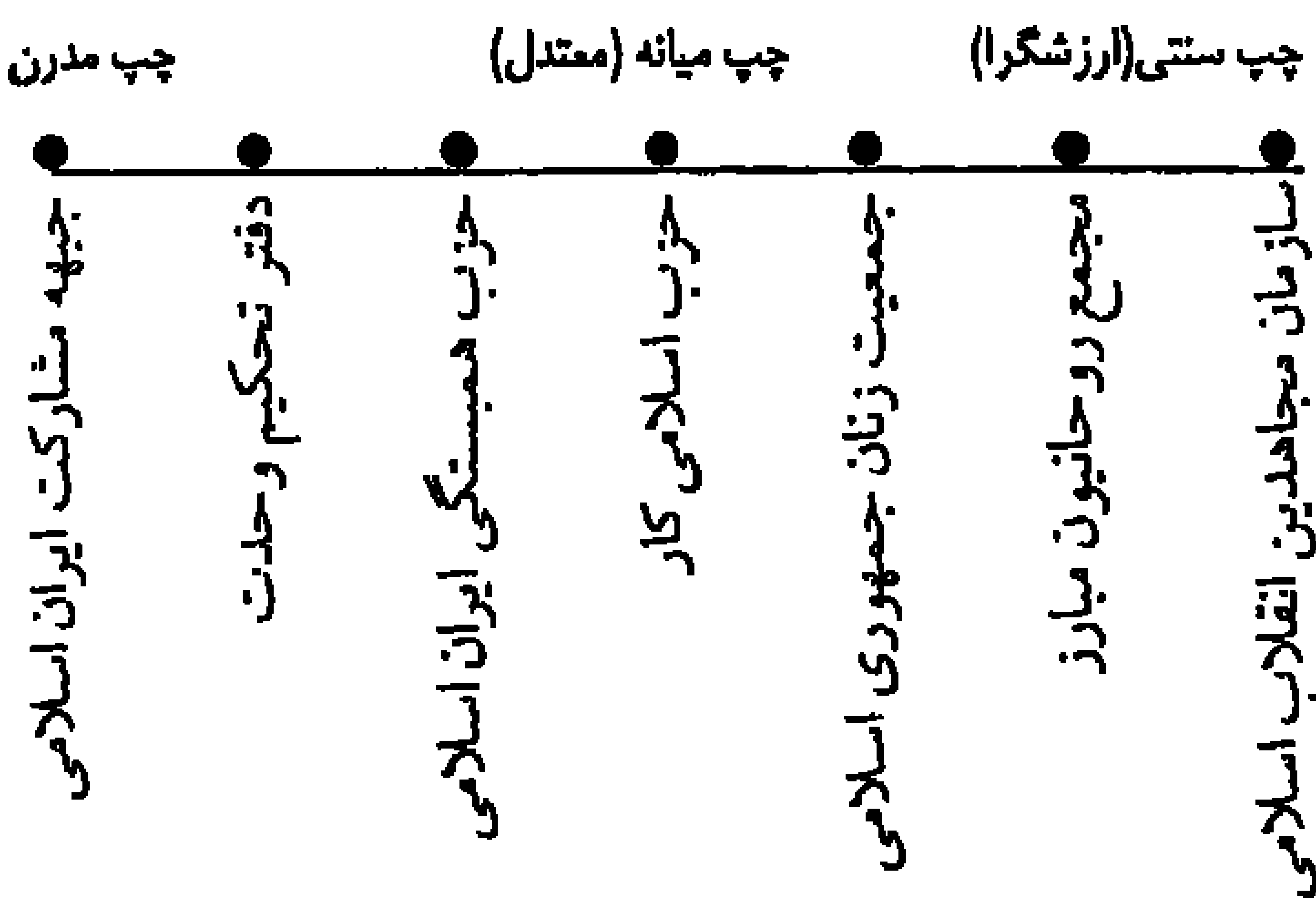
نام گروه یا حزب	تودههای مردم	روحانیون	روشنفکران و قشر دانشگاهی	تکنوکراتها کارشناسان اقتصادی	چهرههای سیاسی و مدیران سیاسی کشور
جامعه روحانیت مبارز		×			
مجمع روحانیون مبارز		×			
حزب کارگزاران سازندگی ایران				×	
جبهه مشارکت ایران اسلامی					×
جمعیت مؤتلفه اسلامی	×				
نهضت آزادی ایران			×		
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی			×		
حزب اسلامی کار	×				
حزب همبستگی ایران اسلامی					×
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	×				
دفتر تحکیم وحدت					
حزب چکادآزاداندیشان			×		
نیروهای ملی - مذهبی (ایرانفردا)			×		
جنبش مسلمانان مبارز			×		
انصارحزبالله	×				
جمعیت زنان جمهوری اسلامی					×
حزب جامعه زینب(س)	×				
جامعه زنان انقلاب اسلامی	×				
جامعه اسلامی مهندسین				×	
حزب ملت ایران			×		
جمعیت دفاع از ارزشها					×
حزب اعتدال وتوسعه				×	

دسته بندی نیروهای سیاسی طیف چپ و راست براساس دیدگاههای سیاسی

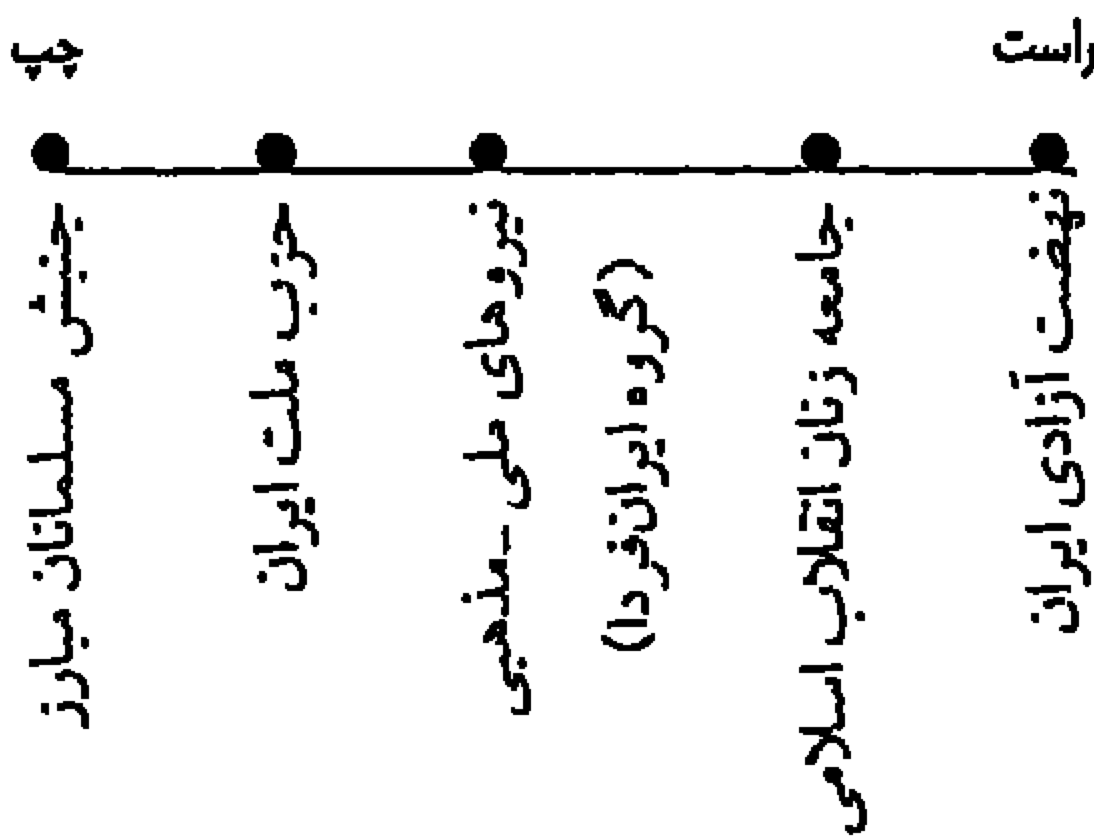
احزاب طیف راست مذهبی



احزاب طیف چپ مذهبی



احزاب ملی و ملی ـ مذهبی



منابع و مأخذ

کتابها:

۱ـ دانشنامه سیاسی - داریوش آشوری.

۲ـ تاریخ معاصر ایران - اسناد نهضت آزادی ایران جلد ۹ و ۱۱.

۳ـ ماهنامه گزارش، شماره‌های ۸۹، ۹۱، ۹۳.

۴ـ فصلنامه ندا - ارگان جمعیت زنان جمهوری اسلامی، شماره‌های ۲۸، ۲۵، ۱۷ و ۱۸، ۶، ۲.

۵ـ دگرگونی سیاسی و اصلاحات دموکراتیک - گفتگو با غلامحسین کرباسچی و سیدحسین مرعشی - حزب کارگزاران سازندگی ایران.

۷ـ رسوائی استبداد در دفاعیات مهندس بازرگان، نهضت آزادی ایران، انتشارات مدرس.

۸ـ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با اصلاحات شورای بازنگری قانون اساسی، مصوب ۱۳۶۸.

۹ـ ۴۳۶ روز با اصلاحات - مجموعه بیانیه‌های حزب اسلامی کار از ۷۹/۲/۱۰ الی ۷۹/۱۱/۲۹.

۱۰ـ چه می‌خواهیم و چه می‌جوئیم؟ حبیب اله پیمان، جنبش مسلمانان مبارز

۱۱ـ خبرنامه ارگان جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی. شماره ۴۵ و ۴۴.

۱۲ـ رهیافتی اجتماعی و تاریخی در شناخت «حزب» و «جبهه» - دکتر ناصر تکمیل همایون.

روزنامه‌ها، هفته نامه وماهنامه

۱- روزنامه رسالت.

۲- هفته نامه شما ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی.

۳- روزنامه ایران.

۴- روزنامه صبح امروز.

۵- روزنامه بیان.

۶- روزنامه بهار.

۷- هفته نامه امت، ارگان جنبش مسلمان مبارز.

۸- هفته نامه جام، ارگان جامعه اسلامی مهندسین.

۹- روزنامه آفتاب امروز.

۱۰- هفته نامه عصر ما، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران.

۱۱- ماهنامه ایران فردا، گروه ایران فردا.

۱۲- روزنامه عصر آزادگان.

۱۳- روزنامه انتخاب.

۱۴- روزنامه خراسان.

۱۵- ماهنامه پیام هاجر.

۱۶- هفته نامه یالثارات الحسین.

۱۷- هفته نامه صدای عدالت.

۱۸- روزنامه آفرینش.

۱۹- اساسنامه و مرامنامه احزاب و تشکلهای سیاسی ایران.

نمایه

شابک: ۹۶۴-۶۵۹۵-۲۳-۵



قیمت: ۳۰۰۰ تومان